

ویژه نامه

رجعت نور

به مناسبت بدرقه امام مجاهد شهید

تیرماه ۱۴۰۵ | پژوهشگاه علوم و معارف انقلاب اسلامی

خونخواهی بخشی از منطق
بازدارندگی و استمرار مقاومت

۵۶

امام خامنه‌ای و فصل جدیدی
از مقاومت و پیروزی

۲۴۲



بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا النَّسْرُ الْمُطَهَّرُ اجْعَلْ لِي بِإِلَاقَتِكَ مَضِيئَةً فَأَخْلُقَ فِي حُجَّتِكَ وَأَخْلُجَ فِي حُجَّتِي

والتجارب صدره رشيد بن سريته حضرت علي بن ابي طالب

فارغ مراز رکھد صبح و شام کن کار مرا بہ کروش چسپی تمام کن
 بگشای صحیفی در کرازد و قمر حال بیستی من دون این غل نام تمام کن
 ای یادگار ساقی کوثر آب احسن گاہی نظریہ جانب این تشنہ کام کن
 ای حکمران کشور دل نا کرشمہ ای زیر و زبر تدار دل خاص عام کن
 بنمای بہ ملک رضا جان خستہ مرغ رمیدہ ابہ شکر خند رام کن
 ایک ہزار دست تنما کشوہ دست کرم کشاؤ بہ رسم کرام کن
 دار الشفای آتش آب است ای بی سوز دل مرا بہ غمی التیام کن
 دیری است ز آتشیانہ جلا ماند ایمن غربت بس است روسوی آن کو می نام کن
 دانم کہ مستمند و تہید است و کی از بارگاہ فیض رضائے توشہ وام کن

و آنجا کہ آمد و شد خلیل ملائک است

کعبہ کرین و تابہ قیامت مقام کن سیدی صالح



۶ پدر ملت ایران

۱۳ خونخواهی و انتقام امام شهید؛ استمرار نبرد با ظلم و استکبار است

۱۷ این تشیع باید بنیان کفر را بلرزاند و اسلامیت جامعه را مطرح کند

۲۰ حضور مردم در تشیع تجلی دوباره وفاداری به آرمان ولایت فقیه

۲۲ حضور مردم، پیامی روشن به جهان

۲۳ تشیع میلیونی؛ پیام ایستادگی ایران

۲۵ رجعت نور

۲۷ رهبری پس از رهبر

فصل اول | بدرقه آقای شهید ایران از منظر اندیشمندان ایرانی

۳۱

۳۲ تشیع رهبری در آستانه اربعین؛ تکمیل چله‌ها و بعثت مردم در مسیر امت‌سازی

۳۸ مشتش گره کرده و خون آلود رهبر شهید، همان درفش کاویانی ایران امروز است

۴۲ تشیع یعنی جاری شدن خون رهبری در جامعه

۵۰ تشیع؛ از مناسک گذار تا همه‌پرسی نمادین مشروعیت

۵۶ خونخواهی بخشی از منطق بازدارندگی و استمرار مقاومت

۶۰ تشیع تاریخی، مطالبه ملی برای تحقق «خونخواهی» است

۶۸ رهبر شهید از پیش بعثت مردم را می‌دید؛ تشیع، ظهور این حقیقت است

۷۰ آرمان «رهبر شهید» برای ایران مقتدر چه بود؟

۷۲ از می‌شود قیام کرد در تشیع آیت الله بروجردی تا باید برخاست در تشیع امام خامنه‌ای شهید

۷۴ داغ بی‌تسلی در تشیع خامنه‌ای شهید



ویژه نامه

رجعت نور

پژوهشگاه علوم و معارف
انقلاب اسلامیبه مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

مدیر مسئول:

حجت الاسلام والمسلمین
داود مهدوی زادگان

سر دبیر:

دکتر روح الله سلگی

دبیر شورای سیاست گذاری:

دکتر محمد مهدی خیرجو

تشکر از آقایان مهدی پناهی،

مجتبی غریب نواز، مهدی لطیفی،

امین صبحی، مهدی عزیزی، محمد

شیرکوند، مجتبی سلطانی احمدی،

خانم آزاده محمودیان، خانم مهدیه

محمدی عراقی

سایت:

<https://irseri.ac.ir/fa>دفتر حفظ و نشر آثار امام مجاهد شهید
حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای (مد ظله العالی)

- ۷۶ خامنه‌ای، معلم توحید اجتماعی ملت ایران
- ۸۰ برخاستن از دل خون؛ تجدید میثاق با «خط سرخ ولایت» در عصر بعثت
- ۸۲ رهبر شهید، پیش‌تاز در نظریه پردازی حاکمیتی و احیاگر هویت تمدنی زن بر اساس مکتب قرآن
- ۸۶ تشییع رهبر شهید؛ تجدید بیعت با یک مکتب
- ۸۸ ۱۱ ویژگی برجسته رهبر شهید انقلاب
- ۹۲ تشییع رهبر شهید و بعثت ملت؛ از وداع تا مسئولیت تاریخی
- ۹۴ تربیت انسان در مکتب امام خامنه‌ای یک عنصر بلاجیگزین داشت و آن «مادر» بود
- ۹۶ تبیین نظام‌مند مکتب انقلاب در جهاد امام شهید
- ۱۰۰ آن مشیت گره‌کرده؛ تولد یک نشانه تمدنی در حافظه ایران
- ۱۰۲ تشییع رهبر شهید روح تازه‌ای به حرکت مجاهدانه آزادگان جهان می‌دمد
- ۱۰۴ تشییع رهبر شهید خون جدیدی وارد اندام امت مبعوث شده خواهد کرد
- ۱۰۸ تشییع رهبر شهید، مرحله‌ای جدید برای امت مبعوث شده به شمار می‌آید
- ۱۱۲ خونخواهی رهبر شهید با ادامه راه او معنا پیدا میکند، نه صرفاً انتقام
- ۱۱۶ تشییع رهبر شهید، بعثتی جدید برای ملت ایران است
- ۱۱۹ جامعه‌شناسی سیاسی تشییع و خون خواهی در سنت ایرانی
- ۱۲۲ تشییع رهبر شهید؛ رفراندوم وفاداری به مکتب و طلیعه قدرت تمدنی ایران است
- ۱۲۶ مدیریت ملی و جهانی قائد شهید در مقابله با ابعاد سلطه استعمار فرانوا تمدن غرب
- ۱۳۰ تشییع رهبر شهید، طلیعه یک بعثت نوین و سرآغازی برای تحکیم ارکان نهضت
- ۱۳۴ تشییع با شکوه رهبر شهید آئینه‌ای از وفای به عهد مردم به آرمان‌های انقلاب اسلامی خواهد بود
- ۱۳۶ تشییع رهبر شهید محرک فرهنگی برای ارتقای سرمایه عاطفی جامعه به سرمایه معرفتی است
- ۱۳۸ خداباوری، امید صادق و رهایی از غرب‌زدگی؛ تبیین تاب‌آوری ملی در منظومه فکری رهبر شهید، آیت‌الله خامنه‌ای
- ۱۴۲ تشیع پیکر آیت‌الله خامنه‌ای؛ تجدید نظام انقلابی و سرآغاز نهضت جهانی خون‌خواهی رهبر شهید
- ۱۴۶ پیام تشییع تاریخی قائد اعظم (قدس سره)
- ۱۵۰ فاسفه تاریخ در منظومه فکری رهبر شهید انقلاب؛ از سنن الهی تا تمدن‌سازی
- ۱۶۰ حجاب‌های درک منظومه فکری قائد شهید در حوزه ادبیات
- ۱۶۸ جستاری در سیره فرهنگی آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر شهید انقلاب
- ۱۷۰ درنگی درباره چرایی توجه رهبری به ادبیات دفاع مقدس
- ۱۷۴ شهادت رهبر معظم انقلاب و خانواده ایشان، کربلایی نوین و عاشورایی جهانی رقم زد
- ۱۷۸ ظرفیت‌های بین‌المللی هنر متعهد در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای
- ۱۸۰ جامع‌نگری و امید آفرینی، برجسته‌ترین ویژگی‌های رهبر شهید بود
- ۱۸۴ چگونه «رهبر شهید» دانشگاه را به موتور محرک تمدن بدل کرد؟

۱۸۸ حمایت آیت الله خامنه‌ای از فلسطین فراتر از یک
ایدئولوژی فرقه‌ای است

۱۹۲ امام شهید... رهبر پروژه مقاومت و مبارزه علیه
عادی سازی در منطقه

۱۹۴ ایران تحت رهبری آیت الله خامنه‌ای یک رنسانسو
انقلاب واقعی را تجربه کرد

۱۹۸ رویکرد آیت الله خامنه‌ای؛ عبور از اختلافات مذهبی
و تحکیم استقلال تمدنی جهان اسلام

۲۰۲ ایران تحت رهبری آیت الله خامنه‌ای نشان داد که
مردم و توانایی‌هایش شکست ناپذیر هستند

۲۰۸ آیت الله خامنه‌ای یکی از سازندگان بسیار مهم ایران
اسلامی مدرن بوده است

۲۱۰ واکاوی دکرترین «مدیریت بقا و ثبات» در اندیشه
راهبردی رهبر شهید از نگاه الیجا مگنیر

۲۱۶ پروفیسور بن مایر: ترور رهبر شهید ایران یک اشتباه
فاجعه بار بود

۲۲۰ ایران تحت رهبری آیت الله خامنه‌ای موفق به ایجاد
یک سیستم تصمیم‌گیری مستقل شد

۲۲۴ رهبر شهید ایران به خرد و بینش جامع ژئوپلیتیک
متمايز بود

۲۲۸ آیت الله خامنه‌ای، استقلال واقعی را شرط اساسی
دستیابی به توسعه پایدار ملی میدانستند

۲۳۲ رویکرد ضد استعماری و پروژه سیاسی آیت الله
خامنه‌ای در منطقه، محور مقاومت مهم‌ترین میراث

رهبر شهید است

۲۳۸ سیاست «نه شرقی، نه غربی» بازتابی از تمایل به
مقاومت در برابر ظلم خارجی است

۲۴۱ آیت الله خامنه‌ای؛ رهبری قدرتمند، ملی‌گرا،
منطقه‌ای و جهانی

۲۴۲ امام خامنه‌ای و فصل جدیدی از مقاومت و پیروزی

۲۴۳ نقش پیشگام شهید بزرگ خامنه‌ای در پیروزی بزرگ

۲۴۴ آیت الله خامنه‌ای خستگی ناپذیر و تزلزل ناپذیر

۲۴۶ استقلال سیاسی و آزادی خواهی آیت الله خامنه‌ای

۲۴۷ رهبر فقید، خامنه‌ای «الهام بخش و راهنمای انقلاب
اسلامی از طریق جهاد روشنگری

۲۵۰ خامنه‌ای... شهید اسلام

۲۵۲ خون رهبر شهید، موازنه قدرت و مرزهای
ژئوپلیتیک خاورمیانه را تغییر داد

۲۵۵ آیت الله خامنه‌ای با هندسه «شریعت و عقلانیت»
تنها حکومت واقعا مستقل جهان اسلام را بنا کرد

۲۶۰ سعادت محور مقاومت در داشتن رهبران شهیدی
که دشمن را به وحشت می‌اندازد

۲۶۱ نقش رهبر انقلاب در توسعه هندسه مقاومت و
هژمونی ستیزی جهان اسلام

۲۶۲ نقش رهبر شهید انقلاب در تمدن سازی اسلامی و
هژمونی ستیزی جهان اسلام

۲۶۳ شهادت رهبر ایران تروریسم دولتی است

۲۶۴ نفوذ تمدنی آیت الله خامنه‌ای و پایداری جریان مقاومت

۲۶۵ ضرورت همبستگی امت اسلامی در برابر تروریسم

۳۶۶ مفهوم پردازی جنگ فرهنگی در اندیشه آیت الله خامنه‌ای؛ رهبر مقاومت در برابر سلطه نامحسوس غرب

۳۶۷ ابعاد ژئوپلیتیک و استراتژیک تغییر موازنه قدرت در ایران بر امنیت ملی و انرژی روسیه و چین

۳۶۸ واکاوی فرآیند قانونی جانشینی در نظام اسلامی پس از شهادت آیت الله خامنه‌ای؛ تداوم ثبات سیاسی و فقهی رهبر انقلاب

۳۷۰ نقش آیت الله خامنه‌ای در شکل دهی به روایت ضد همونیک جهانی

۳۷۱ تحلیل انحطاط اخلاقی غرب و ایستادگی نمادین آیت الله خامنه‌ای در برابر پروژه صهیونیسم

۳۷۲ بازخوانی ابعاد انسانی رهبر شهید انقلاب

۳۷۳ روایت مهمان خارجی از آیین وداع و تشییع رهبر شهید انقلاب

فصل سوم | مجموعه مقاله‌های پژوهشگران عرب با محوریت انقلاب، امام خمینی (قدس سره) و آیت الله سید علی خامنه‌ای

۲۷۵

۳۸۰ از خمینی تا خامنه‌ای؛ بینش صحیح از دکترین پیروزی و ظفر

۳۸۴ اصول امت مقاوم و سازوکارهای آن؛ بررسی موردی قاعده ولاترکتوا

۳۹۰ جلوه‌های پیروزی در سوره فتح

۳۹۴ جمهوری اسلامی ایران و احیای نقش اسلام در زندگی

۳۹۸ جنگ مفاهیم و دیالکتیک پیروزی و شکست؛ رهیافتی به اندیشه تفسیری امام خامنه‌ای

۳۰۲ دیدگاه صحیح درباره عقیده نصر و پیروزی

۳۰۶ سنت تمکین در مفهوم قرآنی به عنوان وعده الهی به پیروزی و جلوه‌های آن در امت ایران

۳۱۲ فقه انتظار و فقه مقابله؛ جدال پیروزی در اندیشه امام خمینی و امام خامنه‌ای

۳۱۴ مفهوم بصیرت در اندیشه امام خامنه‌ای؛ بررسی تحلیلی

۳۲۰ عقل قدسی و افق‌های نو؛ گذار از محاسبات ریاضی به تداوم مبنایی در زعامت جدید

۳۲۶ چهار پژوهشگر در یک نشست علمی تبیین کردند/ چرا عاشورا در اندیشه رهبر شهید یک جریان مستمر تاریخی است؟

۳۴۰ عاشورا در منظومه فکری امام (ره)؛ از احیای اسلام تا الگوی مبارزه و مقاومت

۳۵۲ تشییع رهبر شهید؛ برآمدن عقل سرخ در غیاب روایت آوینی

۳۵۸ تشییع، رسانه ای زنده برای بازتولید معنای شهادت و هویت شیعی

۳۶۵ سرفصل‌های مهم روش فقهی رهبر شهید امام خامنه‌ای

۳۷۰ گزارشی از مقاله تبیین نظام مند دین و نوآوری‌های تفسیری قائد شهید در کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن

۳۷۴ گزارشی از مقاله بایدها و نبایدهای استفاده از شبکه‌های مجازی از دیدگاه امام شهید حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای

۳۸۰ بعثت زنان؛ از حضور در خیابان تا استمرار مسیر تمدن سازی



پیام حضرت آیت الله سیدمجتبی خامنه‌ای به مناسبت چهلمین روز شهادت
قائد عظیم الشان انقلاب (قدس الله نفسه الزکیه)

پدر ملت ایران

رهبر نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

■ مقدمه



آیت الله سید مجتبی
حسینی خامنه‌ای
بعد از معرفی از سوی
خبرگان رهبری به
عنوان رهبر انقلاب،
در پیام‌های متعددی
از رهبر شهید انقلاب
یاد کرده‌اند و تعبیر
مختلفی درباره ایشان
دارند. اما یکی از کلیدی
ترین پیام‌های ایشان
به مناسبت چهلمین
روز شهادت قائد عظیم
الشان در ۲۰ فروردین
۱۴۰۵ است که بازخوانی
آن به شناخت رهبر
شهید انقلاب کمک قابل
توجهی می‌کند.

آیت الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای بعد از معرفی از سوی خبرگان رهبری به عنوان رهبر انقلاب، در پیام‌های متعددی از رهبر شهید انقلاب یاد کرده‌اند و تعبیر مختلفی درباره ایشان دارند. اما یکی از کلیدی ترین پیام‌های ایشان به مناسبت چهلمین روز شهادت قائد عظیم الشان در ۲۰ فروردین ۱۴۰۵ است که بازخوانی آن به شناخت رهبر شهید انقلاب کمک قابل توجهی می‌کند.

بسم الله الرحمن الرحيم
إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ مَا تَأَخَّرَ وَ يُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَ يَهْدِيكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا وَ يَنْصُرَكَ اللَّهُ نَصْرًا عَزِيزًا.

پدر ملت ایران و زعيم امت اسلامی و پيشواي حق طلبان

چهل روز از یکی از بزرگترین جنایات دشمنان اسلام و ایران و از یکی از سنگین ترین داغهای عمومی در تاریخ این ملت میگذرد؛ داغ شهادت جانگداز رهبر عظیم الشان انقلاب اسلامی، پدر ملت ایران و زعيم امت اسلامی و پيشواي حق طلبان در عصر حاضر، سید شهیدان ایران و جبهه مقاومت، خامنه‌ای کبير قَدَسَ اللهُ نَفْسَهُ الرَّكِيَّة.

چهل روز است که روح بلند رهبر شهیدمان در جوار قرب الهی میهمان ضیافت اولیاء و صدیقین و شهدا شده و همزمان و یا در پی آن، جمع کثیری از یاران، فرماندهان و رزمندگان اسلام، و هموطنان مظلوم از نوزادان چند روزه تا کهنسالان هم به این فیض عظیم نائل آمده‌اند.

چهل شب و روز است که خداوند متعال پيشواي این امت را به میقات خود فراخوانده؛ اما این بار برخلاف آنچه در عصر کلیم الله رخ داد، اصحاب رهبر شهید و امت او برای اقامه حق و مقابله با باطل مبعوث شدند و چون کوههای استوار در برابر سامری و گوساله‌اش ایستادگی کرده و همچون گدازه‌های آتشین بر سر متجاوزان و فرعونیان فرود آمدند. چهل شبانه روز است که مستکبران عالم، نقابهای فریبنده و دروغین را از رخ برگرفته و چهره کریه و شیطانی قتل و ظلم، تجاوز و دروغ، تفرعن و کودک کشی، و استبداد و فساد را به نمایش گذاشته‌اند.

اما در مقابل، چهل روز و شب است که فرزندان غیور خمینی کبیر و خامنه‌ای عزیز شهید و پیروان اسلام ناب محمدی ﷺ با اهتمام و شجاعتی مثال زدنی در میدانها و خیابانها و سنگرهای رزم حاضر هستند و علی رغم لطمات و خسارت‌های هجوم و حشیانه دشمن، جنگ تحمیلی سوم را به صحنه حماسه دفاع مقدس سوم تبدیل کرده‌اند. ملت آگاه و هوشیار ایران گرچه نشان داد در غم بزرگ فراق پيشواي شهیدش داغدار است ولی با تأسی به میراث داران بی واسطه عاشورای حسینی، از این داغ، حماسه و از رثاء، رجز ساخت. و همه اینها دشمنی تابن دندان مسلح را به حیرت و استیصال انداخته و آزادگان جهان را به تحسین واداشته است. این بار جهالت و نادانی مستکبران باعث شد که اسفند ۱۴۰۴

سرآغاز فصل نوین از قدرت‌گیری و برآمدن نام ایران و انقلاب اسلامی گردد، و پرچم ایران اسلامی نه فقط در جغرافیای خاکی کشورمان بلکه در عمق دل‌های حق‌جویان جهان برافراشته شود.

❖ فقیهی زمان‌شناس و بصیر، مجاهدی خستگی‌ناپذیر

این مناسبت فرصت خوبی است تا قدری مختصر، معرفی رهبر عظیم‌الشأن به عمل آید. صحبت از مردی است که آنقدر که مشهور بود، شناخته نشد. همه میدانند که قائد شهید ما، فقیهی زمان‌شناس و بصیر، مجاهدی خستگی‌ناپذیر و چون کوه استوار و محکم، عالمی عامل و ربانی، اهل ذکر و تهجد و تضرع به درگاه ربوبی و توسل به ذوات مقدسه معصومین علیهم‌السلام، و از عمق جان، مؤمن به وعده‌های الهی بودند.

❖ ایران دوستی و تلاش مستمر برای استقلال

از خصوصیات دیگر ایشان ایران‌دوستی و تلاش مستمر برای استقلال هرچه بیشتر ایران عزیز بود که در کنار آن بر وحدت کلمه و انسجام ملی تأکید داشتند. ایشان عمری را در تلاش برای برپائی نظام اسلامی و قوام و بقاء آن طی کردند و در عین حال جمهوری اسلامی بدون مردم از نظر ایشان بی‌معنا می‌نمود. در عین اقتدار و صلابت، بهره‌و‌افری از ظرافت در اندیشه و نگرش به امور داشتند. به ظرفیتهای کشور خصوصاً جوانان توجه ویژه‌ای مبذول میکردند. به علم و فناوری و پیشرفت در سایه آن اهمیت میدادند. برای خانواده معظم شهدا و جانبازان و ایثارگران عزیز ارج خاصی قائل بودند. در جهات مختلف دارای تجارب گرانسنگ و متراکمی بعضاً با سابقه چند دهه بودند، و خصوصیات متعدد دیگری که فهرست طولی را شامل میشود.

❖ هنرهای رهبر شهید

این روزها در بعضی از رسانه‌ها مکرراً صحبت از هنر و هنرشناسی و هنرپروری ایشان به میان می‌آید. این عنصر در عین اینکه به تنهایی میتواند ارزش زیادی را برای شخصیت یک نفر ایجاد کند و مسلماً در رهبر عزیزمان به معنی واقعی و در حد عالی وجود داشت، در مقایسه با سائر عناصر وجودی و امتیازات ایشان، کوچک به نظر می‌آید. بنده بشخصه از ایشان هنرهای متعددی را سراغ دارم:

❖ هنر تربیت و پرورش اجتماع

یک هنر بزرگ ایشان که کمتر مورد توجه قرار میگیرد، هنر تربیت و پرورش اجتماع از طریق ساخت افکار و روحیات و عواطف توده‌های عظیم مردم و گروههای اجتماعی بود.

❖ نهادسازی‌های هدفمند

هنر دیگر ایشان نهادسازی‌های هدفمندی بود که بخصوص در سالهای ابتدائی دوران زعامت و رهبری خود با نظر به افقهای دور دست، به آن اقدام کردند.

❖ هنر قدرتمندسازی ساختار نظامی کشور

هنر دیگر ایشان اقدام به قدرتمندسازی ساختار نظامی کشور بود که ملت ایران در دو جنگ تحمیلی اخیر از آثار

رهت نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

■ مقدمه



مثبت آن مطلع و بهره‌مند شدند. همچنین قدرت ابداع و ابتکار در ابعاد مختلف اعم از علمی و راهبردی و سیاست‌گذاری، از دیگر هنرهای ایشان بود که شمه‌ای از آن در تدوین سیاست‌های کلی نظام منعکس می‌باشد. و نیز قدرت خلق معانی از طریق ساخت به‌هنگام و ازگان و ترکیب‌های بدیعی که هریک انبوهی از معانی را خلق و حمل می‌کرد و از آن، گفتمان عمومی عمل می‌آمد.



و از جمله، هنری که در
اثر صیقل خوردن روح
بلند ایشان در شدايد و
امتحانات و ابتلائات و
به‌خاطر صبر و استقامت
در مسیر حق حاصل
شده بود، هنر پیش‌بینی
حوادث دور دست بود
که اَلْمُؤْمِنُ يَنْظُرُ بِنُورِ
الله.

هنر پیش‌بینی حوادث دور دست

و از جمله، هنری که در اثر صیقل خوردن روح بلند ایشان در شدايد و امتحانات و ابتلائات و به‌خاطر صبر و استقامت در مسیر حق حاصل شده بود، هنر پیش‌بینی حوادث دور دست بود که اَلْمُؤْمِنُ يَنْظُرُ بِنُورِ الله. و هنرهای دیگری که احصاء آن در این مختصر ممکن نیست. همه این هنرها و مزیتها منشائی جز عنایات خاصه الهی و توجه خاص سرورمان و آباء طاهرین ایشان صلوات الله علیهم اجمعین نداشت. شاید بتوان آنچه این عنایات و توجهات را به سمت آن بزرگوار جلب کرد را در تلاش و مجاهدت بی‌وقفه و خالصانه او در راه اعلاء کلمه‌ی حق، خلاصه کرد.

خامنه‌ای، خمینی خراسان بود

اما به‌طور ویژه غیر از سختی‌های مبارزه با دستگاه خائن حکومت پهلوی، ایشان از یک فرصت خاص دیگر در مسیر انجام وظیفه، بهره‌زیادی بردند که عموم مردم معمولاً از آن

اطلاع ندارند. این طور تقدیر شده بود که سید جوان بشدت جویای علم و البته طالب عمل، در وقتی که پدر بزرگوارش در معرض نابینائی قرار داشت، پس از سالیانی زانو زدن در محضر اساتید عالی مقام، همه زمینه های ظاهری پیشرفت علمی و آینده ساز در قم را رها کرده و با اعتماد به فضل الهی، خود را وقف پدر نماید. تفضل الهی در پی این ایثار این گونه ظاهر شد که ناگهان سید علی خامنه ای در سنین قبل از سی سالگی مانند خورشیدی از خراسان سر بر آورد و بزودی یکی از ارکان فکری و مبارزاتی قلمداد شد و همزمان در علوم متداول هم پیشرفتهای قابل توجه ای نمود؛ به طوری که در سالهای دهه پنجاه، دستگاه ساواک او را خمینی خراسان خوانده بود. باید بر این نکته تأکید کنم که این روند ترقی باطنی و ظاهری آن بزرگوار در مقاطع بعدی هم ادامه یافت. حال در مقام درس آموزی از رفتار بزرگان و بخصوص چنین شخصیتی، خیلی بجا است که این خصوصیت خیرخواهی خالصانه برای یکدیگر و مواسات را روّیه خود سازیم که این ویژگی و توأم با آن، نظر به رحمت و اسعه الهی داشتن، فرقی مهم بین کسی است که تحت پرچم حق ایستاده و آن کسانی که حول پرچم باطل حلقه زده اند. مسلماً پیگیری چنین روّیه ای، گشاینده دربهای آسمان و فرودآورنده انواع امدادهای الهی و غیبی خواهد بود؛ از نزول باران رحمت گرفته تا غلبه بر دشمن و حتی پیشرفتهای علمی و فناوریانه.

مشت گره کرده

در این ایام مکرراً شنیده میشود که گروههای مختلفی از مردم عزیز، بحق و با حسرت از آن یگانه دوران یاد میکنند و کم کم وجوه بیشتری از گوهر تابناک شخصیت والای ایشان ظاهر میگردد. همچنین بنای بر تأسی به افعال خاصی از آن جناب کم کم فراگیر میشود؛ از جمله مردم عزیزمان از مشت گره کرده آن جناب در حین شهادت درسها آموختند و اکنون همین مشت گره کرده برای بعضی نوعی نماد مشترک از عقیده شده است. این گونه است که بار دیگر ثابت میشود که تأثیر شهید بیش از فرد حاضر است و صدای رسای او در دعوت به توحید و حق طلبی و مبارزه با ظلم و تباهی، پرتنین تر و پیاپی نافذتر از دوره حیات او بوده و همچنین خواهش قلبی این شهید عظیم القدر که سعادت این ملت و سایر ملتهای مسلمان بود، از قبل به واقعیت نزدیکتر شده است.

طلیعه برآمدن جمهوری اسلامی به عنوان یک قدرت بزرگ

برادران و خواهران هموطن! امروز و تا این نقطه از حماسه دفاع مقدس سوم، به جرأت میتوان گفت که شما ملت قهرمان ایران، پیروز قطعی این میدان بوده اید.

امروز طلیعه برآمدن جمهوری اسلامی به عنوان یک قدرت بزرگ و قرار گرفتن استکبار در سراسیمگی، مقابل چشم همگان آشکار شده است. این بی شک نعمتی الهی است که از برکت خون رهبر شهیدمان و سایر شهدای گلگون کفن و هموطنان مظلوم و گلهای پرپر شده مدرسه شجره طیّبه میناب، و در پی توسلات و تضرعات آحاد ملت به درگاه ربوبی و حضور مجاهدانه ایشان در میادین و محلات و مساجد، و به خاطر جانفشانیهای بی دریغ و بی منت و خالصانه رزمندگان جان برکف اسلام در سپاه و ارتش و فراجا و سربازان گمنام و مزدداران، به ملت ایران ارزانی شده است. این نعمت هم مانند هر نعمت دیگری باید مورد شکر قرار گیرد تا بقا و رشد داشته باشد که لئن شکرتم لأزیدنّکم. شکر عملی این نعمت، تلاش بی وقفه برای رسیدن به ایران قوی است.

آنچه در وهله ی کنونی، برای نیل به این شعار و هدف راهبردی رهبر شهید ضروری می نماید، استمرار حضور مردم عزیزمان همانند چهل روزی است که پشت سر گذاشتند. این حضور یک رکن مهم از منزلتی است که اینک ایران مقتدر در آن استقرار یافته است.

رهبریت نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

■ مقدمه



ایران هر چه قوی تر

بنابراین نباید با اعلام بناء بر مذاکرات با دشمن، تصور شود که حضور در خیابانها لازم نیست. بلکه اگر بر فرض، ضرورتاً نوبت دوره سکوت صحنه نبرد نظامی رسیده باشد، وظیفه آحاد مردمی که امکان حضور در میادین و محلات و مساجد را دارا هستند، سنگین تر از قبل به نظر میرسد. مسلماً فریادهای شما در میادین، در نتیجه مذاکرات مؤثر است؛ همچنان که عدد شگفت آور و رو به افزایش میلیونی پویش جان فدا برای ایران، هم از عناصر تأثیرگذار در این عرصه است. باذن الله تبارک و تعالی در اثر این نقش آفرینی ها و استمرار آن، چشم اندازی که در پیش روی ملت ایران قرار دارد، ظهور دورانی با شکوه و درخشان و سرشار از عزت و سربلندی و غنا را برای ایشان نوید میدهد. رهبر شهید ما وقتی که عهده دار رهبری شدند، نظام جمهوری اسلامی چون نهالی بود که زخمهای متعددی از دشمنان اسلام و ایران بر آن فرود آمده بود و البته همه را بخوبی تحمل کرده بود. اما وقتی که بعد از قریب به ۳۷ سال، کرسی زعامت امت را ترک نمودند، شجره طیبه ای که ریشه اش مستحکم و شاخ و برگ آن بر بخشهای مهمی از منطقه و جهان سایه افکن شده است را از خود به جا گذاشتند. رویکرد دستیابی به «ایران هر چه قوی تر» از مسیر وحدت بین اقشار مختلف جامعه میگذرد که مکرراً مورد تأکید ایشان بود. شمه ای قابل توجهی از این وحدت در این چهل روز تحقق پیدا کرد: قلوب مردم به هم نزدیک شد، یخهای فیما بین اقشار مختلف با گرایشهای متفاوت شروع به ذوب شدن کرد، همگان زیر پرچم وطن جمع شدند و روز به روز به عدد این جمع و به کیفیت آن افزوده میشود. بسیاری از کسانی که هنوز به این گونه حضور دست نیافته اند، قلباً همراه و هم سخن با جمعیت های حاضر در میادین هستند.



رهبر شهید ما وقتی که
عهده دار رهبری شدند،
نظام جمهوری اسلامی
چون نهالی بود که
زخمهای متعددی از
دشمنان اسلام و ایران بر
آن فرود آمده بود و البته
همه را بخوبی تحمل
کرده بود. اما وقتی که
بعد از قریب به ۳۷ سال،
کرسی زعامت امت را
ترک نمودند، شجره
طیبه ای که ریشه اش
مستحکم و شاخ و برگ
آن بر بخشهای مهمی
از منطقه و جهان
سایه افکن شده است را
از خود به جا گذاشتند.

■ نگاهی تمدنی به افق‌های دور دست

این روزها خیلی‌ها نگاهی تمدنی را با چشم دوختن به افق‌های دور دست تجربه میکنند و برای خود تصویری نه موهوم بلکه متکی به واقعیات حال و آینده خلق میکنند. این خصوصیتی است که تا اندکی پیش از این در عده‌ی کمی که رهبر شهید در رأس آن قرار داشتند، دیده میشد. این‌گونه است که هر ناظری رشد سریع و معجزه‌وار این ملت را درک میکند و بی‌جهت نیست که در این روزها حکیم نامدار دوران و فقیه عالیقدر آنگاه که با شما از این شأن صحبت میفرماید، بارها بغض گلو، سد راه کلامش میشود.

در همین مجال به همسایگان جنوبی ایران می‌گویم که شما در حال دیدن یک معجزه هستید. پس درست ببینید و درست درک کنید و در جای درست بایستید و به وعده‌های دروغین شیاطین بدگمان باشید. ما هنوز منتظر واکنش مناسبی از سوی شما هستیم تا برادری و خیرخواهی خود را به شما نشان دهیم. این صورت نمیگیرد مگر با اعراض شما از مستکبران که هیچ فرصتی را برای تحقیر شما و استثمارتان از دست نمیدهند. این را همه باید بدانند باذن الله تعالی ما حتماً متجاوزین تبهکاری که کشور ما را مورد حمله قرار دادند را رها نمی‌کنیم. حتماً غرامت تک‌تک صدمات وارد شده و خون‌بهای شهیدان و دیه جانبازان این جنگ را طلب خواهیم کرد و حتماً مدیریت تنگه هرمرز را به مرحله جدیدی وارد خواهیم نمود. ما طالب جنگ نبوده و نیستیم ولی به هیچ وجه از حقوق حقّه خود دست نمی‌کشیم و در این جهت همه جبهه مقاومت را به طور یکپارچه در نظر داریم. در این مقطع تا مرحله وصول به آنچه متعلق به ما است، اولاً همه اتحاد ملت سعی در مراعات یکدیگر داشته باشند تا از ناحیه کمبودهایی که اثر طبیعی هر جنگی است، فشار کمتری بر اقشار مختلف وارد گردد. البته این کمبودها که بعضاً در جبهه مقابل شما خیلی بیشتر وجود دارد، به لطف تلاش‌های برادران و خواهران شما در دولت و نهادهای دیگر، تا حد قابل توجهی مدیریت شده است. ثانیاً مراقبت از گوشه‌هایمان که پنجره مغز و قلب است در مقابل رسانه‌های تحت حمایت دشمن یا همسوی با ایشان امری لازم است. مسلماً آن رسانه‌ها خیرخواه کشور و ملت ایران نیستند و این معنا بارها ثابت شده است. بنابراین یا اساساً مواجهه و استفاده از آنها را ترک کنیم یا اقلاً با سوء ظن فراوان با هر چیزی که ارائه میدهند برخورد کنیم.

■ عزم قاطع بر انتقام خون پاک شهادت رهبر عظیم‌الشأن

ثالثاً ملت عزیز اگر چه با پایان گرفتن مدت عزای رسمی شهادت رهبر عظیم‌الشأن خود، جامه عزارا از تن بیرون می‌آورد، اما عزم قاطع بر انتقام خون پاک ایشان و همه شهدای جنگ تحمیلی دوم و سوم و روح و قلب خود زنده نگه میدارد و پیوسته مترصد تحقق آن خواهد بود. در پایان خطاب به سرورمان عجل الله تعالی فرجه الشریف عرضه میدارم که ما با ایمان به خدای متعال و توسل به ائمه معصومین صلوات الله و سلامه علیهم و با تأثسی به رهبر شهید خود در زیر پرچم جنابان و در مقابل جبهه کفر و استکبار ایستاده‌ایم و در این مسیر شهدای گرانقدری از طبقات مختلف تقدیم راه عزت و استقلال کشور و اعتلای اسلام و انقلاب اسلامی کرده‌ایم و خساراتی دیگر هم دیده‌ایم. اینک با تمام وجود به دعای خاص حضرتان برای غلبه قاطع بر دشمن چه در صحنه مذاکرات و چه در میدان نبرد دل بسته‌ایم و امید داریم هر چه زودتر، هم ما و هم دشمنانمان اثر معجزه‌آسای آن را مشاهده کنیم، ان شاء الله.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای

۲۰ فروردین ۱۴۰۵



دعوت آیت الله علیرضا اعرافی، مدیر حوزه‌های علمیه به حضور گسترده مردم در تشیع «امام شهید»

خون خواهی و انتقام امام شهید؛ استمرار نبرد با ظلم و استکبار است

آیت الله علیرضا اعرافی در پیامی به مناسبت شهادت رهبر انقلاب، با تأکید بر رسالت حوزه‌های علمیه، دانشگاه‌ها و نخبگان در تبیین میراث فکری و تمدنی امام شهید، خواستار حضور گسترده مردم در آیین تشیع شد و ادامه راه وی را در پیروی از ولایت فقیه و تقویت وحدت امت اسلامی و جبهه مقاومت دانست. متن پیام به شرح زیر است:

رجعت نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

■ مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

(وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ)

(مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَّنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَّنْ يَنْتَظِرُ
وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا)امت بزرگ اسلام، آزادگان و مستضعفان عالم، ملت های بیدار و وجدان های آگاه در سراسر
جهان!امروز جهان اسلام و بلکه همه انسانیت تشنه عدالت، در سوگ قامتی ایستاده است که
نه متعلق به یک مرز و یک ملت، که سرمایه مشترک امت و میراث دار خط انبیا و اولیا بود.
شهادت مظلومانه رهبر فرزانه، مرجع عالی قدر و سکاندار انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله
العظمی امام خامنه ای (اعلی الله مقامه)، رخدادی نیست که در جغرافیای محدودی
فهمیده شود؛ این حادثه را باید در مقیاس معادلات جهان اسلام و در افق تحولات بزرگ
بشری خواند.آن بزرگوار، منظومه ای از فضیلت های بی شمار و کهکشانی از ویژگی های ممتاز بود که
جلوه های آن شخصیت یگانه در ایران و جهان درخشید و معادلات جهان را تغییر داد و مایه
پیشرفت های گوناگون و شکوه ایران و امت اسلام شد.امام شهید، اسوه ای برای جهان اندیشی بود. اندیشه او مرزهای قومی و ملی را درنوردید
و گفتمانی جهانی پی افکند که در آن، ارزش های انسانی مشترک، کرامت بشر، عدالت
و ایستادگی در برابر استکبار، زبانی فراگیر یافت. او چالش ها و تهدیدهای جهانی را عمیق
می فهمید و با ادبیاتی متناسب با عصر تمدن ها سخن می گفت.الهیاتی که او عرضه کرد، الهیات رهایی بخش جهانی بود؛ کلامی که خدا را به متن زندگی
محرومان می آورد و ایمان را به نیروی آزادی ملت ها بدل می ساخت. شأن والای مرجعیت او
نیز در همین امتداد بود؛ مرجعیتی که فقاقت را با مسئولیت تاریخی و دغدغه امت گره زد.
او پدر ملت و روح اسطوره مقاومت و پیشوای امت و جان ملت بود.جنایت هولناک سیاهرویان آمریکا و اسرائیل که به این شهادت انجامید، در پندار سیاه
طراحان آن، قرار بود ضربه ای کاری بر پیکر این نهضت، ملت و دولت و باعث فروپاشی
ناگهانی آن ها باشد.اینجاست که یکی از ابعاد عظمت رهبری او آشکار می شود. او سال ها امت سازی و نیز دولت
سازی کرده بود؛ مردم را نه به شخص خود، که به خدا و به مبانی و به آرمان های سترگ و
نیروبخش و حیات آفرین، گره زده بود. رهبرانی که بر کاریزمای فردی خویش سرمایه گذاری
می کنند، با فروپاشی آن کاریزما، نظم و نظام ملت و حاکمیتشان نیز فرو می ریزد. اما الگوی
رهبری امام شهید چنان بود که علی رغم همه پیش بینی های راهبردی دشمن برای آشفتنی
و فروپاشی، همه چیز به گونه ای معجزه آسا در مسیر استواری و انسجام پیش رفت. این هم
گواهی دیگر بر حقانیت و عمق این مکتب است که مردم را با خدا پیوند داده است نه با
افراد. ای امت رشید! حس خونخواهی این خون پاک باید در دل ها زنده و مستمر بماند؛ نه

امام شهید، اسوه ای

برای جهان اندیشی

بود. اندیشه او مرزهای

قومی و ملی را درنوردید

و گفتمانی جهانی

پی افکند که در آن،

ارزش های انسانی

مشترک، کرامت بشر،

عدالت و ایستادگی

در برابر استکبار، زبانی

فراگیر یافت.

به مثابه شعله‌ای زودگذر، که به سان عزمی پایدار برای پیمودن همان راهی که او با خونش آبیاری کرد. خون شهیدان، چراغ راه است و وفاداری به آرمان آنان، حقیقتِ خونخواهی است. خونخواهی و انتقام امام شهید نه یک مواجهه احساسی و هیجانی؛ بلکه استمرار مبارزه با ظلم و استکبار در قالب جدید و از ماموریت‌های محوری و اساسی جبهه مقاومت است.

شهادت او برای سطوح گوناگون جهان اسلام و ایران، رسالت‌ها و پیام‌هایی روشن دارد: نخست آنکه شهادت، سرمایه امت است نه خسارت آن، و مایه ذلت و نابودی دشمن است نه دستاورد او. دشمنان گمان بردند که با ترور رهبر دانشمند و فرزانه ایران اسلامی، اراده ملت را در هم خواهند شکست؛ حال آنکه سنت الهی بر آن است که خون پاک شهیدان، ریشه‌های ایمان را ژرف‌تر، اراده ملت‌ها را استوارتر و مسیر حق را روشن‌تر می‌سازد و این شهادت هر چه والاتر باشد برکات تعیین‌کننده آن برای امت اسلامی فزاینده‌تر و شعله‌ورکننده‌تر است. دومین پیام، شکست محاسبات نظام سلطه است. در این جنگ تحمیلی سوم، دشمن غدار و جنایت‌پیشه، چشم به تحقق اهدافی دوخته بود که همچون خواب آشفته‌ای تعبیر نشد و بار دیگر، سر او به سنگ خورد. نقشه تجزیه ایران، براندازی نظام، تسلیم شدن ملت ایران، تسلط بر ثروت ملی، تأمین امنیت رژیم صهیونیستی و نابودی محور مقاومت، به برکت خون امام و فرماندهان و شهدای میناب و هزاران نفر از گلگون‌کفان ملت امام حسینی ایران نقش بر آب شد. دشمن، نه تنها به هیچیک از این اهداف نرسید بلکه شکست‌های بزرگی خورد. تبیین ابعاد خرد شدن هیبت بزرگترین ابرقدرت جهان به سالها کار مطالعاتی ژرف نیازمند است. انهدام پایگاه‌های نظامی آمریکا در منطقه، انهدام اهداف استراتژیک اسرائیل، قدرت یافتن جبهه مقاومت، تسلط بر تنگه هرمز، بعثت و انسجام ملت ایران، بطلان پروژه ایران‌هراسی، افزایش حمایت جهانیان از ایران، افشای چهره کریه آمریکا و صهیونیست کودک‌کش، و ظهور ایران به عنوان یک ابرقدرت از محورهای مهم پیروزی‌های بزرگ ما در این جنگ است. (إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ)

سومین پیام، نمایش وحدت امت است. امروز جبهه متحدی از حزب‌الله لبنان، انصارالله یمن، حشد الشعبی عراق و مقاومت فلسطین شکل گرفته است که باید روز به روز متحدتر و منسجم‌تر شود. در روزگار فتنه‌های پیچیده، هیچ سرمایه‌ای برای امت اسلامی، گران‌سنگ‌تر از همبستگی، بصیرت و مسئولیت‌پذیری نیست.

باید دریافت که این مقطع، لحظه‌ای تعیین‌کننده و سرنوشت‌ساز است. عصر جدید اقتدار ایران و اسلام و محور مقاومت آغاز شده است. این تحولات بزرگ، ثمره قرن‌ها تلاش و مجاهدت عالمان ربانی و ملت‌های آگاه است که از امام کبیر (قدس سره) آغاز و با امام شهید رضوان الله علیه استمرار یافت؛ میراثی که برای رهایی امت و مستضعفان از رنج چند قرن و برای شکل‌گیری قطب‌های نوین قدرت و تمدن نوین اسلامی و زمینه‌سازی برای ظهور خورشید عظمای ولایت به ثمر نشسته است. فهم درست معادلات و تحولات این لحظه، فریضه‌ای است بر دوش همه دلسوزان و اندیشمندان امت.

و مراسم تشییع این پیکر مطهر باید به مثابه رخدادی بی‌نظیر و فرازمانی و فرامکانی ثبت شود. گردهمایی شخصیت‌های تراز اول جهان اسلام، نمادهای جهانی، رسانه‌های قدرتمند امت، عالمان، فرهیختگان، مجاهدان و آزادگان جهان، کمک خواهد کرد تا این حماسه در سطح جهانی پرتو افکند و پیام‌های بزرگ امام شهید به دل‌های انسان‌ها در همه قاره‌ها، به ویژه در جهان اسلام، برسد. این حضور عظیم، خود فریادی رسا برای حقانیت این راه و تجدید میثاق با منظومه‌ای از ایمان، عدالت، استقلال، عزت، مقاومت و امید به آینده خواهد بود. این تشییع، برگی زرین در تاریخ این مرز و بوم و جهان اسلام خواهد آفرید.

از همه افشار مردم، دلدادگان به مکتب خمینی و خامنه‌ای و همه دلسوختگان این مصیبت بزرگ دعوت می‌کنم تا



با حضور گسترده در این رخداد عظیم، جایگاه آن عزیز در دل‌های مردم شریف را به نمایش بگذارند و پیام دهند که راه انقلاب و آن شهید رمضان ادامه خواهد داشت و انتقام خون مردم شریف و شهدای گرانقدر گرفته خواهد شد. و در این لحظه، چگونه می‌توان از معمار این نهضت سترگ، حضرت امام خمینی (قدس سره) یاد نکرد؛ آن احیاگری که با اندیشه‌های والای خود محور مقاومت را بنیان نهاد و کاروان شهیدان را به حرکت درآورد. امام شهید، تداوم بخش راستین همان خط و همان مکتب بود و تا آخرین نفس، در مسیر آرمان‌های انقلاب اسلامی ایستاد و فدایی مردم و ایران اسلامی شد.

امروز مسئولیت مضاعفی بر دوش حوزه‌های علمیه، دانشگاه‌ها، نخبگان، اندیشمندان و اصحاب رسانه است. باید این حضور را به حرکتی ماندگار فرهنگی، علمی و تمدنی تبدیل کرد. وظیفه ما تبیین حقیقت، حفظ میراث فکری، ترسیم افق آینده و استمرار راه است.

شخصیت‌های بزرگ تاریخ اسلام به مدرسه‌ای ماندگار تبدیل می‌شوند که نسل‌های پیاپی از آن الهام می‌گیرند. ادامه راه امام شهید دو پیروی صادقانه، آگاهانه و مؤمنانه از ولایت فقیه زمان است. مقام معظم رهبری حضرت آیت الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای خط روشن و نورانی استمرار وجود و اندیشه‌ها و الگوی مبارک رهبری آن امام شهید است.

از خداوند متعال علو درجات این شهید عزیز و الحاق او به اولیای الهی، صبر و بصیرت برای امت، وحدت امت اسلامی، تقویت جبهه مقاومت، بیداری ملت‌ها و زمینه‌سازی تحقق وعده‌های الهی را مسئلت داریم. راه روشن است و کاروان در حرکت.

(وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَى أَمْرِهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ)

والسلام علی عباد الله الصالحین



آیت الله محمد جواد فاضل لنگرانی:

این تشیع باید بنیان کفر را بلرزاند و اسلامیت جامعه را مطرح کند

آیت الله محمد جواد فاضل لنگرانی در پی شهادت مرجع بزرگ شیعه و ولی امر مسلمین، حضرت آیت الله العظمی خامنه ای، با تسلیت این مصیبت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، ملت ایران و جهان اسلام، به تبیین ابعاد معنوی، فقهی، اجتماعی و سیاسی تشیع رهبر شهید پرداخت. وی با تأکید بر جایگاه بی بدیل مرجعیت و رهبری در اسلام، تشیع این شهید را فرصتی تاریخی برای تجدید بیعت با آرمان های اسلام و انقلاب دانست.

در ادامه، مشروح این پیام را می خوانید:

بسم الله الرحمن الرحيم

تسلیت شهادت مرجع بزرگ شیعه و ولی امر مسلمین

شهادت مرجع بزرگ شیعه، ولی امر مسلمین، امام شهید حضرت آیت الله العظمی خامنه ای رضوان الله تعالی علیه را به پیشگاه مقدس امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و همه مستضعفان عالم، همه شیعیان، خصوصاً ملت انقلابی و مبعوث شده ی ایران اسلامی تسلیت عرض می کنم.

واقعاً داغ بسیار بسیار بزرگی است. قطعاً امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در این مصیبت عزادار است، این

شخصیت بزرگ از زمره مراجع و پیشوایانی است که نمی‌شود تعبیر کرد از فقدانشان چه ثلمه و صدمه و چه شکاف عظیمی در جامعه اسلامی به وجود می‌آید. وقتی در روایات نقل شده اگر یک مؤمن از دنیا برود «تُلِمَ فِي الْإِسْلَامِ ثَلَمَةٌ»؛ حال اگر یک مرجع تقلید که نائب امام زمان عجل الله تعالی فرجه است و بالاتر از آن مرجع تقلیدی که رهبر حکومت اسلامی هم هست، با فیض شهادت از دنیا برود، اینجا دیگر آثاری دارد که به هیچوجه قابل مقایسه با دیگران نیست. حتی این تعابیر عاجز از بیان حقیقت این مصیبت و عزاست.

❖ فضیلت بی‌نظیر تشیع رهبر شهید

قطعاً امام زمان عزادار است، همه شیعیان عزادار هستند. ملت ایران که آماده می‌شوند در این روزها این پیکر مقدس را تشیع کنند، بدانند براساس روایات اهل بیت علیهم السلام اگر انسان یک مؤمن معمولی را تشیع کند، تمام گناهان او ریخته می‌شود. حال اگر بخواهند یک فقیه بزرگ مجاهد، یک مرجع انقلابی، یک شخصیتی که واقعاً در تاریخ روحانیت کم‌نظیر و در برخی از جهات بی‌نظیر را بر دست‌های عزیز خود با افتخار تشیع کنند، من نمی‌دانم خدا چه اجر عظیمی برای آنان در این تشیع قرار می‌دهد.

❖ تشیعی در تراز تشیع امام خمینی رحمه الله

این تشیع باید یادآور تشیع امام خمینی رحمه الله باشد. ان شاء الله مردم مبعوث شده ما که از جهت فکری، ایمانی و انقلابی از مردم زمان تشیع امام، به رشد و بلوغ بیشتری رسیده‌اند، بیشتر شرکت خواهند کرد و اجرشان از آن زمان قطعاً بیشتر خواهد بود؛ مخصوصاً نحوه شهادت این شهید بزرگوار که در خانه و محل کار خود، در سن ۸۶ سالگی، با جمعی از خانواده محترمش کاملاً مظلومانه بود، انسان نمی‌تواند ابعاد این مصیبت را بیان کند. مردم عزیز ما بدانند این تشیع اجر بسیار بزرگی دارد.

❖ کسی این فرصت را از دست ندهد

لذا توصیه می‌کنم کسی در خانه نماند و همه در این تشیع شرکت کنند و این فرصت را از دست ندهند. بعد از تشیع انبیاء و ائمه معصومین علیهم السلام، برگزاری باشکوه تشیع فقهای عظیم الشان اهمیت دارد، در غم فقدان این مراجع بزرگوار قطعاً خود امام زمان عجل الله تعالی فرجه داغدار است، قطعاً ملائکه الهی در این تشیع حضور پیدا می‌کنند، بدون هیچ تردیدی. ما در تاریخ درباره اصحاب رسول خدا یا افراد دیگر می‌خوانیم که ملائکه در تشیع آن‌ها شرکت کرده‌اند لذا مردم عزیز ما این فرصت گرانبها که موجب تسلاي بازماندگان و خار چشم دشمنان خواهد شد را از دست ندهند.

❖ پاداش عظیم تشیع در روایات

این روایت از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل گردیده که اگر یک مؤمن معمولی، انسانی با تقوا که در زمان حیاتش حق کسی را ضایع نکرده و زندگی سالمی داشته، از دنیا برود، برای مردمی که او را تشیع می‌کنند، صد هزار هزار حسنه نوشته شده و صد هزار هزار گناه محو گردیده و صد هزار هزار درجه نزد خدای تبارک و تعالی ارتقاء خواهد یافت. بی‌تردید در تشیع این امام شهید و این نفس طیب و زکی این پاداش صدها و هزاران برابر خواهد شد.

رهت نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

■ مقدمه

تشییع؛ تجلی معنویت و پیام ایستادگی

این تشییع، اولاً جنبه معنوی بسیار بسیار مهمی دارد و من معتقدم که فضای معنوی ایران را تغییر خواهد داد. ثانیاً جنبه سیاسی آن است؛ مردم در این تشییع باید به دنیا بگویند که ما راه این امام شهید را ادامه خواهیم داد و اهداف او را پیاده خواهیم کرد. ما در مقابل آن دشمنانی که این امام شهید به عنوان دشمنان اسلام و ایران، به ما معرفی کرد تا آخر ایستاده ایم. این تشییع باید بنیان کفر را بلرزاند و اساساً یکی از فلسفه های تشییع در اسلام این است که اسلامیت جامعه مطرح شود.

آداب فردی تشییع در اسلام

درست است که تشییع، آثار شخصی و فردی دارد؛ هم برای آن جنازه های که تشییع می شود و هم برای افرادی که در پشت سر او را تشییع می کنند. ما در فقه خود برای تشییع آدابی داریم. مثل نخندیدن در مراسم تشییع؛ ائمه ما فرمودند وقتی کسی را تشییع می کنید، به این فکر کنید که اگر خود شما الآن در این تابوت بودید و شما را به سوی قبر می بردند، چه حالی داشتید؛ نخندید. به یاد دنیا نباشید، حرف های دنیوی نزنید، به یاد قیامت و مرگ باشید، این ها آثار فردی است.

بعد سیاسی تشییع و پیام به جهان

اما تشییع در اسلام یک بُعد سیاسی هم دارد. تشییع معنایش این است که مرده ی یک مسلمان برای ما ارزش دارد. همانطور که یک انسان مسلمان در زمان حیاتش بسیار ارزش دارد، مرده ی او هم ارزش دارد. چه رسد به اینکه این میت، اولاً شهید باشد، ثانیاً فقیه باشد، ثالثاً رهبر باشد، رابعاً به مظلومانه ترین نحو شهید شده باشد و خامساً به دست شقی ترین و خبیث ترین و کثیف ترین انسان ها، یعنی ترامپ و نتانیاهو شهید شده باشد. ما وقتی می خواهیم اوج پستی ابن ملجم را بیان کنیم می گوئیم امیرالمؤمنین علیه السلام به دست «أَشَقَّى الْأَشْقِيَاءِ» شهید شد. واقعاً شقاوت ابن ملجم در مقابل ترامپ و نتانیاهو صفر است.

باشکوه ترین تشییع تاریخ

بعد سیاسی این مراسم بسیار مهم است. ما باید پیام خود را به دنیا برسانیم و باید از این تشییع کمال استفاده را ببریم. امیدواریم این تشییع، باشکوه ترین تشییع تاریخ محسوب شود و ملت ما در این تشییع حضور بسیار مؤثری داشته باشند و امام شهید، ملت ما را دعا کند و در آن عالم، روح مطهرش شاهد باشد که ملت چگونه عزادار او هستند و از غم فقدان بر سر و سینه می زنند و محکم تر از زمان حیات ایشان، برای انقلاب و اسلام و مکتب اهل بیت علیهم السلام و احیای قرآن و سنت ایستاده اند.



مردم در این تشییع باید
به دنیا بگویند که ما راه
این امام شهید را ادامه
خواهیم داد و اهداف او
را پیاده خواهیم کرد. ما
در مقابل آن دشمنانی
که این امام شهید به
عنوان دشمنان اسلام
و ایران، به ما معرفی کرد
تا آخر ایستاده ایم. این
تشییع باید بنیان کفر را
بلرزاند



رئیس مجلس خبرگان:

حضور مردم در تشیيع تجلی دوباره وفاداری به آرمان ولایت فقیه

رئیس مجلس خبرگان رهبری از مردم برای حضور در مراسم تشیيع رهبر شهید انقلاب دعوت کرد. متن پیام آیت الله محمدعلی موحدی کرمانی رئیس مجلس خبرگان رهبری به شرح زیر است:

رهبریت نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

■ مقدمه



آن خلف صالح
بنیان گذار کبیر انقلاب
اسلامی، حضرت امام
خمینی [، سی و هفت
سال با هوشمندی،
شجاعت و بصیرت
بی بدیل، ایران اسلامی
را به قله های پیشرفت
و اقتدار رساند و کشتی
انقلاب را در طوفان
سهمگین فتنه ها و
توطئه های استکبار
جهانی به ساحل نجات
هدایت نمود.

شهادت جانگداز و داغ عروج ملکوتی ولی امر مسلمین جهان، حضرت آیت الله العظمی الامام سیدعلی حسینی خامنه ای رحمته الله علیه، همچنان بر قلوب امت اسلامی سنگینی می کند.

آن خلف صالح بنیان گذار کبیر انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی رحمته الله علیه، سی و هفت سال با هوشمندی، شجاعت و بصیرت بی بدیل، ایران اسلامی را به قله های پیشرفت و اقتدار رساند و کشتی انقلاب را در طوفان سهمگین فتنه ها و توطئه های استکبار جهانی به ساحل نجات هدایت نمود.

ایشان با تأسی به سیره سرخ حضرت سیدالشهدا علیه السلام، هرگز تن به سازش با جبهه باطل و یزیدیان زمان را نداد و همواره شعار حسینی «مِثْلِي لَا يُبَايِعُ مِثْلَهُ» را در عمل معنا نمود و این مقاومت راهبردی را با عزمی راسخ و تا آخرین نفس با مشیت گره کرده امتداد داد.

اکنون که پس از ایامی طولانی از هجران و فراق جان سوز، در پی تثبیت مقتدرانه شرایط کشور و خنثی سازی توطئه های شوم دشمنان قسم خورده، سرانجام شرایط برای وصال و تشییع پیکر مطهر آن امام مجاهد شهید و اعضای خانواده مکرم ایشان رحمته الله علیه فراهم گردیده است، از آحاد ملت غیور، مؤمن، شریف و مبعوث شده ایران اسلامی و عموم پیروان و ارادتمندان مکتب اهل بیت علیهم السلام دعوت می نمایم تا با حضوری عاشورایی، پرشور و بصیرت مدار در این رویداد غم انگیز تاریخی شرکت جویند؛ حضوری که فراتر از یک آیین تشییع بلکه تجلی دوباره وفاداری به آرمان های ولایت مطلقه فقیه و جلوه ای بی نظیر از وحدت و اقتدار امت اسلامی در برابر نظام سلطه خواهد بود.

در این برهه حساس، ضمن مسألت و علو درجات برای آن روح قدسی، اکنون که در سایه الطاف الهی و با تصمیم قاطع و تاریخی مجلس خبرگان رهبری، پرچم این رسالت سنگین بر دوش خلف شایسته ایشان قرار گرفته است؛ پایداری ملت بزرگ ایران بر صراط مستقیم ولایت مطلقه فقیه، حفظ انسجام ملی، و توفیق تبعیت کامل از رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله سید مجتبی حسینی خامنه ای رحمته الله علیه را از درگاه خداوند متعال مسألت می نمایم.



حضور مردم، پیامی روشن به جهان

آیت‌الله صادق آملی‌لاریجانی رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام با صدور پیامی به زبان‌های فارسی و عربی از ملت شریف ایران، ملت‌های مسلمان و تمام آزادیخواهان و مستضعفان عالم برای حضور در مراسم تشییع و بدرقه قائد شهید آیت‌الله العظمی خامنه‌ای دعوت کرد.

متن پیام دعوت آملی‌لاریجانی به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

مردم مؤمن، انقلابی و سرافراز ایران اسلامی، ملل اسلامی و آزادیخواهان جهان اکنون که امت اسلامی در سوگ فراق قائد شهید، حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای نشست است، حضور در آیین وداع با آن مجاهد بزرگ، صرفاً بدرقه پیکر رهبر الهی نیست. این صحنه، جلوه‌ای از ایمان، وفاداری و اراده ملتی است که سال‌ها در پرتو هدایت او، مسیر عزت، استقلال و مقاومت را پیموده است.

این آیین باشکوه، نمادی از اقتدار ایران در برابر جبهه استکبار و نشانه‌ای از تداوم راه حق، عدالت و ایستادگی است. حضور پرشور و آگاهانه مردم، پیامی روشن به جهانیان دارد که مسیر ولایت و جهاد همچنان ادامه خواهد یافت.

این مراسم تاریخی، فرصتی برای تجدید میثاق با آرمان‌های انقلاب اسلامی و قدردانی از دهه‌ها مجاهدت، صبر، ایثار و رهبری حکیمانه آن عبد صالح خداست؛ رهبری‌ای که عمر خویش را در راه اسلام، انقلاب و عزت امت اسلامی صرف کرد و میراثی ماندگار از ایمان، مقاومت و امید برای نسل‌های آینده بر جای گذاشت.



در پیام دکتر علی اکبر ولایتی، دبیرکل مجمع جهانی بیداری
اسلامی مطرح شد

تشییع میلیونی؛ پیام ایستادگی ایران

دبیرکل مجمع جهانی بیداری اسلامی با صدور بیانیه ای از ملت مبعوث شده ایران و نیز
همه دلدادگان و رزمندگان جبهه مقاومت، برای حضور پرشور و گسترده در مراسم وداع،
تشییع و تدفین امام شهید سید علی حسینی خامنه ای رضوان الله تعالی علیه در ایران و عراق دعوت نمود



او که استوانه ای سترگ
در برابر طوفان های
سهمگین بود و با تکیه
بر رأی و اراده مردم خود،
عزت و کرامت این ملت
غیور را در بلندای تاریخ
معاصر تثبیت کرد، از
میان ما پرکشیده است

بسم الله الرحمن الرحيم

امروز جهان اسلام و جمهوری اسلامی ایران در سوگ امام و قائد شهید خویش بعنوان
ستون استوار، رهبری الهی و دیده بانی بصیر نشسته است. آن که در طی ۳۷ سال هدایت
داهیه راه نورانی امام عظیم الشان راحل (ره) را با صلابت و اقتدار ادامه داد و ایران عزیز را به
کانون تپنده استکبارستیزی و استقلال طلبی در جهان تبدیل کرد و اکنون به وصال معبود
شتافته است. او که استوانه ای سترگ در برابر طوفان های سهمگین بود و با تکیه بر رأی و
اراده مردم خود، عزت و کرامت این ملت غیور را در بلندای تاریخ معاصر تثبیت کرد، از میان
ما پرکشیده است، اما میراث او که همان بیداری و پایداری مسلمانان و آزادیخواهان جهان

است، در جانشان رسوخ کرده است. ایشان که چون استوانه‌ای سترگ، قامت ملت ایران را از تلاطم‌های جهانی حفظ کرد و عزت و کرامت را به ملت‌های تحت استکبار بازگرداند، امروز در مقام جاودانگی قرار گرفته است.

ای ملت آزاده و مقاوم شاهد هستیم که چگونه تدبیر، دوراندیشی و پایداری این رهبر بزرگ، ایران را به قلعه‌ای نفوذناپذیر در برابر ظلم تبدیل کرد. ما شهادت ایشان را نه یک پایان، بلکه اوج شکوه یک مسیر پراز خون و جهاد می‌دانیم. ویژگی‌های والای ایشان از جمله دلبستگی بی‌حد و مرز به آرمان‌های امام خمینی (ره)، حلم و علم در مدیریت بحران‌ها و ایمان خالصانه به پروردگار متعال، اکنون به میراثی برای تمام آزادی‌خواهان و ملل خواهان رهایی از سیطره ظلم و ستم در جهان تبدیل شده و مزد و اجر زحمات خدمات سالهای متمادی ایشان به انقلاب و نظام حقیقتاً پاداشی به جز شهادت در ماه مبارک رمضان و در معرکه نبرد با شقی‌ترین دشمنان اسلام و در حالی که در راه حق ایستاده بود زبینه مقام عالی ایشان نبود.

مقام شهادت شایسته‌ترین پاداش الهی برای چنین وجود مقتدر و عادل نبود. شهادت ایشان، مهر تأکیدی بر این حقیقت است که راه مقاومت، راهی است که تنها به شهادت، ماندگاری، مانایی و رستگاری ختم می‌شود.

این مجمع، حمله ددمنشانه آمریکا و رژیم صهیونیستی به جمهوری اسلامی ایران و ترور ناجوانمردانه رهبر فقید انقلاب اسلامی، فرماندهان، دانش‌آموزان بی‌گناه مدرسه شجره طیبه و آحاد مردم عزیز را به عنوان یکی از بزرگ‌ترین جنایات بشری به کرامت انسانی و اراده ملت‌های اسلامی و خواهان استقلال قلمداد و ضمن محکومیت دوباره آن اعلام می‌دارد دشمنانی که گمان کردند با از میان برداشتن رهبر و حمله به ایران، جریان مقاومت را متوقف خواهند کرد، سخت در اشتباه‌اند، بلکه با معماری خردمندانه رهبری شهید انقلاب و ساخت مستحکم چارچوب انقلاب اسلامی نه تنها فرو نپاشید بلکه به الگوی بدیل برای تمامی مستضعفان، مظلومان و آزادی‌خواهان جهان تبدیل گردید و در ادبیات سیاسی و روابط بین‌الملل از قدرت چهارم بین‌المللی یاد می‌گردد.

مجمع دایمی جهانی بیداری اسلامی، اعلام می‌دارد که جمهوری اسلامی ایران و تمامی ملت‌های پیرو راه ایشان، خون‌خواهی و انتقام از عاملین و آمرین این جنایت را تنها وظیفه و حق مشروع خود می‌دانند. این جنایت، تنها بر آتش خشم امت اسلامی افزوده و دشمنان بدانند که خون شهیدی که در راه استقلال و عزت ریخته شد، اکنون به عامل فرو ریختن آن‌ها بدل گشته است.

ای ملت بزرگ و قهرمان ایران، مجمع دایمی جهانی بیداری اسلامی از تمامی آحاد مردم خونخواه و جان‌فدا دعوت می‌کند تا در این حرکت همه‌جانبه مردمی، تاریخی و پرشکوه، در مراسم وداع، تشییع باشکوه در ایران و عراق، تدفین و خاکسپاری قائد شهید اسوه جهاد، ایستادگی و پایداری در برابر استکبار جهانی و صهیونیسم بین‌الملل شرکت نمایند. این مراسم، تنها یک تشییع جنازه نیست بلکه؛ یک مجمع سیاسی بزرگ برای نشان دادن اقتدار و ایستادگی ملت مبعوث ایران و محور مقاومت در برابر استکبار، یک پیام آرمانی و ارزشی برای تجدید میثاق با معمار کبیر انقلاب اسلامی امام خمینی علیه السلام و امام شهید و امام سید مجتبی حسینی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) و یک اعلام خونخواهی و جنگ علیه ظلم است تا دنیا بدانند که با شهادت رهبران، اراده ملت‌ها از بین نمی‌رود.

از این‌رو در جهت تکمیل جهاد خیابان، ملت مبعوث شده و تجدید بیعت مجدد با امام خامنه‌ای جوان با حضور میلیونی و باشکوهی که جهان را به لرزه اندازد، نشان دهید که راهی که ایشان با خون و ایمان باز کردند و در مسیر تحقق وعده‌های ایشان، با حضور پرشور، دشمن‌شکن و تاریخی شما تداوم خواهد یافت و تصویری از حضور حماسی در پیوند منسجم و یکپارچه امت و ولایت با امام قائد شهید و رهبر سوم انقلاب اسلامی امام سید مجتبی حسینی محکم‌تر از قبل رسیدن به قله نهایی و تحقق نظم نوین منطقه‌ای و بین‌المللی را رقم خواهند زد.

رجعت نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

■ مقدمه



حجت السلام و المسلمین
دکتر داوود مهدوی زادگان



رجعت نور

حجت السلام و المسلمین دکتر داوود مهدوی زادگان

يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ: ازْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً؛ فَأَدْخُلِي فِي عِبَادِي؛ وَادْخُلِي جَنَّاتِي بزرگترین خیر و موهبت منزل خداوند سبحان بر فرزندان آدم ارسال هادیان ربانی است. چون آنها هستند که می توانند راهنمای دفع شرّ شیطان باشند و جامعه بشری را به سوی نور هدایت کنند: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَىٰ بَالِكِهِ شَهِيدًا» (الفتح: ۲۸). بالاترین خشم و کینه شیطان در این دنیای دون از حضور پر فیض انبیاء و اولیاء ربانی است و برای بی نتیجه ماندن رسالت آنان از هر فتنه ای فروگذاری نمی کند. مشرکین و کفار و منافقین همان کارگزاران ابلیس مأمور خاموش کردن انوار الهی هستند. آنچنانکه قرآن کریم درباره تلاش فتنه گری مشرکین علیه رسول الله ﷺ یاد کرده است که از هر اقدامی برای شکست رسالت آن حضرت فروگذاری نکردند از بی حرمتی و اهانت گرفته تا توطئه قتل و اخراج از شهر و محاصره اقتصادی:

«وَإِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرٌ الْمَاكِرِينَ»؛ [به خاطر بیاور] هنگامی را که کافران برای تو نقشه می کشیدند که تو را به زندان بیفکنند، یا به قتل برسانند، و یا [از مکه] بیرون کنند، آن ها توطئه می کردند، و خداوند هم تدبیر می کرد و خدا بهترین تدبیرکنندگان است. (انفال: ۳۰)

لحظه لحظه عمر مبارک امام شهید آیت الله العظمی سید علی خامنه ای ره همانند وجود مقدس رسول خاتم ﷺ چونان تیرهای الهی بر پیکر شیطان رجیم و لعین دولت تروریست آمریکا و رژیم منحوس صهیونی بود. با هر گام هدایت گرانه ای که امام شهید بر می داشت نایره خشم فرعونیان شعله ور تر می شد. دشمنی استکبار جهانی و مزدورانش

امام شهید به زمانی پیش از وقوع انقلاب کبیر اسلامی باز می‌گردد که ممنوع المنبر و زندانی و تبعیدش کردند. بعد انقلاب هم دشمن کین توز زد و بیشتر از جبهه انقلابی به نقش بی‌بدیل امام خامنه‌ای ره در امتداد دهنده‌گی مکتب امام خمینی ره آگاهی داشتند و به همین خاطر در سال شصت دست به ترور ایشان زدند لکن از آنجا که امام خامنه‌ای ره مأمور به تفصیل انقلاب نور در ۳۷ سال امامت و ولایت بودند توطئه ترور نافرجام ماند.

رهبر شهید در مدت ۳۷ سال مملکت داری راه و نشان خورشید انقلاب اسلامی، امام خمینی ره را که مستند به اسلام ناب محمدی ﷺ است تفصیل داد و به جهانیان متواضعانه نشان داد که چگونه می‌توان بی‌آنکه این جهانی شویم و مبانی سکولاریسم مدرن را قبول کنیم رهبری دموکراتیک، مدافع حقوق فرد و جامعه و حامی ملت‌های مظلوم و مجاهدی استکبار ستیز و علم دوست و تمدن اندیش و دنبال کننده پیشرفت و ترقی و منادی صلح و امنیت ملی و منطقه ای و بین المللی بود. امام شهید همه این امور مترقی را در هاله‌ای از آموزه‌های وحیانی و معنویت ناب در ایران اسلامی عینیت بخشید. آنچنانکه دستاوردها و میراث مادی و معنوی ایشان نه فقط در ایران که در جهان اسلام و نظام بین الملل مشهود است اگر چه مستکبرین و فرعونیان کین توز این حقیقت را خوش نداشتند و آشکار و پنهان با آن مخالف بودند و سنگ اندازی می‌کردند.

موفقیت امام شهید در مجاهدت فی سبیل الله و در افتادن با طواغیت زمان رزق من لایحتسب است که از جهاد با نفس بدست آورده بود آنگونه که چنین رزقی را خداوند رحمان و رحیم به امام خمینی ره ارزانی فرموده بود: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» (الطلاق: ۳-۲).

قاطع ترین دلیل بر مرزوق بودن امام شهید به رزق مبارزه با طاغوت و شیطان بزرگ شهادت ایشان بدست استکبار جهانی و رژیم غاصب صهیونی است. دشمن آمریکایی صهیونی در مدت ۳۷ سال امامت و ولایت ورزی سید علی خامنه‌ای ره شکست‌ها و ضربه‌های جبران ناپذیر سختی خورده بود. اوج این شکست‌ها در جنگ دوازده روزه (خرداد ۴۰۴) اتفاق افتاد که هیمنه و ابهت ابر قدرتی و یگانه تازی آنها فرو ریخت و ملت‌های مظلوم متوجه شدند که اسطوره شکست ناپذیری دولت تروریست آمریکایی صهیونی دروغی بیش نیست. و همین امر عزم شیطان بزرگ را بر به شهادت رساندن قائد اعظم انقلاب اسلامی جزم کرد. و البته همین اقدام تروریستی دشمن هم شکستی بزرگ تر بر شکست‌های پیشین است. ننگ بزرگی که نه فقط بر پیشانی دولت آمریکا و یهود صهیونیست بلکه بر عالم سکولار مدرن تا ابد تاریخ خواهد ماند و پاک شدنی نیست. بی تردید اگر تقدیر و ندای الهی بر رجعت نفس مطمئنه امام خامنه‌ای ره در روز شهادت (۹ اسفند ۱۴۰۴ ش/ ۵۰ رمضان ۱۴۴۷ ق) سر داده نشده بود؛ «يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً» (الفجر: ۲۸) این ترور همچون ترور سال ۶۰ نافرجام می‌ماند حتی اگر دشمن ناجوانمردانه خانه بی سنگر ایشان را با هزار موشک سنگر شکن بمباران می‌کرد. امام شهید به رسالت قدسی خود به نحو تام و کمال عمل کرده بود که ندای ارجعی فرود آمد. رسالت این بود که ملت غیوری چون ملت ایران مبعوث شوند تا امت اسلامی از این بعثت بیدار شود. آنچنانکه امام راحل ره در تبیین شهادت آیت الله سید محمد بهشتی ره فرمودند که ملت بیدارتر می‌شود. بنابر این، هرگز دشمن آمریکایی صهیونی چنین نپندارد که نور امام شهید سید علی خامنه‌ای ره را خاموش کرده است. این نور خاموش شدنی نیست. سنت الهی بر این حقیقت استوار است که انوار قدسیه بدست حجت خدا، صالح بعد صالح ساطع و منور باقی می‌ماند. آنچنانکه رهبر شهید نور مکتب امام خمینی ره را روشن نگه داشته بود نور مکتب حقه ایشان هم بدست خلف صالح و جانشین بر حقش آیت الله سید مجتبی خامنه‌ای حفظه الله باقی و ساری خواهد ماند بفضل الهی و توجه بقیة الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف. انشاء الله

رهبری پس از رهبر



محمد شیرکوند

پژوهشگر رسانه و ارتباطات

میان آن تابوت پوشیده در پرچم و دریای مردمی که آرام و خشمگین، اشک ریزان و استوار، خیابان‌های ایران را پر می‌کنند، حقیقتی جریان دارد که دشمن هرگز نتوانسته بود آن را در تصاویر ماهواره‌ای خود ببیند. در این روز، فقط پیکر یک رهبر تشییع نمی‌شود؛ یک خطای بزرگ راهبردی نیز بر دوش مردم، تا گورستان محاسبات دشمن بدرقه می‌شود. دشمن گمان کرده بود با زدن رهبر، رهبری را از ایران خواهد گرفت. تصور کرده بود اگر رأس نظام از میان برداشته شود، پیکره کشور دچار سرگردانی خواهد شد؛ فرماندهان منتظر فرمانی خواهند ماند که دیگر صادر نمی‌شود، مسئولان به جان یکدیگر خواهند افتاد و مردمی که سال‌ها زیر فشار جنگ، تحریم و عملیات روانی قرار گرفته‌اند، آخرین تکیه‌گاه خود را از دست رفته خواهند دید. برای چنین محاسبه‌ای، شهادت رهبر نقطه پایان بود؛ لحظه‌ای که پس از آن باید خلأ، ترس و فروپاشی آغاز می‌شد. اما آنچه در ایران آغاز شد، نه خلأ، بلکه «بعثت» بود. دشمن، رهبر را هدف قرار داده بود؛ اما ناگهان با میلیون‌ها انسان روبه‌رو شد که هر یک بخشی از تشخیص، اراده و مسئولیت رهبر را در خود حمل می‌کردند. او یک نفر رازد، اما ملتی برخاست، رأس را هدف گرفت، اما فهمید ریشه‌ها سال‌هاست در عمق جان مردم دویده‌اند. این همان پدیده‌ای است که می‌توان آن را «رهبری پس از رهبر» نامید؛ هنری که در آن، رهبر پیش از رفتن، جامعه را به نقطه‌ای می‌رساند که فقدان جسمانی او به فقدان جهت، اراده و قدرت تصمیم‌گیری تبدیل نشود.

جنگ، پیش از بمباران آغاز می‌شود

سال‌ها پیش، حضرت آیت‌الله العظمی شهید سید علی خامنه‌ای (ره)، هنگام بازخوانی تجربه تلخ آغاز جنگ تحمیلی، سخنی گفتند که امروز باید آن را نه فقط یک روایت تاریخی، بلکه کلید فهم شهادت خود ایشان دانست: «امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: هر جماعتی که در داخل خانه‌ی خودشان مورد تهاجم دشمن قرار بگیرند، غفلت کنند از این که دشمن دارد می‌آید، اینها شکست خواهند خورد، مغلوب خواهند شد. دشمن را از دور باید دید، از دور باید شناخت... در روز ۳۱ شهریور ۵۹ جنگ در واقع آغاز نشد. آن روز تهران بمباران شد. جنگ از پیش شروع شده بود». این سخن یک قاعده دائمی در خود دارد: جنگ‌ها همیشه با نخستین موشک و نخستین بمب آغاز نمی‌شوند. پیش از آنکه میدان جغرافیایی هدف قرار گیرد، میدان ادراک و محاسبه هدف قرار گرفته است. در جنگ تحمیلی سوم، دشمن از مدت‌ها پیش جنگ را آغاز کرده بود. او جامعه ایران را سنجیده، اختلافات سیاسی را ثبت، فشار اقتصادی را اندازه‌گیری و تغییرات فرهنگی را رصد کرده بود. از مجموعه این داده‌ها به نتیجه‌ای رسید که برای آغاز عملیات تعیین‌کننده بود: ایران از درون فرسوده شده و شهادت رهبر می‌تواند آخرین ضربه برای فروپاشی آن باشد. اما دشمن گرفتار خطایی عمیق‌تر شده بود. او ایران را دیده بود، اما نشناخته بود. خیابان‌ها، گلایه‌ها، مشکلات اقتصادی و اختلافات اجتماعی را دیده بود؛ ولی عمق جان ملت را ندیده بود. چهره‌های جامعه را مطالعه کرده بود؛ اما نتوانسته بود لایه‌ای را ببیند که در لحظه خطر، اختلافات را کنار می‌زند و ملت را حول دفاع از کشور، نظام و رهبر خود به میدان می‌آورد.

رهبر را با «مرکز فرماندهی» اشتباه گرفتند

اشتباه اصلی آمریکا و رژیم صهیونیستی آن بود که رهبر انقلاب را صرفاً یک مرکز فرماندهی می‌دانستند؛ نقطه‌ای که دستورهای آن صادر می‌شود و با حذف آن، شبکه از کار می‌افتد. این تلقی شاید درباره یک ارتش اجاره‌ای، یک رژیم وابسته یا یک ساختار صرفاً بوروکراتیک

درست باشد؛ اما درباره رهبری دینی و انقلابی، خطایی بنیادین است. رهبر الهی فقط فرمان صادر نمی‌کند؛ معنا می‌سازد. فقط تصمیم نمی‌گیرد؛ انسان تربیت می‌کند. فقط بحران‌های امروز را مدیریت نمی‌کند؛ جامعه‌ای را برای بحران‌هایی آماده می‌سازد که ممکن است خود در روز وقوع آنها حضور نداشته باشد. حضرت آیت‌الله سید علی خامنه‌ای (ره) در نزدیک به چهار دهه رهبری، تنها اداره‌کننده جمهوری اسلامی نبودند. آنان به تعبیر رهبر انقلاب، حضرت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای، دارای «هنر تربیت و پرورش اجتماع از طریق ساخت افکار و روحیات و عواطف توده‌های عظیم مردم و گروه‌های اجتماعی» بودند. (پیام به مناسبت چهلمین روز شهادت رهبر شهید انقلاب ۱۴۰۵/۰۷/۲۰) این تعبیر، تفاوت میان یک رهبر سیاسی و یک رهبر تمدنی را نشان می‌دهد. رهبر سیاسی، تازمانی که حضور دارد تصمیم می‌گیرد؛ رهبر تمدنی، قدرت تصمیم‌گیری را در جامعه بازتولید می‌کند. رهبر سیاسی، مردم را به دنبال خود می‌کشد؛ رهبر تمدنی، مردمی می‌سازد که پس از او نیز راه را می‌شناسند. رهبر سیاسی ممکن است خلأیی بزرگ از خود باقی بگذارد؛ اما رهبر تمدنی پیش از رفتن، جامعه را برای عبور از خلأ آماده کرده است. «رهبری پس از رهبر» محصول همین فرایند است.

آن جمله، پیش‌بینی نبود؛ گزارش آمادگی ملت بود

حدود یک ماه پیش از شهادت، رهبر شهید فرمودند:

«به توفیق الهی اگر چنانچه حادثه‌ای برای کشور پیش بیاید، خدای متعال این مردم را مبعوث خواهد کرد برای مقابله‌ی با حوادث، و کار را مردم تمام خواهند کرد». (بیانات در دیدار اقشار مردم به مناسبت چهل و هفتمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ۱۴۰۴/۱۱/۱۲) این جمله پس از وقوع حادثه، شبیه یک پیش‌بینی شگفت‌آور به نظر می‌رسد؛ اما در حقیقت چیزی فراتر از پیش‌بینی بود. آن سخن، گزارش یک رهبر از نتیجه‌ی قریب به چهار دهه تربیت اجتماعی بود. ایشان ملتی را می‌شناختند که دشمن نمی‌شناخت. می‌دانستند جامعه ایران، با همه اختلافات، رنج‌ها، کاستی‌ها و اعتراض‌هایش، در لحظه‌ای که اصل موجودیت کشور و انقلاب هدف قرار گیرد، به تماشای تاریخ تبدیل نمی‌شود. می‌دانستند آتشی در زیر خاکستر این جامعه باقی است که با حمله دشمن شعله‌ور خواهد شد. می‌دانستند مردم ممکن است از مدیریت گلایه‌کننده، از تصمیمی ناراضی باشند یا از بی‌عدالتی به خشم بیایند؛ اما میان نقد درون خانه و همراهی با مهاجمی که خانه را هدف گرفته، تفاوت می‌گذارند. دشمن این تفاوت را نفهمید. دشمن نارضایتی را با گسست، تفاوت فرهنگی را با بی‌هویتی و اعتراض را با آمادگی برای خیانت اشتباه گرفت اما رهبر شهید به عمق مردم نگاه می‌کرد، نه صرفاً به تصویر روزمره آنان. از همین رو فرمود: «چه مردم بدانند چه ندانند، من تک‌تک مردم را دوست می‌دارم... من برای همه دعا می‌کنم». (بیانات در دیدار جمعی از کارگردانان و تهیه‌کنندگان سینما ۱۳۹۶/۱۰/۲۸) این محبت، یک احساس شخصی نبود؛ مبنای یک الگوی رهبری بود. او مردمی را که حتی ممکن بود با بخشی از سیاست‌ها یا ظواهر رسمی فاصله داشته باشند، از دایره ملت خارج نمی‌کرد. آنان را سرمایه دشمن نمی‌دانست؛ سرمایه ایران می‌دانست و برای بازگشت، رشد و حضورشان زمینه می‌ساخت.

او برای روز غیبت خود، مردم را آماده کرده بود

بزرگ‌ترین هنر یک رهبر آن نیست که در حضور خود همه کارها را به پیش ببرد؛ هنر بزرگ‌تر آن است که جامعه را برای روز نبودن خود آماده کند. حضرت امام خمینی (ره)، ملت ایران را از حاشیه به متن تاریخ آوردند. به مردمی که قرن‌ها عادت داده شده بودند رعیت باشند، آموختند که صاحبان کشور و انقلاب‌اند. کار را به آنان سپردند، به میدان‌شان آوردند و اراده‌شان را آزاد کردند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای این میراث را تحویل گرفتند و آن را از «حضور مردم» به «تربیت مردم» ارتقا دادند. حضور، ممکن است مقطعی باشد؛ اما تربیت، ظرفیت حضور را در جان جامعه ماندگار می‌کند. در طول دهه‌ها، مجموعه‌ای از مفاهیم، نهادها و تجربه‌های جمعی شکل گرفت که در ظاهر جدا از یکدیگر بودند، اما در واقع اجزای یک طرح بزرگ محسوب می‌شدند: اردوهای جهادی، دفاع از حرم، راهیان نور، اعتکاف، پیاده‌روی اربعین، مواسات، جهاد تبیین، اقتصاد مقاومتی، مردمی‌سازی تولید، اعتماد به جوانان و گسترش مسئولیت اجتماعی. هر یک از این

میدان‌ها، تمرینی برای خروج انسان از انفعال بود. در اردوهای جهادی، جوان می‌آموخت منتظر دستگاه اداری نماند. در جهاد تبیین، یاد می‌گرفت فهم و روایت حقیقت را به دیگران واگذار نکند. در موسسات، جامعه‌تربین می‌کرد در روز سختی، خود به کمک خود برخیزد. در دفاع از حرم، نسلی می‌آموخت امنیت را نباید فقط در مرزهای جغرافیایی جست‌وجو کرد. در اربعین، میلیون‌ها انسان تجربه می‌کردند چگونه می‌توان بدون ساختارهای متعارف اداری، نظامی عظیم را بر پایه ایمان و خدمت اداره کرد. اینها برنامه‌هایی فرهنگی یا مناسکی در کنار یکدیگر نبودند؛ مدرسه‌های «رهبری پس از رهبر» بودند. رهبر شهید در این میدان‌ها، از مردم پیروانی مطیع نساخت؛ انسان‌هایی مسئول ساخت که در لحظه نیاز، خود میدان را تشخیص دهند و وارد عمل شوند.

■ تحریم چگونه به الگوی تربیت اجتماعی تبدیل شد؟

رهبر شهید در دیدار ۱۳۹۸/۰۲/۰۴ با کارگران، از مسئولی نقل کردند که در پاسخ به یک سیاستمدار خارجی گفته بود: «اگر تحریم نبودیم، این کارها هیچ‌کدام انجام نمی‌گرفت». سپس توضیح دادند تحریم، کشور را وادار کرد به خود مراجعه کند، نیازهایش را از درون تأمین کند و ابتکارات خود را بشناسد. معنای عمیق این سخن، فراتر از صنعت و اقتصاد است. فشار خارجی اگر جامعه‌ای را نشکند، می‌تواند ظرفیت‌های پنهان آن را آشکار کند. تحریم، ایران را ناچار کرد بسیاری از نیازهای دفاعی، صنعتی و علمی خود را در داخل تولید کند؛ اما همزمان، رهبر شهید تلاش کرد همان خوداتکایی را در سطح سیاسی و اجتماعی نیز بسازد.

کشور نباید برای امنیت خود منتظر قدرت‌های خارجی بماند؛ جامعه نیز نباید برای حل هر بحران منتظر دستور، بودجه و سازمان رسمی باشد. همان‌گونه که صنعت دفاعی باید بتواند در محاصره تولید کند، ملت نیز باید بتواند در لحظه اختلال و فقدان، قدرت عمل خود را حفظ کند. این همان نقطه‌ای است که مقاومت از یک سیاست خارجی به یک خصلت اجتماعی تبدیل می‌شود. مقاومت فقط آن نیست که یک نیروی نظامی در برابر دشمن بایستد؛ مقاومت آن است که جامعه پس از دریافت سخت‌ترین ضربه، نظم خود را از دست ندهد، امیدش را نبازد و اراده دشمن را نپذیرد. دشمن در محاسبات خود زرادخانه ایران را شمرد، اما ذخیره مقاومت در جان مردم را اندازه نگرفت.

■ از جمعیت تا امت

در روز تشییع، ممکن است یک تحلیل‌گر خارجی به تصاویر نگاه کند و فقط جمعیتی عظیم ببیند؛ اما میان «جمعیت» و «امت» تفاوتی بنیادین وجود دارد. جمعیت، کنار هم قرار گرفتن بدن‌هاست؛ امت، هم‌جهت شدن اراده‌هاست. جمعیت ممکن است بر اثر عاطفه شکل گیرد و پس از پایان مراسم پراکنده شود. امت، از دل یک معنای مشترک پدید می‌آید و پس از پایان مراسم، مسئولیتی مشترک را با خود حمل می‌کند. اگر مردم ایران فقط برای سوگواری می‌آمدند، این تشییع یک واقعه بزرگ عاطفی بود؛ اما آنان می‌آیند تا اعلام کنند شهادت رهبر، رابطه‌شان را با راه او قطع نکرده است. آنان پیکر رهبر را بدرقه می‌کنند، در حالی که هر یک، بخشی از بار راه او را بر دوش گرفته‌اند. به همین دلیل، این مراسم تنها نشانه محبوبیت یک شخصیت نیست؛ شهادی بر موفقیت یک پروژه تاریخی است. پروژه‌ای که انسان ایرانی را از تماشاگر حوادث به کنشگر تاریخ تبدیل کرده است. در سال ۱۳۶۸، پس از رحلت امام خمینی رحمه‌الله، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای از «رستاخیز شگفت‌انگیز و به یادماندنی چهل روزه ایران» سخن گفتند. آن روز، ملت نشان داد که فقدان بنیان‌گذار انقلاب، به پایان انقلاب تبدیل نخواهد شد. سی و هفت سال بعد، تاریخ بار دیگر به نقطه‌ای مشابه رسید؛ اما این بار، خود آن رهبر که شاهد و راوی رستاخیز پس از امام بود، موضوع رستاخیزی تازه شد. این شباهت، اتفاقی نیست. امام راحل، مردمی را به میدان آورد که پس از او انقلاب را حفظ کردند؛ امام شهید، همان مردم و نسل‌های پس از آنان را چنان تربیت کرد که پس از شهادتش، کشور را در میانه جنگ از بحران عبور دهند.

■ دشمن خواست خلأ بسازد؛ انتقال قدرت شکل گرفت

یکی از اهداف اصلی عملیات سرزدایی، ایجاد فاصله میان حذف رهبر پیشین و استقرار رهبری جدید بود. دشمن امیدوار بود در این

فاصله، بحران مشروعیت، اختلاف نخبگان و آشفتگی اجتماعی شکل گیرد. اما آنچه در ایران رخ داد، خلاف این الگو بود. انتقال رهبری در متن جنگ و زیر فشار دشمن انجام شد؛ بدون آنکه کشور وارد خلأ تصمیم‌گیری شود. حضرت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای در شرایطی مسئولیت رهبری انقلاب را بر عهده گرفتند که دشمن انتظار داشت ایران برای یافتن جهت، ماه‌ها یا سال‌ها درگیر خود شود. این انتقال سریع، فقط محصول سازوکار حقوقی نظام نبود. قانون می‌تواند جانشین را تعیین کند؛ اما نمی‌تواند به‌تنهایی جامعه را برای پذیرش و همراهی در لحظه‌ای چنین سهمگین آماده سازد. آنچه امکان انتقال آرام و مقتدرانه رهبری را فراهم کرد، سرمایه‌ای اجتماعی بود که رهبر شهید طی دهه‌ها ساخته بود. رهبر جدید، وارث جامعه‌ای از هم‌گسیخته و بی‌اعتماد نشد؛ وارث ملتی شد که در سخت‌ترین آزمون، آمادگی خود را نشان داده بود. از این منظر، تشییع رهبر شهید فقط وداع با گذشته نیست؛ بیعتی اجتماعی با آینده نیز هست. مردم می‌آیند تا بگویند دشمن نتوانسته است میان رهبر شهید، رهبر حاضر و مسیر انقلاب شکاف ایجاد کند. و این همان چیزی است که طرح دشمن برای تولید خلأ را به شکست کشاند: رهبری پس از رهبر، پیش از شهادت رهبر ساخته شده بود.

تشییع، صحنه رونمایی از یک قدرت پنهان

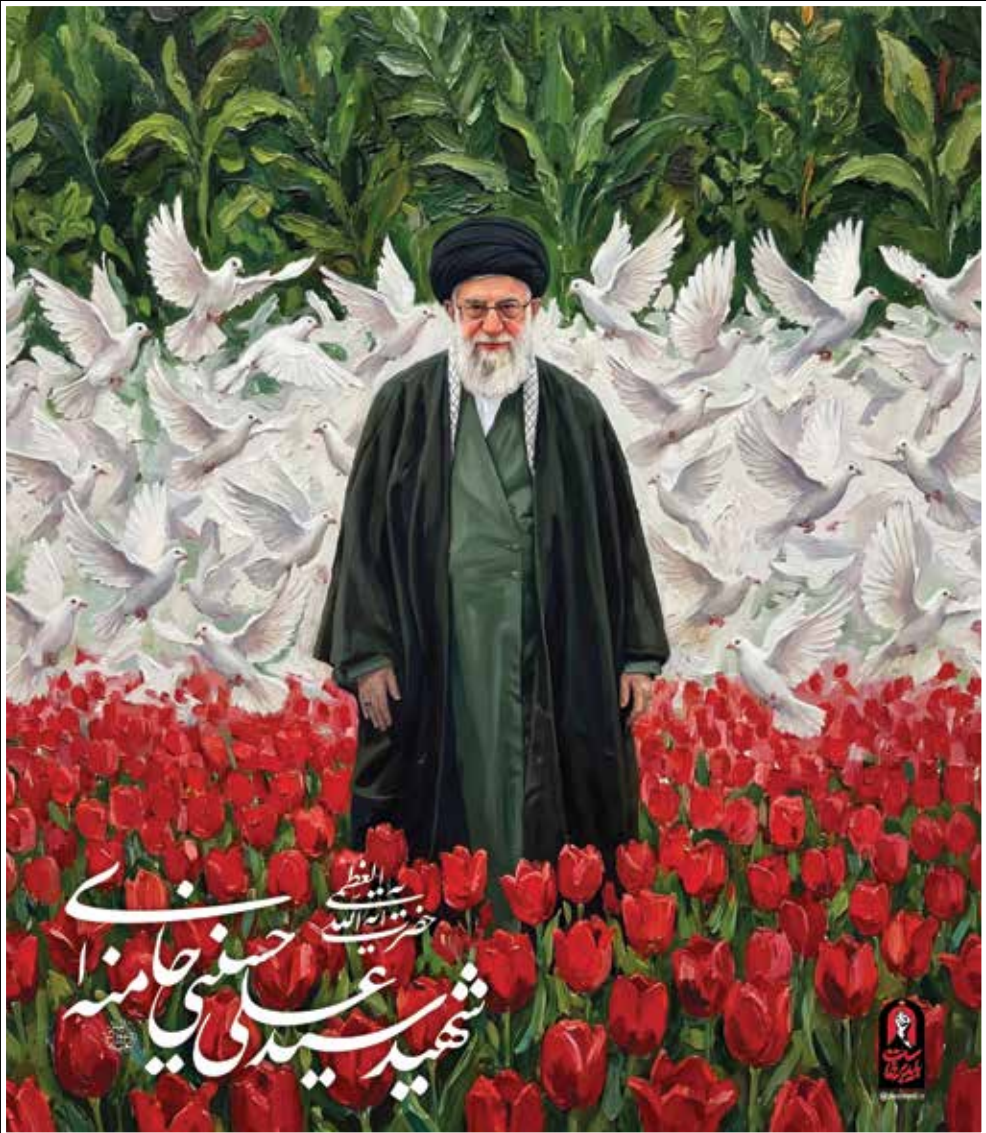
قدرت‌های نظامی معمولاً در رژه‌ها از تجهیزات خود رونمایی می‌کنند. موشک، پهپاد، سامانه دفاعی و یگان‌های رزمی از مقابل جایگاه عبور می‌کنند تا قدرت کشور را به نمایش بگذارند. اما برخی از قدرت‌های راهبردی نه در رژه‌های نظامی، بلکه در تشییع شهیدان آشکار می‌شوند. دشمن در روز تشییع رهبر شهید، با سامانه‌ای مواجه شد که پیش‌تر قادر به شناسایی آن نبود؛ شبکه‌ای متشکل از میلیون‌ها انسان که بدون دستور مستقیم، یک معنا را فهمیده، یک خطر را تشخیص داده و یک تصمیم جمعی گرفته بودند. این قدرت را نمی‌توان با حمله هوایی منهدم کرد. مرکز فرماندهی واحدی ندارد که با موشک هدف قرار گیرد و با ترور چند نفر از میان نمی‌رود. این قدرت، در حافظه، عاطفه، ایمان و قدرت تشخیص جامعه توزیع شده است. تشییع رهبر شهید، رونمایی از همین قدرت است. هر اشک، نشانه یک پیوند است؛ اما هر قدم، نشانه یک تصمیم. هر دستی که به سوی تابوت بلند می‌شود، فقط دستی برای وداع نیست؛ اعلام این معنا است که پرچم بر زمین نخواهد ماند.

پیروزی نهایی یک رهبر

پیروزی یک فرمانده آن است که نبرد را بربرد. پیروزی یک سیاستمدار آن است که برنامه‌هایش را اجرا کند. اما پیروزی نهایی یک رهبر الهی، هنگامی آشکار می‌شود که پس از رفتن او، مردمی که تربیت کرده است راه را ادامه دهند. رهبر شهید پیش از آنکه خود به مقصد برسد، جهت را در جان ملت تثبیت کرده بود. او فقط دشمن را از دور ندید؛ مردم را نیز از نزدیک شناخت. می‌دانست اگر حقیقت برای آنان تبیین شود، اگر به آنها اعتماد شود، اگر میدان عمل در اختیارشان قرار گیرد و اگر کرامتشان محترم شمرده شود، در روز حادثه کار را تمام خواهند کرد. آنچه پس از شهادت رخ داد، اثبات همین شناخت بود. دشمن یک محاسبه ساده داشت: حذف رهبر، مساوی است با حذف رهبری. اما در منطق انقلاب اسلامی، رهبری فقط یک جایگاه حقوقی یا فردی نیست؛ جریانی از معنا، اراده و مسئولیت است که می‌تواند از رهبر به ملت منتقل شود. دشمن جسم را هدف گرفت؛ اما معنا پیش از آن از جسم عبور کرده و در میلیون‌ها انسان سکونت یافته بود. به همین دلیل، آن روز تشییع، در تابوت، پیکر رهبر قرار دارد؛ اما در خیابان‌ها، رهبری جریان دارد. ما ایشان را تشییع می‌کنیم، اما راه او را به خاک نمی‌سپاریم. برای فقدانش می‌گرییم، اما از مسئولیتی که بر دوشمان گذاشت نمی‌گریزیم. پیکرشان از میان ما رفت، اما قدرتی که در این ملت ساخته بودند، آشکارتر از همیشه باقی می‌ماند. دشمن باید این صحنه را درست بخواند: ملتی که رهبر خود را این‌گونه تشییع می‌کند، فقط سوگوار گذشته نیست؛ آماده ساختن آینده است.

آنچه به خاک سپرده می‌شود، پیکر رهبر است.

رهبری، در ملت ادامه دارد.



**بدرقه آقاي شهيد ايران از منظر
انديشمندان ايراني**

۱



در گفتگو با دکتر همایون، عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق علیه السلام بررسی شد

تشیع رهبری در آستانه اربعین؛ تکمیل چله‌ها و بعثت مردم در مسیر امت‌سازی

شهادت رهبر انقلاب، فراتر از یک سوگ ملی، پیش‌درآمد تحولی بنیادین در هندسه تمدنی جامعه ایران است؛ داغی عمیق از جنس غم سیدالشهدا علیه السلام که پس از چهار ماه انتظار، اکنون در آستانه یک تشیع بی‌نظیر تاریخی قرار دارد. دکتر همایون در این گفتگوی تفصیلی، با نگاهی چله‌محور و فلسفی به رفتارهای اجتماعی جامعه، معتقد است که سنت الهی با تمسک به موتور محرک «خون شهید»، در حال عبور دادن توده مردم از دستگاه‌های محاسباتی معیوب و ساختارهای فکری تمدن غرب است. او با تبیین چهار چله‌ی پس از شهادت آقا، پدیده تشیع پیش‌رو را قله‌ی «بعثت مردم» می‌داند؛ مردمی که فراتر از خواص و نظامات رسمی، زودتر از همه از جویبار تمدن مادی پریده‌اند و در حال تمرین مرتبه جدیدی از «عصمت»، «شهادت» و «امامت امت» ذیل محور ولایت هستند تا مدینه فاضله و تمدن نوین اسلامی را در بستر عینیت و تاریخ محقق سازند.

رهبریت نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

فصل اول



ما اگر قرار است
به ظهور برسیم، باید
هر حاجبی — حتی
حجاب های نورانی — را
کنار بگذاریم. اگر ما
این شهدای والامقام را
در راستای امام ببینیم،
آن ها راه ورود ما به
محضر امام هستند؛
اما اگر به داشتن
موشک، سید حسن
یا حتی خود آقا مغرور
شویم و خیالمان راحت
شود، نظام خلقت برای
بیداری ما این حجاب ها
را یکی یکی کنار می زند.

تشییع بیکر مطهر رهبر شهید که تا چند روز آینده اتفاق خواهد افتاد، در شرایطی رقم می گیرد که مردم چهار ماه در انتظارش بودند؛ در این چهار ماه تحولات زیادی رخ داده و همه منتظر یک معجزه هستند. به ویژه اینکه اصل شهادت رهبر شهید انقلاب یک غم بزرگ است و به تعبیر خودشان، غمی از جنس غم امام حسین علیه السلام و عزاداری ما هم از همان جنس است. موضوع «بعثت مردم»، نقطه آغازین این فرایند تشییع باشد که در روزهای آینده رقم می خورد. به نظر شما چه نسبتی بین تشییع رهبر شهید انقلاب و بعثت مردم وجود دارد؟

برای ورود به این بحث، ابتدا باید نگاه خود را به پدیده شهادت منطبق بر قرآن کنیم؛ جایی که می فرماید: «بَلْ أٰخِیَآءُ عِندَ رَبِّهِمْ یُرْزَقُوْنَ». ما حتی وقتی کسی به غیر از طریق شهادت فوت می کند، معتقدیم به حیات بالاتری منتقل شده و اساساً اموات نمی میرند. پس وجه تمایز و زنده بودن خاص شهید در چیست؟ واقعیت این است که اموات عادی، مسرت عالم ملکوت و برزخ می شوند و دسترسی شان به دنیا بسیار محدود است؛ اما شهدا به دلیل سعه وجودی و گستره روحی شان، مبسوط الید هستند و می توانند هم زمان در عالم ملکوت و عالم دنیا عمل کنند. خیلی ها تجربه شهود عینی شهدا را دارند. به تعبیر امام شهیدمان، «شهید حاج قاسم» از «سپهبد حاج قاسم» خیلی قوی تر و مؤثرتر است؛ چون دست در عالم غیب دارد و هر چه جایگاه شهید بالاتر باشد، این قدرت ملکوتی فزونی می یابد.

ما اکنون چهار ماه است که عزادار و داغدار بزرگ ترین امام و رهبر خود هستیم؛ کسی که چهار ماه است او را ندیده ایم و بالاتر از او شخصیتی نداشتیم. خداوند پیش از این با گرفتن شهدای بزرگی همچون سید حسن نصرالله، حاج قاسم و شهید رئیسی ما را آماده کرده بود، اما داغ آقا واقعاً برای ما سنگین و بی نظیر بود. با این حال، تقدیر الهی این گونه رقم خورد. ما اگر قرار است به ظهور برسیم، باید هر حاجبی — حتی حجاب های نورانی — را کنار بگذاریم. اگر ما این شهدای والامقام را در راستای امام ببینیم، آن ها راه ورود ما به محضر امام هستند؛ اما اگر به داشتن موشک، سید حسن یا حتی خود آقا مغرور شویم و خیالمان راحت شود، نظام خلقت برای بیداری ما این حجاب ها را یکی یکی کنار می زند. خداوند این کار را با پدیده افتخارآمیز «شهادت» و خونی که می جوشد انجام می دهد تا یک تحول بزرگ خلق کند.

شهید، مبسوط الید است؛ خون آقا حجاب های نورانی ما را کنار زد

این کار بزرگ و تحولی که به آن اشاره کردید، چگونه با مفهوم بعثت مردم پیوند می خورد؟

اساساً یکی از اهداف اصلی انبیا در طول تاریخ، علاوه بر معرفی دین و تشکیل حکومت، تربیت نمونه هایی از یک «امت مبعوث» بود تا در آخر الزمان کار را به اتمام برسانند. مادر

تاریخ برای پدیده‌های مختلف نشانه‌های متعددی داریم، اما برای مبعوث شدن توده‌ی مردم در آخرالزمان، تنها یک نمونه تام و تمام داریم که کار را تمام می‌کند؛ و این کار بزرگ را آخر سر، خون آقا انجام داد. خون آقا توانست این مردم را مبعوث کند. روزهای اول شهادت، دوستانی می‌گفتند ما امید داشتیم آقا پرچم را به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه تحویل دهند؛ من گفتم اتفاقاً پرچم را دادند! آن پرچم که از جنس کتان و پارچه نیست، علم بزرگی در تاریخ است که باید برافراشته می‌شد و شد.

اکنون محور این حرکت، «خون خواهی و انتقام» است که به نظر من از خود جنگ هم مهم‌تر است و ما تازه داریم وارد این دوره می‌شویم. این مردم به همان معنایی مبعوث شده‌اند که یک پیامبر مبعوث می‌شود؛ پیامبر وقتی مبعوث می‌شود، رابطه مستقیمی با خدا و امامش می‌یابد، واجد نوعی عصمت می‌شود و خستگی ناپذیر در مسیر ماموریتش پیش می‌رود. ما امروز همین عصمت جمعی و همین خستگی ناپذیری را در کلیت این مردم می‌بینیم. اکنون بیش از ۴۲۰ شب است — که در واقع سه چله متوالی است — که مردم پای کار ایستاده‌اند و هیچ اثری از خستگی در آن‌ها نیست.

مردم، ساده‌ترین قشری بودند که از روی جویبار تمدن غرب پریدند

این پایداری چهل شب و چله‌هایی که به آن اشاره کردید را چطور از منظر سنت‌های الهی تحلیل می‌کنید؟

اگر بخواهیم بر اساس سنت چله‌گیری تحلیل کنیم، مسئله را باید به چند مرحله تقسیم کنیم. چله اول، دوران «تثبیت مردم در شرایط جنگ» بود. فهم اینکه مردم به بعثت رسیده‌اند و آهنگ یک تغییر جدی نواخته شده است، در همین چله اول رخ داد. بقیه هم فهمیدند این مردم کنار نمی‌روند. من در اینجا دوگانه «مردم و خواص» را که از میراث امام شهیدمان است، در تحلیل بسیار مؤثر می‌دانم. ما برای عبور از تمدن غرب و پایه‌گذاری تمدن نوین اسلامی، باید گروه به گروه از این دره و جویبار تمدنی عبور می‌کردیم. در این میان، مردم ساده‌ترین قشری بودند که توانستند بپرند؛ چرا که برخلاف خواص، درگیر ساختارها و نظامات فکری غرب نبودند.

مدیران اجرایی، اساتید دانشگاه، علمای حوزه و دیپلمات‌های ما، بعضاً در چارچوب‌هایی رشد کرده‌اند که متعلق به تمدن غرب است؛ همان دستگاه محاسباتی که آقا می‌فرمود خطا دارد. این خطا به معنای خطا کار بودن شخص نیست، بلکه خود دستگاه خراب است؛ شما عدد درست به آن می‌دهید اما جواب غلط دریافت می‌کنید. مردم چون گرفتار این دستگاه محاسباتی نبودند، زودتر از همه پریدند و آن طرف جو ایستادند و پایه اصلی تمدن نوین اسلامی شدند؛ ۴۰ شب در دوران جنگ، بمباران، برف، باران و ماه مبارک رمضان ایستادگی کردند.

در چله دوم، مردم با صبر خود «سکوت صحنه نبرد» را به انزوا کشاندند

پس از تثبیت در چله اول و پریدن توده‌ها از نظامات محاسباتی غرب، چله‌های بعدی چه سیری را طی کردند؟

پس از چله اول، دشمنان داخلی و خارجی تبلیغ می‌کردند که این مردم هیجان زده جنگ هستند و اگر زمان بگذرد، به خانه‌هایشان برمی‌گردند؛ حتی به اغتشاشگران هم وعده صبر می‌دادند. اما تدبیر الهی برای نشان دادن جنس متفاوت این بعثت، چله دومی را طراحی کرد که به تعبیر حضرت آقا، دوران «سکوت صحنه نبرد» بود. این دوره، سخت‌ترین مرحله بود و اگر کسی می‌خواست کم بیاورد، در این چله دوم کنار می‌کشید. مردم با جریاناتی که در صحنه

رحمت نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

فصل اول



در این چله سوم، آقا قدم
به قدم خواص را به مردم
مبعوث متصل کردند؛
ابتدا از هنرمندان در روز
فردوسی شروع کردند
تا به این حرکت ملکوتی
پیوندند، چرا که هنر
رشته ای تمدن ساز است
و تحولات غرب هم از
رسانس ابتدا از هنر
شروع شد.

دیپلماسی جلو می رفت سابقه ی تلخی داشتند، اما خیابان ها را ترک نکردند و ایستادند. این چله برای ساختن روحیه استقامت مردم بسیار پربرکت بود؛ چرا که مفهوم خون خواهی آقا مدام در میان جامعه تردد می کرد و مردم می گفتند چرا باید در برابر شهادت امامان سکوت کنیم؟ مردم حتی نقد امور دیپلماتیک را هم بر اساس همین ادبیات خون خواهی پیش می بردند.

اما چله سوم، «چله معجزه» بود؛ معجزه صبر و تحملی که در دوره دوم تمرین شد. آقا فرمودند باید سه عنصر را با هم جمع کنید: حفظ وحدت، حفظ حضور در صحنه و فریاد محکم شعارها. جمع کردن این سه با هم، نشان دهنده تربیت یک امت است. اگر بار برآوردن این مردم بر دوش همه انبیای تاریخ بود، جا انداختن و تثبیت آن با امام امروز ماست که راه را برای ساخت تمدن و مقدمات ظهور هموار می کند.

در این چله سوم، آقا قدم به قدم خواص را به مردم مبعوث متصل کردند؛ ابتدا از هنرمندان در روز فردوسی شروع کردند تا به این حرکت ملکوتی پیوندند، چرا که هنر رشته ای تمدن ساز است و تحولات غرب هم از رنسانس ابتدا از هنر شروع شد. آقا فرمودند هنرمندان نباید با دست فرمان آن ور جو بیایند، بلکه باید به بعثت مردم پیوندند. سپس به نمایندگان مجلس فرمودند که شما عصا ره فضایل این مردم هستید، پس در تراز این امت مبعوث، مبعوث شوید. در پیام حج نیز تمدن اسلامی را به رخ جهان کشیدند. در نهایت با هشدار درباره «تاب آوری» به مردم و انداز مسئولان درباره «خطای دستگاه محاسباتی»، این فیلترها را کامل کردند. آخرین گروهی هم که در پایان چله سوم از این جو پریدند و با مردم همراه شدند، خبرگان رهبری بودند. حتی خود آقا هم در این چله فرمودند که من هم به آن طرف جو آمده ام و در کنار مردم ایستاده ام و مطالبه گری می کنم. این چله که از دهه ذی الحجه آغاز و به دهه محرم ختم شد، چله بسیار مقدسی در ساختار تاریخی آخرالزمان بود.

در چله چهارم، با اسم رمز اربعین وارد قله ی خون خواهی می شویم

با پایان چله سوم، اکنون در چه نقطه ای از این کلان پروژه تمدنی قرار داریم؟

ما از چند شب قبل وارد «چله چهارم» شده ایم؛ چله ای که با تشییع آغاز می شود و با اربعین به اتمام می رسد. این چله، قله ی تمام چله هاست. من معتقدم همان طور که خداوند قوم نوح را هفت چهل سال آزمایش کرد، ما نیز هفت چله در این مسیر پیش رو داریم که چله چهارم، قله و مرتفع ترین نقطه آن است و از اینجا به بعد، مسیر روان تر خواهد بود. مفهوم محوری این قله، «خون خواهی آقا» است.

هم زمانی آغاز این چله با تشییع و پایانش با اربعین بسیار معنادار است. اربعین چه کارکردی دارد؟ حضرت زینب علیها السلام با اربعین، به عاشورا استمرار و تداوم بخشید؛ «کربلا در

کربلا می ماند اگر زینب نبود». اربعین جلوه بین المللی کردن و تمرین استمرار این حرکت است. ما اکنون ۴۰ روز ناب فرصت داریم تا خون بی نظیر آقا را در تاریخ انسان به جوشش درآوریم.

■ امت ما شهید نشده، شهید است؛ تمدن نوین اسلامی همان بهشت عینی است

این مفهوم خون خواهی و امتی که مبعوث شده، چه آثار و نفع عینی و ملموسی برای آینده جامعه و ساخت تمدن دارد؟

در دعای ندبه تعبیری هست که مدتی است ذهن مرا درگیر کرده؛ آنجا که ثمره ظهور را ورود به بهشت خدا می داند: «حَتَّى توردنا جناتك». بهشت، صورت عالی و برتر همان تمدنی است که ما می خواهیم بسازیم. مدینه فاضله ما در واقع همین تمدن نوین اسلامی است. در ادامه دعا می فرماید: «و مرافقه الشهداء مِنْ خُلَصَائِكَ»؛ یعنی اگر ما این تمدن را راه بیندازیم، سطح جامعه به درجه ای از همراهی با شهدا می رسد که همه مردم «شهید نشده، شهیدند». قرآن می فرماید: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ». امت وسط یعنی امتی که خودش شاخص و شهید است؛ آدم هایی عادی که در همین شرایط سخت زندگی کردند اما راه را درست رفتند و در قیامت می توان به آن ها احتجاج کرد.

ما همیشه آیه «وَجَعَلْنَا لِّلْمُتَّقِينَ إِمَامًا» را می خواندیم و من فکر می کردم اگر همه ما امام شویم، مأموم چه کسی خواهد بود؟ اما از زمان شهادت شهید رئیسی متوجه شدم که این امت خود در حال «امام شدن» است. ماده شب بدون امام ظاهر ایستادگی کردیم و مردم امامت کردند. رهبر سوم انقلاب هم با استناد به آیه «مَا نُنْشِئُ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنْصِيهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلِهَا» فرمودند اگر من آیه هم نباشم، این مردم هستند؛ این نشان دهنده جایگاه رفیع این امت است. وقتی ما همسران و ذریه خود را در این جبهه فدا می کنیم و دوام می آوریم، یعنی امت ما به توأمانی سه مفهوم رسیده است: ما اکنون یک «امت شهید»، یک «امت امام» و یک «امت مبعوث» داریم که موتور محرک همه شان خون آقا است. خداوند در سه چله اول به ما یاد داد که پیروزی نزدیک است، صبر را تمرین کردیم و گشایش ها آغاز شد. اکنون در قله هستیم و با همین فرمان تا چله هفتم که مصادف با اول رجب — نقطه کلیدی تحولات ظهور — است پیش می رویم تا ان شاء الله سال آخر تنهایی ما باشد. ما در این چهار ماه، مفهوم غیبت را هم به زیبایی تمرین کردیم؛ امامی که غایب است اما ارتباط مردم با او در قالب یک «ظهور عام» قطع نیست. این تجربیات بزرگ و هویت جدید، همه به برکت خون آقا است که شب ها به آن پناه می بریم و خستگی روزانه مان را با فریاد شعارهایمان که رأس آن ها خون خواهی است، از تن به در می کنیم.

■ آگاهی توده ها در تشییع رهبر شهید، فرسنگ ها جلوتر از سال ۶۸ است

برای درک عینی تر مخاطبان، اگر موافق دید یک مقایسه تاریخی انجام دهیم. مادر سال ۱۳۶۸ و در جریان رحلت امام خمینی (ره) نیز شاهد یک تشییع بی نظیر تاریخی و شوک بزرگ اجتماعی بودیم. تفاوت و نسبت آن واقعه با تشییع رهبر شهید در چیست؟

بگذارید ابتدا یک نکته کمتر شنیده شده را بگویم. در سال ۶۸ تصور عمومی مردم این بود که امام به خاطر عارضه قلبی فوت کردند، در حالی که ایشان به دلیل سرطان از دنیا رفتند. این موضوع ذهن آدم را تحریک می کند که شاید امام اول ما نیز مانند امام شهید کنونی مان به شهادت رسیده باشند و این نشان می دهد خون شهید چقدر در تاریخ

رهبر نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

فصل اول

موثر است. اما در خصوص مقایسه دو تشیع؛ ما اصل این فرمول حضور و چله گیری را در خود انقلاب و تشیع شهدای آن تجربه کردیم. سنت الهی این است که ما پله به پله و چله به چله رو به بالا حرکت می کنیم؛ پدیده ها تکرار می شوند اما آگاهی ما نسبت به آن ها عمیق تر می شود. آگاهی مردم در تشیع امام علیه السلام نسبت به ابتدای انقلاب زمین تا آسمان فرق می کرد؛ و امروز آگاهی جامعه در تشیع رهبر شهید، نسبت به سال ۶۸ باز هم زمین تا آسمان متفاوت و جلوتر است، چون ما رشد کرده ایم. در سال ۶۸ ما جوان بودیم و اصلاً به مخیله مان راه نمی دادیم که روزی امام نباشد؛ اما دیدیم که خدا بالای سر کار است، کار زمین نماند و با رهبری آقا صعود به مراتب بهتری رخ داد. آقا در ۵۰ سالگی با همان مردم آمدند و تمام عمرشان را خرج ساختن و آگاه کردن همین مردم کردند. لذا آگاهی امروز جامعه با سال ۶۸ قابل قیاس نیست؛ این آگاهی یعنی همان تجلی ظهور حق. غیبت به معنای نامرئی بودن امام نیست؛ امام در میان ماست و ما در این فتنه ها، قدم به قدم راه ارتباط درست با او را یاد می گیریم تا جایی که امام امروزمان به ترکیب خود و مردم می گوید «ما»، این یعنی راه را یاد گرفته ایم.

تشیع پیکر آقا، تجلی فیزیکی انسانی است که ملائکه به او غبطه می خورند

به عنوان سوال پایانی و در واقع جمع بندی بحث؛ این تشیع تاریخی، چه مؤلفه هایی از مکتب آیت الله خامنه ای را در برابر چشم جهانیان به منصفه ظهور می رساند و تاثیر آن بر آینده انقلاب چیست؟



مهم ترین کارکرد و دستاورد مکتب آقا، «برآوردن و احیای این امت» بود و اوج بروز و ظهور فیزیکی این امت «برآوردن و احیای این امت» بود و اوج بروز و ظهور فیزیکی این امت مبعوث، در همین تشیع پیش رو رقم خواهد خورد. اگر در تاریخ بخواهیم نشان دهیم که این مردم مبعوث، شهید شده، امام شده و یکپارچه چه معنایی دارند، باید به صحنه این تشیع نگاه کنیم.

مهم ترین کارکرد و دستاورد مکتب آقا، «برآوردن و احیای این امت» بود و اوج بروز و ظهور فیزیکی این امت مبعوث، در همین تشیع پیش رو رقم خواهد خورد. اگر در تاریخ بخواهیم نشان دهیم که این مردم مبعوث، شهید شده، امام شده و یکپارچه چه معنایی دارند، باید به صحنه این تشیع نگاه کنیم. «یَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ اُنْاسٍ بِاِمَامِهِمْ»؛ مردمی که ذیل امامشان به وحدت حقیقی می رسند. ما این ایستگاه های تربیتی را در اربعین و در بعثت انبیا هم داشته ایم اما اکنون در خود قله هستیم. این قله یعنی «وحدت مردم ذیل محور امام». امروز خیلی ها از وحدت دم می زنند که حرف درستی هم هست، اما مکتب آقا به ما یاد می دهد که ما وحدت ذیل جامعه مدنی یا ساختارهای غربی نداریم؛ وحدت حقیقی جامعه ما، ذیل امام شکل می گیرد و مردم این را با گوشت و پوست خود فهمیده اند. تجسد و تجلی کف خیابانی این معنا، تشیع آقا خواهد بود؛ صحنه ای که ملائکه به آن افتخار می کنند و خداوند متعال در برابر فرشتگان به خلقت این انسان مباهات خواهد کرد که «ببینید، این بود آخر ماجرای انسانی که خلق کردم». ان شاء الله.



مهدی کلهر:

مشت گره کرده و خون آلود رهبر شهید همان درفش کاویانی ایران امروز است

رحمت نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

■ فصل اول



اندیشمند حوزه فرهنگ و هنر با اشاره به اینکه پرچم عدالت خواهی و درفش کاویانی ایران امروز، مشتش گره کرده و خون آلود رهبر شهید است، گفت: انتقال خون آقای شهید ما، دروازه گشایش به جهان عدالت خواه و ظلم ستیز دنیای جدیدی است که مستضعفین و مظلومین و محرومین جهان امروز مشتاقانه منتظر ظهور و حضور جدی آن هستند.

مهدی کلهر، اندیشمند حوزه فرهنگ و هنر در گفتگو با پژوهشگاه علوم و معارف انقلاب اسلامی اظهار کرد: در اکثر روایات مربوط به آخرالزمان، به عنوان یک واجب مسلم آمده است که حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه، پس از ظهور در کنار کعبه که تصویر و صدایشان به چشم و گوش همه مردم در اقصی نقاط جهان می رسد، با یاران خود به صورت هوایی به کربلا مشرف می شوند و پرچم سرخ رنگ گنبد امام حسین علیه السلام را که روی آن نگاشته شده «این الطالب یدم المقتول بکربلاء»، برمی دارند و با صدای بلند می گویند «هل من ناصر ینصرنی»، آیا کسی هست مرا یاری کند؟

وی این شعار و حرکت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه را نشانه قیام به قسط و عدالت اجتماعی دانست و ادامه داد: با این پیام خون خواهی سیدالشهدای تاریخ مظلومان و مستضعفان جهان، ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه، حضور تبلیغاتی، عملیاتی و اجرایی به خود می گیرد.

عدالت گستری بدون تبلیغات موثر اثرگذار نیست

این اندیشمند حوزه فرهنگ و هنر معتقد است که امر عدالت گستری حتما باید با یک ظلم ستیزی آشکار که با تبلیغات موثر و روشن تحقق پیدا می کند، همراه باشد، در غیر این صورت، مسیر ظلم پذیری و مسیر انحرافی عدالت گریزی همچنان ادامه پیدا می کند.

وی بیان کرد: هم عدالت و هم ظلم، هر دو از جنس عمل اما پرهیاهو هستند، اما وقتی قرار است مسیر بیدادگری و ستمگری در پیچ تاریخی کاملاً تغییر جهت بدهند، لازم است فریاد اجرای عدالت، همزمان با اجرای عدالت، همه چشم و گوش ها را بیدار کند و ذهن ها را تکان دهد، وگرنه قصاص که به صورت ظاهر زیبا نیست، به جز برای اولوالالباب و صاحبان خرد، در منظر عامه اکثریت که اولوالبصار هستند، گذشت و عفو، مرجح است.

نتیجه کنار گذاشتن خونخواهی رهبر شهید، سال ها زندگی ذلت بار است

این اندیشمند حوزه فرهنگ و هنر با توصیف شرایط فعلی جهانی که در پیچ تاریخی قرار دارد، گفت: در این همآورد که تمدن نوین اسلامی در برابر تمدن پر جلال و جمال مشرکانه و منافقانه غرب صهیونیستی قرار گرفته، اگر خدای ناکرده خون خواهی را کنار بگذاریم، بدون تردید تا سال ها جامه چرکین ذلت را برتن خود و فرزندان خودمان کرده ایم. او ادامه داد: «این الطالب یدم المقتول بکربلاء» پرچم خون خواهی است که بیش از هزار سال است چراغ امید عدالتخواهان جهان بوده است. اگر سید علی حسینی خامنه ای را از اولاد حسین بن علی علیه السلام می دانیم، این ملت مبعوث مورد امتحان بزرگ تاریخ قرار دارد.

نباید روی این خون پاک نجات بخش پا بگذاریم

کلهر معتقد است که خون خواهی خامنه ای شهید، همان خون خواهی سیدالشهدا است که «مصباح الهدی و سفینه النجاة» است. امروز بالغزش گاه بسیار خطرناکی روبه رو هستیم؛ هر کاری می کنیم به هیچ وجه نباید روی این خون پاک نجات بخش پا بگذاریم.

او تأکید کرد: پرچم عدالت خواهی و درفش کاویانی ایران امروز، مشتی گره کرده و خون آلود رهبر شهید ما است و بنابراین انتقام خون شهید دروازه گشایش به جهان عدالت خواه و ظلم ستیز دنیای جدیدی است که مستضعفین و مظلومین و محرومین جهان امروز مشتاقانه منتظر ظهور و حضور جدی آن هستند.

رهبرت نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

فصل اول

مردم جهان خواستار انتقام انقلابی از مستکبران هستند

این اندیشمند فرهنگ و هنر در ادامه به آهنگ «بوم بوم تلاویو» و دیگر واکنش های جهانی نسبت به انتقام از ظالمان و مستکبران اشاره کرده و توضیح داد: امروز مردم با زبان ها و نژادها و سلاایق مختلف، خواستار قصاص و تقاص جدی مستکبران هستند و انتقام انقلابی می خواهند. هر نوع مذاکره ما از نظر تمام طرفداران ما، حرکتی مخالف روحیه انقلابی و حرکتی محافظه کارانه و ذلیلانه در برابر طواغیت خبیث و کثیف در حال احتضار است.

هزار سال است که مذاکره نتیجه ای جز دروغ نداشته

او ماهواره ها و رسانه های دشمن را به «خر دجال» تشبیه کرده که بیشتر از سلاح و صلاح مردم، اختیار افکار و احساسات عمومی را به دست گرفته اند و بیان کرد: امروز هر نوع مذاکره از جنس و سنخ انقلاب و تغییر جدی نیست. جنس این مذاکرات از جنس سیاست پشت میزنشین است که بیش از هزار سال است این جنس از مذاکره، نتیجه ای جز دروغ و نیرنگ برای نادیده گرفتن حقوق محرومان و عامه مردم در جهان نبوده است. کلهر ادامه داد: نمی شود به همه دنیا مرتباً توضیح بدهیم که مردان خوب و دیپلمات های متدین ما، انسان های متفاوتی هستند و پس از سقوط آمریکا و صهیونیست ها، زمان نمایش سیاست صدیق و عدالت طلب جهانی می رسد. خون خواهی از دیرباز یک پرچم و یک صراحت رویکرد بوده است.

مذاکره در میانه جنگ ابلهانه ترین روش قطع جنگ سخت است

او تصریح کرد: درست است که مذاکره با دشمنان به جز در ادیان الهی و پس از جنگ های خونین و سخت بوده است، اما مناظره و مباحثه و حتی مجادله احسن در همه ادیان الهی و پیش از جنگ ها صورت می پذیرفته است. به تعبیر امروزی، در ادیان الهی جنگ نرم و جدال احسن پیش از جنگ سخت توسط انبیا و اولیای الهی صورت می گرفته، اما اگر کار به هر دلیلی به جنگ سخت منتهی شود، دیگر در میانه جنگ، جدال احسن ابلهانه ترین و احمقانه ترین روش قطع جنگ سخت بوده است چون به دشمن فرصت باز یابی نیرو و عده داده می شده است. کاری که متأسفانه ما انجام می دهیم.

این اندیشمند فرهنگ و هنر در پایان خاطرنشان کرد: نگاه من به مسئله خون خواهی رهبر شهید و مقابله با دشمن، ناظر به فرمایش واژه دقیق و عمیق و ارزشمند «علی الاصول» است که مقام معظم رهبری فرمودند. ما در جنگی که دشمن به تسلیم رسید، با ناتوانی در جنگ رسانه و جنگ نرم، نتوانستیم در این عرصه چنانکه باید در مقابل دجال ها بایستیم. رهبر معظم انقلاب اجازه یک توقف کوتاه را دادند و اکنون وظیفه ما این است که دست هایمان روی ماشه و چشم هایمان باز و خشم خود را آتشین نگه داریم.



امروز مردم با زبان ها و
نژادها و سلاایق مختلف،
خواستار قصاص و
تقاص جدی مستکبران
هستند و انتقام انقلابی
می خواهند.



واکاوی ابعاد سیاسی و اجتماعی بدرقه آقای شهید ایران در گفت‌وگو با دکتر سید مرتضی نبوی

تشییع یعنی جاری شدن خون رهبری در جامعه

شهادت آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، در این گفت‌وگو نه صرفاً یک رخداد سیاسی، بلکه نقطه آغاز «بعثت دوباره ملت» و بازتولید پیوند میان مکتب، رهبری و مردم تفسیر می‌شود. در گفت‌وگو با سید مرتضی نبوی، پیشکسوت انقلاب اسلامی، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام و عضو هیئت علمی دانشگاه، ابعاد سیاسی و اجتماعی این واقعه، نقش تشییع در تجدید عهد ملی، تداوم انقلاب، شکست محاسبات دشمن و شکل‌گیری نهضت خون خواهی به عنوان مؤلفه‌ای از استمرار مقاومت مورد واکاوی قرار گرفته است.

سؤال: برای شروع، نسبت این تشییع بزرگ را با مفهوم «بعثت مردم» چگونه تحلیل می‌کنید؟ مردمی که بعد از شهادت رهبر معظم انقلاب، میدان را خالی نکردند، در این مراسم چه تحول اجتماعی ای را رقم خواهند زد؟

بسم الله الرحمن الرحيم. ابتدا عرض تسلیت دارم؛ هم به مناسبت ایام سوگواری آقا امام حسین علیه السلام و یاران‌شان، و هم شهادت مظلومانه امام شهیدمان، دخترشان، عرویشان، دامادشان و نوه‌شان که مظلومانه به شهادت رسیدند.

رهبر انقلاب فرمودند هنگام شهادت ایشان، مشت دست چپشان گره کرده بود که نشانه خشم نسبت به دشمن و عزم در راه شهادت بود. وقتی بیانات ایشان در سال‌های مختلف، در دیدار با خانواده‌های شهدا، پخش می‌شد، انسان می‌دید که مقام معظم رهبری شهید، با بغضی و با آرزویی که منت‌های آرزویشان بود، درباره شهادت و خانواده‌هایی که چند عضو از آن‌ها شهید شده بودند، سخن می‌گفتند و می‌فرمودند که چقدر سخت است انسان در رختخواب از دنیا برود و این شهیدان به آن درجات عالی برسند. واقعاً ایشان به منت‌های آرزوی خودشان رسیدند؛ آن‌هم همراه با خانواده و با الگوی عاشورایی به شهادت رسیدند؛ یعنی همراه با اعضای خانواده.

این مظلومیت را چند صد برابر می‌کند، ماهیت دشمن را نشان می‌دهد و اخلاص و درجه ایمان به شهادت را در بالاترین مرتبه جمهوری اسلامی، یعنی در سطح رهبری، به نمایش می‌گذارد. همچنین همه آن افسانه‌هایی را که ساخته بودند که ایشان چند ده متر زیر زمین زندگی می‌کند و دیگران در معرض خطرند، باطل کرد. الان هم در شعارهای مردم می‌بینید که می‌گویند: «ما می‌خواستیم فدای رهبر شویم، رهبر فدای ما شد.» ایشان هم فدای مکتبشان شدند، هم فدای راه انقلاب اسلامی و هم فدای تداوم آن. مردم هم واقعاً افسوس می‌خورند.

همان‌طور که خداوند فرموده است، کسانی که در راه خدا به شهادت می‌رسند، نگویند مرده‌اند؛ بلکه به حیات طیبه زنده‌اند و خداوند عنایت خاصی به آنان دارد. همان‌طور که در بیانات پیامبر عظیم‌الشأن آمده است که می‌فرمودند: «مرگ من برای شما برکات بیشتری دارد.» این برای من بسیار شگفت‌انگیز بود که چگونه بعد از شهادت ایشان، چنین تحولی در روحیه همه مردم ایجاد شد. آن زمان هوا سرد بود، شرایط مختلف بود، ماه رمضان بود، اما مردم به هیچ وجه خیابان‌ها را ترک نکردند و آمدند. و آن پیش‌بینی رهبر معظم انقلاب شهیدمان که فرموده بودند «مردم مبعوث می‌شوند و کار را تمام می‌کنند»، تحقق پیدا کرد. یعنی عملاً روحیه مردم آن‌چنان متحول شد که انسان یاد تعبیر «ثارالله» درباره امام حسین علیه السلام می‌افتد؛ یعنی خونی که در بدنه حیات اجتماعی جاری می‌شود، جامعه را دوباره زنده می‌کند، مبعوث می‌کند و تحولی ایجاد می‌کند که دشمنان را متحیر خواهد کرد.

سؤال: دشمن تصور می‌کرد با حذف فیزیکی رهبری و فرماندهان، کار نظام تمام است. اما



در شعارهای مردم

می‌بینید که می‌گویند:

«ما می‌خواستیم فدای

رهبر شویم، رهبر فدای

ما شد.» ایشان هم فدای

مکتبشان شدند، هم

فدای راه انقلاب اسلامی

و هم فدای تداوم آن.

مردم هم واقعاً افسوس

می‌خورند.

شاهد ثبات و حرکت پیوسته ساختارها بودیم. این موضوع چطور محقق شد؟

دشمن آمده بود با این هدف که با شهادت رهبر، فرماندهان عالی نظامی و جنایت‌هایی که انجام داد، مردم بترسند یا زمینه فراهم شود تا عده‌ای ناراضی از داخل و خارج، ظرف چند روز کار نظام را تمام کنند. اما چه اتفاقی افتاد؟ در یک شرایط خاص، البته در همه این زمینه‌ها امام شهیدمان تدبیر کرده بودند؛ یعنی نهادها را به گونه‌ای ساخته بودند که روی پای خودشان بایستند.

من در جامعه می‌دیدم که اگر کمبودی در دستگاهی وجود داشت، انتظار داشتند رهبری شخصاً دخالت کنند؛ اما ایشان عمیقاً در حال نهادسازی بودند تا نهادها و ساختارها مستقلاً کار خودشان را انجام دهند. و این چقدر زیبا پاسخ داد. یک روز هم سوخت‌رسانی، آذوقه‌رسانی و رتق و فتق امور تعطیل نشد. دولت کار خودش را کرد، مجلس کار خودش را کرد، قوه قضائیه کار خودش را کرد و زندگی مردم به روال عادی ادامه پیدا کرد. پس مسئله شهادت، که در مکتب تشیع نقطه‌ای برجسته، زرین و نورانی است، وقتی با آرزوی بزرگ امام شهیدمان همراه شد، تحول عظیمی ایجاد کرد. مردم آمدند پای کار و گفتند: خون رهبر در رگ‌های ما جاری است. ما باید این راه را ادامه بدهیم. مگر امام شهید ما چه می‌خواستند؟ می‌خواستند این راه ادامه پیدا کند. امام حسین علیه السلام چه می‌خواست؟ می‌خواست با شهادتش مکتب اسلام واقعی استمرار پیدا کند. و این اتفاق افتاد.

سؤال: با توجه به عطش و انتظار مردم برای این وداع، ابعاد اجتماعی و عاطفی این حضور مردمی در میدان‌ها و روز تشییع

را چطور توصیف می‌کنید؟

حالا هم در آستانه تشییع ایشان، انسان می‌بیند که مردم چقدر ناراحت‌اند. در این مدت، در میدان‌ها تلاش کردند روحیه حماسی خود را حفظ کنند و در برابر دشمن ایستاده‌اند. اما مداحان، مردم و کسانی که سرود می‌خواندند، همگی می‌گفتند که سوگواری ما سر جای خود محفوظ است؛ دل‌ها و جگرهای ما سوخته است. همه بی‌صبرانه منتظر بودند زمانی فرا برسد که بتوانند با حضور خود، با تشییع خود و با مشایعت خود، بار دیگر با مکتب امام حسین علیه السلام، با مکتب ائمه معصومین علیهم السلام، با مکتب امام خمینی و با مکتب قائد شهید، پیمان ببندند و وفاداری خود را بیش از پیش اعلام کنند.

این فرصت تشییع، همان گونه که در تشییع حضرت امام شاهد بودیم، فرصت بزرگی خواهد بود. واقعاً مردم ما شریف‌اند. گویی پیامبر خدا برای این مردم دعا کرده است. این مردم برای اسلام، قرآن و انقلاب به میدان آمده‌اند. اینجا به سرزمین امام رضایی معروف شده و مردم سنگ تمام گذاشته‌اند. آن استقبال باشکوه از حضرت امام، پس از سال‌ها تبعید، و سپس بدرقه باشکوه ایشان. که حتی از استقبالشان باشکوه‌تر بود. چه معنایی داشت؟ یعنی اعلام وفاداری. یعنی اینکه ما می‌فهمیم شما با چه اخلاصی، حتی خون خودتان را برای ماندگاری این مکتب حسینی تقدیم کردید.

مردمی که مبعوث شده‌اند، یقیناً منتظرند این دین را نسبت به رهبر شهیدشان ادا کنند و بگویند: ما پای کار شما هستیم. قدردان فداکاری‌های شما هستیم. قدردان آن لحظه‌های حساسی هستیم که هرگاه کار سخت می‌شد، شما به امام زمان علیه السلام متوسل می‌شدید و مردم دوباره به صحنه می‌آمدند و تجدید عهد می‌کردند. این تشییع نیز، همان طور که در اعتقادات ما وجود دارد، معنای عمیقی دارد. ما که شیعه هستیم، واژه‌های «شیعه»، «مشایعت» و

رهبریت نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

فصل اول



«تشییع» همگی از یک ریشه اند. در حقیقت، در این تشییع، ضمن اینکه به پیکر مطهر قائد شهیدمان احترام می‌گذاریم، با او تجدید عهد می‌کنیم و یک بار دیگر با شکوه و عظمت به دنیا اعلام می‌کنیم که پای این راه ایستاده‌ایم، فداکاری‌های ایشان را قدر می‌دانیم و خون رهبری در جامعه ما جاری است. نمی‌گذاریم این پرچم بر زمین بیفتد. امروز با حمایت از فرزند ایشان، مقام معظم رهبری. که خدا حفظشان کند. این پرچم را حفظ خواهیم کرد تا ان شاء الله به دست حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف برسد.



در حقیقت، در این

تشییع، ضمن اینکه

به پیکر مطهر قائد

شهیدمان احترام

می‌گذاریم، با او تجدید

عهد می‌کنیم و یک بار

دیگر با شکوه و عظمت

به دنیا اعلام می‌کنیم که

پای این راه ایستاده‌ایم

سؤال: تعبیر شما این است که این خون، موازنه جهانی را دگرگون کرده است. خون رهبر

شهید انقلاب چه ویژگی متمایزی دارد که چنین معادلاتی را بر هم می‌زند؟

چون این خون از بدن محدود یک فرد، به منبع لایزال الهی متصل می‌شود. وقتی انسان به اخلاص می‌رسد و آماده شهادت می‌شود، یعنی شاهد حقیقت مطلق و قدرت مطلق الهی می‌شود. این پیوند، لفظی نیست؛ یک واقعیت است. همه چیز ما را خدا خلق کرده است. روح جاودان ما را خدا داده است. وقتی انسان با خدا معامله می‌کند، خود خدا می‌فرماید این شخص نمرده است. اثر این چیست؟ اثرش باقی ماندن و برکت یافتن است. خداوند آثار این فداکاری را در اطرافیان، همراهان، طرفداران و نسل‌های بعدی جاری می‌کند. نتیجه عینی آن، همان تحولی است که در مردم ایران ایجاد شد.

تشییع یعنی مشایعت؛ یعنی اولاً قدردان فداکاری‌ها و خون شما هستیم، ثانیاً پایبند به راه



شما هستیم و مصمم هستیم که این راه را ادامه بدهیم و رهایش نکنیم. همان گونه که حضرت امام رضوان الله علیه فرمودند، این انقلاب باید به انقلاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه متصل شود. ما می خواهیم با این بعثت، با این آگاهی و با این برانگیخته شدن، زمینه را برای ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فراهم کنیم و ببینند که یارانی هستند که صفر تا صد پای کار ایستاده اند؛ نه مثل کسانی که اگر اتفاق اندکی بیفتد، رها کنند؛ مثل زمان حضرت علی علیه السلام که تا مقطعی با ایشان بودند، اما بعد ایشان را تنها گذاشتند. حتی در اواخر زمان پیامبر عظیم الشان، جریان نفاق به گونه ای شده بود که داشت اثر خودش را می گذاشت.

البته ما نمی گوییم امروز جریان های نفاق و انحرافی وجود ندارند، اما آن مردمی که مؤمن هستند، آن چنان آمادگی ایثار دارند که از همه چیزشان می گذرند. برای من خیلی عجیب بود. خانمی را دیدم که شب ها به میدان می آمد، در حالی که نوزادش را در آغوش داشت. می گفت: «من تمام این شب ها در میدان بودم؛ فقط دو شب برای زایمان به بیمارستان رفتم، بعد دوباره نوزادم را بغل گرفتم و آمدم.» این اتفاقات واقعاً عجیب است. یعنی نهایت ایثار. یعنی می گوید فرزند من با حضرت علی اصغر امام حسین علیه السلام فرقی ندارد؛ اگر لازم باشد، او هم به شهادت برسد، همان گونه که نوه رهبر شهید انقلاب به شهادت رسید، تفاوتی ندارد. یعنی همان هدف حضرت امام که ما داریم برای آن زمینه سازی می کنیم؛ اینکه بگوییم: آقا، ما آمادگی داریم که تشریف بیاورید. نه اینکه فقط ادعا کنیم شیعه شما هستیم یا محب شما هستیم. ان شاء الله خدا توفیق بدهد که بتوانیم تا آخر پای کار بایستیم.

رهبریت نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

فصل اول



از همان آغاز پیروزی
انقلاب نیز این مثلث
شکل گرفت: رهبری،
مکتب و ملت، وقتی
این سه به هم پیوند
خوردند، یک انقلاب
جهانی اتفاق افتاد. همه
صاحب نظران قبول
دارند که انقلاب اسلامی
سال ۱۳۵۷ یک انقلاب
جهانی بود. این تشییع
هم در واقع بازنمایش
همان مثلث است.

سؤال: شما تشییع تاریخی حضرت امام علیه السلام را هم درک کرده اید. در شرایط فعلی، اهمیت این تشییع چه ابعادی دارد و چه شباهت هایی با آن مقطع تاریخی بازتولید می شود؟

ابعادش، غیر از اینکه اعلام وفاداری است، در حقیقت شکرگزاری از خدماتی است که ایشان در طول این اربعین رهبری انجام دادند. از ابتدای عمرشان هم مبارزه کردند، زندان رفتند، تبعید شدند. این تشییع، شکرگزاری از همه این مجاهدت هاست. همان طور که عرض کردم، یعنی محکم کردن پایه های این نظام؛ این میراثی که حضرت امام در حقیقت از عاشورای امام حسین علیه السلام گرفتند و به اینجا رساندند. بر اساس آن، یک نظام ایجاد شد، جبهه مقاومت در جهان شکل گرفت و معادلات تاریخی به هم خورد.

امروز مقاومت در برابر یک قدرت جهانی مانند آمریکا، با آن همه سلاح هایی که خودشان در باره شان مبالغه می کنند- مثلاً می گویند اف-۳۵ آن قدر مخفی است که خدا هم نمی بیند، به تعبیرهای باطل خودشان- یا ناوگان دریایی شان و یا رژیم صهیونیستی که تصور می شد شکست ناپذیر است و هر جا می رفت، هر طرحی داشت اجرا می کرد، همه این معادلات تغییر کرده است. الان وقتی مقایسه می کنند، می گویند مقاومت مردم ایران حتی از مقاومت ویتنام هم برتر بوده است؛ در حالی که ویتنام در آن زمان از کمک قدرت های دیگر در فضای دوقطبی جهان برخوردار بود. بعضی از کسانی که در شبکه های اجتماعی مطلب می نویسند، با تعجب می گویند: «عجب ملتی! چه ملتی هستند این مردم.»

این طبیعی است. خداوند اثر می بخشد. از یک طرف، مقام معظم رهبری همراه خانواده شان با خدا معامله می کنند و خون خودشان را تقدیم می کنند و از طرف دیگر، چنین آثاری در ملت ظاهر می شود. از همان آغاز پیروزی انقلاب نیز این مثلث شکل گرفت: رهبری، مکتب و ملت. وقتی این سه به هم پیوند خوردند، یک انقلاب جهانی اتفاق افتاد. همه صاحب نظران قبول دارند که انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ یک انقلاب جهانی بود. این تشییع هم در واقع بازنمایش همان مثلث است. امروز تعبیر جدیدی مثل «دیپلماسی، میدان و خیابان» را مطرح می کنند. تشییع نیز بخشی از همان خیابان و ظهور و بروز مردمی است که می خواهند پیوند ناگسستنی خود را با مکتب و رهبری اعلام کنند؛ هم برای خودشان اثبات کنند و هم به جهانیان نشان دهند که ما پای کار هستیم. اعتقاد ما این است که تمام لشکریان آسمان ها و زمین از آن خداست. شما طاغوت هستید و طاغوت هر قدر هم سلاح ظاهری داشته باشد، ما به او کافریم: «وَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ...» ما مؤمن به خدایی هستیم که همه قدرت ها را و سرچشمه می گیرد. پس از قدرت شما نمی ترسیم. در هر شرایطی به خیابان می آییم و به ویژه در تشییع امام شهیدمان سنگ تمام خواهیم گذاشت. ان شاء الله نشان خواهیم داد که پای کار این انقلاب هستیم و در این راه مصمم ایستاده ایم.

سؤال: در میدان ها و نمادهای مردمی، واژه «خون خواهی» بسیار برجسته است. نسبت این تشبیح با موضوع خون خواهی چیست و نمونه های تاریخی آن در صدر اسلام چه معنایی دارد؟

این، همان الگوی فداکاری برای دین و برای ماندگاری مکتب حق است؛ برای اینکه در برابر طاغوت ها، هرچقدر هم قدرتمند باشند، سر تعظیم فرود نیاوریم و فقط در برابر خدا سجده و تواضع کنیم. الگوی بزرگ ما امام حسین علیه السلام است که حاضر نشد با یزید بیعت کند. و این همان تعبیر رهبر شهیدمان بود که پیش از شهادت فرمودند: «مثل من با مثل یزید بیعت نمی کند». این جمله، جمله ای تاریخی برای همه آزادگان جهان است. یعنی انسان آزاده حاضر نیست با کسی مانند یزید، که فاسد و فاسق است و بر قدرت تکیه زده، بیعت کند.... چون اگر بخواهد کنار بیاید، پس خدا را چه کار کنیم؟ ما می گوئیم همه قدرت ها دست اوست. این طاغوت ها هم هرچه دارند، اگر خدا هر لحظه بخواهد، آن ها را نابود می کند.

مگر در همین سرودها نمی خوانند که: «این سرزمین دریا دارد، موسی دارد، عصا دارد»؟ یعنی همه چیز دست خداست. در مورد خون خواهی هم به طور طبیعی، از همان مجلس شام یزید، با سخنرانی های حضرت زینب علیها السلام که امروز واقعاً خواهران ما جلوتر از مردها در این صحنه های خیابانی حضور دارند، هنرنمایی انقلابی می کنند، ایستادگی را به نمایش می گذارند و همان استقامتی را که حضرت زینب و امام سجاد علیهما السلام نشان دادند، ادامه می دهند. همان جا مجلس یزید متزلزل شد و از همان جا فروپاشی آغاز شد. فروپاشی طاغوت کار سختی نیست؛ فقط احتیاج به مقاومت دارد. کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداست» و سپس استقامت کردند، فرشتگان خدا هم بر آنان نازل می شوند. می خواستم این نکته را عرض کنم که بعضی از اهل کتاب می گویند خداوند جهان را خلق کرده و دیگر آن را رها کرده است؛ مثل ساعت سازی که ساعت را کوک کرده و کنار گذاشته است.

اما ما می گوئیم خداوند در هر لحظه در کار عالم است؛ «هو الاول و الآخر و الظاهر و الباطن». این انگشت رهبر شهید چه نوشته ای داشت؟ «إِنَّ مَعِيَ رَجًی». ایشان همیشه خدا را با خود می دید، احساس تهایی نمی کرد، پشتوانه بیاناتش خدا بود و خدا با او بود. آن لحظه ای هم که تقدیر الهی بر شهادت قرار گرفت، به استقبال شهادت رفت.

این بحث خون خواهی، در اصل خون خواهش خود خداست. کسانی که با اخلاص در راه خدا شهید می شوند، خون خواه حقیقی شان خداوند است. به همین دلیل، بعد از شهادت امام حسین علیه السلام، در حالی که هیچ کس تصورش را نمی کرد، نهضت هایی با شعار «یا لثارات الحسین» شکل گرفت و خون خواه امام حسین شدند. همین الان هم اگر به نمادها و پرچم هایی که در میدان ها نصب شده نگاه کنید، می بینید روی آن ها نوشته اند: «یا لثارات الخامنه ای». یعنی نهضت خون خواهی خامنه ای آغاز شده است. یعنی غیر از اینکه ما در مسیر مقاومت ایستاده ایم، خون خواه این خون های مظلومی هم هستیم که ریخته شده است. ان شاء الله خداوند ما را تقویت خواهد کرد که انتقام خون حاج قاسم را از ترامپ بگیریم؛ خون قائد شهید را از ترامپ، نتانیا هو و دست اندکارانشان بگیریم؛ خون بچه های میناب و شهدای مدرسه شجره طیبه را از آنان بگیریم. و اگر خدا بخواهد، شاید ما هم زنده باشیم و بتوانیم در این مسیر حضور داشته باشیم. این یک فرایند مستمر است؛ از بعثت آغاز می شود، در حضور مردم در خیابان ها ظهور پیدا می کند، به نهضت حسینی متصل می شود و دوباره در همین عرصه های اجتماعی استمرار می یابد. مراسم تشییع هم یکی از همین آداب، سنن و رسوم است که همه این مفاهیم را به نمایش می گذارد؛ یعنی هم عزم بر استقامت در راه را نشان می دهد و هم خون خواهی قائد شهید، خانواده ایشان و همه یارانشان، از جمله حاج قاسم، که هنوز انتقام خونشان گرفته نشده است.

رهبر نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

فصل اول



واقعاً ایشان نسبت
به یاران خالصی که به
شهادت می‌رسیدند،
وسواس و اهتمام
ویژه‌ای داشتند. اگر
اشتباه نکنم، اصرار
داشتند که خودشان
برای این شهدا نماز
بخوانند. این خیلی
زیباست؛ اینکه جمع
زیادی حاضر شوند،
برای کسی که در راه
خدا شهید شده نماز
بخوانند، شهادت
بدهند که او انسان
خوبی بوده، خدمت
کرده و ما جز خیر از او
چیزی نمی‌دانیم و برای
مؤمنان و مؤمنات دعا
کنند.

سؤال: این آیین‌ها و حضور پرشور در تشییع پیکر رهبر شهید، چه ارتباطی با آینده، افق‌ها و اصل موضوع «انقلابی ماندن» پیدا می‌کند؟

این‌ها همه در حقیقت وسایلی برای تداوم انقلاب هستند. یکی از بحث‌های مهم رهبر شهیدمان، انقلابی ماندن بود. ایشان می‌فرمودند ممکن است کسی در یک مقطع انقلابی باشد، اما نباید تصور کند وقتی انقلاب به نتیجه رسید، کار تمام شده است. خاطرم هست زمانی که سند چشم‌انداز بیست‌ساله را تهیه کرده بودیم و در مجموع خدمت ایشان ارائه دادیم، یک واژه بسیار حساب شده به آن اضافه کردند و آن، تداوم بود؛ یعنی انقلابی ماندن با حفظ روحیه انقلابی. حفظ روحیه انقلابی یعنی اینکه انسان خسته نشود؛ نه اینکه بگوییم حالا مثلاً جنگ با آمریکا و اسرائیل به نتیجه رسید، دیگر برویم استراحت کنیم، خوش بگذرانیم و کار تمام شده است. نه. چون ما معتقد به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هستیم. تا زمانی که حتی یک ظالم در روی زمین وجود داشته باشد و ظلمی انجام شود، وظیفه و مأموریت ما پایان نیافته است، بلکه این مسیر ادامه دارد. همه این آیین‌ها و مراسم برای همین معناست. پس مراسم تشییع، اعلام وفاداری است؛ اعلام خون‌خواهی است؛ اعلام تداوم راه است؛ اعلام این است که ما انقلابی مانده‌ایم و انقلابی خواهیم ماند. همه این پیام‌ها را در خود دارد.

سؤال: در پایان، اگر به عنوان حسن ختام مایلید به ویژگی خاصی از سیره ایشان یا افق آینده اشاره کنید، بفرمایید.

فقط یک نکته عرض کنم. واقعاً ایشان نسبت به یاران خالصی که به شهادت می‌رسیدند، وسواس و اهتمام ویژه‌ای داشتند. اگر اشتباه نکنم، اصرار داشتند که خودشان برای این شهدا نماز بخوانند. این خیلی زیباست؛ اینکه جمع زیادی حاضر شوند، برای کسی که در راه خدا شهید شده نماز بخوانند، شهادت بدهند که او انسان خوبی بوده، خدمت کرده و ما جز خیر از او چیزی نمی‌دانیم و برای مؤمنان و مؤمنات دعا کنند. ایشان به این مسئله مقید بودند. اگر اشتباه نکنم، خاطرم هست وقتی شهید صیاد شیرازی، آن ارتشی بسیار مخلص و عارف، به شهادت رسید، ایشان بر پیکرشان نماز خواندند و پیکر ایشان را بوسیدند. در مورد حاج قاسم هم چه غوغایی برپا شد. ایشان آمدند، نماز خواندند و بارها تأکید کردند که این افراد با اخلاص و فداکاری، همه خطر را به جان خریدند. ان شاء الله خداوند ما را سپاسگزار خدمات خالصانه امام شهید عزیزمان قرار دهد و دعاگوی بقاء، اقتدار و طول عمر رهبر عظیم الشانمان باشیم. ان شاء الله همه ما در انسجام کامل، در وحدت و انسجام توحیدی، بر اساس مکتبمان، زمینه را فراهم کنیم تا استحقاق زیارت جمال مبارک حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را پیدا کنیم. ان شاء الله پرچم انقلاب اسلامی به دست ایشان سپرده شود؛ همان امانتی که حضرت امام برافراشتند و انتظار داشتند به آن مقصد منتهی شود. ان شاء الله.



گفت‌وگوی تفصیلی با دکتر میثم لطیفی پیرامون ابعاد اجتماعی، سیاسی و معنوی تشیع رهبر معظم انقلاب

تشیع؛ از مناسک گذار تا همه‌پرسی نمادین مشروعیت

تاریخ تشیع و ایران، پیوندی ناگسستنی با آیین‌های جمعی و مناسک سوگواری دارد؛ اما گاه یک رویداد از مرزهای سنتی سوگ فراتر رفته و به یک نقطه عطف تاریخی و کنش سیاسی بدل می‌شود. در آستانه تشیع تاریخی رهبر معظم انقلاب، شهید آیت‌الله سید علی خامنه‌ای و خانواده گرمی‌شان، و در شرایطی که جامعه پس از ماه‌ها مواجهه با ابعاد این ضایعه بزرگ، خود را آماده بدرقه پیکر ایشان می‌کند، به سراغ دکتر میثم لطیفی، عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق علیه السلام رفتیم. او که خود در سال‌های اخیر از نزدیک در بستر مدیریت کلان کشور حضور داشته، معتقد است این رویداد را نباید صرفاً یک آیین سوگواری دانست، بلکه این تشیع، یک «بازتولید حماسی از سرمایه اجتماعی و هویتی حکومت» است. در این گفتگو، ابعاد جامعه‌شناختی، سیاسی و مدیریتی این واقعه را بررسی کرده‌ایم.

رحمت نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

فصل اول



آیین‌های جمعی در
این سطح، به تولید و
بازتولید هم‌بستگی
اجتماعی منجر
می‌شوند. وقتی فرد
می‌بیند مابقی آحاد
جامعه نیز هم‌رنگ
او سیاه پوشیده‌اند
و عزاداری می‌کنند،
نخستین اتفاق، بازسازی
انسجام اجتماعی پس
از یک فقدان بزرگ است.
پس از ضایعه‌ای که
انگار نخ تسبیح جامعه
را بریده، تشییع دوباره
همگان را در یک مسیر
قرار می‌دهد

آقای دکتر لطیفی، برای ورود به بحث، ابتدا از خودِ مفهوم «تشییع» آغاز کنیم. این پدیده در سنت تاریخی ما و البته در بستر علوم انسانی و اجتماعی چه جایگاهی دارد و چرا مواجهه جوامع با مسئله مرگِ شخصیت‌ها تا این حد و اجداهمیت تحلیلی است؟

اگر به ریشه‌ی تحت‌اللفظی واژه عربی «تشییع» نگاه کنیم، با مفاهیمی چون گستراندن، شیوع، مشایعت و همراهی هم‌خانواده است. حتی کلمه «شیعه» نیز به معنای پیروان و کسانی است که می‌خواهند یک راه مشترک را طی کنند. در ذات تشییع، حرکت و گذار نهفته است. در ادبیات دینی، ما با مناسکی چون تغسیل، تکفین و تدفین مواجهیم، اما بخشی «تشییع»، متمایز و نماد یک حرکت است. از این رو، در علوم اجتماعی می‌توان این پدیده را جزو «مناسک گذار» طبقه‌بندی کرد. یکی از عرصه‌های پررنگ در جامعه‌شناسی، مواجهه‌ی جوامع با مرگ، مفهوم شهادت، سنگ‌نوشته‌ها و قبرستان‌هاست. تشییع در نگاه سطحی، صرفاً بدرقه‌پیکر متوفا تا محل دفن است؛ اما با نگاهی عمیق‌تر، پدیده‌ای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و به شدت نمادین محسوب می‌شود. در روایات ما نیز مرگ به پلی تشبیه شده که وسیله‌ی انتقال از این دنیا به عالمی دیگر است.

در این بستر جامعه‌شناختی، این «گذار» چه کارکردهایی در سطوح فردی و کلان اجتماعی دارد؟

در علوم اجتماعی، برای این گذار حداقل سه سطح کارکردی می‌توان برشمرد. در نگاه بسیط و اولیه، مرگ یعنی جدایی از دنیای زندگان و انتقال به دنیای مردگان. این فهم انتقال، در میان بشریت و حتی در ادیان غیرابراهیمی نیز مشترک است؛ چنان‌که در انیمیشن معروف «کوکو» هم مرگ را با نماد یک پل نشان می‌دهند که فرد را به عالمی دیگر منتقل می‌کند. کارکرد دوم در سطح فردی و خانوادگی، تسلا‌ی خاطر بازماندگان است. این آیین به بازمانده قوت قلب می‌دهد که تنها نیست و همدردی جامعه، یک بازسازی روحی برای خانواده متوفا رقم می‌زند.

اما کارکرد سوم، زمانی رخ می‌دهد که ما با «شخصیت‌ها» مواجه می‌شویم. اینجا دیگر موضوع از یک محله و قبرستان شخصی فراتر می‌رود. آیین‌های جمعی در این سطح، به تولید و بازتولید هم‌بستگی اجتماعی منجر می‌شوند. وقتی فرد می‌بیند مابقی آحاد جامعه نیز هم‌رنگ او سیاه پوشیده‌اند و عزاداری می‌کنند، نخستین اتفاق، بازسازی انسجام اجتماعی پس از یک فقدان بزرگ است. پس از ضایعه‌ای که انگار نخ تسبیح جامعه را بریده، تشییع دوباره همگان را در یک مسیر قرار می‌دهد، حس تعلق جمعی را تقویت کرده و بر ارزش‌های مشترک تأکید می‌کند. کارکرد مهم دیگر، انتقال هنجارهای فرهنگی به نسل بعد است.

ما هنوز وقتی به تشییع بی‌نظیر حضرت امام علیه السلام در خرداد ۱۳۶۸ نگاه می‌کنیم، با واقعه‌ای

مواجهیم که نسبت به جمعیت آن زمان کشور، بی نظیر بود (رکوردی که بعدها در تشییع حاج قاسم سلیمانی شکسته شد). این تصاویر برای نسل آینده این سؤال را ایجاد می‌کند که این شخصیت‌ها چه کسانی بودند که جامعه این گونه برایشان سوگوار شد؟ از منظر «نظریه کنش متقابل نمادین»، تشییع جنازه یک پدیده نمادین و حاصل برهم‌کنش بازیگرانی است که در آن حضور دارند؛ تشییع، یک زبان اجتماعی است.

با این اوصاف، وقتی تشییع جنازه برای مقامات و رهبران ارشد یک نظام سیاسی رخ می‌دهد، این نمادها چه ابعاد جدیدی به خود می‌گیرند؟

در حوزه‌ی علوم سیاسی، تشییع مقامات، به‌ویژه رهبران مذهبی و انقلابی، یک کنش سیاسی جمعی و در واقع یک «همه‌پرسی نمادین» است. در این پدیده، ابزارهای مختلفی معنا ساز می‌شوند؛ تابوت، نماد منزلت شخص است. مسیری که طی می‌شود و تعداد شرکت‌کنندگان، نماد عینی میزان سرمایه اجتماعی متوفاست. نوع عزاداری‌ها، شعارها و کیفیت حضور مردم، عمق نفوذ آن شخصیت را نشان می‌دهد. حتی مکان خاک‌سپاری نیز معنا ساز است. تشییع باشکوه، مشروعیت سیاسی را تقویت و هویت ملی را بازتولید می‌کند.

بنده در تجمعات مردمی این ایام می‌دیدم که برخی افراد در مواجهه با تصویر امام شهیدمان، حلاطیت می‌طلبیدند و می‌گفتند: «ما اشتباه می‌کردیم و دگراندیشی‌های ما با کیفیت شهادت شما باطل شد.» از سال ۹۶ و ۹۷ رسانه‌های بیگانه دائم پمپاژ می‌کردند که این مسئولان در تونل‌ها زندگی می‌کنند، بین مردم نیستند و حساب‌های بانکی خاص دارند. اما خداوند در نهم اسفند ۱۴۰۴ نقاشی عجیبی کشید و معجزه‌آسا قدرت خود را نشان داد؛ رهبر انقلاب در ماه مبارک رمضان، با زبان روزه، در کنار خانواده و در یک روز کاری معمولی، ساعت نه و نیم صبح شنبه به شهادت رسیدند. این کیفیت، جامعه را بیدار کرد؛ بعثتی در امت رخ داد که در اولین پیام امام شهیدمان نیز به آن اشاره شده بود.

این واقعه هویت ملی ما را بازتولید کرد. یکی از فعالان اقتصاد فرهنگی می‌گفت در هیچ دوره‌ای به اندازه این ایام، پرچم جمهوری اسلامی ایران به فروش نرفته بود. مردم برای پرچم ملی هزینه کردند؛ همان پرچمی که امام شهیدمان همیشه بر آن تأکید داشتند و میان ایرانیت، زبان فارسی، انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی پیوند برقرار می‌کردند. این یعنی شکل دهی به یک حافظه تاریخی جدید و افزایش سرمایه نمادین حکومت. حضرت آقا خودشان همواره بر تشییع امام علیه السلام، حاج قاسم و شهید رئیسی به عنوان تجلی سرمایه اجتماعی تأکید داشتند. یکی از وزرا نقل می‌کرد که در سالگرد شهید رئیسی در اردیبهشت ۱۴۰۴، آقا پس از بازدید از نمایشگاه دستاوردها، فوراً پرسیدند: «برای تشییع جنازه آقای رئیسی چه کار کردید؟» این نشان می‌دهد که آیین تشییع، سنجش غیررسمی منزلت اجتماعی حکومت‌هاست. تشییع، نقطه‌ی آغاز روایت تاریخی یک شخصیت است؛ حجاب معصرت برداشته می‌شود و فرد با نوع رفتنش، تمام اقوال و رفتار گذشته‌اش را امضا می‌کند.

شما به تفاوت جنس این سوگواری اشاره کردید. تمایز اساسی تشییع رهبر معظم انقلاب با سایر تشییع‌های تاریخی کشور در چیست؟

بله، من معتقدم در خصوص امام شهیدمان، ما صرفاً با یک سوگواری محض مواجه نیستیم؛ بلکه با الهام از ادبیات شهید مطهری، این رویداد آمیزه‌ای از سوگ و حماسه است. برای حضرت امام علیه السلام سوگی عمیق برای فقیهی وارسته بود

رحلت نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

فصل اول

که در کهنسالی و به مرگ طبیعی رحلت کردند؛ اما در اینجا جنس واقعه متفاوت است. آخرین باری که در زمان مسئولیت بعد از نماز ظهر خدمت حضرت آقا رسیدم را به یاد می آورم. ایشان با چابکی و آمادگی جسمانی بالایی حرکت می کردند، گزارش ها را می شنیدند و با تک تک افراد (از خانواده شهدا تا هنرمندان) احوال پرسی می کردند. در ذهنم گفتم خدا را شکر که ایشان تا ده سال دیگر با همین صلابت حضور دارند. جالب است که امام خمینی و امام خامنه ای هر دو در ۸۶ سالگی به ملکوت اعلی پیوستند، اما امام راحل سال ها با بیماری قلبی مواجه بودند، در حالی که حضرت آقا تا روز آخر در سنگر کار و دیدارها حاضر بودند.

تمایز دیگر این است که ما با شهادت فردی مواجهیم که نه به دست یک گروه ترور کوچک، بلکه توسط ساختار استکبار و صهیونیسم در یک تقابل بین المللی به شهادت رسید. از طرفی، این بار تشییع یک نفر نیست؛ تشییع یک خانواده است (پدر، فرزند، عروس، داماد و نوه) که در تاریخ بی سابقه است و تنها نمونه مشابه آن در این سطح، عاشورا است. سال ها پیش اندیشکده ای اسرائیلی هشدار داده بود که «مبادا کاری کنید که آقای خامنه ای به حسینی دیگر در تاریخ تبدیل شود؛ بلکه باید شرایط را به سمتی ببرید که مانند امام حسن (علیه السلام) مجبور به صلح شود». اما کیفیت این شهادت، جریان را عاشورایی کرد.

علاوه بر این، شهادت امام راحل پس از پایان جنگ رخ داد، اما شهادت امام ما، آغاز یک نبرد بزرگ بود. مردم صدوپانزده شب است که در سرما و برف، شب های احیا و ماه رمضان را در خیابان ها به دعا و ذکر گذرانده اند. این خون شهید است که به تعبیر شهید مطهری جامعه رازنده می کند و حیات و بیداری می بخشد. لذا این تشییع، نه تشییع سوگ، بلکه تشییع حماسه است.

تشییع در ایران همواره رکوردشکن بوده است؛ از امام و حاج قاسم تا شهید رئیسی، آمارها دائم افزایشی بوده است. یک غم و حسرت تاریخی در شیعه نسبت به تشییع وجود دارد؛ پیغمبر اسلام (صلی الله علیه و آله) در منزل خود و غریبان دفن شدند؛ مزار حضرت زهرا (علیها السلام) مخفی است؛ امیرالمؤمنین (علیه السلام) مخفیانه دفن شدند و مزارشان تا زمان امام صادق (علیه السلام) عیان نبود؛ پیکر امام حسن (علیه السلام) تیرباران شد و وضعیت امام حسین (علیه السلام) نیز که مشخص است. شیعه هیچ گاه تشییع درخوری برای ائمه خود نداشته و این غم تاریخی، با دیدن نمادهایی از آن بزرگان سر باز می کند. این تشییع، یک بیعت تاریخی است؛ اعلام این که اگر در مدینه و کوفه و کربلا نبودیم، امروز پرچم شما را بلند نگه می داریم.

محل تدفین پیکر مطهر ایشان در مشهد مقدس و پایین پای امام رضا (علیه السلام) تعیین شده است. ابعاد نمادین این انتخاب و منش فردی ایشان را چگونه تحلیل می کنید؟

در جلساتی که با برخی اساتید و مسئولان داشتیم، بعضی بزرگواران پیشنهاد می دادند که مقبره ای جداگانه و مستقل برای ایشان ساخته شود. اما بنده عرض کردم این جهان، کوه است و فعل ماندا. این آدم همه چیزش محصول منش و دعاها و خودش است. آقا عاشق



تشییع در ایران همواره

رکوردشکن بوده است؛

از امام و حاج قاسم تا

شهید رئیسی، آمارها

دائم افزایشی بوده

است. یک غم و حسرت

تاریخی در شیعه نسبت

به تشییع وجود دارد



امام رضا علیه السلام بود، ساده زیست بود و هیچ چیز را برای خود نمی خواست. اراده معنوی شهدا پس از مرگ بازتر است و خود ایشان می خواستند که در نور مشعشع امام رضا علیه السلام جلوه جدیدی ایجاد نشود و پیکرشان پایین پای زائران علی بن موسی الرضا علیه السلام باشد.

بنده به واسطه رفاقت سی ساله ای که با داماد حضرت آقا داشتم، از نزدیک شاهد این ساده زیستی مفرط بودم. تشییع برای ما یادآور مرگ و تکریم شخصیت است. آقا در پیام آخرشان سه واژه برای این ملت به کار بردند: «پرشور، باوفا و باشرف». امیدوارم قاب های ماندگاری که در روزهای آینده رقم می خورد، وفاداری این ملت را بار دیگر ثبت کند.

به عنوان سؤال پایانی، شما به رفاقت و ارتباط خود با مرحوم آقای مصباح (داماد حضرت آقا) اشاره کردید. اگر بخواهیم الگوی عینی تری از شاگردان این مکتب ارائه دهیم، الگو و سبک مدیریتی ایشان در منظومه فکری رهبر انقلاب چگونه تجلی یافته بود؟

مرحوم آقای مصباح چند ویژگی ممتاز داشتند؛ خوش سیما، خوش خلق، خوش مشرب و خوش فکر بودند. ایشان تمام وجود خود را وقف حضرت آقا کرده بودند تا دست نظام را پر کنند، نه از جنبه ی فامیلی، بلکه از حیث مرام فکری. ایشان فرزند حضرت آیت الله باقری بودند؛ انسانی پرکار، زاهد و به شدت وارسته. زهد ایشان گوشه نشینی نبود، بلکه

رهبریت نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

فصل اول



سبک مدیریتی آقای

مصباح برگرفته از تعریفی

بود که رهبر معظم

انقلاب از «مدیریت

جهادی» داشتند.

مدیریت جهادی یعنی

تلاش بی وقفه در برابر

دشمن. جهاد از باب

مفاعله و به معنای

مبارزه دوطرفه است؛

فرا تر از واژه «سعی»

و تلاش معمولی. آقا

می فرمودند در جهاد

نباید غفلت کرد، چون

دشمن از همان نقطه

غفلت نفوذ می کند.

عین پرتلاشی بود، در حالی که زندگی شخصی بسیار ساده ای داشتند.

سبک مدیریتی آقای مصباح برگرفته از تعریفی بود که رهبر معظم انقلاب از «مدیریت جهادی» داشتند. مدیریت جهادی یعنی تلاش بی وقفه در برابر دشمن. جهاد از باب مفاعله و به معنای مبارزه دوطرفه است؛ فرا تر از واژه «سعی» و تلاش معمولی. آقا می فرمودند در جهاد نباید غفلت کرد، چون دشمن از همان نقطه غفلت نفوذ می کند. باید میدان و ابزار نبرد (سخت، نرم، علمی، امنیتی) را شناخت. جهاد علمی یعنی تلاش بی وقفه در برابر جهلی که دشمن می خواهد تحمیل کند تا ما غنی نشویم؛ چه در فناوری هسته ای و چه در تجهیزات پزشکی و واکسن کرونا.

در این دیدگاه، سبک مدیریت جهادی افرادی چون کاظمی آشتیانی در رویان، و شهدای دانشمند مانند احمدی روشن، علی محمدی، شهریار و شهید تهرانچی الگو هستند. بنده با شهید تهرانچی جلسات متعددی داشتم؛ مدیری مجاهد، خلاق و با حواس جمعی بالا بودند که در یک جلسه دو ساعته، بنده نه صفحه مطلب تحلیلی و راهبردی از سخنان ایشان یادداشت کردم.

مرحوم آقای مصباح مدیریت جهادی را هم در رفتار خود پیاده کرد و هم توانست آن را تئوریزه کند و توسعه دهد. پایان نامه های متعددی را درباره سبک مدیریتی شهدایی چون زین الدین، باکری، باقری و سید حسن نصرالله هدایت کرد. جلسات مفصلی را با سردار حاجی زاده درباره مدیریت جهادی موشکی و با مرحوم رستم قاسمی تنظیم کرد که همگی ضبط و در مرکز رشد پیاده سازی می شد. حتی یادم هست سردار حاجی زاده بعد از جلسه تماس گرفتند و گفتند فلان عدد مربوط به دقت موشک ها در متنی پیاده شده حذف شود تا مبادا مورد سوء استفاده امنیتی اسرائیل قرار گیرد. این نشان از دقت بالا داشت. ویژگی دیگر ایشان، شاگرد پروری و مردمی بودن بود. وقت گذاشتن ایشان برای دانشجوی متمایز بود؛ گاهی ساعت ده و یازده شب برای حل مشکل خانوادگی یک دانشجو وقت می گذاشتند و معتقد بودند وقتی کسی به ما پناه آورده نباید او را رد کنیم. در اتاق ایشان به روی کارمندان، هنرمندان و کارگردانان با گرایش های مختلف باز بود. بسیار خوش حافظه و پیگیر بودند.

به عنوان نمونه، در ایام جنگ دوازده روزه، پدر یکی از کارمندان دانشگاه فوت کرده بود. این کارمند پس از اتمام مرخصی به دانشگاه آمد تا در مسجد مراسمی بگیرد. آقای مصباح با وجود محدودیت های شدید امنیتی آن ایام، نیم ساعت قبل از مراسم به آن کارمند زنگ زدند و گفتند: «شما مرو، ما رسمی داریم که اعضای ارشد باید صاحب عزا را مشایعت کنند تا بداند یتیم شده اما بی کس و کار نیست.» ایشان با تمام ملاحظات امنیتی، آمدند و جلوی در مسجد کنار آن کارمند ایستادند. این حواس جمعی ها و مراقبت ها نسبت به انسان ها است که آدم ها را می سازد. به قول شهید بهشتی، بهشت را به بها می دهند نه به بهانه؛ شهادت را هم به بها می دهند. آقای مصباح حقش بود که به عنوان یک فدایی، در کنار آقا باشد و امروز با ایشان تشییع و محشور شود.

گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین صادق ابوالحسنی منذر، تاریخ‌پژوه

خونخواهی بخشی از منطق بازدارندگی و استمرار مقاومت

شهادت رهبر شهید، علاوه بر پیامدهای سیاسی و امنیتی، پرسش‌های مهمی درباره نسبت «خونخواهی»، «بازدارندگی»، «قدرت اجتماعی» و «تداوم مکتب مقاومت» پیش روی جامعه ایران قرار داده است. شیخ صادق ابوالحسنی منذر، تاریخ‌پژوه، در این گفت‌وگو با مرور آیات، روایات و تجربه نهضت‌های تاریخ معاصر، معتقد است خون رهبر شهید می‌تواند به عامل بیداری اجتماعی، تقویت انسجام ملی و برهم خوردن محاسبات دشمن تبدیل شود و خونخواهی را بخشی از منطق بازدارندگی و استمرار مقاومت می‌داند.

مهم‌ترین مبانی فکری و معرفتی رهبر شهید در مکتب مقاومت و خونخواهی را چطور می‌توان تحلیل کرد؟

رسول خدا ﷺ فرمودند: قال الله تبارک و تعالی، خداوند متعال می‌فرماید: «وای به حال کسی که به یکی از اولیای من اهانت کند و هر کس به اولیای من توهینی انجام دهد، به جنگ با من آمده است و من خودم خون خواه اولیایم هستم، در دنیا و آخرت.» این روایت در مشکاة الأنوار طبرسی آمده و در غیبت شیخ طوسی هم آمده که: «بدان هر آن کسی که ولی‌ای از اولیای من را بترساند، به مبارزه آشکار با من آمده و من خون خواه آنها در روز قیامت هستم.» امیرالمؤمنین علیه السلام هم در نهج البلاغه می‌فرمایند: «آگاه باشید که برای هر خونی خونخواهی و طالب خونی، و برای هر حقی طلب‌کننده‌ای هست.»

تمام این نکات و نکات بسیار دیگری در آیات و روایات درباره خونخواهی آمده است و امروز هم ملت ایران، به هر حال، خون خواه رهبر شهیدمان هستند و باید تمام مسائلی که در این مسیر پیش رو داریم، چه اصول سیاسی‌مان، چه اصول فرهنگی و اقتصادی‌مان، همه این مسائل بایستی با این نکته پیوند بخورد؛ یعنی یک جوری مثلاً در عرصه سیاسی عمل نکنیم که انگار دوست این دشمنان هستیم و هیچ اتفاقی نیفتاده است! این‌ها رهبر ما را نکشتند! اینکه ما در یک وادی دیگری سیر کنیم و به این نکته توجه نکنیم، جفا در حق رهبر شهید است.

چنانچه در پیام مقام معظم رهبری هم بود، باید روی خونخواهی از همه شهدا، حتی کوچک‌ترین شهدای ما در مدرسه میناب، خیلی جدی باشیم؛ دیگر چه برسد به رهبرمان. من اینجا می‌ترسم که ما بیانات مختلف آقایان دولتمردان را بشنویم، اما در خصوص خونخواهی رهبرمان هیچ نگویند و فقط راجع به امور جاری و مسائل روزمره صحبت شود و این بحث خونخواهی رهبری اصلاً مطرح نشود. من از این خیلی نگرانم.

امیرالمؤمنین علیه السلام هم می‌فرماید: «اگر خلیفه‌کشی در مملکتی، در مملکت اسلامی باب بشود، بسیار خطرناک است.» اگر دین اسلام از قصاص به عنوان حیات یاد می‌کند، برای این است که یک بازدارندگی مقابل کشت و کشتار و قتل دارد و این ما را به نقطه مقابلش، یعنی حیات، رهنمون می‌کند؛ چون قصاص عامل اصلی بازدارندگی است و عامل اصلی است که قتل و خون‌خواری از ذهن اراذل و اوباش جامعه پاک شود؛ که اگر ما دست به این کار بزنیم، عیناً محاکمه

رهبریت نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

فصل اول ■



می‌شویم. باید در کشور ما همین مسئله باشد؛ وگرنه این خلیفه‌کشی باب خواهد شد و خیلی بد است. در کنار آن، ما باید بدانیم که چه شخصیت‌های ارزشمند و ارزنده‌ای را از دست دادیم.

خون‌خواهی یکی این است که ما بنا بر تعبیر قرآن، در همان سطح باید پاسخ بدهیم؛ یعنی نمی‌شود که رهبران و فرماندهان این کشور را در عرصه علمی و معنوی و نظامی، حتی در عرصه دیپلماتیک، شخصیت‌هایی مثل دکتر لاریجانی را از ما بگیرند و ما هیچ مقابله به مثلی نکنیم. قرآن می‌فرماید: بنا بر قاعده اعتدا که در قرآن ذکر شده، باید در همان سطح پاسخ گفت؛ وگرنه ما دیگر روی امنیت را در این کشور نخواهیم دید.

باید اینجا گلايه هم بکنیم که در این تفاهم‌نامه‌ای که انجام شد، هیچ صحبتی از ترور نبود؛ در حالی که باید یکی از بندها به ترور اختصاص پیدا می‌کرد که حالا آمدیم و این تفاهم‌نامه را نوشتیم، بنا به کدام یک از مفاد این تفاهم‌نامه می‌توانیم در مقابل ترور واکنش نشان دهیم؟

ما تنگه هرمز را ببندیم، ولی هیچ بحثی از ترور و تکرار این فاجعه و مصیبت در متون تفاهم‌نامه، آن چنان که باید، شفاف فکری نشده و این جزو نقایص کار است.

بنابراین، یکی جایگزین کردن شخصیت‌های بزرگی است که ما از دست دادیم که حالاها خیلی دشوار است، اما باید ببینیم چه بسترهای فکری، فرهنگی، تربیتی، اخلاقی، سیاسی و اجتماعی بود که این بزرگانی مثل سردار سلیمانی، مثل مقام معظم رهبری و دیگران، مثل سید حسن نصرالله را به وجود آورد؛ یک فکری کنیم و یک بسترسازی کنیم. دوم، درصدد این انتقام خون باشیم و انتقام سخت بگیریم و نتیجه‌اش هم همان است که مقام معظم رهبری در وقت حمله دو سال قبل اسرائیل به ایران فرمودند که باید مشخص شود و ما



خون‌خواهی یکی این
است که ما بنا بر تعبیر
قرآن، در همان سطح
باید پاسخ بدهیم؛ یعنی
نمی‌شود که رهبران و
فرماندهان این کشور
را در عرصه علمی و
معنوی و نظامی، حتی
در عرصه دیپلماتیک،
شخصیت‌هایی مثل
دکتر لاریجانی را از
ما بگیرند و ما هیچ
مقابله به مثلی نکنیم.

حمله کنیم و انتقام بگیریم، برای اینکه معلوم شود نظام محاسباتی شان اشتباه است؛ وگرنه دشمن دوباره می‌گوید که نظام محاسباتی من درست بود و دوباره می‌آید و رجال و بزرگان دیگری را از ما می‌گیرد.

این یک فقدان بزرگ است و باید شهادت رهبری را در راستای ترور بزرگانی مثل امیرکبیر، قائم مقام فراهانی و بعد علمای مجاهد، مخصوصاً مثل شیخ فضل‌الله نوری و شهید مدرس دنبال کرد؛ با این تفاوت که ایشان رهبر مملکت و جهان اسلام بودند و ولی فقیه جامعه و در رأس نظام اسلامی بودند.

به هر حال، باید علی‌رغم این‌ها به این نکته توجه کرد که بایستی به اصول حفاظتی و امنیتی بیش از پیش توجه کرد و آن چنانی که در حفظ جان سید حسن نصرالله و مقام معظم رهبری کوتاه شد، این بار دیگر نسبت به مقام معظم رهبری مان هوشیاری بسیار بیشتری به خرج داد.

نقش شهادت رهبر معظم انقلاب را چطور می‌توانیم در بازتولید قدرت اجتماعی و تمدنی و در راستای مکتب مقاومتی که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تبیین‌گران بودند، توضیح داد؟

ببینید، اصلاً خونی که بر زمین می‌ریزد، بیدارگر جامعه است. در منظومه فکری رهبران انقلاب اسلامی می‌بینید از امام خمینی (ره) که فرمود: «بکشید ما را، ملت بیدارتر می‌شود.» اصلاً پایدگی شیعه به این خون‌هایی بوده که روی زمین ریخته شده است که او جش حادثه عاشورا است و مثل موتوری، خون را به شریان‌های شیعه در تاریخ پمپاژ می‌کرد و آن خون خودش جاودانه شده است.

ما در زیارت‌نامه مخصوص سیدالشهدا شهادت می‌دهیم که سیدالشهدا، این خون تو در خلد برین آرام گرفت و استقرار یافت و خود این خون موجب استقرار، پایدگی و حماسه شده و می‌شود. چنانچه در طول تاریخ، تمام نهضت‌های تاریخ معاصر ایران به نحوی به عاشورا و محرم برمی‌گردد؛ از همان جنگ‌های ایران و روسیه تزاری که اصلاً دوره دومش در عصر فتح‌علی شاه، به رهبری علمایی مثل ملا احمد نراقی و سید مجاهد، از محرم شروع شد و اتفاقاً بخش زیادی از اراضی که روس‌ها فتح کرده بودند، توسط علما، ارشادات علما و رشادت مردم و این روحیه عاشورایی و منطق عاشورایی ایرانیان بازگشت، ولی بعدش با سستی و خیانت، هم خیانت خارجی که انگلیسی‌ها بودند و هم سستی و کوتاهی دربار و داخلی‌ها، متأسفانه از دست رفت.

اما باز هم در نهضت تحریم تنباکو، اساساً وقتی که به محرم الحرام رسید، یک دور شدیدی پیدا کرد و به پیروزی رسید. در قصه نهضت مشروطه هم اصلاً ماجرای نهضت مشروطه، به ویژه از قصه موسیو بلژیکی و اینکه لباس روحانیت را در آن مجلس بالماسکه پوشیده بود، در محرم پخش شد و خطبه‌های آتشین سخنوران و آغاز این نهضت از محرم بود. همین جوری بگیرید بیابید تا راهپیمایی بزرگ دسته‌جات و غرش ملت ایران که در عاشورا و تاسوعای ۱۳۵۷ بود و آخرین گلوله را بر پیکری جان و بر تابوت شاه و شاه‌بازی در این مملکت کوبید و نظام شاهنشاهی واژگون شد.

در عاشورا همین بود، در قصه مدافعان حرم همین بود و رمز پایدگی ما در این دو جنگ هم همین منطق عاشورایی است. منتها ما در کل تاریخ نهضت‌های اسلامی و تحولات معاصر، این بنیه اجتماعی و این حضور شکوهمند مردمی که بیش از ۱۲۰ شب، بخواهند بریزند بیرون و این طوری پای کار انقلاب باشند، اصلاً نداریم و من به عنوان یک تاریخ‌پژوه اصلاً یاد نمی‌آید. مواردی هم که بوده، یک شهر بوده، یک منطقه بوده، نه کل کشور. بعد هم کشورهای دیگر؛ چنانچه شما می‌بینید ایرانیان کشورهای دیگر هم هر روز، مخصوصاً در اوایل کار، بیرون می‌آمدند.

این بدنه اجتماعی و این بنیه ملی را ایران بیش از هر نوبتی و در کل تاریخ، به یک نحو خاصی بروز داد و یکی از عوامل

رهبر نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

فصل اول



اصلاً خونی که بر زمین
می ریزد، بیدارگر جامعه
است. در منظومه
فکری رهبران انقلاب
اسلامی می بینید از
امام خمینی ریال که
فرمود: «بکشید ما را،
ملت بیدارتر می شود.»
اصلاً پایدگی شیعه به
این خون‌هایی بوده
که روی زمین ریخته
شده است که او جش
حادثه عاشورا است و
مثل موتوری، خون را به
شریان‌های شیعه در
تاریخ پمپاژ می کرد و آن
خون خودش جاودانه
شده است.

اصلی‌اش خون رهبر شهید بود. یعنی این قصه و این شهادت و این خون ریخته شده، پتانسیل عظیمی دارد. این مظلومیت ایشان، به نظر من، بیشترین بهره‌برداری اجتماعی را می‌شود از آن کرد.

در این عرصه، ما گروه‌های مختلفی را می‌بینیم؛ افرادی که می‌بینید اصلاً به حسب ظاهر به پیروان انقلاب اسلامی نمی‌خورند و تقیدات شرعی ندارند، اما خیلی جدی آمده بودند پای کار. جالب بود که زنان نقش بزرگی داشتند در این تجمعاتی که صورت گرفت و فرزندانشان را می‌آوردند و بعد مردان در کنارشان بودند و این تجمعات عظیمی که صورت گرفت، خیلی حرف‌ها زده شد، خیلی حمایت‌ها انجام شد و یک تقسیم‌کار صورت گرفت که «میدان از شما و خیابان با ما» و مردم این جوری به نیروهای نظامی گفتند.

به نظرم این یک پادزهر بود در برابر نقشه دشمن؛ چنانچه دشمن آمریکایی و اسرائیلی قرار بود در سیاست‌هایش آسمان را به خیابان پیوند بزند؛ یعنی حمله خارجی را با شورش داخلی قرین کند و اساساً این حضور مردم بود، هم نوع رهبری مقام معظم رهبر شهید در جنگ ۱۲ روزه و هم خونی که از ایشان در جنگ رمضان بر زمین ریخت، در مجموع موجب شد که سه برنامه و سه هجوم دشمن و معادلاتش بر هم بریزد و به اهدافی که داشتند، نرسند.

یکی جنگ ۱۲ روزه بود که این‌ها حمله خارجی را انجام دادند، اما به لحاظ اتحاد مردمی، شورش خیابانی صورت نگرفت و این دو بال در جنگ ۱۲ روزه با هم جفت نشد. در فتنه دی ماه هم دشمن گفت: شما بروید جلو، خیابان‌ها را شلوغ کنید، ما جنگ خارجی را شروع می‌کنیم. ترامپ توییت هم زد که شما بیایید خیابان‌ها را بگیرید و شلوغ کنید، ما هم حمایت می‌کنیم. گروه‌های تروریستی هم آمدند و دستشان رو شد و اتفاقاً بخشی هم از ملت ایران که داغدار و ناراحت بودند و دغدغه‌های معیشتی و اقتصادی داشتند را می‌خواستند به نفع خودشان مصادره کنند، ولی مردم به مرور خودشان را کنار کشیدند و چون حمله خارجی صورت نگرفت، این اغتشاشگران داخلی تنها ماندند. دوباره این دو بال جفت نشد. در نتیجه، فتنه اساسی این بود که این حمله خارجی با شورش داخلی همراه شود و حتی گروه‌هایی مثل پژاک و کومله از مرزهای غربی وارد شوند و این دورا با هم تلفیق کنند، ولی این هم به لحاظ اینکه مردم از اول وارد خیابان‌ها شدند و جبهه خیابان را در دست گرفتند و کار را پیش بردند، این بنیه ملی عظیم و این هم‌آوایی ملت ایران و این اندوه عظیم رهبری در کف خیابان‌ها، آن هم بعد از ۱۲۰ شب که دارد به تشییع پیکر ایشان منتهی می‌شود، این دوره یک فتنه عظیم را خنثی کرد.

فروپاشی‌های خیلی گسترده‌ای صورت گرفته بود. همین الان هنوز تروریست‌ها در جای جای ایران سازمان دهی شده و مسلح هستند و انبارهای سلاح دارند و پول‌های زیادی به آن‌ها تزریق شده، حتی به نیروهای تجزیه طلب تروریستی که قرار بود از عراق و از کردستان عراق وارد شوند، پول‌های کلانی داده شد، اما این توطئه بزرگ دشمن، به خاطر بنیه عظیم ملی و آن شور میهنی در ملت ایران و به ویژه خون رهبر، انجام نشد.



گفتگو با دکتر محمد حسینی، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران و وزیر اسبق فرهنگ و ارشاد اسلامی

تشییع تاریخی، مطالبه ملی برای تحقق «خون خواهی» است

شهادت رهبر انقلاب اسلامی، کشور را در تکانه‌ای بی سابقه و در موقعیت عبور از یک «پیچ تاریخی» قرار داده است؛ پدیده‌ای که در کلام رهبر شهید و رهبر سوم انقلاب، از آن به «بعثت مردم» تعبیر شد. این پدیده نه یک غلیان احساسی زودگذر، بلکه تحولی فطری و تمدنی است که پس از چهار ماه شرایط جنگی و انتظار ممتد جامعه برای سوگواری، اینک در آستانه تشییع پیکر ایشان به اوج خود رسیده است. دکتر محمد حسینی، وزیر اسبق فرهنگ و ارشاد اسلامی و استاد دانشگاه تهران، در این گفتگوی تفصیلی با واکاوی ابعاد اجتماعی، تمدنی و بین‌المللی این رخداد، به تبیین پیوند وثیق میان «آیین تشییع» و «مطالبه ملی خون خواهی» می‌پردازد. او با قیاس این رویداد با تشییع تاریخی امام خمینی ره، ضمن تشریح منظومه فکری، ادبی و اشراف بی‌نظیر فرهنگی رهبر شهید، استدلال می‌کند که حضور میلیونی مردم، موازنه قدرت مادی غرب را برهم زده و فراتر از مرزهای جغرافیایی، تکانی جدی به ساختارهای حقوق بین‌الملل و جبهه مقاومت وارد خواهد ساخت.

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

فصل اول

آقای دکتر، به عنوان سؤال نخست بفرمایید در آستانه تشییع پیکر رهبر شهید، این آیین چه جنبه‌های حائز اهمیتی دارد و تعبیر «بعثت مردم» چگونه در آن تجلی می‌یابد؟

در مکتب اسلامی ما، حفظ حرمت مؤمن یک اصل است؛ چه در زمان حیات و چه پس از رحلت. تکالیفی چون غسل، کفن و تدفین با آدابی خاص، همگی بیانگر احترامی است که آیین ما برای کالبد انسان قائل است. روایات متعددی داریم که برای شرکت در تشییع جنازه مؤمن، اجر عظیمی برمی‌شمارند. حال وقتی آن شخص در جایگاه «عالم» و بالاتر از آن، در مقام تمدنی «شهید» باشد، این تکریم ابعاد وسیع‌تری می‌یابد. شهید زنده حقیقی است و زنده نگه داشتن یاد او برای جامعه یک ضرورت است تا روحیه فداکاری و جان‌فدایی به عنوان یک الگوی زنده سست نشود. در تاریخ تشیع، مراسم تشییع پیکر علمای بزرگ همواره در حافظه تاریخی ملت‌ها ثبت شده است. در خصوص مقام معظم رهبری نیز ماجرا ابعاد ویژه‌تری دارد. از همان سحرگاه دهم اسفندماه که خبر شهادت ایشان منتشر شد، شاهد بودیم که مردم بلافاصله و به صورت خودجوش به خیابان‌ها آمدند؛ زیرا ملت ما یک جامعه بی‌تفاوت نیست، بلکه در قبال این داغ سنگین و ظلمی که رخ داد، دچار یک خشم مقدس شد. در واقع آن پیش‌بینی و تعبیر دقیق رهبری در زمان حیات‌شان محقق شد؛ اینکه اگر حادثه‌ای رخ دهد، مردم مبعوث می‌شوند و کار را تمام می‌کنند. ما امروزه این پدیده را به عینه در کف جامعه مشاهده می‌کنیم.

ریشه‌های این حرکت مداوم مردمی در طول چهار ماه گذشته چیست و چرا از آن به «بعثت» تعبیر می‌شود؟

این رویداد نشانه‌ای واضح از فراست و آینده‌نگری مؤمن است؛ همان‌طور که در حدیث شریف آمده: «اتَّقُوا فِرَاسَةَ الْمُؤْمِنِ فَإِنَّهُ يَنْظُرُ بِنُورِ اللَّهِ». این حرکت، یک امر فطری و اراده‌ای الهی بود؛ حرکتی نبود که صرفاً تحت تأثیر تبلیغات رسانه‌ای یا هیجانات زودگذر شکل گرفته باشد. اگر پای احساسات سطحی در میان بود، پس از مدت کوتاهی فروکش می‌کرد؛ اما در تاریخ معاصر سراغ نداریم ملتی بالغ بر چهار ماه، هر شب در میادین حضور یابد، شعارهای اصولی خود را تکرار کند، وفاداری‌اش را به نظام اسلامی اعلام دارد و انزجار خود را از نظام سلطه و رژیم صهیونیستی فریاد بزند. بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم تحولی بنیادین برای عبور از جاهلیت به نور اسلام و از ظلمت به روشنایی بود؛ امروزه نیز مبعوث شدن ملت ایران نشان‌دهنده آغاز یک تحول بزرگ و عبور از یک پیچ تاریخی است که منشأ دگرگونی‌های وسیع در آینده خواهد بود.

آثار این تحول و عبور از پیچ تاریخی، در عرصه بین‌المللی و موازنه قدرت چگونه خود را نشان داده است؟

در همین بازه زمانی، ناظران بین‌المللی اذعان کردند که ایران به قدرتی متفاوت تبدیل شده



شهید زنده حقیقی است

و زنده نگه داشتن یاد او

برای جامعه یک ضرورت

است تا روحیه فداکاری

و جان‌فدایی به عنوان

یک الگوی زنده سست

نشود. در تاریخ تشیع،

مراسم تشییع پیکر

علمای بزرگ همواره در

حافظه تاریخی ملت‌ها

ثبت شده است.

و روند افول آمریکا برای همگان آشکار گردیده است. ایالات متحده با تمام توان نظامی و اطلاعاتی خود، با استفاده از بمب‌های سنگرشکن و تجهیزات پیشرفته وارد معرکه شد تا قدرت خود را به رخ بکشد؛ پدیده‌ای شبیه به فرعون که تمام ساحران را جمع کرد تا هنر خود را عرضه کنند، اما عصای حضرت موسی علیه السلام کید آنان را برچید. در این عرصه نیز ذهنیت هوشیار جامعه و ذوالفقار حیدری رزمندگان اسلام، محاسبات مادی دشمن را برهم زد. هرچند دونالد ترامپ تلاش می‌کند با روایت‌سازی‌های دروغین و جنگ شناختی بر افکار عمومی تأثیر بگذارد، اما تناقضات رفتاری آن‌ها آشکار شده و قادر به کتمان حقایق نیستند. لذا پدیده تشییع پیکر رهبر شهید از اهمیت استراتژیک برخوردار است. ملت ما آمادگی خود را برای حضوری بی‌سابقه اعلام کرده و این دلبستگی فراتر از مرزهای جغرافیایی، در میان ملت‌های دیگر نیز تسری یافته است. یک نکته کلیدی را باید یادآور شوم؛ در دنیا رهبران بسیاری بوده‌اند که در آغاز تحرکات خود محبوبیت داشتند، اما به تدریج عملکردشان موجب بروز نارضایتی شد. اما رهبر شهید، امام خامنه‌ای، نزدیک به ۳۷ سال در مقام رهبری نظام و پیش از آن حدود ۱۰ سال در مناصبی چون ریاست جمهوری، شورای عالی دفاع و نهاد قانونگذاری مسئولیت‌های سنگین داشتند. برای شخصیتی که قریب به نیم قرن در مراجع اصلی تصمیم‌گیری کشور حضور داشته، آن هم در کشوری که دائماً تحت شدیدترین تهدیدها و تحریم‌ها بوده، حفظ و تقویت این میزان از دلدادگی یک پدیده استثنایی است. مصداق این بیت که می‌گوید: «چون فشاندی جان برای خلق‌ها / خلق‌ها باشند برایت جان فدا». مردم با معرفت خود این اثار را درک کردند. در این چهار ماه، بسیاری از افرادی که سابقاً بی‌تفاوت یا معترض بودند، با دیدن حجم مظلومیت و حقانیت ایشان، متوجه پوچی شایعات شبکه‌های معاند شدند و این تشییع تاریخی، دنیا را مبهوت این سطح از پیوند خواهد کرد.

آیامی توانیم مفهوم «بعثت مردم» را پدیده‌ای تحول‌آفرین در گستره تمدن اسلامی ارزیابی کنیم؟

قطعاً همین‌طور است. پادشاهان و رؤسای جمهور بسیاری در دنیا می‌آیند و می‌روند و مرگ آن‌ها هیچ اثری در روند تاریخ ایجاد نمی‌کند؛ اما تجلیل باشکوه مردم از رهبر خود، نشان دهنده تحقق وعده قرآنی است: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ اللَّهُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا». محبت عبد صالح به اراده الهی در دل‌ها جای می‌گیرد. همچنین خداوند در قرآن می‌فرماید: «لَوْ أَنفَقْتُ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا آَلَفْتُ نَبِيَّنَ قُلُوبَهُمْ»؛ یعنی الفت و مودت حقیقی با ابزارهای مادی و توزیع ثروت حاصل نمی‌شود، بلکه منشأی الهی دارد.

حضور میلیونی مردم در این آیین، یک اعتراض مدنی و تمدنی به ساختار ظالمانه حقوق بین‌الملل کنونی است؛ ساختاری که در واقعیت تنها دو ماده دارد: ماده اول اینکه باید تابع قدرت‌های استکباری بود و ماده دوم اینکه در صورت بروز اختلاف، به ماده اول رجوع شود! انسجام ملت در این مقطع، ساختارهای مادی قدرت را به چالش می‌کشد. امام شهید ما فرآیند انقلاب اسلامی را در پنج مرحله ترسیم کرده بودند: انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، تشکیل دولت اسلامی، ایجاد جامعه اسلامی و در نهایت تحقق تمدن نوین اسلامی. این نگاه بلندمدت نشان می‌دهد که جامعه دچار روزمرگی نیست. ما مسیر دشواری را طی کرده‌ایم؛ تداوم این مسیر به استقرار نظام اسلامی انجامید؛ در حالی که حرکت‌های مشابهی چون بیداری اسلامی در مصر به دلیل عدم کادرسازی مناسب، در کمتر از یک سال با کودتا مواجه شد و شکست خورد. برای نیل به دولت و جامعه مطلوب اسلامی هنوز راه طولانی در پیش داریم، اما پیشرفت‌های شگرف ما در عرصه‌های مختلف علمی و دفاعی، ثابت می‌کند که رسیدن به قله تمدنی مد نظر رهبر شهید، هدفی کاملاً دست‌یافتنی است.

ربعت نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

فصل اول



پدیده «بعثت مردم» در شرایطی که دشمن با ترور و شهادت ایشان به دنبال ایجاد رعب و ناامیدی در جامعه بود، چه مؤلفه‌هایی را بازتولید می‌کند؟



ما در طول این ماه‌ها
شاهد بودیم که پرواز
پهپادها و رد شدن
موشک‌ها کمترین
تزلزلی در اراده مردم
ایجاد نکرد. این تجلی
عینی همان کلام شریف
است که می‌فرماید:
«الْأَسْ بِأَمْرَائِهِمْ أَشْبَهُ
مِنْهُمْ بِأَبَائِهِمْ»؛ وقتی
رهبر جامعه شجاع،
غیور و با استقامت باشد،
این روحیات در کالبد
ملت نیز جریان می‌یابد.

مهم‌ترین مؤلفه، تقویت حس خودباوری ملی و شکست دکترین رعب دشمن است. مستکبران تصور می‌کردند با حذف فیزیکی شخصیتی در طراز رهبر انقلاب، جوی از ترس و انفعال بر کشور حاکم می‌شود و جامعه به این نتیجه می‌رسد که مقاومت در برابر قدرت مادی ناتو و ایالات متحده بی‌فایده است. بر اساس محاسبات متعارف نظامی، موازنه قوا به نفع آن‌ها بود؛ اما بلوغ ساختاری نظام جمهوری اسلامی خود را نشان داد. در بسیاری از کشورهای جهان، حذف یک رهبر به فروپاشی یا تغییر بنیادین جهت‌گیری آن کشور منجر می‌شود؛ اما در ایران، ساختار تشکیلاتی به گونه‌ای توسط رهبر شهید ساماندهی شده است که با فقدان یک فرمانده، نیروهای جوان و تربیت شده به سرعت جایگزین می‌شوند. پیشرفت‌های ما در دانشگاه‌های نظامی از جمله دانشگاه امام حسین (ع) و دانشگاه‌های افسری، در کنار خودکفایی در صنایع تسلیحاتی، بنیه دفاعی کشور را مستحکم کرده است. از سوی دیگر، حضور مردم در صحنه بر اساس سنت الهی «يَدْأِ اللَّهُ مَعَ الْجَمَاعَةِ»، موجب تقویت روحیه اتحاد جامعه می‌شود. در فضای جمعی، حتی افرادی که ممکن است در انزوا دچار دلسردی شوند، شجاعت و صلابت می‌یابند. ما در طول این ماه‌ها شاهد بودیم که پرواز پهپادها و رد شدن موشک‌ها کمترین تزلزلی در اراده مردم ایجاد نکرد. این تجلی عینی همان کلام شریف است که می‌فرماید: «الْأَسْ بِأَمْرَائِهِمْ أَشْبَهُ مِنْهُمْ بِأَبَائِهِمْ»؛ وقتی رهبر جامعه شجاع، غیور و با استقامت باشد، این روحیات در کالبد ملت نیز جریان می‌یابد. این ایستادگی، الهام‌بخش جبهه مقاومت و آزادگان جهان است؛ کما اینکه در ایام حج امسال نیز شاهد نگاه تحسین‌آمیز زائران دیگر کشورها به ملت ایران بودیم.

برای تحلیل بهتر عظمت این تشیيع، مناسب‌ترین مابه‌ازای تاریخی، مراسم تشیيع باشکوه امام خمینی (ره) در سال ۱۳۶۸ است. از فضای اجتماعی آن برهه و بازتاب‌های آن بگویید.

رحلت حضرت امام (ره) غم سنگین و بی‌سابقه‌ای را بر جامعه حاکم کرد. در کنار آن حزن عمیق، یک نگرانی سیاسی نیز در افکار عمومی وجود داشت که نظام بدون حضور شخص امام چگونه مسیر خود را ادامه خواهد داد. اما حضور یکپارچه مردم در مراسم وداع در مصلاي تهران و سپس تشیيع پیکر مطهر ایشان، حس قوت و انسجام امت واحده را بازتولید کرد. امام (ره) جامعه را به گونه‌ای تربیت کرده بودند که متکی به شخص نباشد. در روز تدفین، حجم جمعیت به قدری فراتر از حد تصور بود که ما برای رسیدن به بهشت زهرا (علیها السلام) ناچار شدیم از مسیرهای فرعی حرکت کنیم. حتی به دلیل ازدحام شدید، ابتدا اعلام شد که تدفین به روز بعد موکول شده است؛ در مسیر بازگشت، تمام امتداد جاده تا تهران مملو از دلسوختگان بود.

ملت ما در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ استقبال بی‌نظیر از امام کردند، اما پس از ده سال تحمل جنگ تحمیلی و مشکلات فراوان، بدرقه‌ای را رقم زدند که به لحاظ تعداد جمعیت، وسیع‌تر از مراسم استقبال بود؛ این یعنی وفاداری بی‌قید و شرط به آرمان‌ها. مقام معظم رهبری نیز از پیش‌قراولان مبارزات انقلابی بودند که شش بار بازداشت، زندان و تبعید به مناطقی چون ایران‌شهر و جیرفت را در کارنامه داشتند و انطباق کاملی میان منظومه فکری ایشان و امام راحل برقرار بود. انتخاب هوشمندانه ایشان توسط مجلس خبرگان با اشاره قبلی حضرت امام، دل‌ها را آرام کرد.

مقام معظم رهبری در طول دوران زعامت خود، همواره مشی خود را تداوم مسیر امام خمینی (ره) تعریف کردند؛ اما تفاوت‌هایی نیز به اقتضای زمان وجود داشت. دوران ده ساله امام (ره) بیشتر صرف تثبیت نظام و مدیریت جنگ شد، اما رهبر شهید فرصت بیشتری برای تبیین نظری ابعاد انقلاب، کادرسازی، ساماندهی نیروهای مسلح و آینده‌نگری در حوزه فناوری‌های نوین دفاعی و موشکی داشتند تا بتوانند موازنه قدرت مادی را برهم بزنند. جامعیت ایشان در ابعاد مختلف علمی، فقهی، سیاسی و فرهنگی بی‌نظیر بود و مقایسه ادبیات متین ایشان با تعبیر سخیف رهبران غربی نظیر ترامپ، قیاسی مع‌الفارغ است.

یکی از مطالبات اصلی و پرتکرار مردم در ماه‌های اخیر، مسئله «خون خواهی» است. مراسم تشیيع پیکر رهبر شهید چه نسبتی با این دکترین دارد؟

از همان لحظه نخست انتشار خبر شهادت، فریاد خون‌خواهی به عنوان یک مطالبه جدی از سوی مردم بلند شد. بنده در این مدت به عنوان سخنران به بیش از ۱۲ استان سفر کرده‌ام و عیان دیده‌ام که شعار «یک ملت، یک وطن، یک پرچم، یک کلام؛ انتقام، انتقام» جزو مطالبات اصلی توده‌هاست. جامعه گاهی از عدم موضع‌گیری قاطع و صریح برخی مسئولان در حوزه سیاست خارجی گلایه‌مند است؛ زیرا انفعال در برابر این جنایت، ترور را به یک رویه عادی تبدیل می‌کند. این مسیر حذفی دشمن از زمان شهادت سردار حاج قاسم سلیمانی شتاب گرفت؛ لذا این روند باید در نقطه‌ای با تحمیل هزینه‌ای سنگین به دشمن متوقف شود. همان‌طور که امام راحل در قبال جسارت سلمان رشدی حکم ارتداد صادر کردند و امنیت را از او سلب نمودند، امروز نیز باید پاسخ قاطعی داده شود.

در ادبیات دینی و در زیارت شریف عاشورا، ما مقامات عجیبی را از خداوند مسئلت می‌کنیم. یکی از فرازهای استراتژیک این زیارت، رزق خون‌خواهی است: «أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِكَ مَعَ إِمَامٍ مَنصُورٍ». این نشان می‌دهد که امت اسلام نباید در

رهبر نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

فصل اول

برابر ظلم بی تفاوت باشد. امروز بارزترین مصداق یزید زمان، دونالد ترامپ است؛ فردی که برخلاف اسلاف خود، ماسک حقوق بشر را کنار گذاشته و رسماً به رفتارهای راهزنانه، تهدید به نابودی تمدن ایران و انفجار ناو دنا افتخار می‌کند. در برابر چنین دشمنی که عبد صالح خدا را به شهادت رسانده، آیین تشییع فراتر از یک مناسک مذهبی، یک رفتارندوم ملی برای تأکید بر دکترین انتقام است. مراجع عظام تقلید از جمله آیت‌الله العظمی سیستانی و علمای برجسته‌ای چون آیت‌الله جوادی آملی تأکید کرده‌اند که حضور باشکوه مردم در این صحنه، موجبات عقب‌نشینی جانیان اصلی یعنی آمریکا و رژیم صهیونیستی را فراهم خواهد آورد.

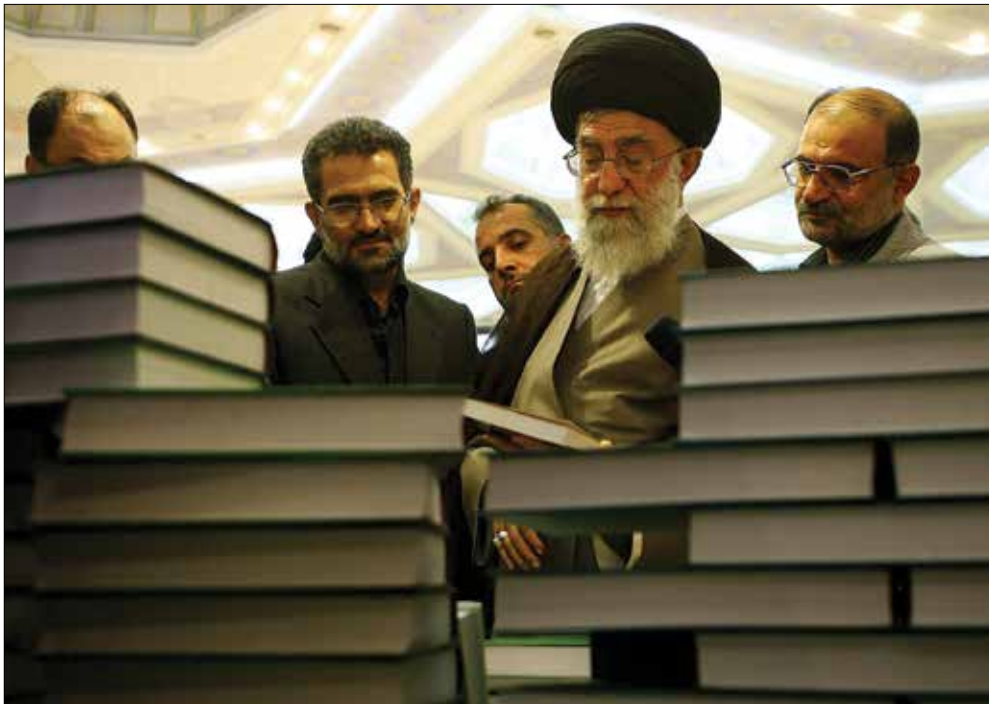
آقای دکتر، با توجه به سابقه شما در وزارت فرهنگ، حوزه هنر و ادبیات همواره مورد توجه ویژه ایشان بود. این سیره فرهنگی نشأت گرفته از چه دیدگاهی در منظومه فکری ایشان بود؟



مادر زمان وزارت
فرهنگ، به توصیه
ایشان برای مفاخر در
قید حیات، همایش‌های
نکوداشت برگزار
می‌کردیم؛ از جمله برای
استاد حمید سبزواری.
وجه جالب توجه این بود
که آقا به دلیل دوستی
و علقه دیرین، ایشان
را با نام کوچک «حمید»
خطاب می‌کردند. ایشان
با وجود مشغله‌های
فراوان، وقت موسعی
را برای هدایت، تشویق
و نقد آثار هنرمندان
اختصاص می‌دادند.

رهبر شهید از دوران کودکی و در کانون یک خانواده اصیل و علمی رشد یافتند. همنشینی با مادری فاضله و بهره‌گیری از اساتید برجسته، از ایشان شخصیتی کتاب‌شناس و مطلع ساخت؛ به طوری که حجم مطالعات ایشان در حوزه رمان، تاریخ، ادبیات و فرهنگ ملل، از بسیاری از مدعیان این عرصه‌ها وسیع‌تر بود. نگاه ایشان به هنر، نگاهی ابزاری یا صرفاً برای تفتن نبود؛ بلکه قائل به جهت‌داری هنر در مسیر اصلاح‌گری، بازتولید حکمت و ارزش‌های انسانی بودند. ایشان حتی در حوزه طنز نیز به عنصر حکمت و نقد مصلحانه توجه داشتند. پیش از انقلاب نیز ایشان در انجمن‌های ادبی شرکت می‌کردند و با روشنفکران و شاعران طیف‌های مختلف ارتباط داشتند. مرحوم شمس‌آل احمد نقل می‌کرد که پیش از غائله ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، به همراه برادرش جلال‌آل احمد با مراجع و علمای مختلفی در قم دیدار کردند، اما جلال چندان امیدوار نبود که آن‌ها بتوانند منشأ حرکتی اجتماعی شوند؛ تا اینکه خدمت امام خمینی ره رسیدند و جلال با دیدن اشراف علمی و کتاب‌های ایشان، به شمس گفت که این شخصیت توان رهبری یک تحول بنیادین را دارد. رهبر شهید نیز واجد همین ویژگی جامعیت بودند.

مادر زمان وزارت فرهنگ، به توصیه ایشان برای مفاخر در قید حیات، همایش‌های نکوداشت برگزار می‌کردیم؛ از جمله برای استاد حمید سبزواری. وجه جالب توجه این بود که آقا به دلیل دوستی و علقه دیرین، ایشان را با نام کوچک «حمید» خطاب می‌کردند. ایشان با وجود مشغله‌های فراوان، وقت موسعی را برای هدایت، تشویق و نقد آثار هنرمندان اختصاص می‌دادند. در جلسات آماده‌سازی همایش‌های ملی نظیر بزرگداشت میرزا کوچک خان جنگلی در گیلان، آیت‌الله سید علی قاضی در تبریز یا سید نعمت‌الله جزایری (از تدوین‌کنندگان بحار الانوار)، وقتی گزارش کار را خدمت ایشان ارائه می‌دادیم، نکاتی را پیرامون ابعاد مکتوم این شخصیت‌ها یادآور می‌شدند که از دید محققان پنهان



مانده بود؛ مواردی چون معرفی طالب آملی (ملک الشعرای هند) یا کاتب نیریزی (نویسنده ۹۹ نسخه قرآن کریم) که احیای نام آنان انگیزه بالایی در نسل جوان ایجاد می‌کرد. اشراف ایشان به گونه‌ای بود که ماگاهی برگزاری همایش را چند ماه به تعویق می‌انداختیم تا محورهای مدنظر ایشان در قالب مقاله و کتاب استخراج شود. استاد دکتر آذرشب نقل می‌کردند که در حاشیه همایش حمایت از فلسطین، رهبر معظم انقلاب ادیبان و نویسندگان جهان عرب را به جلسه‌ای دعوت کردند و بالغ بر ۶ ساعت متمادی برای گفتگو با آنان وقت گذاشتند و با هم اطعام کردند؛ رفتاری که تأثیر عمیقی بر نخبگان سوریه و لبنان گذاشت. این سعه صدر و حوصله نظام‌مند در دیدارهای سالانه با قاریان قرآن، مداحان و اهالی قلم نیز مشهود بود. دغدغه‌مندی ایشان در حوزه سینما و کارهای تاریخی به حدی بود که سینماگران در محضر ایشان ناچار بودند برای اثبات صحت روایی آثار خود به منابع متقنی چون تاریخ طبری، تاریخ بیهقی یا مستندات موزه لوور فرانسه استناد کنند؛ زیرا می‌دانستند سخن بدون سند در محضر ایشان پذیرفته نیست و این نظارت عالی، سطح کیفی آثار هنری کشور را ارتقا داد.

ایشان در بازدیدهای سالانه از نمایشگاه کتاب، با جزئیات به بررسی چاپ‌ها و ترجمه‌های مختلف کتب کلاسیک نظیر «بینوایان» یا «جنگ و صلح» می‌پرداختند که مایه شگفتی ناشران و مترجمان می‌شد. نمونه دیگر، دیدار دکتر محمد مهدی جواهری، ادیب بزرگ و ۹۴ ساله جهان عرب با ایشان بود؛ جواهری پس از هم‌کلامی با آقا و دیدن اشراف ایشان بر دیوان اشعارش، شگفت‌زده شد و گفت شخصیت علمی ایشان را تنها می‌توان با وزرا و حاکمان دانشمند عهد آل بویه همچون «صاحب بن عباد» و «ابن عمید» مقایسه کرد؛ حاکمانی که در عین مأموریت‌های دولتی، صاحب تألیفات گران‌سنگ بودند. ایشان پادشاهان قاجار و پهلوی را فرسنگ‌ها دور از فضای دانش می‌دانستند. در حوزه دیپلماسی نیز در دیدار با سعد حریری (نخست‌وزیر اسبق لبنان) که بحث خلع سلاح حزب الله را مطرح کرده بود، با

رهبریت نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

فصل اول



همان طور که آراو

اندیشه های فقهی

مقارن شیخ طوسی

در کتاب «خلاف» پس

از هزار سال هنوز در

حوزه های علمیه تدریس

می شود، اندیشه امام

خامنه ای عزیز نیز

پایدار خواهد ماند. ابعاد

وجودی رهبر شهید

باید در قالب آثار هنری

فاخر توسط هنرمندان

متعهد بازتولید

شود؛ چرا که بحث

ما شخصیت پرستی

نیست، بلکه معرفی

یک الگوی ارزشمند به

جامعه جهانی است.

هوشمندی به رمانی فرانسوی درباره خانی زیبارو در پاریس اشاره کردند که عده ای از صاحبان قدرت و ثروت به او طمع داشتند، اما او با خنجرى که همراه داشت از خود دفاع می کرد؛ آقا فرمودند بیروت حکم آن خانم زیبا را دارد که صهیونیست ها به آن طمع دارند و حزب الله خنجر مدافع آن است و نباید خلع سلاح شود. این تسلط تمدنی و فرهنگی بر تاریخ ملل، کلام ایشان را در مواجهه با هیئت های خارجی فوق العاده نافذ و اقناع کننده می ساخت.

به عنوان حسن ختام این گفتگو، اگر نکته پایانی یا جمع بندی خاصی مدنظر دارید،

بفرمایید.

حقیقت این است که ابعاد گوناگون شخصیت جامع الاطراف رهبر شهید هنوز برای توده های مردم و جهان ناشناخته مانده است؛ بخشی از این مسئله به ضعف ظرفیت رسانه های مادر تبیین این ابعاد بازمی گردد. ایشان یک الگو برای آیندگان هستند. همان طور که آرا و اندیشه های فقهی مقارن شیخ طوسی در کتاب «خلاف» پس از هزار سال هنوز در حوزه های علمیه تدریس می شود، اندیشه امام خامنه ای عزیز نیز پایدار خواهد ماند. ابعاد وجودی رهبر شهید باید در قالب آثار هنری فاخر توسط هنرمندان متعهد بازتولید شود؛ چرا که بحث ما شخصیت پرستی نیست، بلکه معرفی یک الگوی ارزشمند به جامعه جهانی است. با شهادت ایشان، بسیاری از افتراها رنگ باخت و دلسوزی عمیق ایشان برای امت آشکار شد. در سالیان گذشته، عده ای شعار انحرافی «نه غزه، نه لبنان» سر می دادند؛ اما تحلیل راهبردی ایشان مبنی بر اینکه اگر در خط مقدم مقاومت با دشمن نجنگیم، باید در مرزهای داخلی و خاک ایران با آنها مواجه شویم، با بحران سوریه به عینه اثبات شد. در حوزه اقتصاد نیز، نام گذاری های سالانه نشان دهنده تمرکز ایشان بر معیشت بود؛ اما ضعف عملکرد دولت های مختلف که منتخب مردم بودند، مانع از تحقق کامل اسناد بالادستی شد. مردم باید تفکیک قائل شوند میان رسالت تاریخی و هدایت گری رهبری - که همراه با تذکر و توبیخ های به موقع مسئولان بود - با عملکرد اجرایی کابینه ها. در مقابل، در حوزه های نظامی و علمی که ساختار آن مستقیماً تحت فرماندهی کل قوا قرار داشت، به دلیل رصد مستمر ایشان، شاهد پیشرفت های شگرف، تشکیل معاونت علمی، تأسیس بنیاد نخبگان و توسعه شرکت های دانش بنیان بوده ایم. ایشان یک ایران دوست تمام معنا و مروج اصالت توأمان هویت ایرانی و اسلامی بودند. همان طور که شهید مطهری با نگارش کتاب «خدمات متقابل ایران و اسلام» بر نفی جدایی این دو مؤلفه پای فشرد، رهبر شهید نیز نشان دادند که روحیه ملیت ایرانی و شهادت طلبی اسلامی، در طول یکدیگرند و همین امر سبب حفظ تمامیت ارضی کشور گردیده است. تبیین این دستاوردها و وظیفه ای ملی است که بر آینده ایران و بیداری جهان تأثیری شگرف خواهد داشت.

گفت‌وگو با دکتر بیژن رنجبر درباره ابعاد اجتماعی و تمدنی تشیع رهبر شهید و نقش دانشگاه‌ها در تداوم منظومه فکری ایشان

رهبر شهید از پیش بعثت مردم را می‌دید؛ تشیع، ظهور این حقیقت است

رئیس دانشگاه آزاد اسلامی با بیان اینکه تشیع رهبر شهید صرفاً یک آیین سوگواری نیست، بلکه جلوه‌ای از «بعثت مردم» است، گفت: امام شهید با بینش عمیق خود این خیزش مردمی را از پیش می‌دید و امروز این حقیقت نه تنها در ایران، بلکه در سراسر جهان اسلام آشکار شده است.

دکتر بیژن رنجبر، رئیس دانشگاه آزاد اسلامی درباره واکنش مردم ایران و جهان اسلام به شهادت و تشیع رهبر شهید که نه صرفاً یک سوگواری، بلکه یک بعثت تازه است، اظهار داشت: در آخرین دیداری که امام شهید با مردم شریف تبریز داشتند، اشاراتی به این قضیه مبعوث شدن مردم داشتند. ایشان بر اساس داده‌های آشکار دنیای فعلی و همچنین بینش عمیق و نیابتی که از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه داشتند، می‌دانستند که مردم مبعوث می‌شوند. این مبعوث شدن تنها محدود به کشور ما نیست؛ امروز در خیابان‌ها و میادین کشورهای دیگر نیز شاهد حضور مردمی هستیم که اعم از ایرانی و غیرایرانی، پرچم جمهوری اسلامی و تصاویر امام شهید را در دست گرفته‌اند و مشتاق برای شرکت در مراسم تشیع هستند.

تشیع؛ جلوه بعثت میلیون‌ها انسان

رئیس دانشگاه آزاد اسلامی با اشاره به پیش‌بینی‌ها از جمعیت عظیم شرکت‌کننده در این آیین ملی و مذهبی گفت: الان مسئولین امر در حال برنامه‌ریزی و طراحی هستند. پیش‌بینی حضور قریب به ۱۵ تا ۲۰ میلیون نفر جمعیت در داخل کشور است. این تعداد جمعیت همان جلوه‌گر شدن بعثت و مبعوث شدن مردم است که نشان می‌دهد امام شهید ما در عمر پربرکتشان و به‌ویژه در دوران رهبری، چه جایگاهی در این جهان و نه فقط در ایران اسلامی پیدا کرده‌اند.

آمادگی دانشگاه آزاد برای خدمت‌رسانی به عزاداران

دکتر رنجبر در بخش دیگری از سخنان خود به تشریح اقدامات اجرایی و لجستیکی دانشگاه آزاد اسلامی پرداخت و خاطرنشان کرد: دانشگاه آزاد اسلامی با تبعیت و هماهنگی کامل از ستادهای بالادستی کشور، ستادهای ویژه‌ای را تشکیل داده است.

وی افزود: الحمدلله ستادهای دانشگاه آزاد برای اسکان مشتاقان به شکل عالی در حال فعالیت هستند. این ستادها هم در کل کشور و در استان‌های هدف فعال هستند و هم در استان تهران به صورت ویژه هر روز جلسات هماهنگی برگزار می‌کنند. از آنجا که قطعاً این جمعیت فراتر از پیش‌بینی‌های اولیه خواهد بود، ما مکان‌ها و ظرفیت‌های اسکان

رهبر نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

فصل اول



برای استمرار مکتب
فکری رهبری و امام
شهید، نقش اصلی در
دانشگاه‌ها بر عهده
اساتید است. قطعاً
مسئولان دانشگاه‌ها
باید برنامه‌های لازم را
برای استمرار منظومه
فکری امامین انقلاب

پیگیری کنند؛ برای
مثال در شورای عالی
انقلاب فرهنگی،
شورای اسلامی شدن
دانشگاه‌ها مسئولیت
پیاده‌سازی اندیشه‌های
امامین انقلاب را در
دانشگاه‌ها بر عهده
دارند.

را در واحدهای دانشگاهی خود در سطح استان تهران و سایر استان‌ها آماده کرده‌ایم تا به درستی به عزاداران اهل بیت (علیهم‌السلام) و محبان امام شهید خدمت‌رسانی کنیم.

استاد؛ رسانه تبیین منظومه فکری رهبر شهید

رئیس دانشگاه آزاد اسلامی در پاسخ به این پرسش که دانشگاه‌ها چگونه می‌توانند اندیشه‌های امامین انقلاب را تسری داده و از فراموشی مکتب فکری ایشان جلوگیری کنند، گفت: برای استمرار مکتب فکری رهبری و امام شهید، نقش اصلی در دانشگاه‌ها بر عهده اساتید است. قطعاً مسئولان دانشگاه‌ها باید برنامه‌های لازم را برای استمرار منظومه فکری امامین انقلاب پیگیری کنند؛ برای مثال در شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای اسلامی شدن دانشگاه‌ها مسئولیت پیاده‌سازی اندیشه‌های امامین انقلاب را در دانشگاه‌ها بر عهده دارند.

هر استاد، یک رسانه برای انتقال اندیشه‌های رهبر شهید

دکتر رنجبر با تأکید بر نقش بی‌بدیل اعضای هیئت علمی تصریح کرد: اما فراتر از برنامه‌های رسمی و بخشنامه‌ای، خود اساتید نقش بسیار مهمی دارند. هر استاد در کلاس درس خودش یک رسانه است. استادان می‌توانند با وقت‌گذاری مناسب با دانشجویان به تبیین و تحلیل بیانات و منظومه فکری امام شهید بپردازند. همچنین در گفت‌وگوهای چهره‌به‌چهره و جلساتی که با دانشجویان دارند، می‌توانند این اندیشه‌ها را منتقل کنند. وی در پایان خاطرنشان کرد: این استعداد و ظرفیت در اساتید ما وجود دارد و قطعاً با این رویکرد، شدت پیدا خواهد کرد تا بتوانیم منظومه فکری انقلاب را در نسل جوان تداوم ببخشیم.



گفتگو با رئیس فرهنگستان علوم

آرمان «رهبر شهید» برای ایران مقتدر چه بود؟

رجعت نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

فصل اول

رئیس فرهنگستان علوم، گفت: طبق دیدگاه «رهبر شهید»، مراکز علمی باید با عبور از مسیر محدود مقاله نویسی، به سمت افق گشایی در مرزهای دانش و گره گشایی از چالش های اقتصادی و معیشتی جامعه حرکت کنند تا ایران به مقصد اصلی دانشمندان جهان و قطب مرجعیت علمی تبدیل شود.

محمدرضا مخبر دزفولی، رئیس فرهنگستان علوم در گفت و گو با خبرنگار آنا، با اشاره به ضرورت توجه به تدبیر و حکمت در مواجهات منطقه ای و بین المللی، اظهار کرد: مصلحت را باید مورد توجه قرار داد و همراه با تدبیر و حکمت و اندیشه در این مواجهه ها عمل کرد؛ چه منطقه ای باشد و چه بین المللی. اوج اینها هم در دفاع از کشورمان، ملتمان و جان فدا شدن رهبر شهید برای اینکه عزت این مردم و عزت این مملکت و تمامیت ارضی ایران عزیز ما محفوظ بماند، جلوه گر است.

وی با تأکید بر فرمایشات «رهبر شهید» درباره نقش دانشگاه ها، افزود: یکی از راهبردهای مورد توجه ایشان، بحث مرجعیت علمی بود که کاملاً به آن اهتمام داشتند و معتقد بودند اینها جزء برنامه های دقیق ما برای آینده کشور است. مرجعیت علمی به این معناست که اگر کسی خواست آخرین یافته های علمی را در یک دانش یا فناوری یاد بگیرد، یکی از گزینه هایش مراجعه و مسافرت به ایران و پیدا کردن دانشمندان ایرانی و دانشگاه ها و مراکز علمی ایرانی باشد. البته ایشان یک جمله مهمی هم دارند که اگر کسی خواست این کار را انجام دهد، به زبان فارسی هم باید مقید بشود، کما اینکه در دنیا این مرسوم است.

مخبر دزفولی در ادامه با تشریح ضرورت حرکت در مرزهای دانش و حل مسائل کشور، تصریح کرد: بخش دوم، حل مسئله است. حرکت در مرزهای دانش، افق گشایی و داشتن حرف نو در علوم و فناوری های مختلف، مورد تأکید ایشان بود. مراکز علمی ما نمی توانند فقط به مقاله نویسی بسنده کنند؛ اشکالی که بعضی ها مطرح می کردند همین است که باید گره گشایی و حل مسائل کشور هم در دستور کار مراکز علمی و مجموعه های علمی باشد.

رئیس فرهنگستان علوم تأکید کرد: این موضوع از جمله توصیه ها و تأکیدات ایشان در سال های اخیر بوده است؛ به ویژه در زمینه حل مسائل کشور در حوزه هایی همچون اقتصاد، رفاه اجتماعی، امنیت غذایی و صنایع گوناگونی که به طور مستقیم با زندگی روزمره آحاد جامعه مرتبط هستند. با این حال، ما در این زمینه همچنان با عقب ماندگی ها و چالش هایی مواجه هستیم. ان شاء الله باید این مسیر جدید و مکمل پیشرفت های علمی را برای دستیابی به رفاه اجتماعی و شکل گیری جامعه ای برخوردار از آسایش و فارغ از دغدغه های معیشتی، از طریق توسعه علمی و حل مسائل موجود کشور، دنبال کنیم.



طبق دیدگاه «رهبر
شهید»، مراکز علمی
باید با عبور از مسیر
محدود مقاله نویسی،
به سمت افق گشایی
در مرزهای دانش
و گره گشایی از
چالش های اقتصادی و
معیشتی جامعه حرکت
کنند تا ایران به مقصد
اصلی دانشمندان
جهان و قطب مرجعیت
علمی تبدیل شود.



از «می شود قیام کرد» در تشیع آیت الله بروجردی تا «باید برخاست» در تشیع امام خامنه‌ای شهید

یادداشتی از روح الله سلگی؛ معاون پژوهشی پژوهشگاه علوم و معارف انقلاب اسلامی

نقل مشهور از امام خمینی آن است که پس از مشاهده تشیع عظیم آیت الله بروجردی، به ظرفیت شگفت انگیز مردم مؤمن ایران برای حضور در صحنه پی بردند و دریافتند که این ملت می تواند منشأ یک تحول بزرگ تاریخی باشد. آن تشیع، تنها بدرقه یک مرجع بزرگ نبود؛ تجلی قدرت اجتماعی ایمانی بود که سال ها بعد در نهضت اسلامی و انقلاب مردم ایران خود را آشکار کرد.

امروز نیز تشیع امام خامنه‌ای شهید را باید در همین چارچوب تاریخی تحلیل کرد. اهمیت این مراسم تنها در بدرقه یک رهبر سیاسی یا یک فقیه برجسته نیست؛ بلکه در ظهور دوباره ظرفیت اجتماعی و ایمانی ملتی است که دهه ها در متن انقلاب اسلامی حضور داشته و اکنون در یکی از سرنوشت سازترین مقاطع تاریخ خود به میدان آمده است.

رجعت نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

فصل اول



روح الله سلگی

معاون پژوهشی پژوهشگاه
علوم و معارف انقلاب اسلامی



اگر تشییع آیت الله
بروجردی برای امام
خمینی نشانه آن بود
که «می شود قیام کرد»،
تشییع امام خامنه ای
شهید می تواند یادآور
این حقیقت باشد که
ملتی که یک بار برای
خدا قیام کرده است، با
فقدان شخصیت ها از
حرکت باز نمی ایستد.

از منظر جامعه شناسی سیاسی، تشییع رهبران بزرگ دینی در سنت شیعه صرفاً یک آیین سوگواری نیست؛ بلکه عرصه ای برای بازتولید سرمایه اجتماعی، تجدید هویت جمعی و نمایش قدرت فرهنگی یک ملت است. در چنین لحظاتی، جامعه نه تنها با یک شخصیت تاریخی وداع می کند، بلکه نسبت خود را با آرمان ها، ارزش ها و مسیر آینده خویش بازتعریف می کند. در ادبیات انقلاب اسلامی، «قیام لله» دعوتی برای خروج از انفعال و ورود به میدان مسئولیت است. آنچه در تشییع رهبر شهید دیده می شود، پاسخ تاریخی مردم به همین دعوت الهی است. میلیون ها انسان از شهرها، روستاها، اقوام و نسل های مختلف گرد هم می آیند تا نشان دهند پیوند آنان با انقلاب اسلامی، پیوندی عمیق، هویتی و تمدنی است. شاید بتوان از این منظر، تشییع امام خامنه ای شهید را نوعی «بعثت مردمی» دانست؛ بعثتی که در آن ملت بار دیگر هویت، آرمان و رسالت مشترک خود را به یاد می آورد. این حضور عظیم بیش از آنکه یک واکنش احساسی باشد، اعلام وفاداری به راهی است که با مجاهدت، مقاومت، عدالت خواهی و استقلال شناخته می شود.

در سنت شیعه، تشییع اولیای الهی و عالمان ربانی همواره فراتر از یک مراسم عادی بوده است. این مراسم ها به نقطه ای برای بازخوانی یک مکتب و تجدید عهد با آرمان های آن تبدیل شده اند. از همین منظر، تشییع امام خامنه ای شهید را نیز می توان صحنه تجدید بیعت یک ملت با ارزش هایی دانست که او در طول عمر مجاهدانه خود نمایندگی می کرد. این کاروان عظیم انسانی را می توان «کاروان نور» نامید؛ کاروانی که از بعثت مردم آغاز می شود و به رجعت نور ختم می گردد. رجعت مردی که عمر خویش را در مسیر هدایت، جهاد، خدمت به امت اسلامی و دفاع از عزت ملت ها سپری کرد و اکنون بر دوش همان مردمی تشییع می شود که سال ها مخاطب پیام و پرورش یافته مکتب او بودند. اگر تشییع آیت الله بروجردی برای امام خمینی نشانه آن بود که «می شود قیام کرد»، تشییع امام خامنه ای شهید می تواند یادآور این حقیقت باشد که ملتی که یک بار برای خدا قیام کرده است، با فقدان شخصیت ها از حرکت باز نمی ایستد. مردان الهی رسالت خود را انجام می دهند و به دیدار معبود می شتابند، اما راه آنان در اراده و ایمان مردم استمرار می یابد.

راز ماندگاری انقلاب اسلامی را باید در پیوند عمیق آن با مکتب عاشورا جست و جو کرد؛ مکتبی که در آن شهادت پایان راه نیست، آغاز حیات تاریخی یک جریان است. انقلاب اسلامی نیز از همین سرچشمه الهام گرفته است؛ از فرهنگی که فقدان شخصیت های بزرگ را به عامل توقف تبدیل نمی کند، بلکه آن را به زمینه ای برای تجدید عهد، احیای مسئولیت و استمرار مسیر حق مبدل می سازد. از این رو، نور برخاسته از عاشورای حسینی با رفتن حاملان آن خاموش نمی شود، بلکه در جان نسل های تازه استمرار می یابد و راه را برای آینده روشن می سازد. از این رو، تشییع امام خامنه ای شهید را باید نه پایان یک عصر، بلکه آغاز فصلی تازه از آگاهی، مسئولیت و حضور تاریخی امت اسلامی دانست؛ فصلی که در آن، پیام نهفته در آن جمله تاریخی بار دیگر طنین انداز می شود: «آن روز «می شود قیام کرد» و امروز «باید برخاست»».



تشییع خامنه‌ای و داغ بی‌تسلی

مهدی پناهی، پژوهشگر ارتباطات و رسانه

در آستانه تشییع ابرمرد تاریخ معاصر ایران و اسلام؛ نمیدانم از سوگ‌اش بگویم یا از حماسه‌اش، از اندیشه افلاکی‌اش بگویم یا از سبک زندگی خاکی‌اش، از دستاوردهای بیش از ۷۰ سال مبارزه‌اش برای اسلام و علیه طاغوت و استکبار و ۳۷ سال نظام‌سازی و تمدن‌سازی‌اش بگویم یا مریدان آزاده‌اش در سراسر عالم. خامنه‌ای برای ما، تنها مرید و رهبر نبود؛ او معلم و مفسر اسلام ناب و معصومین علیهم‌السلام بود؛ او چشمه جوشان اندیشه و فکر بود که هر بار سخن می‌گفت دل‌ها آرام می‌گرفت و عقل‌ها به جوشش می‌آمد. جوشش برای تولید فکر، اندیشه و علم؛ جوشش برای حرکت و رسیدن به قله.

■ نهضت خامنه‌ای تداوم نهضت حسینی

او بود که در تداوم مکتب امام راحل، قیام امام حسین علیه‌السلام در سال ۶۱ هجری را تبدیل به نهضت انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی تبدیل کرد؛ خامنه‌ای شهید در ادامه راه امام راحل ابرپروژه احیا اسلام را در عصر غربت مدرنیته با الگو گرفتن از قیام حسین علیه‌السلام شروع کرد و نه در مقام دفاع بلکه در مقام مطالبه و حمله به مبانی مدرنیته غربی؛ تمام رذایل این تمدن اپستینی را به چالش کشید و همین بود دلیل کینه‌اشقیای اپستین‌نشین از او و خانواده‌اش و آن شهادت مصیبت‌انگیز.

■ خون خامنه‌ای و بعث مردم

اگر امام به مردم جرئت طوفان داد، خامنه‌ای شهید مردم را به بعثت و تکامل رساند، بهای خون خامنه‌ای شهید،

رحمت نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

فصل اول

بعثت مردم بود، مردمی که در چله سوم پس از شهادت امام و مرادشان، پرچم یا لثارات الحسین و یا لثارات الخامنه‌ای را بلند کردند؛ و خداوند چه صحنه زیبایی آفریده است تا چله خونخواهی امام شهیدمان را به اربعین حسینی و نهضت زبینی پیوند زده است. آری اگر خون حسین؛ اسلام نبوی را احیا کرد و جلوی انحراف یزیدیان را گرفت، بهای خون خامنه‌ای شهید، بعثت مردم بود، خامنه‌ای شهید مردم را به بعثت و تکاملی رساند که قله تمدن نوین اسلامی و عبور از تمدن منحط غربی را پیش روی خود می‌بیند.

شهادت خامنه‌ای و ماریت الاجمیل

وقتی یک رهبر سیاسی محض شهید می‌شود، می‌گویند یک پدیده سیاسی رخ داده اما خامنه‌ای ولی خدا بود، هرچند با شهادت ولی خدا، به قول سید الشهدای اهل قلم روح نمازمان قبض می‌شود و لاشه‌های سرد رکوع و سجودمان، بی‌کفن و دفن بر خاک می‌ماند و قلب، گوری می‌شود که در آن جنازه فطرت را به خاک می‌سپارند؛ چرا که امام و ولی، مایه حیات باطنی جامعه است.

اما زینب به ما یاد داد، ما رایت الاجمیل، ما داغ بی تسلا دیدیم اما به قول آقای شهیدمان مردم مبعوث شده کار را تمام خواهند کرد و پرچم انقلاب اسلامی را به صاحب اصلی اش می‌دهند و هر که عقب بماند، عقب مانده است و مردم مبعوث رو به جلو حرکت خواهند کرد.



او بود که در تداوم
مکتب امام راحل، قیام
امام حسین (ع) در سال
۶۱ هجری را تبدیل به
نهضت انقلاب اسلامی و
جمهوری اسلامی تبدیل
کرد؛ خامنه‌ای شهید
در ادامه راه امام راحل
ابر پروژه احیا اسلام را
در عصر غربت مدرنیته
با الگوگرفتن از قیام
حسین (ع) شروع کرد و
نه در مقام دفاع بلکه در
مقام مطالبه و حمله به
مبانی مدرنیته غربی

تشییع خامنه‌ای و وادی مقدس طوی

عقل اشراقی می‌گوید خامنه‌ای شهید همچون خمینی اکنون بر بلندای ساحل ابدیت ایستاده و امتداد وجود خویش را در تاریخ می‌نگرد. همان طور که خود خامنه‌ای شهید بارها فرموده است، شهید بعد از شهادتش تازه مبسوط‌الیدتر می‌شود و گشایش می‌یابد؛ و تشییع او یعنی «فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طَوًى» خامنه‌ای شهید و تشییع او را نمیتوان با عقل ظاهر بین دنیایی لمس و درک کرد؛ باید نعل‌های ظاهر بینی را کنار گذاشت و با نفس قدسی در آن حضور یافت؛ وضو گرفت و غسل کرد و نیت قرب الی الله کرد.

حمد بر این داغ بی تسلی

زیارت عاشورا به ما آموخته است که در این غم بزرگ و داغ بی تسلا شکرگذار خدا باشیم و بگوئیم، اللهم لك الحمد حمد الشاكرين لك على مصابهم، الحمد لله على عظيم رزيتي، و از او بخواهیم، حسین را شفیع ما قرار دهد و همراه حسین و یاران حسین همچون خامنه‌ای شهید بکند، خامنه‌ای که بذلوا مهجهم دون الحسين ﷺ شد. اما جای سید الشهدای اهل قلم خالی که برای ما بگوید: ما را این گمان نبود هرگز که بی او بمانیم، ما را این گمان نبود که بعد از او بمانیم، داغ‌های همه تاریخ را ما به یکباره دیده ایم. امام شهید رفت و زمین ماند و ما نیز بر زمین ماندیم. با داغ جراحی سخت بر دل و باری سنگین بر دوش.



خامنه‌ای، معلم توحید اجتماعی ملت ایران

حامد علی اکبرزاده، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

روز فراق فرارسیده است؛ اینک موعد آخرین دیدار این جهانی ما با انسانی الهی است که جان و جهان ما بود. امروز روز وداع ما با خویشتن خویش است. ما امروز یک بار دیگر با خمینی وداع می‌کنیم؛ این وداع، تداعی گرو دواع امت با پیامبر اعظم است. وداع با خامنه‌ای، وداع با وجودی نورانی است که هویت فکری و فرهنگی ما را در سال‌های زعامت خویش ساخت و پرداخت و اعتلا بخشید. ایران این روزها با مردی وداع می‌کند که معمار عزت و سربلندی و قدرت این مرز و بوم بود. ملت ایران این روزها با رهبر عزت و شرف خود خداحافظی می‌کند.

ما در این تشییع نه پیکر پاک سید علی خامنه‌ای را، که روح و جان خود را بدرقه می‌کنیم. این جان ماست که روی دستان ملت ایران به آسمان پرمی‌کشد. ما رفتن جان از بدن را به چشم خویشتن به نظاره نشسته‌ایم. وداع با او تنها وداع با یک مرجع دینی نیست، وداع با یک مبارز و مجاهد انقلابی نیست، حتی وداع با رهبر جمهوری اسلامی ایران هم نیست؛ این وداع، وداع با تجسم حق در روزگار غیبت ولی خداست. ما امروز با حجت موجه حیات الهی. سیاسی‌مان وداع می‌کنیم، ما امروز با شاخص و معیار حق‌مداری اجتماعی‌مان وداع می‌کنیم. او شاخص حیات طیبه اجتماعی و سیاسی انسان الهی در این روزگار بود؛ با او بود که حضور ما در عرصه‌های جهاد و مبارزه معنا و مشروعیت می‌یافت.

رهت نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

فصل اول

داغی که به حماسه تبدیل شد

خدا حافظی با او برای ما هیچ‌گاه قابل تصور نبود. هیچ وقت این تصویر را به خیال خود هم راه نمی‌دادیم که پیکر پاک او را تشییع کنیم. باور نمی‌کردیم که امام ما نباشد و ما باشیم، باور نداشتیم که دنیای بدون خامنه‌ای را تحمل کنیم، فکر نمی‌کردیم که در برابر چنین فراقی تاب و توان داشته باشیم. چه شده است ما را؟ ما چگونه این داغ را تحمل می‌کنیم؟ کدام قدرت بزرگ بود که توانست این اندوه عمیق را به حماسه تبدیل کند؟ این مقاومت و حماسه پس از شهادت او از کدام منبع فیض سرچشمه گرفته است؟ ما چگونه مبعوث شدیم؟ و او از کدام مکمن غیب این بعثت را پیش‌بینی کرده بود؟ او با کدام بصیرت این ایستادگی بی‌نظیر در تاریخ را وعده داد؟ او با که و کجاسر و کار داشت؟ او به کدام افق بلند و اعلی می‌نگریست؟ او مؤید به کدامین تأیید بود؟

معلم توحید اجتماعی

ما در این زیست سی و هفت ساله با خامنه‌ای شهید، با جهان معنایی انقلاب اسلامی و شیعه انسی دوباره و دوچندان گرفتیم. با او مرام و مکتب علی مرتضی برای ما زنده شد. ما با او حیات روح‌بخش حسینی را در عصر ظلمانی یزیدیان مرور کردیم. ما در او نور فاطمی را از دل تاریکی‌های جهان جدا افتاده از خدا دوباره یافتیم. ما با او دوباره پیامبر را شناختیم، ما با او دوباره مسلمان شدیم، ما با او دوباره موحد شدیم. او معلم توحید اجتماعی ملت ایران بود. او فکر اسلامی را بار دیگر برای حیات امروزی انسان ایرانی بازسازی کرد. او هویت اجتماعی ایرانی مسلمان را یک بار دیگر در نسبت با حیات طیبیه امامان شیعه بازخوانی کرد. او نسبتی امروزی با عصر حضور برقرار کرد. او هویت اجتماعی الهی ما را بازسازی کرد.



او معلم توحید اجتماعی

ملت ایران بود. او فکر اسلامی را بار دیگر برای حیات امروزی انسان ایرانی بازسازی کرد. او هویت اجتماعی ایرانی مسلمان را یک بار دیگر در نسبت با حیات طیبیه امامان شیعه بازخوانی کرد. او نسبتی امروزی با عصر حضور برقرار کرد. او هویت اجتماعی الهی ما را بازسازی کرد.

علم، دانایی و اقتدار

او به ما آموخت که استقلال و آزادگی در گرو توانایی است و توانایی از مسیر دانایی محقق می‌شود. او ارزش دانش را یک بار دیگر از منظری الهی و ایمانی برای ملت ایران به تصویر کشید. او بود که دانش را به میدان خدمت و مجاهدت و مبارزه وارد کرد. او بود که برای ما از سهم و نقش علم در شکل‌گیری تقدیر تاریخی ملت‌ها سخن گفت. او به ما فهماند که «العلم سلطان». برای نسل ما که خمینی کبیر را کمتر درک کرده است، او آیین تمام‌نمای حق‌طلبی و عدالت‌خواهی و معنویت در این روزگار بود. او پیر و مرشد ما بود. او فصل الخطاب حیات اجتماعی ملت ایران در این چهار دهه بود. این خامنه‌ای بود که پس از خمینی طرح اعتلای ایران عزیز را تحت لوای اسلام ناب بنیان افکند. او بود که به ما جرئت حرکت و پیشرفت داد. او از مرزهای دانش و اهمیت رسیدن به قله‌های معرفت بشری برای ما سخن گفت. او در ما شوق علم و معرفت را نهاده کرد. او ما را به این سمت و سو حرکت داد. او معمار حرکت علمی ایران پس از انقلاب اسلامی بود.

■ نگاهبان هویت فرهنگی ایران

خامنه‌ای نگاهبان هویت فرهنگی و معنوی ایرانیان مسلمان در عصر انقلاب اسلامی بود. او پاسبان زبان و ادب پارسی بود. با خامنه‌ای شعر و ادب در ایران جان تازه‌ای گرفت. او بارقه‌های تجدید بنای فرهنگی ایران اسلامی را در دل‌های ما روشن ساخت. ما با خامنه‌ای عزیز، جمع میان سیاست و فقا‌هت و معنویت و تدبیر و مجاهدت را تجربه کردیم؛ تجربه‌ای از جنس آنچه با خمینی کبیر برای ملت ایران رقم خورد. خامنه‌ای امتداد خمینی بود؛ خامنه‌ای همان خمینی بود.

■ صورت‌بندی یک مسیر

دوران او دوران گام‌های جدید ملت ایران بود. او علم و معنویت و اخلاق و عدالت را در کنار عزت و استقلال و آزادی برای ما صورت‌بندی کرد. او برای ما از عزت و حکمت و مصلحت سخن گفت. او با ما درباره سبک و الگوی زندگی ایرانی. اسلامی گفت و گو کرد. او بستر ساز و نویدبخش رویش‌های انقلاب اسلامی بود. او به ما آموخت که از ریزش‌ها نهراسیم، از دشمنی‌ها نترسیم، از تهدیدها فرصت بسازیم، با چالش‌ها قدرتمندانه مواجه شویم و برای تحقق حقیقت، بدون هیچ ملاحظه‌ای وارد میدان مبارزه شویم. او برای ما از فضیلت گفت؛ از احساس مسئولیت، از شجاعت، از ایمان و از اعتماد به نفس.

■ فرهنگ؛ روح جامعه

خامنه‌ای شهید ما را به امر فرهنگی ملتفت ساخت. او از تقدم فرهنگ بر هر چیزی و ترتب هر چیزی بر فرهنگ سخن گفت. او به ما فهماند که اقتصاد و سیاست حاشیه‌هایی بر فرهنگ هستند و در ذیل فرهنگ فعلیت می‌یابند. او به ما آموخت که «ارزش‌های فرهنگی روح و معنای حقیقی یک ملت است». او پیوسته به ما یادآور می‌شد که برای هدایت فرهنگی جامعه باید احساس مسئولیت داشت و به پا خاست. او به ما تعلیم داد که فرهنگ به مثابه روح جامعه است و اگر عناصر فرهنگی یک جامعه اهل مجاهدت نباشند، آن کشور از درون تهی خواهد شد. او از جهاد فرهنگی و فرهنگ جهادی سخن به میان آورد. او ما را به طرح نو و سخن تازه انقلاب اسلامی در سپهر فرهنگ بشری توجه داد و ما را به نسبت فرهنگ با هویت و ملیت مان آگاه ساخت.

■ سیاست به مثابه عبادت

او در عرصه سیاست، در مقام برجسته‌ترین شاگرد مکتب خمینی، به ما یاد داد که کنش سیاسی ما عین عبادت است. غفلت در برابر دشمن موجب خسارت است. دانشجو و دانشگاه باید سیاسی باشند. جوانان ما باید تحلیل سیاسی داشته باشند و تقوا و اخلاق باید در سیاست نهادینه شود. او از لزوم قصد قربت در کار سیاسی برای ما سخن گفت. او به ما یاد داد که کنش سیاسی انسان مؤمن باید با نیت الهی او معیت داشته باشد. او به ما یادآور شد که جدایی دین از سیاست، خسارت و مصیبت است. او نصاب و حد جدیدی از سیاست‌ورزی و سیاست‌مداری را متعین ساخت. خامنه‌ای مجدد سیاست نبوی در جهان امروز بود. قول و فعل و تقریر او ترجمان سیاست علوی بود. او به ما گفت که سیاست‌زدایی از جامعه اسلامی مستوجب مذمت است. او به ما یاد داد که گاهی در سیاست، غفلت مانند خیانت است. او به ما فهماند که حج سیاسی است، غدیر سیاسی است، عزاداری سیاسی است، دین سیاسی است، اسلام سیاسی است، شیعه سیاسی است و جدایی دین از سیاست ظلم در حق دین خداست. او به ما گفت که «بوسه زدن بر پنجه‌گرگ و زانو زدن در برابر دشمن» نه تنها از کاستی‌ها نمی‌کاهد، بلکه خطایی نابخشودنی و فزونی در انحراف است.

رجعت نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

فصل اول



شهادت و ماندگاری

اکنون امام شهید ما در پیشگاه الهی حاضر است؛ با پرونده‌ای پر از مجاهدت و ایثار و خدمت. او آگاهانه مرگ تاجران را انتخاب کرد. او شهید زیست، شهید از دنیا رفت و شهید محشور خواهد شد. کینه کینه‌توزان، دشمنی دشمنان، ناسپاسی ناسپاسان و جهل جاهلان هیچ خدش‌ای بر شخصیت عظیم و الهی او وارد نکرد. او با شهادت هم به آرزوی خویش رسید و هم فصل تازه‌ای را در فکر و فرهنگ اسلامی و شیعی رقم زد.

قائد شهید امت اینک اسوه‌ای کم‌نظیر در تاریخ اسلام و بشریت است. این شهادت مهر تأیید ابدی شدن راه و مرام و مکتب اوست. رهبر شهید ایران تا ابد برای آزادگان و حقیقت‌جویان و عدالت‌طلبان جهان الهام‌بخش خواهد بود. سید علی حسینی خامنه‌ای برای همیشه ادامه خواهد داشت.

گریه‌ای تا قیامت

ما برای او گریستیم؛ از همان دهم اسفندماه، از همان شب تاریک، از همان سحرانده بار، از همان صبح سهمگین؛ اما در روز وداع و تشییع هزار بار بیشتر خواهیم گریست. این گریه نه فقط برای او، که گریه‌ای است برای مظلومیت شیعه در تمام تاریخ اسلام؛ گریه‌ای است برای مظلومیت جبهه حق در تمام تاریخ حیات انسان؛ گریه‌ای است برای فقدان آن همه فضیلت، آن کوه صلابت و معنویت، آن اقیانوس کرامت و معرفت. ما تا قیامت برای او خواهیم گریست. امروز، تقدیر ما فراق او و فردا، تکلیف ما سر نهادن بر امر خلف صالح او و سلوک در صراط مستقیم اوست. سلام بر او روزی که زاده شد، روزی که به شهادت رسید و روزی که برانگیخته خواهد شد.



او در عرصه سیاست،
در مقام برجسته‌ترین
شاگرد مکتب خمینی،
به ما یاد داد که کنش
سیاسی ما عین عبادت
است. غفلت در برابر
دشمن موجب خسارت
است. دانشجو و
دانشگاه باید سیاسی
باشند. جوانان ما باید
تحلیل سیاسی داشته
باشند و تقوا و اخلاق
باید در سیاست نهادینه
شود.

برخاستن از دل خون؛ تجدید میثاق با «خط سرخ ولایت» در عصر بعثت

حسین انجدانی، پژوهشگر حوزه علمیه

گاهی تاریخ، در لحظاتی کوتاه و سرنوشت ساز، مسیرهای کلان یک تمدن را تغییر می دهد و تقدیر ملت ها را در تلاقی «خون و آگاهی» بازنویسی می کند. تشییع پیکر مطهر رهبر شهید انقلاب، حضرت آیت الله العظمی سیدعلی خامنه ای، در نگاه نخست شاید یک مراسم وداع یا سوگواری ملی به نظر برسد، اما این رخداد یک «انقلاب در ادراک» و نقطه عطفی استراتژیک در تاریخ معاصر است. حضور پیش بینی شده میلیون ها انسان آزاده در تهران، به معنای تجلی عینی «ملت مبعوث» در مسیر تحقق وعده های الهی است؛ مردمی که با هر قطره خون شهید، بیدارتر و برای گام برداشتن در مسیر حق، مصمم تر شده اند. این تجمع عظیم، در واقع اعلام حضور جبهه ای است که مرگ را نه پایان، بلکه آغاز یک تحول بنیادین می بیند و در واقع، تبلور اراده ای است که از میان خاکستر فقدان، شعله های تازه ای از امید و قدرت را می افروزد.

«باید برخاست»؛ بعثت خون و اراده

شعار محوری این مراسم عظیم و بی نظیر در تاریخ اسلام و انقلاب، «باید برخاست»، کلید درک حقیقت این رویداد است. برخاستن در اینجا، یک «تحول در کالبد اراده» و یک جهش معرفتی است. سوگ رهبر شهید، در حقیقت، «بعثت خون» است؛ خونی که نه برای پایان دادن به یک دوران، بلکه برای بیدار کردن همه خواب زده گان و تبدیل اندوه به اراده عملی طراحی شده است. این تشییع، در واقع تبدیل «غم» به «قهر الهی» علیه ستمگران و تبهکاران جزیره بدنام و تبدیل «اشک» به «سنگر» برای دفاع از آرمان ها است. در این تراز، شهادت یک «حضور دوباره» است؛ حضوری که هر فرد از ملت را به مقام مسئولیت می رساند تا در برابر ظلم، قد علم کند و بفهمد که در عصر بعثت، هیچ جایگاهی برای انفعال وجود ندارد.

تداوم خط سرخ ولایت

نگاهی به تاریخ معاصر ما، شباهت های تکان دهنده ای میان بدرقه امام راحل عظیم الشان در سال ۱۳۶۸ و تشییع رهبر شهید ترسیم می کند. در هر دو مقطع، ملت ایران در لحظه گذار از یک رهبری الهی به رهبری دیگر، نه تنها دچار تزلزل نشد، بلکه با ابعاد گسترده تری از «بیعت» و «میثاق» وارد میدان شد. این تداوم، گواه بر استحکام «خط سرخ ولایت» است؛ خطی که هرگز گسستنی نیست و تنها در هر مرحله، ابعاد جدیدی از تکامل می یابد. اگر در سال ۶۸، ملت در سایه فقدان امام، بر «تثبیت نظام» و حفظ ریشه ها پیمان بستند، امروز در تشییع رهبر شهید، پیمان بر «عملیاتی سازی» تمام راهبردهای تمدنی است که ایشان در طول سه دهه راهبری با خون دل و بصیرت ترسیم کردند. این شباهت تاریخی، پیام آور این حقیقت است که ولایت، در هر دوره با فرمانی جدید، ملت را به سوی کمال سوق می دهد و هر



ما امروز در آغاز مرحله ای

نوین و حیاتی از انقلاب

هستیم. اگر دوران

امام راحل، دوران

«تثبیت مبانی و معماری

پایه ها» بود و دوران

رهبر شهید، دوران

«نقشه کشی، تدوین

راهبردها و مهندسی

آینده»، اکنون با رهبری

حضرت آیت الله امام

سیدمجتبی خامنه ای،

وارد عصر «تحقق، اجرا و

عملیات» شده ایم.

شهادت، در واقع یک «تجدید بیعت» برای صعود به مرتبه ای بالاتر از آگاهی و عمل است تا هیچ گسستی در زنجیره هدایت الهی ایجاد نشود.

■ خونخواهی در تراز تمدنی

در این میان، مفهوم «خونخواهی» از رهبر شهید، معنایی بسیار عمیق تر و فراتر از قصاص مادی دارد. خونخواهی در تراز تمدنی، یعنی تحقق سریع تر، دقیق تر و سخت گیرانه تر همان آرمان هایی که دشمن برای جلوگیری از آن ها، امام شهید را به شهادت رساند. انتقام حقیقی از دشمن، نه تنها در ضربات نظامی، بلکه در «برپایی تمدن نوین اسلامی» است. هر قدمی که ملت مبعوث در راستای تحقق این تمدن بردارند، در واقع پاسخی مستقیم به خون رهبر شهید و ضربه ای مهلک بر پیکره استکبار است. تشییع، در واقع اعلام آغاز یک «نهضت خونخواهی تمدنی» است که هدفش، استقرار عدالت مطلق بر زمین و زدودن اثرات مادی گرایی استکباری است. در این نگاه، خون شهید، نقشه راه نجات است و هر گامی در جهت تحقق عدالت، در واقع خونخواهی از مقام ولایت است.

■ آغاز عصر تحقق و اجرا

ما امروز در آغاز مرحله ای نوین و حیاتی از انقلاب هستیم. اگر دوران امام راحل، دوران «تثبیت مبانی و معماری پایه ها» بود و دوران رهبر شهید، دوران «نقشه کشی، تدوین راهبردها و مهندسی آینده»، اکنون با رهبری حضرت آیت الله امام سیدمجتبی خامنه ای، وارد عصر «تحقق، اجرا و عملیات» شده ایم. این تشییع، نقطه پیوند و تلاقی این سه مرحله است. در این عصر جدید، دیگر زمانه «توضیح» و «راهبرد» به پایان رسیده و دوران «تکلیف به اجرا» آغاز شده است. نمایش اقتدار ملت در این مراسم، پیامی صریح و تکان دهنده برای جهان است: «ما نه تنها در فقدان رهبر خود متزلزل نشدیم، بلکه با بصیرتی دوچندان به مکتب ایشان پایبستیم و برای اجرای دقیق ترین جزئیات راهبردهای ایشان، آماده و مهیا هستیم.»

■ میلاد عملیاتی آرمان ها

لذا این حضور میلیونی، تمدنی ترین واکنش به شهادت است. این تجمع، تجسم «اراده جمعی» برای عبور از موانع و شکستن زنجیرهای تردید است. «باید برخاست»؛ چون زمانه انتظار منفعلانه به پایان رسیده و دوران «عمل و تحقق» آغاز شده است. تشییع رهبر شهید، پایان یک دوره نیست، بلکه «میلاد عملیاتی» آرمان های انقلاب است. ما با تکیه بر میراث گران بهای امام شهید و تحت لوای رهبری جدید، با قلبی مطمئن و گام هایی استوار، به سوی تمدنی حرکت می کنیم که در آن، خط سرخ ولایت، تنها راه نجات بشر و تنها پل عبور به سوی سعادت است. این تمدن نوین است؛ تمدنی که از دل خون برمی خیزد تا جهان را به سوی عدالت مطلق رهنمون شود و ثابت کند که اراده مبعوث شده ملت، شکست ناپذیر است.



در گفتگو با دکتر انسیه برومند، پژوهشگر حوزه زن و خانواده مطرح شد

رهبر شهید، پیشتاز در نظریه پردازی حاکمیتی و احیاگر هویت تمدنی زن بر اساس مکتب قرآن

آیت الله خامنه‌ای (رهبر شهید) نه یک سخنور، بلکه تنها اندیشمند پیشتاز و نظریه‌پرداز حوزه زن و خانواده در جهان اسلام است که توانسته مبانی عمیق فلسفی، قرآنی و روایی را به ساختار حکمرانی و سیاست‌گذاری‌های کلان حاکمیتی امتداد دهد. در حالی که فلسفه اسلامی مرسوم، کمتر به جزئیات جنسیت پرداخته، ایشان با تبیین ابعاد سه‌گانه زنانگی (لطافت جسمی، رقت قلبی و آمادگی روحی برای دریافت الهامات الهی) و پایه‌گذاری «نظریه زوجیت» در برابر «نظریه تضاد غرب»، الگوی سوم زن مسلمان را در میدان عمل تحقق بخشیده‌اند؛ الگویی که ثمره آن شکل‌گیری

رهبریت نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

فصل اول



شبکه‌ای عظیم از زنان نخبه، مجتهد و کنشگر در لایه‌های مختلف جامعه است. با وجود قدرت بی‌بدیل این منظومه فکری و حضور چشمگیر و تخصصی زنان ایرانی در تمامی عرصه‌های علمی، سیاسی و اجتماعی، ضعف دستگاه دیپلماسی مانع از تبیین شایسته این دستاوردها در سطح بین‌المللی شده است؛ در حالی که واقعیت میدان و حضور پرشور زنان جوان عقیف در جامعه، گواه روشنی بر عمق تربیت یافتگی آنان در این مکتب است.

جایگاه زن در اندیشه رهبر شهید مثل کرامت و هویت و نقش آفرینی تمدنی نقش ویژه‌ای دارد، بفرمایید که مهم‌ترین مبانی فکری و معرفتی رهبر شهید در مورد این موضوع چه بود و این اندیشه چه مبانی قرآنی، روایی، عقلی و تاریخی استواری دارد؟



ایشان تنها اندیشمند

حوزه، تنها اندیشمند

پیش‌تاز مسلمان در حوزه

زن و خانواده هستند.

ما اصلاً اندیشمند

دیگری نداریم؛ کسی که

حرف‌هایش از جنس

نظریه بوده و به عنوان

نظریه پرداز، مبانی

راهبردی ارائه دهد.

ایشان تنها اندیشمند حوزه، تنها اندیشمند پیش‌تاز مسلمان در حوزه زن و خانواده هستند. ما اصلاً اندیشمند دیگری نداریم؛ کسی که حرف‌هایش از جنس نظریه بوده و به عنوان نظریه پرداز، مبانی راهبردی ارائه دهد. شاید افراد دیگری هستند که حرف‌هایی زدند و گزاره‌هایی دارند و مفاهیمی را مطرح کرده‌اند ولی نظریه پرداز نیستند و ثانیاً نظریه پردازی

که در مقام اجرا باشد نیستند. اما ایشان هم حرف نظری زده، هم عملی اش را در طول ۳۷ سال رهبری پیاده کرده، هم خروجی‌های پیاده شده‌اش که خانم‌هایی هستند که به تعبیر بزرگان به درجه فقاقت در اندیشه رسیدند، الان دارند در راستای این اندیشه در میدان، خروجی ارائه می‌دهند.

نحوه مواجهه رهبر شهید با موضوع زن و خانواده خیلی مفصل است و باید به این بحث پرداخت که مثلاً مبانی اندیشه ایشان چیست. چه آنجایی که ساحت فلسفه‌شان مثلاً بحث‌های فلسفی را در حوزه جنسیت دارند انجام می‌دهند و خلاف مرسوم که جنسیت را محدود به جسم می‌دانند، ایشان قائل به این هستند که زنانگی سه تا بعد دارد: یکی در ساحت جسم است که می‌شود لطافت، در ساحت قلب که می‌شود رقت قلبی و در ساحت روح که می‌شود آمادگی دریافت انواع الهی. ایشان معتقدند که زن موجودی است که آمادگی دریافت حقیقت بیشتر از مرد است و لطافت وجودی و قلبی‌اش بیشتر است و همین موارد را امتداد می‌دهند؛ یعنی آن چیزی را که در لایه فلسفی دال مرکزی زنانگی می‌دانند، این را امتداد می‌دهند و از آن راهبرد، مهارت و سیاست درمی‌آورند. لذا سیاست‌های ۱۶ گانه ابلاغی رهبر شهید، امتداد همین مواردی است که در فلسفه دارند. شما فلسفه اسلامی را زیر و رو کنید چیزی درباره جنسیت پیدا نمی‌کنید، داخلش درباره انسانیت صحبت شده ولی ایشان در ساحت فلسفه جنسیت حرف دارند و همان راهم در حوزه حاکمیت‌شان وارد کرده، در حکمرانی‌شان به آن امتداد داده‌اند.

بیاناتی که رهبر شهید دارند، صحبت‌هایی که دارند و با جاهایی که مخاطبش سیاست‌گذار است مثل شورای زنان شورای عالی انقلاب فرهنگی، چهارچوب نظری را می‌چیند برای اینکه آن مبانی اندیشه و مبانی فکری بیاید بر اساس سیاست‌گذاری اتفاق بیفتد، همان را دوباره امتداد می‌دهند. وقتی مخاطبشان و حلقه میانی مخاطبشان از جنس نخبه است، مثلاً پزشکان، پرستاران، اساتید دانشگاه و حوزوی‌ها هستند، دوباره همان را امتداد می‌دهند و تبدیل به سیاستش می‌کنند و عنوان می‌کنند شما باید این کارها را انجام دهید. مخاطب لایه میانی هر کسی هست، چه نماینده مجلس، چه سیاست‌گذار، چه از جنس نخبه حالا چه دانشگاهی چه حوزوی، باز دوباره آنجا برایشان حرف دارند و اندیشه‌ها را با همان مبانی فکرشان ارائه می‌دهند و باز در لایه مردمی که مخاطبشان تغییر می‌کند، متناسب با خودشان ارائه می‌دهند.

در سال‌های اخیر دیدارهای خاصی با خانم‌ها از قشرهای مختلف داشتند که رهبری در این جلسات، مبانی نظری بحث نظریه زوجیت را مطرح می‌کردند و به جرأت می‌توان گفت زیر این گنبد کبود اصلاً نمی‌فهمد ایشان چی گفته؛ وقتی حرف از نظریه زوجیت می‌زنند در تقابل با نظریه تضاد در جامعه‌شناسی غرب مطرح می‌کنند. غرب جامعه‌شان را با تضاد می‌سازند در حالی که ما جامعه‌مان را با زوجیت می‌سازیم. بعد همین را می‌برند در رابطه کار و کارگر تبیین و تبدیلش می‌کنند و این چیزی نیست که کسی آن را بفهمدش و هنوز سال‌ها زمان می‌برد که مطالب ایشان را بخوانند و بفهمند ایشان چه گفته؛ همان را باز با مخاطب عام مطرح می‌کنند، طوری که برای مخاطب عام قابل طرحش می‌کنند. اندیشمندی را نداریم که بتواند با عموم ارتباط بگیرد و حرف‌های نظری قلمبه سلمبه سنگین را برای مخاطب عمومی بازگو کند.

الان مخاطب کف میدان است؛ مخاطب بفهمد، این اندیشه والا را از آن کنش اجتماعی درمی‌آورد. در حوزه جمعیت، حوزه ازدواج، حوزه جلوگیری از سقط جنین، کنشگری‌های بسیاری در قبال اندیشه‌های امام شهید وجود دارد. اکنون کنشگری‌های بسیاری در حوزه الگوی سوم داریم که از پای صحبت‌های رهبر شهید آن را یاد گرفتند.

رهبر شهید انقلاب، قرآن را کتاب انقلاب می‌دانستند و بر اساس قرآن مسیر رهبری‌شان را پیش می‌بردند و قطعاً مبانی فکری و نظری ایشان تماماً برگرفته از آیات و روایات قرآن است و بنده خودم به عنوان کارشناس، بارها به سراغ بازخوانی

رهبر نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

فصل اول

بیانات ایشان و بازیابی قرآنی آن رفته‌ام و خود رهبر شهید هم وقتی بخشی از اندیشه‌های راهبردی را بیان می‌کنند، به آیات و روایات آن را مطرح می‌کنند. برخی مسائل که مطرح می‌کنند، خودشان مستقیماً مستند می‌آورند که من این بحث را دارم از کجا می‌گویم. رهبر شهید انقلاب بر اساس آیات و روایات، گزاره اندیشه‌ای می‌گویند و دوباره راهبردی می‌دهند، سیاست می‌دهند و اگر پژوهشگران به سراغ آنها بروند، تک‌تک آیات و روایات را احصا و مستندات فلسفی و عرفانی‌اش را پیدا می‌کنند.

این اندیشه یعنی هویت بخش تمدنی زن، چه تأثیرات بین‌المللی بر تحولات دنیا دارد؟

در کل در حوزه بین‌المللی این ماییم که مدافع حقوق زن هستیم و در واقع ما پرچم مبارزه با ظلم علیه زنان را بلند کردیم. ما متأسفانه علی‌رغم اندیشه فکری قوی حضرت آقا در حوزه دفاع از حقوق زنان، در حوزه دیپلماسی نتوانستیم خط فکری ایشان را درست پیش ببریم و این ضعف دستگاه دیپلماسی است؛ وگرنه به جای اینکه ما را از کمیسیون مقام زن سازمان ملل حذف کنند، اونی که پرچمدار و مدافع حقوق زن هستیم، می‌بایست شاهد گسترش اندیشه ایران می‌بودیم.

شما ببینید امروز در کدام حوزه بانوان حضور ندارند! برعکس اینکه شایعه کردند که نمی‌دونم ایران و اسلام ضد زن و آزادی حقوق زن است، خودتان ببینید آیا تخصصی هست که زنان ایرانی سراغش نرفته باشند؟ جایی هست که ما اندیشه‌ورزن نداشته باشیم، اندیشمند زن نداشته باشیم، پژوهشگر نداشته باشیم، متخصص نداشته باشیم؟ در انواع میدان‌های علمی، در تمام تخصص‌ها، در میدان سیاست جایی هست که خانم‌ها نباشند؟ در حوزه کنشگری هم بانوان پیشرو هستند؛ از اقتصاد و سیاست تا فرهنگ و تربیت و آموزش.

بنیاد ملی خانواده هم دنبال این بود که این‌ها را جمع کند که ببیند ما چقدر کنشگر میدانی در حوزه خانواده داریم در چهار شاخه هویت، زن، جمعیت و فرزندآوری، و ازدواج. در این چهار شاخه فکر می‌کنم فقط در تهران به ۳ هزار تا مجموعه می‌رسیم.

اثر این منظومه فکری بی‌بدیل در داخل کشور در حوزه‌های مختلف قابل درک و بررسی است؛ چرا که این اثر به شدت عمیق است. چیزی را که امروز اسمش بعثت مردم است، نتیجه تلاش‌های شبانه‌روزی رهبری در طول این ۴۷ سال در حوزه زن و خانواده است. این که الان بیرون می‌بینید خانم یا آقا، بیشترین طیفی که این شب‌ها در خیابان پرچمدار هستند خانم‌های جوان هستند که با منظومه فکری رهبر همسو و هماهنگ هستند. بیشتر آن خانم‌هایی که بیرون می‌بینید، از طیف جوان و زن محجبه غنیف شدید هستند که قطعاً تربیت یافته مکتب انقلاب و عاشورا هستند.



متأسفانه علی‌رغم

اندیشه فکری قوی

حضرت آقا در حوزه دفاع

از حقوق زنان، در حوزه

دیپلماسی نتوانستیم

خط فکری ایشان را

درست پیش ببریم و

این ضعف دستگاه

دیپلماسی است

تشییع رهبر شهید؛ تجدید بیعت با یک مکتب

محمد مقدسی برارنده، پژوهشگر حوزه علمیه قم

در جهان اسلام، تشییع پیکر یک رهبر شهید، تنها بدرقه یک شخصیت سیاسی یا اجتماعی نیست؛ بلکه صحنه‌ای برای بازخوانی یک مکتب، تجدید عهد با یک مسیر و اعلام وفاداری به مجموعه‌ای از ارزش‌ها و آرمان‌هاست. از این جهت، تشییع رهبر شهید انقلاب، سید علی حسینی خامنه‌ای رحمته‌الله‌علیه، را باید فراتر از یک مراسم عاطفی و احساسی تحلیل کرد. حضور گسترده مردمی، در حقیقت حضور در پای درس مکتبی است که صاحب آن با زندگی، گفتار، رفتار و شهادت خویش آن را تبیین و تثبیت کرده است.

تشییع؛ بازخوانی شخصیت، نه صرفاً بدرقه یک فرد

نخستین نسبت میان این تشییع و مکتب رهبر شهید، در بازشناسی شخصیت او بر اساس مواضع، بیانات و عملکرد شکل می‌گیرد. رهبر شهید انقلاب صرفاً یک مدیر یا مسئول نبود، بلکه تجسم مجموعه‌ای از فضائل اخلاقی، معنوی، علمی و مبارزاتی بود. او با روحیه شهادت‌طلبی، اهتمام به دعا، نماز و خلوت با خدا، توسل به اهل بیت علیهم‌السلام، صبر در سختی‌ها و تلاش مستمر برای خودسازی، نشان داد که سیاست و مدیریت در منظومه فکری او از معنویت جدا نبوده است. از همین رو، تشییع او فرصتی است تا جامعه بار دیگر این حقیقت را مرور کند که راز اثرگذاری شخصیت‌های ماندگار، مانند حاج قاسم رحمته‌الله‌علیه، آیت‌الله رئیسی رحمته‌الله‌علیه و...، پیش از هر چیز در اخلاص، تواضع، زهد، ساده‌زیستی و پابندی آنان به وظیفه الهی نهفته است.

با برگزاری این مراسم، همچنین زمینه‌ای برای احیای ابعاد اجتماعی و مردمی مکتب ایشان فراهم می‌شود. رهبر شهید انقلاب، در طول زندگی خود با سلوک مردمی، خدمت‌گزاری خالصانه، قانون‌مداری، انتقادپذیری، رأفت و سعه صدر شناخته می‌شد. او هرگز از مقام و مسئولیت برای تأمین رفاه نزدیکان بهره نبرد و همواره خود را خدمتگزار مردم می‌دانست. هنگامی که میلیون‌ها نفر در مراسم تشییع او حضور می‌یابند، در واقع به این مکتب و سبک حکمرانی و زیست اجتماعی ادای احترام می‌کنند؛ سبکی که بر ارتباط صمیمانه با مردم و دفاع از حقوق آنان استوار است.

مکتبی که با شهادت متوقف نمی‌شود

از سوی دیگر، این تشییع فرصتی برای بازخوانی ابعاد مبارزاتی مکتب است. خط مبارزه با ظلم، شجاعت در بیان حق، روشنگری و جهاد تبیین، از شاخص‌ترین ویژگی‌های این مکتب به شمار می‌آید. رهبر شهید انقلاب در میدان‌های مختلف نشان داد که سکوت در برابر ظلم و تحریف را جایز نمی‌داند (خط تحریف امام رحمته‌الله‌علیه) و همواره بر آگاهی‌بخشی و بصیرت‌افزایی تأکید دارد. حضور مردم در مراسم تشییع، در حقیقت اعلام حمایت از همین خط مبارزه و مقاومت است؛ خطی که با شهادت صاحبانش متوقف نمی‌شود، بلکه جان تازه‌ای می‌گیرد و در میان نسل‌های بعدی تداوم می‌یابد.

رهبریت نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

فصل اول

اما سؤالی که برای هر شرکت کننده در مراسم، به احتمال زیاد، پیش می آید، این است که چگونه به استمرار و تداوم این مکتب کمک کنیم؟ پاسخ آن است که این تشییع، حافظه تاریخی یک ملت را فعال می سازد.

بسیاری از مردم، به ویژه نسل جوان، در چنین مناسبت هایی بار دیگر با اندیشه ها، آثار و ویژگی های شخصیتی شهید آشنا می شوند. وقتی از ولایت مداری، روحیه جهادی، پرکاری، نظم، نوآوری، شجاعت و اخلاص او سخن گفته می شود، این ویژگی ها از سطح یک خاطره شخصی فراتر رفته و به الگوهای اجتماعی تبدیل می شوند.

بدین ترتیب، مکتب شهید از طریق انتقال ارزش ها و الگوها به نسل های جدید استمرار می یابد.

جامعیت مکتب؛ از معرفت تا فرهنگ

علاوه بر این، رهبر شهید انقلاب شخصیتی صرفاً سیاسی نبود؛ او در عرصه های علمی، فرهنگی، قرآنی، شعری و... نیز حضوری فعال داشت. انس با قرآن، اهتمام به تفسیر و آموزش آن، علاقه به کتاب و مطالعه، آشنایی با ادبیات فارسی و عربی، ارتباط با محافل ادبی و توجه به شعر و نویسندگی، نشان می دهد که مکتب او بر پایه معرفت و آگاهی استوار بود. بازخوانی این ابعاد در جریان تشییع و بزرگداشت او، مانع از تقلیل شخصیت شهید به یک چهره صرفاً حماسی یا سیاسی می شود و تصویری جامع از یک انسان تراز انقلاب اسلامی ارائه می دهد.

اقتدار یک ملت در ماندگاری ارزش ها

نمایش اقتدار ملت در پایداری به این مکتب نیز از دل همین حضور آگاهانه و گسترده شکل می گیرد. اقتدار یک ملت تنها در تجهیزات و امکانات مادی خلاصه نمی شود؛ بلکه مهم تر از آن، قدرت حفظ آرمان ها و وفاداری به ارزش ها است.

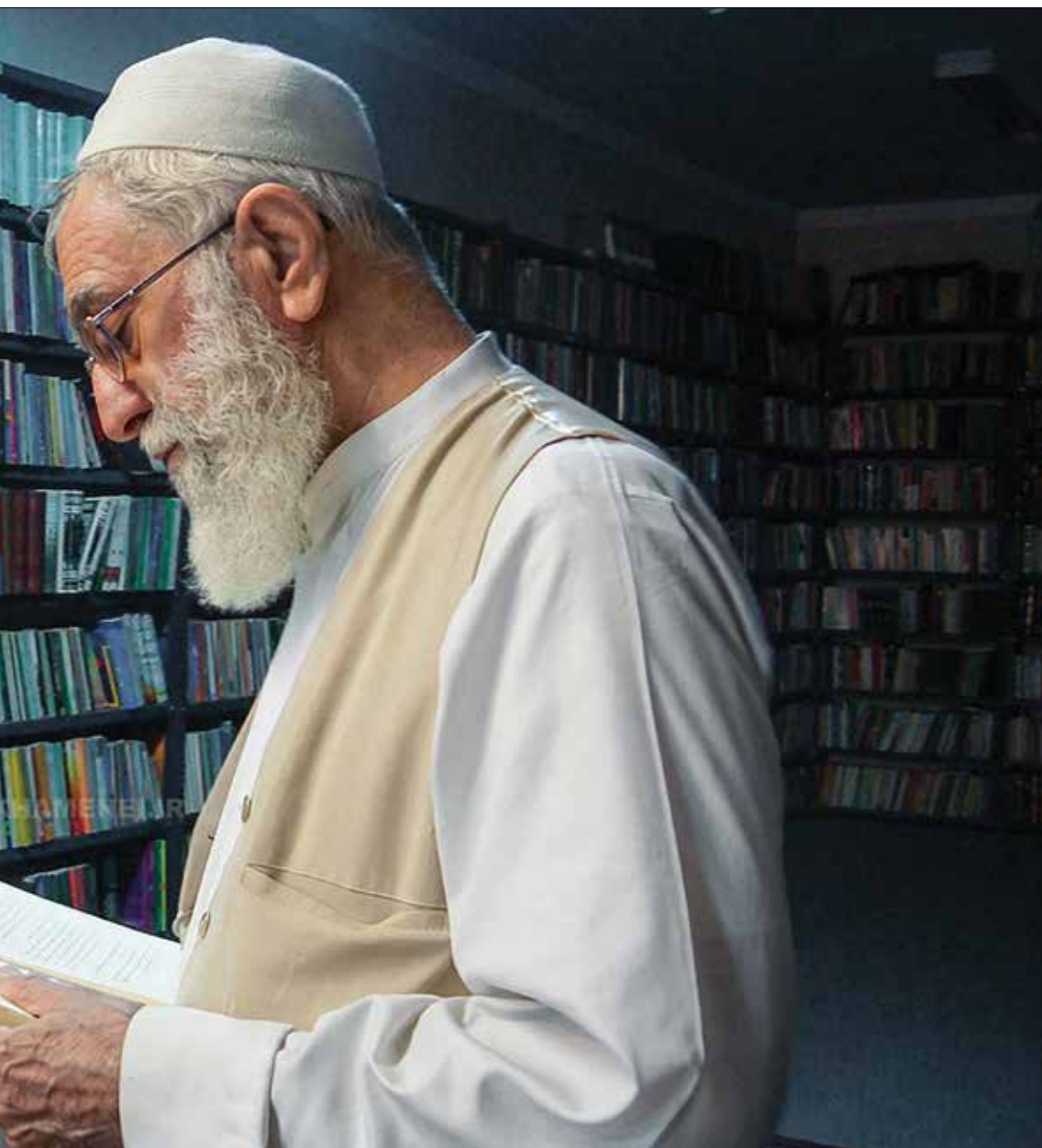
هنگامی که مردم، با وجود فشارها، تهدیدها و تبلیغات دشمنان، در دفاع از راه شهیدان و آرمان های آنان استوار می مانند، بزرگ ترین جلوه اقتدار ملی را به نمایش می گذارند. حضور گسترده افشار مختلف مردم در مراسم تشییع، پیامی روشن به دوست و دشمن مخابره می کند که شهادت نمی تواند یک مکتب ریشه دار را از میان ببرد.

در حقیقت، دشمنان ممکن است یک شخصیت را از ملت بگیرند، اما نمی توانند ارزش هایی همچون ایمان، اخلاص، عدالت خواهی، خدمت به مردم، مبارزه با ظلم، ولایت مداری و روحیه جهادی را از جامعه جدا کنند.

در نهایت، جان کلام به این نکته ختم می شود که تشییع باشکوه رهبر شهید انقلاب، نمایش حقیقتی است که نشان می دهد مکتب شهیدان با رفتن صاحبانش پایان نمی یابد، بلکه در دل مردم زنده تر می شود و مسیر آینده را روشن تر از گذشته پیش روی جامعه قرار می دهد.



در حقیقت، دشمنان
ممکن است یک
شخصیت را از ملت
بگیرند، اما نمی توانند
ارزش هایی همچون
ایمان، اخلاص،
عدالت خواهی، خدمت
به مردم، مبارزه با ظلم،
ولایت مداری و روحیه
جهادی را از جامعه جدا
کنند.



۱۱ ویژگی برجسته رهبر شهید انقلاب

یادداشتی از دکتر محمدباقر خرمشاد، استاد علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی

رهبرت نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

■ فصل اول



آنچه باعث تحسین و گاه غبطه خوردن انسان به فرد دگری می شود، یافتن فضائل و ویژگی هایی در ایشان است که آراسته شدن و تخلق بدان را دور از دسترس خود می یابد. مواردی از ویژگی های شخصیتی و برجستگی های فردی رهبر شهید انقلاب اسلامی ایران، حضرت آیت الله العظمی خامنه ای که پیوسته حضرت ایشان را برای این بنده ستودنی می نمود، عبارت بوده اند از:

۱. باور عمیق و مثال زدنی به آیه شریفه «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ»

این باور آنچنان مستحکم و پایدار بود که تو گویی آن را در عمل زندگی می کردند. بسیاری از موارد شدت این باور در نظر و عمل به گونه ای بود که اعجاب انگیز و باور نکردنی به چشم می آمد.

۲. تواضع و فروتنی فوق العاده در برابر حضرت امام رضوان الله تعالی علیه

در طول قریب به چهل سال جانشینی امام و در اختیار داشتن رهبری انقلاب اسلامی، نه تنها هیچ گاه خود را هم سطح امام ندانستند، بلکه پیوسته و مدام حضرت ایشان را «قله ای دست نایافتنی» می دیدند. این خصلت تا حدی بود که به جرأت می توان گفت اگر امام خمینی یک عاشق داشت، آن امام خامنه ای بود و ایشان خود را به تمام معنامرید حضرت امام می دانستند.

۳. باوری از بن دندان به رابطه مستقیم توسعه و ایمان

از نظر ایشان، این ایمان شیعی اسلامی است که می تواند پشتوانه ای مستحکم و راستین برای غلبه بر عقب ماندگی مزمین ایران و حرکت دادن آن به سوی قله های پیشرفت و توسعه باشد. رهبر شهید، جوانان باایمان و بهره مند از معنویت را موتور محرکه اصلی رشد علمی و تکنولوژیک کشور می دانستند.

۴. مصمم و مؤمن به تبدیل ایران به یک قدرت جهانی

با تمام وجود به این امر باور داشتند که نائل شدن ایران به مقام والای یک قدرت جهانی نه تنها امری شدنی، بلکه واقعیتی به غایت در دسترس است. تاکید ایشان بر گزاره پر قدرت «دانش قدرت است» و اصرار بر لزوم مجهز شدن کشور به آخرین دستاوردهای علمی و فناوری بشری و بالاتر از آن، لزوم پیشگام و پیشرو شدن ایرانیان در مرز دانش، در این راستا قابل ارزیابی است.

۵. مقرون بودن به سه خصلت: «صداقت»، «انصاف» و «اخلاق»

متصف بودن به این سه صفت کمالیه برای یک رهبر مذهبی یا یک مرجع تقلید امری غیرعادی و خارق العاده به نظر نمی رسد؛ این امر زمانی اهمیت دوصدچندان می یابد که یک رهبر سیاسی به آن ها آراسته باشد.

۶. مسلط به تاریخ اسلام و ایران و جهان

کمتر رهبری را در جهان گذشته و امروز می توان یافت که هم زمان بر این سه تاریخ تسلط داشته باشد. یکی از نقاط قوت و علل توفیق ایشان در رهبری ایران و تشیع در یکی از پرتلاطم ترین ادوار تاریخ، همین آگاهی عمیق و وسیع و خصوصاً بهره گیری از تجارب تاریخی برای مدیریت پدیده ها و بحران های زمانه خود بود.

۷. وفادارترین فرد به حضرت امام بعد از رحلت ایشان

در سال های موسوم به اصلاحات، یکی از دوستان اصلاح طلب از بنده پرسید که نظرت راجع به آقا خامنه ای چیست؟ گفتم: او بسیاری از هزینه هایی را که این روزها می دهد به خاطر وفاداری بی چون و چرای خود به حضرت امام است. وفاداری خالص او به امام است که چنین هزینه هایی را به او تحمیل می کند؛ کافی بود اندکی از خط امام عدول کند، تا وضع برای او به اصطلاح خیلی بهتر باشد.

رحمت نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

فصل اول



از موارد دیگر غبطه
خوردن های افرادی
مثل حقیر این بوده
است که چطور یک
فرد می تواند با این
همه مشغله و تنش و
مسئولیت، این همه
مطالعه کتاب، آن
هم با این همه تنوع
و گوناگونی داشته
باشد؟ نه تنها آن ها را
بخواند بلکه درباره آن ها
نظر هم بدهد.

۸. وقتی بسیار پربرت داشتی

یکی از مواردی که به خاطر آن این بنده دائماً به حضرت آیت الله غبطه می خوردم، بسیار پربرت و پربار بودن اوقات ایشان بود؛ برای بنده که یک روز او با حداقل یک هفته و حتی یک ماه حقیر برابری می کرد.

دامنه ای بسیار وسیع و متنوع از مسؤولیت و وظایف داشته باشی؛ از ایدئولوژی انقلابی به بزرگی انقلاب اسلامی بودن و فرماندهی کل قوای نظامی و انتظامی کشور تا تدریس روزانه درس خارج فقه و اصول و جلسه با شعرا، دانشجویان، کارگران و معلمان و...؛ از تشکیل عالی ترین جلسه نظامی و امنیتی کشور گرفته تا هدایت صنایع هسته ای و پزشکی، و از دیدار با عالی ترین مقامات کشورهای مختلف گرفته تا سر زدن به خانواده محترم شهدا و دیدار مستمر با جانبازان و سفر به اقصی نقاط کشور و دیدار با اقشار مختلف مردم؛ از دیدار مرتب و منظم با مسئولین در افطاری های ماه مبارک رمضان و مستحبات عبادی همچون نافله شب گرفته تا...، و همه و همه این ها را مثل ساعت به انجام برسانی!!! خدایت رحمت کند.

۹. «شهادت خواهی» و «شهادت طلبی»

خالصانه و عاجزانه طلب شهادت در راه خدا را از حضرت منان به طور پیوسته و لاینقطع مطالبه کردن، از ویژگی های بارز و رشک برانگیز دیگر امام شهید بود. این امر آن قدر بدیهی و آشکار شده بود که دشمنان حضرت ایشان نیز بعد از شهادتشان، در ملامت قاتل چنین اعتراف کردند که از میان برداشتن فردی که خود طلب شهادت می کرده است، چه منفعتی برای قاتل و قاتلین (جز به آرزوی خود رساندن شهید مورد نظر) می توانسته است داشته باشد؟ طوبی له و حسن مآب.

۱۰. توانی با استعداد و قدرت بسیار بالا در مطالعه

از موارد دیگر غبطه خوردن های افرادی مثل حقیر این بوده است که چطور یک فرد می تواند با این همه مشغله و تنش و مسؤولیت، این همه مطالعه کتاب، آن هم با این همه تنوع و گوناگونی داشته باشد؟ نه تنها آن ها را بخواند بلکه درباره آن ها نظر هم بدهد.

۱۱. احیاء «شعر فارسی»

قطعاً عصر خامنه ای، عصر «احیاء شعر ایرانی» هم بوده است. آینده خیلی بیشتر از اکنون به این امر خطیر گواهی خواهد داد. خدمت حضرت ایشان به زبان و شعر فارسی، تاریخی و ماندگار خواهد شد. روشن است که درباره فضائل شخصیتی و سجایای اخلاقی رهبر شهید، بسیار بسیار بیشتر از آنچه آمد می توان نوشت. موارد فوق اشاره آن هایی بوده است که در طول سالیان متمادی در نظر این حقیر برجسته بوده و درس آموز تلقی می شده است.

تشییع رهبر شهید و بعثت ملت؛

از وداع تا مسئولیت تاریخی

دکتر نصیبه سادات حسینی، پژوهشگر

تشییع پیکر رهبری والا مقام و شهیدی بزرگ، اگر تنها در سطح عاطفه و اندوه فهم شود، به مراسمی گذرا تبدیل خواهد شد؛ باشکوه، پرجمعیت و اثرگذار، اما محدود به لحظه وداع. مسئله اصلی آن است که شهادت، در منطق دینی و اجتماعی، پایان حیات یک انسان نیست، بلکه آغاز حیات یک پیام است. شهید با رفتن خود، جامعه را در برابر یک پرسش بنیادین قرار می‌دهد: اکنون که او تا مرز جان ایستاد، ما در برابر راه، آرمان و مسئولیتی که بر زمین مانده، چه می‌کنیم؟

تشییع؛ از سوگواری تا بعثت اجتماعی

از این منظر، تشییع رهبر شهید صرفاً آیین سوگواری نیست؛ نوعی صحنه آشکار شدن ظرفیت‌های پنهان ملت است. مردمی که در تشییع گرد می‌آیند، فقط برای وداع نمی‌آیند؛ برای اعلام نسبت خود با حقیقتی حاضر می‌شوند که خون شهید آن را از حالت شعار به مرتبه تکلیف رسانده است. اشک در چنین صحنه‌ای، اگر به شناخت و تصمیم نرسد، مصرف می‌شود؛ اما اگر با فهم همراه شود، به نیرو تبدیل می‌گردد. همین جاست که سوگ، از حالت انفعال بیرون می‌آید و به بعثت اجتماعی بدل می‌شود.

بعثت، در معنای عمیق خود، برانگیخته شدن انسان از خواب عادت، ترس، روزمرگی و بی‌تفاوتی است. جامعه‌ای که شهید خود را تشییع می‌کند، در حقیقت با امکان تازه‌ای روبه‌رو می‌شود: یا شهادت را به خاطره‌ای محترم تقلیل دهد، یا آن را به مبدأ حرکت تبدیل کند. شعار «باید برخاست» اگر تنها جمله‌ای احساسی باشد، در هیجان جمعیت پایان می‌یابد؛ اما اگر درست فهم شود، معنای آن این است که پس از شهادت، هیچ‌کس حق ندارد خود را تماشاگر بداند. برخاستن یعنی عبور از تماشاگری به مسئولیت، از مصرف عاطفه به تولید اراده، و از همراهی ظاهری به انتخاب آگاهانه.

خون شهید و آشکار شدن حقیقت مسیر

در چنین نگاهی، خون شهید کارکردی بیدارگر دارد. خون، پرده‌ها را کنار می‌زند و حقیقت درگیری را آشکار می‌کند. پیش از شهادت، بسیاری از نزاع‌ها در پوشش تحلیل‌های عادی، اختلاف نظرهای سیاسی یا محاسبه‌های روزمره پنهان می‌مانند؛ اما شهادت نشان می‌دهد که مسئله بر سر یک فرد نیست، بلکه بر سر یک مسیر است. خون رهبر شهید به جامعه فهماند که راه‌های بزرگ، هزینه‌های بزرگ می‌خواهند و آرمان‌های تاریخی، بدون آمادگی برای پرداخت هزینه، به نتیجه نمی‌رسند. تشییع میلیونی نیز از همین جهت اهمیت دارد. جمعیت انبوه، فقط نشانه‌ای عددی نیست؛ نشانه تبدیل شدن یک داغ فردی به یک اراده جمعی است. وقتی مردم از طبقات، نسل‌ها و سلیقه‌های گوناگون در یک میدان حاضر می‌شوند، در حقیقت اعلام می‌کنند که پیوندهایی عمیق‌تر از تفاوت‌های روزمره وجود دارد. این حضور، اگر به درستی هدایت و تبیین شود، می‌تواند سرمایه‌ای برای بازسازی اعتماد، تقویت امید و آغاز مرحله‌ای تازه از حرکت اجتماعی باشد.

رهبریت نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

فصل اول



از شکوه مراسم تا مسئولیت تاریخی

اما خطر بزرگ آن است که چنین لحظه‌ای تنها به نمایش شکوه تقلیل یابد. تشییع، هر قدر عظیم باشد، اگر پس از آن برنامه‌ای برای رشد فکری، اصلاح رفتاری، عدالت خواهی، خدمت اجتماعی و بازسازی نسبت مردم با آرمان‌ها شکل نگیرد، در حافظه تاریخی باقی می‌ماند، اما در حیات اجتماعی استمرار نمی‌یابد. بعثت حقیقی زمانی رخ می‌دهد که مردم پس از بازگشت از مراسم، در خانه، مدرسه، دانشگاه، اداره، مسجد، رسانه و میدان عمل، پرسش تازه‌ای از خود بپرسند: سهم من در ادامه این راه چیست؟

از اینجا می‌توان فهمید که «باید برخاست» بیش از آنکه دعوت به هیجان باشد، دعوت به بلوغ است. برخاستن یعنی انسان از سطح احساسات زودگذر عبور کند و به مرحله انتخاب برسد. جامعه بالغ، شهادت رهبری را فقط نمی‌ستاید، بلکه از او درس می‌گیرد؛ فقط نام او را تکرار نمی‌کند، بلکه نسبت خود را با راه او بازتعریف می‌کند. چنین جامعه‌ای می‌داند که تداوم یک خط، با شعار ممکن نیست؛ با تربیت انسان‌های مسئول، تصمیم‌های روشن، تحمل سختی‌ها و مراقبت از عدالت و صداقت ممکن می‌شود.

از سوگ تا حرکت

بنابراین، تشییع رهبر شهید را باید نه پایان یک دوره، بلکه امکان آغاز یک مرحله تازه دانست؛ مرحله‌ای که در آن ملت می‌تواند از سوگ به شناخت، از شناخت به عهد، و از عهد به حرکت برسد. اگر خون شهید، ملت را از رخوت بیرون آورد و آنان را متوجه مسئولیت تاریخی خود کند، تشییع به بعثت تبدیل شده است. در این صورت، پیام مراسم فقط به حاضران محدود نمی‌ماند؛ به جهان نیز اعلام می‌کند که جامعه‌ای زنده است که با شهادت، فرو نمی‌ریزد، بلکه خود را دوباره پیدا می‌کند و برمی‌خیزد.



باید برخاست» بیش

از آنکه دعوت به

هیجان باشد، دعوت

به بلوغ است. برخاستن

یعنی انسان از سطح

احساسات زودگذر عبور

کند و به مرحله انتخاب

برسد. جامعه بالغ،

شهادت رهبری را فقط

نمی‌ستاید، بلکه از او

درس می‌گیرد

در گفتگو با هدی صادق زادگان، پژوهشگر حوزه زنان و خانواده تبیین شد

تربیت انسان در مکتب امام خامنه‌ای یک عنصر بلاجایگزین داشت و آن «مادر» بود

تربیت انسان توحیدی در بستر جامعه، غایت قصوای تشکیل حکومت اسلامی است؛ امری که در منظومه فکری رهبر شهید، بدون نقش آفرینی مرکزی و بی‌بدیل زنان دست‌یافتنی نخواهد بود. در این دیدگاه، زن نه صرفاً در چارچوب سنتی خانواده، بلکه به‌عنوان پیش‌نشان نهضت بیداری اسلامی و مادری برای تاریخ و تمدن تعریف می‌شود. هدی صادق زادگان، پژوهشگر حوزه زنان و خانواده و مدیرمسئول موسسه راه سوم، در این گفتگو با واکاوی ابعاد معرفتی اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، تبیین می‌کند که چگونه الگوی هویت‌یابی حقیقی زن مسلمان، معادلات بین‌المللی و جهان اسلام را تحت تأثیر قرار داده و راهکار گفتمان‌سازی این تفکر راهبردی را در «دفاع صحیح از حقوق زن» و رسیدن او به تعالی فکری می‌داند.

خانم صادق‌زاده! در راستای مکتب فکری، سیاسی و اجتماعی رهبر شهیدمان، محور تربیت انسان و جامعه‌پردازی مورد نظر رهبری در منظومه فکری ایشان را خصوصاً الگوی تربیت انسان مؤمن، عالم و مسئول را چطور تحلیل و ارزیابی می‌کنید؟ مهم‌ترین مبانی فکری و معرفتی رهبر شهید را در این موضوع چه می‌دانید؟

بهترین کلامی که می‌توانم برای این مطلب استفاده کنم، کلام امام خمینی علیه السلام در مورد امام شهیدمان است که رهبر شهید ما چند هنر داشتند و یکی از این هنرها تربیت انسان بود. در این مکتبی که تربیت انسان جزو اصلی‌ترین اهدافش است، می‌بینیم که حکومت اسلامی تشکیل می‌شود به مناسبت تربیت انسان؛ یعنی تربیت انسان‌های متعدد توحیدمدار، وگرنه بدون حکومت اسلامی نمی‌توان انسان تربیت کرد، اما تربیت تک‌انسان، نه تربیت انسان‌های متعدد متکثر توحیدمدار. بنابراین رهبر شهید ما به تبعیت از امام کبیر انقلاب اسلامی، ضرورت حکومت اسلامی را در این دیدند که حکومت اسلامی می‌آید که انسان متکثر توحیدی تربیت کند.

در این تربیت، قاعدتاً حضرت آقا نگاه ویژه‌ای نسبت به زنان داشتند. چیزی که مادر واقع در منویات امام شهید می‌بینیم این است که ایشان محوری‌ترین نقش تربیت را با زنان و مادران می‌دانستند؛ نقشی بی‌بدیل، بدون جایگزین، بدون هیچ جایگزینی. حتی پدر را هم جایگزین نقش مادر نمی‌کردند و بنابراین نقش مادران در تربیت انسان بسیار ویژه است.

در واقع مجموعه نگرش اسلامی ایشان، برون‌داد نگرش اسلامی ایشان بود. این نقش محوری بدون جایگزین بودن خیلی مهم است؛ گاهی ما تصورمان این است که تربیت انسان کاری ندارد، ولی تربیت انسان در جامعه توحیدی که در مکتب امام خامنه‌ای شهید است، یک عنصر بلاجایگزین داشت و آن مادر بود.

این اندیشه راهبردی رهبر شهید چه تأثیری بر تحولات ایران، جهان اسلام و معادلات بین‌المللی خواهد داشت؟

اگر بخواهیم این تأثیر را خصوصاً در دنیای اسلام خوب درک کنیم، باید بیشتر با زوایای این اندیشه آشنا شویم. رهبر شهید در دیدار بانوان در مجمع بیداری اسلامی سال ۹۴، در جمع بانوان از هویت‌یابی حقیقی زن سخن گفتند و این

رهت نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

فصل اول



مهم‌ترین خدمت را به بیداری اسلامی می‌کند. در واقع مهم‌ترین اتفاقی که قرار است بیفتد این است که مادرانی تربیت بشوند برای انسان پروری و این مهم‌ترین خدمت به نهضت بیداری اسلامی از نگاه حضرت آقا برای زنان است. یعنی در واقع اگر قرار است زنان یک رکن مهمی در نسبت بیداری اسلامی داشته باشند و اگر قرار باشد یک رکن اساسی در گسترش داشته باشند، باید طوری زنان را پرورش دهند که هم مادران خوبی برای انسان‌ها باشند و هم مادران، مادران انسان پرور باشند.

زنی که درست تربیت شده باشد، مادری می‌کند برای انسان، برای تاریخ و مادری می‌کند برای تمدن. زنی هم که در ظاهر مادر نباشد ولی بلد باشد چطور مادری بکند برای تمدن خودش و هویت ملی خودش و هویت دینی خود، بلد است چطور مادری بکند؛ لذا در واقع یکی از مهم‌ترین‌هایی که به گسترش اندیشه اسلامی کمک می‌کند، همین رکن پرورش زنی است که آماده می‌شود برای مادری، برای تربیت انسان و مادری برای تاریخ. این در واقع دو تا پارامتر را به طور هم‌زمان دارد؛ زن در این دو پارادایم تربیت می‌کند.

مهم‌ترین راهکار برای گفتمان‌سازی اندیشه‌های امام شهید چیست؟

وقتی که ما نهضت اسلامی را گسترش داده باشیم، باید از همین منظر به گسترش این منظومه فکری بی‌بدیل کمک کنیم. دفاع از حقوق زن، مفهوم نسبت صحیح دفاع از زن و در نهایتش، ثمره نهضت صحیح دفاع از حقوق زن را این طور مطرح می‌کنند: «زنی که به واسطه نهضت هویت یابی به توحید صحیح و تعالی فکری رسید، می‌تواند آن را تربیت صحیح را منتشر کند.»



در واقع مهم‌ترین
اتفاقی که قرار است
بیفتد این است که
مادرانی تربیت بشوند
برای انسان پروری و این
مهم‌ترین خدمت به
نهضت بیداری اسلامی
از نگاه حضرت آقا برای
زنان است.



تبیین نظام مند مکتب انقلاب در جهادِ «امام شهید»

نصرت نیل ساز، دانشیار دانشگاه تربیت مدرس

۳۶ سال در نیمه خرداد حدیث عشق به خمینی را به جانهای مشتاق نیوشاند و از نیمه تیر امسال تاقیامت چه کسی حدیث شیدایی به او را خواهد سرود؟ بیایید رمز این شیدایی را در همان تصویری که او از امام محبوبش ترسیم می کرد بیابیم. بنویسیم خمینی و بخوانیم خامنه ای.

خمینی خورشیدی بود که با طلوعش هزار چشمه ی نور در زندگی ملت ایران جوشیده بود؛ با نفَس روح الهی اش، به ملت جان بخشیده بود؛ با نوای آیات الهی عزّت و کرامت افسون یأس و ذلّت را از روح مسلمانان زدوده بود. (پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی علیه السلام ۱۳۶۹/۰۳/۱۰) خلیل آسادر علم الیقین رازده و ندای «لا احب الافلین» (انعام: ۷۶) را سر داده بود. عصری جدید را آغاز کرده و مکتبی فکری سیاسی اجتماعی را بنیان نهاده و راهی روشن را گشوده بود که پیمودن آن دو شرط دارد: شناخت اصول امام و استقامت در مسیر. (بیانات در ۱۳۶۹/۰۳/۱۴)

رهت نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

فصل اول

اصول این منظومه فکری و عملی به بیان امام شهید عبارت است از:

۱. توحید ناب به معنای عبودیت خدا و رهایی انسان از تسلیم در برابر غیر خدا، گسستن بندهای سلطه قدرتهای شیطانی و مادی. امام خمینی غفلت از توحید را بازگذاشتن صحنه برای بتهای استعمار می دانست و با نشان دادن واقع عملی توحید ناب به ملت‌ها این نوید را داد که اسلام قادر است برای آنها عظمت و عزت بیافریند و لزومی به پناه بردن به مکتب های مادی نیست. چیزی که استعمار تلاش کرده بود با شعار جدایی دین از سیاست خلاف آن را در اذهان وارد کند. یکی از ابداع‌های امام تعبیر اسلام امریکایی بود که خود دو شاخه دارد: یکی اسلام متحجر و دیگری اسلام سکولار. (همان و بیانات در ۱۳۹۵/۳/۱۴)

۲. اعتماد به وعده‌های الهی و تکیه بر اقتدار بی نهایت خداوند و نهراسیدن از احتمال شکست. نتیجه این باور بی‌اعتمادی به مستکبران و قدرت‌های جهانی و بی‌اعتنایی به ناخوشایندی آنها بود. همه عزت و اعتلایی که به مسلمانان وعده داده شده است تنها در سایه چنین ایمان و توکلی تحقق می‌یابد.

۳. اعتقاد به اراده و نیروی مردم و معنا بخشیدن به حضور توده‌های ملیونی. از این رو میراث عظیم و تاریخی و بی‌بدیل او جمهوری اسلامی بود که حفظ آن را برتر و با اهمیت‌تر از هر واجبی می‌دانست.

۴. استقلال در ابعاد گوناگون سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و رد سلطه‌پذیری با بنیان‌گذاری اصل نه شرقی نه غربی.

۵. مخالفت با مستکبران و ابداعی عجیب در شیطان بزرگ نامیدن امریکا که امتداد عملی و معرفتی شگرفی داشت. (بیانات ۱۳۹۴/۳/۱۴)

۶. آرمان‌گرایی و چشم به اهداف عالی دوختن و نجات جامعه از ستم و تبعیض و جهل و شرک، حمایت از محرومان و مستضعفان و رد نابرابری و اشرافیگری و تأکید بر عدالت اجتماعی.

منظومه فکری و سیره عملی امام خمینی اصول دیگری هم دارد که از بسامد آن در بیانات امام قابل شناسایی است.

امام شهید در راستای همان جهاد تبیینی که در همه عرصه‌ها لازم و ضروری می‌دانستند بارها درباره خطر «تحریف شخصیت امام خمینی» هشدار دادند. این تحریف به سه صورت ممکن است روی دهد: ناشناخته ماندن ارکان اصلی شخصیت امام؛ غلط معنا کردن یا



امام شهید در راستای
همان جهاد تبیینی که
در همه عرصه‌ها لازم و
ضروری می‌دانستند
بارها درباره خطر «تحریف
شخصیت امام خمینی»

هشدار دادند. این
تحریف به سه صورت
ممکن است روی دهد



سطحی و انحرافی تفسیر کردن این ارکان.

امام شهید به تصریح گفتند که عده ای این نگاه را ترویج می کنند که امام یک شخصیت تاریخی محترم و فعال در برهه ای از زمان بوده که صرفاً باید او را تجلیل کنیم و با احترام از او یاد کنیم. (همانجا)

راه مقابله با این تحریف بازخوانی اصول امام و شناخت شاکله نظام مند آن و پرهیز از برخورد گزینشی با این اصول است تا مصداق «تُؤْمِنُ بِبَغْضِي وَتُكْفِرُ بِبَغْضِي» (نساء: ۱۵۰، درباره کسانی که می گویند به برخی از پیامبران ایمان می آوریم و به برخی کافر می شویم.) یا «الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ» (حجر ۹۱، کسانی که قرآن را بخش بخش کردند به برخی ایمان آوردند و به برخی نه.) نباشیم.

امام خمینی، «مؤمن متعبد انقلابی» و تجسم والای مضمون آیه «وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ» (حج: ۰۷۸) بود. جهادی که اگرچه دو بعد آشکار آن برانداختن بنای سلطنت موروثی و پایه گذاری نظام جمهوری اسلامی بود اما به عرصه های سیاسی اجتماعی محدود نمی شد و پشتوانه اصلی آن ارتباط مستمر با خدا، جهاد درونی و جهاد با نفس بود. او سالک پیوسته سیر انقطاع الی الله بود. مناجات شعبانیه محبوب ترین دعا نزد امام و فقره «الهی هَبْ لِي كَمَالَ الْأَنْقِطَاعِ الْيَك» ترنم همیشگی لبهای او بود. (نک، صحیفه امام ج ۱۷، ص ۴۵۷)

یکی از تحریف های خطرناک در تاریخ انقلاب اسلامی «زمزمه سپری شدن دوران انقلاب با شکل گیری نظام جمهوری اسلامی» بود. از این رو امام شهید در بیانات مختلف و به ویژه در ۲۷امین سالگرد رحلت امام بر وصف «انقلابی بودن»

رهبرت‌نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

فصل اول

امام خمینی تأکید ویژه‌ای کردند. قدرت-های مادی و استکبار جهانی از این خصیصهٔ امام می‌هراسیدند زیرا انقلاب اسلامی نه تنها ایران را از منجلاب‌های سیاسی، فساد اخلاقی، تحقیر بین‌المللی نجات و به سوی برقراری حاکمیت دین خدا سوق داد بلکه الهام بخش ملت‌های دیگر هم شد. البته امام معیارها و شاخص‌ها را نشان داد اما رسیدن به این اهداف والا مستلزم حرکتی جهادی، انقلابی و پیوسته همه اقشار مختلف مردم و همه ارکان نظام از مجلس و دولت و قوهٔ قضائیه و غیره است. (نک. بیانات در ۱۳۹۵/۳/۱۴)

امام شهید در اصلاح پنداری غلط بر این نکته هم تأکید کردند که «شرط انقلابی بودن معاصرت با وقوع انقلاب اسلامی نیست» این وصفی فرازمانی است که با التزام به اصول تحقق پیدا می-کند. امام شهید بارها نسبت به رواج دوگانه‌های غلط غربی در ادبیات سیاسی ایران مانند تقسیم مردم به «انقلابی و غیرانقلابی» یا «تندرو و میانه‌رو» هشدار دادند و برای اصلاح تحلیل‌های غلط مانند این که «دشمنی امریکا و صهیونیسم با ما ناشی از عدم تلاش به موقع جمهوری اسلامی برای برقراری روابط دوستانه یا تندروی انقلابی هاست»، پیوسته تلاش می‌کردند و می-گفتند عده‌ای با تعبیر «توهم توطئه» ضمن انکار آشکارترین و ملموس‌ترین واقعیت‌ها قصد دارند حساسیت در برابر دشمن را ضعیف کنند. در مقابل ایشان به جوانها سفارش می‌کردند که دشمنی با امریکا را فراموش نکنند، این دشمنی را ذاتی و برآمده از تقابل هویت انقلاب اسلامی با نظام استکبار جهانی است و تا زمانی که امریکا سیطره جویی خود را کنار بگذارد، یعنی هویتش تغییر کند، یا خدای ناکرده جمهوری اسلامی از ذات استکبارستیزی و استقلال طلبی خود تهی شود، ادامه دارد. از این رو روشنفکرهای راحت طلب و ریاکار و منافق را که دشمنی امریکا را انکار و تسلیم دولت و ملت را راه نجات می‌نمایانند اگر خائن و عامل دشمن ندانیم اما باید بدانیم که مرد میدان مهم پیشرفت کشور هم نیستند. (بیانات ۱۳۹۷/۷/۱۲)

در مقابل امام شهید بر ترویج نظریهٔ مقاومت در مقابل دشمن قوی پنجه تأکید و آن را نظریهٔ درست در مقام نظر و عمل می‌دانستند و یکی از میراث‌های مهم خمینی کبیر. (بیانات ۱۳۹۷/۸/۱۲)

اگرچه فقرهٔ «الهی هُب لی کمالَ الانْقِطَاعِ الیک» در بیان امام شهیدمان به اندازهٔ امام خمینی تکرار نشده است اما او کمال انقطاع به سوی خدا، از همه چیز و از همه قیود گسستن برای حرکت به سمت محبوب واقعی را مقدمهٔ شهادت می‌دانست. (بیانات ۱۳۶۸/۱۲/۱۰)

سرانجام شکوهمند او نشان داد که او سالک حقیقی این راه بوده است. کلامی زیباتر از درود امام شهیدمان بر امام خمینی، در پیام به مناسبت نخستین سالگر رحلت، که مَلمُهم از آیات قرآن است نیافتم تا تقدیم «نفس مطمئنه راضیه مرضیه» (برگرفته از آیه ۲۷ سوره فجر). رهبر عزیز حکیم شهید کنم:

«فرحمه الله حیاً و میّتاً و السلام علیه یوم ولد و یوم قادی الأُمّة و یوم ارتحل و یوم یبعث حیا»

«رحمت خدا بر او در زندگی و مرگش، سلام بر او روزی که زاده شد و روزی که رهبری امت را بر عهده گرفت و روز رحلتش و روزی که دوباره زنده برانگیخته می‌شود».



اگرچه فقرهٔ «الهی هُب

لی کمالَ الانْقِطَاعِ الیک»

در بیان امام شهیدمان

به اندازهٔ امام خمینی

تکرار نشده است اما او

کمال انقطاع به سوی

خدا، از همه چیز و از

همه قیود گسستن برای

حرکت به سمت محبوب

واقعی را مقدمهٔ شهادت

می دانست.

آن «مشت گره کرده»؛ تولد یک نشانه تمدنی در حافظه ایران

دکتر محمدرضا برزویی؛ دانشیار گروه ارتباطات و رسانه دانشگاه امام صادق علیه السلام

در بسیاری از لحظات سرنوشت ساز تاریخ، آنچه بیش از هزاران جمله در حافظه ملت ها باقی می ماند، یک «تصویر» است؛ تصویری که به «نماد» تبدیل می شود و در گذر زمان، هویت یک دوره تاریخی را نمایندگی می کند. پرچمی که بر فراز ویرانه ها برافراشته می شود، دستانی که در برابر ظلم بالا می روند یا چهره ای که در واپسین لحظات عمر خویش، آرامش و استقامت را به نمایش می گذارد، همگی نمونه هایی از «ارتباطات غیرکلامی» هستند که گاه تأثیری عمیق تر از هر متن و سخنرانی بر افکار عمومی می گذارند.

در نخستین پیام مکتوب رهبر جدید جمهوری اسلامی ایران پس از شهادت رهبر انقلاب، جمله ای کوتاه اما عمیق، به سرعت در افکار عمومی بازتاب یافت: «من این توفیق را داشتم که پیکر ایشان را بعد از شهادت زیارت کنم؛ آنچه دیدم کوهی از صلابت بود؛ و شنیدم که مشت دست سالمش را گره کرده بود». (اولین پیام حضرت آیت الله سیدمجتبی حسینی خامنه ای رهبر معظم انقلاب اسلامی) در ظاهر، این جمله صرفاً گزارشی از وضعیت پیکر یک شهید است؛ اما از منظر علوم ارتباطات، این روایت، تولد یک «نشانه تمدنی» است؛ نشانه ای که می تواند حافظه جمعی ملت ایران را برای سال های آینده بازتعریف کند.

از کنش غیرکلامی تا نشانه فرهنگی

در نظریه های نشانه شناسی، هر حرکت بدن زمانی که حامل معنا شود، از یک رفتار زیستی به یک «نشانه فرهنگی» تبدیل می شود. مشت گره کرده نیز یکی از شناخته شده ترین نشانه های غیرکلامی در تاریخ معاصر جهان است. این حرکت در فرهنگ های مختلف، پیام هایی همچون مقاومت، اراده، ایستادگی، انسجام، اعتراض به سلطه و شکست ناپذیری را منتقل می کند.

اما اهمیت مشت گره کرده رهبر شهید در این است که این حرکت، برخلاف بسیاری از نمونه های تاریخی، نه در میدان سخنرانی، نه در برابر دوربین ها و نه در یک صحنه نمایشی، بلکه پس از شهادت و در واپسین وضعیت جسمانی او روایت شد. بنابراین این نشانه، فاقد هرگونه قصد نمایشی یا تبلیغاتی است و دقیقاً به همین دلیل، از منظر ارتباطی، واجد بیشترین میزان «اصالت معنایی» است. این مشت، سخن نگفت؛ اما برای جامعه ایران معنا آفرید.

ارتباطات غیرکلامی و قدرت تصویر در ساخت حافظه جمعی

مطالعات ارتباطات نشان می دهد حافظه ملت ها بیش از آنکه بر پایه گزاره های منطقی شکل بگیرد، بر تصاویر نمادین استوار است. نظریه «حافظه جمعی» بیان می کند که جوامع گذشته خود را نه صرفاً با اسناد تاریخی، بلکه از طریق نمادها، آیین ها و تصاویر به یاد می آورند. هرچه یک تصویر ساده تر، عاطفی تر و قابل بازتولید تر باشد، ظرفیت بیشتری

برای ماندگاری در حافظه اجتماعی خواهد داشت. از این منظر، روایت مشیت گره کرده رهبر شهید، قابلیت تبدیل شدن به یکی از مهم ترین تصاویر حافظه فرهنگی جمهوری اسلامی را دارد؛ تصویری که در آن، «استقامت» نه در قالب شعار، بلکه در قالب بدن و کنش غیرارادی بازنمایی شده است. این تصویر، در حقیقت، آخرین پیام یک عمر مجاهدت است؛ پیامی که بدون واژه منتقل شد.

از فرد به ملت؛ بازتعریف یک هویت جمعی

در مطالعات هویت فرهنگی، رهبران بزرگ زمانی به «نمادهای تمدنی» تبدیل می شوند که ویژگی های شخصی آنان به ارزش های مشترک یک ملت تبدیل شود. در این فرآیند، رفتار فردی از سطح زندگی شخصی فراتر می رود و به الگوی فرهنگی جامعه تبدیل می شود. مشیت گره کرده رهبر شهید نیز از همین جنس است. این حرکت دیگر صرفاً به یک فرد تعلق ندارد؛ بلکه بازنمایی اراده ملتی است که در چهار دهه گذشته، استقلال، مقاومت و عزت را به عنوان عناصر هویت سیاسی و فرهنگی خود برگزیده است. در این معنا، مشیت گره کرده، «روایت فشرده یک گفتمان» است؛ گفتمانی که مقاومت را نه یک تاکتیک مقطعی، بلکه شیوه زیستن می داند.

چرا این تصویر ماندگار خواهد شد؟

ماندگاری نمادهای تاریخی معمولاً به سه ویژگی وابسته است: نخست، سادگی بصری؛ نشانه ای که همه بتوانند آن را به آسانی درک و بازتولید کنند. دوم، بار عاطفی بالا؛ تصویری که احساسات جمعی را برانگیزد و با تجربه تاریخی مردم پیوند برقرار کند. سوم، قابلیت روایت پذیری؛ نمادی که نسل های بعد نیز بتوانند داستان آن را بازگو کنند. روایت مشیت گره کرده رهبر شهید، هر سه ویژگی را در خود جمع کرده است. از همین رو، انتظار می رود این تصویر در ادبیات، هنر، سینما، رسانه، پوستر، نقاشی، مجسمه سازی، آیین های بزرگداشت و حافظه فرهنگی جامعه ایرانی حضور ماندگاری پیدا کند.

آخرین پیام؛ تولد یک نشانه تمدنی

گاهی تاریخ، مهم ترین پیام های خود را نه با خطابه های طولانی، بلکه با یک تصویر ثبت می کند. مشیت گره کرده رهبر شهید، از همین جنس است؛ کنشی غیرکلامی که به یک متن فرهنگی تبدیل شد و در نخستین روایت رهبر جدید، جایگاهی نمادین یافت. اگر سخن، حامل معناست، بدن نیز می تواند زبان باشد. و اگر واژه ها روزی فراموش شوند، تصاویر همچنان در حافظه ملت ها باقی می مانند. شاید سال ها بعد، هنگامی که نسل های آینده از این مقطع تاریخی سخن بگویند، در کنار همه روایت های سیاسی و نظامی، این تصویر به عنوان یک نماد و نشانه تمدنی بیش از هر چیز دیگری در ذهن آنان باقی بماند؛ دستی که حتی پس از شهادت نیز گشوده نشد؛ زیرا روایت مقاومت، پایان پذیر نخواهد بود.



در مطالعات هویت
فرهنگی، رهبران بزرگ
زمانی به «نمادهای
تمدنی» تبدیل می شوند
که ویژگی های
شخصی آنان به
ارزش های مشترک یک
ملت تبدیل شود. در
این فرآیند، رفتار فردی
از سطح زندگی شخصی
فراتر می رود و به الگوی
فرهنگی جامعه تبدیل
می شود.



عضو هیات علمی دانشگاه تهران:

تشییع رهبر شهید روح تازه‌ای به حرکت مجاهدان آزادگان جهان می‌دمد

عضو هیات علمی دانشگاه تهران گفت: ملت مبعوث شده ایران اکنون میراث بزرگی از معنا درباره مفهوم مجاهدت را با خود حمل می‌کند و این میراث در کنار ولی فقیه جدیدمان، جبهه مقاومت را پیش خواهد برد و ما باعث دوباره‌ای از ملت ایران و جبهه مقاومت را در آیین تشییع رهبر شهید، خواهیم دید.

حکیمه سقای بی‌ریا، عضو هیات علمی دانشگاه تهران در گفتگو با پژوهشگاه علوم و معارف انقلاب اسلامی با اشاره به اینکه در قرآن کریم به زنده بودن شهدا و رزق داشتن نزد پروردگار چندین بار ذکر شده، اظهار کرد: در قرآن کریم به صراحت جایگاه شهدا یعنی کسانی که قتلوا فی سبیل الله، یعنی در راه خداوند به قتل رسیده‌اند و تمام زندگی خود را در راه خداوند فدا کرده‌اند، تبیین شده است. وی بیان کرد: رهبر شهید ما، همه زندگی خود را در راه مجاهدت برای خداوند گذاشت و این موضوع در لحظه لحظه زندگی ایشان قابل مشاهده است و به همین دلیل در تشییع پیکر ایشان، انشاءالله شاهد حضور میلیونی ملت‌هایی خواهیم بود که با واسطه ایشان، با مجاهدت در راه خدا آشنا شدند.

میراث رهبر شهید در جبهه مقاومت تداوم خواهد داشت

سقای بی‌ریا با اشاره به اینکه امتداد زندگی رهبر شهید را در جریان‌های مقاومت در آینده خواهیم دید، افزود: مجاهدان و آزادگان جهان، همیشه نشان داده‌اند که برای شناخت شخصیت رهبر شهید، عطش دارند و حالا خود را در امتداد مسیر زندگی ایشان می‌بینند. وی بیان کرد: این را حتمی بدانیم که آیین وداع و تشییع رهبر شهید، انرژی جدیدی به جریان‌های مقاومت

خواهد دارد. عضو هیات علمی دانشگاه تهران تصریح کرد: رهبر شهید ما، نه تنها مجاهد فی سبیل الله بودند، بلکه حرکت مبتنی بر مجاهدت را رهبری می کردند و در صف اول این مبارزه قرار داشتند. هم در سختی های متعدد و در بحران های متعدد در مسیر پیشرفت جهاد در راه خدا و اهداف متعالی این جریان بزرگ، قافله سالار بودند. با این حال، با شهادت ایشان و با رفتن ظاهری ایشان از این دنیا، جهاد در راه خدا متوقف نخواهد شد و در مسیری که رهبر شهید آن را رهبری می کردند، ادامه خواهد یافت. وی با بیان اینکه اکنون لحظه لحظه زندگی این مجاهد بزرگ، یادگار برای ما است، گفت: بیانات ایشان، شیوه رهبری جبهه مقاومت و نوع نگاه ایشان به شرایط دنیا که مستقیماً از سیره ائمه اطهار به ویژه امیرالمومنین (علیه السلام) و سیدالشهدا (علیه السلام) نشأت می گرفت، برای ما به جامانده که دریایی از معارف اسلامی و انقلابی را در خود جای داده است.

بعثت ملت در امتداد مسیر انقلاب خمینی کبیر است

سقای بی ریا با اشاره به بیانات رهبر شهید انقلاب اسلامی مبنی بر اینکه جمهوری اسلامی، امتداد راه امام خمینی (ره) است، افزود: وقتی ایشان فرمودند که این انقلاب بی نام خمینی (ره) در هیچ کجای جهان شناخته شده نیست، نشان دهنده آن است که رهبری شهید ما، همان مسیر رهبری امام خمینی (ره) را ادامه دادند. وی با بیان اینکه امام خمینی (ره) احیاگر اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله) بوده است، افزود: امروز ما نشانه های انقلاب خمینی کبیر را در ملت مبعوث شده می بینیم که با وجود همه سختی ها و غم ها، با وجود فشارها و شهادت های متعددی که دیدند، پای کار کشور خود آمدند در حالیکه یادگارهای رهبر شهید را در دست دارند. عضو هیات علمی دانشگاه تهران یکی از یادگارهای رهبر شهید را پرچم مقدس ایران دانست و افزود: فرهنگ حفاظت از نقاط قوت ایران به عنوان کشور پرچمدار مقاومت و عدم وادادگی نسبت به سلطه گران را رهبر شهید در ادامه راه امام خمینی (ره) به مردم ما یاد دادند و این هم یکی از یادگارهای ایشان است.

ملت مبعوث شده به قله نزدیک است

وی بیان کرد: وقتی رهبر شهید می فرمود که ما به قله نزدیکیم، مسائلی را می دیدند که ما امروز ظرفیت آن را در ملت مبعوث شده می بینیم که واقعا این ملت به قله نزدیک است. سقای بی ریا تأکید کرد: به نظر من جهان یک بار دیگر، تصویری شگفت انگیز را خواهد دید و جهان دوباره نظاره گر اتفاقی تاریخی همانند تشییع امام خمینی (ره) خواهد بود، با این تفاوت که این ملت اکنون بیشتر از سال ۶۸ رشد کرده است. وی با تأکید بر اینکه ملت ایران اکنون میراث بزرگی از معنا درباره مفهوم مجاهدت را با خود دارد، افزود: ملت مبعوث شده ایران، این میراث فکری و معنوی را مثل نظام مقدس جمهوری اسلامی، پرچم مقدس ایران و جبهه مقاومت، در کنار ولی فقیه جدیدمان، حفظ خواهد کرد. عضو هیات علمی دانشگاه تهران خاطر نشان کرد: معجزه جدیدی را در مراسم تشییع رهبر شهید خواهیم دید که روح تازه ای به حرکت مجاهدانه آزادگان جهان، می دمد.



امروز ما نشانه های

انقلاب خمینی کبیر را

در ملت مبعوث شده

می بینیم که با وجود

همه سختی ها و غم ها،

با وجود فشارها و

شهادت های متعددی

که دیدند، پای کار کشور

خود آمدند در حالیکه

یادگارهای رهبر شهید را

در دست دارند.



گفتگو با عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی:

تشییع رهبر شهید خون جدیدی وارد اندام امت مبعوث شده خواهد کرد

حجت الاسلام محمد جواد رودگر، عضو هیات علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی با اشاره به اینکه منطق شهید، منطق حیات و حرکت است، گفت: به یقین تشییع رهبر شهید ما، خون جدیدی وارد اندام امت مبعوث شده و رگ های نظام اجتماعی و سیاسی کرده و خواهد کرد.

حجت الاسلام محمد جواد رودگر، عضو گروه عرفان و معنویت پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در گفتگو با پژوهشگاه علوم و معارف انقلاب اسلامی با اشاره به اینکه انقلاب اسلامی ایران در سیر استکمالی خود، ۲ مرحله پیروزی انقلاب و نظام اسلامی را پشت سر گذاشته، اظهار کرد: انقلاب اسلامی، در ادامه مسیر خود، سه مرحله دیگر نیز خواهد داشت. مرحله سوم، تشکیل دولت اسلامی، مرحله چهارم، تشکیل جامعه اسلامی و مرحله پنجم، تشکیل تمدن اسلامی نوین خواهد بود.

رهبری آیت الله سید مجتبی خامنه‌ای در سیر استکمالی نظام اسلامی است

وی با بیان اینکه امام و قائد شهید ما این مراحل پنجگانه را در یک طرح کلی، بیان و تبیین کرده‌اند، افزود: این مراحل استکمالی است و در طول هم قرار دارند که متکی بر یک منطق قویم و غنیم تحت عنوان «نظام امامت و امت» قرار دارند.

حجت الاسلام رودگر توضیح داد: در نظام امامت و امت، اینگونه نیست که وقتی یک امام از دنیا می‌رود، انقلاب وارد مرحله‌ای ضد مرحله قبلی می‌شود. پس از رحلت امام خمینی علیه السلام، نظام امامت و امت با رهبری آیت الله العظمی سیدعلی حسینی خامنه‌ای، به ضد خود تبدیل نشد، بلکه آن رهبری و آن امامت و ولایت در طول امامت و ولایت پیشین و در مقام سیورورت و تصعید تکاملی خود قرار گرفته و بصورت پویا و پایا به حرکت استعلائی و استکمالی خود ادامه داد.

وی ادامه داد: همانطور که رهبر قائد شهید امت در امتداد رهبری امام خمینی علیه السلام بود، اکنون نیز رهبری آیت الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای نیز در امتداد رهبری قائد شهید ماست که در واقع در همان «نظام امامت و امت» و در سیر استکمالی و استعلایی خود، قابلیت تبیین و تحقق دارد.

عضو هیات علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی توضیح داد: در نتیجه اینطور نیست که با تشییع رهبر شهید، نظام جمهوری اسلامی با یک رهبری جدید و با سیاق، صباغ، مبنا و منطق جدیدی ضد منطق قبلی پیش خواهد رفت. به این معنا که این دوره از انقلاب اسلامی، یک دوره تاریخی جدید و منقطع از ادوار متقدم و پیشین خود نیست که هیچ ارتباطی به مراحل قبلی، نخواهد داشت، در عین حال با یک نگاه عمیق تر و رو به جلو، می‌تواند گفت که دوره نوین پیش روی پایان یک مرحله و آغاز یک مرحله دیگری، در طول مرحله پیشین می‌باشد تا آرمان‌های انقلاب شکوهمند اسلامی تا تشکیل تمدن نوین اسلامی شکل و شاکله بگیرد.

تشییع رهبر شهید با نگاه تمدنی در مسیر رسیدن به تمدن نوین اسلامی است

وی ادامه داد: بنابراین حتی تشییع پیکر مطهر رهبر شهید در دل همان قاعده قویم و اصل اصیل «نظام امامت و امت» و با نگاه تمدنی صورت خواهد گرفت؛ به این معنی که نوع نگاه و اندیشه از یک سو، منش و گرایش از سوی دیگر و کنش و عمل عینی آن در مقام حضور اجتماعی میلیونی و فعال جامعه اسلامی و دوستداران امام شهید، از طرف دیگر، براساس همان سیر استکمالی تمدن نوین اسلامی خواهد بود.

حجت الاسلام رودگر بیان کرد: مردم و امت مبعوث شده‌ای که تربیت یافته در نظام تربیتی انقلاب و نظام اسلامی و به تعبیر دیگر امامین انقلاب و نظام اسلامی هستند، براساس اولای معرفت و بصیرت، ثنایا صبر و پایداری راهبردی، ثالثا مقاومت و تاب‌آوری مستمر و رابعا

رسمت نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

■ فصل اول

تداوم اصل امامت و ولایت، انقلاب اسلامی را وارد یک مرحله تکاملی جدید و نوینی خواهند کرد.

وی با اشاره به اینکه نظریه مندرج در کتاب «انسان ۲۵۰ ساله» قائد شهید یک حقیقت واحد دارای مراتب است، افزود: براساس همین نظریه، در اینجا هم از امام خمینی (ره) تا امام سیدعلی خامنه‌ای و آیه الله سیدمجتبی خامنه‌ای یک حقیقت واحد ذومراتب است که این مرحله جدید مترتب بر مرحله قبلی و مرحله قبلی مترتب بر مرحله اولیه انقلاب اسلامی و تشکیل نظام جمهوری اسلامی بوده و خواهد بود.

عضو هیات علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی ادامه داد: این منطق بر تشیع رهبر شهید عزیز ما از سوی ملت و امت مبعوث شده، حاکمیت دارد.

■ منطق شهادت، منطق حیات و حرکت است

وی با اشاره به اینکه منطق شهید، منطق حیات و حرکت، منطق پویایی و پایایی و منطق زنده‌تر شدن و باطراوت شدن جامعه اسلامی است، افزود: بنابراین به یقین تشیع رهبر شهید ما، خون جدیدی وارد اندام امت مبعوث شده و رگ‌های نظام اجتماعی و سیاسی خواهد کرد، همانطور که دقیقاً پس از شهادت قائد شهید ما، جامعه یک تحول دوباره، یک زایش جدید و یک تولد نوینی پیدا کرد که هم در جامعه خودمان، این تولد نور احساس می‌کنیم و هم در جهان بیرونی که ناظر بر جامعه و امت مبعوث شده ماست، که چنین نگاهی به زایش جدید جامعه ما دارد.

■ تشیع رهبری شهید، نسبت تام با آینده انقلاب اسلامی دارد

حجت الاسلام رودگر توضیح داد: بنابراین به نظر می‌رسد که اساساً تشیع رهبری شهید، نسبت تام و تمام با آینده انقلاب و نظام اسلامی، در حرکت به سمت تشکیل دولت اسلامی، جامعه اسلامی و تمدن نوین اسلامی دارد.

وی با تأکید بر اینکه در تشیع پیکر رهبر شهید و دیگر شهدای خانواده عزیز و گرانمایه ایشان، رستاخیزی نو و جدید شکل خواهد گرفت، گفت: چنانکه در اصل شهادت ایشان، تحول عمیق معرفتی، معنوی و اجتماعی شکل گرفت، در تشیع پیکر مطهر ایشان نیز چنین تحول و تعالی وجودی شکل خواهد گرفت.

عضو هیات علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی ادامه داد: در این آیین باشکوه، دل‌ها داغ دیده است، قلوب آکنده از حزن و اندوه و چشم‌ها اشکبار خواهد بود، اما گریه‌های عقلی، حماسی، انقلابی و مبتنی بر آگاهی و بصیرت است و اشک‌ها براساس یک آرمان و ایده بر گونه مردم جاری می‌شود.

وی تصریح کرد: به نظر می‌رسد تشیع پیکر رهبر شهید، در واقع حرکتی جدید به سمت تحقق تمام ایده‌ها و گفتمان‌ها و جریان‌سازی‌هایی است که قائد شهید ما در طول حدود چهار دهه رهبری خود، این مفاهیم را خلق کردند.



به نظر می‌رسد که اساساً

تشیع رهبری شهید،

نسبت تام و تمام با آینده

انقلاب و نظام اسلامی،

در حرکت به سمت

تشکیل دولت اسلامی،

جامعه اسلامی و تمدن

نوین اسلامی دارد.



خون قائد شهید منجر به تحول همگانی و حتی تحولی فراملی و بین المللی خواهد شد

حجت الاسلام رودگریان کرد: حرکت علمی و عمومی جامعه، اگر به درستی تدبیر و مدیریت شود و مردم در صحنه، رسالت و وظایف اصلی خود را، مانند گذشته، در عرصه های گوناگون انجام دهند، به یقین آیین تشییع رهبر شهید و خون قائد شهید منجر به تحول همگانی و حتی تحول سیاسی ملی و فراملی و بین المللی می شود.

وی با تأکید بر اهمیت تأثیر خون شهید بر جامعه، افزود: چه بسا اگر رهبر شهید ما به طور طبیعی از دنیا می رفتند، چنین اتفاقی رقم نمی خورد اما شهادت ایشان و پس از آن پیوند نو و ناگسستنی که اکنون بین امت و امام جامعه، برقرار شده، در دوران ولایت آیت الله سیدمجتبی خامنه ای عزیز سلمه الله تعالی نیز شکل و شاکله و ماده و صورت خود را پیدا خواهد کرد. عضو هیات علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی خاطر نشان کرد: همانطور که نهضت حسین بن علی علیه السلام و شهادت ایشان و یاران باوفایشان و علی الظاهر اسارت خاندان عصمت و طهارت و اهل بیت سیدالشهدا علیه السلام، منشأ تحولی بنیادین و جهانی شد و بر تارک تاریخ درخشید و همواره در تمام قرون گذشته، طراوت و زنده بودن خود را آفریده، در اینجا نیز از باب تنظیر و البته بیان واقعیت مساله شهادت امام شهید و تشییع پیکر ایشان، دقیقاً در همان راستا و در طول قیام کربلا و عاشورا، چنین نتایج و ثمراتی را به دنبال خود خواهد داشت.



گفتگو با عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس:

تشییع رهبر شهید، مرحله‌ای جدید برای امت مبعوث شده به شمار می‌آید

خدیجه احمدی بیغش، عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس با اشاره به اینکه امت مبعوث شده امتی است که برای هدف نهایی الهی، یعنی برقراری عدالت و دوری از ظلم به پا خاسته، گفت: امت مبعوث شده، منفعل نیست و حرکت دارد و بنابراین مراسم تشییع رهبری شهید، شروع یک مرحله جدید از بیداری امت مبعوث به شمار خواهد آمد.

رهت نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

فصل اول



وقتی آرمان و هدف
نهایی الهی، بعثت امت
است، قائد امت هم یک
نقش عملیاتی دارد که
می تواند مردم را از دل
رکود و ایستایی و انفعال
بیرون آورد و آنها را به
یک امت مبعوث شده،
فعال و کنشگر تبدیل
کند.

خدیجه احمدی بیغش، عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس در گفتگو با سایت پژوهشگاه علوم و معارف انقلاب اسلامی با اشاره به اینکه قائد امت، صرفاً یک جایگاه سیاسی نیست، اظهار کرد: این واژه، بار معنایی مهمی دارد و نشان دهنده ادامه مسیر بعثت پیامبران الهی است.

وی با بیان اینکه هدف از بعثت پیامبران به ویژه پیامبر اسلام این بود که جامعه به سمت عدالت و بارهبری ولی خدا حرکت کند، افزود: غایت نهایی این بود که جامعه‌ای از مردم مبعوث شده براساس بعثت انبیای الهی شکل بگیرد.

احمدی بیغش ادامه داد: وقتی آرمان و هدف نهایی الهی، بعثت امت است، قائد امت هم یک نقش عملیاتی دارد که می تواند مردم را از دل رکود و ایستایی و انفعال بیرون آورد و آنها را به یک امت مبعوث شده، فعال و کنشگر تبدیل کند.

ربعت نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

■ فصل اول

بعثت امت یعنی برای مبارزه با ظلم به پا خاسته است

وی امت مبعوث را امتی معرفی کرد که در برابر ظلم و ستم ایستادگی می کند و گفت: تلاش امت بعثت یافته این است که حق را جاری کند و برای عدالت و دوری از ظلم به پا خاسته باشند و برای حق طلبی و دوری از ظلم، اقدام کرده و کف میدان باشند.

عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس با بیان اینکه به همین دلیل است که امت مبعوث شده، بعد از شهادت رهبر شهید، در میدان حضور دارند، افزود: قائد شهید ما براساس تعالیمی مانند جهاد، استکبارستیزی، ظلم ستیزی و دیگر مفاهیمی که در فرمایشات ایشان دائماً می شنیدیم، امت و ملت مبعوث شده را تعریف کرده و مدتی قبل از شهادت، نوید بعثت امت را دادند. وی توضیح داد: البته اینطور نبود که ایشان یک سخنرانی بگویند که بالاخره ملت مبعوث می شود، بلکه این مردم مبعوث را ایشان در سال های رهبری خود، تربیت کرده بودند و این تربیت براساس مفاهیم الهی و معانی عمیق نشأت گرفته از دین اسلام بوده است.

ملت ایران در سیر تربیتی قائد شهید امت قرار دارد

احمدی بیغش بیان کرد: امت مبعوث شده براساس همین قاعده، بیدار می شود و منتظر اتفاقی بیرونی یا معجزه نمی ماند، دیگر منفعل نیست، بلکه خود امت کنشگری می کنند و در کف میدان حضور می یابند. وی ادامه داد: اگر برای تشییع رهبر شهید، این سیر تربیتی را برای ملت ایران در نظر بگیریم، با توجه به تربیت سیاسی که ملت از خامنه ای شهید دریافت کرده، تشییع رهبری دیگر صرفاً یک نماد عرفانی و اجتماعی نیست، یا مثلاً یک مساله صرف عزاداری نیست، بلکه تجلی عینی از حقیقت امت مبعوث خواهد بود؛ یعنی نماد برخاستن، قیام امت. عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس با اشاره به شعار «باید برخاست» به عنوان محوری مراسم تشییع رهبری شهید و خانواده شهید ایشان، گفت: این درواقع شعار امت مبعوث است که ایستایی ندارد، می ایستد، اقدام می کند و نسبت به مسائل اطراف خود بی توجه نیست.



تشییع رهبری شهید تأیید جمعی برای ادامه مسیر ایشان است

وی تشییع رهبری شهید را یک امضا و تأیید جمعی برای ادامه مسیر ایشان دانست و افزود: بعثت امت با پیوند بین مردم و امام مردم می تواند مسیر مقاومت و جهاد را هموارتر کند و یک برانگیختگی را برای امت به همراه داشته باشد.

احمدی بیغش ادامه داد: حضور مردم در مراسم تشییع، تجلی عینی امت مبعوث شده است که با حرکت خود اعلام می کنند که با حقیقت بعثت و مسیر توحید همراه هستند و بارهبر خود بیعت می کنند که این مسیر را ادامه دهند. وی با تأکید بر اینکه بیعت مردم با اندیشه رهبر شهید انقلاب اسلامی در روز تشییع به اوج خود می رسد، افزود: در تعالیم دینی به ما آموخته شده که شهادت یک نوع زندگی و تداوم حیات

حضور مردم در مراسم

تشییع، تجلی عینی

امت مبعوث شده است

که با حرکت خود اعلام

می کنند که با حقیقت

بعثت و مسیر توحید

همراه هستند و بارهبر

خود بیعت می کنند که

این مسیر را ادامه دهند.



و البته بهترین نوع مرگ است و با این نگاه، در واقع مراسم تشییع شهید والا مقام، یک نوع حرکت برای امت محسوب می شود.

■ **ما در مسیر همان قله ترسیم شده توسط رهبری شهید قرار داریم**

عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس ادامه داد: تشییع رهبر شهید برای جامعه برانگیخته شده، به مثابه برای قرار گرفتن در مسیر همان قله ای که مقام معظم رهبری شهید بارها برای ما ترسیم کردند. وی با اشاره به اینکه جنبه های علمی و اجتماعی متعددی در این حرکت امت مبعوث شده، مشاهده خواهد شد، افزود: این مراسم تبدیل به قدرتی می شود که می تواند غم را تبدیل به یک حرکت اجتماعی عظیم مردم کند. این حرکت در ادامه همان حرکتی است که خون اباعبدالله الحسین (علیه السلام) رقم زد و همه شهدای ما در طول تاریخ در همین حرکت قرار می گیرند. احمدی بیغش ادامه داد: در طول تاریخ، هر زمان یک شهادت عظیم رقم می خورد، این نوع مرگ، یک تحول عظیم را در تاریخ ایجاد می کرد؛ یعنی سکوی پرشی برای قدرت یافتن حرکت امت های مبعوث شده بود. وی خاطرنشان کرد: امتی که بارها برای رقم زدن تمدن اسلامی انتخاب شده و باید این مسیر را طی کند، اکنون در آیین تشییع مقام معظم رهبری شهید، دوباره برای همین مأموریت اقدام می کند. بنابراین این مراسم یک مسیر را کد نیست، بلکه شروع یک مرحله جدید از بیداری امت مبعوث به شمار خواهد آمد.



گفتگو با دکتر اکبر اشرفی، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران

خون خواهی رهبر شهید با ادامه راه او معنا پیدا می کند، نه صرفاً انتقام

رهبریت نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

■ فصل اول



دکتر اکبر اشرفی، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران، تشییع رهبر شهید را فراتر از یک آیین سوگواری می‌داند و معتقد است این مراسم، «بیعتی جدید با نظام جمهوری اسلامی، رهبر جدید انقلاب و آرمان‌های امام شهید» است. به گفته او، خون‌خواهی رهبر شهید پیش از هر چیز در عمل به آرمان‌های ۳۷ ساله ایشان معنا می‌یابد و حضور میلیونی مردم می‌تواند آغاز مرحله‌ای تازه برای استمرار مکتب فکری و تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی باشد.

جناب دکتر چرا واکنش مردم به شهادت و تشییع رهبر شهید صرفاً یک سوگواری نخواهد بود بلکه یک بعثت جدید و نوین برای ملت ایران محسوب میشود؟

تشییع رهبر شهید انقلاب اسلامی یک موضوع در واقع ملی و سیاسی مذهبی و در واقع همچنان که شما اشاره کردید صرفاً یک بحث سوگواری نیست بلکه یک نوع بیعت جدید با نظام جمهوری اسلامی ایران و تأکیدی است بر استمرار راه امام شهیدمان و همچنین ادامه نظام جمهوری اسلامی و بیعتی است با رهبر جدید انقلاب اسلامی ایران و در مجموع یک نوع اعلام پشتیبانی عموم ملت و مردم ایران از نظام جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با تمام مشکلات، تهاجمات و تهدیدهایی که بخواند انقلاب اسلامی را تهدید کند بنابراین بسیار مهم و حیاتی است و صرفاً یک حرکت سوگوارانه نیست. گرچه که سوگواری هم هست به هر حال مادر شهادت رهبر عزیزمان سوگواریم ولی این تشییع و حرکت و حضور میلیونی مردم در این مراسم با عظمت یک بعد سیاسی مذهبی دینی و امنیتی مهم هم دارد.

خون خواهی رهبر شهید به چه معنایی است و چطور تشییع از یک مراسم وداع می تواند به آغاز یک نهضت خونخواهی رهبر شهید انقلاب اسلامی تبدیل شود؟

در واقع می تواند به مفهوم عمل به توصیه های ایشان باشد ما در دنیا کسی را در میان دشمنانمان نداریم که بخواند مقابل خون رهبر عزیز ما باشد. هزاران نفر از ترامپ و نتانیاهو و همه اینها را جمع کنند در واقع به اندازه یک کفش رهبر شهید ما اندیشه ندارد بنابراین خون خواهی به این مفهوم نیست که معادل ایشان یک نفر را از آنها ملت ایران یا نظام جمهوری اسلامی یا مجموعه مستضعفان عالم بخواند مثلاً قصاص کنند یا از بین ببرند گرچه به نظر من همچنان اگر دست کسی برسد شبیه حکمی که حضرت امام در باب سلمان رشدی دادند تک تک مسلمانان اگر بتوانند در واقع نسبت به کسانی که عامل بودند و دستور شهادت امام شهید را دادند قصاص شود.

تک تک آنها را هر کسی از مسلمانان بتواند به نظر من و بر اساس مبانی که حضرت امام داشتند باید قصاص کند. ولی خون خواهی رهبر شهید ما فقط محدود به احتمالاً ترور یا کشتن یکی از این آدم های جنایتکاران نیست بلکه در واقع عمل به آرمانی که رهبر عزیز ما ۳۷ سال عملاً با آن آرمان ملت ایران را رهبری کردند. و این آرمان ها را چه کتبی چه شفاهی در محور بحث حمایت از نظام جمهوری اسلامی گسترش دادند، این حرکت و حرکت به سوی تمدن نوین اسلامی که البته مقتضاهایی من جمله اخراج بیگانگان از منطقه غرب آسیا و مبارزه با آمریکا از تمام ابعاد اقتصادی نظامی فرهنگی و سیاسی دارد یک جریان مستمر تاریخی مقابله در اسلام و حق باطل است.



ما در دنیا کسی را در
میان دشمنانمان نداریم
که بخواند مقابل خون
رهبر عزیز ما باشد.
هزاران نفر از ترامپ و
نتانیاهو و همه اینها را
جمع کنند در واقع به
اندازه یک کفش رهبر
شهید ما اندیشه ندارد



تشیع رهبر شهید چطور میتواند به بازخوانی احیای استمرار مکتب فکری و سیاسی رهبر شهید منجر شود؟

حضور مردم در این تشیع با شکوه به نوعی اعلام وفاداری به این مکتب است و هر چقدر این مکتب بیشتر معرفی شود هم به مخاطبین داخلی ایرانی و هم به مخاطبین خارجی و منطقه و فرامنطقه ای بیشتر گسترش می یابد، در واقع مخاطبین و مردم به مبانی مکتب و چیستی و ماهیت آن توجه بیشتری پیدا می کند و همچنین پژوهشگران و نویسندگان دانشگاه ها اگر یک حرکت عظیم و بزرگی را ببینند برای بررسی و پیدا کردن ریشه های فکری این حرکت و مکتب می روند که همین بررسی ریشه های فکری این حرکت میتواند تبیین مکتب فکری امام شهید ما را در پی داشته باشد و به نظرم اگر کسی از نویسندگان و پژوهشگران توانایی بررسی و پیگیری و احیای مکتب رهبر شهید را دارد، این یک وظیفه ملی و دینی است که برای بررسی و تبیین مکتب فکری ایشان تلاش کنند.

آیا تشیع رهبر شهید می تواند پایان یک دوره تاریخی باشد یا مرحله جدیدی برای تحقق آرمان های انقلابی که رهبر شهید سال های سال نسبت به آنها اهتمام داشتند خواهد بود؟

بله چنین حرکتی را مادر تشیع میلیونی حضرت امام خمینی در سال ۱۳۶۸ دیدیم که در واقع شروع یک حرکت جدید البته در ادامه حرکت قبلی بود. تشیع با شکوه رهبر شهید هم ادامه مکتب و راه قبلی که ایشان آغاز کردند، است. در واقع طی چهار دهه آن را پیمودند و این شروع جدیدی است یعنی حضور میلیونی مردم یک شروع با انرژی جدید برای مسیر مقدس نظام جمهوری اسلامی ایران و استمرار دین مبین اسلام است به همراه بیعتی که با رهبر جدیدمان و تجدید بیعت با آرمان ها به دنبال داشته است.



در گفتگو با دکتر لاله افتخاری، استاد علوم و حدیث و نماینده اسبق مجلس مطرح شد:

تشیع رهبر شهید، بعثتی جدید برای ملت ایران است

شهادت رهبر انقلاب در شرایط حساس کنونی، جامعه را در موقعیتی متفاوت از دوران رحلت امام خمینی ره قرار داده است؛ موقعیتی که به تعبیر دکتر لاله افتخاری، مردم خود را در حالت جنگی و موظف به ایستادگی مقتدرانه در برابر دشمن می‌بینند. استاد علوم و حدیث و نماینده اسبق مجلس در این گفتگو تأکید می‌کند که تفاوت اصلی این برهه با سال ۶۸ در این است که مردم اکنون نه فقط در قامت یک عزادار، بلکه در نقش خون‌خواه رهبر خویش به میدان آمده‌اند و با حضور هر شب خود در خیابان‌ها، بعثتی جدید و بیعتی مداوم را با آرمان‌های انقلاب و رهبری جدید رقم می‌زنند تا ثابت کنند این راه بدون هیچ تزلزلی ادامه خواهد داشت.

چرا واکنش مردم به شهادت و تشییع رهبر شهید صرفاً یک سوگواری نخواهد بود، بلکه یک بعثت جدید برای ملت ایران تلقی خواهد شد؟

اکنون ما در شرایطی قرار داریم که مردم هم رهبرشان را از دست دادند و هم غیرت و غرور ملیشان جریحه دار شده است و در حقیقت غیرتشان به جوش آمده؛ برای اینکه رهبری مثل پدر است و مردم منتقم خون رهبر هستند و کوتاه هم نمی آیند، نباید هم کوتاه بیایند چون کم هزینه نکردند.

و اگر تا حالا صبر کردند و عزاداری های آن را انجام ندادند به خاطر این است که در مقابلشان دشمن است؛ برای اینکه دشمن شاد نشود و سعی کردند خودشان را قوی نشان بدهند و مقاوم و خون خواه پدر قرار بدهند نه عزادار پدر؛ یعنی عزاداری وقت خودش را دارد و مردم همچنان محکم و قوی در مقابل دشمن ایستادند و در حقیقت کمر دشمن را شکستند.

این بعثت برای مردم بسیار بسیار مهم است؛ چرا که کمک می کند به اینکه هم در مقابل دشمن اقتدار خودشان را نشان بدهند و هم از جایگاه رهبری دفاع کنند. مردم در این شب ها کوتاهی نمی کنند؛ از پرچمی که در بیش از ۱۱۰ شب زمین نماند تا عکس رهبر شهید که از دست مردم پایین نیامد و صلابت و ایستادگی در خیابان موازی با میدان و کارهای دیگری که انجام می دهند و شعارها و مداحی هایی که مداحان ما دارند، همه نشان دهنده این است که مردم خودشان را در یک حالت جنگی احساس می کنند و قوی و مقتدر ایستادند.

در سال ۶۸ وقتی حضرت امام علیه السلام به رحمت خدا رفتند، در یک شرایطی فوراً تشییع صورت گرفت، عزاداری و همه این ها بود؛ چرا که با دشمن روبرو نبودند که نیاز باشد در خیابان هم ایستادگی کنند و غم خودشان را نشان ندهند و به این صورت جنگ نبود. الان تفاوت دارد و قطعاً تشییع رهبر شهید یک تشییع حماسی خواهد بود.

اشاره فرمودید به بدرقه تاریخی امام خمینی علیه السلام؛ چه شباهت های دیگری ممکن است بین بدرقه امام خمینی در سال ۶۸ و تشییع رهبر شهیدمان در سال ۴۰۵ وجود داشته باشد؟ این شباهت را چگونه می شود تحلیل کرد و چه معنایی برای آینده انقلاب خواهد داشت؟

هر دوی این ها یک فقدان را می رساند؛ از یک طرف یک اقتدار نظام و ساختار نظام را می رساند و طرف دیگر از دست دادن رهبر را می رساند. حضرت امام علیه السلام چون اولین تجربه رحلت یک رهبر بود، خیلی برای مردم غافلگیری داشت و خیلی ها در عملکردشان هم همین بود؛ فکر می کردند حضرت امام علیه السلام هم معمار انقلاب و هم رهبر انقلاب است و با رفتن خودشان انقلاب را می خواهند ببرند. ولی آن هایی که درک دقیقی داشتند، خیلی قشنگ پای کار آمدند و همین طور وقتی که در فاصله خیلی کم

رحلت نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

■ فصل اول

رهبر انقلاب، رهبر شهید ما به عنوان رهبر معرفی شدند، مردم تازه فهمیدند که این نظام چه ساختار قوی دارد.

در شهادت رهبر شهید ما، مردم تجربه و سوگ دیگری تجربه کردند و دشمن فکر می کرد دیگر به آن صورت پیش نمی آید؛ اما برخلاف دشمن که فکر می کرد چارچوب نظام در فقدان رهبری و فرماندهان دچار خطا بشود و مردم در غم رهبری قدرت تصمیم گیری و عمل در میدان ندارند، در میدان خیابان ماندند. ولی از این طرف هم یک دل شکستگی هایی داشتند؛ چراکه به هر حال هم رهبر خودشان را از دست دادند و هم در جنگ بودند، احساس می کردند که هر لحظه باید رهبر برایشان صحبت کند و تعیین تکلیف کند، آن هم روز اول جنگ، نه جنگی که یک مدتی از آن گذشته باشد.

بنابراین دیدیم که این چند روزی که رهبر ما شهید شده بودند و هنوز رهبر دیگر انتخاب نشده بودند، مردم در یک حالت به اصطلاح چشم انتظاری به سر می بردند و هم دشمن داشت خیلی برنامه ریزی می کرد.

اما از این طرف مردم چون رهبر شهید ما وعده مبعوث شدن مردم را داده بودند و بعد از شهادت آن هم به این صورت، با این طریق، با خانواده و در محل کار و روز ماه رمضان شهادتشان صورت گرفت، مردم خونشان به جوش آمد و به نحوی پای کار ایستادند. بنابراین شباهت هایش این است که در هر دو حالت رهبر از دست دادند و فقدان هر دو برایشان خیلی سخت بود؛ اما تفاوت هایش در این است که به هر حال فقدان رهبر شهید در شرایطی بود که ما در حالت جنگ بودیم در حالی که در زمان رحلت امام در حالت صلح بودیم و ابتدای انقلاب بود و مردم اول راه بودند، یعنی ظاهراً جنگی نبود؛ ولی بعد از شهادت رهبرمان مردم مبعوث شدند و مجدد با آرمان های انقلاب بیعت کردند.

وجه اشتراکش هم این است که رهبری انتخاب شد که بعد از رحلت حضرت امام راه انقلاب را ادامه داد و بعد از شهادت حضرت آقا هم رهبری انتخاب شد که مورد قبول مردم بود؛ رهبری که توانمندی دارند و همسو با رهبر قبلی، ذوب در قبل رهبر قبلی هستند. به هر حال مردم بدانند که این راه بدون هیچ تزلزلی ادامه پیدا خواهد کرد.

بیعت با آرمان های انقلاب در زمان حضرت رحلت امام علیه السلام با حضرت آقا، رهبر شهید ما، در همان عزاه و مراسمی که مردم برای حضرت امام می گرفتند صورت می گرفت و بعد هم در قالب شعارها و دیگر مراسمات؛ اما این بیعت الان هر شب دارد انجام می شود و این بیعت هر شب دارد احیا می شود. ولی زمان حضرت امام علیه السلام افرادی خوب ریزش کردند، افرادی هم رویش داشتند به خاطر اینکه فکر می کردند که انقلاب با امام آمده و با امام تمام می شود یا مثلاً به نحوی توقف کردند؛ در حالی که خود حضرت امام فرموده بودند که پشتیبان ولایت فقیه باشید تا به مملکت شما آسیبی نرسد، نه پشتیبان من ولی فقیه. الان مردم پای کار ایستادند و با بیعت هر شب و هر روز خودشان پای کار آمدند و خود این ها خون خواه رهبر شدند. تفاوت دیگر در این بود که حضرت امام با مرگ طبیعی رحلت کردند، اما حضرت رهبر شهید ما با شهادت رفتند و برای همین مردم خون خواه رهبر هستند.



بیعت با آرمان های

انقلاب در زمان حضرت

رحلت امام ربانی با حضرت

آقا، رهبر شهید ما، در

همان عزاه و مراسمی

که مردم برای حضرت

امام می گرفتند صورت

می گرفت و بعد هم در

قالب شعارها و دیگر

مراسمات؛ اما این بیعت

الان هر شب دارد انجام

می شود و این بیعت هر

شب دارد احیا می شود.



جامعه‌شناسی سیاسی تشیع و خون‌خواهی در سنت ایرانی



دکتر مجتبی رستمی کیا

دکتر الهیات

■ سوگواری به مثابه فناوری اجتماعی و خونخواهی در سنت ایرانی

سوگواری در فرهنگ ایرانی-شیعی هرگز صرفاً یک مراسم عاطفی و فردی نبوده، بلکه «فناوری اجتماعی» پیچیده‌ای است که کارکردهای سیاسی و جمعی عمیقی دارد. سنت مرثیه‌خوانی (مَداحی) در ایران، ریشه در فرهنگ حماسی پیشااسلامی (اسطوره سیاوش) دارد و در دوره صفویه به عنوان آیینی سیاسی نهادینه شد. در دوران پهلوی، سرکوب این آیین‌ها سبب شد که سوگواری به عرصه‌ای برای مبارزه سیاسی تبدیل شود و پس از انقلاب اسلامی، دولت متأله از آن در بحران‌های سیاسی و فرهنگی مانند جنگ ایران و عراق استفاده کرد.

نکته کلیدی این است که خونخواهی در این سنت، مفهومی فراتر از درخواست قصاص فردی دارد. همان گونه که در رویدادهای معاصر نیز مشاهده شده، شهادت یک رهبر، موجی از شعارهای «خون به خون» را برمی انگیزد که حاکی از عزم جمعی برای تداوم راه و پاسخ گویی به دشمن در سطحی راهبردی است. برافراشتن پرچم سرخ در اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران، که نماد خونخواهی است، تأکیدی بر این معناست که سوگواری، سرآغاز یک نهضت محسوب می شود، نه پایان یک وداع.

تشییع به مثابه آغاز نهضت خونخواهی؛ از وداع تا بعثت

بر اساس پژوهش های معاصر در حوزه مطالعات فرهنگی و رسانه، سوگواری در ایران قابلیت های «ضدسلطه گرانه» دارد و می تواند فضایی برای ظهور سیاسی و بازتعریف مناسبات قدرت ایجاد کند. در این چارچوب، تشییع رهبر شهید را باید «عملی عاطفی سیاسی» تلقی کرد که از سوگ فردی فراتر رفته و به بازآفرینی حافظه جمعی و مشروعیت سازی سیاسی می انجامد.

نحوه تبدیل تشییع به نهضت خونخواهی را می توان در سه سطح تحلیل کرد: سطح عاطفی: حضور جمعی و گریستن، پیوندی عمیق و «صمیمیت» ایجاد می کند که از چارچوب های رسمی فراتر رفته و انگیزه ای جمعی برای کنشگری سیاسی پدید می آورد. سطح حافظه ای: همان گونه که واقعه کربلا در سنت شیعه، «حافظه فرهنگی» را بازآفرینی می کند، تشییع رهبر شهید نیز مکتب فکری او را در بستر آیین های سوگواری، بازخوانی و تثبیت می سازد.

سطح سیاسی: دولت با نظارت بر محتوای مراسم ها و تأکید بر روایت های «مورد تأیید»، از سوگواری به عنوان ابزاری برای تحکیم ایدئولوژی و بازتولید مشروعیت نظام استفاده می کند.

این سه سطح — عاطفی، حافظه ای و سیاسی — به طور هم زمان و در تعاملی دیالکتیکی با یکدیگر عمل می کنند و تشییع رهبر شهید را به پدیده ای چندلایه تبدیل می سازند که در آن، سوگ فردی به کنش جمعی، حافظه به ایدئولوژی، و عاطفه به مشروعیت بدل می شود. در این فرآیند، «صمیمیت» حاصل از حضور و گریستن جمعی، بستری عاطفی فراهم می آورد که بازآفرینی حافظه فرهنگی در آن نه یک روایت خشک و رسمی، بلکه تجربه ای زیسته و ملموس می شود. این تجربه زیسته، به نوبه ای خود، زمینه ساز پذیرش و درونی سازی روایت های سیاسی مورد تأیید دولت می گردد و بدین ترتیب، سوگواری از یک آیین صرفاً مذهبی-عاطفی به «فناوری سیاسی تمام عیار» تبدیل می شود که در آن، خون خواهی به مثابه یک «ضرورت اخلاقی-سیاسی» بازتعریف می گردد. آنچه این فرآیند را از دیگر اشکال بسیج سیاسی متمایز می سازد، هم ذات پنداری عاطفی-تاریخی مخاطبان با رویداد است؛ به گونه ای که شرکت کنندگان در تشییع، خود را نه صرفاً «سوگوارانی» برای فقدان تازه، بلکه «وارثانی» برای مسئولیتی تاریخی می یابند که در آن، وداع با پیکر شهید،



بر اساس پژوهش های

معاصر در حوزه

مطالعات فرهنگی و

رسانه، سوگواری در

ایران قابلیت های

«ضدسلطه گرانه» دارد

و می تواند فضایی

برای ظهور سیاسی و

بازتعریف مناسبات

قدرت ایجاد کند.

سرآغاز پیمانی دوباره باره اوست و اشک، نه پایان سوگ، بلکه آغاز حرکتی جمعی در امتداد همان مسیری است که او ترسیم کرده بود. بدین سان، تشییع رهبر شهید را باید آیین انتقال قدرت عاطفی به قدرت سیاسی تلقی کرد؛ آیینی که در آن، مرگ یک رهبر، نقطه‌ی پایان فردیت او و آغاز زیست جمعی مکتب او در حافظه و کنش یک ملت می‌شود.

■ بازخوانی و استمرار مکتب فکری از مسیر تشییع

پژوهش‌ها نشان می‌دهد که سنت سوگواری در ایران، نقشی بنیادین در حفظ و انتقال حافظه جمعی و بازآفرینی گفتمان سیاسی داشته است. تشییع رهبر شهید، به عنوان یک «مراسم آیینی»، بستری برای هماهنگ‌سازی روایت‌ها از طریق رسانه‌های دولتی و معرفی متون «معیار» درباره شخصیت شهید، ترویج ایدئولوژی رسمی با حضور نمادهای قدرت در بستر مراسم، ایجاد «فضای عمومی صمیمی» که در آن افراد از طریق پیوندهای عاطفی، خود را جزئی از یک پروژه سیاسی بزرگ‌تر احساس می‌کنند، فراهم می‌آورد. بنابراین تشییع نه فقط یک وداع، بلکه آیین تثبیت میراث فکری و سیاسی رهبر شهید و انتقال آن به نسل‌های جدید است.

■ شباهت تاریخی تشییع رهبر شهید و امام خمینی (ره)

شباهت اصلی در ابعاد آیینی-سیاسی این دو رویداد نهفته است. هر دو تشییع، «مراسمی امت‌زا» هستند که در آنها سوگواری به عرصه‌ای برای تجدید بیعت جمعی با آرمان‌های نظام تبدیل می‌شود. با استناد به پژوهش‌های تاریخی درباره آیین‌های مذهبی در ایران، مراسم‌های عاشورایی همواره بستری برای بازتولید «ایدئولوژی ولایت‌پذیری» و مشروعیت‌بخشی به حاکمیت بوده‌اند. این شباهت، نشان‌دهنده استمرار یک الگوی آیینی-سیاسی در نظام جمهوری اسلامی است که در آن سوگواری به عنوان فناوری بسیج اجتماعی و بازتولید مشروعیت عمل می‌کند.

با این حال، شباهت این دو رویداد را نباید صرفاً در «تکرار یک الگو» خلاصه کرد؛ بلکه آنچه این هم‌سانی را از یک بازتولید مکانیکی به یک اقتضای ساختاری ارتقا می‌دهد، «تفاوت ماهوی مخاطب» در این دو مقطع تاریخی است. در بدرقه‌ی امام خمینی (ره) در سال ۱۳۶۸، امت حاضر در تشییع، هنوز «امت انقلابی اولیه» بود که با خاطره‌ی زنده‌ی انقلاب و جنگ نفس می‌کشید و سوگ او را سوگ «پدر بنیانگذار» می‌دانست؛ اما تشییع رهبر شهید در دهه‌ی چهارم انقلاب، با نسلی مواجه است که انقلاب را «زیست» نکرده، جنگ را «ندیده» و حکومت را «مفروض» یافته است. در این بستر، عظمت حضور ده‌ها میلیونی مردم، نه صرفاً نشان‌دهنده وفاداری یک دست یک امت کهنه‌کار، بلکه آزمونی برای کارآمدی همان الگوی آیینی-سیاسی در بازتولید مشروعیت در شرایطی نوین است. از این منظر، تشییع رهبر شهید، افزون بر آنکه خود را در آینه‌ی تاریخی بدرقه‌ی امام بازمی‌شناسد، افق نوین را نیز می‌گشاید: اینکه آیا ساختار آیینی سوگواری در ایران، توانایی «امت‌سازی مجدد» در غیاب رهبر محبوب و در مواجهه با نسلی چندپاره را دارد؟ شباهت بدین ترتیب، تنها یک «تکرار شکوهمند» نیست، بلکه سنجه‌ای برای تاب‌آوری یک نظام سیاسی-مذهبی در انتقال رمزگان مشروعیت‌بخشی خود از نسلی به نسل دیگر است و پاسخ مثبت مردم به این آزمون، آنگاه نه یک هم‌سانی صرف، که تجدید امضای یک قرارداد نانوشته‌ی جمعی میان ملت و نظام خواهد بود؛ قراردادی که در آن، سوگ، نه پایان تعهد، که آغاز تعهدی نوین در شرایطی تازه معنا می‌یابد.



در گفتگو با دکتر شکراله خاکرند، استاد تاریخ دانشگاه شیراز مطرح شد:

تشیع رهبر شهید، رفراندوم وفاداری به مکتب و طلیعه قدرت تمدنی ایران است

رهبریت نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

■ مقدمه



شهادت رهبران بزرگ تاریخ، فراتر از یک سوگواری عاطفی، بستر ساز یک بعثت جمعی و بازخوانی هویت ملی است. دکتر شکرالله خاگرد، استاد تاریخ دانشگاه شیراز، در این گفتگو تبیین می کند که چگونه پیوند میان امام و امت در بستر این شهادت، از جنبه مادی فراتر رفته و به یک انرژی تمدنی تبدیل می شود. او تشییع پیکر رهبر شهید را یک «رفراندوم عمومی» برای تثبیت مکتب فکری انقلاب و آغازگر مرحله ای نوین در عرصه جهانی می داند؛ دورانی که در آن ایران، نه به عنوان یک کشور جزئی، بلکه در قامت یک ابرقدرت نوظهور فکری و تمدنی در برابر مکاتب رو به زوال غربی رخ می نماید.

رجعت نوز

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

■ فصل اول



بفرمایید که چرا واکنش مردم به شهادت و رهبر شهید صرفاً یک سوگواری نیست بلکه یک بعثت جدید و آغاز یک نهضت جدید برای ملت ایران محسوب می شود؟

دکتر خاکرند: به هر حال بحث این است که یک نسبتی بین امام و امت وجود دارد. بله، امت همان مردم اند ولی تربیت شده؛ مردمی که غنی می شوند مثل اورانیوم غنی شده. این غنا وقتی به یک نقطه خاصی می رسد یک شکوفایی می دهد، یک انرژی از آن وارد می شود؛ مثل بذری که تربیت شده و تبدیل به یک درخت تناور پر میوه می شود؛ یعنی این نسبت وجود دارد. طبیعتاً اینجا امت خودش می شود امام یا امامت به تعبیری از امام که یک نفر است، عمومی می شود به کل امت. وقتی از لحاظ شخصیتی، از لحاظ نگاه، از لحاظ منش و روش مثل امام می بینند، مثل امام رفتار می کنند، مثل امام احساس می کنند، این در واقع همان بعثتی است که اتفاق می افتد. در نتیجه اصلاً نسبت این نیست که یک شخصی بوده و ما آن شخصیت را از دست داده ایم، بلکه نسبت یک پیوند است که اصولاً از جنس مادی هم نیست که با رفتن جسم رهبر از بین برود، با در واقع فوت امام از بین برود. این نسبت حتی تعمیق پیدا می کند و این رابطه روح با روح - هم روح امت با روح امام - طبیعتاً در عالی ترین شکلش رخ می دهد. در این حالت که حالا یک وجهش فقط سوگواری است و اشکال عمیق تری از آن بروز ظهور خواهد کرد. در تشییع آقا قطعاً این نسبت و ارتباط امام و امت را خواهیم دید و قطعاً خودش را نشان می دهد و جلوه گر خواهد شد.



امت همان مردم اند
ولی تربیت شده؛ مردمی
که غنی می شوند مثل
اورانیوم غنی شده. این
غنا وقتی به یک نقطه
خاصی می رسد یک
شکوفایی می دهد،
یک انرژی از آن وارد
می شود؛ مثل بذری که
تربیت شده و تبدیل به
یک درخت تناور پر میوه
می شود

بفرمایید که تشییع رهبر شهید چطور می‌تواند به بازخوانی، احیا و ادامه پیدا کردن مکتب فکری و سیاسی رهبر شهید

منجر شود؟ اصلاً چطور می‌تواند هویت این جامعه را به سمت مکتب فکری رهبری سوق بدهد؟

دکتر خاگرد: ببینید در ادبیات سیاسی ما سال‌ها بود از واژه رفراندوم استفاده می‌شد. رفراندوم یعنی اعلام رأی عمومی؛ به نظر من خود تشییع جنازه رهبر شهید، رفراندوم خواهد بود که اقبال عموم و خواست عمومی مردم در آن جلوه می‌کند.

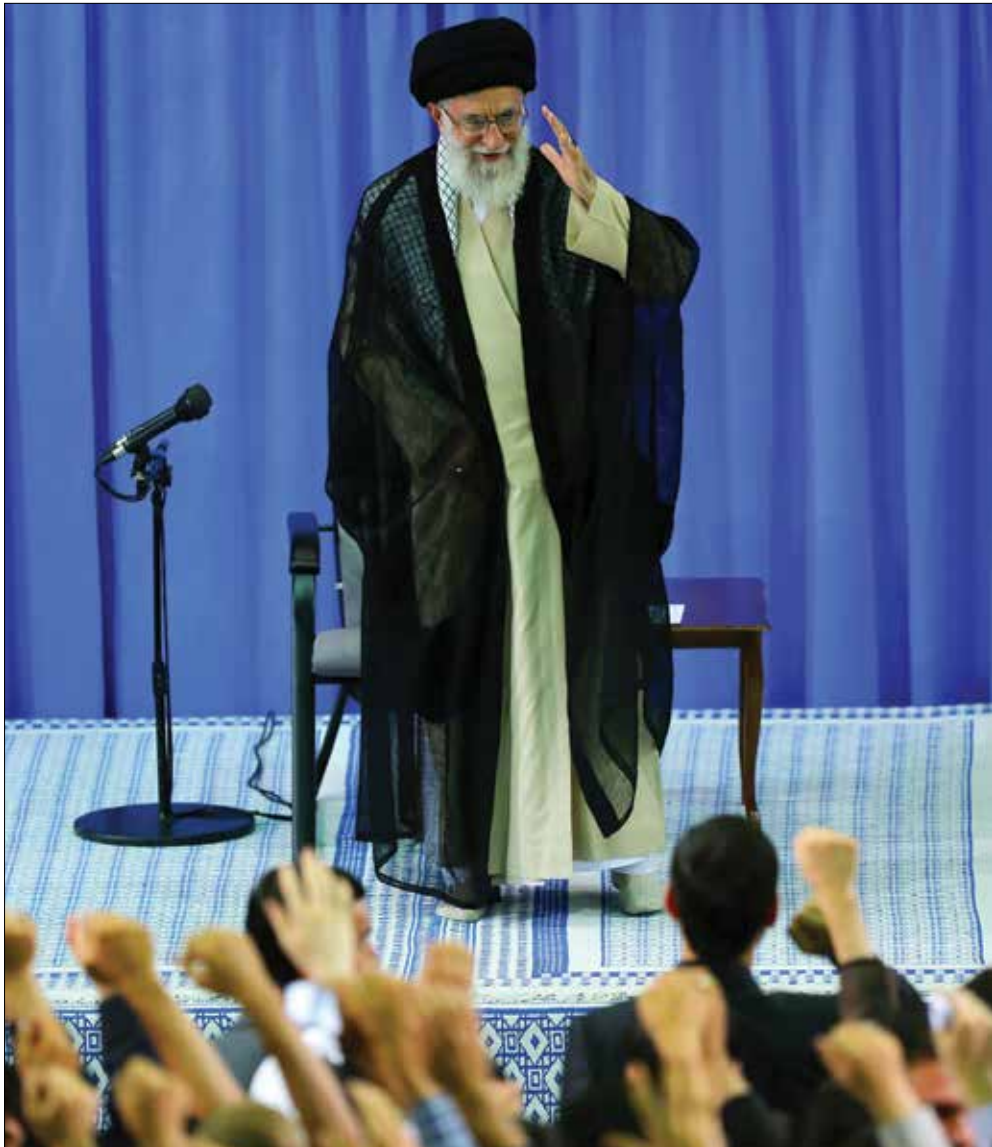
خواست عمومی مردم، نگاه و نظریه و در واقع آن مکتب فکری آقا خواهد بود و طبیعتاً اینجا دیگر اداره کشور در حوزه سیاست، اقتصاد، تعلیم، تربیت، فرهنگ و رسانه نمی‌تواند خلاف رأی مردم باشد. اینجا دیگر رأی امام فقط نیست، رأی مردم هم هست و این در واقع باید مانیفست بشود، دستورالعمل شود و کتاب مقدس انقلاب اسلامی و نگاه ایشان که طبیعتاً هم شخصی نیست؛ یعنی ایشان عصاره و محصول دانشی است که از دین دارند، از راه دارند، از عقلانیت خردمندان دارند که در دستگاه فکری و عقلی ایشان در قالب کلمات بیان شده، یک پشتوانه عمیق این شکلی دارد.

از طرفی رأی عمومی مردم، رفراندوم عمومی مردم در تشییع هم همین را نشان داده؛ یعنی آنچه که ایشان سال‌ها می‌گفتند و خیلی‌ها باور نمی‌کردند، در عمل اثبات شده؛ یعنی هم تجربه درستش نشان داده، هم خواست عموم مردم به آن مشروعیت داده و هم شخصیت خود امام شهید و اتکایشان به معارف و حیانی و عقلانی. همه این‌ها به هر حال پشتوانه این نگاه و مکتب فکری ایشان خواهد بود.

آیا تشییع رهبر شهید پایان یک دوره تاریخی است یا آغاز مرحله نوینی برای تحقق آرمان‌هایی که ما از سال ۵۷ و با انقلاب

به دنبالش بودیم؟

دکتر خاگرد: این قطعاً ادامه یک مسیر صد و خورده‌ای روزه است که با شهادت ایشان شروع شد. گاهی یک جاهایی زبان نمی‌تواند یک جامعه را اقناع کند و خون باید این کار را بکند؛ در واقع کاری که امام حسین علیه السلام کردند. و طبیعتاً وقتی کسی پای ادعاهایش، پای اندیشه‌هایش و آنچه که سال‌ها گفته، از خون خودش و خانواده خودش می‌گذرد و امضا می‌کند، طبیعتاً این ماندگاری را امضا کرده و به نظرم با شهادت ما وارد دوره جدید شدیم. البته ایشان پیش‌بینی کرده بودند که اگر اتفاقی بیفتد مردم مبعوث می‌شوند و مردم کار را تمام خواهند کرد و ما طلیعه‌اش را می‌بینیم؛ ما یک بخشی از ماجرا را البته داریم می‌بینیم که ایران دیگر کشور جزئی نیست، ابرقدرت چهارم است که قطعاً قوی‌تر هم خواهد شد. ولی طبیعتاً در حوزه فرهنگ تمدنی هم یک پرسش جهانی ایجاد شده که این قدرت نوظهوری که جلوی دو قدرت اتمی اسرائیل و آمریکا ایستاده و توانسته از شکست، پیروزی بسازد، از کشوری که قرار بود دو سه روزه به قول ترامپ از بین برود و تسلیم شود، حالا قدرتی ساخته که هر چه می‌گوید مجبورند گوش بدهند، این چه پشتوانه فرهنگی و فکری و تمدنی دارد؟ که می‌تواند آن قدر قوی عمل کند و شکست را تبدیل به پیروزی کند. این نگاه به نظر من در سطح جهانی و این عطش و این پرسش در سطح جهانی الان ایجاد شده است. طبیعتاً اگر ما بتوانیم خوب پاسخ بدهیم، نه تنها در عرصه سیاسی بلکه در عرصه فکری و تمدنی هم در واقع یک قدرت مطرح جهانی خواهیم بود؛ در روزگاری که قدرت‌های فکری دیگر، اندیشه‌ها و مکتب‌هایی مثل مارکسیسم و لیبرالیسم دیگر حرفی برای گفتن ندارند و در جهانی که تشنه سخن جدید است، همه انتظار یک مکتبی را می‌کشند که هم حکمت داشته باشد و آرامش بدهد، معنویت داشته باشد، عقلانیت داشته باشد و هم می‌تواند مقدمه ظهوری باشد که ما انتظار آن را داریم.



مدیریت ملی و جهانی قائد شهید در مقابله با ابعاد سلطه استعمار فرانسه و تمدن غرب

گفتاری از دکتر موسی نجفی، استاد تمام علوم سیاسی



از اولین تأثیرات مهم

اندیشه رهبر شهید

تفسیر صحیح از

اندیشه ها و راه امام

خمینی (ره) است؛ این

قرائت اصلی و برتر از دو

منظر مهم قابل پیگیری

است یکی جایگاه امامت

و ولایت فقیه در رهبری

انقلاب اسلامی و دوم

تبیین و تفسیر این

جریان به عنوان یک

نظریه پرداز

رهبر شهید انقلاب به عنوان یک نظریه پرداز برجسته فرصت یافت در عالی ترین سطوح یک انقلاب تاریخی در قرن حاضر قرار بگیرد؛ دو جنبه نظری و عملی برجسته توأمان، ما را با شخصیتی تاثیرگذار مواجه می کند که اثربخشی اش دو جنبه و بعد مهم را نمایان می کند:

ابعاد فراملی و فرا منطقه ای و جهانی که هر یک می تواند در سطوح مختلف در جوامع مختلف رسوخ داشته باشد.

۱

ابعاد فرا زمانی که می تواند این اثربخشی را از زمان ما جلوتر برده و تاده های متممادی امتداد داده و آینده را جهت دهی کرده و جریان سازی نماید.

۲

ناگفته نماند سیره رهبر شهید نوعی حلقه وصل بین گذشته و حال می باشد و شناخت دقیق ایشان از ریشه های جریان عمیق بیداری اسلامی در جهان اسلام به پژوهش های زیادی نیازمند است تا ابعاد ناشناخته آن هر چه بیشتر معلوم گردد. با توجه به مقدمه گفته شده می توان ابعاد داخلی و منطقه ای و جهانی سیره رهبری شهید را در افق های زیر به بحث گذاشت:

از اولین تأثیرات مهم اندیشه رهبر شهید تفسیر صحیح از اندیشه ها و راه امام خمینی علیه السلام است؛ این قرائت اصلی و برتر از دو منظر مهم قابل پیگیری است یکی جایگاه امامت و ولایت فقیه در رهبری انقلاب اسلامی و دوم تبیین و تفسیر این جریان به عنوان یک نظریه پرداز.

۱

به یاد داریم برخی جریانات که امروز با انقلاب زاویه پیدا نموده و حتی تفاسیر سکولار و یا پروتستان و تجدید نظر طلبان از انقلاب اسلامی دارند در دهه اول انقلاب خود را خط امامی می خواندند.

برای اهمیت تاریخی درک تفسیر اصلی و اصیل رهبر شهید از امام راحل این موضوع را مقایسه کنیم با تفسیر انحرافی و غلطی که بعد از نبوت در مسئله مدیریت جامعه اسلامی پیدا شد و این انحراف از امامت و غدیر باعث مشکلات فکری و نظری عمیق در طول قرون متممادی تاریخ اسلامی گردید.

۲

اگر انقلاب را به سه مرحله و سطح مهم تقسیم کنیم و به ترتیب نهضت و نظام حکمرانی و تمدن اسلامی را مراحل تکاملی انقلاب اسلامی بدانیم؛ مرحوم امام راحل در دو مرحله اول بیشتر دیده می شوند و عمر مدیریتی ایشان طاغوت زدایی از ایران در همه ابعاد و تاسیس بنایی جدید بود؛ اما رهبری قائد شهید بیشتر در مرحله دوم و سوم را در بر می گیرد و در این نزدیک به چهار دهه ایشان با فرهنگ سازی تفصیلی، پایه های تمدنی ایران را در چشم انداز انقلاب اسلامی ترسیم و تفسیر نمودند.

۳ نظریه محوری نه شرقی و نه غربی که از استوانه‌های اصلی خیمه انقلاب اسلامی است در زمان رهبر شهید ابعاد جدید و تفصیلی مهمی پیدا نمود و در همه زمینه‌ها به نوعی تکامل و جهش منجر گشت.

۴ برای افق‌گشایی تمدن نوین اسلامی در نظام جمهوری اسلامی داشتن طرح و برنامه در تمامی سطوح ملی و جهانی امری ضروری به نظر می‌رسد در این زمینه نیز در تمامی راهبردهای نظام این نظریه برتری تمدنی و منازعه آن با غرب دیده می‌شود.

۵ رهبر شهید برای وصول به تمدن اسلامی فقط به بیان دغدغه‌ها و اهداف خود نپرداخت بلکه راه حل‌های نظری و عملی شفاف و ملموسی را ارائه دادند؛ این رهنمودها عبارتند از: الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت - تحول در علوم انسانی - بومی‌سازی علم - اقتصاد مقاومتی و....

۶ در زمینه وحدت اسلامی نیز رهبر شهید با اشراف علمی و تاریخی به عقاید و آرای متفکران قرن اخیر جوامع اسلامی توانستند به افق جدیدی در وحدت اسلامی دست یافته و آن را از یک نظریه رویایی و فردایی به یک نظریه قابل دسترسی و راهبردی قابل اجرا تبدیل نمودند.

۷ مقاومت اسلامی حاصل اندیشه مستقیم تفکرات رهبری می‌باشد که با توجه به واقعیت‌های جهان اسلام طراحی و اجرا گردید. در این افق و چشم‌انداز استعمار غرب به رهبری امریکا به عنوان دشمن اصلی نشانه‌گذاری گردیده و به عنوان کانون ستیز با جهان اسلام معرفی گردید.

۸ رژیم صهیونیستی به عنوان خطرناک‌ترین دشمنی که مسلمانان در سطح منطقه و جهان با آن مواجه هستند در کانون توجه سیره سیاسی رهبر شهید قرار داشته و بالتبع مسئله فلسطین به عنوان اولویت همه مسلمانان جهان معرفی گردید. در طی این چهار دهه رهبری شهید مسئله قدس را از حالت دفاعی به حالت تهاجمی مبدل نمودند و برای اولین بار مبارزین فلسطینی به تجهیزات مختلف و متنوع تجهیز شده و مورد حمایت یک کشور اسلامی قرار گرفتند.

۹ به نظر می‌آید نظریه مدیریت دین حداکثری در جوامع اسلامی اولین بازتاب جدی‌اش مسئله تنازع و رقابت و تقابل ایده‌ها با هژمونی تمدن غربی باشد؛ از این منظر رهبری شهید با طرح ایده تمدن نوین اسلامی و پیوند آن با آرمان الهی شیعه یعنی مهدویت به مهمترین پشتوانه نظری و فلسفی تمدنی غرب واکنش نشان داده و



رژیم صهیونیستی به
عنوان خطرناک‌ترین
دشمنی که مسلمانان
در سطح منطقه و جهان
با آن مواجه هستند
در کانون توجه سیره
سیاسی رهبر شهید قرار
داشته و بالتبع مسئله
فلسطین به عنوان
اولویت همه مسلمانان
جهان معرفی گردید.



ضمن نقد و نفی ایده پایان تاریخ به عنوان مقوم اصلی فلسفه تاریخی لیبرالیسم، پایان یک مرحله از تمدن غرب و آغاز یک مرحله از تمدن قدسی را اعلام نمودند.

آنچه به همه این قسمت‌ها مفهوم و معنای بیشتری می‌بخشد جامعیت رهبر شهید و اطلاعات زیادی است که از طیف وسیعی از مطالب داخلی و بین‌المللی داشتند. مجموع این عناوین دهگانه مذکور ما را با شخصیتی مواجه می‌کند که توانسته نه تنها در زمانه خودش به صورت جریانی عمیق اثرگذار باشد، بلکه این جریان و خط و سیره فکری ابعادی را دارا می‌باشد که تا سالیان متمادی در تحولات مهم جهانی نقش آفرینی نموده و پیام‌های بزرگی را در خود نهفته دارد. شهادت این چنین قهرمان ملی و جهانی با ابعاد گفته شده در امتداد این عقلانیت تمدنی، نوعی احساس پرشور متعالی را در کنار این سیره قرار می‌دهد که یادآور مولا و مقتدایش حضرت امام حسین علیه السلام است و شهادتش به دست شقی‌ترین اشقیای بارقه‌ای از آن مظلومیت و حقانیت و عظمت قدسی الهی را در ظلمت کده عصر مدرن تداعی می‌بخشد.

۱۰



گفتگو با سید امین‌الله دادگر، عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان تهران و مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در جهاد دانشگاهی کشور

تشیع رهبر شهید؛ طلعه یک بعثت نوین و سرآغازی برای تحکیم ارکان نهضت

شهادت مظلومانه رهبر شهید، جامعه را از حالت سکون به یک جنبش و حرکت بیداری عظیم مبعوث کرده است؛ رویدادی فراملی که با شعار محوری «باید برخاست»، نمادی از همبستگی، پویایی و استمرار هوشمندانه مکتب فکری انقلاب در رکاب رهبری است. در گفتگو با دکتر سید امین‌الله دادگر، عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان تهران و مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در جهاد دانشگاهی کشور، ابعاد تحولی این تشیع تاریخی، تفاوت‌های بنیادین سوگواری صرف با برانگیختگی مکتبی و شباهت‌های راهبردی آن با بدرقه باشکوه امام خمینی ره در سال ۱۳۶۸ تبیین شده است.

چرا واکنش مردم به شهادت و تشیع رهبر شهید صرفاً یک سوگواری نیست؟ به عبارتی به اذعان کارشناسان زیادی، یک بعثت و نهضت نوین دارد اتفاق می‌افتد؟



سید امین‌الله دادگر

عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان تهران و مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در جهاد دانشگاهی کشور

برخی موارد در تاریخ سبب حرکت مکتب اهل بیت علیهم‌السلام و بیداری عمومی جامعه شده است. حرکت ائمه علیهم‌السلام مثلاً سیدالشهدا علیه‌السلام تأثیرگذارترین حرکت در تاریخ اسلام است که سبب بیداری جامعه شده است؛ به لحاظ پیشینه تاریخی و تأثیری که این خون در آن عصر و زمان تاکنون داشته، تا جایی که خون تبدیل به زبانی برای بیداری می‌شود.

رهبریت نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

فصل اول



واکنش ملت ایران به

شهادت و تشییع رهبر

شهید یک سوگواری

صرف نیست، بلکه یک

طلیعه برای یک بعثت

و برانگیختگی تازه و

حرکتی است که از دل

خون رهبر شهیدمان

برمی خیزد و مسیری

جدید را فراروی ملت

باز می کند و دلیل

این تحول هم به نظر

می رسد

شهادت جانسوز رهبر شهیدمان هم در این عصر و زمان سبب بیداری بزرگی شد که به فرموده رهبر شهید، مردم را مبعوث کرد. واکنش ملت ایران به شهادت و تشییع رهبر شهید یک سوگواری صرف نیست، بلکه یک طلایه برای یک بعثت و برانگیختگی تازه و حرکتی است که از دل خون رهبر شهیدمان برمی خیزد و مسیری جدید را فراروی ملت باز می کند و دلیل این تحول هم به نظر می رسد در ماهیت خود واقعه و پیامی است که رهبر شهیدمان آن را پیش بینی کردند. بصیرت رهبر شهیدمان در آخرین روزهای حیات شان بود که فرمودند در صورت بروز حادثه بزرگ، خداوند مردم را مبعوث خواهد کرد و مردم پای کار خواهند آمد و این ملت کار را به سرانجام خواهند رساند؛ این جمله یک پیشگویی ساده نیست، بلکه از جنس حکمت و بصیرتی است که از یک طرف از عمق درک امام جامعه و رهبر شهیدمان از جامعه ای که در آن با مردم زندگی می کرد برمی خیزد و از طرفی دیگر از تاریخ سرچشمه می گیرد. تحلیل گران هم این باور را دارند که این پیش بینی ساده ای نبوده و رازی در خون رهبر شهیدمان نهفته است که آن را آشکار می کند؛ یعنی شهادت رهبر شهیدمان یک نیروی پنهان در ناخودآگاه جمعی ملت را به فعلیت رساند و پیوندهای هویتی را که ممکن بود کم رنگ شده باشد، یک بار دیگر مستحکم کرد. این خون به ناحق ریخته شده و مظلومانه رهبری بود که ملت ایران را از حالت سکون به یک جنبش و به یک حرکت بیداری عظیم و در حقیقت به بعثت درآورد و این بعثت یک نماد و شعاری متناسب دارد که یکی خود همین مراسم بدرقه رهبر شهیدمان است که بناسبت علی الظاهر با شعار محوری «باید برخاست» و با «مشت گره کرده» برگزار شود. وقتی که پیکر مطهر رهبر شهیدمان در چنین حالتی پیدا شد، این نماد تبلور همان دستی است که در برابر استکبار هرگز نلرزید و علی رغم تمام تهدیدها علیه ایران، علیه رهبری و علیه انقلاب اسلامی، هرگز آن دست نلرزید؛ الان هم مشت گره کرده به نشانه ای برای ادامه این راه تبدیل شده است. این شعاری هم که گذاشته شد به نظرم خیلی شعار دقیقی بوده که «باید برخاست» در واقع امتداد همان قیام الله، قیام برای خداست که ریشه در نهضت امام خمینی علیه السلام دارد که در سال ۱۳۴۲ آغاز شد و الان هم با این شهادت رهبر شهیدمان یک نثار جدید پیدا کرده و این شعار در حقیقت یک عهد است که ملت شهیدپرور و مجاهد و مقاوم ایران با خون رهبر بستند و تا پای جان به نظر می رسد ادامه خواهد داشت.

ابعاد این رویداد را هم با توجه به این سوال بسیار خوب شما می شود از این زاویه نگاه کرد که این تشییع از یک مراسم عادی فراتر است و این آیین یک همبستگی ملی و جهانی خواهد داشت که نه تنها نماد وحدت ملی و تجدید میثاق با آرمان های انقلاب است، بلکه یک همبستگی ملی و جهانی است و ابعاد فراملی دارد و این نکته ای است که باید بدان توجه کنیم. نکته دیگر این بعثت این است که این یک نقطه پایان نیست، بلکه یک سرآغاز برای استمرار مسیر مقاومت، برای اعتلای پرچم حق و برای ساختن یک فردای قوی تر است. این پیامی است که به جهانیان داده خواهد شد که عظمت و شجاعت رهبر شهیدمان با قدرت بیشتری در ملت مبعوث شده ادامه پیدا خواهد کرد و این راه ادامه دارد. در یک نگاه اگر بخواهیم این سوال را جمع بندی کنیم باید گفت برای درک بهتر این تحول،

رهبریت نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

■ فصل اول

بایستی به تفاوت‌های کلیدی بین سوگواری و بعثت توجه کنیم؛ تمرکز اصلی سوگواری خوب، بر عزاداری و بر فقدان رهبری و سوگ از دست دادن یک شخصیت والا و با عظمت است. روحیه این سوگواری هم غم و اندوه و ناامیدی و یا سکون است و پیام اصلی‌اش هم این است که چه کسی را از دست داده‌ایم و نتیجه نهایی اینکه سوگواری سلسله توقف در گذشته و یادآوری یک پایانی است که اتفاق افتاده است؛ اگر با نگاه سوگواری صرف بدان نگاه بکنیم این‌طوری خواهد بود. اما نگاه دیگر، همان پیش‌بینی مبتنی بر حکمت و بصیرت خود رهبر شهید است که این اتفاقی که افتاد، یک برانگیختگی و بعثت اتفاق افتاده و وداع با رهبر شهیدمان و تشییع ایشان به نظر می‌رسد با تکیه بر یک بعثت جدید، یک برانگیختگی جدید است؛ چرا که تمرکز اصلی‌اش بر بیداری در حرکت و انگیزش برای ادامه راه و تحقق اهداف بلند است. پیام و نکته سوم این تشابه، صرفاً تکرار یک الگو نیست بلکه نشان از توانایی گفتمان انقلاب در گفتگو با نسل‌های جدید دارد؛ یعنی جوانانی که خاطره امام را از نزدیک ندیدند، انقلاب را از نزدیک ندیدند، دفاع مقدس اول را از نزدیک ندیدند و نه آن خاطره سال ۱۳۶۸ را دیدند، اما با حضور در این آیین، یک عهد تازه با مسیری می‌بندند که پیش‌تر پدران و مادران‌شان با آن بیعت کرده بودند و در این مسیر با استقامت ایستادگی کردند. در نهایت این شباهت تاریخی به نظر می‌رسد یک سنت سیاسی را بازنمایی می‌کند که در آن سوی، یک رهبر و وداع با یک رهبر و تشییع یک رهبر، آن هم رهبر شهید و قائد امت است، نه نقطه پایان بلکه یک سرآغاز برای تحکیم؛ گرچه مردم عزادارند، گرچه مردم سوگواری، گرچه مردم جگرشان به تعبیری یک حالت خاصی پیدا کرده و در این سودرد عظیمی را تحمل می‌کنند، اما به نظر می‌رسد سرآغازی است برای تحکیم بیشتر ارکان یک نهضت و ورودش به مرحله جدیدی از حیات سیاسی و اجتماعی، آن هم در رکاب رهبر و امام جامعه، رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای که ان شاء الله به فضل الهی و با عنایت پروردگار و عنایت امام عصر (ارواحنا فداه) که ریشه در باورهای عمیق مردمی این انقلاب دارد، با حضور و نشاط و پویایی نسل جدید، بیش از پیش به راه خود با قوت و با استحکام ادامه خواهد داد. تشییع رهبر شهید و بدرقه ایشان سبب جدی‌تر شدن عزم مردم در این مسیر، صلابت و امید به آینده خواهد شد و پیام اصلی که بعثت و برانگیختگی دارد هم این است که ما الان چه وظیفه‌ای داریم، ما چه کار باید بکنیم، چه رسالتی داریم؛ به آن نتیجه نهایی که آن هم تعهد به آینده است، استمرار مسیر و آغاز یک فصل نوینی در رکاب معظم‌له انقلاب اسلامی است. بدون تردید این بعثت در آینده جنبش‌های مقاومت در منطقه هم تأثیرگذار است.

بفرمایید که تشییع رهبر شهید چطور می‌تواند سبب استمرار مکتب فکری رهبر شهیدمان

شود؟

ما وقتی نگاه‌مان را به تشییع رهبر شهیدمان نه فقط یک وداع، بلکه یک آیین بدانیم که در دلش یک مکتب زنده را بازتولید کرده و به مسیر خودش ادامه می‌دهد، قطعاً استمرار



گرچه مردم عزادارند،
گرچه مردم سوگواری،
گرچه مردم جگرشان
به تعبیری یک حالت
خاصی پیدا کرده و در
این سودرد عظیمی را
تحمل می‌کنند، اما به
نظر می‌رسد سرآغازی
است برای تحکیم

بیشتر ارکان یک نهضت
و ورودش به مرحله
جدیدی از حیات
سیاسی و اجتماعی

مکتب فکری و سیاسی رهبر، احیا و بازخوانی می‌شود. در حقیقت شاید بتوان گفت راز این تحول، در نحوه تعامل آیین‌های سوگواری با توجه به پیشینه‌های تاریخی نهفته شده است؛ مثلاً آیین‌های عاشورایی است که ریشه در واقعۀ کربلا دارند و همیشه هم در تاریخ ظرفیتی برای تولید معانی تازه بوده‌اند. این آیین‌ها اصلاً تنها برای سوگ نبوده، بلکه برای بازخوانی عدالت‌خواهی و قیام علیه ظلم بوده و نمونه‌های مختلفی در تاریخ دارد که می‌توان به آن‌ها تکیه کرد؛ و مراسم تشییع رهبر شهیدمان هم با الهام از این پیشینه، از یک آیین وداع و سوگواری به صحنه‌ای برای تجدید میثاق با آرمان‌های آن امام شهید تبدیل خواهد شد و این یک بازخوانی و احیای مکتب ایشان است. این تشییع، نماد خون‌خواهی است؛ یعنی شعارها و نمادهای این مراسم از متن عاشورا قاعداً الهام خواهد گرفت و برای نمونه برافراشتن پرچم سرخ یا شعارهایی که مردم در همین ایام از وقتی رهبر شهیدمان به شهادت رسید را در تجمعات و میدان‌داری‌های شبانه تکرار می‌کنند، یا گاهی روی پرچم‌ها در دستان مردم، انسان می‌بیند. این در تاریخ هم بوده و الان هم در دستان مردم به اهتزاز درمی‌آید و می‌خواهد نشان بدهد که خون رهبر شهید مثل خون سالار شهیدان به یک نهضت برای بیداری و حرکت تبدیل خواهد شد و در واقع مکتب رهبر شهیدمان یک مجموعه نظریه صرف نیست و یک منظومه فکری صرف نیست، بلکه یک مکتب عمل‌گراست که با تکیه بر باورهای دینی و ملی، حیات خودش را ادامه می‌دهد. برای درک بهتر این نقش در واقع باید به پاسخ سوال ابتدایی ارجاع بدهم که تفاوت بین سوگواری صرف چیست و بعثت، و با بازخوانی و احیای مکتب را در واقع در پی خواهد داشت و این راه با قوت بیشتر ادامه پیدا می‌کند و به مثابه یک راهبرد فرهنگی سیاسی عمل می‌کند و یک جریان زنده و پویا برای آینده تولید و تبدیل می‌کند.

چه شباهت تاریخی بین بدرقه تاریخی امام خمینی در سال ۶۸ با تشییع رهبر شهید مادر این بازه زمانی وجود دارد؟ چه

معنایی برای آینده انقلاب دارد؟

شباهت‌های عمیقی میان تشییع رهبر شهید با بدرقه حضرت امام علیه السلام در سال ۶۸ وجود دارد؛ شباهت‌هایی که به نظر می‌رسد فراتر از یکسان بودن صوری و حامل پیام، به نظرم پیام جدی و راهبردی برای آینده انقلاب اسلامی است و شباهت بنیادین آن در ابعاد بی‌نظیر مردمی و نقش آن‌ها به مثابه یک بیعت همگانی است. تشییع حضرت امام که یکی از بزرگترین آیین‌های سوگ در تاریخ مدرن بود که ثبت شد، یک حماسه میلیونی بود و پیش‌بینی‌ها برای تشییع رهبر شهید هم حکایت از استقبالی عظیم و حتی فراتر از آن رویداد تاریخی دارد؛ پیش‌بینی‌ها و برآوردها حضور ۱۰ میلیون از جمعیت تهرانی‌ها و بیش از ۱۵ میلیون از جمعیتی که از شهرستان‌ها و از استان‌ها به تهران خواهند آمد را تخمین می‌زند. این یعنی هر دو رویداد از یک مراسم سوگواری صرف، به صحنه‌ای برای تجدید میثاق با آرمان‌های یک نهضت تبدیل شده و خواهد شد و این نکته‌ای است که برای استمرار راهی که با خون شهید تداوم پیدا می‌کند، یک معنای دقیق را برای عصر جدید در بر دارد و به نظر می‌رسد حامل سه پیام کلیدی برای آینده است: یکی اینکه این همسانی نشان می‌دهد که انقلاب اسلامی با اتکا بر سرمایه عظیم مردمی و آیین‌های پویای خودش، از بحران جانشینی عبور و راهی برای بازتولید مشروعیت خود پیدا کرده است؛ این الگو همان طوری که بعد از امام خمینی علیه السلام به تثبیت نظام انجامید، الان هم نویدبخش استمرار پویایی است. پیام دیگر، تشابه این دو رویداد یک پیام به نسل جدید و ناظران بین‌المللی و خارجی منتقل می‌کند که انقلاب اسلامی ایران با وجود گذشت زمان و تغییر رهبران، به اصطلاح بر اصول و آرمان‌های ثابت خود محکم ایستاده و پایدار مانده و این یک آینه تاریخی است که انسجام درونی گفتمان انقلاب را به خوبی به تصویر می‌کشد.



گفتگو با پژوهشگر و مدرس دانشگاه:

تشییع باشکوه رهبر شهید آئینه‌ای از وفای به عهد مردم به آرمان‌های انقلاب اسلامی خواهد بود

پژوهشگر و مدرس دانشگاه با اشاره به اینکه تشییع رهبر شهید می‌تواند نشانه‌ای روشن از وفای مردم به آرمان‌های انقلاب اسلامی باشد، اظهار کرد: ما هنوز در میدان جنگ هستیم و این تشییع، اعلامیه‌ای رسا بر استمرار مقاومت تا تحقق اهداف والای انقلاب اسلامی خواهد بود.

زهره حیدری، پژوهشگر و مدرس دانشگاه در گفتگو با پژوهشگاه علوم و معارف انقلاب اسلامی با اشاره به همزمانی ایام سوگواری محرم و تشییع پرشکوه پیکر رهبر شهید، اظهار کرد: این حضور عظیم مردمی، گویای آن است که ملت ایران همچنان بر عهد و وفاداری خود به آرمان‌های انقلاب اسلامی باقی مانده‌اند و این تشییع را باید آئینه‌ای برای بازخوانی مکتب فکری و سیاسی شهید و الومقام دانست. وی با تأکید بر وجوه تمایز تاریخی این تشییع با واقعه عاشورا، افزود: در فرهنگ عاشورا، غربت و مظلومیت امام حسین علیه السلام همواره با عدم حضور مردم کوفه در تشییع پیکر مطهر آن حضرت گره خورده است، اما آنچه امروز در ایران اسلامی مشاهده کردیم، دقیقاً نقطه مقابل آن روایت است. این حضور میلیونی



یکی از مهمترین

دستاوردهای این

حضور بی سابقه،

شفافیت کامل میان

صفوف نفاق و خط

اصیل ولایت است.

مردم با بصیرتی

مثال زدنی، نشان دادند

که ترور شخصیت‌های

بزرگ، نه تنها حرکت

انقلاب را متوقف

نمی‌کند، بلکه خون

شهید، برکت و شتاب

بیشتری به ادامه مسیر

خواهد بخشید.

و خودجوش شبانه مردم در چند ماه گذشته، نشان داد که مردم ما اهل کوفه نیستند و وفاداری خود را به سیدالشهدای جبهه انقلاب، در شرایطی بسیار پیچیده‌تر و سخت‌تر از گذشته، به اثبات رساندند.

عینیت برتری ملت ایران نسبت به صدر اسلام در مراسم تشییع

حیدری با اشاره به اینکه بنیانگذار انقلاب اسلامی در برخی سخنرانی‌های خود، ملت ایران را به لحاظ عمق ایمان نسبت به امت صدر اسلام برتر دانستند، تصریح کرد: این امر در تشییع باشکوه رهبر شهید، عینیت کامل خواهد یافت؛ چراکه مردم ولایتمدار ایران، با وجود گذشت نزدیک به نیم قرن از عمر انقلاب و با وجود فشارهای همه جانبه و فضای پس از یک جنگ تمام عیار ائتلاف جهانی، نشان دادند که هیچگاه از آرمان‌های خود عقب‌نشینی نکرده و با حضور در این آیین، بیعتی تازه با گفتمان انقلاب رقم خواهند زد. این پژوهشگر حوزه علوم اسلامی در ادامه به مقایسه تحلیلی میان تشییع امام خمینی (ره) و رهبر شهید پرداخت و بیان کرد: تشییع امام (ره) در فضای پس از جنگ تحمیلی و با داغ از دست دادن بنیانگذار کبیر انقلاب صورت گرفت، اما تشییع اخیر، در شرایطی رقم می‌خورد که کشور تازه از یک جنگ ترکیبی و اقتصادی نفس‌گیر خارج شده است. این تفاوت در بستر تاریخی، عظمت کار مردم را دوچندان می‌کند؛ اگر تشییع رهبر شهید حتی باشکوه‌تر از تشییع امام خمینی کبیر برگزار شود، به معنای استمرار و بالندگی نهضت در دل سخت‌ترین شرایط است و نشان می‌دهد که انقلاب اسلامی با خون شهیدان خود، نه تنها تحلیل نمی‌رود، بلکه هر روز جوان‌تر و جاندارتر می‌شود.

پیام‌های راهبردی رویداد عظیم تشییع برای آینده انقلاب اسلامی ایران

وی درباره پیام‌های راهبردی این رویداد عظیم برای آینده انقلاب اسلامی ایران، تصریح کرد: یکی از مهمترین دستاوردهای این حضور بی سابقه، شفافیت کامل میان صفوف نفاق و خط اصیل ولایت است. مردم با بصیرتی مثال‌زدنی، نشان دادند که ترور شخصیت‌های بزرگ، نه تنها حرکت انقلاب را متوقف نمی‌کند، بلکه خون شهید، برکت و شتاب بیشتری به ادامه مسیر خواهد بخشید. همانگونه که حضرت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای تأکید کردند، ما هنوز در میدان جنگ هستیم و این تشییع، اعلامیه‌ای رسا بر استمرار مقاومت تا تحقق اهداف والای انقلاب اسلامی است. حیدری در پایان با قدردانی از حضور هوشمندانه و عاشقانه مردم در میدان طی چندماه اخیر، گفت: شرکت در این تشییع، لیاقتی است که خداوند به امت شهیدپرور ایران عنایت کرد تا ثابت کنند همچنان پای کار آرمان‌های امامین انقلاب ایستاده‌اند. بی تردید خون پاک رهبر شهید، وحدت ملی را تحکیم، بصیرت را ارتقا و اراده مردم را برای ساختن ایران قوی‌تر از همیشه خواهد کرد و انشاءالله شاهد تداوم این نهضت پربرکت تا ظهور حضرت ولی‌عصر (عج) خواهیم بود.

گفتگو با عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی:

تشییع رهبر شهید محرک فرهنگی برای ارتقای سرمایه عاطفی جامعه به سرمایه معرفتی است

مرضیه محمص، عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی گفت: تشییع رهبر شهید، در اصل یک محرک فرهنگی است که جامعه را از سطح احساسات ارتقا داده و به سمت فهم و بازشناسی میراث فکری قائد امت سوق می‌دهد.

مرضیه محمص، عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی در گفتگو با پژوهشگاه علوم و معارف انقلاب اسلامی، تشییع رهبر شهید را آیینی فراتر از یک واکنش عاطفی به شهادت حضرت آیت‌الله سیدعلی حسینی خامنه‌ای دانست و اظهار کرد: این تشییع رخداد مهمی است که می‌تواند برای جامعه ماهویت‌ساز و زمینه‌ای باشد برای پرداختن به گفتمان و آرمان‌ها و ارزش‌هایی که همواره مورد توجه رهبر شهید بوده است. وی بیان کرد: مراسم تشییع رهبری شهید که در آن میلیون‌ها نفر شرکت خواهند کرد، در حقیقت یک نوع بازتأیید عمومی نسبت به باورهای ایشان است و به نوعی مردم با مکتب فکری و سیاسی قائد شهید، تجدید عهد خواهند داشت.

تشییع زمینه‌ساز معرفی اندیشه‌های رهبر شهید است

محصص با بیان اینکه این رویداد آنقدر اهمیت دارد که می‌تواند زمینه‌ساز معرفی دقیق‌تر اندیشه‌های ایشان به افکار عمومی باشد، افزود: به نظر می‌آید که پس از شهادت رهبر شهید، فرصتی برای بازخوانی عمیق‌تر ایشان برای جامعه فراهم می‌شود و در واقع مراسم تشییع ایشان، نقطه آغازی خواهد بود برای جامعه ایرانی که بیشتر به مبانی فکری و آرمان‌هایی بیندیشند که رهبری شهید در سال‌های حیات شان همواره مروج آن بوده‌اند. وی ادامه داد: بنابراین این رویداد می‌تواند به فعال‌سازی حافظه تاریخی جامعه کمک کند و این حافظه تاریخی هم صرفاً یادآوری عاطفی این رویدادها نیست. عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی با تأکید بر اینکه این رویداد را باید یک رویداد هویتی و تنظیم مجدد هویتی بدانیم، افزود: شهادت رهبر شهید و آیینی که قرار است برای تشییع ایشان برگزار شود، تلنگر و زمینه‌ای برای دوباره اندیشیدن درباره آرمان‌های انقلاب اسلامی و رهبر شهید باشد.

وی بیان کرد: اگر نگاه ما این باشد که تشییع رهبر شهید ما، در اصل یک محرک فرهنگی محسوب شود و جامعه را از سطح احساسات و عواطف ارتقا داده و به سمت فهم و بازشناسی میراث فکری قائد امت سوق می‌دهد، این نگاه متعالی خواهد بود و به نظر من لازم است که متولیان و مسئولان برگزاری آیین تشییع رهبر شهید، حتماً به این موضوع توجه کنند که قرار است سرمایه عاطفی جامعه، به یک سرمایه معرفتی منجر شود.

نباید از فرصت ایجاد سرمایه فکری برای جامعه غفلت کرد

محصص توضیح داد: قطعاً این شهادت و نوع حمله‌ای که باعث شهادت رهبر ما شده است، موجی از احساسات عمومی را برانگیخته و حالا این موج اگر در سطح عواطف باقی بماند، در واقع فرصت و زمینه مناسب برای شناخت عمیق‌تر اندیشه‌های رهبر شهید، به عنوان یک جریان فکری پایدار، از دست می‌رود. وی تصریح کرد: حتی تشییع رهبر مقاوم و شهید ما، می‌تواند این زمینه را فراهم کند که آن بخش از گفتمان سیاسی

رهبریت نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

فصل اول ■



ایشان که قبلا در جمع‌های خصوصی مطرح شده یا مخاطبان خاصی داشته، در فضای عمومی مطرح شود و گفتمان بسیار کلان حول مفاهیمی مانند استقلال، مقاومت، عزت ملی، مسئولیت اجتماعی و... که اغلب در بیانات رهبر شهید بسیار پررنگ و محوری بوده، شکل گیرد.



وی با تأکید بر اینکه

تشییع پیکر شهید

والامقام، حضرت

آیت‌الله سیدعلی

خامنه‌ای، زمینه برای

انتقال میراث فکری

ایشان است، گفت: این

آیین می‌تواند تأثیرات

پررنگی را برای نسل‌های

جدید به دنبال داشته

باشد.

انتقال میراث فکری رهبر شهید به نسل‌های آینده

عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی ادامه داد: آیین تشییع رهبر شهید، ظرفیتی است که این ادبیات فکری، وارد گفتمان عمومی ملت ما شود و از سطح متن‌ها و سخنرانی‌ها خارج شده و در عرصه کلان اجتماعی و سپهر اجتماعی ما احیا شود. وی با تأکید بر اینکه تشییع پیکر شهید والامقام، حضرت آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، زمینه برای انتقال میراث فکری ایشان است، گفت: این آیین می‌تواند تأثیرات پررنگی را برای نسل‌های جدید به دنبال داشته باشد.

محصل خاطر نشان بسیاری جوانان و نوجوانان در جامعه ما، هنوز به قدر کافی فرصت نکرده‌اند که از اندیشه رهبر شهید بهره ببرند و به نظرم این آیین تشییع می‌تواند عظمتی اجتماعی را خلق کند که اثر آن برای نسل‌های بعد پررنگ خواهد بود و به همین دلیل معتقدم که این مراسم، نقطه عطف مهمی از حیث تربیتی در جامعه ما محسوب می‌شود.



گفتگو با حجت الاسلام والمسلمین سید محمدکاظم رجایی، عضو هیئت علمی و مدیر گروه اقتصاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره

خدا باوری، امید صادق و رهایی از غرب زدگی؛ تبیین تاب آوری ملی در منظومه فکری رهبر شهید، آیت الله خامنه ای

بحران های معاصر و چالش های ژئوپلیتیک، مفاهیمی چون «تاب آوری ملی» و «سرمایه اجتماعی» را به ارکان اصلی بقا و پیشرفت جوامع تبدیل کرده اند. در این میان، منظومه فکری رهبر شهید، آیت الله خامنه ای، رویکردی منحصر به فرد و فرامادی را به این مفاهیم ارایه می دهد؛ رویکردی که فراتر از محاسبات مرسوم نظامی و اقتصادی، بر پایه تربیت توحیدی، خدا باوری عمیق و بیداری عمومی استوار است. در گفتگوی پیش رو با حجت الاسلام والمسلمین سید محمدکاظم رجایی، عضو هیئت علمی و مدیر گروه اقتصاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره مبانی معرفتی این تفکر راهبردی واکاوی شده است. وی با نقد صریح رویکردهای مایوس کننده نخبگان شیفته توسعه غربی، تبیین می کند که چگونه تکیه بر ایمان مردم و الگوگیری از مدیران مکتبی در عرصه های گوناگون، ایران اسلامی را به رغم تمام دشمنی های همه جانبه استکبار، در رأس قله اقتدار جهانی قرار داده است.

منظومه فکری رهبر شهیدمان به موارد بسیاری از تاب‌آوری ملی و سرمایه اجتماعی پرداخته است. از عوامل شکل‌گیری تاب‌آوری ملت ایران و نقش محوری رهبر شهید در این تاب‌آوری و نقش ایمان و هویت ملی و پیوند تاب‌آوری با امید و آینده‌نگری؛ از منظر شما مهم‌ترین مبانی فکری و معرفتی رهبر شهید در این موضوع، خصوصاً سرمایه اجتماعی و تاب‌آوری ملی چیست و چطور می‌توان آن را تبیین کرد؟

حقیقت مسئله این است که رهبر شهید ما از ابتدای صبح به اصطلاح ویندوزشان با قرآن بالا می‌آمده است؛ به عبارتی در فضای تربیت توحیدی به درجه‌ای رسیده بودند که می‌شد خدا را در رفتارهایشان درک کرد. وقتی یک کسی به این درجه از ایمان و تقوا می‌رسد، به طور طبیعی به دنبالش خیلی چیزهای دیگر می‌آید؛ کسی که به خدا توکل کند، خدا برایش کافی است و دیگر هیچ ترس و وحشت از جای دیگری ندارد و از کس دیگری بی‌نیاز است. «مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ». کسی که چنین ویژگی دارد، از ابتدا در مکتبی تربیت شده که واقعاً این باور خدا و این ایمان خدا، این ایمان و باور منشأ برکات زیادی است.

کسی که تا این درجه از خدا باوری رسیده و به قول معروف و تعبیری که کردم که ویندوزشان از اول صبح با قرآن بالا می‌آید، این آدم در واقع می‌داند که اگر خدا را باور کند و طبق دستورات الهی عمل کند، دو سهم از رحمت پروردگار (سهم دنیا و سهم آخرت) نصیبش می‌شود و در واقع نورافکنی جلو راهش روشن می‌شود که مسیر برایش کاملاً شفاف شود؛ رهبری با تعمیق ایمان در خود و باور خدا و احساس وجود خدا در همه رفتارهایشان به درجه‌ای رسیده بودند که در واقع آن نورافکن جلوییشان کاملاً روشن بود و آینده را شفاف‌تر می‌دیدند، لذا اگر ایشان می‌گویند اسرائیل ۲۵ سال آینده را نخواهد دید شما تردید در این مسئله نکنید. اگر ایشان می‌گویند مردم مبعوث می‌شوند شما با چشم دیدید که مردم مبعوث شدند و آمدند؛ ما نمی‌فهمیدیم یعنی چه مردم مبعوث می‌شوند؟ مردم چطور مبعوث می‌شوند؟ خداوند متعال انبیا و پیامبران الهی را مبعوث کردند و نقلی از سلمان فارسی است که می‌گوید ایران مردمی دارد که در آینده مبعوث خواهند شد.

ایشان همچنین تفسیر کردند که با مردم مبعوث، ایران در رأس قله قرار می‌گیرد؛ ما اکنون در پیچ تاریخ هستیم. همه گفتند ما که رو به اضمحلالیم و از نظر فرهنگی داریم دنده عقب می‌رویم، ما که از نظر اقتصادی هر روز داریم عقب می‌رویم، این سیاست‌گذاری اقتصادی ما که معلوم است بقیه اش چیست، یک دنده عقب گرفتن با سرعت به عقب است و با این سیاست‌گذاری اقتصادی و سیاست‌گذاری فرهنگی ما داریم به سمت برهنگی می‌رویم، چطوری ایشان می‌گویند ما به قله نزدیکیم؟ دارند شوخی می‌کنند یا مزاح می‌کنند یا دارند همین جوری مردم را تشویق می‌کنند!

اما رهبری در اوج امید است؛ چرا؟ چون به وعده‌های الهی و وعده خداوند متعال باور دارند و همین باور، منشأ این اعتماد به نفس شده است و این اعتماد به نفس را و این باور را ایشان مرتب به پیکر کشور تزریق می‌کردند. رهبر شهیدمان معرفت و شناخت عمیقی نسبت به جامعه ایران داشتند و همین معرفت عمیق نسبت به جامعه ایران و باور خداوند متعال موجب می‌شد که ایشان اعتماد به نفس ویژه‌ای نسبت به جامعه پیدا کنند و جامعه را آن طوری جلو ببرند و قوی کنند که ما ببینیم که چطور ما در رأس قله قرار گرفتیم و شهادت ایشان و خون رهبر شهیدمان ما را در رأس قله قرار داد.

من این را قبول ندارم که بعضی می‌گویند ما ممکن است قدرت چهارم بشویم یا ما قدرت چهارم هستیم! ابداً من این را قبول ندارم. قدرت چهارم اگر ما هستیم، قدرت اول کیست؟ قدرت اول آمریکا است؟ خب آمریکا

رهبریت نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

■ فصل اول

که با اسرائیل همراه بود؟ آمریکا که با انگلیس همراه شد؟ با آلمان همراه شد؟ با ایتالیایی که تمام امکاناتشان را در اختیار آمریکا گذاشت و آمریکایی که با تمام ثروت حوزه خلیج فارس همراه شد اما باز هم نتوانست با ما درگیر شود و نتوانست با ما مقابله کند. آمریکایی که تمام اراده و هم و غمش این بود که ما را از بین ببرد و اهدافش را هم از قبل مشخص کرده بود، پس ما قدرت چهارمیم؟! این چه محاسبه غلطی است که می‌گوییم ما قدرت چهارمیم؟ ما مجموعه تمام قدرت‌های جهانی را که مطرح بودند، از اروپا و انگلیس تا فرانسه و آلمان و ایتالیا را که می‌گفت من هیچ مداخله‌ای ندارم و کشف شد که چقدر نقش داشته، و کشورهای حوزه خلیج فارس و ثروت و دارایی‌ها و امکانات این‌ها را، همه را گرفت اما نتوانست با ایران مقابله کند. اما فاکتورها و شاخص‌های اقتدار یک کشور چیست؟ اگر بخواهیم شاخص‌های اقتدار کشور را عنوان کنیم، اگر ا-۱۶ و اف-۳۵ هایی که زدیم را نادیده بگیریم، فاکتور مهمی که منشأ اقتدار و وزنش به مراتب بیشتر است و نقشش در شاخص قدرت یک کشور و ثروت یک کشور بیشتر از اف-۳۵ و تجهیزات نظامی است، فاکتور مردم مؤمن و صبور و مقاوم است؛ آیا آمریکا این فاکتور را دارد؟ چند درصد نسبت به ما دارد؟ نسبت به ما میل به صفر است. اگر در جامعه آمریکای مشکلی پیش بیاید و مثلاً کشور دیگری به آن‌ها حمله کند، به سرعت تمام فروشگاه‌ها خالی می‌شود اما در کشور ما چطوری است؟ مغازه‌هایش خالی نمی‌شود که هیچ، مردمش می‌آیند در میدان زیر بمباران با هزینه خودشان هر شب و هزینه خودشان را هم می‌دهند و پول خرج خودشان، کرایه صوتشان را یا خرید تجهیزات صوتشان را که می‌خواهند صدایشان بلند بشود و به دنیا برسد، هزینه چای و آب خوردنشان و تغذیه یک عده دیگر را هم می‌دهند تا خیابان را حفظ کنند. اما کجای دنیا شما یک چنین مردم مقاوم تربیت یافته‌ی یک مکتب این چنینی را دارید؟ ولی رهبر شهید ما کشور را قوی کرد؛ هم مردم مؤمن، صبور، امیدوار و قوی و تربیت یافته و هم فرماندهان تربیت یافته و... تازه اگر بخش‌هایی از مردم هم مانده بودند که همراه نبودند، به فرموده رهبری مبعوث شدند و یک در واقع بیداری در عده خاصی از جامعه ایران که به حد نصاب لازم یک کشور قدر و قوی که در رأس قله تو جهان قرار بگیرد، اتفاق افتاد.

بعضی‌ها از روی ناآگاهی فکر می‌کردند رهبری در یک کاخی زندگی می‌کند و در اعماق زمین است یا در روسیه است و نمی‌دانم ثروتش چقدر است! و امکاناتش چقدر است! اما رهبری با اهدای خونشان، با فدا کردن جان‌شان، آن هم به همراه خانواده و در منزلشان، آن آگاهی بخشی را در جامعه و در میان امت اسلامی ایجاد کرد و آن بخش‌هایی که ناآگاه و خواب بودند را هم بیدار کرد و کشور را به رأس قله رساند. ما الان در رأس قله هستیم؛ اگر شاگرد این نعمت باشیم، فقط کافی است ما شکر این نعمت بکنیم و ناسپاسی نکنیم. کافی است مسئولین ما دیگر نگاهشان به آمریکا نگاه آن کدخدای دهکده نباشد.



از چالش‌های پیش

روی اجرای مکتب و

منظومه فکری رهبری در

راستای «ما می‌توانیم»

و امیدواری به آینده،

همین بخش باشد که

اگر منشأ ناسپاسی در

کشور بشوند، برای ما و

جامعه در تحقق اهداف

والا و ما می‌توانیم‌ها

مشکل ایجاد کنند.

یک ذره بخش نخبگانی ما از بس در این کتاب‌های توسعه خوانده‌اند که آمریکا قدرت برتر است و ما نداریم و ما نمی‌توانیم و بدون اجازه آمریکا و بدون اذن آمریکا حتی قدرت آب خوردن خودمان را هم نداریم و قدرت این را نداریم و نمی‌توانیم و نمی‌توانیم و نداریم و نمی‌توانیم و نمی‌توانیم، که این را باور کرده‌اند؛ و این معضل در جامعه متأسفانه از بخش نخبگانی ماست، از بخش تحصیل‌کرده ماست. بخش‌های دیگر که پای کلاس توسعه غربی ننشسته‌اند، پای کلاس فریدمن و دیگر صهیونیست‌ها ننشسته‌اند، این بخش‌ها خوب منزه‌اند؛ راحت می‌آیند در خیابان می‌گویند ما می‌توانیم، ما توان داریم، ما قدرت داریم، ما امکانات داریم، ما ظرفیت فوق‌العاده بالا داریم، می‌آیند در جنگ می‌گویند جنگ جنگ تا پیروزی. اما متأسفانه آن بخشی که پای کلاس غرب ننشسته و پای مکتب صهیونیست‌ها ننشسته، مدام شعار نداریم و نمی‌توانیم است و اگر مذاکره نکنیم چه کنیم، راه دیگری نداریم؛ همه صحبت‌شان متأسفانه این است.

شاید بتوان عنوان کرد از چالش‌های پیش روی اجرای مکتب و منظومه فکری رهبری در راستای «ما می‌توانیم» و امیدواری به آینده، همین بخش باشد که اگر منشأ ناسپاسی در کشور بشوند، برای ما و جامعه در تحقق اهداف والا و ما می‌توانیم‌ها مشکل ایجاد کنند. امیدواریم که آن بخش هم به راه بیایند و باور کنند توان و قدرت کشور را، مردم را، ایمان مردم را؛ و باور کنند این جامعه را و ظرفیت‌های اجتماعی ما را باور کنند و در این صورت هیچ مشکلی نخواهیم داشت و نداریم.

جناب رجایی، مهم‌ترین پیام و میراث رهبر امام شهیدمان را با توجه به منظومه تاب‌آوری با امید و آینده‌نگری که در مکتب فکری ایشان است، برای آینده ایران و جهان چطور جمع‌بندی می‌کنید؟

خلاصه پیام رهبری این است که ظرفیت امت اسلامی، ظرفیت ایران اسلامی، ظرفیت محور مقاومت و امت اسلامی، ظرفیت بسیار عظیمی است و این ظرفیت بسیار عظیم جامعه ایمانی و نیروی انسانی مؤمن را نباید دست‌کم بگیریم. این جوانان مؤمن را نباید دست‌کم گرفت؛ نمونه‌هایش را ما دیدیم، نمونه‌ها و تربیت‌یافته‌های مکتب امام خمینی و مکتب امام شهید خامنه‌ای را دیدیم. سردار باقری را دیدیم، سردار تهرانی مقدم را، سردار حاجی‌زاده را ببینید.

در واقع اساس حرف رهبری این است که تربیت‌یافته مکتب خامنه‌ای و خمینی، تربیت‌یافته مکتب قرآن و توحید، وقتی بیاید وسط، در صنایع هوافضای می‌شود حاجی‌زاده و به سرعت پهپادهایی می‌سازد که تمام بساط دشمن را نابود می‌کند و از بین می‌برد و تمام ناوهای خاصیت می‌شوند. در واقع تهرانی مقدم تربیت‌یافته مکتب امام شهید خامنه‌ای است که با سرعت کشور را به اوج صنایع دفاعی می‌رساند. اگر ما همین پیام را به صنایع خودرو ببریم چه می‌شود؟ مگر صنایع خودرو پیچیده‌تر از صنعت هوافضا است؟ اگر این مدل انسان تربیت‌یافته مکتب قرآن و توحید برود در صنعت خودرو، برود در صنعت بانک... صنعت بانک الآن و بال این کشور شده و عامل عقب‌افتادگی کشور ما صنعت بانک است؛ اگر این از بین برود و تفکر تهرانی مقدم‌ها که تربیت‌یافته مکتب امام شهید ماست بیاید در خودرو و بانک و اقتصاد و دیگر صنایع، امید به آینده در کشور ما زیادتر خواهد شد. فلذا اساس پیام رهبری این است که ما ظرفیت عظیمی داریم، ما می‌توانیم و اگر به یافته‌های خودمان توجه کنیم، ظرفیت فوق‌العاده عظیمی داریم برای اینکه در رأس قله قرار بگیریم و حق ما این است که در رأس باشیم.



در گفتگو با رئیس انجمن مطالعات اجتماعی حوزه و رئیس دانشگاه آزاد استان قم مطرح شد

تشیع پیکر آیت الله خامنه‌ای؛ تجدید نظام انقلابی و سرآغاز نهضت جهانی خون خواهی رهبر شهید

شهادت و تشییع بی نظیر رهبر شهید، فراتر از یک سوگواری عاطفی و مرسوم، تجلی‌گر تجدید حیات «نظام انقلابی» و پیوند ساختاری و فطری میان امام و امت است که ابعاد حماسی و تحول خواهانه به خود گرفته است. دکتر حسن خیری در این گفتگوی تفصیلی، با تحلیل شباهت‌های تاریخی بدرقه باشکوه امام خمینی (ره) و تشییع آیت الله خامنه‌ای، تبیین می‌کند که چگونه خون به ناحق ریخته شده رهبر انقلاب، توطئه‌ها، شایعات و جنگ روانی دشمن را در نطفه خنثی کرد. وی با تأکید بر مفهوم اعتقادی «ثارالله»، این وداع جانسوز را نه پایان یک دوره، بلکه نقطه عزیمت و سرآغاز یک نهضت فراگیر برای خون خواهی مظلومان جهان و انسجام مضاعف جبهه مقاومت معرفی می‌کند که ماهیت حقیقی رابطه عمیق دلی میان رهبری و توده‌های مردم را به تصویر کشید.

رحمت نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

فصل اول



خون خواهی هم عبارت

بسیار کلیدی و اعتقادی

است که در زیارت عاشورا

با عبارت ثارالله به کار

رفته است؛ یعنی در

خصوص خونی که با

مظلومیت ریخته شده

باشد و خون خواه اصلی

خود خداست، حالا

چه برسد به اینکه یک

شخصیتی معصوم

مثل امام شهید ما که

عمرشان را در راه احیای

دین خدا و حاکمیت

دین خدا و مبارزه با کفر و

نفاق سپری کرده باشند.

چرا واکنش مردم نسبت به شهادت و تشییع رهبر شهید تنها یک سوگواری محسوب نمی شود بلکه یک بعثت نوین برای ملت ایران به حساب می آید؟

ما امامت را و رابطه امامت و امت را استمرار رسالت انبیا و ائمه اطهار می دانیم و یک رابطه انسانی بین امام و امت برقرار است؛ رابطه ای که مبتنی بر عقل و احساسات و فطرت پاک انسانی است. این چیزی است که هدف بعثت انبیا بوده، دین فطری است و دین پاک معنایش همین است که با انسانیت انسان مرتبط می شود؛ لذا انسان هایی که دارای فطرت هستند وقتی که آن فطرت بیدار می شود، یک رابطه عمیق عاطفی، انسانی و عقلانی برقرار می شود با موضوع فطری که جنس بحث امامت از این مقوله است. لذا ایمانی به قول فلاسفه، جهاد عالم و معلوم اتفاق می افتد و شاکله مؤمن بر اساس این ایمان شکل می گیرد؛ و شاکله افراد مؤمن و آنهایی که با ظلم در ستیز هستند اعم از مسلمان و غیرمسلمان. لذا رابطه ای که امروز در خصوص سوگواری امام شهید حتی در کشورهای غیراسلامی و حتی در کشور غیرمسلمان ها برقرار شده است یک چنین رابطه ای است؛ یک رابطه فطری و عقلانی. لذا همان طور که استمرار حماسه امام حسین این گونه است. در سوگواری امام حسین عزادار هستیم و گریه می کنیم و عزاداری می کنیم و این فقط به این معنا نیست که دلمان برای ایشان بسوزد نیست، بلکه یک رابطه عمیق انسانی است و ما بیشتر دلمان به حال خودمان می سوزد که در واقع ما دوست داریم در این مسیر قدم برداریم و دلمان می سوزد که انسان ها چقدر می توانند سفاک باشند و ما باید مراقب خودمان باشیم که در صفوف یزیدیان قرار نگیریم. امروز هم به همین صورت ترامپ ها و نتانیاهو ها و امثال اینها. لذا این یک سوگواری معمولی نیست که یک شخصی از دنیا رفته یا کشته شده باشد بلکه یک ایمان، اعتقاد، سلوک و راه و روش است.

خون خواهی رهبر شهید چه معنایی دارد؟ و چطور تشییع از یک مراسم وداع به آغاز یک نهضت خون خواهی مبدل می شود؟

خون خواهی هم عبارت بسیار کلیدی و اعتقادی است که در زیارت عاشورا با عبارت ثارالله به کار رفته است؛ یعنی در خصوص خونی که با مظلومیت ریخته شده باشد و خون خواه اصلی خود خداست، حالا چه برسد به اینکه یک شخصیتی معصوم مثل امام شهید ما که عمرشان را در راه احیای دین خدا و حاکمیت دین خدا و مبارزه با کفر و نفاق سپری کرده باشند. بنابراین خون خواه اول خداوند است و خداوند فرمودند که من از خون مظلوم نمی گذرم. حالا وقتی خون خواهی در این سلسله مراتب قرار بگیرد و مثل خون امام حسین بشود و کسانی که خونشان جاری می شود در واقع سیل خون های به ناحق ریخته شده از قبیل آنهایی که در مسیر عدالت و خدمت و پاسداشت دین خداوند است، خون خواهی شان اولاً به این معناست که ما معتقدیم حتماً قاتلان حتماً تقاص پس می دهند و ما هم وقتی

رجعت نوز

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

■ فصل اول



که می‌گوییم که خون خواه آقا هستیم، جنسش از جنس خون خواهی است که نسبت به خون به ناحق ریخته امام حسین و فرزندان و اصحابش داریم. این خون خواهی ایمان ما را تقویت می‌کند و دشمنی ما را نسبت به دشمنان بیشتر می‌کند؛ اشک می‌ریزیم ولی عزم پیدا می‌کنیم که در این مسیر گام برداریم و در واقع ذکرمان این است که یا لیتنا کنا معک یعنی دوست داریم که با امام حسین باشیم و ای کاش ما هم در آن جریان قرار داشتیم و ما هم خونمان را فدا می‌کردیم. بنابراین جنسش جنس حماسی است، جنس انسانیت، جنس حرکت، جنس تحول، تحول خواهی است و انسجام، هم‌پیمان شدن و مراقبت از این است که خداوند نکرده اتفاقی نیفتد که ما فراموش بکنیم که چه گوهر ارزشمندی را از ما گرفتند. حالا این گوهر ارزشمند یک وقت امام شهید ما می‌شود و یک وقت ما خون خواه بچه‌های مظلوم میناب و همه شهدای جنگ رمضان و حتی شهدای لبنان هستیم. این همه خانه‌هایی که بر سر لبنانی‌ها خراب و آن‌ها را آواره کردند، همه ما خون خواه همه این‌ها هستیم. ما خون خواه مظلومیت هستیم؛ چون انسان هستیم، چون مؤمنیم، چون خدا را باور داریم، چون می‌دانیم یک مسئولیت استخلافی در ما وجود دارد و باید در واقع کار خدایی انجام بدهیم، باید در واقع همان‌طور که خدا خون خواه است ما هم باید خون خواه باشیم؛ خون خواه هر خونی که به مظلومیت ریخته شده باشد.

آقای دکتر چه شباهت تاریخی میان بدرقه امام خمینی در سال ۶۸ و تشییع رهبر شهید وجود

دارد؟ این شباهت چه معنایی برای آینده انقلاب دارد؟

خط ممتد دین که از پیامبران شروع شده است و به ائمه رسیده و بعد فقها و آنهایی که در این مسیر قرار دارند در واقع تلاش کردند این راه و روش ادامه دهند و شخصیت دینی



در طول ۳۷ سال هم
امام شهید ما همان راه
وروش امام راحل را با
تمام وجود ادامه دادند
و هیچ بنایی را بنا نکردند
الا اینکه به اسم امام
خمینی باشد و در هیچ
مجلس مهمی صحبت
نکردند الا اینکه به تبیین
راه و روش امام خمینی
باشد؛ و ذکر امام
مهم‌ترین سخنرانی‌های
امام شهید ما در سالگرد
ارتحال امام خمینی
بود که خودش یک
کتاب بزرگ در تبیین
اندیشه‌های انقلابی
امام خمینی و ائمه اطهار
است.

هستند؛ لذا پیام این سوگواری ما نسبت به امام شهید، نسبت به امام کبیر، نسبت به بزرگان دینمان، نسبت به شهدا و مائیل عزاداری ما نسبت به امام حسین است؛ چنانچه امام کبیر ما می‌گفت محرم و صفر در واقع این انقلاب را ایجاد کردند و خون بر شمشیر پیروز است و این ادامه مسیر امام حسین است و همان طور که علت محدثه دین خدا رسالت پیامبر بود، علتی که باعث بقای دین شد خون امام حسین بود.

الان هم امام شهید ما تمام تلاشش این بود که به عنوان شاگرد این مکتب و شاگرد امام خمینی علیه السلام این راه و روش ادامه پیدا کند؛ یعنی از بن دندان و از عمق وجود، اعتقاد به این مسیر داشت و از جوانی در واقع زندان‌ها را تجربه کرده بود و مجالس دینی و اعتقادی برگزار می‌کرد و در واقع تقویت کننده باورهایی بودند که امام خمینی مروج آن و نماد آن بود و در طول حیات امام خمینی به عنوان یک شاگرد این کار را کرد؛ چنانچه امام خمینی می‌فرمود که من خامنه‌ای رو بزرگ کردم و این سخن در واقع علاقه امام راحل به امام شهید بود و همه بدان معترف هستند که این علاقه فقط یک علاقه شاگرد و استادی نبود بلکه یک علاقه دلی، محکم و الهی بود.

در طول ۳۷ سال هم امام شهید ما همان راه و روش امام راحل را با تمام وجود ادامه دادند و هیچ بنایی را بنا نکردند الا اینکه به اسم امام خمینی باشد و در هیچ مجلس مهمی صحبت نکردند الا اینکه به تبیین راه و روش امام خمینی باشد؛ و ذکر امام مهم‌ترین سخنرانی‌های امام شهید ما در سالگرد ارتحال امام خمینی بود که خودش یک کتاب بزرگ در تبیین اندیشه‌های انقلابی امام خمینی و ائمه اطهار است. لذا آن رابطه امام و امتی که از امام خمینی به صورت جامع اتفاق افتاد و ما در نهضت‌های قبلی مشروطه، ملی شدن صنعت نفت شاهد نبودیم و علما می‌آمدند و یک کاری انجام می‌دادند ولی رابطه امام و امت شکل نمی‌گرفت و شیخ نوری‌ها به دار آویخته شدند، آیت‌الله کاشانی‌ها در واقع کنار گذاشته می‌شدند و به اصطلاح کار دوام پیدا نمی‌کرد، از انقلاب امام راحل شکل دیگری گرفت و هنر امام خمینی این بود که توانست رابطه امام و امت که امام شهید ما تحت عنوان نظام انقلابی در بیانیه گام دوم از آن یاد می‌کنند را ایجاد کنند. نظام انقلابی یعنی یکپارچگی حکمرانی بر پایه امام و امت که تبلورش در جمهوری اسلامی بود، تبلورش در انقلاب اسلامی و نشر اندیشه امام خمینی بود؛ اولاً در منطقه که جبهه مقاومت ایجاد کرد و ثانیاً در کل عالم. لذا نگاه می‌کنیم وقتی اتفاقی می‌افتد در غزه، دانشگاه‌های جهان حتی در دل اروپا و آمریکا هم می‌آیند و معترض می‌شوند، زندانی می‌شوند و کتک می‌خورند یعنی حرکت، حرکت اسلام است. لذا همان طور که مردم به اسلامشان، به خدا و به پیغمبرشان دلدادگی داشتند، ادامه مسیر هم همین طور بود؛ لذا همان طور که در ارتحال امام خمینی علیه السلام همه مردم به میدان آمدند، در شهادت امام شهید هم دوچندان می‌آیند؛ چرا که در واقع آن بنایی که امام راحل بنا گذاشتند، در زمان امام شهید ما تبیین بیشتری شد، دلدادگی بیشتری اتفاق افتاد.

جوان‌ها الان در واقع بیشتر ظهور و بروز اندیشه‌های امام شهید ما را لمس کردند؛ مخصوصاً وقتی که خون ایشان به ناحق ریخته شد، وقتی که دیدند که عده‌ای داشتند در کشور کودتا و توطئه می‌کردند و افکار عمومی را جهت می‌دادند که ایشان رفته توی مخفیگاه و زن و بچه‌شان در امان هستند در حالی که مردم زیر بمباران هستند، ولی وقتی دیدند عجب امامی داشتند که خودش نه تنها پیشگام و در دل خطر بودند که خانواده‌شان هم مثل بقیه مردم روی زمین و در خانه‌شان هستند؛ و این عمق دلدادگی را دوچندان کرد یعنی همان مسیر اما با رنگ خون.

خون به ناحق ریخته امام شهید برای بسیاری تأسف ایجاد کرده که ما عجب امام و رهبری را از دست دادیم؛ اینها آمده بودند هر روز توی این کودتاها علیه‌شان شعار می‌دادند و توهین می‌کردند به مقام ایشان و اکنون پشیمان و متأسف هستند، حتی آنهایی هم که در واقع از اول پایبند این عقیده بودند الان دلشان دوچندان می‌سوزد که عجب امام مظلومی را از ما گرفتند.



پیام تشیع تاریخی قائد اعظم (قدس سره)

دکتر محمد مهدی خیرجو، مدیرعامل خبرگزاری آنا

در درازای تاریخ تمدن‌ها و ملل، نوادر سترگی یافت می‌شوند که حصار تنگ معادلات قدرت و مناصب سیاسی را درهم شکسته و به شاکله حافظه تاریخی، هویت ملی و منظومه فکری یک تمدن مبدل می‌گردند. در جمهوری اسلامی ایران، آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای (قدس الله نفسه الزکیه) از زمره همین چهره‌های بی‌بدیل است که طی بیش از سه دهه زعامت، نقشی بس فراتر از عالی‌ترین مقام سیاسی یک ساختار حاکمیتی ایفا نمود. ایشان در امتداد تجلی عینی نظریه مترقی ولایت فقیه، در سپهر اندیشه آزادگان جهان، به نمادینه‌ترین دال استقلال، پیشرفت، مقاومت و پایداری

رجعت نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

فصل اول



تحدید شخصیت

ایشان به رهبری یک

نظام سیاسی خطایی

راهبردی است. او

پیش از آنکه در قامت

شخصیت اول یک

ساختار دیوانی و نهادی

پدیدار گردد، از اساطین

فقاہت و استوانه های

اجتهاد معاصر شیعه

قلمداد می شد



در برابر هژمونی جهانی و جریان استحاله یافته داخلی تبدیل شد. این میراث، در پیوندی عمیق با اندیشه دینی، هویت انقلابی و روح عدالت طلبی و فرهنگ مقاومت نضج گرفته و ریشه های ژرف خود را در حماسه عاشورا، مفهوم بنیادین شهادت و نفی ابدی سلطه و نظام ظلم جست و جوی می کند.

فرا تر از دیوان سالاری؛ جایگاه فقهی و مرجعیت جهانی

برای ادراک دقیق چنین جایگاهی و فهم پیوند آن با هویت دینی جامعه، تحدید شخصیت ایشان به رهبری یک نظام سیاسی خطایی راهبردی است. او پیش از آنکه در قامت شخصیت اول یک ساختار دیوانی و نهادی پدیدار گردد، از اساطین فقاہت و استوانه های

اجتهاد معاصر شیعه قلمداد می‌شد که دهه‌ها در عالی‌ترین سطوح استنباط احکام اسلامی به تدریس و پژوهش اشتغال داشت و با ممزوج کردن فقاقت و مملکت‌داری، تراز دیگری از حکمرانی اسلامی را به نمایش گذاشت.

در مختصات جهانی، جایگاه علمی و معنوی او در جهان تشیع، از منظری کارکردی با عالی‌ترین رهبران دینی سایر ادیان قابل قیاس است؛ با این تفاوت جوهری که در مکتب شیعه، این مرجعیت نه برآمده از یک انتصاب سلسله‌مراتبی و دیوان‌سالارانه، بلکه مبتنی بر غنای فقهی، اجتهاد پویا و پذیرش کاملاً داوطلبانه مقلدان شکل می‌گیرد. دامنه نفوذ فرهنگی و جغرافیایی ایشان مرزهای اعتباری را درنوردیده و طیف وسیعی از پیروان را در عراق، لبنان، سوریه، افغانستان، پاکستان، هند، آفریقا و اقصی نقاط جهان در بر می‌گرفت. از این حیث، ایشان فراتر از یک رئیس حکومت، یک مرجع تقلید، معلم دینی و راهبر فکری برای جامعه جهانی و اسلامی محسوب می‌شد.

مفهوم شهادت و مشروعیت الهی در جهان بینی رهبری

همین جایگاه والای دینی و فکری باعث می‌شود تا آیین وداع با چنین شخصیتی، صرفاً یک رویداد تشریفاتی نباشد، بلکه رخدادی عمیقاً هویتی تلقی گردد که تار و پود امت اسلامی را به یکدیگر پیوند می‌زند. این پیوند هویتی، پیوستگی ناگسستنی با دستگاه معرفتی رهبر شهید انقلاب درباره مفهوم شهادت دارد. در این جهان بینی که در بیانات تاریخی ایشان صورت‌بندی شده است، شهادت نه یک فرجام سوگناک، بلکه غایت القصوای تحقق ایمان و مسلخ اثبات سرسپردگی به ساحت ربوبی است. کسانی که وجود خویش را وقف آرمان‌های الهی نموده‌اند، مرگ را نه یک پایان ارباب‌آور، که تکامل تعهد خویش می‌پندارند. این نگرش، تعریفی نوین از مشروعیت و اصالت رهبری ارائه می‌دهد؛ رهبری راستین در این الگو نیازمند چیزی فراتر از اقتدار و استراتژی است و مستلزم ایستادن در خط مقدم نبرد، تحمل مرارت‌ها و آمادگی برای پرداخت هزینه نهایی است. ایشان شهادت را یک نیروی محرکه جمعی معرفی نمودند که شالوده‌های اخلاقی جامعه را قوام بخشیده و نسل‌ها را به یکدیگر متصل می‌سازد. در این چارچوب، مشروعیت یک رهبر با میزان آمادگی او برای فداکاری گره خورده و مسیر زعامت، با آمادگی تزلزل‌ناپذیر برای تحقق وعده‌های الهی، حتی به بهای جان، معنا می‌یابد.

دکترین استقامت و تداوم مکتب امام خمینی (ره)

این آمادگی برای فداکاری و شهادت، در عمل خود را در قالب مکتب مقاومت و ایستادگی نشان می‌دهد که امتداد بلافاصله مسیر بنیان‌گذار جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی (ره) است. همان‌گونه که امام راحل (ره) در دوران طاغوت و پس از آن در دوران استقرار حکومت اسلامی، با تمسک به نص صریح قرآن کریم مبنی بر استقامت و عدم تبعیت از خواسته‌های مستکبران، بدون اندک عقب‌نشینی ایستادگی نمودند، این ولی فقیه شهید



شهادت نه یک فرجام

سوگناک، بلکه

غایت القصوای تحقق

ایمان و مسلخ اثبات

سرسپردگی به ساحت

ربوبی است. کسانی

که وجود خویش را

وقف آرمان‌های الهی

نموده‌اند، مرگ را نه

یک پایان ارباب‌آور، که

تکامل تعهد خویش

می‌پندارند.



نیز با همانندسازی این سلوک، دست به تربیت نسلی مقاوم و استقلال خواه زد. عقلای عالم گواهند که این دکترین استقامت، قدرتی زاینده و هژمونی شکن در پی دارد؛ همان نیروی شگرفی که توانست یک رژیم استبدادی تاریخی را ساقط کند، دست تاراج گریبانگان را از منابع ملی کوتاه نماید و از دل سهمگین ترین تهدیدات، فرصت‌هایی تاریخی بسازد و حالا نظام استکبار جهانی را به چالش وجودی کشیده است. در این مسیر، تهدید، تضمیع و فریب ماشین جنگی و رسانه‌ای غرب، در برابر سد استوار استقامت همواره ناکام ماند.

■ **رزمایش انسجام ملی و پیام قاطع به نظام بین الملل**

با ابتناء بر این مقدمات فکری و تاریخی، آیین تشییع و بزرگداشت چنین شخصیت ذوابعدای، از یک مناسک تحريم و عزاداری معمول فراتر رفته و به رزمایش بازنمایی هویت جمعی و انسجام ملی مبدل می‌گردد، مانند آنچه هر ساله در محرم و صفر در سوگ عزای آل الله ﷺ شاهد آئیم. در لحظات خطیر تاریخی، به‌ویژه در دوره گذار جنگ‌ها و تنش‌های تحمیلی که احساس همبستگی ملی و دفاع از حاکمیت به نقطه ثقل مطالبات عمومی بدل گشته است، این مناسک بستری فراهم می‌آورد تا جامعه فارغ از هرگونه تفاوت‌ها و سلايق، بر مدار ارزش‌ها و خاطرات مشترک گرد هم آیند. این حضور حماسی، حامل پیامی قاطع به نظام بین الملل است؛ پیامی دال بر اینکه در هنگامه مواجهه با تهدیدات موجودیتی و خارجی، اختلافات دیدگاه‌های داخلی به حاشیه رانده شده و جای خود را به اراده‌ای پولادین برای دفاع از کیان ایران اسلامی می‌دهد. از این رو، بدرقه رهبر شهید نه آیین فقدان، بلکه جشن ماندگاری و انعکاس اراده جمعی برای استمرار مسیر استقلال طلبی و استکبارستیزی در تاریخ پرشکوه این سرزمین است و باید آن را به طور ویژه ثبت در تاریخ کرد تا مورد طمع و تحریف بدخواهان قرار نگیرد.



در باب کتاب «فلسفه التاريخ عند السيد الخامني»

فلسفه تاریخ در منظومه فکری رهبر شهید انقلاب؛ از سنن الهی تا تمدن سازی

مجتبی سلطانی احمدی، تاریخ پژوه و دانشیار دانشگاه پیام نور

کتاب «فلسفه التاريخ عند السيد الخامني» (فلسفه تاریخ در اندیشه آیت الله خامنه ای) به قلم دکتر «شادی علی»، گامی نو در ترسیم قانون مندی، غایت مداری و رویکرد توحیدی به تحولات بشری از منظر رهبر شهید انقلاب اسلامی است. نویسنده در این اثر تلاش می کند نشان دهد که تاریخ در قرائت اسلامی، نه زنجیره ای از حوادث اتفاقی و مادی، بلکه بستر پویای تجلی سنن الهی و اراده تمدن ساز انسان است. در یادداشت پیش رو، دکتر مجتبی سلطانی احمدی (دانشیار دانشگاه پیام نور و مدیر گروه تاریخ پژوهشگاه علوم و معارف انقلاب اسلامی)، با رویکردی تحلیلی به بررسی ساختار، انگیزه ها و محتوای تفصیلی فصول این کتاب پرداخته است. متن این یادداشت تحلیلی را در ادامه می خوانید:

کتاب «فلسفه التاریخ عند السید الخامنئی» (فلسفه تاریخ در اندیشه آیت الله خامنه ای) یک پژوهش تحلیلی است که به بررسی دیدگاه رهبر شهید انقلاب اسلامی درباره تاریخ به عنوان ابزاری برای تمدن سازی نوین اسلامی در عصر حاضر می پردازد. نویسنده کتاب، دکتر شادی علی، کار خود را با یک پرسش محوری درباره جایگاه پروژه تمدن اسلامی در بستر تاریخ آغاز می کند و به این می پردازد که چگونه تاریخ می تواند از یک «ماده درسی»، به «روش فهم و عمل» تبدیل شود. او معتقد است که درک «سنن الهی» در تاریخ، جوهر این پروژه است؛ چراکه تاریخ تنها روایت حوادث نیست، بلکه مسیری کیهانی است که تحت حاکمیت قوانین ثابت الهی قرار دارد و پیوند میان انسان، جامعه، تمدن و دین را آشکار می سازد.

درباره نویسنده و مشخصات کتاب

دکتر شادی علی، از پژوهشگران شیعه عراقی و دانش آموز خسته دانشگاه اسلامی لبنان (الجامعة الإسلامية فی لبنان) است. وی افزون بر تحصیلات دانشگاهی، سابقه تحصیل در حوزه علمیه نجف اشرف را نیز در کارنامه دارد و پیش از این، کتابی در حوزه نظام آموزشی قدیم عراق به رشته تحریر درآورده است. نویسنده چنان که خود اشاره کرده، کتاب «فلسفه التاریخ عند السید الخامنئی» را به توصیه مجاهد شهید، سید حسن نصرالله (دبیرکل فقید حزب الله لبنان) تألیف کرده و اثر را نیز به روح مطهر ایشان تقدیم نموده است. وی در نگارش این اثر از منابع متنوعی به زبان های فارسی، عربی، انگلیسی و فرانسوی بهره برده است.

این اثر با مشخصات کتاب شناختی زیر در بیروت روانه بازار نشر شده است:

شادی علی، فلسفه التاریخ عند السید الخامنئی، بیروت: مؤسسة التاریخ العربی للطباعة والنشر والتوزیع، الطبعة الاولى، ۲۰۲۵م، ۳۳۲ صفحه.

اهمیت این اثر را می توان در محورهای زیر خلاصه کرد:-

تلاش برای ارائه چارچوب نظری اسلامی جهت فهم روش مند تاریخ؛

بررسی پیوند وثیق میان دین، تاریخ و تکوین تمدن ها؛

تحلیل نقش و کارکرد مفاهیم الهیاتی در گفتمان اجتماعی و سیاسی معاصر؛

تأکید بر قانون مندی، غایت مندی و معناگرایی در فرآیندهای تاریخی.

از این منظر، کتاب را می توان در تقاطع مطالعات فلسفه تاریخ، اندیشه اسلامی معاصرو تحلیل گفتمان قرار داد. این اثر سرمایه فکری ارزشمندی برای پژوهشگرانی است که به دنبال فهم نظری رابطه میان دین و تاریخ هستند و می خواهند چگونگی کار بست مفاهیم الهیاتی را در تحلیل تحولات اجتماعی معاصر دریابند.

انگیزه های تألیف کتاب

انگیزه محوری مؤلف از نگارش این کتاب، صورت بندی و اثبات یک «فلسفه تاریخ اسلامی» بر پایه گفتمان و اندیشه های حضرت آیت الله العظمی خامنه ای است؛ بدین معنا که نشان دهد در تحلیل ها و منظومه فکری ایشان، تاریخ صرفاً یک سلسله رخداد سیاسی یا تصادفی نیست، بلکه عرصه ای منسجم است که سنن الهی، هدایت قرآنی، اراده انسان و حرکت تمدنی در آن به یکدیگر پیوند می خورند.

این انگیزه را می توان در چند لایه تبیین کرد:

پاسخ به نابسندگی نگاه های مادی به تاریخ:

۱

به باور مؤلف، نباید در تحلیل وقایع تاریخی «اسیر عوامل حسی، ملموس و مادی محدود» ماند و «اسباب معنوی» و «سنن الهی» را نادیده گرفت. تحلیل های رایج سکولار یا مادی گرا توانایی تبیین تمام ابعاد واقعیت تاریخ را ندارند و انگیزه مؤلف در این سطح، پر کردن این خلأ نظری بر پایه منظومه فکری رهبر شهید انقلاب اسلامی است.



استخراج نظریه منسجم از دلِ گفتمان دینی معاصر:

۲

ساختار کتاب نشان می دهد که مؤلف صرفاً به دنبال تشریح پراکنده بیانات نیست، بلکه درصدد نظام سازی فکری است. ترتیب فصول (از قرائت های تاریخی و مبانی نظری آغاز شده و به سنن الهی و نمونه های تطبیقی می رسد) گویای این است که هدف نویسنده، نظریه پردازی روش مند بوده است.

پیوند دادن تاریخ با قرآن والهیات:

۳

آغاز کتاب با آیه ۲۶ سوره مبارکه نساء (يُرِيدُ اللَّهُ لِيُثَبِّتَ لَكُمْ وَيَهْدِيَكُمْ سَبِيلَ النَّارِ مِنَ قَبْلِكُمْ...) نشان از رویکرد و حیانی نویسنده دارد. این شروع قرآنی گویای آن است که نویسنده می خواهد تاریخ را در افق هدایت الهی بازخوانی کند تا آن را از سطح روایت صرفاً انسانی به یک حوزه معرفتی قرآنی با تکیه بر اندیشه های رهبر شهید انقلاب ارتقا دهد.

دفاع از امکان تشکیل «فلسفه تاریخ اسلامی»:

۴

کتاب به ویژه از فصل دوم به بعد، در پی اثبات این مدعاست که اسلام فراتر از احکام فردی و اخلاقی، دارای فلسفه ای پویا برای فهم حرکت تاریخ است. مؤلف با این کار به یک پرسش مهم در سنت فکری معاصر پاسخ می دهد؛ این که آیا اسلام توان تبیین حرکت تاریخ و صعود و سقوط تمدن ها را دارد یا این حوزه منحصرأ در سیطره نظریات غربی است؟ مؤلف در این اثر می کوشد تا ظرفیت های نظری اندیشه اسلامی را برای پاسخ گویی به پرسش های بنیادین فلسفه تاریخ به اثبات برساند.

انگیزه محوری مؤلف
از نگارش این کتاب،
صورت بندی و اثبات
یک «فلسفه تاریخ
اسلامی» بر پایه گفتمان
و اندیشه های حضرت
آیت الله العظمی
خامنه ای است؛ بدین
معنا که نشان دهد در
تحلیل ها و منظومه
فکری ایشان، تاریخ
صرفاً یک سلسله رخداد
سیاسی یا تصادفی
نیست، بلکه عرصه ای
منسجم است که سنن
الهی، هدایت قرآنی،
اراده انسان و حرکت
تمدنی در آن به یکدیگر
پیوند می خورند.

تبیین منطق انقلاب و مقاومت:

۵

این کتاب، صرفاً یک اثر تاریخی نگاری نظری نیست؛ بلکه می‌کوشد چگونگی کاربست مفاهیم تاریخی در فرهنگ مقاومت و انقلاب اسلامی را تبیین کند. هدف مؤلف آن است که انقلاب اسلامی را نه پدیده‌ای منفک از بستر تاریخ، بلکه امتداد یک سنت تاریخی-دینی ترسیم نماید و برای جبهه مقاومت، پشتوانه‌ای فلسفی و تاریخی فراهم آورد. از این رو، یکی از انگیزه‌های راهبردی این اثر، تعمیق فهم تمدنی از انقلاب اسلامی و گفتمان مقاومت است؛ امری که نویسنده برای تحقق آن، از آثار و بیانات رهبر شهید انقلاب بهره گرفته است.

ترسیم «افق امید» در برابر بن بست‌های تاریخی:

۶

فلسفه تاریخ اسلامی استخراج شده در این اثر، امیدآفرین است. این دیدگاه برخلاف فلسفه‌های تاریخ بدبینانه غربی که به بن بست، بحران یا سلطه ختم می‌شوند، به دلیل اتکا به سنن الهی و نصرت حق، بن بست شکن است و مسیر حرکت تاریخ را روشن و هدفمند تصویر می‌کند. در این کتاب، مؤلف با تکیه بر فهم تمدنی و تاریخی آیت الله خامنه‌ای، در پی اثبات این نکته است که تاریخ دارای معنا و جهت است و می‌توان بر پایه سنت‌های الهی در آن کنش و عمل کرد.



در ادامه، مروری کوتاه بر فصول کتاب ارائه می‌گردد.

■ فصل اول؛ مقدمه

این فصل با نگاهی به ریشه‌های تاریخی انقلاب اسلامی آغاز می‌شود. نویسنده تأکید می‌کند که انقلاب اسلامی پدیده‌ای اتفاقی نیست، بلکه آن را «امتداد حرکت تاریخی تشیع» می‌داند که قرون متمادی با چالش‌هایی نظیر سرکوب و حاشیه‌نشینی دست‌به‌گriبان بوده است. از آنجا که تشیع در بستر تاریخ، غالباً با فشار، طرد و سرکوب مواجه بوده، انقلاب اسلامی رخدادی گسسته نیست، بلکه تداوم یک خط تاریخی مستمر است.

مؤلف استدلال می‌کند که در مواجهه با فشارهای سیاسی و ایدئولوژیک، تاریخ‌نگاری نمی‌تواند به توصیف صرف وقایع بسنده کند؛ به دیگر سخن، پاسخ به پرسش «چه رخ داد؟» بدون درک لایه‌های ایدئولوژیک نهفته در پس‌رخداده‌ها، ناقص و ابتر است. این فصل، مسئله اصلی کتاب را پی‌ریزی می‌کند: آیا تاریخ صرفاً رشته‌ای از وقایع پراکنده و گسسته است، یا می‌توان در آن معنا، جهت، قانون و هدایت را جست‌وجو کرد؟ کتاب از همان ابتدا می‌کوشد تاریخ را از سطح «توصیف رویدادها» به تراز «فهم منطق حاکم بر آن‌ها» ارتقا دهد. در این فصل، زمینه‌ای فراهم می‌شود تا ادعای تفاوت نگاه اسلامی به تاریخ با رویکردهای آکادمیک سکولار تبیین گردد؛ چرا که نگاه اسلامی، تاریخ را در پیوند با مفاهیمی چون خدا، هدایت، امت و جنبش‌های دینی معنا می‌کند. بدین سان، انقلاب اسلامی و تجربه شیعی، به عنوان بستری زنده برای فهم تاریخ مطرح می‌شوند؛ به گونه‌ای که تاریخ، دیگر نه فقط موضوعی برای مطالعه، بلکه ابزاری برای درک «اکنون» و کنشگری برای ساختن آینده است؛ چرا که تاریخ، در این رویکرد، حامل استمرار هویتی و فکری است.

■ فصل دوم؛ قرائت‌های تاریخی و پیامدهای تمدنی آن

محور اصلی این فصل، تبیین تأثیر «گونه‌شناسی نگاه به تاریخ» در فرآیند تمدن‌سازی است. مؤلف با دسته‌بندی قرائت‌های گوناگون از تاریخ، از جمله قرائت‌های دینی، استدلال می‌کند که نوع نگاه به گذشته، نه امری خنثی، بلکه زیربنای شکل‌گیری تمدن‌هاست. نویسنده، سنت یهودی را به عنوان نمونه‌ای عینی مطرح می‌کند که در آن، روایت‌های تاریخی به گونه‌ای تنظیم و تفسیر می‌شوند که مستقیماً در خدمت اهداف دینی و به ظاهر هویت‌بخش قرار گیرند.

پیام محوری این فصل، هشدار است به این مضمون: قرائت‌های مادی یا تحریف‌شده از تاریخ، تمدنی متناسب با همان دیدگاه را بازتولید می‌کنند. به عبارت دیگر، خوانش ما از تاریخ، مستقیماً بر ساحت تمدن‌سازی و ویران‌سازی اثر می‌گذارد. مؤلف با تفکیک میان قرائت‌های مادی و اسلامی، نشان می‌دهد که هر یک از این رویکردها چه تصویری از انسان، جامعه، پیشرفت و آینده ترسیم می‌کنند.

نکته کلیدی این فصل، نقد «تاریخ‌نگاری خنثی» است؛ چرا که تاریخ‌نگاری، همواره آغشته



نویسنده تأکید می‌کند

که انقلاب اسلامی

پدیده‌ای اتفاقی نیست،

بلکه آن را «امتداد حرکت

تاریخی تشیع» می‌داند

که قرون متمادی با

چالش‌هایی نظیر

سرکوب و حاشیه‌نشینی

دست‌به‌گriبان بوده

است.

به پیش فرض‌های جهان‌شناختی است. اگر تاریخ را از دریچهٔ مادی بنگریم، تمدن حاصل، برمدار ماده، قدرت و منافع تعریف خواهد شد؛ اما در نگاه توحیدی، مفاهیمی بنیادین همچون تکلیف، نصرت الهی، ابتلاء و وعده‌های تمدنی به عرصه می‌آیند. این فصل با طرح پرسش‌هایی بنیادین — نظیر خطی یا دوری بودن تاریخ، غایت‌مندی آن، و وجود قوانین ثابت در جوامع — عملاً به این نتیجه‌گیری می‌رسد که نسبت میان «فهم ما از تاریخ» و «واقعیت تمدنی ما»، نسبتی علی و معلولی است: تاریخ مادی، تمدن مادی می‌آفریند و تاریخ توحیدی، زمینه‌ساز تمدن معنوی و هویتی است.

فصل سوم؛ مبانی نظریهٔ اسلامی

این فصل به واکاوی زیرساخت‌های معرفتی تاریخ‌نگاری می‌پردازد. از منظر مؤلف، دستیابی به فهمی اسلامی از تاریخ، مستلزم شناخت پیشین مبانی معرفتی و ارزشی جهان‌بینی اسلام است. بدین منظور، مباحثی چون «ارزش‌های بنیادین در نظام معرفتی اسلام اصیل» و تأثیر این مبانی بر قرائت‌های اسلامی از تاریخ، مورد بررسی قرار می‌گیرد. هدف غایی این فصل، تبیین این نکته است که فلسفهٔ تاریخ در اسلام، نه مجموعه‌ای از احکام پراکنده، بلکه برآمده از یک نظام فکری منسجم است که با رویکردهای مادی‌گرایانه مرزبندی صریحی دارد.

مؤلف در تبیین «القيم الأساسية للنظام المعرفي الإسلامي الأصیل»، استدلال می‌کند که نگاه اسلامی به تاریخ، بر ستون‌های استواری چون قرآن، عقل و سنن الهی بنا شده است. این رویکرد بدین معناست که فهم تاریخ از منظر اسلامی، نه صرفاً نقل‌محور است و نه منحصر به عقل‌گرایی ابزاری؛ بلکه ترکیبی هدایت‌شده از وحی و تعقل است. در همین راستا، فصل حاضر به نقد دیدگاه‌های تقلیل‌گرایانه می‌پردازد؛ دیدگاه‌هایی که تاریخ را تنها در ذیل مفاهیمی چون اقتصاد، قدرت یا جبر اجتماعی تبیین می‌کنند.

اهمیت این فصل در آن است که پیش از ورود به بحث «سنن الهی» یا «مکتب تاریخی»، زمینه‌های معرفتی بحث را پی‌ریزی می‌کند؛ چپستی انسان، نسبت عالم با خداوند، نحوهٔ ادراک جامعه و ماهیت پیشرفت. در واقع، این فصل با ترسیم این مبانی، چارچوبی استوار برای فهم تاریخ فراهم می‌آورد.

فصل چهارم؛ تاریخ از منظر توحیدی

در این بخش، مفهوم «توحید» به مثابهٔ ستون فقرات فهم تحولات بشری معرفی می‌شود. نویسندگان با استناد به «فلسفهٔ تاریخ در قرآن»، ویژگی‌های مکتب تاریخی آیت‌الله خامنه‌ای را تبیین می‌کند. در این چشم‌انداز، تاریخ دارای جهت‌گیری غایت‌مند است و تحت اشراف ارادهٔ الهی و قوانین ثابت (سنن)، راه می‌پیماید. از نگاه توحیدی، تاریخ صرفاً انباشت وقایع نیست، بلکه عرصه‌ای برای تحقق ارادهٔ الهی، اعمال اختیار انسان و تجلی سنن حاکم بر جوامع است.

این فصل در حکم قلب تپنده و مرکز ثقل فلسفی کتاب است؛ اگر فصل سوم زیربناهای معرفتی را پی‌ریزی می‌کند، فصل چهارم نشان می‌دهد که «تاریخ» در جهان‌بینی توحیدی، دقیقاً چه معنا و کارکردی دارد. یکی از گرده‌های مهم نظری که در این فصل گشوده می‌شود، تبیین نسبت میان «فرد» و «جامعه» است. نویسندگان با عبور از دوگانه‌های رایج غربی، استدلال می‌کند که در نگاه توحیدی، نه فرد از صحنه حذف می‌شود و نه ساختار اجتماعی جایگاه عاملیت او را نفی می‌کند. در این رویکرد، انسان در پهنهٔ تاریخ، کنشگر و فاعل است؛ اما فاعلیت او مطلق و بی‌قاعده نیست، بلکه در چارچوب سنن الهی و نظامات اجتماعی و اخلاقی معنا می‌یابد. بدین سان، توحید از یک باور کلامی صرف فراتر رفته و به دستگاهی تحلیلی برای درک حرکت تمدن‌ها، تبیین فراز و فرود جوامع و تحلیل چرایی پیروزی‌ها و شکست‌های



در فصل هفتم، «تجلی

مفاهیم سنن الهی در

بیانات رهبری» واکاوی

شده است. از آنجا که

سنن الهی در اندیشه

امام خامنه‌ای، عنصری

محوری برای تحلیل

تاریخ و جامعه محسوب

می‌شود، اهمیت این

فصل در عبور از ساحت

نظری به عرصه تحلیل

متن نهفته است؛ بدین

معنا که کتاب صرفاً به

اثبات اهمیت سنن

الهی در اسلام بسنده

نمی‌کند، بلکه چگونگی

کار بست این سنن را

در گفتمان رهبر شهید

انقلاب برای تبیین

رخداد های اجتماعی و

تاریخی نشان می‌دهد.

تاریخی بدل می‌شود. در این نگاه توحیدی، فاعلیت انسان نه در خلأ، که درون شبکه‌ای از سنن الهی و ساختارهای اجتماعی تعریف می‌شود.

■ فصل پنجم: «سنن الهی» به عنوان عامل تمدن اسلامی

این فصل، پیوندی راهبردی میان قوانین حاکم بر تاریخ و فرایند تمدن‌سازی برقرار می‌سازد. نویسنده، سنن الهی را نه مفاهیمی انتزاعی و صرفاً نظری، بلکه «منبعی پویا برای تحول تمدنی» باز می‌شناساند. در این چشم‌انداز، تاریخ نه روایتی منفعل، بلکه بستری برای «رهای» و شکل‌گیری فرهنگی انقلابی است؛ ابزاری که می‌تواند موتور محرک تحقق تمدن نوین اسلامی باشد.

مؤلف استدلال می‌کند که تحلیل سنن الهی در این فصل، از سطح تفسیر صرف عبور کرده و به تراز «برنامه‌سازی» و «جهت‌دهی اجتماعی» ارتقا می‌یابد. به زعم او، جوامع مسلمان با شناخت این سنن، قادر خواهند بود مسیر حرکت خود را با قواعد پیروزی، عزت، بقا و تحول تمدنی هماهنگ سازند. در نهایت، این فصل نشان می‌دهد که «تاریخ‌شناسی توحیدی» به مثابه ابزاری برای «آزادسازی اراده‌ها» عمل می‌کند؛ چرا که شناخت دقیق سنت‌های حاکم بر شکست و پیروزی، ملت‌ها را از بند انفعال رها کرده و به ساحت «کنش‌گری تمدنی» سوق می‌دهد.

■ فصل ششم: ادبیات مقاومت و تاریخ انقلاب

این فصل به واکاوی ابعاد حماسی و کاربردی تاریخ اختصاص دارد؛ از این رو، تاریخ در اینجا با مفهوم «مقاومت» پیوندی وثیق می‌یابد. نویسنده استدلال می‌کند که روایت دقیق و اصیل از تاریخ انقلاب، نه صرفاً بازخوانی گذشته، که خود بخشی از فرایند مبارزه است؛ روایتی که با تولید گفتمان و ادبیات خاص خود، هویت انقلابی را در برابر هجمه‌های فکری صیانت می‌کند. این فصل، ساحت فرهنگی و انقلابی کتاب را برجسته‌تر می‌سازد؛ چرا که «مقاومت» و «انقلاب» را نه پدیده‌هایی صرفاً سیاسی، بلکه برخوردار از زبان، حافظه و ادبیات اختصاصی خود می‌داند.

مؤلف استدلال می‌کند که فقدان روایت تاریخی منسجم، مقاومت را به واکنشی هیجانی و کوتاه‌مدت فرومی‌کاهد؛ در حالی که خوانش صحیح تاریخ، مقاومت را به هویتی پایدار و کنش‌گر بدل می‌سازد. تاریخ در این ساحت، نقشی تربیتی و هویت‌ساز ایفا می‌کند؛ به گونه‌ای که «تاریخ انقلاب» و «تاریخ مقاومت»، تجربه‌های زیسته را به حافظه جمعی بدل کرده و این حافظه، پیش‌ران استمرار مبارزه و امیدآفرینی می‌شود. این فصل تبیین می‌کند که «ادبیات مقاومت»، تجلی فرهنگی همان «سنن الهی» در ساحت تاریخ است؛ جایی که روایت، شعر، خطابه و حافظه، همگی در خدمت تثبیت یک فهم توحیدی از مبارزه قرار می‌گیرند. از این منظر، انقلاب اسلامی نه یک رخداد تاریخی متصلب، بلکه «متنی زنده» است که باید مستمراً بازخوانی، بازتفسیر و به نسل‌های آتی منتقل شود.



❖ فصل هفتم؛ سنن الهی در گفتمان امام خامنه‌ای

فصل هفتم و هشتم، بدنهٔ تحلیلی و مصداقی کتاب را تشکیل می‌دهند. در فصل هفتم، «تجلی مفاهیم سنن الهی در بیانات رهبری» واکاوی شده است. از آنجا که سنن الهی در اندیشهٔ امام خامنه‌ای، عنصری محوری برای تحلیل تاریخ و جامعه محسوب می‌شود، اهمیت این فصل در عبور از ساحت نظری به عرصهٔ تحلیل متن نهفته است؛ بدین معنا که کتاب صرفاً به اثبات اهمیت سنن الهی در اسلام بسنده نمی‌کند، بلکه چگونگی کار بست این سنن را در گفتمان رهبر شهید انقلاب برای تبیین رخدادهای اجتماعی و تاریخی نشان می‌دهد.

در این فصل، مفاهیمی بنیادین همچون «نصرت الهی»، «ابتلاء»، «استقامت»، «تغییر درونی جوامع» و «وعدۀ پیروزی جبههٔ حق» استخراج و گونه‌شناسی شده‌اند. یکی از ادعاهای محوری این بخش، آن است که سنن الهی در منظومۀ فکری آیت‌الله خامنه‌ای، فراتر از جنبه‌های وعظی یا شعاری، «چارچوبی تحلیلی» برای فهم تاریخ معاصر، انقلاب اسلامی، امت اسلامی و مواجهه با دشمنان هستند. بدین ترتیب، این فصل با ایجاد پیوندی وثیق میان «فلسفۀ تاریخ» و «تحلیل سیاسی-اجتماعی»، نشان می‌دهد که سنن الهی در گفتمان رهبر شهید، کارکردی ابزاری برای فهم دقیق تحولات و جهت‌دهی به کنش‌های اجتماعی ایفا می‌کنند.

فصل هشتم؛ نمونه‌های کاربردی

نویسنده در این فصل با واکاوی نمونه‌های عینی، چگونگی تفسیر وقایع و روندهای تاریخی را با تکیه بر «رویکرد سَنَنی» در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای تبیین می‌کند. با استناد به مصادیقی از تاریخ اسلام، انقلاب اسلامی، تحولات منطقه و تقابل جبهه حق و باطل، روشن می‌سازد که فهم دقیق این رخدادها بدون اتکا به سنن الهی، ناقص است.

ارزش تحلیلی این فصل در اثبات این نکته است که «سنن الهی» مفاهیمی انتزاعی نیستند، بلکه ابزارهایی روش‌شناختی برای خوانش واقعیت‌اند. این رویکرد، واجد توان تبیین، پیش‌بینی و جهت‌دهی است؛ بدین معنا که منطق پیشرفت ملت‌ها، فرجام نظام‌های سیاسی و چرایی پیروزی‌های جبهه مقاومت، از این منظر قابل بازخوانی است. نویسنده در نهایت تبیین می‌کند که چگونه می‌توان وقایع معاصر، از جمله چالش‌های سیاسی و دستاوردهای اجتماعی را در چارچوب قوانین سنن مستخرج از قرآن و تاریخ، تحلیل کرد.

فصل نهم؛ نتایج

برآیند نهایی این پژوهش بر دو محور کلیدی استوار است: نخست، اثبات اینکه تاریخ در نگرش اسلامی و قرائت آیت‌الله خامنه‌ای، رخدادی قاعده‌مند، معنادار، هدف‌مند و مبتنی بر توحید است؛ دوم، تبیین جایگاه محوری «سنن الهی» که هم تاریخ را به پدیده‌ای «فهم‌پذیر» بدل می‌کند و هم بستر کنش‌گری آگاهانه و تمدن‌ساز را فراهم می‌آورد. این رویکرد نشان می‌دهد که گفتمان انقلاب اسلامی، فراتر از یک کنش صرفاً سیاسی، متکی بر فلسفه‌ای عمیق از تاریخ و قرآن است؛ فلسفه‌ای که هم واجد ارزش نظری است و هم کارکردی انضمامی برای ساختن آینده دارد.

در واقع، مهم‌ترین دستاورد این کتاب، استخراج یک «چارچوب نظری منسجم» برای فهم تاریخ از دل متون دینی و گفتمان فکری معاصر است. ویژگی‌های بنیادین این چارچوب را می‌توان در چهار مؤلفه زیر خلاصه کرد:

۱. قاعده‌مندی تاریخ: نفی نگاه تصادفی به رخدادها و باور به نظام‌مندی حاکم بر تحولات؛
 ۲. اصالت بخشی به عوامل معنوی: قائل شدن به نقش تعیین‌کننده ارزش‌های اخلاقی و الهی در فرایندهای تاریخی؛
 ۳. تعامل اراده انسانی و قوانین الهی: تبیین نسبت وثیق میان کنش‌گری بشر و سنن تغییرناپذیر الهی؛
 ۴. غایت‌مندی و معناگرایی: باور به حرکت تاریخ به سوی هدفی متعالی و نفی پوچ‌انگاری در سیر تحولات بشری
- جمع‌بندی: تاریخ، میدان کنش و تمدن‌سازی
سیر تحلیلی این کتاب از طرح کلان مسئله تاریخ آغاز می‌شود و با عبور از مقایسه



برآیند نهایی این پژوهش

بر دو محور کلیدی

استوار است: نخست،

اثبات اینکه تاریخ در

نگرش اسلامی و قرائت

آیت‌الله خامنه‌ای،

رخدادی قاعده‌مند،

معنادار، هدف‌مند و

مبتنی بر توحید است؛

دوم، تبیین جایگاه

محوری «سنن الهی» که

هم تاریخ را به پدیده‌ای

«فهم‌پذیر» بدل می‌کند

و هم بستر کنش‌گری

آگاهانه و تمدن‌ساز را

فراهم می‌آورد.

قرائت‌های رقیب، به تبیین مبانی اصیل اسلامی و استخراج «نگاه توحیدی» می‌رسد؛ سپس «سنن الهی» را به عنوان هسته مرکزی تحلیل تاریخ و موتور محرک تمدن‌سازی معرفی می‌کند. در فصول پایانی، این چارچوب نظری برگزیده آیت‌الله خامنه‌ای و مصادیق تاریخی مورد نظر ایشان تطبیق یافته است. مدعای اصلی این اثر آن است که تاریخ، فرآیندی بی‌قاعده و کور نیست، بلکه در پرتوی نظام توحیدی و سنن الهی، فهم‌پذیر و تحلیل‌گر است؛ فهمی که می‌تواند مبنای استراتژیک برای «مقاومت»، «انقلاب» و «تمدن‌سازی» قرار گیرد.

برآیند نهایی پژوهش، استقرار فلسفه تاریخ آیت‌الله خامنه‌ای بر سه ستون بنیادین است:

۱. توحید معرفت‌شناختی: پیوند تمامی رخدادهای تاریخی به اراده الهی و قوانین حاکم بر هستی.

۲. فاعلیت انسانی: انسان نه مفعول تاریخ، بلکه کنشگر تمدنی و مسئول ساختن سرنوشت خویش.

۳. قاعده‌مندی سنن: وجود قوانین عینی و تغییرناپذیر الهی که شالوده نهضت امت اسلامی بر درک آن‌ها بنا می‌شود.

در این منظومه، تاریخ از «روایتی کهنه از گذشته» به «برنامه‌ای برای آینده» و از یک موضوع نظری به «روش‌شناسی مقاومت» تبدیل می‌شود تا آگاهی تاریخی، ابزاری کارآمد برای احیای امت و اقامه عدالت باشد.

■ مؤلفه‌های ده‌گانه تمدن‌ساز در اندیشه رهبر شهید انقلاب

این کتاب ده اصل راهبردی را به همراه شواهد قرآنی و تاریخی، به عنوان ستون‌های تحلیل وقایع تبیین می‌کند:

۱. قاعده‌مندی تاریخ (سنن الهی): تاریخ نظامی برآمده از قواعد ثابت و تغییرناپذیر الهی است، نه مجموعه‌ای از حوادث تصادفی.

۲. مشروط بودن نصرت الهی: امداد غیبی تابعی از ایستادگی و به‌کارگیری حداکثری توان جبهه حق در مسیر تحقق اهداف است.

۳. سنت استدراج: مهلت الهی به ظالمان جهت فروزی نعمت‌های مادی، که در نهایت به سقوطی عمیق در اوج غفلت می‌انجامد.

۴. دیالکتیک حق و باطل: تاریخ، صحنه نبرد ساختاری و مستمر میان جبهه توحید و جبهه استکبار (طاغوت) است.

۵. سنت «ابتلاء و امتحان» در تمدن‌سازی: چالش‌ها و بحران‌های تاریخی، بستری برای پالایش روح جمعی و غربالگری نیروها در مسیر تکوین تمدن محسوب می‌شوند.

۶. تغییر سرنوشت از طریق اراده جمعی: تحولات بنیادین در تاریخ، محصول تغییر در اراده و کنش اجتماعی مردم است (لَا يَغَيِّرُ مَا بَقُومَ...).

۷. زوال تمدنی در اثر ظلم و فساد اخلاقی: عامل اصلی فروپاشی تمدن‌ها، فساد درونی، ظلم و انحطاط اخلاقی است، نه صرفاً ضعف مادی یا نظامی.

۸. سنت «غلبه فئه قلیله» (پیروزی گروه اندک بر گروه انبوه): تبیین تفوق بنیادین مؤلفه‌های کیفی (ایمان و استقامت) بر برتری کمی و مادی در معادلات تاریخی.

۹. ایده «امید تاریخی» و وراثت مستضعفان: تاریخ دارای فرجامی متعالی است؛ شر در تاریخ اصالت ندارد و پیروزی نهایی از آن صالحان است.

۱۰. هویت‌سازی از طریق «تذکر به ایام الله»: ایام الله، نقاط عطف تمدنی هستند که بازخوانی آن‌ها، حافظه جمعی جامعه را در مسیر درست صیانت می‌کند.



حجاب های درک منظومه فکری قائد شهید در حوزه ادبیات

یادداشتی از احمد شاکری، نویسنده و منتقد ادبی

قائد امت اکنون و پس از دهه ها مجاهدت و طاعت در مسیر عبودیت به بهترین سرنوشت ها یعنی شهادت نایل آمده اند. زعیم و رهبر، عالی ترین نسبت ها را با امت خود برقرار می کند. این نسبتی است که دوسو دارد. سویی که در آن جایگاه رفیع امام و قائد قرار دارد و سوی دیگری که در آن مردم در اقبال و طبقات و صنوف مختلف قرار دارند. چنین نسبتی واقعی، عمیق، چند بعدی، ذومراتب و الهی است. لذا هر صنفی از اصناف امت می توانند خود را مورد پرسش قرار داده و در نسبت خود با امام تامل کنند.

امام تنها یک شخص نیست بلکه تبلور یک راه است. چنان که قرآن کریم می فرماید «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» راه به رهرو نسبت داده می شود. این رهرو است که راه را می سازد. لذا امام امت خود راهی عینیت یافته و تحقق یافته است. اگر اینگونه باشد با رفتن امام، امت گرچه فردی را از دست خواهد داد، اما راه گم نخواهد شد. بلکه این راه به واسطه تمامی گفته ها و تصمیم ها و اعمال امام وضوح بیشتری یافته است. گفته و عمل امام بر ایند منظومه فکری او است. یعنی دستگاه واره ای که نظام ذهنی، تحلیلی و اجتهادی امام بر

رهبریت نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

فصل اول



نگارنده بران است تادر

این جستار، به حجاب

هایی که در نسبت

یافتگی مان با رهبر

در حوزه ادبیات میان

ما و ایشان فاصله می

اندازند اشاره کند. چنین

هدفی براین پیش

فرض بنا شده است که

قائد شهید به اذعان

متخصصان فن، فردی

اشنا با ادبیات، خاصه

ادبیات روایی و داستانی

بوده و آشنایی با آثار مهم

جهانی و ایرانی، پیگیری

و مطالعه مستمر این

اثر و رویکرد عالمانه

ایشان در تحلیل و

تفسیر این آثار از ایشان

چهره ای ممتاز ساخته

بود.

اساس آن به برون دادی از جنس «صراط» نایل می شود. هر آنچه امام انجام می دهد از این منظومه «إشراق» شده است. سرچشمه ای که ابشخور و رستنگاه عمل امام است.

امتداد صراط امام خاصه در زمانی که شهادت حضور ظاهری او را از دسترس امت خارج ساخته است جز با تقریب به منظومه فکری ایشان ممکن نیست. تنها با تمسک به این منظومه فکری است که می توان در مسائل نوپدید و موضوعات متکثر مرجعی قابل اعتماد یافت و نظر امتدادی امام را درک و استخراج کرد.

از چهار مقدمه پیشین این نتیجه قابل اصطیاد است که نسبت میان اصناف امت با امام شهید با رجوع و ارجاع به منظومه فکری ایشان محقق خواهد شد. اما چگونه این امر ممکن خواهد شد؟ خاصه آنکه امام شهید فردی ذو وجوه و ذوفنون بوده و در حوزه های متعددی صاحب نظر و در حوزه هایی مجتهد بودند. طبعاً مطالعه در منظومه فکری کسی چون امام شهید نه بررسی و پژوهشی تک رشته ای که مقوله ای میان رشته ای است. لازم است پژوهش های متعددی حلقات این زنجیره در هم تنیده را تمهید و تنقیح کنند.

نگارنده بران است تا در این جستار، به حجاب هایی که در نسبت یافتگی مان با رهبر در حوزه ادبیات میان ما و ایشان فاصله می اندازند اشاره کند. چنین هدفی بر این پیش فرض بنا شده است که قائد شهید به اذعان متخصصان فن، فردی آشنا با ادبیات، خاصه ادبیات روایی و داستانی بوده و آشنایی با آثار مهم جهانی و ایرانی، پیگیری و مطالعه مستمر این آثار و رویکرد عالمانه ایشان در تحلیل و تفسیر این آثار از ایشان چهره ای ممتاز ساخته بود. چنین نسبت طولانی مدت و عمیقی با ادبیات از سوی فردی در عالی ترین سطح دینی و سیاسی کشور، رخدادی کم نظیر و به صورت بالقوه، مستعد افزوده های معرفتی متعدد در ساحت ادبیات است. ایشان علاوه بر دیدارهای مکرر با اهالی ادبیات و نویسندگان، بیاناتی درباره بایسته های ادبیات و نمونه های موفق جهانی داشته و در رویه ای مستمر با نگاشتن تقریظ بر برخی آثار، نظرات خود را بیان داشته اند. این دستمایه عموماً ناگفته و ناگاویده ای خاصه در ساحت ادبیات انقلاب اسلامی بوجود آورده است که می تواند حضور و هدایت معنوی قائد شهید را در حوزه های مختلف از جمله ادبیات تضمین کند.

حجاب معاصرت:

هم عصری با چهره های نامدار و سرامدان تاریخی یک فرصت و در عین حال یک دریغ است. زیرا شخصیت های عمیق، پیشرو و ممتاز، فراتر از دوره شان هدف گذاری و حرکت می کنند و نوعاً در زمان خود به درستی درک نمی شوند. باید زمان بگذرد تا تاریخ اثبات دعوی آنها را آشکار سازد. برای کسانی که کمتر از پنجاه سال سن دارند وجود رهبری اهل مطالعه، ادیب، مرجع دینی و در عین حال آشنا با ادبیات داستانی اروپا و

امریکا و رمان خوان حرفه ای شاید امری معمول به نظر رسد. انها گمان می کنند نمی تواند واقعیت چیزی جز این باشد. در حالی که شخصیت قائد شهید در این زمینه به واقع یک استثنا بودند. جمع میان علم دینی حوزوی و ادبیات نوین امری با پیشینه نیست. معاصرت گاه اجازه نمی دهد شخصیت در ابعادی چون ادبیات در هاضمه فضای ادبی کشور درک و فهم شود. هنوز آنچه مادر باره نسبت امام شهید و ادبیات می دانید با عمق منظومه فکری ایشان بسیار کوتاه و ناچیز است.

حجاب اصطلاحات:

معبر ورود به ادبیات روایی و زبانی که با ان دانش ادبی انتشار یافته و ادبیات تفسیر و تحلیل می شود اصطلاحات ادبی است. بعضا این اصطلاحات در جعل های ثانوی اختصاصا برای بیان مفاهیم فنی ادبیات مورد استفاده قرار می گیرند. انتقال به مفهوم و مراد گویندگان نیازمند عبور از حجاب لفظ و اصطلاح خاصه در اصطلاحاتی که دچار اشتراک لفظی هستند. بیانات مقام معظم رهبری و تقریظ های ایشان و سفارشاتشان در حوزه ادبیات و سینما مشتمل بر کلید واژگانی است که نیازمند تامل و تدقیق است. اهالی نظر برای ورود به منظومه فکری ایشان و استفاده از ان در بحث ادبیات نیازمند بازتعریف این اصطلاحات به صورت خاص در منظومه فکری ایشان هستند.

حجاب اجمال:

إجمال- در مقابل تفصیل- به معنای بیان مطلب به صورت کلی، فشرده و بدون ذکر جزئیات یا فروعات است. در مجمل گویی، اصل موضوع منتقل شده و گوینده وارد جزئیات، استثنائات یا روش های انجام آن نمی شود. برخی بیانات و تقریظ های برجای مانده از قائد شهید مشتمل بر موارد اجمالی است که باید تفصیل یابند. این فرایند یعنی حرکت از اجمال به تفصیل نیازمند سازوکاری مشخص و رجوع به منظومه فکری ایشان خاصه در حوزه ادبیات است. بعضا امور اجمالی اگر به صورت درست و منطبق بر منظومه فکری قائد شهید به مرحله تفصیل ارتقا نیابند می توانند در معرض تفسیر های نادرست یا ناقص قرار گیرند.

حجاب شأن نزول:

هر کلام اعم از گفته یا نوشته شأن نزولی دارد. برخی بیانات قائد شهید در رخداد یا مناسبت یا موضوع خاصی بیان شده اند. مخاطب یا گروه مخاطبان ویژه ای را به حضور پذیرفته اند. بدون لحاظ چنین قرائنی معنای کلام تام نبوده و قابل ارجاع نیستند. گاه شرایط و قرائن حالی موجب تفسیر خاص و ویژه ای از کلام می شود. این نشان می دهد دستمایه های موجود از آنچه ایشان در حوزه ادبیات بیان داشته اند باید با ملاحظه شان نزول و قرائن حالیه مجددا گویا شوند.



دست یابی و تبیین

منظومه فکری

قائد شهید نیازمند

اشراف حداکثری به

دستمایه های باقی

مانده از ایشان اعم از

تقریظ ها، یادداشت

ها، سخنرانی ها، تاریخ

شفاهی، گفتگوها و

محتوای ملاقات های

خصوصی عمومی

است.



حجاب نقصان دستمایه ها:

دست یابی و تبیین منظومه فکری قائد شهید نیازمند اشراف حداکثری به دستمایه های باقی مانده از ایشان اعم از تقریظ ها، یادداشت ها، سخنرانی ها، تاریخ شفاهی، گفتگوها و محتوای ملاقات های خصوصی عمومی است. اینها دستمایه های اولیه ای هستند که هرگونه نقصان در آنها امکان تدوین عمیق نظام فکری معظم له را در حوزه ادبیات دشوار می سازد. آنچه البته در دسترس بوده و هست بخش کوچکی از آن چیزی است که دربرگیرنده تمامی بیانات ایشان است. امید است با دسترس قرار گرفتن آنچه از افاضات معظم له ثبت و ضبط شده این مانع در مسیر پیش گفته مرتفع شود.

حجاب جایگاه سیاسی:

عرصه ادبیات، عرصه تبادل و تضارب آراء است. حیات و زیست هنر از جمله ادبیات به همین گوناگونی و تعاضد نظرات مختلف خواهد بود. لذا مرحله مهم از کارآمد ساختن بیانات قائد شهید در عرصه ادبیات عرضه آنها به نظریاتی است که در حوزه ادبیات وجود دارد. چنین عرضه ای این امکان را فراهم خواهد ساخت که در منظومه فکری امام شهید در حوزه ادبیات چه نقاط تلاقی با آراء و مبانی و قواعد ادبی دیگر وجود داشته و نقاط تمایز و تضاد چیست؟ بلکه این تقاطع گیری از آراء به ناظران و مخاطبان امکان خواهد داد تا در عرضه آراء به یکدیگر به

نقد اراء و انتخاب رای برتر نایل شوند.

حجاب تطبیق و نقد:

از جمله حجاب هایی که در نیل به مقصود واقعی بیانات و مطالب رهبری شهید در حوزه ادبیات قابل فرض است عدم تطبیق مطالب کلی یا جزئی ایشان بر مصادیق است. به عنوان مثال مقام معظم رهبری در ده ها تقریظ منتشر شده نکاتی را درباره اثار روایی و داستانی بیان داشته اند. اما تا کنون تا جایی که نگارنده میداند تطبیق دقیقی میان گزاره های کلی و نمونه اثار انجام نشده است. این تطبیق نشان می دهد فراگیری و کیفیت احکام کلی که در بیانات ایشان درباره یک اثر وجود داشته در خود ان اثر چگونه است. به تعبیری نیاز است تا اثری که مورد اشاره معظم له بوده اند بر اساس گزاره ها و توصیف هایی که ایشان از ان اثار کرده اند مجددا مورد بازخوانی قرار گیرد.

حجاب سیاست های اجرایی:

حجاب دیگری که میان ما و منظومه فکری مقام معظم رهبری پرده افکنده تداخل سیاست های مدیران اجرایی خاصه در حوزه ادبیات با مقاصد عالی بیانات و تقریظ های رهبر شهید است. واقعیت ان است که اهمیت تقریظ های مقام معظم رهبری بیش از ان که در تعیین یک مصداق باشد در بازروایی مولفه ها و معیارهای اثر ارزشمند است. اما سیاست های اجرایی که عموما مبتنی بر پژوهش نیستند، به مقوله ارزشمندی چون تقریظ به مثابه تعیین مصداق نگاه می کنند نه ترسیم خطی مشی. لذا چنین نحو مدیریت هایی قادر نیستند با اخذ ملاک از یک مصداق به مصادیق متعدد توسعه یابند. روشن است که در نسبت ادبیات و اهالی ان با مقام معظم رهبری، نویسندگان نباید صرفا منتظر تایید یک یا چند اثر از سوی ایشان به صورت مشخص باشند. بلکه با درک منطق و منظومه فکری ایشان باید قادر باشند تمامی اثار منبعث از این منظومه و در راستای ان را تشخیص دهند.

حجاب موقف کلام:

بخش مهم و موثری از آنچه از مقام معظم رهبری در دسترس بوده و البته موثر واقع شده تقریظ های ایشان بر برخی اثار داستانی و روایی است. روشن است که هم قالب بیانی (تقریظ) هم موقعیت گوینده (امام و پدر امت) اجازه نمی دهد تمام موضع گوینده در تقریظ منتقل شود. زیرا اولاهمانطور که در تقریظ آمده، نوشته ای است که در جهت همراه ساختن مخاطب با کتاب نوشته می شود. سویه حمایتگر و ترغیب کننده دارد. به ذکر محاسن می پردازد. اما این بدان معنی نیست که کتاب تقریظ گرفته فاقد اشکالات کلی یا جزئی باشد. همچنان که نقش امام امت نیز ان گونه است که چتر حمایتی و پدرانهاش بر سر اهالی ادبیات باشد و بیان نواقص مخل به این هدف



حجاب دیگری که میان
ما و منظومه فکری
مقام معظم رهبری پرده
افکنده تداخل سیاست
های مدیران اجرایی
خاصه در حوزه ادبیات
با مقاصد عالی بیانات و
تقریظ های رهبر شهید
است.

خواهد بود. اما در منظومه فکی امام شهید هم موارد ایجابی و هم موارد سلبی توأمان وجود و حضور دارند.

حجاب عدم بیان:

طبعاً عمدتاً زمانی که از استخراج منظومه فکری امام شهید سخن می‌گوییم به بیان توجه داریم. اما بخش بزرگتری نیز وجود دارد که از آن می‌توان به متعلق‌های عدم بیان یاد کرد. یعنی اموری که بیانی درباره آنها ثبت نشده یا مصادیق بسیاری که نوشته یا تقریظی درباره آنها شکل نگرفته است. منظومه فکری لازم است این بخش را نیز از سایه خارج کرده و با استخراج قاعده گویا سازد.

حجاب منظرگاه ژانری:

ادبیات خاصه ادبیات داستانی و روایی مشتمل بر اصنافی از ژانرهای موضوعی و مضمونی است که علاوه بر اینکه مشترکاتی با هم دارند اختصاصات و احکام خاص خود را نیز ایجاب می‌کنند. لزوماً تمامی احکام وارد بر ژانر ادبیات دفاع مقدس بر ادبیات انقلاب اسلامی منطبق نیست. مطالعه ژانری و تمرکز بر ژانری و فاصله گرفتن از ژانر دیگر هم یک فرصت است و هم یک تهدید. این موضوع از این جهت می‌تواند فرصت باشد که تدقیق و تمحّض در مواجهه با یک ژانر مسائل خاص آن ژانر را در نزد خواننده برجسته ساخته و دیدگاه تخصصی به او می‌دهد. مقام معظم رهبری به گواهی اظهارات شان فردی با دایره مطالعاتی وسیع از ژانرهای مختلف بوده اند گرچه نوع ادبیات مستند نگاری، قالب خاطرات و ژانر ادبیات دفاع مقدس بیش از دیگر ژانرها مورد اهتمام و علاقه و حتی توصیه ایشان بوده است. به گواه تقریظ‌های منتشر شده ایشان به غرض حفظ و ماندگاری فرهنگ انقلابی و دینی این ژانر را مستعد برای تحقق چنین هدفی می‌دانسته‌اند. تعبیر "گنج جنگ" نیز حاکی از همین اهمیت است. نیل به منظومه فکری معظم له نیاز به فراروی ژانری است. یعنی قواعدی که بتوانند در کلیت ادبیات خاصه ادبیات داستانی جاری و ساری باشند.

حجاب عدم تفکیک سلايق از اصول و مبانی:

نکته بسیار مهم در درک ظرایف نظر و عمل قائد شهید در حوزه ادبیات و درک دقیق منظومه فکری ایشان تفکیک اصول و مبانی از سلايق ادبی در فرمایشات و تطبیقات ایشان در حوزه ادبیات است. اصول و مبانی اموری هستند که چارچوبها را تعیین کرده و ادبیات بدانها ارجاع می‌دهد. نمی‌توان از آنها صرف نظر کرد. اما سلايق می‌توانند حتی در صورت تعارض در ذیل اصول واحد بگنجند. در حقیقت اصول و مبانی مشخص قادرند چتری موسع فراهم کنند تا سلايق متعدد در آن زیست کنند. بنابراین توجه به اصول مهم‌تر از سلايق است. طبیعی است بخشی از آنچه در بیانات و حتی تقریظ‌های امام شهید آمده است جزو اصول و برخی جزو سلايق ادبی ایشان باشد. گرچه سلايق نیز می‌توانند مراتب و درجاتی داشته باشند. چرا که سلیقه سخته و پخته و ساخته و پرداخته در طی سالیان از سوی شخصیتی ادبیات فهم با سلايقي که صرفاً بازتاب دهنده علایق شخصی هستند کاملاً متفاوت است. سخن در این است که نباید سلايق به جای مبانی گذاشته شوند چرا که در این صورت تنوع سلايق که لازمه شکل‌گیری هنر و ادبیات است از بین خواهد رفت و ادبیات وادار به یکسان سازی و یکنواخت سازی خواهد شد.

رجعت‌نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

■ فصل اول



حجاب عدم توزین:

بخشی از فرمایشات و توصیه های مقام معظم رهبری که برآمده از منظومه فکری ایشان بوده در مجرای عمل و انجام قرار گرفته، به این معنی که در سیاست های اجرایی کلی تبدیل به برنامه شده است. به عنوان مثال مقوله ترجمه خاصه ترجمه ادبیات دفاع مقدس یا تولید صد برابری مورد اشاره ایشان بوده است. قضاوت ماعموما درباره امکان تحقق این اهداف در ادبیات و آثار و ثمرات آن در حوزه ادبیات ایران و جهان بر پایه عمل مجریان است. یعنی گویا اقدامات و عمل مجریان بیان کننده مقصود گوینده چنین توصیه هایی بوده است در حالی که اینگونه نیست، چنانکه بعضا عدم درک جامع و منظومه وار از بیانات معظم له یا اجرای ناقص یا نادرست برخی مطالبات اصل این مطالبه را که صحیح و شدنی بوده به محاق برده یا به سایه رانده است. لذا نیاز است میان عرصه نظر و سیاستگذاری که توسط رهبر شهید انجام می شده و عرصه عمل تمایز قائل شویم و لزوما عمل مجریان را به عنوان معیاری برای سنجش سیاست های کلی فرض نکنیم.

حجاب صورت آرمانی ادبیات:

علی القاعده زمانی که از عرصه ای چون ادبیات سخن به میان می آید هر گوینده ای وضعیت موجود را که مشتمل بر نقص ها و کاستی هایی است با صورت مطلوب



از خصوصیات برجسته

امام شهید احاطه

مطالعاتی ایشان بر

ادبیات کهن و مدرن

به صورت توأمان بود.

ایشان به عنوان یک

زعیم دینی شاخص

از فردوسی به عنوان

حکیم یاد کرده و

شاهنامه را می ستایند.

از سوی دیگر از رمانی

چون بینوایان به تمجید

یاد می کنند. این فاصله

در منظومه فکری

ایشان با چه چیزی پر

می شود؟

(آرمانی) مقایسه می‌کند. حال سوال این است که در منظومه فکری قائد شهید ادبیات ارمانی که می‌توان از آن به رمان مطلوب دفاع مقدس، رمان مطلوب انقلاب اسلامی، خاطره مطلوب انقلاب اسلامی، زندگی نامه مطلوب انقلاب اسلامی چه جایگاهی دارد و چیست؟ این نکته بسیار مهمی است که بدانیم این مطلوب چیست؟ البته معیارها و ارزش‌هایی که در کلام ایشان درباره ادبیات آمده است مولفه‌های مشخصی از ادبیات مطلوب را بیان می‌کند اما همچنان پژوهش در اینباره ضروری و مورد نیاز است. نکته حائز اهمیت در این باره آن است که چنین نگاه مطلوبی انحصاراً برگرفته از آراء اختصاصی ادبیات نیست. بلکه تصویری است که بر اساس فقه اسلامی، اخلاق اسلامی، کارکردها و غایات ادبیات و نسبت آن با فلسفه اسلامی شکل می‌گیرد. به تعبیری ارائه تصویری از ادبیات روایی مطلوب در منظومه فکری امام شهید نیازمند توسعه مطالعاتی و فراروی از فرمایشات ایشان درباره ادبیات است. اینجا جایی است که داده‌ها و گزاره‌های بسیار دیگر ایشان در ساحت دیگر می‌تواند در تصویر ادبیات مطلوب به کار آید.

■ حجاب نسبت ادبیات کهن با مدرن:

از خصوصیات برجسته امام شهید احاطه مطالعاتی ایشان بر ادبیات کهن و مدرن به صورت توأمان بود. ایشان به عنوان یک زعیم دینی شاخص از فردوسی به عنوان حکیم یاد کرده و شاهنامه را می‌ستایند. از سوی دیگر از رمانی چون بینوایان به تمجید یاد می‌کنند. این فاصله در منظومه فکری ایشان با چه چیزی پرمی‌شود؟ مشخص است که ادبیات خاصه ادبیات داستانی معاصر سالها و بلکه دهه‌ها است در کشاکش انتخاب میان تراث ادبی کهن و نوامد های ادبیات مدرن است. تلاقی بلکه تعامل این دو در تعیین صورت ادبیات مطلوب بسیار مهم است. این علی‌القاعده جزوی از منظومه فکری مقام معظم رهبری است که نیازمند تدقیق اهل نظر و پژوهش است.

■ حجاب عدم تخاطب علمی:

رهبر شهید در نگاه پدرا نه خود به صورت متناوب پذیرای طیف‌ها و گروه‌هایی از اهالی ادبیات و نویسندگان بوده‌اند. نوعا برخی از مهمترین گزاره‌ها از سوی ایشان درباره ادبیات در همین جمع‌ها بیان شده است. اما چیزی که نگارنده گزارشی از وقوع آن ندیده تخاطب علمی درباره ادبیات است. شاید چیزی که مشابه آن را بتوان در حضور ایشان در سالهای دور در برخی مجامع و حلقه‌های شعری یافت. ایا در حوزه ادبیات داستانی چنین گفتگوی علمی و سازنده‌ای میان ایشان و اهالی نظر و نویسندگان داستان رخ داده است؟ روشن است که آنچه در طی چنین گفتگوهای قابل اصطیاد و در جهت نیل به منظومه فکری کارآمد است بسیار با اهمیت و با ارزش خواهد بود. آنچه امد، بخشی و بضعه‌ای از حجاب‌های متنوعی است که میان ما و واقعیت بیرونی ارزشمندی به نام منظومه فکری رهبر شهید در حوزه ادبیات فاصله انداخته است. گرچه هر نویسنده علاقمندی تلاش می‌کند جهت قلم خود را با خواسته‌های رهبر شهید تنظیم کرده و بیش از پیش با آن تطبیق دهد، اما واقعیت آن است که دست‌یابی به نظام فکری معظم له کاری به غایت علمی، پیچیده، نیازمند روش‌شناسی خاص و نیازمند ورود پژوهشگران ادبی و غیر ادبی از دیگر رشته‌های علمی است. از کنار این مقوله نباید به سادگی گذشت و فراهم آمدن آن رابه تاریخ یا حرکت عمومی و عادی ادبیات واسپرد. این نیازمند حرکت علمی برنامه‌ریزی شده‌ای است که مجامع و موسسات علمی می‌توانند در آن نقش‌افزینی کنند.

جستاری در سیره فرهنگی آیت الله خامنه‌ای، رهبر شهید انقلاب

یادداشتی از رضا اسماعیلی، شاعر و پژوهشگر ادبی

نشاط و اشتیاق زاید الوصف شاعران برای حضور در برنامه دیدار بارهبر شهید انقلاب و شعرخوانی در این مجلسی باشکوه و شاعرانه در قالب الفاظ نمی‌گنجد. از حدود یک ماه مانده به مراسم، شاعران به شوق دیدار حضرت آقا، از سراسر کشور به تکاپوی افتادند تا به نحوی راهی برای حضور در این مراسم پیدا کنند. سیل ایمیل‌ها، پیامک‌ها و تلفن‌ها به متولیان و مجریان مراسم گویای این اشتیاق زاید الوصف و عطش سیری ناپذیر برای حضور در مراسم دیدار بود. شاعرانی نیز که به هر علت توفیق حضور در این دیدار را پیدا نمی‌کردند، از شاعران دعوت شده به مراسم التماس دعا داشتند که حتماً سلام‌شان را به حضرت آقا برسانند. هر سال در نیمه رمضان، جمعی از شاعران پیشکشوت و جوان میهمان سفره مهربانی رهبر معظم انقلاب بودند به صرف: نان و خرما و شعر، و به راستی که «چه مبارک سحری بود و چه فرخنده شبی!»

پیشینه جلسات شعرخوانی شاعران در حضور رهبر شهید انقلاب به دهه اول انقلاب و سال‌هایی برمی‌گردد که امین شعر انقلاب مسئولیت ریاست جمهوری را بر عهده داشتند. من خود در آن سال‌هایی، دوبار توفیق حضور در این دیدارها را پیدا کردم. وجه تمایز دیدار آن سال‌ها با نشست‌های سال‌های بعد در افزایش تعداد شاعران و رسانه‌ای شدن این رخداد بزرگ فرهنگی بود. آن سال‌ها دیدارهای بیش‌تر جنبه خصوصی داشت و با حضور تعداد بسیار کمی از شاعران انقلاب و بدون هرگونه پوشش رسانه‌ای برگزار می‌شد. سید عبدالله حسینی از شاعران پیشکشوت انقلاب درباره چگونگی شکل‌گیری جلسات دیدار شاعران بارهبر انقلاب می‌گوید: «ما جلساتی را در مشهد از سال ۶۳ تا ۶۸ برگزار می‌کردیم. آن زمان ایشان - رهبر انقلاب - رئیس جمهور بود. تا این که در سال ۶۸ ایشان رهبر شدند. وقتی به عنوان رهبر برای اولین بار به مشهد آمدند تمامی دور و بری‌هایشان تقریباً غرض شده بود و من نمی‌شناختمشان. کسانی که بار و حیه ایشان زیاد آشنا نبودند. برای هماهنگی جلسه شعر سراغ آقای گلپایگانی رفتیم و گفتیم که ما طبق سنت هر سال جلسات شعری با حضور ایشان برگزار می‌کنیم. ایشان گفت دیگر گذشت آن زمان. آن زمان ایشان رئیس جمهور بود، الان رهبر شده‌اند و مسئله فرق دارد. این کار شدن نیست. ما فکر کردیم حتماً خود رهبری نیز دیگر تمایلی به ادامه این جلسات ندارد. تا این که بعدها یک روز به همراه عده‌ای از فضلا خدمت ایشان رسیدم. چشم‌شان که به من افتاد بلافاصله گفتند: «جلسه شعر ما کی برگزار می‌شود؟» من قضیه را مطرح کردم و گفتم که آقای گلپایگانی این چنین گفتند. بلافاصله آقای گلپایگانی را صدا کردند و گفتند آقای گلپایگانی شما جلسه ما را چه موقع گذاشتید؟ آقای گلپایگانی گفتند: «آقا ما فکر کردیم دیگر شما تمایلی به برگزاری این جلسات نداشته باشید.» گفتند: «آقای گلپایگانی! حتماً این جلسه را بگذارید. تفریح من این جلسات است.»

بزرگ‌ترین اتفاق ادبی بعد از انقلاب

دیدار سالانه رهبر ادیب و شهید انقلاب با شاعران - بدون هیچ اغراقی - یکی از بزرگ‌ترین اتفاقات ادبی سال‌های پس از انقلاب و همایشی باشکوه و بی‌بدیل بود که تاکنون آن گونه که شایسته و بایسته است مورد تحلیل و واکاوی قرار نگرفته است. از همین رو، جادار که صاحب‌نظران و پژوهشگران این حوزه، با بازخوانی و واکاوی بیانات راهگشای رهبر انقلاب در این

رهبر نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

فصل اول

دیدارها، و فراهم کردن زمینه تحقق آن‌ها، راه پویایی و زبایی بیش از پیش شعر انقلاب اسلامی را فراهم سازند. این که رهبر شهید انقلاب با بزرگواری تمام، بخشی از وقت خویش را در طول سال به دیدار با استادان شعر و ادب و شاعران اختصاص می‌دادند، حاکی از ادب پروری و شعر دوستی ایشان بود. ای کاش سایر مسئولان فرهنگی نیز از سیره عملی رهبر فرزانه انقلاب، تکریم و تجلیل شایسته از اصحاب شعر و ادب را بیاموزند.

رهنمودهای راهبردی امین شعر انقلاب در این دیدارها، در حکم ترسیم «نقشه راه» برای رشد و اعتلای شعر و ادب و زبان پارسی است. اما این که تاجه اندازه مدیران و سیاست‌گذاران فرهنگی برای تحقق و اجرایی کردن این نقشه کمر همت بسته‌اند، حرف دیگری است که نیاز به بررسی و واکاوی محققانه دارد. به راستی نیز برای جامعه هنری و ادبی ما باعث مباهات و افتخار بود که رهبری نظام مقدس جمهوری اسلامی شخصیتی عالم، هنرمند، ادیب و صاحب تألیفات علمی و فرهنگی فراوان بود. شخصیت بی‌بدیلی که بیش از هر نویسنده و شاعری بر هنر و ادبیات احاطه و اشراف داشت و بیش از هر شاعر و نویسنده حرفه‌ای رمان و داستان و شعر خوانده بود. اشراف و تسلط رهبر شهید انقلاب به ظرایف و دقایق هنر و ادبیات معاصر، گاهی باعث شگفتی و غبطه اصحاب فرهنگ و هنرمی شد! این که هیچ رمان و مجموعه شعر تازه منتشر شده‌ای از نگاه تیزبین امین شعر انقلاب با همه مسئولیت‌ها و مشغله‌های سیاسی و اجتماعی به دور نمی‌ماند، به راستی نیز جای شگفتی داشت.

این که رهبر شهید انقلاب با بزرگواری تمام، بخشی از وقت خویش را در طول سال به دیدار با اصحاب فکر و فرهنگ و ادیبان و شاعران اختصاص می‌دادند، حاکی از ادب پروری و شعر دوستی ایشان بود. یقیناً شاعران جوان نیز قدرشناس این حضور ارزشمند بودند و از این فرصت مغتنم برای ارتقای دانش و بینش ادبی خود بهره می‌بردند و بعد از این نیز با پیروی از سیره فرهنگی رهبر شهید، بر این صراط مستقیم، ثابت قدم و استوار باقی خواهند ماند - ان شاء الله.

به راستی نیز برای جامعه هنری و ادبی ما باعث مباهات و افتخار بود که رهبری نظام مقدس جمهوری اسلامی شخصیتی عالم، هنرمند، ادیب و صاحب تألیفات علمی و فرهنگی فراوان بود. شخصیت بی‌بدیلی که بیش از هر نویسنده و شاعری بر هنر و ادبیات احاطه و اشراف داشت و بیش از هر شاعر و نویسنده حرفه‌ای رمان و داستان و شعر خوانده بود.

اشراف و تسلط رهبر شهید انقلاب به ظرایف و دقایق هنر و ادبیات معاصر، گاهی باعث شگفتی و غبطه اصحاب فرهنگ و هنرمی شد! این که هیچ رمان و مجموعه شعر تازه منتشر شده‌ای از نگاه تیزبین امین شعر انقلاب با همه مسئولیت‌ها و مشغله‌های سیاسی و اجتماعی به دور نمی‌ماند، به راستی نیز جای شگفتی داشت.

این که رهبر شهید انقلاب با بزرگواری تمام، بخشی از وقت خویش را در طول سال به دیدار با اصحاب فکر و فرهنگ و ادیبان و شاعران اختصاص می‌دادند، حاکی از ادب پروری و شعر دوستی ایشان بود. یقیناً شاعران جوان نیز قدرشناس این حضور ارزشمند بودند و از این فرصت مغتنم برای ارتقای دانش و بینش ادبی خود بهره می‌بردند و بعد از این نیز با پیروی از سیره فرهنگی رهبر شهید، بر این صراط مستقیم، ثابت قدم و استوار باقی خواهند ماند - ان شاء الله



این که رهبر شهید

انقلاب با بزرگواری تمام،

بخشی از وقت خویش

را در طول سال به دیدار

با اصحاب فکر و فرهنگ

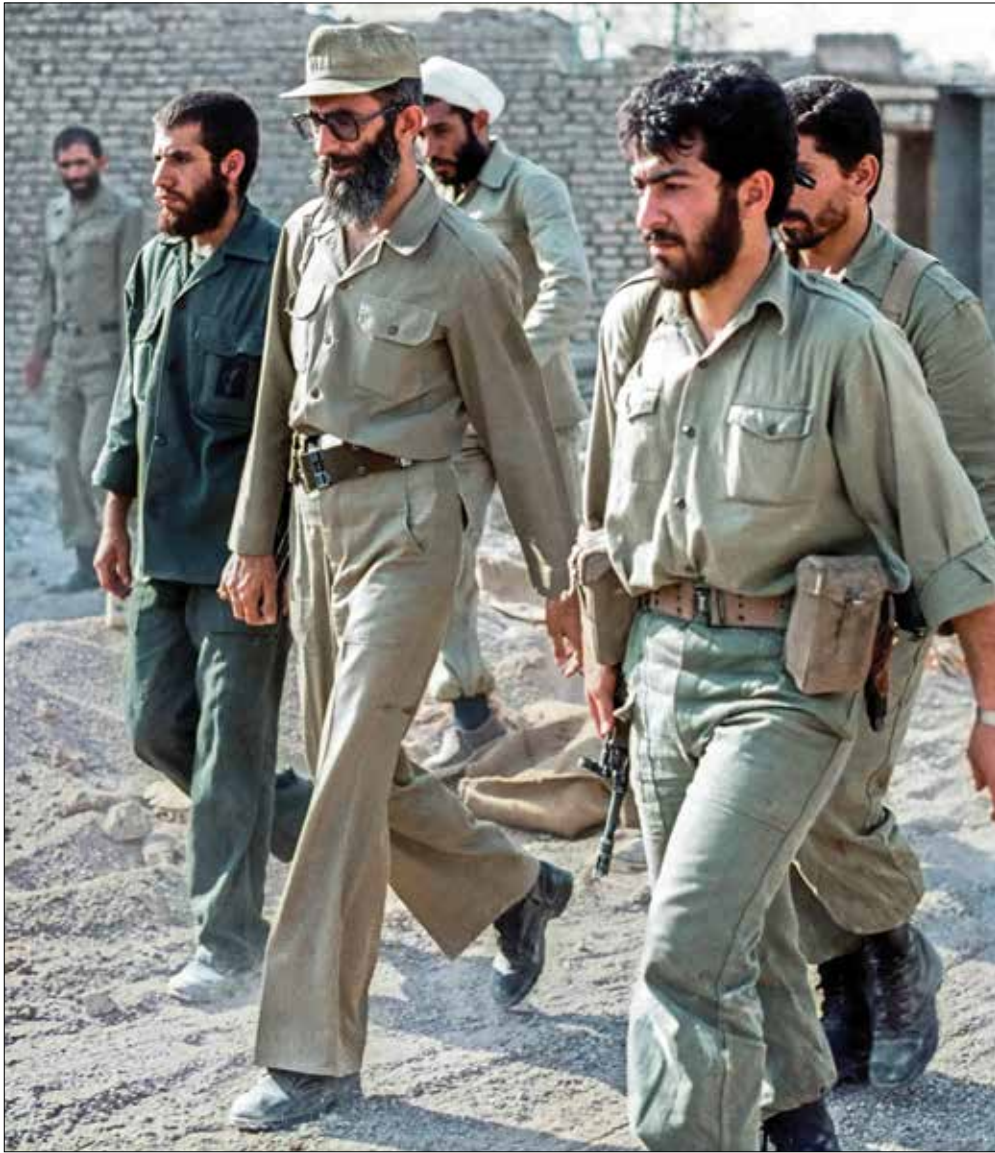
و ادیبان و شاعران

اختصاص می‌دادند،

حاکی از ادب پروری

و شعر دوستی ایشان

بود.



درنگی درباره چرایی توجه رهبری به ادبیات دفاع مقدس

محسن مؤمنی شریف، نویسنده و رئیس سابق حوزه هنری

رهبر نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

فصل اول

از ویژگی‌های امام شهید ما، ترسیم آینده و افق‌گشایی بود. در این میان، ادبیات انقلاب اسلامی در نظر دوراندیش ایشان، جایگاه ممتازی داشت و برای رسیدن به آن مقام از هیچ کوششی دریغ نکردند. در جنگ مشهور به ۱۲ روزه، در گفت‌وگویی با یکی از خبرگزاری‌ها گفتم: «ناسپاسی است از نقش رهبر معظم انقلاب اسلامی در هدایت و پشتیبانی معنوی و تشویق هنرمندان این عرصه یاد نکنم. دیروز که گمان می‌شد دیگر روزگار موشک گذشته است، اما ایشان بودند که با درایت و هوشمندی از صنعت نوپای موشکی حمایت کردند و امروز این گونه دنیا را به شگفتی واداشته است؛ در همان وقت نیز برای مرزبانی از هویت ملی با همان انگیزه، بلکه بیشتر، از ادبیات نوپای پایداری هم پشتیبانی کردند...»

اما یادداشت زیر مدتی پیش از شهادت معظم له به مناسبت دیدار احتمالی ایشان از نمایشگاه کتاب تهران نوشته شده بود که به علت برگزار نشدن آن دیدار منتشر نشد. اکنون که فرصتی برای انتشار آن پیش آمده، برایم سخت است افعال آن را از «حال» به «ماضی» تبدیل کنم؛ مگر نه این است که به حکم قرآن کریم، او زنده است و ما بازماندگان را از هر ترس و اندوهی بازمی‌دارد و به آینده درخشان بشارت می‌دهد!

مرزبانی با اهمیت بالا

هنوز یکی دو سالی از عمر دفتر ادبیات مقاومت حوزه هنری نمی‌گذشت، هنوز این دفتر در دو اتاق فلزی (کانکس) در حاشیه حیاط حوزه هنری بود، هنوز نویسندگان این دفتر نو قلم به حساب می‌آمدند و کتاب‌هایش به زعم بعضی‌ها جزوه محسوب می‌شدند (!) و... ناگهان یک روز خبر رسید از دفتر رهبری فاکسی به دفتر رئیس حوزه هنری ارسال شده است. آن فاکس نه یک صفحه، نه دو صفحه، بلکه ده‌ها صفحه تصویری بود از یادداشت‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی به کتاب‌های منتشر شده این دفتر. اتفاقی بود بی‌سابقه. مخصوصاً کسانی که از سلیقه مشکل‌پسند ایشان در حوزه ادبیات، به ویژه در ادبیات داستانی و رمان اطلاع داشتند، متحیر بودند چطور می‌شود کسی که در نگاه باریک بینش لغزش‌های لطیف بعضی از قلعه‌های رمان جهان پنهان نمانده، امروز به تشویق نو قلمانی پرداخته است که تا رسیدن به نقطه مطلوب فرسنگ‌ها فاصله دارند؟ بگذریم؛ در پرتو همین توجهات معظم له بود که آن نهال ژردی که در حاشیه حیاط حوزه هنری غرس شده بود از گزند باد و توفان مصون ماند و از آفت زمانه جان به سلامت برد و بالید و بالید تا رسید به امروز که درخت تنومندی گشته است در باغ و گلستان ادبیات و هنر ایران. درختی که میوه‌هایش کام‌های زیبا پسند را شیرین و شیرین‌تر می‌کند و حتی رایحه‌اش از مرزها فراتر رفته است؛ «أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَ قَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ تُؤْتِي أَلْغُلًا كُلَّ حِينٍ يَأْذِنُ رَتْهَا...»

در اردیبهشت ۹۲ بود که اهالی دفتر ادبیات مقاومت حوزه هنری تجدید عهدی دوباره با ایشان داشتند؛ دیداری بسیار صمیمی که علاقه‌مندان می‌توانند حاشیه نگاشت آن را



در اردیبهشت ۹۲ بود
که اهالی دفتر ادبیات
مقاومت حوزه هنری
تجدید عهدی دوباره با
ایشان داشتند؛ دیداری
بسیار صمیمی که
علاقه‌مندان می‌توانند
حاشیه نگاشت آن را
در سایت Khamenei.ir
با نام «سجده شکر»
مطالعه کنند. در این
جلسه بود که رهبری
پرده از راز آن توجهات
برداشتند و به موردی
اشاره کردند که کمتر
مورد توجه دیگران قرار
گرفته بود.

رهجبت‌نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

■ فصل اول

در سایت Khamenei.ir با نام «سجده شکر» مطالعه کنند. در این جلسه بود که رهبری پرده از راز آن توجهات برداشتند و به موردی اشاره کردند که کمتر مورد توجه دیگران قرار گرفته بود. فرمودند:

«شما ظرفیت برآمده از انقلاب را مورد توجه قرار دادید در برابر جمعی که انقلاب را بایکوت کردند. روشنفکرانی که اهل ادبیات و شعر و... بودند، در تصمیمی نگفته و ننوخته بنا گذاشتند انقلاب و بعد جنگ را ندیده و مکتوم بگذارند. کارهای شما یک ادعای تاریخی است در برابر سکوت آن‌ها. جریان‌های معاند با کارهای شما باید به تاریخ جواب بدهند. این‌ها می‌خواستند نگویند تا این جور به چشم بیاید که انگار اصلاً اتفاقی نیفتاده.»

جنگ آزمایشگاه علوم انسانی است. در میدان جنگ و برهم خوردن آرامش و آسایش روزمره است که فضایل و رذایل یک ملت به نمایش درمی‌آید و جنگ تحمیلی بر ما نیز خارج از این قاعده نبود. بعضی‌ها معتقدند با ظهور انقلاب اسلامی ملت ایران دارای هویت دیگری شدند و از آن به عنوان «هویت انقلابی مردم ایران» یاد می‌کنند؛ اما دیگرانی هم هستند که عقیده دارند این هویت چیز جدیدی نیست، بلکه از سالیان متمادی در رگ و ریشه ایرانی مؤمن و بکتاپرست به طور بالقوه بوده است، اما فرصت بروز پیدا نکرده بود و مانند کوه آتشفشانی خاموش بود که قرن‌ها گذشت تا در این مقطع از تاریخ، زمینه فعالیتش فراهم شد و فوران کرد و شد انقلاب اسلامی. بنابراین آتشفشان یعنی جاری شدن گذشته در زمان حال: «انقلاب اسلامی، خیزشی آتشفشان گونه (بود) که همه چیز را از اعماق ناهوشیار وجدان جمعی ایرانیان به عرصه عینیت کشید؛ آشکارشدگی ناخودآگاه هستی پنهان قومی.»

در هر صورت با وقوع انقلاب اسلامی تمام فضایل ایرانی و بلکه به عبارت دقیق‌تر «روح ایرانی» به نمایش درآمد و عرصه هشت ساله دفاع مقدس فرصتی بود برای این نمایش. نمایشی از ایمان مردم ایران به خداوند و جهاد در راه او و پایداری تحسین برانگیزشان در آن و نیز ایثار و خودگذشتگی در برابر هم‌نوع خود، چنان شگفت‌انگیز که هرگز در تاریخ ایران سابقه نداشته است. همه این‌ها را مردم ایران در آن هشت سال فراوان دیده بودند و برایشان امری معمول و رایج بود؛ اما اگر این واقعیت‌های افتخارآمیز به شکل روایت در نمی‌آمد، بسیار محتمل بود به مرور فراموش شود و یا از اصل و اساس خود تهی گردد و منحرف شود که در حوادث بعد از پایان جنگ، چنین زمینه‌هایی فراهم آمد. لذا به اعتقاد رهبر معظم انقلاب اسلامی، وقوع جنگ که توسط دشمنان برای به فراموشی سپردن آرمان‌ها و شعارهای انقلاب طراحی شده بود، موجب تثبیت انقلاب اسلامی شد و برای همین معظم‌له ثبت و ضبط خاطرات دوره دفاع مقدس را «نوعی مرزبانی بایک اهمیت بالایی دانند.»

لذا ایشان از این خاطرات به عنوان یک «گنجینه باارزش و بی‌بدیل» و بلکه «سرمایه» برای ملت ایران نام می‌برند و تأکید می‌کنند: «در روایت دفاع مقدس باید روح و عظمت پیام این دفاع خودش را نشان بدهد. این دفاع مقدس در مجموع، یک روح واحد و یک زبان



ایشان یکی از کارکردهای

ادبیات دفاع مقدس و

رساندن پیام شهیدان را

که در این ادبیات سرشار

است، «زدودن ترس

و ناامیدی» و «ایجاد

بهجت و نشاط» در

جامعه می‌دانند.

واحد و یک پیام واحدی دارد؛ این باید منعکس بشود؛ آن پیام و روح، روح ایمان است، روح ایثار است، روح دلدادگی است، روح مجاهدت است، پیام شکست ناپذیری ملتی است که نوجوان هایش هم مثل جوان ها و مثل مرد های میان سال و مثل پیر مرد ها با شوق و ذوق می روند داخل میدان و می جنگند؛ این خیلی مهم است.»

ایشان یکی از کارکردهای ادبیات دفاع مقدس و رساندن پیام شهیدان را که در این ادبیات سرشار است، «زدودن ترس و ناامیدی» و «ایجاد بهجت و نشاط» در جامعه می دانند. لذا با اشاره به آیه قرآن در این زمینه، می فرمایند: «امروز هم پیام شهیدان اگر به گوش ما برسد، از ما خوف را و حزن را برطرف خواهد کرد. آن هایی که دچار خوفند، آن هایی که دچار حزنند، این پیام را نمی گیرند، نمی شنوند، والا اگر صدای شهیدان را بشنویم، خوف و حزن ما هم محو خواهد شد به برکت صدای شهیدان؛ این حزن و خوف ما را از بین خواهد برد و بهجت و شجاعت و اقدام را برای ما به ارمغان خواهد آورد.»

خوشبختانه ما در روایت دفاع مقدس و جنگ تحمیلی به یک ادبیات کاملاً بومی و برآمده از سنت های ادبی، هنری و ارزش های عرفانی و حکمی خودمان دست یافته ایم و اگر بنا بود بنیان گذاران و راویان این حوزه هم مانند بعضی از حوزه های علوم انسانی و ادبی و هنری متأثر از بیگانگان باشند، بی شک تمامی افتخارات ملت را تبدیل می کردند به سرافکنندگی و آرمان باختگی. لذا معظم له با توجه به این واقعیت تاریخی است که در دیدار با دست اندرکاران دفتر ادبیات مقاومت حوزه هنری می فرمایند:

«شما با این کارها کشور را از کارهای وارداتی در حوزه جنگ و انقلاب مستغنی کردید. تولید محتوا کردید؛ برعکس جریان روشنفکری که همه کارهایش مبتنی بر ترجمه است، حتی وقتی تاریخ ایران می نویسند! شما این سنت غلط را به هم زدید.»

باید با دریغ گفت دانشگاه های ما آن طور که باید در واکاوی و تفسیر این ادبیات ناب بومی اقدامی نکرده اند و بلکه در معرفی ارزش های بالای ادبی و هنری این آثار کوتاهی کرده اند که امید است جبران مافات شود. واقعیت این است ادبیات دفاع مقدس که برآمده از سنت های ادبی و هنری اصیل ایرانی است، ادبیاتی است خودی و مبتنی بر همان عناصری که ریشه در ناخودآگاه این ملت دارد؛ به ویژه این آثار سرشار از سه عنصر اساسی ادبیات ایرانی اسلامی، یعنی «حماسه»، «عشق» و «عرفان» هستند. لذا این استقبال بی مانند از آن، از سوی مخاطبان، امری تصادفی و یا به علت هیجان و تبلیغات نیست که بعضی ها برای ساده انگاری مسئله و فرار از پاسخ می گویند. بنده بر آنم اگر بنا باشد روزی ادبیات معاصر ایران در جهان جایگاه شایسته خودش را پیدا کند، تنها از مسیر ادبیات پایداری ما خواهد بود؛ ادبیاتی که آینه صادق فضایل و حکمت های سبک زیست این ملت شریف است.

در پایان باید اشاره کرد رهبر معظم انقلاب علی رغم تمجید و سپاس از «این کار طولانی و مستمر» که منجر به «یک حرکت عظیم فرهنگی در مملکت» شده است، این را کافی نمی دانند و بلکه انتظار صد برابری فعالیت در این حوزه را دارند و اضافه می کنند: «اینکه می گویم صد برابر، بنده معمولاً اهل مبالغه گویی نیستم؛ به معنای واقعی کلمه آنچه امروز دارد انجام می گیرد در زمینه ادبیات جنگ، ادبیات مقدس و کارهای هنری ای که روی دفاع مقدس می شود و کارهای ادبیاتی که روی دفاع مقدس می شود، باید صد برابر بشود؛ آن وقت می توانیم در این زمینه احساس توفیق بکنیم.» و هشدار می دهند: «اگر چنانچه شما امروز به جمع آوری و افزودن بر سرمایه خاطرات جنگ رو نیاورید، دشمن میدان را از شما خواهد گرفت؛ این یک خطر است؛ من دارم به شما می گویم. جنگ را شما روایت کنید که خودتان در جنگ بوده اید؛ اگر شما جنگ را روایت نکردید، دشمن جنگ را روایت خواهد کرد آن طور که دلش می خواهد.»



گفتگو با عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی و رئیس شورای تحول و ارتقای علوم انسانی از ابعاد شهادت رهبر انقلاب

شهادت رهبر معظم انقلاب و خانواده ایشان، کربلایی نوین و عاشورایی جهانی راقم زد

دکتر سعید رضا عاملی، رئیس شورای تحول و ارتقای علوم انسانی، در گفت و گویی تفصیلی به تحلیل ابعاد شهادت حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای علیه السلام و تأثیر آن بر افکار عمومی و بیداری جهانی پرداخت. وی با توصیف شرایط روزهای پس از شهادت رهبر انقلاب به عنوان یک «واقعۀ عاشورایی»، همزمانی شهادت ایشان با فرزندان، عروس، نوه و

رحمت نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

فصل اول



وی با اشاره به

خیزش‌های اخیر در

سطح جهان اسلام،

اروپا، آمریکا، شبه قاره،

جنوب شرق آسیا و

ایران، خاطرنشان کرد:

این خیزش‌ها برخاسته

از همان جامعه بزرگ

عدالت‌خواهی و

معنویت‌گرایی است

که ذیل پرچم امامین

انقلاب (امام خمینی و

رهبر شهید) شکل گرفته

است. درود خدا و ملائکه

بر روح پرفتوح امام

شهیدی که مقاومت

کرد.

همچنین ۱۶۰ کودک مظلوم میناب را یادآور واقعه کربلا دانست.

دکتر عاملی در ابتدای این گفت‌وگو با اشاره به فضای حاکم بر افکار عمومی و مراسم تشییع پیکر مطهر رهبر انقلاب، اظهار داشت: آنچه در پی ۶۰ سال مبارزه خالصانه حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای رخ داد، یک واقعه کاملاً عاشورایی بود. نحوه شهادت ایشان که با شهادت دختر، عروس، نوه و دامادشان همراه بود و در همان ایام، شهادت ۱۶۰ کودک معصوم و مظلوم در میناب را شاهد بودیم، یک صحنه کربلاگونه را رقم زد.

وی افزود: این فضا موجب نوعی «بعثت» و مبعوث شدن برای همه عدالت‌خواهان جهان شد؛ بعثتی که تحت تأثیر شهدا شکل می‌گیرد و دامنه آن در سطحی وسیع‌تر و در امتداد نزدیک به ۱۴ قرن تاریخ تشیع و عدالت‌خواهی اسلامی گسترش پیدا می‌کند. اگرچه امام عزیز ما امام معصوم نبودند، اما پیروی خالص امام معصوم بودند و در این سال‌ها جسمشان و همه توانشان را در این راه دادند و از ناحیه دستانشان جانباختند، تا جایی که مجبور بودند از دست چپ استفاده کنند و دست راست را تنها برای مناجات با پروردگار بالا ببرند و با این حال، حسرت یک‌آه را بر دل استکبار گذاشتند.

رئیس شورای تحول و ارتقای علوم انسانی با تأکید بر اینکه خداوند به واسطه عمل خالصانه، روح بلندی به ایشان عطا کرده بود، تصریح کرد: این فرمایش امیرالمؤمنین است که «ما کان لله ینمو»؛ هر کاری که برای رضای خدا انجام شود، رشد می‌کند، پخش می‌شود و توسعه می‌یابد. ایشان پیرو صدیق امام خمینی علیه السلام بودند و در تمام مسیرهای راهبردی انقلاب، نه فقط در سالگرد رحلت امام، بلکه پیوسته نام امام را زنده نگه می‌داشتند و خود را ادامه‌دهنده راه ایشان می‌دانستند.

عاملی با یادآوری یکی از کلیدی‌ترین بیانات رهبر شهید، گفت: ایشان می‌فرمودند «ما پرچم عدالت و معنویت را بلند کردیم و نظام سلطه پرچم مادی‌گرایی را». معلوم است که این دو جبهه با هم در تعارض هستند. جبهه عدالت‌خواهی و معنویت‌گرایی در برابر جبهه ظلم، سلطه، زورگویی، خونریزی و چپاول اموال دیگران قرار دارد که افراطی عجیب از جنس استکبار را به وجود آورده است.

خیزش جهانی برخاسته از مکتب عدالت‌خواهی

وی با اشاره به خیزش‌های اخیر در سطح جهان اسلام، اروپا، آمریکا، شبه قاره، جنوب شرق آسیا و ایران، خاطرنشان کرد: این خیزش‌ها برخاسته از همان جامعه بزرگ عدالت‌خواهی و معنویت‌گرایی است که ذیل پرچم امامین انقلاب (امام خمینی و رهبر شهید) شکل گرفته است. درود خدا و ملائکه بر روح پرفتوح امام شهیدی که مقاومت کرد.

دکتر عاملی به انتقاداتی مبنی بر چرایی تأکید مداوم رهبر انقلاب بر نام دشمن اشاره کرد و گفت: پاسخ ایشان این بود که «با چشم خودم پنجه گرگ، نیت‌های پلید و اقدامات ویرانگر آن‌ها را می‌بینم که زندگی انسان‌ها را نابود می‌کند». امروز بخش معظمی از ۸.۵ میلیارد جمعیت جهان گرفتار نظام سلطه هستند و امام شهید ما در بحبوحه ظلم و بی‌عدالتی

رهبر شهید نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

■ فصل اول

ایستاد تا این جریان را عوض کند و نظمی مبتنی بر توحید، عدالت و رفع تبعیض را جایگزین کند.

عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی در بخش دیگری از این گفت و گو به ابعاد بین المللی اندیشه رهبر شهید پرداخت و گفت: ایشان انسانی شریف بود که تمام همتش را بر استعمارزدایی از ذهن انسان ها و بیداری آن ها گذاشت. عرفا می گویند در آغاز سلوک، یقظه یک نیاز قطعی است. یقظه در مقابل غفلت است. انسان باید از خواب بیدار شود تا اوضاع جهان را آن گونه که هست ببیند؛ چرا که انسان در خواب متوجه اوضاع پیرامون خود نمی شود. به تعبیر خدای متعال: «سَتَرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّ الْحَقَّ...»؛ به زودی نشانه های خود را در آفاق (و اطراف جهان) و در جان هایشان به آنان می نمایانیم تا برایشان آشکار شود که او حق است... (سوره فصلت، آیه ۵۳).

عاملی با اشاره به نامه های سه گانه رهبر انقلاب به جوانان اروپا و آمریکا، افزود: این نامه ها یک تفکر و مکتب فکری برای تغییر وضعیت جهان بود. ایشان سه بار به صورت دوستانه و صادقانه به جوانان غرب نامه نوشتند و تأکید کردند که شما با دولت هایتان تفاوت دارید؛ دولت هایتان گرفتار عصبیت سیاسی شده اند، فهم خود را از دست داده اند و چشمشان پر از قدرت و خودخواهی است. همین اروپایی ها بودند که ۸۵ درصد خاک جهان را در گسترش استعمار گرفتند و به اموال فقیرترین مردم رحم نکردند و طلا، نقره و منابع معادن آن ها را تصاحب کردند و بخش مهمی از جمعیت آفریقا را به بردگی گرفتند؛ و کشتارهای جمعی آن ها در ریختن سیاه پوستان به دریا، کشتار صاحب خانه در منطقه آمریکای کهن و دهه ها جنایت دیگر، نمونه های روحیه استکباری است که همچنان ادامه دارد.

وی ادامه داد: رهبر شهید به جوانان غرب گفت تحت تأثیر هراس افکنی های ایجاد شده درباره اسلام و قرآن قرار نگیرید، بلکه مستقیم خودتان قرآن را مطالعه کنید. این خیزش و بعثتی که امروز در مردم ایران و در سطوح مختلف جهان ملاحظه می کنید، برای استمرار همین مکتب فکری است که به دنبال تغییر وضعیت جهان بود.

دکتر سعید رضا عاملی در پاسخ به این پرسش که وظیفه نخبگان و فعالان حوزه های مختلف برای استمرار مکتب فکری رهبر شهید و فراموش نشدن این مسیر چیست، اظهار داشت: ما باید همان مسیر تمرکز و توجه به رهبری را ادامه دهیم. اگر امروز توفیقی برای ما حاصل شده و نقاط ظرفیت تمدنی ایران عزیز در این دوره پرهیاهوی جهان به فعلیت رسیده است، محصول پیوند عمیق امت و امام بوده است. امت و امام هر جا با هم گره خوردند، ظرفیت والا ایجاد کردند و هر جا از هم جدا شدند، وقایع تلخ تاریخ رقم خورد. وی افزود: نه امام می تواند بدون امت مسیر خیر و حیات طیبه را هموار نکند و نه امت بدون امام می تواند مسیر صحیح را پیدا کند. لذا ما باید مسیرمان را با قطب نمای رهبری تنظیم کنیم. ما اکنون میراث دار دو رهبر الهی هستیم و رهبر سوم، حضرت آیت الله سید مجتبی



رهبر شهید به جوانان

غرب گفت تحت تأثیر

هراس افکنی های

ایجاد شده درباره اسلام

و قرآن قرار نگیرید،

بلکه مستقیم خودتان

قرآن را مطالعه کنید.

این خیزش و بعثتی که

امروز در مردم ایران و در

سطوح مختلف جهان

ملاحظه می کنید، برای

استمرار همین مکتب

فکری است که به دنبال

تغییر وضعیت جهان

بود.

حسینی خامنه‌ای، در واقع میراث‌دار همان ظرفیت عظیم هستند و در ادامه دادن این مسیر است که ابعاد و لایه‌های مختلف تمدن نوین اسلامی پیاده‌سازی و شکوفا خواهد شد.

رئیس شورای تحول و ارتقای علوم انسانی با هشدار نسبت به توطئه‌های دشمن برای شکستن وحدت مستضعفین و مظلومین جهان، تصریح کرد: اگر وحدت جهان اسلام و در درجه اول وحدت ملی ما از استحکام بسیار بالایی برخوردار باشد، وارد عرصه‌های شبهه‌آلود نخواهیم شد. اما متأسفانه اسرائیلی‌ها اتاق‌های فکر و اتاق‌های تولید رسانه‌ای خود را فعال کرده‌اند تا جامعه ایران را دو قطبی و جهان اسلام را چند قطبی کنند.

استاد گروه ارتباطات و مطالعات جهان دانشگاه تهران، با اشاره به تغییر استراتژی دشمن پس از شکست در جنگ فیزیکی و نظامی، خاطرنشان کرد: دشمن بلافاصله بعد از شکست خوردن در جنگ نظامی، دوباره جنگ شناختی را فعال کرد. آن‌ها به دنبال بی‌اعتماد کردن مردم نسبت به دولت، بی‌اعتماد کردن مردم نسبت به سرداران بزرگ نظامی کشور و بی‌اعتماد کردن مردم نسبت به الگوی تفکر اسلامی و تفکر تمدن اسلامی هستند.

وی با تحلیل اهداف دشمن تأکید کرد: جمع‌بندی استکبار این است که اگر در دو حوزه «جنگ شناختی» و «جنگ اقتصادی» بتوانند بر مردم شریف ایران غلبه ایجاد کنند، در این جنگ پیروز و برنده نهایی هستند.

پادزهر جنگ شناختی: دانش عمیق استعمارشناسی و استعمارزدایی

عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی در تبیین راهکار مقابله با این جنگ ترکیبی، به میراث معنوی و فکری امام راحل و رهبر شهید اشاره کرد و گفت: آنچه طی یک دوره طولانی، یعنی ۳۷ سال رهبری امام شهید و در سیره عملی و فکری امام خمینی علیه السلام شکل گرفته، دانش عمیق «استعمارشناسی»، «استعمارزدایی» و «مبارزه و مقاومت در مقابل حيله‌های مختلف استعمار» است.

دکتر عاملی افزود: به نظر من این دانش، دانش بسیار عمیقی است که همراه با ایمان و عشق بوده و قطعاً آثار و برکات بسیار زیادی در ادامه این مسیر و خنثی‌سازی توطئه‌ها خواهد داشت.

وی در ادامه به ترسیم نقشه راه رسیدن به تمدن نوین اسلامی پرداخت و گفت: برای رسیدن به این هدف، باید یک سیستم نظام‌مند ایجاد کنیم. این مسیر باید از دوره پیش از دیستان، دبستان، دبیرستان و تا آموزش عالی کشور را در برگیرد. ما باید همه بنیان‌ها و منابع اصلی تمدنی را تقویت کنیم که محوری‌ترین آن‌ها «علم» و «ایمان» است.

دکتر عاملی با یادآوری تأکیدات مکرر رهبر شهید مبنی بر اینکه «العلم سلطان» (علم قدرت است)، تصریح کرد: ما باید این مسیر را ادامه دهیم و بنیه علمی کشور را تقویت کنیم. توسعه و پیشرفت ایران و نه تنها ایران، بلکه پیشرفت جهان اسلام و حتی توسعه و پیشرفت جهانی که قربانی نظام سلطه است، باید بر مبنای دانش رقم بخورد. به طور حتم بنیان اصلی سلامت، دین و ایمان است و البته جهت‌دهنده علم در مسیر ساخت جامعه تمدنی، اسلام است و این دو یعنی علم و ایمان دینی منشأ سعادته بشر هستند. این مسیر نیازمند صبر و بردباری و مقاومت است تا منتهی به استقرار جامعه اسلامی شود: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ»؛ بی‌تردید کسانی که گفتند: پروردگار ما خداست؛ سپس استقامت ورزیدند، فرشتگان بر آنان نازل می‌شوند [و می‌گویند: مترسید و اندوهگین نباشید و شما را به بهشتی که وعده می‌دادند، بشارت باد. (سوره فصلت، آیه ۳۰).

رئیس شورای تحول و ارتقای علوم انسانی در پایان این گفت‌وگو ابراز امیدواری کرد: ما شاهد این واقعیت باشیم که آفتاب تمدن نوین از شرق بلند بشود و بتواند آثار و برکات بسیار زیادی را برای همه مردم جهان فراهم کند.

ظرفیت‌های بین‌المللی هنر متعهد در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای

مسعود شجاعی طباطبایی (هنرمند کاریکاتوریست)

از منظر اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، آینده مطلوب ایران و جهان بر پایه استقلال، عدالت، معنویت، پیشرفت علمی، عزت ملی و مقاومت در برابر سلطه شکل می‌گیرد و ملت‌ها با تکیه بر هویت، ایمان و توانایی‌های خود می‌توانند در ساخت تمدنی عادلانه‌تر نقش آفرین باشند. در این نگاه، علم، فرهنگ و هنر، اخلاق و مردم‌سالاری دینی ارکان اصلی پیشرفت یک جامعه به شمار می‌آیند و جوانان، موتور محرک تحول و آینده‌سازی هستند.

در حوزه فرهنگ و هنر نیز، ایشان هنر را زبانی جهانی و تأثیرگذار برای انتقال حقیقت، عدالت، امید و ارزش‌های انسانی می‌دانند. از این منظر، هنر متعهد می‌تواند فراتر از مرزهای جغرافیایی، وجدان ملت‌ها را بیدار کند، روایت‌های اصیل را در برابر تحریف و سلطه رسانه‌ای حفظ نماید و در شکل‌گیری هویت فرهنگی و تمدنی نقش آفرین باشد. به باور ایشان، هنرمند تنها خالق زیبایی نیست، بلکه مسئولیتی اجتماعی در قبال انسان، حقیقت و آینده دارد و می‌تواند با آفرینش آثار ماندگار، فرهنگ مقاومت، عزت، آزادی و کرامت انسانی را برای نسل‌های آینده به میراث بگذارد. در یکی از دیدارهای نیمه‌رسمی که همراه جمعی از هنرمندان هنرهای تجسمی خدمت ایشان رسیدیم، دقت نظر و اشراف کم‌نظیر ایشان نسبت به رشته‌های مختلف هنری برای همه حاضران شگفت‌انگیز بود. در آن دیدار، رهبر انقلاب با اشاره به جایگاه گرافیک و کاریکاتور، از این دو هنر به عنوان زبان بین‌المللی یاد کردند که می‌تواند بدون نیاز به ترجمه با مخاطبان سراسر جهان ارتباط برقرار کند. ایشان فرمودند: «شما خیلی از مفاهیم را در یک صفحه می‌گنجانید، بدون اینکه ترجمه بخواهد. آن کسی که در آمریکای لاتین است، یا در آسیای شرقی است، یا در هند و چین است، همه‌شان این آثار را می‌فهمند.» رهبر انقلاب همچنین سرعت تأثیرگذاری این هنر را از دیگر ویژگی‌های مهم آن دانستند و تأکید کردند که پیام یک اثر گرافیکی به محض دیده شدن، در ذهن مخاطب منعکس می‌شود و بسیار سریع‌تر از بسیاری از قالب‌های دیگر هنری انتقال می‌یابد. از نگاه ایشان، کم‌هزینه بودن هنر گرافیک و کاریکاتور نیز یک مزیت مهم محسوب می‌شد؛ هنری که در مقایسه با بسیاری از رشته‌ها، از جمله سینما، با امکانات کمتر می‌تواند تأثیری گسترده و ماندگار بر مخاطبان داخلی و جهانی بگذارد.

این نگاه عمیق و آینده‌نگر، نشان‌دهنده درک دقیق ایشان از ظرفیت‌های هنر معاصر و نقش آن در عرصه ارتباطات جهانی بود؛ نگاهی با هویت ایرانی-اسلامی که می‌تواند چراغ راه هنرمندان متعهد و دغدغه‌مند و به‌طور خاص نسل جوان باشد.

تشییع به مثابه ایجاد نظم جدید

دکتر محمد علی فتح اللهی، رئیس پژوهشکده مطالعات سیاسی و

روابط بین الملل، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مهم ترین هدف آمریکا از تحمیل جنگ چهل روزه رمضان آن بود که باور و اعتقاد به ولایت فقیه و امر حکومت دینی در ایران را از بین ببرد. آمریکا باور به رهبری را نشانه گرفته بود؛ نه اینکه حتماً نهاد رهبری را از بین ببرد. لذا رئیس جمهور آمریکا می گفت که رهبر ایران باید با نظر من انتخاب شود؛ دقیقاً همان چیزی که در مورد پاپ اتفاق می افتد و تعیین پاپ با نظر دستگاه سلطه جهانی انجام می پذیرد. در جوامع غربی، با اینکه پاپ وجود دارد، ولی باور به پاپ از بین رفته است. به هر حال، پس از آنکه آمریکا نتوانست در عرصه جنگ به اهداف خود برسد، عرصه مذاکرات دیپلماتیک را برای نیل به اهداف خود فعال کرد. آمریکا در میدان مذاکرات هم اعتماد و اعتقاد عمومی به نهاد ولایت فقیه را نشانه گرفت. هدف این بود که مردم نسبت به مقاومت ولایت فقیه و حمایت او از بعثت مردم در مقابل سیاست های قاتل رهبر شهید، کودکان معصوم دانش آموز، فرماندهان ارشد و قهرمانان کشور و حتی مردم غیر نظامی دچار شبهه شوند. اما اعلام موضع و پیام روشن گرانه رهبری که «علی الاصول نظر دیگری داشتند»، به خوبی توانست این توطئه عظیم را خنثی کند و امید و اعتماد عمومی به امر ولایت فقیه و این هدیه الهی برای ملت را پاسداری کند. مردم مبعوث شده توانستند سنگینی حضور سیاسی خود بر تحولات سیاسی و به ویژه مذاکرات با آمریکا را ادامه دهند و قدرت خود را برای مقابله با سیاست های پشت درهای بسته نشان دهند. مردم ایران مصمم هستند که راه تأثیر گذاری آمریکا بر سیاست های ایران را ببندند و تعیین کنندگی مذاکرات دیپلماتیک بر سرنوشت سیاسی کشور را به حداقل برسانند. سرنوشت سیاسی کشور نه در فرایند مذاکرات با آمریکا، بلکه در صحنه های حضور مردم و به ویژه در نمایش بزرگ ملی تشییع جنازه رهبری و خانواده مظلومش رقم می خورد. اینک بزرگ ایران و پدر شهید ملت تشییع می شود و دنیا در عزای رهبر شهید به ایران تسلیت می گوید. ایران عزادار است و ملت ایران صاحب عزاست. مراسم تشییع امام شهید امت اسلامی، دستاورد عظیم امامین انقلاب اسلامی (خمینی کبیر و خامنه ای شهید)، یعنی جمهوری اسلامی ایران را به رخ جهانیان می کشد و آغاز «عصر ایران» در تاریخ سیاسی جهان را اعلام می کند. همچنین بسیاری از تخریب های فرهنگی و سیاسی دشمنان درباره ایران اسلامی را خنثی خواهد کرد. ایران امروز، به خوبی راه و رهبر خود را می شناسد و فرهنگ، مدنیت و معنویت خود را به دنیا می عرضه می کند. ایران، تعریفی هویتی و تمدنی جدید از سیاست ارائه می دهد و بر این اساس، تأثیر گذاری سیاسی ایران در نظم جدید جهانی کارکرد پیدا می کند. ایران، قدرت تعادل بخش نظم جدید جهانی خواهد بود؛ هر چند که وارد بازی های قدرت دیگران نمی شود.



ایران عزادار است و ملت
ایران صاحب عزاست.
مراسم تشییع امام شهید
امت اسلامی، دستاورد
عظیم امامین انقلاب
اسلامی (خمینی کبیر و
خامنه ای شهید)، یعنی
جمهوری اسلامی ایران را
به رخ جهانیان می کشد
و آغاز «عصر ایران» در
تاریخ سیاسی جهان را
اعلام می کند.



گفتگو با عضو هیئت علمی دانشگاه ملی مهارت:

جامع‌نگری و امیدآفرینی، برجسته‌ترین ویژگی‌های رهبر شهید بود

استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه ملی مهارت با تأکید بر اینکه رهبر شهید شخصیتی جامع، آینده‌نگر و برخوردار از اشراف علمی، فرهنگی، سیاسی و مدیریتی بود، گفت: اگر منویات و رهنمودهای ایشان در حوزه‌های مختلف به‌ویژه اقتصاد، فرهنگ و علم به‌طور کامل اجرایی می‌شد، امروز بسیاری از مشکلات کشور وجود نداشت.

سیدعلی حسینی، دکتری ریاضی، استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه ملی مهارت با اشاره به مهم‌ترین ویژگی‌های اندیشه‌های رهبر شهید انقلاب اسلامی ایران بیان کرد: اگر بخواهیم تنها به بخشی از ویژگی‌های شخصیتی و فکری رهبر شهید اشاره کنیم، باید گفت که ایشان شخصیتی کم‌نظیر و دارای ابعاد متعدد بودند و بیان همه ویژگی‌های ایشان در یک گفت‌وگو امکان‌پذیر نیست. با این حال، یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های شخصیتی ایشان، ساده‌زیستی واقعی بود؛ ساده‌زیستی‌ای که صرفاً در گفتار خلاصه نمی‌شد، بلکه در تمام ابعاد زندگی شخصی و خانوادگی ایشان نمود داشت. وی ادامه داد: رهبر شهید نه تنها خود زندگی زاهدانه و به دور از تجملات داشت، بلکه همین سبک زندگی را در خانواده خود نیز نهادینه کرده بود. این ویژگی به اندازه‌ای روشن و آشکار بود که حتی برخی از منتقدان و مخالفان سیاسی ایشان نیز بر پاکدستی و سلامت زندگی شخصی وی اذعان داشتند. افرادی همچون عطاءالله مهاجرانی نیز بارها تأکید کرده‌اند که اگر زندگی ایشان با دقت مورد بررسی قرار گیرد، حتی یک نقطه خاکستری نیز در آن دیده نمی‌شود و این موضوع، گواه سال‌ها خودسازی، اخلاص و زندگی عالمانه ایشان است.

رهبر نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

فصل اول

جامع نگری؛ ویژگی ممتاز رهبر شهید

استادیار دانشگاه ملی مهارت با بیان اینکه رهبر شهید شخصیتی تک بعدی نبود، تصریح کرد: ایشان در حوزه‌های مختلف علمی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، نظامی و حتی ادبی صاحب نظر بودند و صرفاً اطلاعات عمومی نداشتند، بلکه در بسیاری از موضوعات با نگاه کارشناسانه و تخصصی ورود می‌کردند. وی افزود: در حوزه ادبیات، بسیاری از شاعران برجسته کشور به دانش ادبی و اشراف ایشان اذعان داشتند. رهبر شهید خود نیز اشعار ارزشمندی سروده بودند و در جلسات ادبی، نقدها و نکات دقیقی درباره آثار شاعران مطرح می‌کردند که نشان‌دهنده تسلط کامل ایشان بر ادبیات فارسی بود. حسینی با اشاره به نگاه راهبردی رهبر شهید در حوزه اقتصاد اظهار کرد: در عرصه اقتصاد نیز ایشان همواره با بهره‌گیری از دیدگاه‌های کارشناسی، سیاست‌های کلان کشور را ترسیم می‌کردند. منشورهای اقتصادی، سیاست‌های کلی نظام و تأکید بر اقتصاد مقاومتی، همگی بیانگر نگاه عمیق و آینده‌نگر ایشان بود. اگر این سیاست‌ها در سال‌های گذشته به صورت کامل اجرایی می‌شد، امروز بسیاری از مشکلات اقتصادی کشور کاهش یافته بود. وی ادامه داد: رهبر شهید تنها به مسائل روز توجه نداشتند، بلکه همواره آینده کشور را مدنظر قرار می‌دادند. ترسیم سند چشم‌انداز ۲۰ ساله، تأکید بر حرکت به سمت تمدن نوین اسلامی و تبیین مراحل مختلف انقلاب اسلامی، از جمله موضوعاتی است که نشان می‌دهد ایشان نگاهی راهبردی و بلندمدت به آینده ایران اسلامی داشتند.



رهبر شهید تنها به

مسائل روز توجه

نداشتند، بلکه همواره

آینده کشور را مدنظر

قرار می‌دادند. ترسیم

سند چشم‌انداز ۲۰

ساله، تأکید بر حرکت

به سمت تمدن نوین

اسلامی و تبیین مراحل

مختلف انقلاب اسلامی،

از جمله موضوعاتی

است که نشان می‌دهد

ایشان نگاهی راهبردی

و بلندمدت به آینده

ایران اسلامی داشتند.

اشراف کامل بر مسائل سیاسی، فرهنگی و دفاعی

این استادیار دانشگاه با بیان اینکه رهبر شهید در عرصه سیاست نیز جایگاه ویژه‌ای در سطح بین‌المللی داشت، خاطرنشان کرد: بسیاری از سیاستمداران جهان به تحلیل‌ها و مواضع ایشان توجه ویژه‌ای داشتند. حتی نقل شده است که ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، تیمی را مأمور کرده بود تا سخنرانی‌های رهبر انقلاب را به صورت مستمر ترجمه و در اختیار او قرار دهند؛ زیرا معتقد بود سخنان ایشان مبتنی بر واقع‌بینی، تحلیل کارشناسی و پیش‌بینی‌های دقیق است. وی افزود: رهبر شهید در حوزه فرهنگ نیز سال‌ها پیش نسبت به تهدیدهای فرهنگی هشدار داده بودند. طرح مباحثی همچون «شبیخون فرهنگی»، «تهاجم فرهنگی» و «ناتوی فرهنگی» نشان می‌دهد که ایشان با نگاه آینده‌پژوهانه، چالش‌های فرهنگی کشور را به درستی شناسایی کرده بودند. اگر این رهنمودها بیش از گذشته مورد توجه قرار می‌گرفت، امروز با بخشی از آسیب‌های فرهنگی موجود مواجه نبودیم. حسینی با اشاره به اقتدار دفاعی جمهوری اسلامی ایران نیز اظهار کرد: بخش مهمی از پیشرفت‌های دفاعی و نظامی کشور، مرهون نگاه راهبردی رهبر شهید است. تأکید مستمر ایشان بر تقویت توان بازدارندگی، خودکفایی دفاعی و توسعه صنایع نظامی موجب شد امروز جمهوری اسلامی ایران به توانمندی‌های قابل توجهی در حوزه موشکی و دفاعی دست یابد؛ توانمندی‌هایی که موجب افزایش اقتدار ملی و ارتقای جایگاه ایران در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی شده است.

رهبریت نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

■ فصل اول



■ ضرورت معرفی اندیشه‌های رهبر شهید به نسل جوان

حسینی در ادامه اظهار کرد: برای انتقال صحیح اندیشه‌های رهبر شهید به نسل جوان، پیش از هر چیز باید از ظرفیت نظام آموزشی کشور به درستی استفاده شود. آموزش و پرورش، دانشگاه‌ها، حوزه‌های علمیه، رسانه‌ها و مراکز فرهنگی هر کدام وظیفه‌ای مهم در این زمینه بر عهده دارند و اگر این ظرفیت‌ها به صورت هماهنگ به کار گرفته شود، نسل جدید شناخت عمیق‌تر و دقیق‌تری از شخصیت و اندیشه‌های ایشان پیدا خواهد کرد.

وی ادامه داد: به اعتقاد من، لازم است در نظام آموزشی کشور، آشنایی با ویژگی‌های شخصیتی، مدیریتی، علمی و اخلاقی رهبر شهید و همچنین امام راحل، به صورت علمی و هدفمند در برنامه‌های آموزشی مورد توجه قرار گیرد. علاوه بر آن، خطبا، اندیشمندان، پژوهشگران و استادان دانشگاه نیز باید در مناسبت‌های مختلف، ابعاد گوناگون



برای انتقال صحیح
اندیشه‌های رهبر شهید
به نسل جوان، پیش از
هر چیز باید از ظرفیت
نظام آموزشی کشور
به درستی استفاده
شود. آموزش و پرورش،
دانشگاه‌ها، حوزه‌های
علمیه، رسانه‌ها و
مراکز فرهنگی هر
کدام وظیفه‌ای مهم در
این زمینه بر عهده دارند

شخصیت و اندیشه‌های ایشان را برای جامعه تبیین کنند.

استادیار دانشگاه ملی مهارت با تأکید بر نقش پژوهش در این زمینه بیان کرد: رهبر شهید و امام راحل حق بزرگی بر گردن ملت ایران دارند و اگر امروز در معرفی شخصیت و اندیشه‌های آنان کوتاهی کنیم، در واقع نسبت به آیندگان مسئول خواهیم بود. متأسفانه بخشی از نسل جوان، به دلیل شرایط فضای مجازی و حجم گسترده تبلیغات و روایت‌های نادرست، شناخت دقیقی از این شخصیت‌ها ندارد و همین موضوع ضرورت کار علمی، پژوهشی و رسانه‌ای را دوچندان می‌کند. وی خاطر نشان کرد: امروز بیش از هر زمان دیگری باید شخصیت رهبر شهید از منظرهای مختلف علمی، فرهنگی، سیاسی، عرفانی، مدیریتی و اجتماعی برای نسل جدید تبیین شود. دانشگاه‌ها، مراکز پژوهشی و نخبگان علمی می‌توانند با انجام تحقیقات تخصصی، تدوین کتاب، تولید مقاله و برگزاری نشست‌های علمی، این خلأ را جبران کنند.

■ نسل جوان باید با واقعیت‌های تاریخی آشنا شود

حسینی با اشاره به اهمیت تبیین رخدادهای تاریخی برای نسل جدید اظهار کرد: یکی از مهم‌ترین وظایف دانشگاهیان و پژوهشگران، روایت صحیح اتفاقات تاریخی است. بسیاری از جوانان امروز، به دلیل فضای رسانه‌ای موجود، اطلاعات خود را از منابع غیررسمی دریافت می‌کنند و گاه تحت تأثیر شایعات و روایت‌های تحریف‌شده قرار می‌گیرند. وی افزود: لازم است نسل جدید با واقعیت‌های تاریخی، خدمات، مجاهدت‌ها و فداکاری‌های رهبر شهید آشنا شود و بداند که ایشان تمام عمر خود را در مسیر دفاع از اسلام، انقلاب، مردم و کشور سپری کردند و در نهایت نیز جان خود و اعضای خانواده‌شان را در همین مسیر تقدیم کردند. این روحیه ایثار و از خودگذشتگی، سرمایه‌ای ارزشمند برای تاریخ معاصر ایران است و باید به درستی برای نسل‌های آینده تبیین شود. استادیار دانشگاه ملی مهارت تصریح کرد: اگر شخصیت‌های اثرگذار تاریخ معاصر به درستی معرفی نشوند، طبیعی است که روایت‌های نادرست جایگزین حقیقت خواهد شد؛ بنابراین مسئولیت دانشگاه‌ها، پژوهشگران، معلمان و نخبگان فرهنگی در این زمینه بسیار سنگین است.

■ رسانه‌ها در خط مقدم جهاد تبیین قرار دارند

حسینی در پایان این گفت‌وگو با قدردانی از تلاش اصحاب رسانه اظهار کرد: خبرنگاران و فعالان رسانه‌ای امروز یکی از مهم‌ترین مسئولیت‌ها را در حوزه جهاد تبیین بر عهده دارند و می‌توانند نقش تعیین‌کننده‌ای در معرفی شخصیت و اندیشه‌های رهبر شهید ایفا کنند. وی ادامه داد: متأسفانه دشمن سال‌هاست که با استفاده از ابزار رسانه، روایت‌های تحریف‌شده و عملیات روانی تلاش می‌کند افکار عمومی، به ویژه نسل جوان را تحت تأثیر قرار دهد و در این زمینه نیز از امکانات گسترده‌ای بهره می‌برد؛ بنابراین رسانه‌های داخلی باید با تولید محتوای دقیق، مستند و اقناع‌کننده، روایت صحیح از شخصیت‌ها و وقایع تاریخی را در اختیار جامعه قرار دهند. حسینی خاطر نشان کرد: امروز بیش از هر زمان دیگری به ارتقای سواد رسانه‌ای نیاز داریم. اگر جامعه از قدرت تحلیل و تشخیص صحیح برخوردار باشد، کمتر تحت تأثیر شایعات، اخبار جعلی و فضا سازی‌های رسانه‌ای قرار خواهد گرفت. وی در پایان تأکید کرد: همه ما، از دانشگاهیان و پژوهشگران گرفته تا معلمان، خبرنگاران، فعالان فرهنگی و مسئولان، وظیفه داریم در حد توان خود برای معرفی صحیح شخصیت و اندیشه‌های رهبر شهید تلاش کنیم؛ چرا که این اقدام، علاوه بر پاسداشت مجاهدت‌های ایشان، زمینه‌ساز انتقال این میراث ارزشمند به نسل‌های آینده خواهد بود.



گفتگو با ابن الدین حمیدی جانشین سازمان بسیج اساتید کشور

چگونه «رهبر شهید» دانشگاه را به موتور محرک تمدن بدل کرد؟

جانشین سازمان بسیج اساتید کشور، با اشاره به جایگاه رفیع رهبر شهید در تاریخ علم و تمدن بشری، نقش بی بدیل ایشان را در ترویج علم، فناوری و مرجعیت علمی تشریح کرد و از تأکید بر علوم انسانی اسلامی تا چشم اندازی ورای نسل پنجم دانشگاه ها، ابعاد گوناگون اندیشه‌ی علمی آن رهبر فقید را واکاوی نمود.

ابن الدین حمیدی جانشین سازمان بسیج اساتید کشور با گرامیداشت یاد رهبر شهید و حکیم انقلاب اسلامی، به تبیین نقش بی بدیل ایشان در پیشبرد علم و فناوری و ضرورت مرجعیت علمی جمهوری اسلامی ایران پرداخت. حمیدی با اشاره به جایگاه رفیع رهبر شهید در تاریخ علم و تمدن بشری، اظهار کرد: اگر تاریخ جهان را ورق بزنیم، به ندرت رهبری رامی یابیم که به اندازه‌ی رهبر شهید انقلاب اسلامی، بر نقش علم، فناوری و ضرورت استفاده از آن در تصمیم گیری های کلان تأکید داشته باشد. ایشان هم از حیث استنادات مکتوب، هم سخنرانی های ماندگار و هم مصوبات قانونی، شخصیتی بی نظیر در ترویج پیش روندگی علمی، به ویژه با محوریت جوانان، به شمار می روند.

وی با استناد به کلام امیرالمؤمنین علی علیه السلام که فرمودند «العلم سلطان»؛ علم، قدرت و پادشاهی است، خاطر نشان کرد: رهبر شهید عمیقاً بر این باور بودند که اقتدار و استقلال هر کشوری باید مبتنی بر علم باشد؛ چراکه علم، ابزاری قدرتمند برای اعمال حاکمیت است و هر کس آن را از دست بدهد، دلیل خواهد شد. از نگاه ایشان، علمی که بتواند قدرت ملی را تثبیت کند، هیچگاه از دست ملتی خارج نخواهد شد.

تأکید بر علوم انسانی و نظریه پردازی اسلامی

جانشین بسیج اساتید با اشاره به نگاه فراتر از علوم تجربی در اندیشه‌ی رهبر شهید، افزود: شاید بسیاری از ذهن‌ها هنگام سخن از علم، به علوم تجربی معطوف شود، اما ایشان برای ماندگاری انقلاب اسلامی و انتقال آن به نسل‌های آینده، بر تئوریزه کردن علوم انسانی نیز تأکید ویژه‌ای داشتند و معتقد بودند که علوم انسانی اسلامی باید جایگزین علوم انسانی سکولار غربی شود. در این حوزه نیز فرمایشات جدی و راهگشایی از ایشان به یادگار مانده است.

حمیدی با بیان اینکه رهبر شهید هرگز به پیشرفت‌های موجود قانع نبودند، تصریح کرد: با وجود دستاوردهای چشمگیر کشور در حوزه‌های فناوری نانو، آی‌تی، هوافضا و سلول‌های بنیادی، ایشان همواره بر شتاب بیشتر و حرکت به سمت مرجعیت علمی جهان تأکید داشتند. این ادعای بزرگی است که کشوری با کمتر از پنج دهه از عمر انقلاب خود، باید به محور علمی جهان تبدیل شود؛ اما ایشان باوری راسخ داشتند که اگر قرار باشد جهانیان با علم ناب آشنا شوند، باید زبان فارسی بیاموزند، چراکه تولیدکنندگان این علم، ایرانیان مسلمان خواهند بود.

وی در ادامه با اشاره به نگاه آینده پژوهانه‌ی رهبر شهید به کارکرد دانشگاه‌ها، اظهار کرد: امروز در دنیا از نسل پنجم دانشگاه‌ها سخن می‌گویند؛ دانشگاه‌هایی که مسئله محور، نیازمحور و کارآفرین هستند. اما ایشان به فراتر از نسل پنجم نیز می‌اندیشیدند. این در حالی است که یک شخصیت حوزوی و بدون تحصیلات آکادمیک متعارف، چنین نگاه دقیق و راهبردی به علم داشته باشد، خود به تنهایی در تاریخی بی‌سابقه و شگفت‌آور است.

سیاست‌های کلی علم و فناوری؛ نقشه راه کشور

جانشین بسیج اساتید با اشاره به ابلاغ سیاست‌های کلی علم و فناوری در سال ۱۳۹۳ توسط رهبر شهید، گفت: ایشان نه به عنوان کارشناسی اجرایی بلکه به عنوان یک راهبر و سیاست‌گذار، این بیانیه سیاستی را تدوین و ابلاغ کردند که در آن، موضوعاتی نظیر نوآوری، مرجعیت علمی، توسعه‌ی علوم پایه، شرکت‌های دانش بنیان و ارتباط صنعت با دانشگاه به طور کامل دیده شده است. همینکه امروز در دانشگاه‌ها معاونت یا مدیریت ارتباط با صنعت ایجاد شده، نشان می‌دهد که دانشگاه‌ها بدون سازوکار رسمی، این پیوند را به درستی برقرار نمی‌کردند و ایشان با دقت، این خلأ را شناسایی و رفع کردند.



حمیدی با بیان اینکه

رهبر شهید هرگز به

پیشرفت‌های موجود

قانع نبودند، تصریح کرد:

با وجود دستاوردهای

چشمگیر کشور در

حوزه‌های فناوری

نانو، آی‌تی، هوافضا و

سلول‌های بنیادی،

ایشان همواره بر شتاب

بیشتر و حرکت به سمت

مرجعیت علمی جهان

تأکید داشتند.



■ حمایت بی نظیر از فناوری هسته‌ای

حمیدی با اشاره به نقش تعیین کننده‌ی رهبر شهید در دفاع از فناوری هسته‌ای، بیان کرد: اگر قرار بود مذاکرات هسته‌ای کشور صرفاً به کارشناسان دانشگاهی سپرده شود، چه بسا ده‌ها بار عقب نشینی می‌کردیم. اما ایشان با حمایت مستمر و حتی ورود به جزئیات تخصصی نظیر دور چرخش سانتریفیوژها در ثانیه، از این فناوری دفاع کردند و امروز ما ایرانیان با افتخار، رتبه‌ی بالای خود را در حوزه‌ی علم و فناوری حفظ کرده‌ایم. علم و فناوری با ترور شهیدان از بین نمی‌رود؛ بلکه به دانشجویان و نسل‌های بعدی منتقل شده و هیچگاه از این سرزمین جدا شدنی نیست.

■ تداوم راه توسط خلف صالح؛ رهبر سوم انقلاب

وی در پایان با اشاره به تداوم این مسیر توسط رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله امام سید مجتبی خامنه‌ای رضوان الله تعالی علیه، فرزند رشید رهبر شهید، اظهار کرد: خلف صالح ایشان، سید مجتبی خامنه‌ای رهبر عزیزمان دقیقاً همان مسیر را با درایت و ظرافتی کم نظیر دنبال می‌کنند. علیرغم شرایط خاص امنیتی کشور که حضور گسترده در رسانه‌ها میسر نبود، بیانی‌های ایشان نشان از دقتی فراتر و ژرفای بیشتری در برخی حوزه‌ها دارد. این جای بسی خوشحالی و امیدواری برای ما ایرانیان و تعجیل در فرج امام زمان عجل الله تعالی فرجه است که افسار این کاروان علمی، سیاسی و اجتماعی، به دست کسی سپرده شده که ظریف‌تر و دقیق‌تر از پدر شهیدش، آن را به سمت قله‌های افتخار هدایت می‌کند.



**بدرقه آقای شهید ایران از منظر
اندیشمندان خارجی**

۳



گفتگو با دکتر طلال عتریزی، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه لبنان و مدیرکل مرکز مطالعات استراتژیک بیروت:

حمایت آیت‌الله خامنه‌ای از فلسطین یک ایدئولوژی فرقه‌ای نیست

شکل‌گیری و تداوم موازنه جدید قدرت در جهان اسلام، مرهون ایستادگی بر دکترین استقلال فکری، سیاسی و اقتصادی است. دکتر طلال عتریزی، استاد دانشگاه لبنان و تحلیل‌گر مسائل راهبردی، در این گفتگو به تبیین ابعاد نظری و عملی اندیشه رهبر شهید انقلاب می‌پردازد. وی با تشریح چگونگی تحقق عینی شعار «نه شرقی، نه غربی»، تبلور عقلانیت پایداری در برابر پروژه‌های سلطه و خنثی‌سازی جنگ‌های ترکیبی غرب را بررسی می‌کند. عتریزی در تحلیل خود اثبات می‌کند که چگونه حمایت بی‌دریغ و فرامذهبی آیت‌الله خامنه‌ای از آرمان فلسطین و گروه‌های مقاومت، فراتر از یک ایدئولوژی فرقه‌ای، به محور و نماد اصلی وحدت، تقریب مذاهب و احیای هویت امت اسلامی در مواجهه با استکبار تبدیل شده است.

دکتر «طلال عتریزی»، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه لبنان و مدیرکل مرکز مطالعات استراتژیک بیروت طی پاسخ به پرسش‌هایی به تبیین عملکرد رهبر شهید انقلاب در دوره رهبری خود برای حفظ استقلال و عملی کردن شعار عدم اتکا به شرق و غرب و همچنین دستاوردهای ایشان در صحنه بین‌المللی در مبارزه با استعمار غرب و حمایت از مردم فلسطین بر اساس رکن وحدت پرداخت.

رهبر نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

فصل دوم



اندیشه رهبر شهید،

در سطح نظری این

بود که ما نمی توانیم به

استقلال دست یابیم

مگر از طریق آنچه ما

به عنوان یک ملت

در سطوح فرهنگی،

اقتصادی، نظامی،

علمی و سایر سطوح

تولید می کنیم. بدون

این خودکفایی،

استقلال قابل دستیابی

نیست.

چگونه می توان آیت الله سید علی خامنه ای را نماد استقلال جهان اسلام در پرتو چالش های ژئوپلیتیکی معاصر دانست؟

جمهوری اسلامی بر اساس ایده اساسی و محوری استقلال و عدم وابستگی بنا شده است. این ایده از روز اول با شعار «نه شرقی، نه غربی» بیان شد که به معنای عدم وابستگی در آن زمان به جهان شرق (اتحاد جماهیر شوروی) و جهان غرب (ایالات متحده) بود. این ایده محوری توسط آیت الله خامنه ای شهید در تمام دهه هایی که به عنوان رهبر و راهنمای جمهوری اسلامی خدمت می کرد، مورد حمایت قرار گرفت و از طریق آن با فشارهای سیاسی، اقتصادی، روانی و اخلاقی غرب که با هدف تضعیف این ایده و بازگرداندن ایران به حوزه وابستگی غرب انجام می شد، مبارزه کرد و این مبارزه تا جنگ اخیر ادامه پیدا کرد. اندیشه رهبر شهید، در سطح نظری این بود که ما نمی توانیم به استقلال دست یابیم مگر از طریق آنچه ما به عنوان یک ملت در سطوح فرهنگی، اقتصادی، نظامی، علمی و سایر سطوح تولید می کنیم. بدون این خودکفایی، استقلال قابل دستیابی نیست. این همان نکته ای است که او همیشه در هر سخنرانی، بیانیه و مناسبتی در مورد آن صحبت می کرد. نکته دوم این است که رهبر شهید این خودکفایی را که به استقلال منجر می شود، به جهان اسلام پیوند داد. این بدان معناست که ایران نمی تواند صرفاً به استقلال خود بسنده کند، بلکه، این تجربه باید با جهان اسلام به اشتراک گذاشته شود. چرا؟ زیرا تهدیدات غرب که سال هاست طمع ورزی های خود را دنبال می کند، تنها به ایران محدود نمی شود، بلکه به کل جهان اسلام که در معرض جنگ های مستقیم و اشغال توسط ایالات متحده قرار گرفته اند، گسترش می یابد. به همین دلیل، آیت الله شهید از نظر تئوری ایران و جهان اسلام را به یکدیگر پیوند داد. او آزادی و استقلال را آرمان مشترک در مواجهه با جاه طلبی های مشترک غرب می دانست، بنابراین همیشه مشتاق توسعه روابط با کشورهای جهان اسلام و تضمین امنیت مشترک بین ایران و همسایگان اسلامی آن در مواجهه با تهدیدهای مشترک غرب بود.

برجسته ترین شاخص های خرد و عقلانیت در رویکرد رهبر شهید در مقایسه با همتایان اودر جهان اسلام چیست؟

رهبر شهید، پیشرفت ملی را از استقلال جدا نمی کرد. چرا؟ زیرا آراء و گرایش هایی وجود داشت که ادعا می کردند پیشرفت مستلزم تقلید از غرب است و ما باید هر آنچه را غرب تولید کرده است، اقتباس کنیم؛ ما به اندازه غرب پیشرفته نخواهیم بود. این گرایش های فکری و فرهنگی در ایران، جهان اسلام، دانشگاه ها و در میان روشنفکران وجود دارد و بر این باور متمرکز است که ما نه تنها در حوزه فناوری، بلکه در حوزه علوم انسانی، جامعه شناسی، فلسفه، اقتصاد، آموزش و پرورش و سایر زمینه ها باید از نظریه های غرب اقتباس کنیم. این موضوع، موضوع بحث و گفتگوی عمیق در محافل فکری و پژوهشی

بود. اما دیدگاه رهبر شهید بر این محور متمرکز بود که ما می‌توانیم از آنچه غرب تولید کرده است، به ویژه در زمینه فناوری، بهره‌مند شویم، اما از منظر استقلال و عدم وابستگی، باید برای ایجاد توانمندی‌های خود حتی در امور علمی، فناوری و نظامی، تلاش کنیم. سید شهید تلاش کرد ایران را به عنوان الگویی از قدرت، توسعه ملی و حفظ استقلال بدون هیچ گونه سرسپردگی به غرب معرفی کند. به همین دلیل، این تجربه دشوار، پیچیده و مملو از تهدید بود، زیرا غرب با میل و رغبت اجازه وجود چنین الگویی را نمی‌داد؛ الگویی که منجر به از دست رفتن کنترل و استثمار منابع مردم جهان اسلام توسط غرب می‌شد.

حمایت رهبر شهید از آرمان قدس و فلسطین چگونه بر موازنه قدرت در منطقه تأثیر گذاشت؟

آرمان فلسطین سنگ بنای انقلاب اسلامی بود و همه می‌دانند که این انقلاب از همان ابتدا چه میزان به آرمان فلسطین و سفارت فلسطین متعهد بود. رهبر شهید این تعهد را از دو مسیر نظری و مسیر عملی برجسته کرد. مسیر نظری مبتنی بر این تأکید است که فلسطین یک مسئله محوری برای ایران و جهان اسلام است. برای ایران، این امر ناشی از تعهد جمهوری اسلامی به حمایت و ایستادن در کنار مظلومان به ویژه در جهان اسلام و حمایت از حق مردم فلسطین برای بازگشت به سرزمین خود و اخراج اشغالگران است. این سطح نظری است که باید به عنوان یک چارچوب فرهنگی و فکری در ایران و جهان اسلام عمل کند. ایران در مجامع و گردهمایی‌های اسلامی برای تأکید بر این ایده تلاش کرده است. این امر عامل بسیار مهمی در حمایت از آرمان فلسطین بوده است. در سطح عملی نیز، رهبر بر حمایت مستقیم از جنبش‌های مقاومت در فلسطین تمرکز داشت. این حمایت قطعاً در مقابله با پروژه صهیونیستی در منطقه حیاتی است. در طول دهه‌های گذشته، این حمایت مستمر بوده و دیدارهای مستقیمی با رهبران مقاومت فلسطین، حماس، جهاد اسلامی و سایر گروه‌ها و جنبش‌های مقاومت همراه با هماهنگی مستقیم برگزار شده است. این امر در نهایت منجر به برجسته شدن آرمان فلسطین در سراسر جهان از جمله در افکار عمومی غرب و اهتمام مجدد نسبت به مسئله فلسطین و افول جایگاه اسرائیل در جهان و توصیف اسرائیل به عنوان یک رژیم جنایتکار و احیای مفهوم مقاومت شده است؛ مقاومتی که ایالات متحده و اسرائیل سعی در به تصویر کشیدن آن به عنوان یک آرمان مرده داشتند.

استراتژی رهبر شهید در حمایت از گروه‌های مقاومت (از جمله گروه‌های سنی مانند حماس) تا چه حد در تقویت وحدت اسلامی نقش داشته است و چگونه می‌توان آن را نمادی در این زمینه دانست؟

موضع مقام معظم رهبری و جمهوری اسلامی در مورد مقاومت در برابر اشغالگری اسرائیل



دیدگاه رهبر شهید بر این محور متمرکز بود که ما می‌توانیم از آنچه غرب تولید کرده است، به ویژه در زمینه فناوری، بهره‌مند شویم، اما از منظر استقلال و عدم وابستگی، باید برای ایجاد توانمندی‌های خود حتی در امور علمی، فناوری و نظامی، تلاش کنیم. سید شهید تلاش کرد ایران را به عنوان الگویی از قدرت، توسعه ملی و حفظ استقلال بدون هیچ گونه سرسپردگی به غرب معرفی کند.

هیچ بُعد فرقه‌ای نداشت؛ بلکه، همان‌طور که اشاره کردیم، ناشی از تعهد اصولی به حق مردم فلسطین در حمایت از مظلومان و عدم مشروعیت رژیم صهیونیستی بود. به همین دلیل، حمایت از جنبش‌های مقاومت صرف‌نظر از ایدئولوژی یا وابستگی مذهبی یا فرقه‌ای آن‌ها انجام می‌شد.

دومین نکته مهم در این زمینه این است که آیت‌الله خامنه‌ای همواره در مورد جهان اسلام و وحدت آن دیدگاهی داشته و معتقد بوده است که آرمان فلسطین، یکی از مسائلی است که می‌تواند جهان اسلام را متحد کند. به همین دلیل، همان‌طور که اشاره کردیم، ایشان فلسطین را یک مسئله محوری برای جهان اسلام می‌دانستند.

بنابراین، حمایت از جنبش‌های مقاومت صرفاً بر اساس مشروعیت و حق این جنبش‌ها و محوریت آن‌ها در کل جهان اسلام فارغ از عقاید و فرقه‌های متنوع آن بود. علاوه بر این، مقام معظم رهبری وحدت اسلامی را یکی از نقاط قوت جهان اسلام می‌دانستند. این قدرت قطعاً در مقابله با پروژه‌های استکبار و در جنبش‌های مقاومت علیه استکبار منعکس خواهد شد. این دیدگاه به تأکید بر هویت انقلاب اسلامی که از بُعد فرقه‌ای فراتر می‌رود و ابعاد اسلامی و انسانی و جنبش گسترده‌تر را در بر می‌گیرد، کمک کرد. رهبر شهید همچنین به شدت بر اندیشه تقرب بین مذاهب اسلامی و ادامه برگزاری کنفرانس تقرب بین مذاهب اسلامی برای تقویت مشروعیت و اهمیت این تقرب در مواجهه با پروژه‌های سلطه جویانه غرب که با هدف ایجاد نزاع فرقه‌ای و جنگ‌های فرقه‌ای و تجزیه جهان اسلام و از بین بردن منافع مشترک اسلامی انجام می‌شد، تأکید می‌کرد.

در واقع، رهبر شهید عمیقاً به وحدت اسلامی متعهد بود، چه از طریق حمایت از جنبش‌های مقاومت و چه از طریق کار فکری و نظری در سطوح مختلف و با همه کشورهای اسلامی.

رهبر شهید چگونه در دستیابی به پیشرفت ملی در عین حفظ سیاست «نه شرقی نه غربی» به یک الگو بدل شد؟

جنگ اخیر علیه ایران که در یک سال - دو جنگ متوالی مشترک توسط ایالات متحده و رژیم صهیونیستی - رخ داد، ثابت کرد که استقلال واقعی که با شعار «نه شرقی نه غربی» آغاز شد، نقش مهمی در خنثی کردن اهداف این دو جنگ ایفا کرده است. هدف این جنگ‌ها سرنگونی نظام، فروپاشی جامعه ایران و ایجاد هرج و مرج در کشور بود. تسلیم ایران و پذیرش شروط آمریکا عملاً به معنای پایان آرمان «نه شرقی نه غربی» بود و ایران را دوباره به دوره شاه باز می‌گرداند. اگر ایران در طول بیش از چهار سال، خود را نمی‌ساخت، توانایی‌های نظامی، علمی، توسعه‌ای و فکری خود را توسعه نمی‌داد و وحدت داخلی خود را تقویت نمی‌کرد، نمی‌توانست برای این مدت طولانی در برابر این وضعیت مقاومت کند و تسلیم خواسته‌های آمریکا می‌شد. اما فرهنگ استقلال و اراده برای استقلال قوی بود و توسعه خوداتکایی در طول بیش از چهار دهه به طور قابل توجهی به پایداری و مقاومت ایران کمک کرد. این پایداری و مقاومت همان چیزی بود که این دو جنگ علیه ایران را خنثی کرد. این گونه بود که ایران توانست در عمل، سیاست نه شرقی نه غربی را محقق و استقلال خود را در خطرناک‌ترین و دشوارترین شرایطی که از زمان پیروزی انقلاب با آن مواجه بوده است، حفظ کند.

چنان‌که در ماهیت مذاکرات با ایالات متحده نیز مشاهده می‌کنیم، ایران هیچ امتیاز اساسی در آن نداد، در حالی که طرف مقابل بیشتر شروط ایران را پذیرفت. از این اتفاق تنها یک برداشت وجود دارد و آن اینکه تصمیم‌گیری مستقل ایران مبتنی بر خوداتکایی واقعی، آن را قادر ساخت تا به این هدف دست یابد، اهداف جنگ را خنثی کند، این استقلال را در آینده حفظ کند و از طریق این چارچوب مستقل، به توسعه این قابلیت‌ها ادامه دهد.



امام شهید؛ رهبر پروژه مقاومت و مبارزه علیه عادی سازی در منطقه

یادداشتی از دکتر طلال عترسی، استاد دانشگاه و پژوهشگر ارشد لبنانی

یکی از سیاست‌های تزلزل‌ناپذیر امام شهید، آرمان فلسطین است. نخست، به عنوان یک آرمان عادلانه - حق مردم فلسطین برای بازگشت به سرزمین خود و اخراج اشغالگران - و دوم، به عنوان آرمانی برای جهان اسلام، یک مسئله محوری برای جهان اسلام، همان‌طور که یک مسئله اساسی برای جمهوری اسلامی است. پس از پیروزی انقلاب، همه می‌دانند که نظام جدید مستقیماً حمایت از آرمان فلسطین را اتخاذ کرد و این سیاست در طول دهه‌های گذشته تحت رهبری سید خامنه‌ای ادامه داشته است. او از یک سو فرهنگ به رسمیت شناختن حقوق مردم فلسطین را در سطح نهادی در ایران، در سیاست خارجی و نهادهای فرهنگی، و از سوی دیگر در سطح عملی در حمایت از جنبش‌های مقاومت، به ویژه در فلسطین، ایجاد کرد. این بدان معناست که امام شهید صرفاً یک موضع سیاسی نداشت، همان‌طور که شاید بسیاری از شخصیت‌ها یا مقامات جهان چنین موضعی داشته باشند، بلکه مهم‌تر از آن، او به سطح عملی ارائه انواع حمایت‌ها از جنبش‌های مقاومت در فلسطین، به ویژه حماس و جهاد اسلامی، که رهبران آن‌ها مرتباً به ایران می‌آمدند و با سید شهید دیدار می‌کردند، گام نهاد و بارها در مورد این حمایت در تمام سطوح صحبت کردند. بنابراین، این حمایت و این موضع تزلزل‌ناپذیر امام شهید، سهم بسزایی در ادامه مقاومت و در نتیجه، مقابله با پروژه صهیونیستی در منطقه داشت. در واقع، اگر ادامه این مقاومت نبود، پروژه‌های عادی سازی و توافق ابراهیم که به سرعت با برخی از کشورهای منطقه در حال پیگیری بود، به اهداف خود می‌رسیدند. این مقاومت همان چیزی است که در برابر این پروژه‌ها ایستاد. بنابراین، ایران، تحت رهبری سید خامنه‌ای، سنگ

رهبریت نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

فصل دوم



امام شهید خامنه‌ای
در مورد مسئله تمدن
اسلامی دیدگاهی
داشت. او معتقد بود که
انقلاب اسلامی، سپس
تأسیس جمهوری
اسلامی و سپس
جامعه اسلامی، همگی
پیش‌نیازهای دستیابی
به تمدن اسلامی
هستند. او قاطعانه
معتقد بود که این تمدن
جز از طریق وحدت
اسلامی نمی‌تواند به
هدف خود برسد

بنای اصلی و حمایت واقعی و مؤثر در پروژه مقابله با صهیونیسم و سیاست‌های عادی‌سازی بود و هست. این چیزی است که صهیونیست‌ها و آمریکایی‌ها به آن اذعان دارند و می‌گویند که ایران همان چیزی است که این پروژه‌ها را برای آن‌ها خنثی کرد. بنابراین، بنیامین نتانیاهو، رئیس دولت دشمن صهیونیستی، گفت که ایران یک تهدید وجودی و بزرگ‌ترین خطر است و این بزرگ‌ترین و اساسی‌ترین خطر باید از بین برود تا بتوان خاورمیانه را کنترل کرد و به اسرائیل بزرگ دست یافت.

امام شهید خامنه‌ای در مورد مسئله تمدن اسلامی دیدگاهی داشت. او معتقد بود که انقلاب اسلامی، سپس تأسیس جمهوری اسلامی و سپس جامعه اسلامی، همگی پیش‌نیازهای دستیابی به تمدن اسلامی هستند. او قاطعانه معتقد بود که این تمدن جز از طریق وحدت اسلامی نمی‌تواند به هدف خود برسد، به این معنی که ایران به تنهایی نمی‌تواند به تمدن اسلامی دست یابد زیرا تمدنی جهانی خواهد بود. به همین دلیل، او بر اصل وحدت اسلامی تأکید داشت و از پروژه تقریب که توسط ایران پس از پیروزی انقلاب آغاز شد، حمایت می‌کرد. او عمیقاً به روابط با کشورهای اسلامی متعهد بود. در نتیجه، پروژه‌های متقابل آمریکایی-اسرائیلی با هدف ایجاد اختلاف بین مسلمانان، همان‌طور که در سال‌های اخیر رخ داد، مانع از تبدیل شدن این تقریب به پایه و اساس ساخت تمدن اسلامی شدند. بنابراین، امام خامنه‌ای در این مورد دیدگاهی قاطع داشت، دیدگاهی که صرفاً منوط به شرایط خاص نبود. او این را یک اصل اساسی جمهوری اسلامی و سنگ بنای دیدگاه خود برای ساختن تمدن اسلامی آینده می‌دانست.

می‌توان گفت که تحولات اخیر منطقه‌ای، از عملیات طوفان الاقصی که ایران حمایت خود را از آن اعلام کرد، و جنگ‌های بعدی علیه ایران - دو جنگ علیه دو قدرت بزرگ، یک قدرت منطقه‌ای (رژیم اسرائیل) و یک قدرت بین‌المللی (ایالات متحده) - با هدف از هم پاشیدن کل محور مقاومت در منطقه و نابودی آرمان فلسطین انجام شد. اما آنچه در واقع اتفاق افتاد این بود که ایران در این جنگ‌ها بهای سنگینی پرداخت و در نتیجه بسیاری از متحدان و رهبران خود را از دست داد. از آنجایی که ایران توانست استقامت کند، ثابت قدم بماند و حمایت خود را از متحدان خود، به ویژه در لبنان و فلسطین، مجدداً تأیید کند، اکنون شاهد تغییر چشم‌انداز منطقه‌ای هستیم. این وضعیت به وضوح نشان‌دهنده افول رژیم اسرائیل است. وقتی رژیم اسرائیل افول می‌کند، آرمان فلسطین پیشرفت می‌کند. اسرائیل در حال حاضر چیزی را تجربه می‌کند که برخی از تحلیلگران در داخل مرزهای خود آن را بحران استراتژیک می‌نامند و از مسیر آینده اقدامات خود مطمئن نیستند.

در همین حال، ایران دوره‌ای از برتری استراتژیک را تجربه می‌کند. همه این‌ها نتیجه حمایت ایران از جنبش‌های مقاومت در دهه‌های گذشته، فداکاری‌هایی که انجام داده، پایداری و مقاومت آن در این جنگ و حمایت از متحدانش است.

بنابراین، این وضعیت جدید منطقه‌ای، اسرائیل را در وضعیت بحران و مخمصه استراتژیک قرار داده است، در حالی که جنبش‌های مقاومت و ایران در موقعیت قوی‌تری قرار دارند.



در گفتگو با دکتر «محمد سید احمد» استاد جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه عین شمس مصر مطرح شد:

ایران تحت رهبری آیت‌الله خامنه‌ای یک رنسانس و انقلاب واقعی را تجربه کرد

قاهره؛ خاستگاه ناصریسم و ملی‌گرایی عرب، این بار از زبان یکی از برجسته‌ترین تنورسین‌های جامعه‌شناسی سیاسی خود، به تبیین جایگاه منطقه‌ای ایران می‌پردازد. دکتر «محمد سید احمد»، استاد دانشگاه عین شمس مصر و تحلیل‌گر ارشد مسائل ژئوپلیتیک که سال‌هاست تحولات غرب آسیا و نقشه‌های امپریالیستی را از منظر جامعه‌شناسی قدرت و اکاوی می‌کند، در تحلیل اخیر خود فراتر از مرزهای جغرافیایی و خط‌کشی‌های مذهبی رفته است. این استاد برجسته مصری با تأکید بر اینکه ایران تحت رهبری آیت‌الله خامنه‌ای با وجود دهه‌ها تحریم و محاصره اقتصادی، یک «رنسانس و جهش توسعه‌ای واقعی» را تجربه کرده، معتقد است که مدل رهبری ایشان با تکیه بر عقلانیت، پابندی به دکترین «نه شرقی نه غربی» و حمایت بی‌شائبه از گروه‌های مقاومت سنی و شیعی به ویژه حماس، نه تنها موازنه قدرت را به نفع آرمان فلسطین تغییر داده، بلکه ساختار استقلال حقیقی را در جهان اسلام بازتعریف کرده است.



این کشور در دوره
رهبری ایشان به رغم
فشارهای ناشی از
تحریم و محاصره، یک
رنسانس و انقلاب
واقعی را تجربه کرد و
توانست استقلال خود
را تثبیت و حاکمیت
و تمامیت ارضی خود
را حفظ کند، چنانکه از
وحدت و تمامیت ارضی
کشورهای همسایه و
مردم منطقه نیز حمایت
کرد.

استقلال جهان اسلام در پرتو تحولات ژئوپلیتیکی معاصر چگونه با شخصیت رهبر شهید انقلاب گره خورده است؟

حضرت آیت الله شهید سید علی خامنه ای، نماد واقعی استقلال در جهان اسلام در بحبوحه چالش های ژئوپلیتیکی معاصر به ویژه در سایه طرح های تفرقه انگیز و تجزیه طلبانه در منطقه به شمار می روند. ما شاهد بودیم که چگونه ایشان بر سر مواضع خود محکم و استوار ایستادند و بسیاری از توطئه های طراحی شده علیه منطقه را خنثی کردند. دیدیم که چگونه ایشان وحدت ایران، روابط خوب آن با همسایگان و حمایت از محور مقاومت و آرمان های مقاومت را حفظ کردند.

در واقع، تحت رهبری حضرت آیت الله شهید علی خامنه ای، ایران توانسته است نقش بسیار مهمی در حفظ وحدت ملی و حفظ اصول حاکمیت ملی و استقلال کشورهای منطقه ایفا کند. ایران به رغم وجود تحریم ها و محاصره ای که توسط نظام امپریالیستی جهانی به رهبری ایالات متحده آمریکا بر آن اعمال شده بود، توانسته است به یک قدرت بزرگ در منطقه تبدیل شود. این کشور در دوره رهبری ایشان به رغم فشارهای ناشی از تحریم و محاصره، یک رنسانس و انقلاب واقعی را تجربه کرد و توانست استقلال خود را تثبیت و حاکمیت و تمامیت ارضی خود را حفظ کند، چنانکه از وحدت و تمامیت ارضی کشورهای همسایه و مردم منطقه نیز حمایت کرد. من معتقدم که این نقش بسیار مهم است و به استقلال جهان اسلام به معنای حقیقی کلمه کمک کرد. در این دوره بود که ایران توانست نیروهایی را در جهان اسلام تأسیس کند که قدرت های غربی، به ویژه ایالات متحده را به چالش کشیدند.

شاخص های کلیدی خرد و عقلانیت در رویکرد رهبری آیت الله خامنه ای، در مقایسه با دیگر رهبران جهان اسلام کدامند؟

حضرت آیت الله خامنه ای شهید، با دشمنان امت اسلامی بر اساس درایت و خردمندی بالا برخورد کرد. او با دیگر رهبران امت اسلامی که گاهی اوقات مجبور به تسلیم شدن در برابر دشمن آمریکایی و عادی سازی روابط با این دشمن و دشمن صهیونیستی می شدند، متفاوت بود؛ شخصیتی که توانست استقلال خود و کشورش را اعلام کند و حتی در مورد توسعه برنامه هسته ای ایران نیز با درایت و خردمندی فراوان برخورد کند. او همیشه تأکید می کرد که این برنامه صلح آمیز است و نمی توان از آن برای اهداف نظامی یا غیر انسانی استفاده کرد.

ما مشاهده کردیم که رهبر شهید چگونه تا آخرین لحظه توانست ایالات متحده و غرب را که می خواستند از طریق اعمال تحریم های اقتصادی و محاصره مانع توسعه واقعی جمهوری اسلامی ایران شوند، به چالش بکشند. او توانست توسعه یک سیستم موشکی واقعاً

پیشرفته و یک سیستم دفاعی را پیش ببرد و در واقع، ایران توانسته است قدرت واقعی داشته باشد.

علاوه بر این، ایران روابط خوبی را با کشورهای منطقه بنا کرد و توانست یک محور مقاومت واقعی در برابر ایالات متحده و دشمن صهیونیستی تشکیل دهد. من معتقدم که این نقش، نشان دهنده عقلانیت و خرد والای آیت الله خامنه ای شهید است. او عملاً توانسته است ایران را احیا و آن را به یک قدرت منطقه ای با نفوذ قابل توجه نه تنها در سطح منطقه ای، بلکه در سطح بین المللی تبدیل کند.

تأثیر حمایت رهبر شهید انقلاب از مسئله قدس و فلسطین بر توازن قدرت منطقه ای را چگونه ارزیابی می کنید؟

ما به خوبی می دانیم که آرمان فلسطین مسئله اصلی جهان اسلام و امت اسلامی است. بنابراین، حمایت حضرت آیت الله خامنه ای از آرمان فلسطین و مسئله قدس به آن وزن قابل توجهی بخشید که در واقع منجر به تغییر موازنه قدرت در منطقه شده است. ما شاهد بوده ایم که او چگونه از مردم فلسطین و آرمان فلسطین حمایت کرد و چگونه در این زمینه فداکاری های بزرگی انجام داده و چگونه توانست از محور مقاومت حمایت کند.

رهبر شهید موفق شد محور مقاومت را برای دفاع از فلسطین، مقدسات اسلامی و غزه به کار گیرد. حتی در جریان نبرد «طوفان الاقصی» دیدیم که ایشان چگونه در دفاع از آرمان فلسطین و مردم فلسطین ایستادند. به تبع، تمام تحولات پس از آن نتیجه این موضع بود. این موضع حمایتی نسبت به فلسطین همان چیزی است که منجر به جنگ علیه ایران و محور مقاومت شد. من معتقدم که روح حضرت سید حسن نصرالله شهید و حضرت سید علی خامنه ای شهید که در راه قدس تقدیم شدند، این دو بزرگترین هدیه ای است که به فلسطین اعطا شده است.

حمایت رهبر شهید انقلاب از محور مقاومت حتی گروه های سنی مانند حماس، چه نقشی در اتحاد اسلامی ایفا کرده و چه جنبه نمادینی دارد؟

او یکی از مهمترین رهبرانی بود که صرف نظر از فرقه گرایی سنی-شیعی که دشمنان آمریکایی و صهیونیستی سعی در سوء استفاده از آن داشتند، از گروه های مقاومت حمایت کرد. دشمنان به دنبال ایجاد اختلاف در جهان اسلام و گسترش تفرقه در میان مردم آن بودند. با این حال، این حمایت بی سابقه از گروه های مقاومت به ویژه گروه های سنی و در صدر آن ها جنبش حماس، وحدت اسلامی را تا حد زیادی تقویت کرد.

در واقع، می توانیم بگوییم که حضرت آیت الله سید علی خامنه ای نه تنها برای مسلمانان شیعه، بلکه برای همه مسلمانان از جمله مسلمانان سنی که به او احترام می گذارند، به



ما به خوبی می دانیم که
آرمان فلسطین مسئله
اصلی جهان اسلام و
امت اسلامی است.

بنابراین، حمایت حضرت
آیت الله خامنه ای از
آرمان فلسطین و مسئله
قدس به آن وزن قابل
توجهی بخشید که در
واقع منجر به تغییر
موازنه قدرت در منطقه
شده است.



نمادی بزرگ تبدیل شده است. چنانکه مشاهده کردیم چگونه تمام جهان اسلام در سوگ شهادت این رهبر بزرگ نشستند، کسی که به مفهوم حقیقی، نقش مهمی در متحد کردن صفوف اسلامی در برابر تهدیدات آمریکایی و صهیونیستی و حملاتی که اسلام سال‌هاست متحمل شده است، ایفا کرد.

موفقیت در دستیابی به پیشرفت ملی، همراه با پایبندی به سیاست «نه شرقی نه غربی»، در الگوی این رهبر شهید چگونه تبیین می‌شود؟

شهید آیت‌الله علی خامنه‌ای نقش بسیار مهمی در پیشرفت کشورش و حفظ هویت ملی ایرانی و جلوگیری از کشیده شدن آن به سمت شرق یا غرب ایفا کرد. او توانست از حاکمیت ملی حفاظت و در مواجهه با ابرقدرت‌ها، تصمیم‌گیری سیاسی مستقل ایران را حفظ کند. من معتقدم که او در این زمینه نقش حیاتی ایفا کرد و او را می‌توان الگویی حقیقی از استقلال ملی، توسعه واقعی و پیشرفت واقعی دانست. ایران از زمان پیروزی انقلاب اسلامی به ویژه تحت رهبری آیت‌الله شهید خامنه‌ای یک نهضت و رنسانس واقعی را تجربه کرده است. منظورم این است که ایران با وجود همه مشکلات و جنگ‌هایی که قدرت‌های بین‌المللی علیه آن به راه انداختند، به یک جهش توسعه‌ای واقعی دست یافته است. بنابراین ایران با قیام واقعی، روی پای خود ایستاده و به یک قدرت منطقه‌ای و بین‌المللی قدرتمند تبدیل شده است، قدرتی که نمی‌توان آن را در معادلات منطقه و جهان نادیده گرفت.

البته، این به لطف سیاست‌های خردمندانه و عاقلانه رهبر شهید بوده است که بر قدرت ایران و قابلیت‌های داخلی آن تمرکز کرد، بدون اینکه تحت تأثیر پروژه‌های خارجی، چه شرقی و چه غربی قرار گیرد.



گفتگوی اختصاصی با پرفسور «تیسیر حمیه»، استاد و پژوهشگر لبنانی دانشگاه
ماستریخت هلند:

رویکرد آیت‌الله خامنه‌ای؛ عبور از اختلافات مذهبی و تحکیم استقلال تمدنی جهان اسلام

رهبر نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

فصل دوم



پرفسور تیسیر حمیه

استاد و پژوهشگر لبنانی
دانشگاه ماستریخت هلند

بررسی ابعاد تفکر راهبردی رهبر انقلاب در گستره تعاملات ژئوپلیتیک معاصر، نشان دهنده یک الگوی منحصربه فرد از توازن میان «آرمان گرایی اصولی» و «واقع گرایی استراتژیک» است. پرفسور تیسیر حمیه، اندیشمند لبنانی دانشگاه ماستریخت هلند، در این گفتگو با تبیین مبانی فکری و عملی آیت الله خامنه ای، تداوم سیاست موازنه منفی (نه شرقی، نه غربی) را در کنار دستیابی به بازدارندگی نظامی و اقتدار علمی، رمز ماندگاری و نفوذ بین المللی این مکتب می داند. از دیدگاه این پژوهشگر، عبور هوشمندانه از مرزبندی های مذهبی و تمرکز بر آرمان قدس شریف، پاشنه آشیل طرح های تفرقه افکنانه در جهان اسلام بوده و موازنه قدرت را به نفع ملت های مظلوم تغییر داده است؛ رویکردی جامع که استقلال فرهنگی و اقتدار ملی را به عنوان ارکان دوقلوی احیای امت اسلامی معرفی می کند.

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

■ فصل دوم

به نظر شما چگونه می‌توان رهبر انقلاب، آیت‌الله سید علی خامنه‌ای را نماد استقلال خواهی جهان اسلام در پرتو چالش‌های ژئوپلیتیکی معاصر دانست؟

شخصیت رهبر، نمادی از استقلال سیاسی و فرهنگی در جهان اسلام است. این نماد را در شخصیت ایشان و تأکید و اصرار بر اصل طرد سلطه خارجی و تلاش برای ایجاد یک فرآیند تصمیم‌گیری ملی اسلامی مستقل و در پابندی به سیاست‌های مبتنی بر عدم تسلیم در برابر فشارهای بین‌المللی و دعوت به تقویت خوداتکایی کشورهای اسلامی در زمینه‌های علمی، نظامی و اقتصادی مشاهده می‌کنیم.

پروژه فکری ایشان با مفهوم «استقلال فرهنگی» مرتبط است که تنها به بُعد سیاسی محدود نمی‌شود، بلکه استقلال فرهنگی، علمی و اقتصادی را نیز در بر می‌گیرد و به عنوان شرط اساسی برای احیای امت اسلامی در مواجهه با چالش‌های جهانی معاصر بروز و ظهور پیدا می‌کند.

از دیدگاه شما مهم‌ترین شاخصه‌های خرد و عقلانیت در رویکرد رهبر در مقایسه با سایر رهبران جهان اسلام چیست؟

چندین شاخص وجود دارد که خرد و عقلانیت در رویکرد ایشان را برجسته می‌کند. نخست اینکه ایشان بین ثبات در اصول و انعطاف‌پذیری در مدیریت بحران‌ها تعادل برقرار می‌کرد. دوم اینکه به جای اقدامات آنی و شتاب‌زده، یک چشم‌انداز استراتژیک بلندمدت اتخاذ می‌کرد. نکته مهم دیگر در این زمینه اینکه بر ایجاد نهادهای علمی و فناوری به عنوان وسیله‌ای برای دستیابی به حاکمیت ملی تمرکز می‌کرد، همچنین چالش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی را از طریق ترکیبی از قدرت سخت و نرم توانان، مدیریت و در عین حال از ثبات نظام سیاسی به رغم وجود فشارها، تحریم‌ها و چالش‌های امنیتی متعدد حفاظت می‌کرد. بدون شک، این رویکرد اتخاذ شده توسط رهبر، ایران را به یک بازیگر بسیار تأثیرگذار نه تنها در سطح منطقه‌ای بلکه در سطح بین‌المللی نیز تبدیل کرد؛ چنانچه مشاهده می‌کنیم، کشور در مقایسه با دهه‌های گذشته، از ابزارهای سیاسی، نظامی و اقتصادی پیشرفته‌ای برخوردار است.

تأثیر حمایت رهبر انقلاب از آرمان قدس و فلسطین بر موازنه قدرت در منطقه را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

آرمان فلسطین از زمان تأسیس جمهوری اسلامی، جایگاه محوری در گفتمان و سیاست‌های رهبری ایران داشته است و ما همواره شاهد تقویت این جایگاه با ارائه حمایت سیاسی و رسانه‌ای بوده‌ایم. گروه‌های مقاومت فلسطینی از هر نوع گرایشی



شخصیت رهبر، نمادی
از استقلال سیاسی
و فرهنگی در جهان
اسلام است. این نماد را
در شخصیت ایشان و
تأکید و اصرار بر اصل
طرد سلطه خارجی و
تلاش برای ایجاد یک
فرآیند تصمیم‌گیری ملی
اسلامی مستقل و در
پابندی به سیاست‌های
مبتنی بر عدم تسلیم
در برابر فشارهای
بین‌المللی و دعوت
به تقویت خوداتکایی
کشورهای اسلامی
در زمینه‌های علمی،
نظامی و اقتصادی
مشاهده می‌کنیم.

همیشه مورد حمایت ایران بوده و توانایی‌های آن‌ها توسط کشور و رهبری تقویت شده است. در واقع بر اساس همین استراتژی بوده است که مسئله قدس در حافظه اسلامی و بین‌المللی زنده ماند و آرمان فلسطین در گفتمان سیاسی اسلامی حفظ شده است. ایران به گونه‌ای توانایی‌های نیروهای مقاومت را تقویت کرد که آن‌ها را قادر به توسعه توانایی‌های دفاعی و نظامی خود ساخت.

بر اساس حمایت جمهوری اسلامی، یک توازن جدید بازدارندگی در مواجهه با برتری نظامی اسرائیل ایجاد شد و شبکه ائتلاف‌های منطقه‌ای مرتبط با محور مقاومت توسعه پیدا کرد. این رویکرد به تغییر منازعه از مرحله برتری تقریباً مطلق اسرائیل به مرحله‌ای که در آن گروه‌های مقاومت از توانایی‌ها و نفوذ بازدارندگی بیشتری نسبت به دهه‌های گذشته برخوردار بودند، کمک کرد.

به نظر شما استراتژی رهبر در حمایت از گروه‌های مقاومت (از جمله گروه‌های سنی مانند حماس) تاجه حد در تقویت وحدت اسلامی نقش داشته و چگونه می‌توان آن را نمادی در این زمینه دانست؟

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این استراتژی که توسط رهبر اتخاذ شد، این بود که حمایت خود از نیروهای مخالف اشغالگران را به گرایش مذهبی خاصی مرتبط نکرد، بلکه مقابله با رژیم اشغالگر و دفاع از آرمان‌های امت اسلامی را پایه و اساس روابط سیاسی قرار داد. روابط قوی جمهوری اسلامی با جنبش‌های مختلف سنی و شیعه گواه این ادعاست و چنانچه در حال حاضر مشاهده می‌کنیم، آرمان فلسطین نمایانگر یک مسئله وحدت بخش برای مسلمانان از همه فرقه‌ها و مذاهب است.

از این منظر، این رویکرد تلاشی رهایی بخش برای عبور از اختلافات فرقه‌ای و تحکیم مفهوم «وحدت ملت» در مواجهه با چالش‌های مشترک تلقی می‌شود.

چگونه رهبر موفق به تحقق پیشرفت ملی در عین حفظ سیاست «نه شرقی نه غربی» شد؟

سیاست «نه شرقی نه غربی» یکی از ارکان اساسی اندیشه سیاسی جمهوری اسلامی است. این به معنای رد تبعیت از هر محور بین‌المللی در عین حفظ استقلال تصمیم‌گیری ملی است. در این زمینه، می‌توان به چندین حوزه که شاهد پیشرفت‌های چشمگیری بوده‌اند، از جمله توسعه صنایع دفاعی داخلی، پیشرفت در فناوری و تحقیقات علمی، تقویت زیرساخت‌های صنعتی، سرمایه‌گذاری در آموزش عالی و استعداد‌های ملی و ایجاد مشارکت‌های بین‌المللی متنوع بدون همسویی کامل با هیچ محور جهانی اشاره کرد. در واقع رهبر، الگویی برجسته در امکان جمع میان توسعه ملی با حفظ حاکمیت و استقلال سیاسی به رغم مواجهه با تحریم‌های مداوم و فشارهای خارجی به شمار می‌رود.

در یک نتیجه‌گیری علمی و پرهیز از شعارزدگی می‌توان گفت که شخصیت سید علی خامنه‌ای، الگویی از رهبری است که به دنبال تحکیم استقلال سیاسی و تمدنی، حمایت از آرمان‌های امت اسلامی و در صدر آن آرمان فلسطین و تقویت قابلیت‌های محور مقاومت همزمان با حفظ رویکردی مستقل در روابط بین‌الملل بود، رویکردی که به عنوان یک الگوی توسعه‌ای و سیاسی مستقل از مراکز قدرت جهانی عمل می‌کند. همین ویژگی‌ها باعث شد که بسیاری از جنبش‌های مخالف سلطه خارجی، او را نماد ایستادگی و حاکمیت ملی در جهان اسلام بدانند.



گفتگو با «رابرت فانتینو»، استاد دانشگاه واترلو:

ایران تحت رهبری آیت الله خامنه‌ای نشان داد که مردم و توانایی‌هایش شکست‌ناپذیر هستند

رابرت فانتینو، استاد دانشگاه واترلو کانادا، در گفتگوی حاضر با واکاوی ابعاد مقتدرانه رهبری ایران، بر این باور است که مقاومت سازش‌ناپذیر در برابر هژمونی غرب و پایبندی مطلق به آرمان فلسطین، ایران را به مقتدا و الگویی بی‌بدیل در جهان اسلام تبدیل کرده است. او تأکید می‌کند که جمهوری اسلامی ایران تحت این هدایت راهبردی، با پیوند زدن پیشرفت ملی به استقلال همه‌جانبه، پایداری و شکست‌ناپذیری ملت و توانمندی‌هایش را به رخ قدرت‌های امپریالیستی کشیده است.

رهبری حضرت آیت الله «سید علی خامنه‌ای» را چگونه توصیف می‌کنید؟

شهادت در بسیاری از ادیان به عنوان فداکاری نهایی برای اعتقادات تلقی می‌شود. آیت الله سید علی خامنه‌ای به درستی به عنوان نمادی از قدرت در برابر نیروهای سلطه‌گر خارجی و رهبر معنوی و سیاسی نود و سه میلیون نفر از مردم ایران دیده می‌شد. مطمئناً تمام جمعیت ایران مسلمان نیستند، اما حتی ایرانیانی که مسلمان نیستند، به قدرت او در مبارزه با نیروهایی که دهه‌ها با انقلاب مخالفت کرده‌اند، اذعان کردند. به رغم شهادت آیت الله خامنه‌ای به دست نیروهای امپریالیستی، او یک چهره متحدکننده در جهان اسلام بوده و خواهد بود.

رهبریت نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

فصل دوم



نظام ایران تحت رهبری
آیت الله خامنه ای قدرت
خود را برای مردم کشور
ایران و جهان ثابت کرد.
شاید از همه مهم تر
اینکه ایران از سازش با
کشورهایی خودداری
می کند که به دنبال
نابودی آن هستند و
می خواهند انقلابی
اساساً مسالمت آمیز را
که یک دیکتاتور بی رحم
و تحت حمایت غرب را
سرنگون کرد، رد کنند.

رویکرد رهبر در مقایسه با رهبران دیگر جهان اسلام متصف به چه ویژگی هایی است؟

نظام ایران تحت رهبری آیت الله خامنه ای قدرت خود را برای مردم کشور ایران و جهان ثابت کرد. شاید از همه مهم تر اینکه ایران از سازش با کشورهایی خودداری می کند که به دنبال نابودی آن هستند و می خواهند انقلابی اساساً مسالمت آمیز را که یک دیکتاتور بی رحم و تحت حمایت غرب را سرنگون کرد، رد کنند. برخلاف سایر کشورهای جهان اسلام که به آرمان های انقلابی خیانت کرده اند، ایران همچنان به این آرمان ها متعهد است و همچنان از کسانی که برای پایان دادن به ظلم خارجی تلاش می کنند، حمایت می کند. دولت ایران ثابت کرده است که می خواهد از مردم ایران محافظت کند و آن ها را قادر می سازد تا طبق اعتقادات شخصی خود زندگی و اعمال مذهبی خود را انجام دهند. احترام به دین، همراه با تقویت قابلیت های دفاعی کشور، کلید موفقیت ایران است.

حمایت از آرمان قدس و فلسطین توسط رهبر چه تغییری در موازنه قدرت منطقه ای ایجاد کرد؟

از زمان پیروزی انقلاب ایران در سال ۱۹۷۹، فلسطین حامی سرسختی داشته است. هنگامی که برخی از کشورهای خاورمیانه، فلسطین را رها کردند و با همسویی با رژیم صهیونیستی به مردم فلسطین خیانت کردند، آیت الله خامنه ای و ملت تحت رهبری او، در حمایت از قوانین بین المللی و حقوق ذاتی مردم فلسطین ثابت قدم ماندند. این حمایت مانع از آن شده است که دشمنان عدالت و قوانین بین المللی، فلسطین را نابود کنند، همان طور که اکنون بانسل کشی هولناک خود سعی در انجام آن دارند.

استراتژی رهبر در حمایت از گروه های مقاومت، از جمله حماس، تاجه حد به تقویت وحدت اسلامی کمک کرد؟

این استراتژی کلید تقویت نیروهای مقاومت در خاورمیانه است. کشورهای خاورمیانه با عدم تسلیم در زمینه های اقتصادی، سیاسی یا نظامی در برابر نیروهایی که به دنبال سرکوب مردم عرب و مسلمان هستند، ایران را الگویی از قدرت در کشوری می دانند که باورهای مذهبی و سیاسی مشترکی با آن ها دارد. پیروزی اخیر بر رژیم صهیونیستی و ایالات متحده، منبع اصلی دلگرمی برای مردمی است که تحت ستم استعمارگران رنج می برند.

چگونه رهبر توانست همزمان با حفظ استقلال در سیاست خارجی به پیشرفت ملی دست پیدا کند؟

حضرت آیت الله خامنه ای می تواند در سراسر جهان برای ملت هایی که به دنبال استقلال بیشتر و وابستگی کمتر به کشورهای خارجی هستند، الگو و مقتدی باشد. کشور ایران مقاومت خود را در برابر سلطه غرب و توانایی خود را در دفاع از خود در برابر کشورهایی که به دنبال نابودی آن هستند، ثابت کرده است. جمهوری اسلامی ایران نشان داده است که مردم و توانایی هایش شکست ناپذیر هستند.



گفتگو اختصاصی با استاد چینی و مدیر مرکز مطالعات راهبردی در دانشگاه
نورث وست چین:

آیت الله خامنه‌ای یکی از سازندگان بسیار مهم ایران اسلامی مدرن بوده است

در بحبوحه تحولات مهم منطقه‌ای و بین‌المللی و در شرایطی که خاورمیانه با چالش‌ها و تنش‌های پیچیده‌ای روبه‌رو است، بررسی دیدگاه‌های تحلیل‌گران و پژوهشگران برجسته روابط بین‌الملل می‌تواند به درک بهتر روندهای سیاسی و امنیتی منطقه کمک کند. در همین راستا، گفت‌وگویی با پروفسور وانگ جین (Professor Wang Jin)، استاد روابط بین‌الملل و مدیر مرکز مطالعات راهبردی در دانشگاه نورث وست چین (Director of the Center for Strategic Studies at Northwest University) انجام شده است. در این گفت‌وگو، موضوعاتی همچون میراث و نقش آیت‌الله سید علی خامنه‌ای در سیاست داخلی و خارجی ایران، برنامه هسته‌ای ایران، جایگاه ایران در معادلات منطقه‌ای، روابط ایران با غرب و ایالات متحده، نگاه افکار عمومی چین به ایران، آینده روابط تهران و پکن، تحولات خاورمیانه و همچنین آینده گروه‌های مقاومت در منطقه مورد بررسی قرار گرفته است.

پروفسور وانگ جین در این مصاحبه تلاش می‌کند با نگاهی از منظر یک پژوهشگر چینی در حوزه روابط بین‌الملل، تحولات ایران و منطقه را تحلیل کرده و چشم‌اندازی از آینده روابط منطقه‌ای و جهانی مرتبط با ایران ارائه دهد.

آقای وانگ، از اینکه به ما پیوستید و از اینکه دعوت مرا پذیرفتید بسیار متشکرم. امروز می خواهیم درباره رهبر پیشین ایران، آیت الله سید علی خامنه ای صحبت کنیم که در ماه فوریه در حمله اسرائیل ترور شد. امروز می خواهیم درباره میراث او و همچنین تصویر ملی و بین المللی او در یکی از چالش برانگیزترین و سرنوشت سازترین دوره های تاریخ معاصر ایران صحبت کنیم. بنابراین بدون اتلاف وقت، می خواهیم اولین سؤال خود را مطرح کنیم. به نظر شما برجسته ترین میراث او برای نسل بعدی مردم ایران در جامعه چیست؟

خب، من فکر می کنم آیت الله خامنه ای در واقع یکی از سازندگان بسیار مهم ایران اسلامی مدرن بوده است. زیرا می دانیم که آیت الله خمینی را می توان به عنوان آغازگر و به اصطلاح پدر ایران اسلامی در نظر گرفت. اما آیت الله خامنه ای در دوران رهبری خود باعث شد ایران از جامعه ای پر آشوب به کشوری بسیار باثبات تبدیل شود.

همچنین تحت رهبری او، ایران توانست با موفقیت در برابر فشارها و چالش هایی که از سوی ایالات متحده و قدرت های خارجی اعمال می شد مقاومت کند؛ قدرت هایی که نگاه ها و توطئه های بسیار منفی علیه ایران داشتند. به همین دلیل فکر می کنم او باید به عنوان یکی از سازندگان مهم حاکمیت، استقلال و همچنین عزت ایران شناخته شود. همچنین در سطح بین المللی، فکر می کنم آیت الله خامنه ای از سوی بسیاری از کشورها و بسیاری از مردم در سراسر جهان به عنوان یکی از رهبران مهم جهان سوم شناخته می شد.

او در واقع خواستار استقلال بود و تلاش می کرد اتحاد کشورهای جهان سوم را برای مقاومت در برابر فشارهای آنچه «استعمار نو» یا «یک جانبه گرایی جدید» و قدرت های هژمونیک جدید نامیده می شود، پیشنهاد دهد.

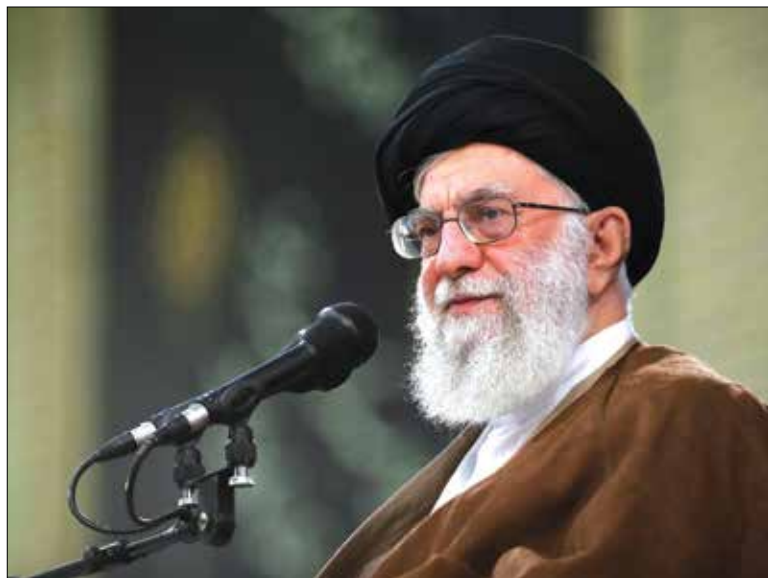
به همین دلیل فکر می کنم اهمیت او آن قدر زیاد بود که باید نه تنها توسط مردم داخل ایران، بلکه توسط مردم سراسر جهان نیز به یاد آورده شود.

یکی از مسائل چالش برانگیز در تاریخ ایران در دوره آیت الله خامنه ای، برنامه هسته ای صلح آمیز ایران بود. به نظر شما تاریخ چگونه سیاست های او درباره برنامه هسته ای صلح آمیز ایران را قضاوت خواهد کرد؟

خب، من فکر می کنم آنچه به عنوان برنامه هسته ای به اصطلاح صلح آمیز مطرح می شود، در واقع باید به عنوان میراثی بسیار مهم برای مردم ایران در نظر گرفته شود؛ همچنین باید به عنوان میراثی برای تلاش های مستقل مردم خاورمیانه شناخته شود. زیرا وقتی درباره اصل برنامه هسته ای صلح آمیز صحبت می کنیم، از یک سو به این معناست که ایران بر اساس خواست خود و همچنین بر اساس اصول و قواعد و هنجارهای بین المللی، حق دارد توانایی های هسته ای را توسعه دهد. و از سوی دیگر به این معناست که توانمندی های هسته ای مستقل ایران نباید توسط قدرت های ثالث، یعنی قدرت های خارجی، مورد



آیت الله خمینی را
می توان به عنوان
آغازگر و به اصطلاح
پدر ایران اسلامی در
نظر گرفت. اما آیت الله
خامنه ای در دوران
رهبری خود باعث شد
ایران از جامعه ای
پر آشوب به کشوری
بسیار باثبات تبدیل
شود.



مداخله قرار گیرد. من فکر می‌کنم این موضوع باید از سوی جامعه بین‌المللی مورد احترام قرار گیرد. به همین دلیل وقتی درباره برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز صحبت می‌کنیم، منظور این است که ایران بارها و در موقعیت‌های مختلف توسط آیت‌الله خامنه‌ای تأکید کرده است که ایران خواهان بمب هسته‌ای نیست و توانمندی‌های هسته‌ای ایران صرفاً برای اهداف صلح‌آمیز است و نباید توسط قدرت‌های ثالث، به‌ویژه برخی قدرت‌های هژمونیک، مورد قضاوت یا داوری قرار گیرد. به همین دلیل من فکر می‌کنم اصول او بسیار درست است. و معتقدم که مردم ایران باید همچنان بر توانمندی هسته‌ای صلح‌آمیز خود پافشاری کنند تا استقلال و همچنین عزت ملی خود را حفظ کنند.

وقتی تاریخ‌نگاران در آینده به رهبری او نگاه کنند، به نظر شما شاخص‌ترین ویژگی رهبری او در ایران چه خواهد بود؟

من فکر می‌کنم ویژگی‌های زیادی در دوران اقتدار و رهبری او در ایران وجود دارد که باید به یاد آورده شود. زیرا اول از همه او یک رهبر بزرگ بود و دوم اینکه او در واقع باعث شد مردم ایران در برابر رنج‌هایی که از سوی تحریم‌های خارجی و تهدیدهای بیرونی تحمیل می‌شد مقاومت کنند. و در نهایت، او اجازه داد کشور تا آخرین لحظه زندگی‌اش در برابر تهدیدهای خارجی مقاومت کند. بنابراین او یک شخصیت بسیار بسیار مهم برای کشور بود. او در واقع نوعی نماد استقلال ایرانیان و نماد مبارزه مردم ایران برای بقا و مقاومت بود. به همین دلیل فکر می‌کنم او در موقعیت‌ها و از جنبه‌های مختلف باید به یاد آورده شود. اما اگر از نظر من بخواهیم مهم‌ترین ویژگی را بیان کنیم، فکر می‌کنم یکی از مهم‌ترین ویژگی‌ها



من فکر می‌کنم
ویژگی‌های زیادی در
دوران اقتدار و رهبری او
در ایران وجود دارد که
باید به یاد آورده شود. زیرا
اول از همه او یک رهبر
بزرگ بود و دوم اینکه او
در واقع باعث شد مردم
ایران در برابر رنج‌هایی
که از سوی تحریم‌های
خارجی و تهدیدهای
بیرونی تحمیل می‌شد
مقاومت کنند.

این است که او یک رهبر بسیار بزرگ بود. او توانست دیدگاه‌های مختلف در داخل ایران را با موفقیت متحد کند، به‌ویژه با توجه به دشواری‌های اقتصادی که عمدتاً ناشی از تحریم‌های خارجی بود. و فکر می‌کنم او در واقع یک رهبر بسیار موفق و بزرگ بود؛ رهبری که نه تنها توسط مردم ایران، بلکه توسط مردم در کشورهای مانند لبنان، سوریه و عراق و همچنین در دیگر نقاط جهان نیز به یاد آورده خواهد شد. به همین دلیل فکر می‌کنم او یک رهبر بزرگ بود. هنگامی که یک رهبر چنین اعتباری نه تنها در داخل کشور خود، بلکه در کشورهای دیگر نیز دارد، باید او را یک رهبر بسیار مهم و موفق دانست؛ رهبری که نه تنها توسط مردم ایران، بلکه توسط بسیاری از مردم در سراسر جهان به یاد آورده خواهد شد.

شما درباره برخی کشورهای منطقه صحبت کردید. بنابراین نقش او را در گسترش نفوذ ایران در خاورمیانه چگونه ارزیابی می‌کنید؟

خب، فکر می‌کنم ایران در واقع اول از همه یک کشور بزرگ است. منظورم از کشور بزرگ فقط از نظر توانایی نظامی یا انسجام اجتماعی نیست، بلکه ما درباره کشوری صحبت می‌کنیم که هزاران سال تاریخ باشکوه دارد. این بدان معناست که ایران این افتخار را دارد که خود را یک کشور بزرگ بداند و باید نقش بسیار مهم‌تری نه تنها در این منطقه، بلکه در جامعه بین‌المللی ایفا کند. نکته دوم این است که وقتی درباره آنچه «نفوذ ایران» در منطقه نامیده می‌شود صحبت می‌کنیم، من فکر نمی‌کنم خود ایران لزوماً به دنبال آن بوده باشد. در واقع این موضوع تا حدی نتیجه یک خلأ ژئوپولیتیکی در منطقه است؛ به‌ویژه در جاهایی مانند جنوب لبنان، سوریه و عراق. بسیاری از مردم در این مناطق در واقع خواهان کمک و حمایت مردم ایران بوده‌اند و هنوز هم هستند؛ به‌خصوص برای مثال در غزه. در آنجا تقریباً کسی به مردم کمک نمی‌کند، اما فکر می‌کنم بسیاری از مردم ایران کمک‌های زیادی به آن‌ها کرده‌اند. به همین دلیل فکر نمی‌کنم نفوذ ایران در منطقه را باید به عنوان نوعی گسترش یا توسعه طلبی در نظر گرفت. بلکه باید آن را نتیجه دیدگاه‌ها و برداشت‌های متفاوت درباره تعریف بی‌عدالتی در این منطقه دانست. و در نهایت، نباید فراموش کنیم که برخی کشورها در جهان هنوز هم تلاش می‌کنند دیگران را تحت فشار و زورگویی قرار دهند. آن‌ها نه تنها می‌خواهند مردم ایران را تحت فشار قرار دهند، بلکه مردم منطقه را نیز بر اساس منافع یک‌جانبه و برداشت‌های یک‌جانبه خود از قواعد جهانی تحت فشار می‌گذارند. به همین دلیل است که می‌گوییم ایران یک کشور بزرگ است؛ نه تنها از نظر مادی و فیزیکی، بلکه از نظر معنوی نیز. ایران کشوری بسیار بزرگ است؛ نه فقط در این منطقه، بلکه در سطح بین‌المللی.

تصویر ایران در داخل و خارج از کشور، در میان ملت‌های مختلف، به‌ویژه در کشور شما و در شرق آسیا، چگونه تغییر کرده است؟

خب، صادقانه بگویم، تصویر ایران در چین بسیار مثبت است. برای مثال اگر به برنامه‌ها و اپلیکیشن‌های تلفن همراه یا وب‌سایت‌ها نگاه کنیم، زمانی که ویدئوهایی از ایران منتشر می‌شود، بسیاری از مردم واکنش‌های بسیار مثبتی نشان می‌دهند. همچنین در اینترنت و حتی در زندگی روزمره، بسیاری از مردم چین بارنج‌هایی که مردم ایران متحمل می‌شوند همدردی می‌کنند و امیدوارند بتوانند برای کمک به مردم ایران کاری انجام دهند. آن‌ها همچنین امیدوارند به پیشرفت اقتصادی و اجتماعی ایران کمک کنند. در سال‌های اخیر نیز دانشگاه‌های بیشتری سازوکارهایی برای

رجعت‌نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

■ فصل دوم



همکاری و تبادل با اندیشکده‌ها و دانشگاه‌های ایرانی ایجاد کرده‌اند تا ارتباطات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بیشتری با ایران برقرار شود. البته متأسفانه به دلیل جنگ، بسیاری از این کانال‌های ارتباطی متوقف شده‌اند. اما به طور کلی در چین تصویر ایران بسیار مثبت است.

نمی‌توانم بگویم صد درصد مردم چنین نظری دارند، اما فکر می‌کنم حدود ۹۹ درصد مردم چین ایران را دوست دارند و از شهرت ایران به خاطر استقلال ملی و مقاومتش حمایت می‌کنند و امیدوارند روابط نزدیک‌تری با ایران در سطوح مختلف توسعه یابد.

به نظر شما نسل‌های آینده در داخل و خارج از ایران چگونه سید علی خامنه‌ای را به یاد خواهند آورد؟

خب، همان‌طور که در هر کشوری اتفاق می‌افتد، وقتی یک رهبر بزرگ از دنیا می‌رود، معمولاً نوعی عدم قطعیت و چالش به وجود می‌آید؛ نه تنها برای کشور، بلکه برای مردم آن. بنابراین وقتی آیت‌الله خامنه‌ای از دنیا رفت، به نظر من مردم ایران باید با چالش‌های جدیدی روبه‌رو شوند؛ از جمله اینکه چگونه کشور را بسازند و چگونه دوباره تحت رهبری جدید، یعنی {آیت‌الله} مجتبی خامنه‌ای، متحد شوند. اما از یک سو اگر به تاریخ نگاه کنیم، مردم ایران مردمی قوی هستند. آن‌ها در درون خود استقلال و وحدت دارند. همچنین در زمان‌های مختلف توانسته‌اند بر دشواری‌هایی که قدرت‌های خارجی تحمیل کرده‌اند غلبه کنند. بنابراین مطمئنم که آن‌ها این دشواری‌ها را نیز پشت سر خواهند گذاشت، به ویژه در دوران جنگ. از سوی دیگر دولت ایران نیز قدرتمند و متحد است و می‌تواند به مردم کمک



ما به مردم ایران اعتماد

داریم و {آیت‌الله}

مجتبی خامنه‌ای توسط

مردم ایران انتخاب

شده است، بنابراین

ما معتقدیم خرد و

تشخیص مردم ایران

درست است. و این

خرد می‌تواند نه تنها

سیاست‌های داخلی

ایران، بلکه سیاست

خارجی آن را نیز به

سمت روابط مثبت‌تر با

کشورهای دیگر، از جمله

چین، هدایت کند.

کند تا برای غلبه بر این چالش‌ها با یکدیگر متحد شوند. و در نهایت، به عنوان یک چینی، معتقدم مردم چین در کنار مردم ایران خواهند ایستاد تا از این دوران دشوار عبور کنند و روابط نزدیک‌تری با ایران توسعه دهند. ما در جهانی زندگی می‌کنیم که پر از آشفتگی، بحران و عدم قطعیت است. اما من فکر می‌کنم این نوع دشواری‌ها در نهایت با همکاری مردم چین، مردم ایران و مردم دیگر نقاط جهان به طور مشترک برطرف خواهد شد.

شما درباره آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای، فرزند رهبر فقید ایران، به عنوان رهبر جدید صحبت کردید. نقش او و انتخابش در ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید و این موضوع چه تأثیری بر روابط ایران با دیگر کشورها، به ویژه کشورهای غربی و ایالات متحده خواهد داشت؟

همان‌طور که گفته شد، ما به مردم ایران اعتماد داریم و {آیت‌الله} مجتبی خامنه‌ای توسط مردم ایران انتخاب شده است، بنابراین ما معتقدیم خرد و تشخیص مردم ایران درست است. و این خرد می‌تواند نه تنها سیاست‌های داخلی ایران، بلکه سیاست خارجی آن را نیز به سمت روابط مثبت‌تر با کشورهای دیگر، از جمله چین، هدایت کند. از سوی دیگر، من معتقدم سیاست‌های ایران تا حد زیادی ثابت و پیوسته است، به ویژه در قبال کشورهایی که نیت دوستانه‌ای نسبت به ایران دارند؛ برای مثال چین. به همین دلیل فکر می‌کنم {آیت‌الله} مجتبی خامنه‌ای رهبر بزرگی است و همچنین فرزند یک رهبر بزرگ نیز هست. بنابراین او نوعی رهبر بسیار هوشمند محسوب می‌شود. من واقعاً باور دارم که در آینده، مردم ایران و روند ساخت و توسعه کشور ایران با فرصت‌های جدیدی روبه‌رو خواهند شد. البته در دوران جنگ، ایران با رنج‌ها و مشکلات تازه‌ای نیز مواجه خواهد شد. اما اگر بلندمدت بنگریم، ایران از یک سواز عزت ملی و استقلال خود محافظت خواهد کرد و از سوی دیگر فرصت‌ها و امکان‌های بیشتری برای همکاری و پیشرفت اجتماعی پیدا خواهد کرد. به همین دلیل من نسبت به آینده ایران احساس بسیار مثبتی دارم.

پس از آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، آیا فکر می‌کنید گروه‌های مقاومت در منطقه همچنان مثل گذشته قدرتمند خواهند بود یا نه؟

فکر می‌کنم که البته آن‌ها با چالش‌هایی روبه‌رو خواهند شد. وقتی درباره گروه‌های مقاومت صحبت می‌کنیم، منظور گروه‌هایی مانند حماس در غزه، حزب‌الله در لبنان، حشد الشعبی در عراق و همچنین حوثی‌ها در یمن است. این گروه‌ها با ایران متحد هستند، اما به نظر من این اتحاد فقط به خاطر یک شخص یا فقط به خاطر {آیت‌الله} خامنه‌ای نیست. البته او رهبر بسیار مهم و بزرگی بود. اما مردم یمن، فلسطین، لبنان و عراق زمانی که با ایران و مردم ایران متحد می‌شوند، این اتحاد فقط به خاطر یک رهبر نیست؛ بلکه به خاطر یک روحیه، یک سری اصول و نوعی برداشت مشترک از چگونگی برقراری عدالت در این منطقه است. و این باور و این طرز فکر ادامه خواهد داشت. وقتی چنین باوری ادامه داشته باشد، به این معناست که تحت رهبری جدید {آیت‌الله} مجتبی خامنه‌ای، رهبر جدید ایران، این اتحاد نیز تقویت خواهد شد. این نوع وحدت در میان گروه‌های مقاومت بیشتر رشد خواهد کرد و در آینده نه تنها مردم ایران، بلکه این گروه‌های مقاومت در منطقه را نیز به سمت اتحاد بیشتر سوق خواهد داد تا در برابر فشارهای خارجی و تلاش‌ها برای زورگویی در این منطقه مقاومت کنند. به همین دلیل من باور دارم که گروه‌های مقاومت به فعالیت و حضور خود ادامه خواهند داد.



در گفتگوی اختصاصی با الیجام‌گنیر، خبرنگار با سابقه جنگ و تحلیل‌گر سیاسی انجام شد

واکاوی دکترین «مدیریت بقا و ثبات» در اندیشه راهبردی رهبر شهید

فهم و درک جایگاه رفیع رهبر شهید ایران آیت الله سید علی خامنه‌ای از منظر بین‌شاید نیازمند بهره‌گیری از دیدگاه تحلیل‌گرانی است که علاوه بر آشنایی نظری با سیاست بین‌الملل، تجربه میدانی گسترده‌ای از تحولات خاورمیانه داشته باشند و منطقه را خوب بشناسند. شاید اگر نظرات دیگران را در مورد رهبر شهید ایران اسلامی نیز بشنویم بشود بر پایه قضاوت‌های بی‌طرفی به ژرفای اندیشه رهبر شهید انقلاب پی برد. در همین چارچوب، گفت‌وگویی با الیجام‌گنیر، خبرنگار با سابقه جنگ و تحلیل‌گر سیاسی، انجام شده است. مگنیر بیش از ۳۵ سال تجربه در پوشش تحولات خاورمیانه و شمال آفریقا دارد و تمرکز اصلی فعالیت حرفه‌ای او بر گزارش‌دهی دقیق و به‌روز از تحولات سیاسی، برنامه‌ریزی‌های راهبردی و نظامی، مسائل مرتبط با تروریسم و سیاست‌های مقابله‌ای با آن بوده است. توان بالای تحلیل سیاسی و امنیتی، گزارش‌های میدانی او را به منابعی قابل اتکا برای فهم تحولات پیچیده منطقه تبدیل

رهبریت نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

فصل دوم



«میراث اصلی آیت الله»

سید علی خامنه‌ای

را باید در توانمندی

بی بدیل او در «مدیریت

بقا و ثبات» در میان

تلاطم‌های خردکننده

جست و جو کرد. ایشان

رهبری ایران را در دورانی

بر عهده داشت که کشور

با ترکیبی از تحریم‌های

فلج‌کننده، انزوی

دیپلماتیک، فشارهای

خشن خارجی و امواج

اعتراضات داخلی

دست و پنجه نرم می‌کرد.

کرده است. تجربه گسترده، شبکه ارتباطی عمیق و شناخت واقع‌بینانه او از معادلات سیاسی کشورهای چون ایران، عراق، لبنان، لیبی، سودان و سوریه سبب شده آثارش برای مخاطبانی که در پی درک واقعیت‌های میدانی فراتر از روایت‌های رایج در رسانه‌های غربی هستند، اهمیت ویژه‌ای داشته باشد.

مگنیر در طول فعالیت حرفه‌ای خود بسیاری از جنگ‌ها و منازعات سرنوشت‌ساز منطقه را از نزدیک پوشش داده است؛ از جمله اشغال لبنان توسط اسرائیل در سال ۱۹۸۲، جنگ ایران و عراق، جنگ داخلی لبنان، جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۱، درگیری‌های سال‌های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۶ در یوگسلاوی سابق، تهاجم ایالات متحده به عراق در سال ۲۰۰۳، جنگ ۳۳ روزه لبنان در سال ۲۰۰۶ و نیز بحران‌ها و جنگ‌های سال‌های اخیر در لیبی و سوریه.

او سال‌های متمادی در کشورهای نظیر لبنان، بوسنی، عراق، ایران، لیبی و سوریه سکونت داشته و همین تجربه زیسته طولانی مدت، درکی عمیق و میدانی از فرهنگ‌های محلی، ساختارهای اجتماعی و قبیله‌ای، واقعیت‌های ژئوپلیتیکی و زمینه‌های تاریخی منطقه به او بخشیده است؛ منطقه‌ای که همچنان یکی از پیچیده‌ترین و چالش‌برانگیزترین عرصه‌های سیاست و امنیت در جهان به شمار می‌رود.

در این گفت‌وگو، مگنیر به بررسی میراث سیاسی و راهبردی آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، سبک رهبری ایشان در مدیریت بحران‌ها، سیاست‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، برنامه هسته‌ای کشور و همچنین تصویر ایران در افکار عمومی بین‌المللی پرداخته و تلاش کرده است از منظر تجربه میدانی و تحلیل راهبردی خود، ارزیابی‌ای از این دوره ارائه دهد. مشروح این گفت‌وگو را در ادامه بخوانید:

آقای مگنیر، از اینکه دعوت ما را بپذیرفتید و امروز به ما پیوستید بسیار سپاسگزارم. در این گفت‌وگو قصد داریم درباره رهبری آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، میراث و تصویر او در سطح ملی و بین‌المللی و همچنین دستاوردهای ایشان در حوزه‌های سیاسی، مدیریتی و روابط بین‌الملل صحبت کنیم. به نظر شما مهم‌ترین میراث رهبری آیت‌الله خامنه‌ای چیست؟

«میراث اصلی آیت‌الله سید علی خامنه‌ای را باید در توانمندی بی‌بدیل او در «مدیریت بقا و ثبات» در میان تلاطم‌های خردکننده جست‌وجو کرد. ایشان رهبری ایران را در دورانی بر عهده داشت که کشور با ترکیبی از تحریم‌های فلج‌کننده، انزوی دیپلماتیک، فشارهای خشن خارجی و امواج اعتراضات داخلی دست و پنجه نرم می‌کرد. هنر رهبری او در این بود که اجازه نداد این فشارهای متقاطع به فروپاشی ساختار سیاسی منجر شود. در حالی که بسیاری از تحلیلگران غربی بارها سقوط نظام را پیش‌بینی کرده بودند، ایشان با ترکیبی از صلابت در اصول و انعطاف در تاکتیک، بدنه حاکمیت را منسجم نگاه داشت و ایران را از دالان‌های تاریک بحران‌های امنیتی و اقتصادی عبور داد تا نظام را به عنوان یک بازیگر پایدار در عرصه جهانی حفظ کند. دومین رکن ماندگار میراث ایشان، تبدیل ایران از یک قدرت

رهبری نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

■ فصل دوم

درون مرزی به یک "قطب نفوذ منطقه‌ای" بود. تحت هدایت راهبردی او، ایران توانست عمق استراتژیک خود را هزاران کیلومتر دورتر از مرزهایش تعریف کند. شکل‌گیری و تثبیت پدیده‌ای به نام "محور مقاومت" در عراق، سوریه، لبنان، یمن و فلسطین، ثمره نگاه ایشان به ائتلاف‌سازی با بازیگران غیردولتی و دولتی همسو بود. این شبکه نفوذ، نه تنها توازن قدرت را در خاورمیانه به نفع ایران تغییر داد، بلکه عملاً سد دفاعی ایران را به نزدیکی مرزهای رقبای منطقه‌ای و بین‌المللی‌اش منتقل کرد؛ دستاوردی که ایران را به شریکی غیرقابل حذف در هرگونه معادله صلح یا جنگ در منطقه تبدیل نمود.

در حوزه سخت‌افزاری، میراث ایشان جهش‌خیزه‌کننده در "دکترین بازدارندگی بومی" بود. آیت‌الله خامنه‌ای با درک تجربیات جنگ ایران و عراق، سرمایه‌گذاری عظیمی را بر توسعه فناوری‌های دفاعی، به ویژه برنامه موشکی و پهپادی هدایت کرد. ایشان ایران را از وابستگی مطلق به خریدهای تسلیحاتی خارجی به جایگاه تولیدکننده پیشرفته‌ترین تجهیزات نظامی رساند. این خودکفایی دفاعی، در کنار پیشرفت‌های چشمگیر در دانش هسته‌ای، لایه‌های امنیتی ایران را چندبعدی کرد. از دیدگاه او، قدرت موشکی و هسته‌ای صرفاً ابزار نظامی نبودند، بلکه پشتوانه‌هایی برای دیپلماسی و ابزاری برای تحمیل اراده ملی به قدرت‌های بزرگ به شمار می‌رفتند تا هیچ دشمنی جرئت تصور تهاجم نظامی به خاک ایران را نداشته باشد. در نهایت، جوهره تمام فعالیت‌های ایشان در طول این دهه‌ها، تحقق "استقلال راهبردی" بود. ایشان موفق شد ذهنیتی را در بدنه مدیریتی و دفاعی ایران نهادینه کند که بر پایه آن، امنیت و توسعه کشور نباید به "امضای غریبه‌ها" یا اراده قدرت‌های جهانی گره بخورد. تلاش برای کاهش وابستگی به غرب، تقویت ظرفیت‌های داخلی و نگاه به ائتلاف‌های نوین جهانی، همگی در راستای این هدف بود که ایران به جایگاه کشوری برسد که "خود برای خود تصمیم می‌گیرد. این میراث، یعنی تبدیل ایران به یک کنشگر مستقل و مقتدر که حتی منتقدانش هم نمی‌توانند تأثیرگذاری جهانی او را کتمان کنند، بزرگ‌ترین نشانه پیروزی دکترین سیاسی او در تاریخ معاصر خواهد بود.»

چگونه می‌توان سبک رهبری آیت‌الله خامنه‌ای را در این دوره، به ویژه پس از انقلاب اسلامی ایران، توصیف کرد؟

«دوران رهبری آیت‌الله خامنه‌ای در سال ۱۹۸۹، در یکی از حساس‌ترین گلوگاه‌های تاریخی جمهوری اسلامی آغاز شد؛ مقطعی که کشور با فقدان بنیان‌گذار خود، امام خمینی، روبرو بود و سایه سنگین بازسازی‌های پس از جنگ بر سر کشور سنگینی می‌کرد. ایشان با پشتوانه‌ای هشت سال ریاست جمهوری در دوران جنگ و نزدیکی بی‌واسطه به کانون‌های تصمیم‌گیری نظام، نه به عنوان یک شخصیت صرفاً مذهبی، بلکه در قامت یک "رجل سیاسی تمام عیار" سکان هدایت کشور را به دست گرفتند. این شناخت عمیق از لایه‌های قدرت و نیازهای ساختاری نظام به ایشان اجازه داد تا از همان ابتدا، فرآیند تثبیت انقلاب را



آیت‌الله خامنه‌ای

با درک تجربیات

جنگ ایران و عراق،

سرمایه‌گذاری عظیمی

را بر توسعه فناوری‌های

دفاعی، به ویژه برنامه

موشکی و پهپادی

هدایت کرد. ایشان

ایران را از وابستگی

مطلق به خریدهای

تسلحاتی خارجی به

جایگاه تولیدکننده

پیشرفته‌ترین تجهیزات

نظامی رساند.

در دورانی که جهان در حال تجربه نظم نوین پساجنگ سرد بود، با هوشمندی مدیریت کنند. یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های سبک رهبری ایشان در مدیریت داخلی، نقش آفرینی به عنوان "محور ثبات" در عین پذیرش تکثر سیاسی بود. در طول دهه‌های رهبری ایشان، فضای سیاسی ایران شاهد جابه‌جایی قدرت میان طیف‌های کاملاً متضاد بود؛ از دولت‌های با رویکرد اصلاح‌طلبی و توسعه اقتصادی گرفته تا دولت‌های عدالت‌محور و محافظه‌کار. آیت‌الله خامنه‌ای با سعه صدر سیاسی، به این جریان‌های متفاوت اجازه داد تا در چهارچوب نظام به رقابت بپردازند و از طریق صندوق‌های رأی، مسئولیت اجرایی کشور را بر عهده بگیرند. این رویکرد، در واقع نوعی "سوپاپ اطمینان" برای پویایی نظام بود که نشان می‌داد ساختار سیاسی تحت هدایت ایشان، برخلاف تصور رایج در غرب، صلب و تک‌بعدی نیست، بلکه ظرفیت پذیرش نخبگانی با دیدگاه‌های مختلف را داراست. در نهایت، میراث مدیریتی ایشان ثابت کرد که او همواره "حفظ کیان نظام" را بر گرایش‌های جناحی مقدم می‌دانست. ایشان در جایگاه داور نهایی، اجازه می‌داد تا پاندول سیاست در ایران بین جناح‌های مختلف حرکت کند، اما همزمان مراقبت می‌کرد که این رقابت‌ها به اصل ثبات و امنیت ملی آسیبی نرساند. این مدل از رهبری، به مردم ایران این امکان را می‌داد تا در دوره‌های مختلف، مسیرهای دیپلماتیک یا اقتصادی متفاوتی را تجربه کنند، در حالی که جهت‌گیری‌های کلان و استراتژیک کشور تحت نظارت عالیه ایشان، تغییری نمی‌کرد. تاریخ این ویژگی را به عنوان یکی از عوامل اصلی ماندگاری و تاب‌آوری نظام جمهوری اسلامی در برابر لرزه‌های شدید سیاسی داخلی و خارجی ثبت خواهد کرد.»

یکی از مسائل مهم در سیاست خارجی ایران، برنامه هسته‌ای این کشور است. به نظر شما تاریخ و نسل‌های آینده چگونه رهبری آیت‌الله خامنه‌ای را در این زمینه ارزیابی خواهند کرد؟

«برنامه هسته‌ای ایران در دوران آیت‌الله خامنه‌ای، فراتر از یک پروژه علمی، به عنوان ستون فقرات "عزت ملی" و "بازدارندگی راهبردی" تعریف شده بود. رهبری ایران بر این باور بود که عقب‌نشینی در برابر خواست غرب برای توقف غنی‌سازی، به معنای پذیرش یک دومینوی بی‌پایان از عقب‌نشینی‌ها در سایر حوزه‌های حاکمیتی خواهد بود. از دیدگاه ایشان، دستیابی به چرخه کامل سوخت هسته‌ای و بومی‌سازی این فناوری، ایران را به لبه "آستانه هسته‌ای" رساند؛ وضعیتی که در آن کشور بدون ساخت سلاح، به چنان توانمندی علمی و فنی دست می‌یابد که خود به خود نوعی بازدارندگی استراتژیک در برابر تهاجم خارجی ایجاد می‌کند. ایشان با هوشمندی، این پیشرفت را با فتوای شرعی مبنی بر حرمت سلاح‌های کشتار جمعی گره زد تا ضمن حفظ ماهیت صلح‌آمیز برنامه، اهرم فشار قدرتمندی در میز مذاکرات بین‌المللی در اختیار داشته باشد.

نکته‌ای که اغلب تحلیل‌گران غربی از آن غافل بودند، نقش "پوشش راهبردی" بود که برنامه هسته‌ای برای سایر توانمندی‌های ایران ایجاد کرد. در حالی که تمام انرژی و تمرکز جامعه بین‌المللی، آژانس و سرویس‌های اطلاعاتی غرب بر روی سانتریفیوژها و درصد غنی‌سازی در نطنز و فردو متمرکز شده بود، ایران تحت هدایت ایشان توانست با کمترین حساسیت ممکن، "برنامه موشکی" و "نفوذ منطقه‌ای" خود را به شکوفایی کامل برساند. در واقع، جنجال هسته‌ای به مثابه یک سپر انحرافی عمل کرد که به ایران زمان و فضای کافی داد تا دقیق‌ترین زرادخانه موشکی خاورمیانه را ایجاد کند؛ ابزاری که عملاً کارآمدی بیشتری در بازدارندگی نظامی متعارف نسبت به سلاح هسته‌ای برای ایران به ارمغان آورد.

در نهایت، میراث هسته‌ای آیت‌الله خامنه‌ای نشان‌دهنده الگوی "مقاومت هزینه‌مند اما پیش‌رونده" بود. ایشان

رهبریت‌نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

■ فصل دوم



توانست ایران را از کشوری که برای چند سانتریفیوژ آزمایشی تحت فشار بود، به کشوری تبدیل کند که هزاران سانتریفیوژ پیشرفته را به چرخش درآورد و غرب را مجبور کرد تا حق غنی سازی ایران را به رسمیت بشناسد. تاریخ احتمالاً از این دوران به عنوان مقطعی یاد خواهد کرد که ایران ثابت کرد می تواند در برابر رژیم های منع اشاعه که توسط قدرت های بزرگ دیکته شده، بایستد و استاندارد جدیدی از استقلال علمی و سیاسی را در جهان در حال توسعه تعریف کند؛ هرچند که این مسیر با تحریم های فلج کننده و نبردی تمام عیار در سایه همراه بود.»



میراث هسته ای

آیت الله خامنه ای

نشان دهنده الگوی

“مقاومت هزینه مند

اما پیش رونده” بود.

ایشان توانست ایران را

از کشوری که برای چند

سانتریفیوژ آزمایشی

تحت فشار بود، به

کشوری تبدیل کند

که هزاران سانتریفیوژ

پیشرفته را به چرخش

درآورد و غرب را مجبور

کرد تا حق غنی سازی

ایران را به رسمیت

بشناسد.

یکی از چالش های مهم دوران رهبری ایشان، روابط ایران با قدرت های غربی به ویژه ایالات متحده بوده است. این رویکرد چه تأثیری بر روابط ایران با غرب گذاشته است؟

«رهبر فقید ایران بر این باور استوار بود که ریشه اصلی تنش میان تهران و واشینگتن، نه بر سر مسائل دیپلماتیک گذرا، بلکه ناشی از یک تضاد ماهوی میان “اراده ملی برای استقلال” و “فشار بین المللی برای سلطه” بود. از دیدگاه ایشان، الگویی که غرب برای کشورهای منطقه می پسندید، تبدیل شدن به اقمار سیاسی و اقتصادی بود؛ کشورهایی که سیاست های کلانشان در اتاق های فکر غربی دیکته می شد. در مقابل، آیت الله خامنه ای با اتخاذ دکترین قاطع “نهی سبیل” و تأکید بر استقلال مطلق، ایران را به بازیگری تبدیل کرد که هزینه هرگونه فشار خارجی را برای طرف مقابل به شدت افزایش می داد. این رویکرد سبب شد تا ایران در تمام آن سال ها به جای پذیرش نقش یک پیرو، به عنوان اصلی ترین قدرت تجدیدنظرطلب در نظم جهانی تحت رهبری آمریکا شناخته شود. سیاست خارجی ایران در دوران رهبری ایشان بر مبنای نوعی رئالیسم تدافعی بنا شده بود؛ به این معنا که

ایشان هرگز به دنبال انزوای مطلق ایران نبود، بلکه همواره تأکید می‌کرد که همکاری با غرب تنها در صورتی مشروعیت دارد که بر پایه احترام متقابل و حفظ کامل حاکمیت ملی باشد. این نگاه راهبردی منجر به شکل‌گیری سیاستی شد که در آن ایران، ضمن مقاومت در برابر وابستگی‌های امنیتی، تلاش کرد با متنوع‌سازی شرکای استراتژیک خود در شرق و تقویت پیوندهای منطقه‌ای، ابزارهای فشار غرب — به ویژه تحریم‌های اقتصادی — را به چالش بکشد. در نهایت، ثمره این رویکرد در دهه‌های گذشته، تثبیت یک ساختار قدرت در ایران بود که اجازه نداد هیچ قدرت خارجی‌ای برای مسائل داخلی یا دگرترین دفاعی این کشور تصمیم‌گیری کند. اگرچه این استقلال طلبی هزینه‌های اقتصادی سنگینی را به دلیل تقابل با نظام مالی جهانی به همراه داشت، اما از دیدگاه رهبری ایران، این تنها راه بقا و صیانت از عزت ملی در برابر قدرت‌هایی بود که به چیزی کمتر از تسلیم کامل یا استحاله ساختارهای داخلی ایران راضی نمی‌شدند. به همین جهت، روابط ایران و غرب در دوران ایشان همواره در وضعیت رقابتی فرسایشی برای تعیین مرزهای نفوذ باقی ماند و او توانست ایران را به عنوان دژی نفوذناپذیر در برابر هژمونی غرب تثبیت کند.»

تصویر آیت‌الله خامنه‌ای و به طور کلی ایران در میان ملت‌های مختلف چگونه شکل گرفته است؟ آیا برداشت داخلی و خارجی از او متفاوت است؟

«تصویر ایران در دوران رهبری ایشان، همواره در کانون یک نبرد رسانه‌ای و دیپلماتیک بی‌سابقه قرار داشت. واقعیت این است که بخش بزرگی از افکار عمومی جهان، ایران آن دوره را از دریچه رسانه‌های جریان اصلی غرب می‌شناختند؛ رسانه‌هایی که با تمرکز بر مفاهیمی همچون "تهدید هسته‌ای"، "بی‌ثباتی منطقه‌ای" و "تضاد با ارزش‌های لیبرال"، تلاش می‌کردند تصویری سیاه و تهدیدآمیز از نظام سیاسی ایران ارائه دهند. این با هدف منزوی کردن ایران در سطح بین‌المللی و توجیه فشارهای اقتصادی طراحی شده بود. در این روایت غربی، رهبری ایران به عنوان مانع اصلی در برابر نظم جهانی تحت رهبری آمریکا معرفی می‌شد که با تکیه بر ایدئولوژی انقلابی، به دنبال برهم زدن موازنه قدرت در خاورمیانه است. با این حال، در ورای این روایت غالب، تصویر دیگری از ایران و رهبری آن در میان ملت‌های منطقه و بخش‌هایی از "جنوب جهانی" شکل گرفته بود. برای بسیاری از گروه‌ها و جریان‌هایی که با سیاست‌های مداخله جویانه آمریکا و اسرائیل مخالف بودند، آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان نماد ایستادگی در برابر هژمونی جهانی شناخته می‌شد. در این نگاه، ایران کشوری بود که توانسته بود تحت هدایت ایشان، با وجود سنگین‌ترین تحریم‌های تاریخ، نه تنها بقای خود را تضمین کند، بلکه نفوذ استراتژیک خود را از سواحل مدیترانه تا باب‌المندب گسترش دهد. برای این بخش از افکار عمومی، میراث ایشان نه یک تهدید، بلکه الگویی از "مقاومت فعال" و توانمندسازی بومی در برابر قدرت‌های استعمارگر به شمار می‌رفت. در نهایت، می‌توان گفت که تصویر ایران در این دوران، شکلی کاملاً دوگانه و قطبی داشت. در حالی که در پایتخت‌های غربی از ایشان به عنوان سخت‌گیرترین رقیب راهبردی یاد می‌شد، در "خیابان‌های عربی" و میان توده‌های تحت ستم، او رهبری بود که جرئت به چالش کشیدن خطوط قرمز غرب را داشت. این دوگانگی عمیق نشان‌دهنده موفقیت ایشان در تثبیت یک هویت مستقل برای ایران بود؛ هویتی که حاضر نشد برای خوشامد نظم بین‌الملل، از اصول انقلابی خود عقب‌نشینی کند. میراث او در افکار عمومی جهان، حکایت رهبری است که توانست ایران را از یک کشور پیرو در دوران پیش از انقلاب، به یک "قدرت تاثیرگذار و غیرقابل حذف" در معادلات جهانی تبدیل کند، هرچند که این مسیر با هزینه‌های گزاف و تقابلی دائمی همراه بود.»



در گفتگو با استاد دانشگاه نیویورک و رئیس مرکز امور جهانی این دانشگاه مطرح شد:

ترور رهبر شهید ایران یک اشتباه فاجعه بار بود

ترور مقامات ارشد و رهبران سیاسی در نظام بین الملل، همواره پویایی‌های امنیتی خاورمیانه را وارد فاز پیش‌بینی ناپذیری کرده است. پروفیسور آلون بن‌مایر، استاد نام‌آشنای روابط بین‌الملل در دانشگاه نیویورک و رئیس

رهبریت نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

فصل دوم



مرکز امور جهانی این دانشگاه، در این گفتگو با نگاهی واقع‌گرایانه به تحلیل پیامدهای ترور رهبر عالی ایران توسط اسرائیل می‌پردازد. بن‌مایر که سال‌ها در زمینه سیاست‌های خاورمیانه، منازعات منطقه‌ای و دیپلماسی بین‌المللی پژوهش کرده و صاحب‌نظر است، این اقدام را یک «اشتباه فاجعه‌بار» و مغایر با حقوق بین‌الملل می‌داند که برعکس الگوی ذهنی مهاجمان، به تقویت و صلب‌تر شدن موضع تهران منجر شده است. او در بخش دیگری از این مصاحبه، با بازخوانی میراث راهبردی آیت‌الله خامنه‌ای در تثبیت فناوری هسته‌ای، به تبیین جایگاه حقوقی ایران در پیمان NPT و افق پیش‌روی مذاکرات و نظام نظارت‌های بین‌المللی می‌پردازد.

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

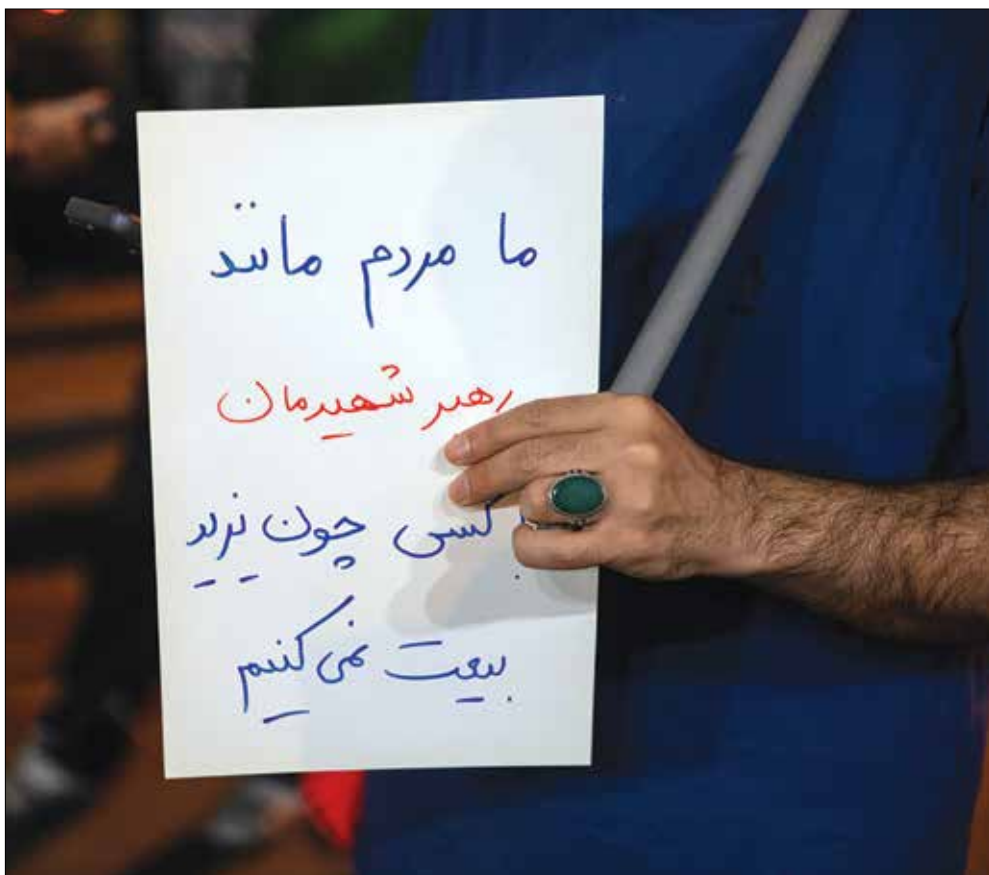
■ فصل دوم

یکی از رویدادهای تراژیک برای ملت ایران، از دست دادن رهبر عالی در حمله اسرائیل بود — یعنی ترور ایشان. آیا فکر می‌کنید سیاست ایران در آینده دچار تغییر خواهد شد؟

من بارها و بارها درباره این موضوع نوشته‌ام. به نظر من این اقدام یک اشتباه وحشتناک بود — اشتباهی بسیار بزرگ. اگر کشورها احساس کنند می‌توانند رهبر یک دولت دیگر را ترور کنند، این اقدامی خلاف حقوق بین‌الملل است، غیرقابل قبول است و به هیچ وجه کمکی به حل مسائل نمی‌کند. برای مثال، ربودن رئیس‌جمهور ونزوئلا — به نظر من اقدامی غیرقانونی و نادرست بود و نباید تحت هیچ شرایطی به عنوان یک سیاست پذیرفته شود. زیرا تصور کنید اگر هر کشوری خود را آزاد بداند که رهبر کشور دیگری را بکشد، دیگر هیچ نظمی در نظام بین‌الملل باقی نخواهد ماند. بنابراین این یک اشتباه فاجعه‌بار بود. نتیجه چه شد؟ نتیجه این نبود که رژیم ایران تضعیف شود؛ بلکه تقویت شد. رهبر جدید جوان‌تر، مصمم‌تر و خشمگین‌تر است — و به دلایل قابل درک، چراکه خانواده‌اش نیز از بین رفته‌اند. پس اسرائیل با کشتن رئیس یک دولت چه چیزی به دست آورد؟ هیچ. در واقع نتیجه معکوس حاصل شد. من قاطعانه با چنین اقدامی مخالفم، چنین رفتاری نباید به رویه‌ای در صحنه بین‌المللی تبدیل شود. آیا اسرائیل از این موضوع درس خواهد گرفت؟ امیدوارم. آیا ایالات متحده — مثلاً در ماجرای کشتن سلیمانی — درس گرفت؟ به نظر من آن اقدام نیز هرگز نباید رخ می‌داد. اسرائیل از ایران گلابه‌هایی دارد — ایالات متحده نیز چنین است. اما ایران هم گلابه‌هایی از این دو کشور دارد. اما اگر ایران، اسرائیل و ایالات متحده به صورت بنیادی درباره تغییر پویایی این اختلافات نیندیشند، آنچه رخ خواهد داد فقط جنگی دیگر و فاجعه‌ای دیگر خواهد بود. تنها مسئله، زمان آن است. رژیم ایران میان یهودیان و اسرائیلی‌ها تمایز قائل شده است. روابط ایرانیان و یهودیان طی قرن‌ها بسیار خوب بوده است. تا امروز نیز جامعه یهودیان در ایران به خوبی از سوی دولت رفتار می‌شود — این یک واقعیت است. اما در خصوص اسرائیل مسئله متفاوت است. اسرائیلی‌ها نیز یهودی هستند، اما هیچ تعارض سرزمینی مستقیمی میان ایران و اسرائیل وجود ندارد. اختلاف اصلی این است که اسرائیل از ایران احساس تهدید می‌کند. بیشتر بر حقوق فلسطینیان تمرکز کند — همان‌گونه که امروز بیش از ۱۴۰ کشور از حق فلسطینیان حمایت می‌کنند — و به آن اردوگاه بپیوندند، آنگاه می‌تواند به بازیگری بسیار سازنده تبدیل شود. این رویکرد نه تنها در روابط منطقه‌ای مؤثر خواهد بود، بلکه برای کشورهای عربی و به ویژه کشورهای حوزه خلیج فارس نیز اهمیت دارد، زیرا آن‌ها مستقیماً تحت تأثیر درگیری‌ها قرار می‌گیرند. نگاه کنید چه اتفاقی افتاد — آن‌ها بارها هدف حملات قرار گرفتند. آن‌ها نمی‌خواهند این وضعیت تکرار شود. بنابراین باید همیشه به علل ریشه‌ای نگاه کرد و پویایی‌ها را تغییر داد، اگر هدف دستیابی به ثبات منطقه‌ای است.



من بارها و بارها درباره
این موضوع نوشته‌ام.
به نظر من این اقدام
یک اشتباه وحشتناک
بود — اشتباهی بسیار
بزرگ. اگر کشورها
احساس کنند می‌توانند
رهبر یک دولت دیگر را
ترور کنند، این اقدامی
خلاف حقوق بین‌الملل
است، غیرقابل قبول
است و به هیچ وجه
کمکی به حل مسائل
نمی‌کند.



آیت‌الله سید علی خامنه‌ای در طول چهار دهه رهبری خود همواره بر حق ایران برای استفاده از برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز و همچنین حفظ حق غنی‌سازی در داخل ایران تأکید کرده است. سؤال من این است که نسل‌های بعدی، نسل‌های آینده، چگونه درباره سیاست‌های او در قبال برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز ایران قضاوت خواهند کرد؟

ببینید، ایران امضاکننده پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) است. همچنین در سال ۲۰۱۵ به توافق دولت او باما پایبند بود. از نظر من، ایران حق دارد که یک برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز داشته باشد. اما به شرطی که واقعاً صلح‌آمیز باقی بماند. آنچه رخ داد این بود که ایران اورانیوم را تا ۶۰ درصد غنی‌سازی کرد و حدود هزار پوند از آن در اختیار داشت. اسرائیل و ایالات متحده این اقدام را گامی بسیار مهم در مسیر دستیابی به سلاح هسته‌ای تلقی کردند. بنابراین این مسئله به خط قرمز تبدیل شد؛ هشدار جدی برای کشورهای مهم. در این توافق، امید این است که ایران درصد غنی‌سازی را کاهش دهد. من قویاً معتقدم که در پایان این مذاکرات، ایران همچنان اجازه خواهد داشت یک برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز داشته باشد، اما تحت نظارت بسیار سختگیرانه بین‌المللی. این نوع نظارت برای آن‌ها قابل قبول خواهد بود. فکر نمی‌کنم در پایان این مذاکرات ایران از حق خود برای داشتن برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز صرف‌نظر کند، اما ناچار خواهد بود آن را تحت یک نظام نظارتی بسیار بسیار سختگیرانه بپذیرد.



گفتگو با دکتر «باسم الکنانی»، پژوهشگر مسائل سیاسی و استراتژیک در بغداد:

ایران تحت رهبری آیت‌الله خامنه‌ای موفق به ایجاد یک سیستم تصمیم‌گیری مستقل شد

اندیشه سیاسی و استراتژیک جمهوری اسلامی ایران در چند دهه گذشته، همواره بر مدار توازن هوشمندانه میان اصول‌گرایی مکتبی و واقع‌گرایی ژئوپلیتیک حرکت کرده است. بررسی ابعاد مختلف این تفکر نشان می‌دهد که خودکفایی دفاعی، بازدارندگی در پرونده فلسطین و بازتعریف موازنه قدرت در قالب محور مقاومت، حاصل نگاهی جامع است که فراتر از مرزهای فرقه‌ای، بر استقلال کامل از بلوک‌های شرق و غرب تاکید دارد. دکتر «باسم الکنانی»، پژوهشگر مسائل سیاسی و استراتژیک در بغداد، در این گفتگو با کالبدشکافی مؤلفه‌هایی همچون «صبر استراتژیک»، «اقتصاد مقاومتی» و «انعطاف‌پذیری قهرمانانه»، تبیین می‌کند که چگونه این مدل فکری توانسته است پایداری کشور را در مواجهه با چالش‌های بین‌المللی تضمین کند و الگویی بی‌نظیر از ترکیب هویت اسلامی با عمل‌گرایی سیاسی ارائه دهد.

چگونه می توان رهبر شهید انقلاب را نماد استقلال خواهی جهان اسلام در پرتو چالش های ژئوپلیتیکی معاصر دانست؟ دیدگاه فکری و استراتژیک جمهوری اسلامی ایران تحت رهبری شهید آیت الله سید علی خامنه ای مبتنی بر ترکیبی از ایدئولوژی دینی، محور مقاومت منطقه ای و سیاست های ایدئولوژیک بود که از همان زمان آغاز انقلاب اسلامی کاملاً مشخص و آشکار بود. این دیدگاه در سیاست های داخلی و خارجی ایران منعکس شده و به طور مثبت و مستقیم بر جایگاه آن در صحنه بین المللی تأثیر گذاشته است.

رویکرد آیت الله خامنه ای به عنوان نمادی از استقلال در جهان اسلام تلقی می شود که مبتنی بر پایبندی قاطع او به اصل حاکمیت مطلق و رد هژمونی خارجی است. ایشان مقابله با جهان تک قطبی در یک نظام بین المللی تحت سلطه قدرت های بزرگ را سنگ بنای استقلال خواهی قرار داد. ایران تحت رهبری امام شهید، موفق به ایجاد یک سیستم تصمیم گیری سیاسی و نظامی کاملاً مستقل از دیکته های غرب یا شرق شد. ایشان در همین راستا خودکفایی استراتژیک را از دیگر مؤلفه های تحقق استقلال می دانست، چرا که بر اساس این دیدگاه، استقلال سیاسی بدون استقلال نظامی و فناوری ناقص است. نتیجه این استراتژی، توسعه برنامه های دفاعی و صنعتی تولید داخل با وجود دهه ها تحریم شدید اقتصادی بوده است.

برجسته ترین شاخص های خرد و عقلانیت در رویکرد رهبر شهید در مقایسه با همتایان او در جهان اسلام چیست؟ عقلانیت سیاسی در رویکرد امام شهید را می توان از طریق ایجاد تعادل بین اصول انقلابی و واقع گرایی سیاسی مشاهده کرد که از جمله وجوه تمایز آن در مقایسه با سایر محیط های سیاسی، صبر استراتژیک است. در واقع ایشان بحران های بزرگ با دشمنان بین المللی را از طریق سیاست ریسک پذیری و یا همان استراتژی سوق دادن بحران به لبه پرتگاه جنگ بدون کشیده شدن به جنگ های تمام عیار و بی پایان با پیامدهای غیر قابل پیش بینی مدیریت می کرد تا از این رهگذر دشمن را به عقب نشینی از مواضعش وادارد.

از دیگر مؤلفه های عقلانیت در رویکرد امام شهید می توان به نهادسازی و ایجاد ثبات اشاره کرد. حفظ ثبات نهادهای دولتی و تضمین انتقال آرام و قانونی قدرت در طول دهه های گذشته، به رغم فشارهای خارجی و آشفتگی های منطقه ای مهم ترین دستاورد چنین استراتژی بوده است.

در کنار این ویژگی ها باید به انعطاف پذیری قهرمانانه در تعامل امام شهید با جهان خارج نیز توجه کرد. ایشان توانایی اتخاذ تصمیمات تاکتیکی انعطاف پذیر در صورت لزوم (مانند پذیرش مذاکرات هسته ای در زمان های خاص) را داشتند مشروط به اینکه این تصمیمات در راستای منافع عالی ملی باشند.



از دیگر مؤلفه های
عقلانیت در رویکرد
امام شهید می توان
به نهادسازی و ایجاد
ثبات اشاره کرد. حفظ
ثبات نهادهای دولتی
و تضمین انتقال آرام و
قانونی قدرت در طول
دهه های گذشته، به رغم
فشارهای خارجی و
آشفتگی های منطقه ای
مهم ترین دستاورد
چنین استراتژی بوده
است.

رهبریت نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

■ فصل دوم



ایجاد تعادل عملی

با کشورهای شرقی

نیز از جمله راهکارها

و استراتژی های رهبر

شهید برای تحقق

شعار نه شرقی نه

غربی بود، در حقیقت،

حفظ حاکمیت مانع

از ایجاد ائتلاف های

استراتژیک و اقتصادی

ایران با قدرت های شرقی

مانند چین و روسیه

(از طریق بلوک هایی

مانند بریکس و سازمان

همکاری شانگهای)

نشد، بلکه ایران از

موضع یک شریک

مستقل و نه یک تابع،

برای شکستن انزوای

غرب بدون افتادن در

دام وابستگی به شرق،

این کار را انجام داد.

حمایت رهبر شهید از آرمان فلسطین و به تبع آن، تغییر موازنه قدرت در منطقه را چگونه ارزیابی می کنید؟ آرمان فلسطین سنگ بنای سیاست خارجی ایران تحت هدایت رهبر معظم انقلاب و محرک اصلی در تغییر پویایی های منطقه ای بوده است. حمایت ایشان از این مسئله در تغییر حمایت دیپلماتیک به ساختاری کاملاً مشهود است. حمایت رهبر شهید از فلسطین محدود به لفاظی های سیاسی نبود، بلکه بر انتقال فناوری، آموزش نظامی و حمایت مالی متمرکز بود و جناح های فلسطینی را قادر می ساخت تا به خودکفایی نظامی دست یابند.

علاوه بر این تثبیت موازنه بازدارندگی نیز از دیگر ابعاد حمایت ایران از مسئله فلسطین تحت رهبری آیت الله خامنه ای بود. این حمایت به تغییر از حالت دفاعی به مرحله «موازنه بازدارندگی» کمک کرد، زیرا جبهه های متعددی به هم پیوسته شدند و از دل آن محور مقاومت شکل گرفت و در نتیجه توانایی طرف های مخالف را برای تحمیل شرایط یک جانبه خود در منطقه محدود کرد.

رهبر شهید چگونه با حمایت از گروه‌های سنی و ایجاد وحدت اسلامی، توطئه تفرقه‌انگیزی دشمن را خنثی کرد؟ حمایت از گروه‌های مقاومت فلسطین (که اعضا و جمعیت آن‌ها عمدتاً سنی هستند) در اندیشه رهبر شهید، نشانه‌ای عملی از فراتر رفتن از اختلافات مذهبی به نفع یک هدف استراتژیک فراگیر است. ایشان از همین رهگذر بر اختلافات فرقه‌ای غلبه و در دوران تنش‌های شدید فرقه‌ای در منطقه تأکید می‌کرد که معیار نزدیکی یا دوری از تهران، موضع هر طرفی در قبال فلسطین و مقابله با سلطه است، نه گرایش مذهبی.

علاوه بر این در اندیشه انقلاب اسلامی و رهبر شهید به رکن وحدت به عنوان یک نماد نگاه شده است. این مدل در اندیشه اسلامی امکان تشکیل ائتلافی از نیروهای فرامذهبی را فراهم می‌کند تا روایت غربی را که تلاش می‌کند درگیری‌های منطقه را صرفاً به عنوان درگیری‌های فرقه‌ای (سنی-شیعه) به تصویر بکشد، رد کند.

از دیدگاه شما پیشرفت ملی با اتخاذ شعار سیاست «نه شرقی نه غربی» در رویکرد رهبر شهید چگونه محقق شد؟ شعار «نه شرقی نه غربی» که از ابتدای انقلاب اسلامی توسط جمهوری اسلامی ایران تحت رهبری امام خمینی مطرح شد و با هدایت شهید امام خامنه‌ای ادامه یافت، نشان دهنده یک تجربه منحصر به فرد در چگونگی ساختن یک دولت مدرن خارج از چارچوب‌های سنتی بین‌المللی است.

اقتصاد مقاومتی از جمله ارکان اصلی چنین دولتی به شمار می‌رود. در واقع برای مقابله با انزوای ناشی از امتناع از پیوستن به سیستم مالی غرب، مفهوم «اقتصاد مقاومتی» مطرح شد. این مفهوم بر فعال کردن توانمندی‌ها و ظرفیت‌های داخلی، حمایت از شرکت‌های دانش بنیان نوظهور و دستیابی به خودکفایی در کالاهای اساسی متکی است.

ایجاد تعادل عملی با کشورهای شرقی نیز از جمله راهکارها و استراتژی‌های رهبر شهید برای تحقق شعار نه شرقی نه غربی بود. در حقیقت، حفظ حاکمیت مانع از ایجاد ائتلاف‌های استراتژیک و اقتصادی ایران با قدرت‌های شرقی مانند چین و روسیه (از طریق بلوک‌هایی مانند بریکس و سازمان همکاری شانگهای) نشد، بلکه ایران از موضع یک شریک مستقل و نه یک تابع، برای شکستن انزوای غرب بدون افتادن در دام وابستگی به شرق، این کار را انجام داد.

تجربه جمهوری اسلامی ایران تحت رهبری شهید آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای، الگویی بی‌نظیر از ترکیب ایدئولوژی دینی با عمل‌گرایی سیاسی را نشان می‌دهد. این چشم‌اندازی است که به دنبال تحکیم هویت اسلامی و در عین حال ایجاد قدرت نظامی و اقتصادی است و ایران را به نیرویی غیرقابل انکار در منطقه و جهان تبدیل می‌کند. به رغم وجود چالش‌های داخلی و خارجی، این استراتژی ایران را قادر ساخته است تا استواری و مانور خود را در مواجهه با قدرت‌های بزرگ حفظ کند. بررسی این تجربه در صحنه بین‌المللی، ترکیبی از ثبات ایدئولوژیک و انعطاف‌پذیری تاکتیکی را نشان می‌دهد که آن را به الگویی قابل مطالعه و تأمل تبدیل می‌کند. در نهایت، ایران، تحت رهبری آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، همچنان نمونه‌ای از چگونگی به کارگیری اندیشه دینی و سیاسی در تدوین یک پروژه استراتژیک بلندمدت است.

آنچه بیان شد، خلاصه‌ای از کیفیت استراتژی رهبر شهید ارائه می‌دهد که ترکیبی از جزم‌اندیشی محکم در اصول و عمل‌گرایی هوشمندانه در مدیریت ژئوپلیتیک است.



در گفتگو با دکتر عماد الحمرونی، استاد آکادمی علوم سیاسی در پاریس، نویسنده و پژوهشگر اندیشه اسلامی و جغرافیای سیاسی:

رهبر شهید ایران به خرد و بینش جامع ژئوپلیتیک متمایز بود

دکتر «عماد الحمرونی»، استاد آکادمی علوم سیاسی در پاریس، نویسنده و پژوهشگر در حوزه اندیشه اسلامی و جغرافیای سیاسی در تشریح دستاوردهای سال‌های رهبری «آیت‌الله سید علی خامنه‌ای» در ابعاد مختلف به ویژه ایجاد وحدت داخلی و خارجی و تحقق استقلال کشور و جهان اسلام و در صدر آن‌ها حمایت از قدس و مسئله فلسطین به گفتگو پرداخت. او با شبیه‌سازی شهادت ایشان به فاجعه کربلا، ابعاد شخصیت معنوی، عقلانیت ژئوپلیتیکی و میراث ماندگارشان در شکل‌گیری محور مقاومت را تبیین کرد. مشروح گفتگو را در ادامه بخوانید:

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

فصل دوم



آیت الله خامنه ای در

طول ۳۷ سال رهبری

پربرکت خود، اصل

وحدت و هماهنگی را

در جامعه ایران اتخاذ

کرد و مشارکت همه

جریان ها و گرایش های

فکری و سیاسی را در

مدیریت امور عمومی

و شکل دهی به

سیاست های اقتصادی

و سیاسی به گونه ای که

وحدت و استقلال مردم

را حفظ کند، تضمین کرد.

از دیدگاه شما خط مشی رهبر شهید انقلاب جهت تحقق استقلال در جهان اسلام چه

دستاوردهایی داشت؟

ابتدا باید بگویم که شهادت رهبر معظم انقلاب اسلامی و ولی امر مسلمین، امام سید علی خامنه ای، همراه با جمعی از اعضای خانواده اش و برخی از فرماندهان نظامی شباهت زیادی به فاجعه کربلا در دهم محرم سال ۶۱ هجری قمری دارد. شهادت امام عزیزمان به این شکل، خلاصه تمام مسیر پربرکت زندگی او شامل بیش از هفت دهه مبارزه، دانش و رفتار نمونه در پیمودن راه معلم و مربی خود، امام خمینی بوده است.

او در تمام دوران مبارزه خود به شعار انقلاب اسلامی: «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» پایبند بود و در تمام مناصب و نقش هایی که در انقلاب و نهادهای دولتی بر عهده داشت، به صورت خستگی ناپذیر تلاش کرد تا در وهله نخست، حاکمیت و استقلال کامل ایران را در همه زمینه ها - نظامی، فرهنگی، صنعتی، سیاسی، علمی، کشاورزی و هنری - محقق کند و در مرحله بعد، جنبش های آزادی بخش در سراسر جهان را برای دفاع از آزادی و استقلال ملت هایشان به ویژه جنبش های مقاومت در فلسطین، لبنان، افغانستان و عراق ایجاد و حمایت کند.

او برای تشویق و تقویت تنوع فرهنگی در ایران تلاش کرد و به میراث فرهنگی غنی ایران و فارس افتخار ورزید و بدین ترتیب حضور فرهنگی جهانی ایران را تقویت و به شکستن انزوای آن کمک کرد.

امام شهید دانش عمیقی از تاریخ اسلام و اندیشه سیاسی معاصر داشت و با مهم ترین مکاتب ایدئولوژیک و فلسفی غرب آشنا بود که به او درد رک مبانی و اهداف تفکر استعماری کمک می کرد. چنان که شاهد بودیم، آیت الله خامنه ای به اهمیت شناخت دشمن و پیگیری جهت گیری های فکری و ژئوپلیتیکی آن بسیار اهمیت می داد.

مبانی وحدت در دو بعد داخلی و خارجی در اقدامات و استراتژی های رهبر شهید چگونه

تعریف می شوند؟

آیت الله خامنه ای در طول ۳۷ سال رهبری پربرکت خود، اصل وحدت و هماهنگی را در جامعه ایران اتخاذ کرد و مشارکت همه جریان ها و گرایش های فکری و سیاسی را در مدیریت امور عمومی و شکل دهی به سیاست های اقتصادی و سیاسی به گونه ای که وحدت و استقلال مردم را حفظ کند، تضمین کرد.

او به جوانان و زنان ایرانی ایمان زیادی داشت که در محبت عمیق نسل های جوان به رهبرشان مشهود بود. همه شاهد اندوه عمیق جوانان بودند. امام شهید ما

رهبریت نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

■ فصل دوم

به شفقت، مهربانی و رحمت خود متمایز بود. او واقعاً یکی از عباد الرحمن بود، همان طور که در قرآن کریم در دوران مدرن ما توصیف شده است. شخصیت ادبی، فکری و معنوی او تأثیر عمیقی بر رهبری و مدیریت او، چه در داخل و چه در سطح بین المللی، داشت.

در خارج از کشور، امام شهید ما برای ایجاد پایه های وحدت اسلامی تلاش کرد و فلسطین را به مسئله اصلی امت اسلامی تبدیل کرد. امام شهید با تقدیم بزرگ ترین فداکاری ها، مؤسسه های علمی، فرهنگی، اجتماعی و نظامی متعددی را تأسیس کرد تا جوانان مقاومت را از میان فرزندان امت اسلامی پرورش دهد و وسایل لازم برای ایجاد قدرت را در اختیار آن ها بگذارد. این تلاش به چیزی تبدیل شده است که امروز آن را «محور مقاومت» می نامیم.

تحکم عقلانیت را در اقدامات و رویکردهای رهبر شهید انقلاب چگونه توصیف

می کنید؟

امام شهید ما یک رهبر اسلامی و بین المللی بی نظیر بود که با خرد، شجاعت، دلسوزی و بینش جامع ژئوپلیتیکی خود متمایز می شد. یکی از برجسته ترین شاخص های خرد و عقلانیت در اندیشه امام شهید، درک او از اولویت ها است. او همچنین لزوم ایجاد پایه های نظام اسلامی و ایجاد نهادهای حافظ و حامی منافع مردم هم زمان را درک و بر تولید دانش، علم و قدرت و نیروی لازم برای حفظ موجودیت و استقلال کشور تأکید کرد. او از اعتدال و توازن به عنوان یک رویکرد اخلاقی برای مدیریت امور عمومی و حل اختلافات حمایت کرد. امام شهید ما در میان جنگ نرمی مبارزه کرد که دشمن برای ایجاد اختلاف در داخل ایران به راه انداخته بود. وقتی این تلاش ها شکست خورد، دشمن به جنگ سخت در جنگ دوازده روزه و جنگ رمضان متوسل شد که طی آن امام عزیز ما به همراه جمعی از برجسته ترین فرماندهان و اعضای خانواده اش به شهادت رسیدند.

آرمان فلسطین و قدس یکی از مهم ترین محورهای حرکت ایشان در مسیر تثبیت استقلال

جهان اسلام و ایجاد وحدت در بین مسلمانان و حتی با سایر ادیان الهی بود. مسئله

فلسطین در اقدامات رهبر شهید انقلاب چگونه متبلور شد؟

از جمله میراث های امام شهید، تأسیس جنبش مقاومت در منطقه و جهان با محوریت فلسطین و قدس بود. او مشتاق اجرای وصیت امام خمینی (قدس)، یعنی «محو اسرائیل از هستی» بود. او این کار را پس از موفقیت انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ و تأسیس اولین سفارت فلسطین در جهان عملاً آغاز کرد. طی چند سال،



امام شهید ما یک رهبر

اسلامی و بین المللی

بی نظیر بود که با خرد،

شجاعت، دلسوزی و

بینش جامع ژئوپلیتیکی

خود متمایز می شد.

یکی از برجسته ترین

شاخص های خرد و

عقلانیت در اندیشه

امام شهید، درک او از

اولویت ها است.



بین سال‌های ۱۹۸۵ تا ۱۹۸۷، مقاومت اسلامی در لبنان و فلسطین تأسیس شد. در این دوره، نیروی قدس با حمایت امام شهید ما ایجاد شد. این نیرو که مسئولیت مدیریت درگیری با دشمن صهیونیستی و استکبار آمریکایی را بر عهده گرفت، جایگاه ویژه‌ای در قلب امام شهید داشت. شهادت سردار قاسم سلیمانی در ژانویه ۲۰۲۰، با توجه به نقشی که سردار در ایجاد «محور مقاومت» ایفا کرد و توانست موازنه قدرت را در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی تغییر دهد، رویدادی مهم و عمیق بود که امام شهید را اندوهگین کرد. در واقع شخصیت امام شهید نقش بسزایی در ظهور فرماندهان بزرگی چون شهید سلیمانی، شهید سید حسن نصرالله و دیگر رهبران برجسته شهید از سپاه پاسداران، حماس، حزب الله، بسیج و الحشد الشعبی داشت. مسیر زندگی امام شهید مسیر سیر و سلوک عبدی صالح بود که تمام زندگی خود را در مسیر خدا، پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام صرف کرد و به کمک مستضعفان در ایران، عراق، پاکستان، افغانستان، لبنان، یمن، آفریقا و آمریکای لاتین پرداخت.

همان‌طور که آیت الله مجتبی خامنه‌ای (مد ظله العالی)، رهبر انقلاب اسلامی فرمودند: «امام شهید ما مردی نامدار اما گمنام بود». او مکتبی کامل از رهایی و آزادی و شاگرد فداکار معلم و مربی خود، امام خمینی (رض)، بود. مکتب خمینی/خامنه‌ای، مکتبی اسلامی، پیشرو و اصلاح‌گراست که برای رهایی مردم از سلطه گروه شیطانی اپستین، آزادسازی اماکن مقدس و هموار کردن راه برای دولت عدل الهی آمده است. امروز، پس از ۴۷ سال، ایران مرکز مقاومت در جنوب و یک قدرت مستقل جهانی است که توسط دور رهبر دانشمند هدایت می‌شود. امروز اینجاست که به لطف قدرت و اراده نیروهای مسلح، شجاعت و دلاوری سپاه پاسداران، وحدت مردم و پایداری رهبری خود از قلب یک جنگ جهانی دیوانه‌وار پیروز بیرون آمده است.



گفتگو با دکتر «علی مطر»، استاد دانشگاه اسلامی لبنان:

آیت الله خامنه‌ای، استقلال واقعی را شرط اساسی دستیابی به توسعه پایدار ملی می‌دانستند

رهبریت نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

فصل دوم



دکتر علی مطر

استاد دانشگاه اسلامی لبنان

تبیین دیدگاه‌ها و اصول حاکم بر استراتژی‌های رهبر شهید انقلاب، به ویژه از زبان اندیشمندان خارجی، از جمله گام‌هایی است که می‌تواند مخاطب را نسبت به این اصول و استراتژی آگاه کند. در همین زمینه با دکتر «علی مطر»، استاد علوم سیاسی و پژوهشگر روابط بین الملل و حقوق بین الملل در دانشگاه اسلامی لبنان به گفت‌وگو پرداختیم.

چگونه می‌توان شخصیت و جایگاه آیت‌الله سید علی خامنه‌ای را نماد استقلال جهان اسلام در سابه تحولات کنونی در سطح منطقه و بین المللی دانست؟

شهید سید علی خامنه‌ای، رهبر معظم جهان اسلام، نماد استقلال جهان اسلام محسوب می‌شوند؛ زیرا ایشان مظهر یک پروژه سیاسی و فرهنگی مبتنی بر رد سلطه، استعمار

و اشغال خارجی و پایبندی به تصمیم‌گیری مستقل ملی بودند. در زمانی که فشارهای بین‌المللی و تلاش برای تحمیل اراده خارجی بر کشورهای منطقه تشدید شد، ایشان خواستار خوداتکایی و وابستگی به توانایی‌های ملی در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و علمی بودند. سخنرانی‌ها و مواضع ایشان الگویی برای رد سرسپردگی به غرب بود و ایشان را در نظر بسیاری از مردم جهان اسلام به نمادی از پایداری و استقلال تبدیل کرد. علاوه بر این، حمایت رهبر شهید از آرمان‌های ملت‌های مظلوم و جنبش‌های مقاومت علیه اشغالگری اسرائیل و استکبار آمریکا، به ویژه در منطقه و در رأس آن مسئله فلسطین، از دیگر ویژگی‌های دوره رهبری ایشان بود. او فلسطین را مهم‌ترین مسئله می‌دانستند که همه مسائل دیگر از جمله وحدت از آن نشأت می‌گیرد.

خرد و عقلانیت در رویکرد رهبر شهید انقلاب و اتخاذ استراتژی‌های بنیادین در رهبری جهان

اسلام را چگونه می‌توان تبیین کرد؟

شخصی با درک محدود مانند من نمی‌تواند به طور کامل جلوه‌های خرد امام خامنه‌ای را بیان کند؛ زیرا نمی‌توان آن‌ها را صرفاً در قالب کلمات خلاصه کرد. با این حال، دست‌کم می‌توانیم شاخصه‌های عقلانیت و حکمت در رویکرد ایشان را در موارد زیر مشاهده کنیم: پایبندی به اصول در عین توانایی در مدیریت تحولات سیاسی.

تدوین برنامه‌های استراتژیک و بلندمدت به جای راه‌حل‌های فوری و بداهه؛ همان‌طور که در برنامه‌های او برای مقابله با تحریم‌های اقتصادی علیه ایران مشاهده شده است. مدیریت بحران‌های منطقه‌ای و بین‌المللی با منطق به حداقل رساندن ضررها و به حداکثر رساندن سودها که این امر به خودی خود یکی از توانایی‌های مدیریتی قدرتمند رهبر شهید محسوب می‌شود.

تمرکز بر ایجاد مؤلفه‌های قدرت ملی پیش از ورود به درگیری‌های بزرگ؛ همان‌طور که در جنگ آمریکا و اسرائیل علیه جمهوری اسلامی مشاهده شد. حفظ تعادل مناسب بین منافع ملی و تعهدات اسلامی و انسانی. حمایت از گفتگو و تفاهم میان اجزای مختلف امت اسلامی. توانایی تبدیل چالش‌ها و تحریم‌ها به فرصت‌هایی برای افزایش خوداتکایی.

از دیدگاه شما آرمان قدس و فلسطین به عنوان یک هدف در تصمیم‌گیری‌ها و

استراتژی‌های رهبر شهید چه جایگاهی داشت؟

بدون شک، شخصیت، گفتار، رهبری، کار و تلاش‌های رهبر شهید انقلاب اسلامی در حمایت از آرمان فلسطین منعکس شده است. حمایت از قدس و فلسطین رکن اصلی دیدگاه سیاسی او بود و این امر آثار استراتژیک متعددی داشت؛ از جمله:



رهبر انقلاب، این مفهوم

را که فلسطین یک

مسئله محوری برای

امت اسلامی است و

نه صرفاً یک مسئله

داخلی، تقویت کرد. در

غیر این صورت، این

مسئله به ویژه با توجه به

توطئه‌های بین‌المللی

و منطقه‌ای علیه آن و

حمایت بی‌پایان آمریکا

از اسرائیل کم‌رنگ

می‌شد.

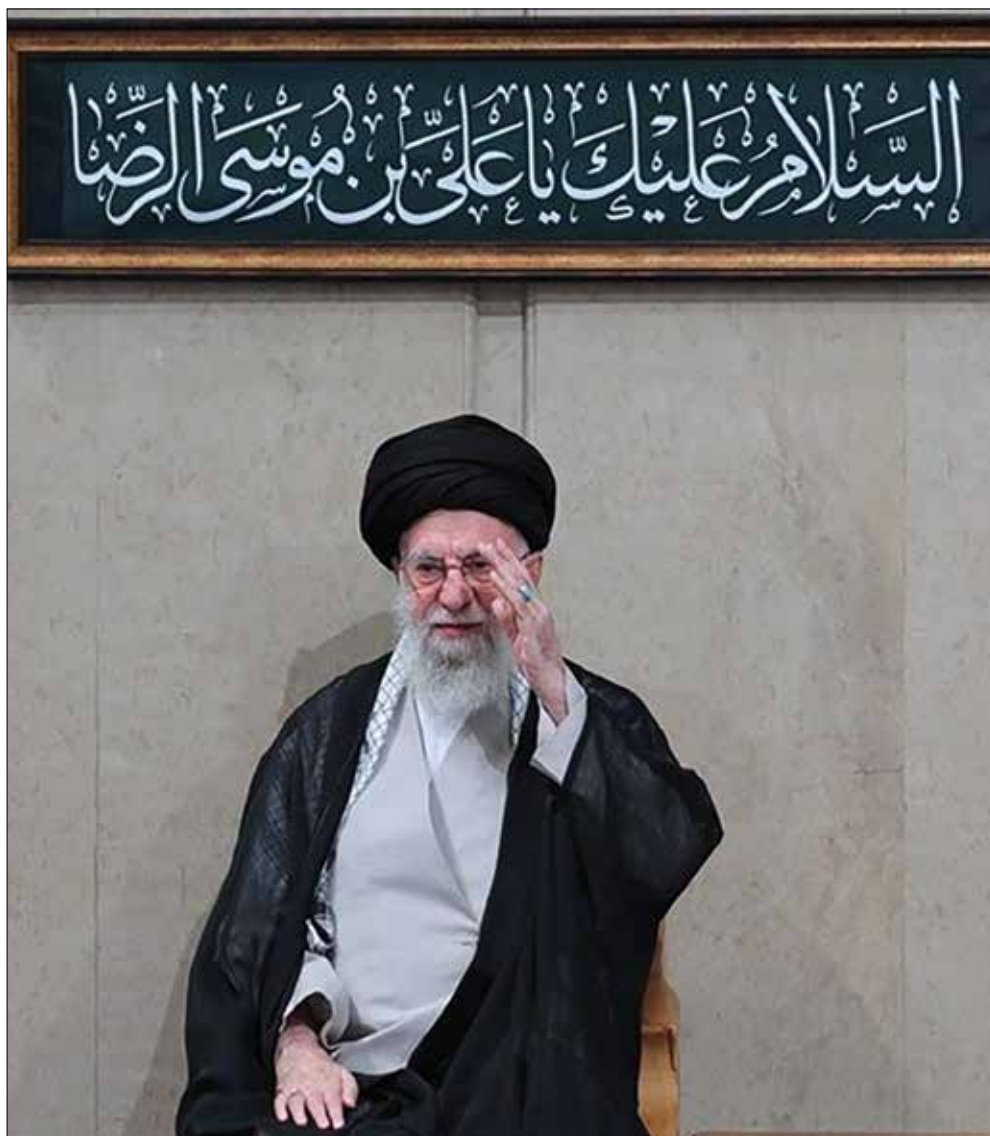
باقی نگه داشتن آرمان فلسطین در صدر توجه اسلامی و بین‌المللی. ارائه حمایت سیاسی، اخلاقی و رسانه‌ای به مقاومت فلسطین. تقویت توانایی‌های نیروهای مقاومت که آن‌ها را قادر می‌سازد تا توانایی‌های دفاعی و بازدارنده خود را برای مقابله با رژیم اشغالگر توسعه دهند. رهبر انقلاب، این مفهوم را که فلسطین یک مسئله محوری برای امت اسلامی است و نه صرفاً یک مسئله داخلی، تقویت کرد. در غیر این صورت، این مسئله به‌ویژه با توجه به توطئه‌های بین‌المللی و منطقه‌ای علیه آن و حمایت بی‌پایان آمریکا از اسرائیل کم‌رنگ می‌شد. رهبر شهید، ایده ایجاد و حمایت از یک محور منطقه‌ای برای حمایت از مقاومت را ارائه کرد که بسیاری از پویایی‌های قدرت در منطقه را تغییر داد. همچنین در پرتو حمایت‌های رهبر شهید انقلاب، توانایی مردم فلسطین برای پایداری در مواجهه با فشارها و حملات مداوم افزایش یافت.

استراتژی رهبر شهید تا چه حد در حمایت از گروه‌های مقاومت و تقویت وحدت اسلامی نقش دارد؟

استراتژی ایشان با تمرکز بر مشترکات اصلی امت اسلامی به جای اختلافات فرقه‌ای، در تقویت وحدت اسلامی نقش داشت. ایشان از جنبش‌های مختلف مقاومت بر اساس موضع آن‌ها در برابر اشغال و سلطه و نه بر اساس گرایش‌های مذهبی‌شان. حمایت و روابط نزدیک و همکاری با حماس و سایر گروه‌های مقاومت فلسطینی بنا کرد. رهبر شهید همواره تأکید می‌کرد که آرمان فلسطین نقطه همگرایی برای همه مسلمانان است و باید با پروژه‌های تفرقه و درگیری‌های فرقه‌ای در جهان اسلام مبارزه کرد. در واقع استراتژی ایشان در این زمینه، ترویج فرهنگ همبستگی و ادغام در میان ملت‌های مسلمان از طریق ارائه یک الگوی عملی از همکاری بین نیروهای مختلف اسلامی در مقابله با چالش‌های مشترک بود. بر همین اساس بود که او را نمادی از وحدت اسلامی و عبور از موانع فرقه‌ای و اعتقادی در خدمت به آرمان‌های بزرگ‌تر امت می‌دانستند.

پیشرفت ملی در عین حفظ استقلال سیاسی بدون تکیه به غرب و شرق از استراتژی‌های رهبر شهید، آیت‌الله خامنه‌ای بود. این استراتژی چگونه تحت رهبری ایشان محقق شد؟

ایشان به اصل «نه شرقی، نه غربی» به عنوان اساس استقلال در تصمیم‌گیری ملی که توسط امام خمینی ره بنا نهاده شده بود، پایبند بودند و در همین راستا از سرمایه‌گذاری‌های فشرده در آموزش، تحقیقات علمی و فناوری برای تبدیل ایران به کشور پیشرو در این زمینه‌ها در رقابت با سایر کشورها حمایت و به خودکفایی و تقویت تولید داخلی در مقابله با تحریم‌های آمریکا و بین‌المللی تشویق کرد. از دیگر استراتژی‌های رهبر شهید برای حفظ استقلال کشور، ایجاد توانمندی‌های دفاعی محلی برای کاهش وابستگی به قدرت‌های خارجی، هم‌زمان با ایجاد روابط بین‌المللی متنوع بر اساس منافع متقابل و نه سرسپردگی بود. ترویج مفهوم «اقتصاد مقاومتی» برای مقابله با تحریم‌ها و فشارهای خارجی و حفظ هویت فرهنگی و تمدنی در عین حمایت از پیشرفت‌های علمی و فناوری نیز بنای کار ایشان در این مسیر بود. بنابراین، امام خامنه‌ای الگویی ارائه دادند که نشان می‌دهد توسعه و پیشرفت با استقلال و حاکمیت ملی منافاتی ندارد؛ بلکه استقلال واقعی شرط اساسی دستیابی به توسعه پایدار ملی است.



در گفتگو با «کیلب موپین» روزنامه نگار و بنیان گذار مرکز نوآوری سیاسی

رویکرد ضد استعماری و پروژه سیاسی آیت الله خامنه‌ای در منطقه؛ محور مقاومت مهم‌ترین میراث رهبر شهید است

رهبریت نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

فصل دوم

در این گفت‌وگوی تحلیلی، میزبان آقای «کیلب موپین» (Caleb Maupin) هستیم؛ روزنامه‌نگار، نویسنده و تحلیلگر برجسته مسائل سیاسی که به واسطه دیدگاه‌های انتقادی و فعالیت‌های میدانی‌اش در عرصه بین‌الملل شناخته می‌شود. آقای موپین با پشتوانه‌ای غنی از سفرهای مطالعاتی در خاورمیانه و آمریکای لاتین، و همچنین تجربیات عملی در جنبش‌های عدالت خواهانه از جمله نقش‌آفرینی در مراحل اولیه جنبش «اشغال وال استریت» — نگاهی دقیق به ساختارهای قدرت و سیاست خارجی ایالات متحده دارد. او به عنوان بنیان‌گذار و رهبر فکری «مرکز نوآوری سیاسی» (Center for Political Innovation)، همواره از مدافعان صریح دوستی و همکاری‌های بین‌المللی و ترویج مفاهیم «سوسیالیسم قرن بیست و یکم» بوده است. در این نشست، با بهره‌گیری از دانش و تجربه او، ابعاد پیچیده تحولات منطقه‌ای، سیاست خارجی غرب و جایگاه ایران در معادلات جهانی را از نگاه این تحلیلگر مستقل مورد واکاوی قرار خواهیم داد. کیلب، از حضور شما در این گفت‌وگو و پذیرفتن دعوت من سپاسگزارم. همان‌طور که می‌دانید، در ماه‌های اخیر منطقه شاهد تنش‌هایی بوده است. ایران نیز در کمتر از یک سال دو بار هدف حملات اسرائیل و ایالات متحده قرار گرفت و در نهایت، رهبر پیشین جمهوری اسلامی ایران، آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، در حملات اسرائیل در سال جاری ترور شد.

آیا فکر می‌کنید شهادت رهبر ایران می‌تواند سیاست‌های ایران در قبال غرب و کشورهای غربی، به‌ویژه اسرائیل، را تغییر دهد؟



خود این که پسر او به
عنوان رهبر انتخاب
شده، پیام بسیار مهمی
در بردارد؛ پیامی که
می‌گوید مسیر و میراث
او ادامه خواهد یافت.
در واقع این انتخاب
نوعی پیام‌رسانی است؛
اینکه حتی اگر این
رهبر را ترور کرده باشید،
راه و اندیشه‌ای که
او نمایندگی می‌کرد
همچنان ادامه خواهد
داشت.

راستش را بخواهید، من اطلاعات کافی در این باره ندارم. می‌دانم که پسر او که اکنون به عنوان رهبر جدید انتخاب شده، چند اظهار نظر عمومی داشته است، اما باید دید سیاست‌های او در عمل چگونه خواهد بود. با این حال، احساس می‌کنم که تغییر قابل توجهی رخ نخواهد داد. خود این که پسر او به عنوان رهبر انتخاب شده، پیام بسیار مهمی در بردارد؛ پیامی که می‌گوید مسیر و میراث او ادامه خواهد یافت. در واقع این انتخاب نوعی پیام‌رسانی است؛ اینکه حتی اگر این رهبر را ترور کرده باشید، راه و اندیشه‌ای که او نمایندگی می‌کرد همچنان ادامه خواهد داشت. بنابراین بعید می‌دانم تغییر جدی در سیاست‌ها رخ دهد. از سوی دیگر، جناح به اصطلاح میانه‌رو و اصلاح‌طلب در حال حاضر تا حد زیادی بی‌اعتبار شده‌اند و به نظر می‌رسد جوانان ایران بیش از گذشته به جریان‌های موسوم به «تندرو» نزدیک شده‌اند.

در عین حال، ایالات متحده دیگر نمی‌تواند خود را کشوری معرفی کند که صرفاً به دنبال مذاکره یا استفاده از «قدرت نرم» است؛ نه بعد از اقداماتی که انجام داد. آن‌ها به جهان نشان دادند که تا چه اندازه می‌توانند بی‌رحم و غیرانسانی عمل کنند. در نتیجه، به نظر من جناح موسوم به اصولگرا و اصول و مبانی انقلاب ایران، بیش

از پیش در میان جامعه ایران ریشه خواهد دواند و حمایت بیشتری از سوی مردم دریافت خواهد کرد.

آیت الله خامنه‌ای نزدیک به چهار دهه رهبری ایران را بر عهده داشت. به نظر شما مهم‌ترین میراث او برای نسل‌های آینده چه خواهد بود؟

چه سوالی! من در سال ۲۰۱۵ این فرصت را داشتم که به عنوان یک آمریکایی سخنرانی او را از نزدیک ببینم. آن زمان در حرم بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، آیت الله خمینی، حضور داشتم و سخنرانی او را شنیدم. برداشت من این بود که او عمیقاً به تداوم یک جنبش انقلابی در سراسر منطقه باور داشت. او حزب الله، انصار الله و دیگر متحدان ایران را بخشی مهم از امتداد انقلاب اسلامی می‌دانست.

او به حفظ مجموعه‌ای از اصول پایبند بود. در عین حال، به نسل جوان توجه داشت و علاقه‌مند بود که کشور در جریان تحولات روز باقی بماند و در گذشته متوقف نشود؛ اما در عین حال به طور جدی بر حفظ سنت‌ها و ارزش‌های انقلابی جمهوری اسلامی تأکید داشت. به گمان من، اگر به آنچه «محور مقاومت» نامیده می‌شود نگاه کنیم — اصطلاحی که حدود سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ رواج پیدا کرد — می‌بینیم که این مفهوم تا حد زیادی حاصل نگاه و پروژه سیاسی او بوده است. امروز نیز این محور همچنان زنده و فعال است. به باور من، همین شبکه و جنبش منطقه‌ای که از انقلاب ایران الهام گرفته، مهم‌ترین میراث ماندگار او برای آینده خواهد بود.

تصویر آیت الله خامنه‌ای را در کشورهای غربی، به ویژه در کشور خودتان، چگونه توصیف می‌کنید؟

واقعیت این است که مردم تقریباً هیچ شناختی از او ندارند. در کشورهای غربی تلاش می‌کنند او را به گونه‌ای تصویر کنند که گویی یک تروریست است؛ گویی تفاوتی با اسامه بن لادن، داعش و امثال آن‌ها ندارد. مردم واقعاً چیزی نمی‌دانند و درک چندانی از منطقه ندارند. آن‌ها بسیار سردرگم‌اند و حتی تفاوت میان سنی و شیعه، یا میان یک افراط‌گرای وهابی و یک مسلمان شیعه را نمی‌دانند. واقعاً تصویری در این باره ندارند. در رسانه‌های آمریکایی، او به گونه‌ای معرفی می‌شد که انگار چهره‌ای برجسته در ایران است که با بسیاری از اقدامات تروریستی در سراسر جهان ارتباط دارد. همچنین تلاش کردند به ما بگویند که او مسئول کشته شدن سربازان آمریکایی در عراق بوده است؛ در حالی که واقعیت این است که پس از حمله آمریکا به عراق — حمله‌ای که خود غیرقانونی و کاملاً مجرمانه بود — ایران با دولت‌های مختلف عراق همکاری می‌کرد تا به ثبات این کشور کمک کند.

ایران تلاش می‌کرد با جوامع شیعه در عراق همکاری کند تا آن‌ها بتوانند از خود



من در سال ۲۰۱۵ این فرصت را داشتم که به عنوان یک آمریکایی سخنرانی او را از نزدیک ببینم. آن زمان در حرم بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، آیت الله خمینی، حضور داشتم و سخنرانی او را شنیدم. برداشت من این بود که او عمیقاً به تداوم یک جنبش انقلابی در سراسر منطقه باور داشت. او حزب الله، انصار الله و دیگر متحدان ایران را بخشی مهم از امتداد انقلاب اسلامی می‌دانست.



محافظت کنند. هرچند ایالات متحده نمی‌خواست ایران در عراق نفوذ داشته باشد، اما دولت‌های مختلف عراق، هر یک به نوعی، ناچار شدند به ایران روی بیاورند؛ زیرا ایران توانایی تأمین امنیت، حفاظت و ثبات را داشت.

او در پی دامن زدن به کشته شدن سربازان آمریکایی نبود؛ بلکه تلاش می‌کرد به عراق ثبات ببخشد. پس از آن نیز گروه‌های افراطی و هابی بسیاری وارد عراق شدند و جوامع شیعه را هدف قرار دادند. بنابراین، تصویری که رسانه‌های آمریکایی از او ارائه می‌دهند، کاملاً نادرست است و بر نوعی ناآگاهی بنا شده است. آن‌ها همه مسلمانان را یکسان نشان می‌دهند؛ همه مسلمانان را افراطی و تروریست معرفی می‌کنند. واژه «تروریست» نیز به عنوان یک برچسب حقوقی، به سادگی به او نسبت داده می‌شود، بی‌آنکه توضیحی داده شود. در نتیجه، مردم به گونه‌ای شکل داده می‌شوند که انقلاب اسلامی، حزب الله و انصار الله را هم ردیف داعش و القاعده ببینند؛ گویی همه آن‌ها یکسان‌اند و همگی صرفاً «تروریست» هستند. این همان شیوه‌ای است که رسانه‌های غربی مسائل را بازنمایی می‌کنند و واقعاً تأسف بار است.

ایشان چه تأثیری بر خاورمیانه و البته بر روابط بین‌المللی ایران با دیگر کشورها و جهان غرب گذاشت؟

خب، برای مثال، تصویری از او در کنار توماس سانکارا، رهبر بورکینافاسو، این روزها زیاد دست‌به‌دست می‌شود؛ به‌ویژه با توجه به اینکه اکنون بورکینافاسو بار دیگر دولتی انقلابی دارد و در چارچوب ائتلاف کشورهای ساحل، به رهبری ابراهیم ترانوره، نقش آفرینی می‌کند.

رجعت‌نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

■ فصل دوم

همچنین او در حمایت از ایرلند و مبارزه مردم آن سخن گفته بود. زمانی هم که بریتانیا روابط دیپلماتیک خود را با ایران از سر گرفت، خیابانی که سفارت بریتانیا در آن قرار داشت، به نام «بابی سندن»، مبارز آزادی خواه ایرلندی، نام گذاری شد.

او به شدت می خواست ایران را به عنوان بخشی از جنبش های ضد استعماری حفظ کند؛ جنبش هایی که انقلاب ایران از دل آن ها زاده شد. انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ در متن موجی از مبارزات علیه امپریالیسم شکل گرفت؛ مانند مبارزه مردم ویتنام برای اتحاد دوباره کشورشان در جریان جنگ ویتنام، یا مبارزه مردم الجزایر علیه استعمار فرانسه. او عمیقاً متعهد بود که ایران را کشوری بدانند که از دل یک مبارزه ضد استعماری برخاسته است.

به باور من، این همان میراث ماندگار او خواهد بود. او ایران را صرفاً یک کشور نمی دید؛ بلکه آن را کشوری می دانست که در بستریک انقلاب متولد شده، بخشی از یک جنبش انقلابی است و در کنار محرومان و ستمدیدگان جهان ایستاده است. او تفسیری از اسلام شیعی را حفظ و برجسته کرد که بر فداکاری در راه مظلومان و حمایت از ستمدیدگان تأکید داشت.

نقش او در توسعه توانمندی های نظامی و بازدارندگی استراتژیک ایران تا چه حد قابل

توجه بود؟

خب، او به حفظ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان بخشی اساسی از حکومت ایران بسیار متعهد بود. او بسیار به حفظ جناح ایدئولوژیک نیروهای نظامی ایران متعهد بود و اینکه ارتش ایران صرفاً یک نیروی عمل گرا نباشد، بلکه بر پایه اصول انقلابی استوار باشد. به همین دلیل است که او تا این حد مشتاق بود و بر این موضوع پافشاری می کرد و بسیار، بسیار قاطع بود که آن ها باید به حمایت از نیروهای انقلابی در سراسر منطقه ادامه دهند. او به چشم انداز انقلابی ایران متعهد بود و من فکر می کنم که این امر هم در سیاست های نظامی و هم در فعالیت های مربوط به سیاست های داخلی دولت ایران نمود پیدا کرد؛ اما کی لب، می دانی، یکی از مشکلات در دوران رهبری او در خصوص برنامه صلح آمیز هسته ای ایران...

مهم ترین پرسش من از شما این است که نسل های آینده، و البته نه فقط در ایران بلکه در

سراسر جهان، چگونه درباره ایشان قضاوت خواهند کرد؟

فکر می کنم از او به عنوان کسی یاد خواهد شد که خواهان صلح بود؛ کسی که پیشینه و سنت انقلابی داشت، اما بر اصول خود پایبند ماند. او اجازه داد توافق هسته ای ایران پیش برود و مذاکرات ادامه یابد.



او ایران را صرفاً یک کشور نمی دید؛ بلکه آن را کشوری می دانست که در بستریک انقلاب متولد شده، بخشی از یک جنبش انقلابی است و در کنار محرومان و ستمدیدگان جهان ایستاده است. او تفسیری از اسلام شیعی را حفظ و برجسته کرد که بر فداکاری در راه مظلومان و حمایت از ستمدیدگان تأکید داشت.



او مایل بود تقریباً از تمام برنامه صلح‌آمیز انرژی هسته‌ای صرف‌نظر کند. او کسی بود که با وجود درخواستن از یک سنت انقلابی، آن‌طور که غربی‌ها می‌گویند یک «تندروی ساده لوح» نبود. او درک می‌کرد که باید سازش کرد و مذاکره انجام داد. اما او با نیروهایی مذاکره می‌کرد که صادق و پایبند به اصول نبودند. او به مردم ایران در این باره هشدار داد و در فضایی خصمانه، نهایت تلاش خود را برای صلح انجام داد. امروزه اسرائیل در نظر تمام جهان به عنوان موجودیتی جنایتکار دیده می‌شود و آمریکا تحت سلطه اسرائیل است. او تمام تلاش خود را کرد تا مردم منطقه و همچنین مردم کشور خودش را هدایت کند و با وجود مواجهه با دشمنی متجاوز و شرور، بیشترین تلاش را برای صلح و توسعه انجام دهد. و فکر می‌کنم که او این‌گونه در یادها خواهد ماند.

آیا رهبری او وحدت ملی را در ایران تقویت کرد؟

فکر می‌کنم همین‌طور است. منظورم این است که او تلاش ویژه‌ای کرد تا به‌طور آشکار جناحی عمل نکند. او درباره این صحبت می‌کرد که هر مسلمان، هم اصلاح‌طلب است و هم اصول‌گرا. او به حرف‌های جوانان در کشور گوش می‌داد، چرا که نوعی شکاف نسلی در ایران وجود دارد (یا وجود داشته است). او می‌خواست کشور را متحد کند و درک می‌کرد که نمی‌توان مسائل را صرفاً از بالا تحمیل کرد. تلاش‌هایی برای شنیدن صدای دیگران صورت می‌گرفت؛ و همچنین تلاش‌هایی برای جذب افرادی در داخل کشور که ممکن بود تا حدی احساس بیگانگی کرده باشند. دیدم که او پیامی خطاب به مسیحیان صادر کرد. او فرارسیدن کریسمس را به جامعه مسیحیان ایران تبریک گفت. دیدن این مسئله بسیار الهام‌بخش بود. او می‌خواست کشور را متحد کند؛ می‌خواست در عین حفظ اصولی که انقلاب بر پایه آن‌ها بنا شده بود، کشور را یکپارچه نگه دارد.



گفت‌وگو با پروفیسور ویلیام اورمان بیمن، استاد مردم‌شناسی دانشگاه مینه‌سوتا:

سیاست «نه شرقی نه غربی» بازتابی از تمایل به مقاومت در برابر ظلم خارجی است

پروفیسور «ویلیام اورمان بیمن»، مردم‌شناس برجسته آمریکایی و استاد دانشگاه مینه‌سوتا، در تحلیل ابعاد اجتماعی و بین‌المللی شهادت رهبر انقلاب اسلامی، ریشه‌های سوگ مردم ایران را در سنت دیرینه فداکاری برای عدالت اجتماعی و الگوی نمادین عاشورای دانست. او در این گفت‌وگو با تأکید بر تعهد عمیق ایرانیان به مقاومت در برابر ظلم، به بررسی بازتاب جهانی سیاست «نه شرقی، نه غربی» و تنهایی ایران در حمایت واقعی از آرمان فلسطین می‌پردازد. تخصص اصلی او مطالعات ایران، فرهنگ و جامعه ایرانی، زبان‌شناسی اجتماعی، مطالعات خاورمیانه و هنرهای نمایشی است. ویلیام اورمان بیمن آثار متعددی در حوزه ایران‌شناسی، فرهنگ و جامعه ایران منتشر کرده است. از مهم‌ترین کتاب‌های او می‌توان به پژوهشی درباره زبان، جایگاه اجتماعی و مناسبات قدرت در ایران، اثری درباره تصویرسازی متقابل ایران و آمریکا از یکدیگر و کتابی درباره سنت‌ها و آیین‌های نمایشی ایران اشاره کرد که از منابع شناخته‌شده در مطالعات ایران و خاورمیانه به شمار می‌روند.

رحمت نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

فصل دوم

ابعاد گسترده تکریم رهبر شهید نزد مردم ایران را چگونه ارزیابی می کنید و انتظار شما از مراسم بزرگداشت ایشان چیست؟

اکنون که به این پرسش ها پاسخ می دهیم، در ایران مصادف با روز عاشورا است. ایران سنت دیرینه ای در بزرگداشت شهدایی دارد که برای آنچه آرمان عدالت اجتماعی تلقی می شود، جان خود را فدا کرده اند. بنابراین پیش بینی می کنم که امروز و در آینده مراسم بزرگداشت زیادی برای شهادت آیت الله خامنه ای برگزار شود. بناهای عمومی، مسیرها و سایر بناهای یادبود به نام او در ایران و شاید در لبنان نامگذاری خواهند شد.

با این اوصاف، باید درک کنیم که شهادت آیت الله خامنه ای بیشتر مسئله ای منحصر به جهان اسلام شیعه است، اما در جهان اهل تسنن کمتر او را می شناسند و این تأسف بار است. در جهان غرب نیز شناخت اندکی از آیت الله وجود دارد و بیشتر، افراد بسیار آگاه از نظر سیاسی او را می شناسند. ممکن است دولت ایران بتواند این شناخت را در سال های آینده گسترش دهد. مطمئناً آیت الله مجتبی خامنه ای راه پدر را تبیین خواهد کرد.

حمایت ایران از آرمان فلسطین تحت رهبری آیت الله خامنه ای را چگونه ارزیابی می کنید؟

متأسفانه در سراسر جهان اسلام، ایران تنها کشوری است که پیوسته از مردم فلسطین و آرمان فلسطین حمایت کرده است. بسیاری از کشورهای اسلامی در ظاهر از حقوق فلسطینیان حمایت می کنند، اما در نهایت هیچ کاری برای حمایت واقعی از آنها انجام نمی دهند. به دلیل حمایت مداوم ایران از فلسطین و مردم آن است که این کشور بارها مورد حملات اسرائیل و حامیان «بنیامین نتانیا هو» قرار گرفته است. چه بسا در آینده، کشورهای همسایه و غرب از ایران انتظار داشته باشند که حمایت خود را از فلسطین کاهش دهد. البته در حال حاضر، حمایت از فلسطین، فلسطینیان و همچنین جمعیت شیعه لبنان در ایران همچنان قوی است.

ریشه های سوگواری مردم ایران در پی شهادت آیت الله «سید علی خامنه ای»، رهبر انقلاب کدامند و پایبندی به کدام ارزش ها، آن ها را در این سوگ بزرگ گردهم آورده است؟

قدرت نمادین شهادت در جامعه شیعه بسیار بالاست و این امر می تواند به دلیل اعتقاد به وجود اراده الهی در مرگ چهره های مذهبی بزرگ باشد. عامل دیگری که در ایران قوی تر از جهان غیر شیعه است، تعهد به عدالت اجتماعی است. ایرانیان تعهد شدیدی به عدالت اجتماعی دارند که در بسیاری از نقاط دیگر جهان یافت نمی شود. به همین دلیل است که می بینید مردم در داخل ایران به بی عدالتی داخلی و همچنین بی عدالتی بین المللی



قدرت نمادین شهادت
در جامعه شیعه بسیار
بالاست و این امر
می تواند به دلیل اعتقاد
به وجود اراده الهی در
مرگ چهره های مذهبی
بزرگ باشد. عامل دیگری
که در ایران قوی تر
از جهان غیر شیعه
است، تعهد به عدالت
اجتماعی است. ایرانیان
تعهد شدیدی به عدالت
اجتماعی دارند



اعتراض می‌کنند. به نظر می‌رسد این از دیدگاه مردم خارج از ایران متناقض است، اما کاملاً با ایدئولوژی شیعه سازگار است.

بازتاب سیاست «نه شرقی نه غربی» که تجسم عینی آن در سیاست‌گذاری‌های رهبر شهید انقلاب وجود دارد، در بین جوامع و ملت‌های دیگر چگونه مشاهده می‌شود؟

الگوی نمادین شهادت امام حسین همچنان در زندگی اجتماعی و مذهبی ایرانیان جایگاه محوری دارد. علاوه بر این، همان‌طور که در بالا گفته شد، تعهد به مقاومت در برابر بی‌عدالتی اجتماعی بخش جدایی‌ناپذیری از تکریم شهادت است؛ زیرا امام حسین و خانواده‌اش که در کربلا به شهادت رسیدند، عمیق‌ترین الگو از فداکاری برای عدالت اجتماعی و حقیقت مذهبی هستند. تأکید می‌کنم که این اخلاق در ایران و جهان شیعه بسیار عمیق‌تر از جهان خارج از آن است. سیاست «نه شرقی نه غربی» که در انقلاب اسلامی تجسم یافته است، بازتابی از تمایل به مقاومت در برابر ظلم خارجی است. ایران از طریق جنبش عدم تعهد، متحدانی در سراسر جهان در این ایدئولوژی پیدا کرده است. بسیاری از کشورهای دیگر، به‌ویژه آن‌هایی که تحت استعمار رنج برده‌اند، در این تمایل برای رهایی از ظلم قدرت‌های اروپایی و آسیایی سهیم هستند. از این نظر، ایران در جنبش عدم تعهد، همدلی قابل توجهی را به دست آورده است.



سیاست «نه شرقی نه
غربی» که در انقلاب
اسلامی تجسم یافته
است، بازتابی از تمایل
به مقاومت در برابر ظلم
خارجی است. ایران از
طریق جنبش عدم
تعهد، متحدانی در
سراسر جهان در این
ایدئولوژی پیدا کرده
است.

آیت الله خامنه‌ای؛ رهبری قدرتمند، ملی‌گرا، منطقه‌ای و جهانی

یادداشتی از عدنان منصور، وزیر خارجه اسبق لبنان



عدنان منصور

وزیر خارجه اسبق لبنان



آیت الله خامنه‌ای

یکی از بی‌نظیرترین

شخصیت‌های جهانی

است که توانست در

عرصه مبارزه و مقاومت

در تاریخ جاودانه بماند.

او به هیچ وجه قابل

مقایسه با رهبران

عرب منطقه و جهان

نیست. دستاوردهای

او تا سال‌ها در منطقه

و ملت‌های عربی و

اسلامی باقی خواهد

ماند.

آیت الله خامنه‌ای، رهبر شهید جمهوری اسلامی ایران، یک شخصیت بی‌نظیر در صحنه سیاسی ایران، منطقه و جهان به شمار می‌رود.

او هم ملی‌گرا بود، هم اسلام‌گرا و هم به ملیت ایرانی و هم به امت اسلامی اعتقاد داشت. او توانست تمام این مفهوم‌ها را در کنار هم و در راستای منافع جهان اسلام جمع کند.

او تغییرات بسیار واقعی در ادبیات سیاسی منطقه و جهان ایجاد کرد؛ به گونه‌ای که رهبران جدیدی تحت تاثیر الگوی رهبری او در جهان اسلام پدیدار شدند. او شاگردانی را در منطقه پرورش داد که برجسته‌ترین آن، سید حسن نصرالله، دبیرکل شهید حزب الله لبنان بود و او همچون آیت الله خامنه‌ای توانست در محیط عربی، اسلامی و جهانی نقش بی‌نظیری ایفا کند.

آیت الله خامنه‌ای رهبری قدرتمند، ملی‌گرا، منطقه‌ای و جهانی بود. او علاوه بر آنکه در داخل ایران توانست ملی‌گرایی را در جهت منافع مردم ایران تقویت کند، هم‌زمان نیز توانست به عنوان یک رهبر قدرتمند در جهان اسلام تاثیرگذار باشد.

آنچه امروز از دستاوردهای سیاسی، نظامی و اقتصادی در عرصه محور مقاومت اسلامی می‌گذرد، مرهون مجاهدت، تلاش‌ها و تدبیر آیت الله خامنه‌ای شهید است.

ماندگاری، بقای گفتمان مقاومت و تاب‌آوری آن در عرصه سیاسی، نظامی و اجتماعی، نتیجه اراده قدرتمند ایشان و نیز شناخت و درک عمیق از آینده سیاسی منطقه بود.

آیت الله خامنه‌ای یکی از بی‌نظیرترین شخصیت‌های جهانی است که توانست در عرصه مبارزه و مقاومت در تاریخ جاودانه بماند.

او به هیچ وجه قابل مقایسه با رهبران عرب منطقه و جهان نیست. دستاوردهای او تا سال‌ها در منطقه و ملت‌های عربی و اسلامی باقی خواهد ماند.

مکتب مقاومت منطقه و نیز پسوند اسلامی آن، مرهون تلاش‌ها و درایت آیت الله خامنه‌ای بود که با وجود فشارهای بیرونی و نیز مخالفت‌های داخلی، توانست آن را به مرحله‌ای از تکامل برساند.

نگاه او به موضوع فلسطین و مقاومت، یک نگاه تاکتیکی نبود که بر اساس منافع و نیز شرایط سیاسی خاص تغییر کند؛ او همواره به موضوع فلسطین و قدس و نیز دفاع از ملت ایران و امت عربی و اسلامی، نگاه اصولی و ثابت داشت.



امام خامنه‌ای و فصل جدیدی از مقاومت و پیروزی

گفتاری از شیخ «ماهر حمود» دبیرکل اتحادیه علمای مقاومت

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و رهبری امام خمینی، با روی کار آمدن آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان رهبر انقلاب اسلامی ایران، فصل جدیدی از مقاومت در منطقه آغاز شد. معادلات جدیدی شکل گرفت و مقاومت به سمت تکامل پیش رفت.

آیت‌الله خامنه‌ای درک مهمی از آینده سیاسی و تحولات آینده منطقه داشتند و بارها به توطئه‌های رژیم صهیونیستی در بین امت اسلامی و عربی هشدار دادند. او نه تنها یک رهبر قدرتمند سیاسی در جهان اسلام به شمار می‌رفت، بلکه از نظر علمی، اجتهاد و دینی نیز به عنوان یک مرجع، دارای پشتوانه مردمی بسیار زیادی در جهان عرب و اسلام بود.

بسیاری از مردم در جهان اسلام مقلد او هستند. او به خوبی توانست ترکیبی از عقیده، سیاست، مذهب، ملی‌گرایی و امت‌سازی را در جهت خدمت به آزادسازی فلسطین و قدس به کار گیرد. همین درک عمیق او از رژیم صهیونیستی و توطئه‌های مشترک آن با آمریکا در منطقه بود که باعث شد، آمریکایی‌ها او را دشمن درجه یک خود به شمار آورند. آیت‌الله خامنه‌ای در بین رهبران معنوی جهان، چه مسیحی و چه اسلامی، دارای جایگاهی بلند است.



شیخ ماهر حمود

دبیرکل اتحادیه علمای مقاومت

نقش پیشگام شهید بزرگ خامنه‌ای در پیروزی بزرگ

یادداشتی از حسن محلی، تحلیلگر ارشد جهان عرب و مقاله نویس ثابت المیادین

با مطالعه گسترده‌ی سخنرانی‌ها، خطابه‌ها و گفتگوهای آیت‌الله العظمی علی خامنه‌ای، همواره تحت تأثیر چندین ویژگی شخصی، نه سیاسی، آقای خامنه‌ای قرار گرفته‌ام. مهم‌ترین این ویژگی‌ها، فروتنی و انسانیت عمیق ایشان بود که نه تنها ایشان را نزد اکثر مردم ایران در تمام اقشار جامعه، بلکه نزد هر کسی که ملاقات می‌کرد، چه در داخل ایران و چه در خارج از کشور، محبوب می‌کرد. این شهید برای همه کودکان، جوانان، زنان و مردان، پدر و پدربزرگ بود و همیشه احساسات و عواطف آن‌ها را درک می‌کرد و با نهایت حساسیت به آن‌ها پاسخ می‌داد. همین امر برای کسب عشق خالصانه، فداکارانه و محترمانه‌ی همگان کافی بود. در مورد مبارزه مرحوم آیت‌الله العظمی، نیازی به توضیح بیشتر نیست، زیرا تمام جهان، و به ویژه مردم ایران، از سابقه‌ی فعالیت ایشان از دوران جوانی، زمانی که به طور فعال در جنبش مردمی علیه شاه مخلوع، رضا پهلوی، شرکت داشتند، به خوبی آگاه هستند. در مورد تربیت دینی و درک عمیق ایشان از آموزه‌های اسلامی و رویکرد حسینی در دقیق‌ترین جزئیات و معانی جامع آن، این نیز مهم‌ترین جنبه زندگی آن شهید بزرگوار بود. این امر مورد تقدیر همه رهبران و چهره‌های جهانی که با او ملاقات کردند، قرار گرفت و همه آن‌ها بی‌طرفی، صداقت و تعهد شخصی و انسانی او را چه از نظر اعتقادی و چه از نظر اخلاقی تصدیق کردند. شاید به همین دلیل است که شهید بزرگوار قبل از اینکه فارس باشد، عرب، آذربایجانی، ترک و کرد بود. او می‌خواست نه تنها به همه مردم ایران، بلکه به همه مردم جهان اسلام بگوید که هیچ تفاوتی بین یک مسلمان با مسلمان دیگر وجود ندارد، مگر در تقوا و ایمان، که به معنای ملاقات در حداقل زمینه‌ی مشترک امت اسلامی است.

آیت‌الله خامنه‌ای شهید می‌خواست این ملت با هم علیه صهیونیسم جهانی، که توسط همه قدرت‌های امپریالیستی و استعماری (دشمن همه ملت‌های اسلامی که او از آرمان‌های آن‌ها دفاع کرد و برای آن شهید شد) حمایت می‌شود، مبارزه کنند؛ و همان طور که کسانی که زیر بال و پیر او بزرگ شدند، سید حسن نصرالله، و پیش از او شهید قاسم سلیمانی، شهید اسماعیل هنیه، یحیی سنوار و هزاران نفر از بهترین فرزندان این ملت بزرگ، برای آن شهید شدند، در کنار مردم ایران ایستادند. بنابراین او به شهادت رسید تا همه ملت‌های شریف جهان به احترام، تکریم و قدردانی از او و مبارزه‌ی طولانی، بزرگ و مبارکش برخیزند؛ مبارزه‌ای که بدون آن ایران، به عنوان یک دولت و یک ملت، پیروزی بزرگ خود را نه تنها به نام خود، بلکه به نام همه ملت‌های منطقه، در صدر آن‌ها لبنان، یمن و عراق، به دست نمی‌آورد. و نقش پیشگام شهید بزرگ خامنه‌ای در این پیروزی که نظامی نیست، بلکه سیاسی، اجتماعی، عقیدتی، اخلاقی و انسانی است، فراموش نخواهد شد و همراه با همه ملت‌های شریف جهان فراموش نمی‌شود و شامل درس‌ها، معانی و نکات اخلاقی بسیاری برای هر کسی است که این ملت را دوست دارد و خیر آن را می‌خواهد، که جز از طریق ایمان، صبر و کار سخت حاصل نمی‌شود. این همان چیزی است که شهید بزرگ علی خامنه‌ای، رحمت‌الله علیه، ثابت کرد و باشد که خداوند او را از یاران حسن و حسین قرار دهد، ان شاء الله.



آیت‌الله خامنه‌ای خستگی ناپذیر و تزلزل ناپذیر

یادداشتی از می صبحی الخنساء، وکیل لبنانی و مدیر سازمان بین‌المللی مبارزه با
فرار از مجازات

مفتخرم که این سخنان را که بیانگر احساسات من نسبت به رهبر شهید است، به شما تقدیم می‌کنم. ویژگی‌هایی که رهبر شهید را متمایز می‌کرد، همان چیزی بود که او را به اوج رهبری در تهران و در ذهن و قلب مردم لبنان و ملت‌های ملی‌گرای عرب که از دشمن غاصب فلسطین اشغالی بیزارند، رساند؛ به‌ویژه در شرایطی که مادر منطقه‌ای مملو از آشوب اشغال و در برهه‌ای حساس برای امت اسلامی خود زندگی می‌کنیم. با وجود چنین رهبر بزرگی، قلب‌های مؤمنان و دوستداران او، فقدان عمیق و خلأ عظیم ناشی از درگذشت او را

رحمت نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

فصل دوم



می صبحی الخنساء

وکیل لبنانی و مدیر سازمان
بین المللی مبارزه با فرار از
مجازات



او به فروتنی معروف
بود. کسانی که با او
می نشستند (و من
متأسفانه این افتخار
را نداشتم) می گویند
وقتی با او می نشستید،
احساس می کردید
که در حضور یک مرد
عادی، مهربان، آگاه و
هدفمند هستید. قدرت
او را حس می کردید،
اما از این ملاقات لذت
می بردید

احساس کردند. نام او مترادف با دفاع از حق، حمایت از ملت های مظلوم و تلاش برای محافظت و تقویت مقاومت اسلامی است. او در نتیجه اقدامات و مواضع خود عنوان رهبر معظم انقلاب را به دست آورد. با وجود نگرانی عمیقش نسبت به ملت بزرگ ایران و امور کشورش، به دلیل عشق به مقاومت و تمایل به پیگیری تحولات آن، عمیقاً درگیر منطقه و امور آن بود.

قبل از آخرین تجاوز علیه جمهوری اسلامی و قبل از شهادتش، شخصاً در مانورها و آماده سازی ها برای حملات شرکت می کرد، عملیات ها و طرح ها را بررسی می کرد و برخی از آن ها را با جزئیات دنبال می کرد. مردمش از کوچک تا بزرگ او را دوست داشتند و او همیشه بر این گفته امام خمینی علیه السلام، تأکید داشت: «اسرائیل باید از نقشه جهان محو شود.» او آشکارا گفت: «وصیت اساسی: مقاومت اسلامی را حفظ کنید.»

او به فروتنی معروف بود. کسانی که با او می نشستند (و من متأسفانه این افتخار را نداشتم) می گویند وقتی با او می نشستید، احساس می کردید که در حضور یک مرد عادی، مهربان، آگاه و هدفمند هستید. قدرت او را حس می کردید، اما از این ملاقات لذت می بردید و هیچ مانعی بین خود احساس نمی کردید. استقبال او از مقامات یا مسئولان هیچ تفاوتی با استقبال او از جوانان، کشاورزان یا کارگران نداشت. او با آن ها خدا حافظی می کرد و به آن ها خوشامد می گفت. با گرمی، آغوش و بوسه، وقتی از رنج خانواده شهید یا والدین شهید می شنود، عمیقاً متأثر می شود. به خانه هایشان می رود و آن ها را دلداری می دهد، گویی یکی از آن ها است. با نگرانی خود با گرمی و محبت رفتار می کند. او فروتن و پرهیزگار است، محبوب همه کسانی که او را ملاقات می کنند، و این ویژگی برجسته در شخصیت او مشهود است. او به همه مسائل مسلمانان جهان (سنی و شیعه) بدون تبعیض اهمیت می داد، همیشه از آن ها جویا می شد، به نگرانی هایشان توجه می کرد و برای وحدت مسلمانان تلاش می کرد. او هیچ جنبش اسلامی یا آزادی بخشی را بی نصیب نمی گذاشت و تلاش می کرد تا حد امکان مشارکت کند. برجسته ترین نمونه او فداکاری او در راه آرمان فلسطین بود. هر جا که موضع قاطعی لازم بود، او خستگی ناپذیر و تزلزل ناپذیر بود و با وجود جایگاه عظیمش به عنوان رهبر ملت ایران، هرگز بهانه ای برای شانه خالی کردن از تعهدات عملی نمی آورد. انسان شگفت زده می شود که چگونه او موفق می شود چنین منافع متنوعی را متعادل کند. او خود را وقف خدمت به مظلومان کرد. هر مسئله ای که به مستضعفان مربوط می شود، به او مربوط می شود و هر قدر هم که دشوار یا پیچیده باشد، او تلاش می کند تا در آن سهیم باشد.

خداوند تو را رحمت کند، ای شهید مبارزه با استکبار.

رهبر شهید، سید علی خامنه ای، قدس الله روحه، در طول مسیر جهادی خود در مقابله با محور شر، استکبار و استبداد، به رهبری ایالات متحده آمریکا، مظهر بخشش بی حد و حصر بود. زندگی جهادی او سرشار از درس های عمیقی است که چراغ امیدی برای آزادگان ملت و بشریت بوده و خواهد بود.



استقلال سیاسی و آزادی خواهی آیت‌الله خامنه‌ای

گفتاری از ناصر قندیل، تحلیلگر ارشد معروف جهان عرب

آیت‌الله خامنه‌ای را می‌توان یک الگوی بی‌مانند در ایجاد استقلال سیاسی و تقویت انسجام ملی و اسلامی در ایران و منطقه دانست. جهان اسلام نیازمند چنین رهبران قدرتمند، مستقل و بدون وابستگی است؛ آن هم در شرایطی که بیشتر رهبران منطقه، ضمانت حیات سیاسی خود را مرهون قدرت‌های خارجی هستند.

اوزبان عربی را بهتر از رهبران عرب و با فصاحتی برتر از آنان سخن می‌گفت. او بارها از شکست و افول صهیونیسم گفت و در برابر آنان ایستاد و این در حالی است که هیچ‌کدام از رهبران عرب جسارت صدور یک بیانیه علیه اسرائیل را پیدا نکردند.

شما آشکارا می‌توانید اولویت بخشی به موضوع فلسطین را در سخنان، رفتار و تصمیم‌گیری وی در سیاست داخلی و خارجی ایران ببینید. او نسبت به موضوع فلسطین بر اساس تاکتیک یا مصلحت رفتار نمی‌کرد؛ بلکه قدس و فلسطین یک اصل راهبردی در شخصیت و تفکر ایشان بود. آیت‌الله خامنه‌ای موضوع قدس را از یک دایره محدود نزاع عربی-اسرائیلی به یک اولویت مهم جهان اسلام تبدیل کرد.



رهبر فقید، خامنه‌ای: الهام بخش و راهنمای انقلاب اسلامی از طریق جهاد روشنگری

یادداشتی از مصطفی الزواتی، مدرس دانشگاه قاهره و پژوهشگر جنبش‌ها و
جریان‌های فکری جهان اسلام



مصطفی الزواتی

مدرس دانشگاه قاهره
و پژوهشگر جنبش‌ها و
جریان‌های فکری جهان اسلام

من هرگز لحظه‌ای را که جنگ توسط ایالات متحده، تحت رهبری ترامپ، علیه جمهوری اسلامی ایران آغاز شد، فراموش نخواهم کرد. این جنگ ناعادلانه منجر به از دست دادن بزرگ‌ترین رهبران مذهبی، سیاسی و نظامی ایران، و در رأس آن‌ها رهبر فقید، شهید علی خامنه‌ای، شد که در ۲۸ فوریه ۲۰۱۶ به ندای پروردگارش لبیک گفت.

او سخنان و نظریه‌های خود را به اعمال ملموس تبدیل کرد و او را به نمادی از مقاومت در همه جا و منبع الهام بخش علیه هر پروژه استثماری در زمین، به ویژه پروژه‌های ایالات متحده و فرزند نامشروع آن، اسرائیل، تبدیل کرد.

با شنیدن خبر شهادت امام خامنه‌ای، نتوانستم به همین بسنده کنم. کنجکاوی عمیقی مرا وادار کرد تا در زندگی و میراث این رهبر بزرگ کاوش کنم. با اشتیاق در میان

رجعت نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

■ فصل دوم

کتاب‌های قدیمی و نوشته‌های امام شهید گشتم و با آثار و نظریه‌های او که به تازگی کشف کرده بودم، آشنا شدم. قبل از شهادتش، به سخنرانی‌ها و خطابه‌هایش که از طریق رسانه‌ها پخش می‌شد، اکتفا می‌کردم. سپس چشمم به کتاب مهمی با عنوان «جهاد تبیین در اندیشه امام خامنه‌ای» افتاد که توسط بنیاد فرهنگ و پژوهش انقلاب اسلامی / دفتر حفظ و نشر آثار امام خامنه‌ای منتشر شده بود.

روز بعد از شهادت امام، بلافاصله کتاب را به صورت آنلاین جستجو کردم. با توجه به اینکه می‌دانستم در کتابفروشی‌های عربی موجود نیست، نسخه PDF آن را دانلود کردم و از نزدیک‌ترین کتابفروشی آن را چاپ کردم. به محض رسیدن به خانه، غرق در کتاب شدم و صفحات آن را ورق زدم. آنچه را که در سوالاتی که در ذهنم می‌چرخید، جستجو می‌کردم، یافتم: چگونه این رهبر توانست بیش از چهار دهه، به ویژه پس از رحلت امام خمینی (ره)، از پروژه انقلاب اسلامی در ایران و دستاوردهای آن محافظت کند؟ چگونه او این پروژه را از یک مرحله انقلابی به ساختن یک دولت قوی، مانند جنینی در رحم مادر، تبدیل کرد که در نهایت یک انسان کامل را شکل می‌دهد؟

می‌توان گفت که این کتاب، که شامل سخنرانی‌های رهبر فقید، خامنه‌ای، است، به عنوان نقشه راه برای پروژه انقلاب اسلامی عمل می‌کند؛ در واقع، به عنوان یک راهنمای الهام بخش برای هر پروژه اسلامی که به دنبال تقلید از مسیر جمهوری اسلامی به سوی انقلاب، عزت و رهایی از یوغ استعمار ظالمانه است. این کتاب به ابعاد مختلف «جهاد روشنگری» می‌پردازد و تأکید می‌کند که «روشنگری اساس کار انقلاب است» و «روشنگری اساساً یک روش اسلامی است».

این کتاب بر اهمیت شفاف‌سازی پروژه انقلاب اسلامی و فداکاری‌هایی که انجام داده است، لزوم توضیح هر کاری که انقلاب برای مردم انجام می‌دهد، اهمیت بررسی آن‌ها، گوش دادن به نظرات آن‌ها و نادیده نگرفتن نگرانی‌هایشان تأکید می‌کند. رهبر فقید، خامنه‌ای، شاگرد بنیانگذار انقلاب اسلامی ایران، روح‌الله خمینی، بود و نقش برجسته‌ای در آن ایفا کرد. حتی گفته می‌شود که در حالی که خمینی آتش انقلاب را شعله‌ور کرد، خامنه‌ای تداوم و صدور آن را سازماندهی کرد و از جوانی یکی از ارکان، نمادها و چهره‌های تأثیرگذار آن بود. این کتاب که بخشی از میراث این رهبر شهید است، نشان می‌دهد که جهاد روشنگری، فریضه‌ای مبتنی بر سه ویژگی اساسی است:

اول، وظیفه‌ای مطلق است که نمی‌توان آن را رها کرد یا نادیده گرفت.
دوم، وظیفه‌ای فوری است که نمی‌توان آن را به تعویق انداخت یا به تأخیر انداخت.
سوم، فریضه‌ای بر همه است؛ انجام آن توسط برخی، دیگران را تبریئه نمی‌کند.
در این کتاب، مرحوم شهید، علما، واعظان، سخنرانان برجسته و سخنوران بزرگ را به شرکت در این جهاد که در عمل رساندن پیام تجسم می‌یابد، فرامی‌خواند.
او همچنین تأکید می‌کند که در غیاب روشنگری، دشمن فرصت کافی برای گمراه کردن و فریب مردم در زمینه‌های مختلف خواهد داشت. در این کتاب، رهبر فقید به افراد فصاحت



رهبر فقید، خامنه‌ای،

شاگرد بنیانگذار

انقلاب اسلامی ایران،

روح‌الله خمینی، بود

و نقش برجسته‌ای در

آن ایفا کرد. حتی گفته

می‌شود که در حالی که

خمینی آتش انقلاب را

شعله‌ور کرد، خامنه‌ای

تداوم و صدور آن را

سازماندهی کرد و از

جوانی یکی از ارکان،

نمادها و چهره‌های

تأثیرگذار آن بود.



و بلاغت اشاره می‌کند که نماینده اقشار مختلف جامعه هستند. او از شهید آیت‌الله مدنی به عنوان نمونه‌ای برجسته یاد می‌کند و او را به عنوان یک عالم دینی فعال در جبهه‌های مختلف توصیف می‌کند و او را «گنجینه‌ای» می‌نامد. رهبر معظم انقلاب همچنین به تجربه عمار بن یاسر اشاره می‌کنند که او را «ابزار بزرگ روشنگری» در زمان امام علی (ع) می‌داند. به ندرت رویدادی رخ می‌داد که عمار بن یاسر و دیگر یاران برجسته پیامبر (ص) در مورد آن صحبت نکرده و مردم را راهنمایی نکرده و بدین ترتیب مه‌جهل را از بین نبرده باشند.

خداوند رهبر شهید را رحمت کند و جایگاهی وسیع در بهشت به او عطا کند. او نه تنها چهره واقعی بود که مسیر انقلاب اسلامی را حفظ کرد، بلکه الهام‌بخش درخشان آن در طول شکل‌گیری و توسعه آن بود، تا اینکه تأثیر آن در سراسر جهان اسلام طنین‌انداز شد.

درباره نویسنده:

مصطفی الزواتی: محقق و روزنامه‌نگار فلسطینی متخصص در امور خلیج فارس و عربستان سعودی، به‌ویژه امور مربوط به اندیشه اسلامی و گروه‌ها و جنبش‌های اسلامی. او نویسنده کتاب «گفتمان رسانه‌ای جنبش‌های اسلامی» و «سلفی‌گری اسلامی و دگرگونی‌های آن» از انتشارات دارالمکتب العربی للمعرف است. او دارای مدرک کارشناسی ارشد روزنامه‌نگاری از دانشگاه منصوره در جمهوری عربی مصر با نمره عالی است.



خامنه‌ای... شهید اسلام

یادداشتی از موسی العبدلات، وکیل و استاد دانشگاه اردن

دو جنبه اصلی در تاریخ طولانی امام خامنه‌ای تازمان شهادتش برجسته است: اول، او ایران را از درون در تمام جنبه‌های سیاسی و نظامی بازسازی کرد. او با تولید و تبدیل ایران به یک قدرت انرژی و یک کشور در حال ظهور در منطقه، با نفوذ سیاسی و اقتصادی قابل توجه، خود را متمایز کرد. این امر از طریق تنگه هرمز آشکار شد که به نقطه عطفی تاریخی علیه شیطان بزرگ تبدیل شد. جنبه دوم و اساسی، پایبندی ایشان به اصول انقلاب اسلامی ایران در حمایت از مردم مظلوم فلسطین بود. ایشان حامی قوی و آشکار محور مقاومت بودند و حمایت نظامی، اقتصادی و سیاسی خود را از آرمان فلسطین و مردم مادر غزه افزایش دادند. به ویژه، ایشان از جنبش مقاومت اسلامی حماس و جهاد اسلامی حمایت کردند و به عنوان یک قدرت نوظهور در منطقه، در دوران شهید، تل آویو و استکبار صهیونیست‌ها و جنایتکاران نتانیا‌هو و نوکرانش را در مواجهه با دست پرورده شیطان بزرگ (رژیم صهیونیستی) با موشک بمباران کردند. ایشان به مسائل منطقه‌ای پرداختند اما مقاومت فلسطین را رها نکردند و آن را خط قرمز و پیروزی برای مظلومان می‌دانستند. رهبر معظم جمهوری اسلامی، مجتبی علی خامنه‌ای، بهترین جانشین برای بهترین سلف است که در حمایت از محور مقاومت و آرمان عادلانه فلسطین، راه پدرش را ادامه می‌دهد. آنچه مسیر شهید، رهبر معظم جمهوری اسلامی ایران، را متمایز می‌کند، واقعاً نقاط عطف کلیدی هستند. از دوران جوانی، او دائماً توسط پلیس خلیج فارس و دیکتاتور مخلوع شاه ایران دستگیر می‌شد. او تلخی حبس در سلول‌های ساواک و زندان کاخ سلطنتی را در زمانی چشید که شاه با افتخار به ایالات متحده و اسرائیل خدمت می‌کرد و با قاشق‌های طلایی غذای خود را خورد و عمداً مردم ایران را گرسنه نگه می‌داشت. این جوان پر جنب و جوش از صفوف زندان‌ها به صفوف انقلابی که کاخ را بمباران



موسی العبدلات

وکیل و استاد دانشگاه اردن

کرد، منتقل شد. پس از درگذشت امام خمینی در سال ۱۹۸۹، او وارد مرحله جدیدی شد. علیرغم فروتنی شخصی‌اش، مجلس خبرگان او را به دلیل سابقه مبارزاتی و کاریزمای او که ناشی از تمایل او به ساختن ایرانی جدید و قوی بود، انتخاب کرد. او بر سازماندهی ساختار داخلی ایران و ایجاد سپاه پاسداران تمرکز کرد. در دوران تصدی او، رهبرانی ظهور کردند که در قلب انقلاب ایران قرار داشتند. برجسته‌ترین نکته در تاریخ او، اعلام آشکار دشمنی او علیه شیطان بزرگ، آمریکا، و دست‌نشانده‌اش، رژیم صهیونیستی، غاصب سرزمین فلسطین است. او با تمام مراحل درگیری اعراب و اسرائیل و توافقات شوم، از کمپ دیوید گرفته تا وادی عرب و اسلو، مخالفت کرد. رهبر معظم علی‌خامنه‌ای در موضع سیاسی خود در مورد مسئله فلسطین، صریح و اصولی بود.

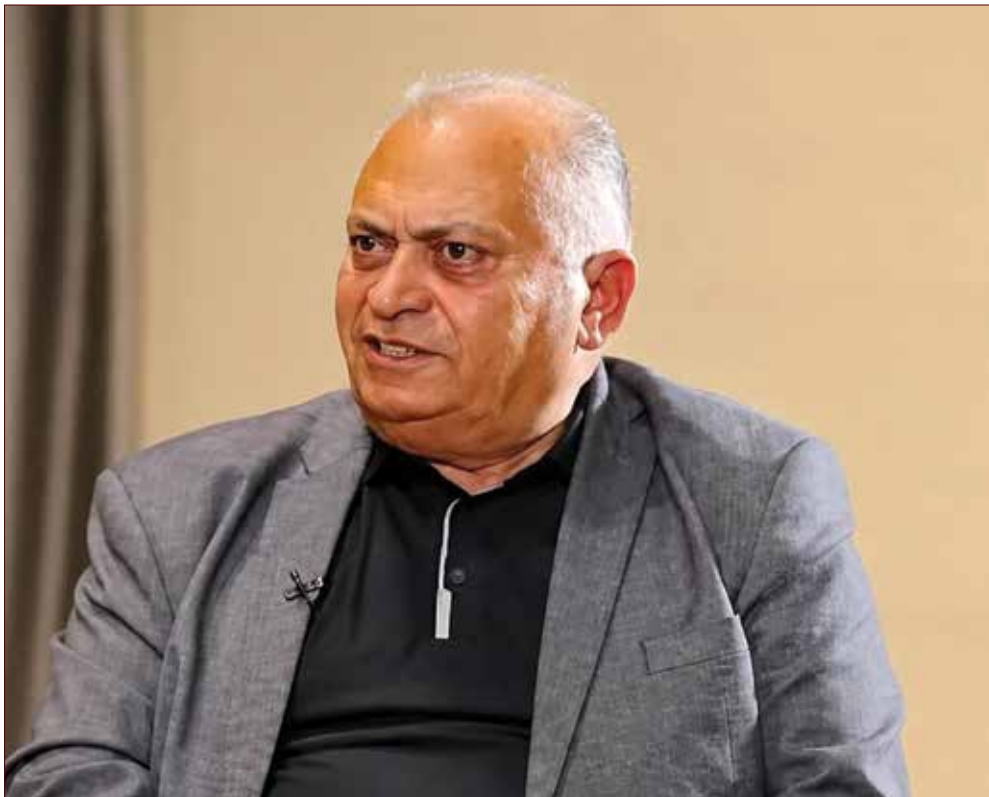
پس از تحکیم توسعه داخلی و افزایش توانایی‌های نظامی ایران و همچنین پیگیری انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای برای خدمت به مردم ایران و سایر کشورهای منطقه، آمریکا، دست‌نشانده‌اش اسرائیل و کشورهای اروپایی که از ترس آمریکا با الحنی آرام در پشت درهای بسته صحبت می‌کنند، همگی در این امر همدست بودند. رهبر شهید، علی‌خامنه‌ای، با هدایت سیاسی، صبر و غلبه بر مشکلات، از جمله سوءقصد علیه خود، قصد تغییر موضع سیاسی و نظامی داخلی و خارجی جمهوری اسلامی را داشت. در مورد مسئله فلسطین، موضع رهبر شهید بدون تغییر باقی ماند و موضعی اصولی و تزلزل‌ناپذیر در برابر شیطان بزرگ و دست‌نشانده‌اش، رژیم صهیونیستی، حفظ کرد.

در دوران او، کنفرانس‌هایی برگزار شد و در حالی که برخی از کشورهای عربی موجودیت اسرائیل را به رسمیت شناختند و محدودیت‌هایی را برای گروه‌ها، به ویژه جهاد اسلامی و حماس، تشدید کردند، رهبری ایران، تحت رهبری شهید علی‌خامنه‌ای، همچنان حامی اساسی مردم فلسطین و آرمان عدالت آن‌ها در مقابله با رژیم صهیونیستی بود. او از این گروه‌ها حمایت مادی و معنوی کرد و با تمام امکانات و منابع خود از حزب‌الله برای مقابله با دشمن اشغالگر حمایت کرد. شهید علی‌خامنه‌ای همچنین از مؤسسات خیریه و فقرادر میان مسلمانان آفریقا و سایر نقاط حمایت کرد.

هر روز صبح، تصویر شیخ مجاهد شهید، علی‌خامنه‌ای، و تاریخ طولانی او که مملو از فداکاری و خرداست، نمایان می‌شود. او خواستار وحدت مسلمانان صرف نظر از فرقه‌هایشان بود و نقش کلیدی در پایان دادن به جنگ یمن داشت که جان بسیاری از مسلمانان عادی را گرفت. خرد، هوش، صبر، از خودگذشتگی و حمایت از برادران فلسطینی و لبنانی از اولویت‌های اصلی او بود. رهبر مجاهد، شیخ علی‌خامنه‌ای، از کودکی و جوانی تا زمان ترورش که در تاریکی شب توسط دشمنان ملت طراحی شد، با انتخاب خود، اثری تاریخی از خود به جا گذاشت. دشمنان می‌دانستند که انتخاب رهبر منجر به سقوط رژیم ایران و هموار شدن راه برای ناآرامی‌ها خواهد شد. با این حال، ترور او مردم ایران را از قومیت‌ها و فرقه‌های مختلف متحد کرد. دشمنان فراموش کردند که امام شهید، شهید اسلام و ملت، نسلی را در همان مسیر به سوی وحدت امت اسلامی، پایان دادن به اختلافات داخلی مسلمانان و هدایت انرژی‌های نظامی و سیاسی مسلمانان علیه شیطان بزرگ، آمریکا و دست‌نشانده آن، رژیم صهیونیستی، تربیت کرده بود. انتخاب پسرش، مجتبی علی‌خامنه‌ای، بهترین جانشین برای بهترین سلف است. مجلس خبرگان او را به خاطر خرد، صبر، هوش و تجربه دست‌اولش با پدر شهیدش انتخاب کرد. خداوند شهید اسلام و ملت، علی‌خامنه‌ای، را رحمت کند و بهشت را به او عطا فرماید.

درباره نویسنده:

موسی‌العبدلات؛ عضو انجمن ملی حمایت از مقاومت در اردن، عضو کمیته فلسطین و ضد عادی‌سازی در کانون و کلا، عضو کمیته لغو محاصره غزه، فعال در زمینه آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، سخنگوی رسمی کمیته زندانیان سیاسی در اردن، عضو بنیانگذار سازمان بین‌المللی عدالت واحد، عضو کنفرانس حق بازگشت و حمایت از مقاومت.



گفتگو با دکتر عصام السعدی رئیس موسسه مطالعات ژئوپلیتیک «المشرق» در اردن

خونِ رهبر شهید، موازنه قدرت و مرزهای ژئوپلیتیک خاورمیانه را تغییر داد

دکتر عصام السعدی، استاد سابق دانشگاه، رئیس موسسه مطالعات ژئوپلیتیک «المشرق» در اردن، عضو اتحادیه نویسندگان و مؤلفان عرب و عضو کمیته اجرائی جبهه مترقی عرب، در تحلیلی جامع به بررسی ابعاد و دستاوردهای دوران رهبری آیت الله شهید «سید علی خامنه‌ای» در راستای مبارزه با استعمار و استکبار و حمایت از مظلومان و مستضعفان در گستره جهانی پرداخته است. السعدی با تبیین دگرگونی ژئوپلیتیک منطقه و تغییر موازنه قدرت به نفع محور مقاومت، الگوی رهبری ایران را فراتر از مرزهای جهان اسلام و به عنوان منبع الهام بخش انقلاب آزادی بخش فقرا و آزادگان جهان معرفی می‌کند که با تبدیل چالش‌ها به فرصت و دستیابی به خودکفایی، نقشه آینده خاورمیانه را برخلاف اراده مستکبران غربی و با خط اسلامی-ایرانی از نو ترسیم کرده است. وی در این گفتگو به پرسش‌های مطرح شده پاسخ می‌گوید.

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

فصل دوم



رهبر شهید، به خرد و

درایتش در رسیدگی

به مسائل سیاسی،

اقتصادی و اجتماعی

شناخته شده بود.

در دوران او، ایران به

مرحله‌ای از خودکفایی

رسید که دیگر نیازی

به واردات بیش از ده

درصد از نیازهای طبقات

متوسط و بالا نداشت.

ایران این وضعیت

خودکفایی را تجربه کرد

که به منبع قدرت تبدیل

شد.

چگونه می‌توان رهبر شهید انقلاب را نماد استقلال جهان اسلام در پرتو چالش‌های

ژئوپلیتیکی معاصر دانست؟

وقتی از شهید آیت الله سید علی خامنه‌ای صحبت می‌کنیم، او صرفاً نمادی از استقلال جهان اسلام نیست، بلکه شهیدی برای همه ضعفا، فقرا، آزادگان جهان و مظلومان است، همان‌طور که شهید حسن نصرالله بود. این شهدا نمادهایی هستند که در آینده به یک انرژی بزرگ تبدیل شده و در مواجهه با دشمنان منفجر خواهند شد.

ما قبلاً شاهد انفجار این انرژی در مواجهه با آمریکا و اسرائیل از سوی مردم ایران، ارتش، سپاه پاسداران و نیروهای سیاسی هم‌سو با آن‌ها بوده‌ایم. چالش‌های ژئوپلیتیکی معاصر، در واقع، چالش‌های قدیمی هستند. این چالش‌ها از یک سو در برابر پروژه اسلامی و از سوی دیگر در برابر پروژه ملی‌گرایی عربی قرار داشتند تا اینکه پروژه ملی‌گرایی عربی تحت رهبری جمال عبدالناصر به پایان رسید. سپس انقلاب ایران در سال ۱۹۷۹ با این حضور و قیام باشکوه که همه آزادگان جهان را به خود جذب کرد، ظهور کرد. چرا؟ زیرا ایران این چالش‌های ژئوپلیتیکی را به یک فرصت تبدیل کرد.

حال این پرسش پیش می‌آید که چرا مردم آمریکای لاتین، مردم عرب و مسلمان، سنی و شیعه و دیگران در کنار این انقلاب ایستادند؟ چرا من با انقلاب شکوهمند و جاودانه اسلامی در ایران ایستادم؟ زیرا این انقلاب در برابر پروژه صهیونیستی-امپریالیستی که منطقه را هدف قرار داده و در نتیجه، قصد کنترل سرنوشت ملت‌ها و مردم را داشت، ایستاده است.

برجسته‌ترین شاخص‌های خرد و عقلانیت در رویکرد رهبر شهید در مقایسه با همتایان اودر

جهان اسلام چیست؟

رهبر شهید، به خرد و درایتش در رسیدگی به مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی شناخته شده بود. در دوران او، ایران به مرحله‌ای از خودکفایی رسید که دیگر نیازی به واردات بیش از ده درصد از نیازهای طبقات متوسط و بالا نداشت. ایران این وضعیت خودکفایی را تجربه کرد که به منبع قدرت تبدیل شد. نکته مهم، از نظر من، این است که خرد و درایت رهبر همان چیزی است که مردم را گرد او جمع می‌کند و او را به عنوان ناجی از بلایای آینده می‌بیند.

او بالغ‌ترین و قادرترین فرد برای پیش‌بینی آینده سیاسی مردمی است که هدایت آن‌ها را به عهده داشت. ما نمی‌توانیم خرد رهبر شهید را با همتایان او در جهان اسلام مقایسه کنیم، زیرا او هیچ همتایی ندارد. مردان بزرگی مانند سید علی خامنه‌ای بی‌نظیر هستند، مگر شاید در رهبران جدیدی که از همان مکتب - مکتب مستضعفان، مکتب فقرا، مکتب کسانی که به آرمان‌های میهن و ملت خود ایمان دارند - آموخته و فارغ التحصیل شده‌اند.

حمایت رهبر شهید از آرمان قدس و فلسطین چگونه بر موازنه قدرت در منطقه تأثیر گذاشت؟

ما مشاهده کردیم که حمایت بی دریغ رهبر شهید از آرمان قدس و فلسطین، به طور قابل توجهی موازنه قدرت در منطقه را تغییر داد، به ویژه در جنگ اخیر که در آن خداوند به سید علی خامنه ای نعمت شهادت را عطا کرد. این نعمت بزرگی است، همان طور که به سید حسن نصرالله و دیگر شهدا چه در ایران، لبنان، غزه، فلسطین، یمن یا عراق عطا شد.

اکنون موازنه قدرت در منطقه تغییر کرده است و مرزهای جغرافیایی در حال تغییر هستند. در اینجا تأیید می کنم که مرزهای جغرافیایی تغییر خواهند کرد نه بر اساس نقشه آمریکایی- صهیونیستی، بلکه بر اساس سلاحی که نقشه را از نو ترسیم خواهد کرد- سلاح ملت پیروز یعنی ملت بزرگ ایران که خداوند آن ها را برای تحت فشار قرار دادن و گرفتن یقه جهان غرب به ویژه آمریکا و اروپا که به ایران و لبنان حمله کردند برانگیخت. ملت ایران بر این قدرت های سرکش و کافر پیروز شده و آن ها را شکست داده اند و اکنون غرب در مسیر شکست کامل است. تسلط ایران بر گردن آمریکا و اروپا به عنوان یک رمز و نماد باقی مانده است و این تسلط است که در نهایت آمریکا و متحدان منطقه ای آن را شکست خواهد داد.

چه زمانی؟ شاید در نبرد آینده که منتظرش هستیم، زیرا آنچه بین ایران با آمریکا به کمک پاکستان رخ داد و این سند چهارده ماده ای که ایراداتی به آن وارد است، فقط به این دلیل توسط آمریکایی ها پذیرفته شد که شکست خورده اند اما آن ها در مقطعی متوهم می شوند که قدرت خود را بازیافته اند و قادرند ایران را طبق میل و اراده خود تسلیم کنند. در آن لحظه، شکست خردکننده دشمن آمریکایی و اسرائیلی و متحدان منطقه ای آن ها رخ خواهد داد و نقشه ژئوپلیتیک منطقه با خط ایرانی، یک خط فارسی و اسلامی از نو ترسیم خواهد شد.

چگونه الگوی رهبری شهید توانست همزمان با حفظ استقلال در سیاست خارجی به پیشرفت ملی دست پیدا کند؟

الگوی شهید خامنه ای در دستیابی به پیشرفت ملی در خاورمیانه موفق بود. این الگو به عنوان الگوی پیشرفت ملت ها چه در منطقه ما، چه در آمریکا، آمریکای جنوبی، اروپا یا آفریقا به شمار می رود. این انقلاب فقرا که امروز ایران رهبری آن را بر عهده دارد، یک انقلاب آزادی بخش ملی است که جمهوری اسلامی به نمایندگی از ملت عرب و ملت شریف اسلامی آن را رهبری می کند. ما امیدواریم که این جنگ به پیروزی کامل ایران در منطقه، ابتدا علیه آمریکا و اسرائیل و سپس علیه عوامل و دنباله روه های آن ها در منطقه منجر شود.



ما مشاهده کردیم که

حمایت بی دریغ رهبر

شهید از آرمان قدس و

فلسطین، به طور قابل

توجهی موازنه قدرت

در منطقه را تغییر داد،

به ویژه در جنگ اخیر

که در آن خداوند به

سید علی خامنه ای

نعمت شهادت را عطا

کرد. این نعمت بزرگی

است، همان طور که به

سید حسن نصرالله و

دیگر شهدا چه در ایران،

لبنان، غزه، فلسطین،

یمن یا عراق عطا شد.



گفتگو با دکتر «نورالدین ابولحیه» استاد دانشگاه الجزائر

آیت الله خامنه‌ای با هندسه «شریعت و عقلانیت»، تنها حکومت واقعاً مستقل جهان اسلام را بنا کرد

واکاوی ابعاد شخصیتی و استراتژیک رهبران بزرگ جهان اسلام، همواره یکی از محورهای کلیدی در تحلیل هندسه جدید قدرت در منطقه است. دکتر «نورالدین ابولحیه»، استاد برجسته دانشگاه الجزائر، در این گفتگوی تفصیلی با تشریح رویکرد اصولی و وحدت بخش رهبر {شهید} انقلاب، به تبیین مؤلفه‌های متمایزکننده‌ای می‌پردازد که جمهوری اسلامی ایران را به تنها دولت واقعاً مستقل در برابر سلطه آمریکا و رژیم صهیونیستی تبدیل کرده است. وی با تأکید بر عقلانیت شریعت محور و پایبندی بی‌تزلزل ایشان به آرمان فلسطین و حمایت فرامذهبی از جبهه مقاومت، دستاوردهای علمی، نظامی و فرهنگی ایران را ذیل دکترین «نه شرقی، نه غربی» تحلیل کرده و منطق بازدارندگی ایران، از جمله فتوای حرمت سلاح هسته‌ای را برخاسته از همین دیدگاه اصولی و قرآنی می‌داند.

چه عواملی حضرت آیت الله شهید «سید علی خامنه‌ای» را به نمادی از استقلال جهان اسلام در دوران چالش‌های ژئوپلیتیکی تبدیل کرده است؟

حضرت امام خامنه‌ای صرفاً یک شخصیت عادی محدود به دوره خاصی نیستند، بلکه شخصیتی بی‌نظیر در طول تاریخ به ویژه در شرایط سخت است. در دوران رهبری ایشان شرایط بسیار چالش برانگیز و سخت برای امت اسلامی به ویژه در سایه سلطه رژیم صهیونیستی و آمریکا وجود داشت. بنابراین، وقتی واقعیت بین‌المللی کل امت اسلامی را بررسی می‌کنیم، درمی‌یابیم که تنها دولتی که می‌توان آن را از هر نظر واقعاً مستقل دانست، جمهوری اسلامی ایران تحت رهبری خردمندانه ایشان در تمام این دهه‌ها بوده است. متأسفانه، همه کشورهای دیگر یا از نظر سیاسی و نظامی و یا فرهنگی تحت سلطه آمریکا یا رژیم صهیونیستی هستند. آن‌ها هیچ کنترلی بر امور خود حتی در هنر و رسانه ندارند و به سادگی هر چه را که به آن‌ها تحمیل شود، اجرا می‌کنند. این امر به شدت با جمهوری اسلامی که اصول و روحیه انقلابی خود را حفظ کرده، در تضاد است. رهبر شهید تمام دستورالعمل‌های امام خمینی را بدون تزلزل یا مسامحه در هیچ بخشی از آن‌ها اجرا کرد. بسیاری از انقلاب‌ها این گونه آغاز می‌شوند، ظاهراً پرشور، پرانرژی و شاید حتی شتابزده، اما پس از مدت کوتاهی، شروع به امتیازدهی می‌کنند، همان‌طور که مثلاً در سوریه یا آنچه انقلاب سوریه نامیده می‌شود، دیدیم و مشاهده کردیم که چگونه با آمریکا و اسرائیل همدست شدند و دیکته‌های آن‌ها را پذیرفتند زیرا انقلاب آن‌ها هرگز یک انقلاب واقعی نبود. اما جمهوری اسلامی یک انقلاب واقعی بود. رهبر معظم انقلاب تمام ویژگی‌ها و اصول خود را حفظ کرد. او تمام عمر خود را زاهد، شجاع، مؤمن و فروتن زیست و از حمایت از مظلومان دست نکشید.

وقتی از وابستگی صحبت می‌کنیم، منظور کنشوری است که رهبرش چه از نظر فکری، مالی یا هر چیز دیگری تابع یا وابسته به دیگران است، حتی علمای آن، تابع کشور دیگر هستند. اما در جبهه اسلامی که اسلام اصیل محمدی خط مشی آن است، وابستگی صرفاً و منحصرأ به خداوند متعال است. این همان رمز حفظ عزت و کرامت رهبر شهید است که حتی نظام آن را منحصر به فرد ساخته است.

چه ویژگی‌هایی در سنجش خرد و عقلانیت، رویکرد رهبر شهید را از همتایان او در جهان اسلام متمایز می‌کند؟

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های امام خامنه‌ای خرد و حکمت است، به این معنی که بر اساس این حکمت، امور را در چارچوب مناسب خود قرار می‌دهد. ما این رادر نحوه برخورد ایران با مسائل مختلف دیده‌ایم. رهبر شهید هرگز از روی احساسات یا عواطف تصمیم نمی‌گرفت، بلکه از منظر عقلانی عمل می‌کرد. من شخصاً از مقام معظم رهبری در جلسه‌ای که خود نیز



یکی از مهم‌ترین
ویژگی‌های امام
خامنه‌ای خرد و حکمت
است، به این معنی که بر
اساس این حکمت، امور
را در چارچوب مناسب
خود قرار می‌دهد. ما
این رادر نحوه برخورد
ایران با مسائل مختلف
دیده‌ایم. رهبر شهید
هرگز از روی احساسات
یا عواطف تصمیم
نمی‌گرفت

در آن شرکت کردم، شنیدم که به فلسفه و توجه به آن ترغیب می‌کردند. البته فلسفه به معنای اسلامی حکمت است و همه جنبه‌ها را در بر می‌گیرد. ایشان می‌گفتند: «هر چه مطالعه می‌کنید، هر چه یاد می‌گیرید، هر چه انجام می‌دهید، باید آن را از طریق فلسفه به خدا متصل کنید». او حتی در موقعیت‌های سیاسی از این منظر به مسائل نگاه می‌کرد، یعنی فقط به وقایع نگاه نمی‌کرد، بلکه به ماورا و پشت صحنه آن‌ها و پیامدهایشان نیز توجه می‌کرد.

بنابراین، جمهوری اسلامی اگر فقط به فکر خود بود و می‌خواست تحریم‌ها را لغو کند یا نظر آمریکا را جلب کند، از برخی اصول خود عقب‌نشینی می‌کرد. برای مثال از توجه به مستضعفان کوتاه می‌آمد و از تعهدش به وحدت اسلامی یا عدم عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی عبور می‌کرد.

اما امام خامنه‌ای درک می‌کرد که این دستاوردها، هرچند شاید محدود بعداً به بمبی برای کشور تبدیل می‌شوند، زیرا صرف نظر از بعد دینی، موجودیت کشور را تضعیف و آن را به یک کشور وابسته تبدیل می‌کند. این مهم‌ترین نکته است، زیرا خرد همیشه با رعایت احکام دینی مرتبط است. رهبر شهید معتقد بود که آنچه شریعت به ما دستور می‌دهد، اساس است. بنابراین، خرد و عقلانیت، مبتنی بر هوی و هوس یا احساسات نیست، بلکه از معیارهای ثابتی سرچشمه می‌گیرد.

رهبر شهید در شرایط مختلفی که جمهوری اسلامی با آن روبرو بوده است، تلاش کرد هر بار بسته به موقعیت خاص، رویکرد یا استراتژی متفاوتی را اتخاذ کند. البته، این همان ویژگی است که سایر رهبران فاقد آن هستند زیرا آن‌ها فاقد بُعد ایدئولوژیک هستند و خود را صرفاً به عنوان یک مأمور یا کارمند می‌بینند که باید هر کاری را که به او دستور داده می‌شود، اجرا کند. این ذهن‌ها هیچ معیار یا مبنایی برای هدایت خود ندارند و صرفاً از سوی منابع زمینی - آمریکا یا دیگران - کنترل می‌شوند، اما رهبر معظم انقلاب تمام اقدامات خود را بر اساس شریعت اسلامی بنا نهاد و تصمیمات خود را نه بر اساس سیاست‌های عمل‌گرایانه بلکه بر اساس احکام شریعت اسلامی اتخاذ کرد.

حمایت از آرمان قدس و فلسطین توسط رهبر شهید چه تغییری در موازنه قدرت منطقه‌ای ایجاد کرد؟

قدس یکی از مهم‌ترین مسائل امت اسلامی است که رهبر مسلمانان نمی‌تواند از این موضوع غافل شود. بنابراین، قدس و فلسطین برای رهبر شهید یک اولویت بود و تا پایان عمرش از فلسطین و نیروی قدس حمایت کرد. او ارتباط قوی با حاج قاسم و همه کسانی که با قدس در ارتباط بودند، داشت. او هرگز فرصتی را برای صحبت در مورد قدس و فلسطین از دست نمی‌داد و به روز جهانی قدس متعهد بود. او به تمام اصولی که انقلاب اسلامی در ارتباط با قدس بر اساس آن بنا شده بود، پایبند بود.

اکنون به فضل الهی جمهوری اسلامی به ویژه پس از شهادت رهبر معظم انقلاب به همه نشان داد و ثابت کرد که شایسته‌ترین افراد برای قدس و فلسطین و عنوان «اسلام» و حتی عنوان جمهوری اسلامی، همان جمهوری اسلامی ایران است، زیرا به منافع شخصی اهمیت نمی‌دهد، بلکه به کل جامعه مسلمانان اهمیت می‌دهد.

مشاهده کردیم که رهبر شهید چگونه وحدت اسلامی و کنفرانس‌های متعددی را که در مورد این وحدت برگزار می‌کند، در اولویت قرار می‌داد و با تمام کسانی که در پی تضعیف این وحدت بودند، مبارزه می‌کرد. علاوه بر این حمایت رهبر شهید از گروه‌های مقاومت در فلسطین و دیدار با رهبران آن‌ها گواه حمایت او از قدس و فلسطین است.

در راستای تقویت وحدت اسلامی، حمایت رهبر شهید از گروه‌های مقاومت (چه سنی و یا شیعه) چه دستاوردهایی

داشته و چطور می‌توان آن را نمادی از این وحدت تلقی کرد؟

مهم‌ترین موضوع برای آرمان فلسطین، حمایت از گروه‌های مقاومت نه فقط از نظر حمایت مادی، نظامی، اخلاقی و هر چیز دیگری - بلکه برای زنده نگه داشتن آرمان فلسطین است. با پیروزی انقلاب اسلامی، این آرمان احیا شد و غرب که گمان می‌کرد جمهوری اسلامی بعد از مدتی قضیه فلسطین را به فراموشی می‌سپرد، غافلگیر شد. قدس در این شرایط قوی شد و ایران نه تنها حمایت اخلاقی و مادی، بلکه حتی حمایت نظامی نیز به نیروهای مقاومت ارائه کرد، کاری که هیچ طرف دیگری انجام نداده بود. بنابراین، تمام آسیب‌هایی که به جهان اسلام وارد شده است، از جمله جنگ تحمیلی علیه ایران به دلیل حمایت آن از آرمان‌های امت اسلامی و قضیه فلسطین است. آن‌ها می‌دانند که اسرائیل یک غده سرطانی است و تا زمانی که این غده وجود داشته باشد، امت نمی‌تواند بهبود یابد.

ایران تحت رهبری امام خامنه‌ای توانست پروژه دشمن را در عراق و سوریه خنثی کند تا اینکه متأسفانه توطئه‌ای علیه دمشق توسط برخی از کشورهای عربی، ترکیه، آمریکا و دیگران انجام شد. با این وجود، آقای خامنه‌ای وظیفه خود را انجام داد و ایران به وظیفه شرعی خود در این زمینه عمل کرد. من مطمئن هستم که روزی فرا خواهد رسید که بلندی‌های جولان سقوط خواهد کرد و سوریه به حالت سابق خود باز خواهد گشت، زیرا آن‌ها تفاوت بین سوریه تحت حمایت سید علی خامنه‌ای و سوریه جدید تحت کنترل رژیم صهیونیستی، آمریکا و دیگران را تجربه کرده‌اند.

بر همین اساس امام خامنه‌ای بین سنی و شیعه یا هیچ دیگری تفاوتی قائل نبود. او حتی از یمن و از همه گروه‌هایی که طرفدار حق بودند، بدون در نظر گرفتن منافعی برای کشورش حمایت می‌کرد، زیرا او قبل از اینکه به کشور خود فکر کند، به فکر امت اسلامی بود.

موفقیت در دستیابی به پیشرفت ملی همراه با پایداری به سیاست «نه شرقی نه غربی»، در الگوی رهبر شهید چگونه تبیین می‌شود؟

طول جنگ تحمیلی - جنگ ۱۲ روزه و جنگ ۴۰ روزه - گواه این پیشرفت ملی است. دشمنان مشاهده کردند که چگونه ایران با وجود محاصره طولانی مدت تنگه هرمز همچنان توانست با سلاح‌ها و موشک‌های خود قلب سرزمین‌های اشغالی را هدف قرار دهد؟ چگونه توانست پایگاه‌های آمریکایی را هدف قرار دهد و با دقت به آن‌ها ضربه بزند؟ ایران در بین بسیاری از کشورها در زمینه‌های مختلف از جمله پزشکی، نانو تکنولوژی و بسیاری زمینه‌های دیگر حتی در اکتشافات فضایی رتبه اول را دارد. این امر در مدت زمان بسیار کوتاهی و در شرایط تحریم محقق شد. تصور کنید اگر تحریم بیشتر طول می‌کشید، چه دستاوردهایی داشت! بنابراین، حمله به ایران در واقع به دلیل برنامه هسته‌ای آن نبود،



مهم‌ترین موضوع برای
آرمان فلسطین، حمایت
از گروه‌های مقاومت
نه فقط از نظر حمایت
مادی، نظامی، اخلاقی
و هر چیز دیگری - بلکه
برای زنده نگه داشتن
آرمان فلسطین است. با
پیروزی انقلاب اسلامی،
این آرمان احیا شد و
غرب که گمان می‌کرد
جمهوری اسلامی بعد از
مدتی قضیه فلسطین را
به فراموشی می‌سپرد،
غافلگیر شد.



بلکه به دلیل تمرکز آن بر علم و پیشرفت‌های علمی بود. زیرا دشمنان از ظهور یک کشور اسلامی که ممکن است رقیب آن‌ها باشد، به ویژه کشوری که متکی به دیدگاه اصیل قرآنی اسلامی است، واهمه دارند. این هدف اصلی آن‌ها بود و هدف قرار دادن علما و دانشگاه‌ها گواه این ادعاست. رهبر شهید یک محقق، متفکر و نویسنده بود و به طور گسترده مطالعه می‌کرد، حتی به نمایشگاه‌های کتاب می‌رفت تا آثار خود را برای شرکت‌کنندگان توضیح دهد. او هر کتاب و محتوای آن را توضیح می‌داد و به مطالعه گسترده تشویق می‌کرد.

شعار «نه شرقی، نه غربی» نشان‌دهنده حاکمیت و استقلال در همه ابعاد است. مهم‌ترین چیز حفظ اصول اصیل اسلامی در هر زمینه‌ای است. در دوران رهبر شهید، ایران در همه زمینه‌ها، حتی هنر به موفقیت دست یافت. ما هنر ایرانی را می‌بینیم. سینمای ایران با سایر سینماهای جهان متفاوت است و توانسته فیلم‌ها و سریال‌های تحسین‌شده در سطح بین‌المللی تولید کند. رهبر شهید حتی گاهی اوقات در دیدار با هنرمندان برای آن‌ها روشن می‌کرد که چه کاری باید انجام دهند.

بنابراین، شعار «نه شرقی، نه غربی» نه تنها به سیاست مربوط می‌شود، بلکه همه جنبه‌های زندگی، حتی علوم انسانی، علوم، روانشناسی، جامعه‌شناسی و علوم سیاسی را در بر می‌گیرد. رهبر شهید همیشه خواستار اسلامی شدن این عرصه‌ها بودند و شاید این دلیل اصلی او برای ممنوعیت استفاده از سلاح‌های هسته‌ای باشد، با توجه به اینکه چنین سلاح‌هایی با دیدگاه قرآنی مغایرت دارند. دیدگاه اسلامی آن‌ها را منبغ فساد در زمین و تخریب محیط زیست، کشتار مردم بی‌گناه و غیره، از جمله معلول کردن کودکان می‌داند. بنابراین او تأکید کرد که جایگزین‌های اسلامی برای سلاح هسته‌ای وجود دارد، جایگزین‌هایی برای بازدارندگی که چنین اقدامی را غیرضروری می‌کند.

یادداشت اختصاصی العکرمی وزیر پیشین تونس در امور ارتباط با پارلمان به
مناسبت شهادت رهبر انقلاب

سعادت محور مقاومت در داشتن رهبران شهیدی که دشمن را به وحشت می اندازند

به معنای وسیع کلمه، حضرت آیت الله سید علی خامنه ای در دایره منطق عادی مرگ و زندگی قرار نمی گیرد. مادامی که رویکرد و میراث او پس از دستیابی به این نتایج شگفت انگیز ادامه داشته باشد، او مانند همه آرمان ها و مفاهیم والا که هرگز نمی میرند، زنده باقی خواهد ماند.

او رهبری است که تنها به آموزش شیعیان و سنی ها یا مؤمنان بسنده نکرد، بلکه گستره رویکرد او شامل همه آزادگان، مظلومان و ستمدیدگانی شد که از صهیونیسم، استعمار، استبداد و همه اشکال ظلم، تهمت و توطئه به نفع سرمایه داری وحشی رنج برده اند.

سید علی خامنه ای یک خط مشی، یک بینش، یک چراغ هدایت است، نه یک شخص یا انسانی با کارکردهای شناخته شده بشریت. مثل روز روشن است که او یکی از بزرگان آفرینش است. چه سعادت مند هستند مردم آزاده ایران و آزادگان محور مقاومت برای داشتن چنین رهبران شهیدی که دشمنان را در زندگی و در شهادت خود به وحشت می اندازند.

ایران به ستونی برای همه مبارزان مقاومت در منطقه، صرف نظر از دین، مذهب یا قومیت آن ها در برابر رویکرد مخرب و سرسپرده وهابی، سلفی و اخوان المسلمین تبدیل شده است؛ رویکردی که تهران را حتی برای نیروهای سکولار که به دنبال فرار از یوغ استعمار هستند، به مقصدی تبدیل کرده است. این اتفاق به لطف رهبری شهید خامنه ای و مکتب «نه به شکست، آری به فداکاری برای آزادی و پایداری» حاصل شده است.

نبرد اکنون و در دهه های آینده نه بین شیعه و سنی است و نه بین کافر و مؤمن و نه عرب و فارس؛ بلکه بین استعمار، سلطه و غارت منابع و بین آزادی، احیای کرامت و مدیریت ملت ها بر آینده خود بر اساس اصول و فرهنگ والای خودشان است که برآمده از انتخاب آن ها برای تسلط بر منابع و ثروت و نظام حکومتی خود در راستای دستیابی به عزت و رفاه است. امام شهید برجسته ترین نقش را در این راه ایفا کرد.



العکرمی

وزیر پیشین تونس در امور
ارتباط با پارلمان



دکتر شریف ابوشماله، مدیرعامل بنیاد قدس مالزی از کشور مالزی

نقش رهبر انقلاب در توسعه هندسه مقاومت و هژمونی ستیزی جهان اسلام

بدون شک، زندگی و شهادت رهبر عالی، امام سید علی خامنه‌ای، الگویی زنده و نمونه‌ای والا از مقاومت آزادانه است. ایشان — رحمت خداوند بر او باد — نه تنها نظریه پرداز و حامی، بلکه رهبری صادق در مقاومت علیه ظلم و استکبار جهانی بود تا آنکه زندگی اش را به عنوان شهیدی شجاع و ثابت قدم به پایان رساند. این امر به اندیشه‌های ایشان قدرتی اخلاقی و شکوفایی می بخشد که با خون ایشان تغذیه شده است. این امر آنچه را که امام اعلام کرده بود تقویت می کند: «جبهه مقاومت چیزی مادی نیست که بتوان شکستش داد، پاره اش کرد یا نابودش کرد. مقاومت ایمان است، اندیشه است؛ یک تصمیم قلبی و قطعی است؛ مقاومت یک مکتب است، مکتب اندیشه. آنچه برای یک ملت ایمان است، چیزی انتزاعی یا مصنوعی نیست. انگیزه اعضا و عناصر جبهه مقاومت با مشاهده شرارت دشمنان قوی تر می شود، و دامنه جبهه مقاومت گسترش می یابد. این طبیعت مقاومت است... پایداری ضروری است، مقاومت ضروری است.» ایشان در طول زندگی اش پیوسته در کنار جنبش های مقاومت در فلسطین، لبنان و جاهای دیگر ایستاد؛ گویی شعارش این بود: هر جا که هژمونی صهیونیستی و بی عدالتی وجود دارد، رهبری ایران در برابر آن می ایستد و در کنار مظلومان قرار می گیرد. تاریخ ثبت خواهد کرد که در رهبر عالی همیشه به روی جنبش های مقاومت و رهبران آن باز بود. آنچه امروز بیش از هر چیز نیاز داریم ادامه راه رهبر عالی، بنا نهادن بر دستاوردهای گذشته و گرامی داشت یادش از طریق ادامه تلاش برای آزادی فلسطین و قدس و پایان دادن به هژمونی صهیونیستی است.



دکتر مسلم عمران، مدیر مرکز فرهنگی فلسطین و مرکز مطالعات پژوهشی آسیا و خاورمیانه – مالزی

نقش رهبر شهید انقلاب در تمدن سازی اسلامی و هژمونی ستیزی جهان اسلام

جایگاه امام خامنه‌ای در تاریخ معاصر ایران، غرب آسیا و جهان اسلام، جایگاهی بسیار مهم و تأثیرگذار است. ایشان نه تنها در تحولات معاصر ایران با حضور در مناصب مختلف رهبری نقش آفرینی کرده‌اند، بلکه به عنوان یکی از چهره‌های محوری در شکل دهی به جهت گیری‌های فکری و سیاسی دوران معاصر نیز شناخته می‌شوند.

مشارکت‌های ایشان در شکل گیری تحولات غرب آسیا قابل توجه است، به ویژه از طریق تأکید مستمر بر مفاهیمی چون وحدت اسلامی، حاکمیت ملی و احیای تمدن اسلامی. ترویج این ایده‌ها تأثیر ماندگاری بر گفتمان منطقه‌ای و اندیشه سیاسی داشته است. همچنین، موضع گیری قاطع ایشان در برابر امپریالیسم آمریکا و سلطه‌گری جهانی، وی را به نمادی از مقاومت و استقلال تبدیل کرده است. تأکید ایشان بر وحدت جهان اسلام همچنان در میان جوامع و جریان‌های مختلف طنین انداز است و بدون تردید به عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی میراث فکری و سیاسی ایشان در تاریخ ثبت خواهد شد.



تأکید ایشان بر وحدت

جهان اسلام همچنان

در میان جوامع و

جریان‌های مختلف

طنین انداز است و بدون

تردید به عنوان یکی از

مؤلفه‌های اصلی میراث

فکری و سیاسی ایشان

در تاریخ ثبت خواهد

شد.



شهادت رهبر ایران تروریسم دولتی است

پروفسور آدولفو مورگانتی، استاد دیالوگ بین ادیان در ایتالیا

خبر شهادت رهبر معظم جمهوری اسلامی ایران، هنگام تجاوز مسلحانه از سوی ایالات متحده و اسرائیل به ما رسید؛ تجاوزی که کاملاً بی دلیل بود، مگر در چارچوب تروریسم دولتی.

مایلم هستم به همه شما، که می‌توانم شما را دوستان در ایمان به خدا بنامم، صمیمانه‌ترین تسلیت‌های خود را عرض نموده و پرشورترین آرزوی قلبی‌ام را ابراز دارم که رنج‌های ملت ایران بتواند فصل جدیدی از شجاعت و دفاع از حقوق مشروع‌شان را آبیاری کند.

در رابطه با شهادت رهبر معظم، مایلم پیش از هر چیز به خودم کلماتی را یادآوری کنم که پولس قدیس (پولس طرسوسی) اندکی پیش از شهادتش بیان کرد:

در جنگ نیکو جنگیده‌ام، دوره را به پایان رسانیده و ایمان را نگاه داشته‌ام. از این پس، تاج عدالت برای من مهیا شده است که خداوند، آن داور عادل، در آن روز به من خواهد داد؛ و نه فقط به من، بلکه به همه کسانی که ظهور او را با عشق انتظار می‌کشند. بدون شک، این همان چیزی است که در انتظار رهبر معظم نیز هست. باشد که شهدای مقدس، ما را تا زمان ظهور ایشان هدایت فرمایند.



نفوذ تمدنی آیت‌الله خامنه‌ای و پایداری جریان مقاومت

دکتر سیازا شکری، دانشیار دانشگاه بین‌الملل اسلامی مالزی (MUII)، پژوهشگر
ارشد بازدید در مؤسسه SAESI یوسف اسحاق سنگاپور و عضو غیرمقیم مرکز
اروپایی مطالعات پوپولیسم از کشور مالزی

از منظر تطبیقی مبتنی بر پژوهش‌هایم درباره تمدن‌گرایی و سیاست در کشورهای مسلمان‌نشین، نفوذ آیت‌الله خامنه‌ای را می‌توان نوعی رهبری نمادین و تمدنی دانست که در شبکه‌های متمرکز بر ایده مقاومت بازتاب قوی داشت. آنچه ایشان تحکیم کرد نه تنها یک موضع سیاسی، بلکه یک چارچوب روایی گسترده‌تر بود که مبارزه را در قالب زبانی اخلاقی و تمدنی — کرامت، حاکمیت و عدالت — صورت‌بندی می‌کرد. این ویژگی به آن امکان می‌دهد که حتی در بسترهایی با نظام‌های سیاسی متفاوت نیز منتقل شود.

ثبات ایشان در طول دهه‌ها نیز به پایداری این روایت کمک کرد. مقاومت مقطعی نیست، بلکه در طول زمان تداوم دارد. مرگ ایشان که به عنوان شهادت روایت می‌شود، احتمالاً بُعد نمادین این روایت را عمیق‌تر خواهد کرد. این رویداد حس تداوم و هدف مشترک را در میان جوامع و جنبش‌هایی که خود را در برابر ستم یا به حاشیه رانده شدن می‌بینند تقویت خواهد کرد. در عین حال، از منظر تطبیقی، آینده چنین جنبش‌هایی بستگی دارد به اینکه این میراث چگونه نهادینه و انطباق‌پذیر شود.

ضرورت همبستگی امت اسلامی در برابر تروریسم دولتی آمریکا و اسرائیل

دین شمس الدین، از اندیشمندان و شخصیت های برجسته
اسلامی از کشور اندونزی

ما، مردم اندونزی، عمیق ترین تسلیت خود را به مناسبت شهادت امام خامنه ای، امام شهید، در نتیجه ظلم و تجاوز اسرائیل و ایالات متحده آمریکا ابراز می کنیم. این اقدام، عملی بسیار شنیع و بی رحمانه است که باید آن را رد و محکوم کنیم؛ زیرا در آن یک رهبر از کشور دیگری به قتل رسیده است.

از این رو بسیاری از ما در اندونزی با ایران ابراز همدردی می کنیم و حمله اسرائیل و آمریکا به ایران را به عنوان اقدامی تجاوزکارانه علیه حاکمیت یک کشور دیگر محکوم و رد می کنیم. ما از سازمان ملل متحد می خواهیم به دلیل نقض قوانین بین المللی و حقوق بشر توسط اسرائیل و آمریکا اقدام کند.

همچنین از سازمان همکاری اسلامی (OIC) می خواهیم که یک نشست اضطراری برگزار کند و در چارچوب همبستگی اسلامی گام های قاطع بردارد. همچنین از رئیس جمهور اندونزی، پرابوو سوبیانتهو، می خواهیم که از «هیئت صلح» خارج شود؛ زیرا هیئت صلحی که توسط دونالد ترامپ ایجاد شده، در واقع پوششی است که عمداً برای دادن آزادی عمل به اسرائیل جهت کنترل فلسطین طراحی شده است.

ما همه در کنار ایران ایستاده ایم. ما از جمهوری اسلامی ایران حمایت می کنیم و امیدواریم ایران اقدام متقابل انجام دهد تا تاتل آویورا نابود کند و در صورت لزوم با کشتن نتانیا هو انتقام بگیرد.

باشد که خداوند متعال به ما، به جهان اسلام، به ملت ایران و به همه مسلمانان و دینداران در سراسر جهان قدرت عطا کند تا در کنار حقیقت و عدالت بایستیم و در برابر تجاوز و اقدامات ظالمانه اسرائیل مقاومت کنیم.

والسلام علیکم ورحمة الله.



ما، مردم اندونزی،
عمیق ترین تسلیت
خود را به مناسبت
شهادت امام خامنه ای،
امام شهید، در نتیجه
ظلم و تجاوز اسرائیل و
ایالات متحده آمریکا ابراز
می کنیم. این اقدام،
عملی بسیار شنیع و
بی رحمانه است که باید
آن را رد و محکوم کنیم؛
زیرا در آن یک رهبر از
کشور دیگری به قتل
رسیده است.



مفهوم پردازی «جنگ فرهنگی» در اندیشه آیت الله خامنه‌ای؛ راهبرد مقاومت در برابر سلطه نامحسوس غرب

محمد فیصل عبدالعزيز، رئیس سازمان پرسپه مالزی و حقوقدان از کشور مالزی

یکی از آثار برجسته آیت الله خامنه‌ای با عنوان «تهاجم فرهنگی» (الغزو الثقافي؛ المقدمات و الخلفیات التاريخية) را می‌توان سهمی بسیار مهم و تأثیرگذار دانست. مفهوم پردازی ایشان از «جنگ فرهنگی» از مجموعه‌ای از سخنرانی‌ها و خطاب‌های عمومی استخراج شده است.

ایشان معتقد بودند که شدیدترین و تعیین‌کننده‌ترین شکل درگیری از طریق نیروی نظامی نیست، بلکه در حوزه فرهنگ است. جنگ فرهنگی به عنوان شکلی ظریف از اجبار سیاسی و اقتصادی توصیف می‌شود که به شیوه‌ای غیرمستقیم و اغلب نامحسوس عمل می‌کند. هدف اصلی آن، تابع کردن جوامع به سلطه خارجی است؛ به شیوه‌ای قابل مقایسه با دستورالعمل‌های فکری و فرهنگی که تاریخی با پروژه‌های شرق‌شناسانه مرتبط بوده است.

بر این اساس این چارچوب، جنگ فرهنگی از سه مرحله اصلی می‌گذرد: نخست، فرسایش اعتقادات دینی؛ دوم، گسست مردم از هویت و باورهای انقلابی‌شان؛ سوم، تضعیف توانایی یک جامعه برای تولید دستاوردهای معنادار و اقتدارآفرین، از طریق ترویج ترس، توجیهات بی‌ارزش و بازدارندگی روانی.

از طریق درونی‌سازی این اندیشه‌ها، جامعه ایران در برابر اشکال نوین سلطه مقاومت بسیج کرده و از این طریق به خوداتکایی و استقلال از نفوذ غرب دست یافته است. این نگرش به عنوان الهام‌بخش بالقوه برای جوامع سراسر جهان در تلاش برای حفظ حاکمیت، یکپارچگی فرهنگی و کرامت جمعی مطرح است.



ابعاد ژئوپلیتیک و استراتژیک تغییر موازنه قدرت در ایران بر امنیت ملی و انرژی روسیه و چین

دموکریتوس زاماناپولوف، پژوهشگر ارشد گروه مطالعات نظامی -

سیاسی موسسه votabrA.A.G از کشور روسیه



برای بازیگران خارجی
مانند روسیه و چین،
از دست دادن یک
ایران دوست، یک
ضربه استراتژیک قابل
توجه خواهد بود. برای
مسکو، این امر نفوذ آن
را در قفقاز و تاحدودی
آسیای مرکزی تضعیف
خواهد کرد.

برای بازیگران خارجی مانند روسیه و چین، از دست دادن یک ایران دوست، یک ضربه استراتژیک قابل توجه خواهد بود. برای مسکو، این امر نفوذ آن را در قفقاز و تاحدودی آسیای مرکزی تضعیف خواهد کرد. اگر ایران سقوط کند، دولت جدید طرفدار آمریکا مطمئناً اولویت‌های سیاست خارجی کشور را به سمت ادغام با ایالات متحده و اسرائیل تغییر جهت خواهد داد. پیامد امنیتی این اقدام، استقرار ایستگاه‌های راداری در شمال ایران، همانطور که در دوران شاه انجام شد، خواهد بود که به ایالات متحده اجازه می‌دهد به سرعت تغییرات در پیکربندی نیروهای مسلح روسیه در مرزهای جنوبی این کشور، در ارمنستان و تاجیکستان را رصد کند. در عین حال، همکاری نظامی-فنی بین مسکو و تهران متوقف خواهد شد که با توجه به اهمیت پهپادهای ایرانی در درگیری اوکراین، نگرانی‌های بیشتری را ایجاد می‌کند. چین نیز به نوبه خود، تأمین‌کننده اصلی نفت خود را از دست خواهد داد که در کنار از دست دادن ونزوئلا، ضربه بزرگی به امنیت انرژی پکن خواهد بود.



واکاوی فرآیند قانونی جانشینی در نظام اسلامی پس از شهادت آیت‌الله خامنه‌ای؛ تداوم ثبات سیاسی و فقهی رهبر انقلاب

دکتر منصور لیمبا، پژوهشگر، مترجم و نویسنده فیلیپینی از کشور فیلیپین

دهم ماه رمضان، کمتر از سه ساعت پس از نماز فجر، علی‌ای دیگر آری، فرزندی دیگر از علی حیدر ندا درداد: به پروردگار کعبه سوگند که رستگار شدم (فُرْتُ وَرَبَّ الْكَعْبَةِ)! و بدین سان، در دستان پلید رژیم‌های اپستینی، به شهادتی رسید که سال‌ها در آرزویش بود. سید علی خامنه‌ای، رهبر معظم جمهوری اسلامی ایران و مرجع تقلید میلیون‌ها نفر از مقلدانش در سراسر جهان.

۱. اکنون، پس از این چه شد؟ این سوالی بود که ذهن مرا درگیر کرد و من به خودم و سایرین اینگونه پاسخ دادم: با رحلت رهبر معظم، مطابق اصل ۱۱۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مجلس خبرگان رهبری—نهادی متشکل از ۸۸ فقیه که مستقیماً توسط مردم انتخاب می‌شوند—تنها مرجع قانونی دارای اختیار برای انتخاب رهبر جدید است. قانون اساسی شرایطی همچون: فقاہت و دانش اسلامی، عدالت و تقوا، بینش سیاسی و اجتماعی، و توان مدیریتی

رجعت نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

فصل دوم



در قانون اساسی هیچ
وارث خودکار یا جانشین
از پیش تعیین شده‌ای
(مانند «قائم مقام
رهبری») وجود ندارد.
تمامی تصمیمات مربوط
به جانشینی صرفاً در
اختیار مجلس خبرگان
است. هرچند ممکن
است رهبر پیشین
توصیه یا اشاراتی درباره
افراد بالقوه داشته باشد،
اما تنها مرجع دارای
اختیار قانونی برای
انتخاب رهبر، مجلس
خبرگان است.

و شجاعت را الزامی می‌داند. این شرایط در فرآیند انتخاب رهبر جدید، توسط مجلس خبرگان بررسی می‌شود. همچنین قانون اساسی تصریح می‌کند که در فاصله زمانی تشکیل جلسات مجلس خبرگان تا تعیین رهبر جدید، شورایی موقت برای اداره رهبری تشکیل می‌شود که معمولاً از رئیس جمهور، رئیس قوه قضائیه و یکی از فقهای شورای نگهبان تشکیل می‌گردد و مسئولیت‌ها را به صورت موقت بر عهده می‌گیرد.

نکته مهم: در قانون اساسی هیچ وارث خودکار یا جانشین از پیش تعیین شده‌ای (مانند «قائم مقام رهبری») وجود ندارد. تمامی تصمیمات مربوط به جانشینی صرفاً در اختیار مجلس خبرگان است. هرچند ممکن است رهبر پیشین توصیه یا اشاراتی درباره افراد بالقوه داشته باشد، اما تنها مرجع دارای اختیار قانونی برای انتخاب رهبر، مجلس خبرگان است.

میان بالاترین مرتبه فقاها (مرجعیت) و بینش و درک سیاسی زمانه (آگاهی به زمان)، انتظار شخصی من آن است که در انتخاب رهبر آینده، وزن بیشتری به معیار دوم داده شود؛ بدین معنا که الزاماً عالی‌ترین مرجع فقهی (آیت الله العظمی) انتخاب نخواهد شد، بلکه فردی با کارنامه‌ای روشن در عرصه سیاست و مدیریت.

۲. این تجاوز علیه مرجعیت مرجعی که تانک در اختیار ندارد، اما دل‌ها را فرمان می‌دهد دیگر صرفاً یک جنگ منطقه‌ای نیست. این نبرد، بی‌مرز، طولانی و نامتقارن است.

هر روز، هر سرزمین.

برنامه‌ریزی شده و خودجوش.

جمعی و فردی.

۳. شاهد گسترش بیش از پیش ادعاهای وهابی سلفی درباره «منهج صحیح» و «عقیده خالص» خواهیم بود. آنان تلاش خواهند کرد مسلمانان عادی که از نظرشان ناآگاه‌اند را چنان بفریبند که بپذیرند هیچ پایگاه نظامی آمریکا در عربستان وجود ندارد؛ آنچه ایران انجام می‌دهد صرفاً نمایش است؛ سیاست امری بسیار پیچیده است و همدلی با ایران حرام؛ و این که هدف واقعی ایران نه فلسطین، بلکه انتقال حجرالاسود به تهران است! دقیقاً یک ماه پیش، هنگامی که همراه دخترم در خیابان یونیفاسیوهای استریت قدم می‌زدیم، از من پرسید آیا درباره «پرونده‌های اپستین» چیزی می‌دانم یا نه. به او گفتم بله، و این موضوع مرا شگفت زده نکرده است؛ چرا که قرآن کریم به ما آموخته انسان در نیکوترین صورت آفریده شده، اما می‌تواند تا پست‌ترین مراتب سقوط کند: «اسفل السافلین» (سوره تین، آیه ۵).

و هنگامی که به هتل نزدیک محل اقامت مان بازمی‌گشتیم، به او گفتم این فرار از دعای افتتاح همان چیزی بود که با شنیدن پرونده‌های اپستین به ذهنم آمد:

اللهم! اننا نرغب إليك في دولة كريمة... وتُدُلُّ بها النفاق وأهله

«بارالها، ما از تو مشتاقانه دولت و حکومتی کریمانه را می‌طلبیم...

و حکومتی که به وسیله آن، نفاق و اهل نفاق را خوار و ذلیل گردانی.»



نقش آیت‌الله خامنه‌ای در شکل دهی به روایت ضد هژمونیک جهانی

دکتر دینا یولیانتی (دینا سلیمان)، دکترای روابط بین‌الملل دانشگاه پادجارجاران از کشور اندونزی

نقش آیت‌الله خامنه‌ای در شکل دادن به «اندیشه مقاومت» را می‌توان به مثابه یک ساختار ایدئولوژیک چندلایه فهمید: الاهیاتی، تاریخی و راهبردی. از نظر الاهیاتی، اندیشه مقاومت بر این باور استوار است که تنها خداوند اقتدار نهایی دارد، پس هر شکلی از سلطه انسانی باید رد شود. از نظر تاریخی، ریشه‌هایش به انقلاب اسلامی به رهبری روح‌الله خمینی بازمی‌گردد. اما این آیت‌الله خامنه‌ای بود که این اندیشه را در دوران پس از جنگ سرد، در دوره سلطه جهانی آمریکا، توسعه داد و به کار بست. در نگاه ایشان، مقاومت نه تنها واکنشی در برابر هژمونی، بلکه یک شیوه اندیشیدن است. نظام بین‌الملل بی‌طرف نیست؛ بلکه توسط روابط قدرت نابرابر شکل می‌گیرد. بنابراین مقاومت نه تنها یک انتخاب اخلاقی، بلکه یک ضرورت فکری است. آیت‌الله خامنه‌ای درگیری‌ها — به ویژه فلسطین — را نه به عنوان مسائل محلی، بلکه به عنوان نمادهای بی‌عدالتی جهانی مطرح می‌کرد. این رویکرد به مردم کمک می‌کند که مقاومت را دفاع از کرامت انسانی ببینند، نه صرفاً دستور کار ژئوپلیتیک ایران. از نظر تأثیرگذاری، این «اندیشه مقاومت» فراتر از کشورها و مذاهب می‌رود. به زبانی مشترک در میان بازیگرانی تبدیل می‌شود که اغلب «محور مقاومت» نامیده می‌شوند. همچنین جنبش‌های گسترده‌تری را در جنوب جهانی — حتی فراتر از جهان اسلام — الهام می‌بخشد. جالب اینکه این نفوذ همیشه به معنای پذیرش کامل ایدئولوژیک نیست؛ بلکه بیشتر به صورت یک قاب بندی عمل می‌کند. قدرت اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای در صادر کردن یک ایدئولوژی رسمی نبود، بلکه در شکل دادن به یک روایت ضد هژمونیک در برابر سلطه غرب بود. مهم‌ترین مؤلفه فکری رویکرد ایشان در یکپارچگی میان معنویت، عقلانیت سیاسی و آگاهی تاریخی نهفته است. در طول زندگی‌اش رد ثابت هر شکلی از سلطه به جز اقتدار الهی را نشان داد. در عین حال، اهمیت دانش و روایت را درک کرد؛ ایشان تأکید داشت آنانی که شیوه فهمیدن مردم از جهان را شکل می‌دهند، بر مسیر جهان نیز تأثیر خواهند گذاشت.



تحلیل انحطاط اخلاقی غرب و ایستادگی نمادین آیت الله خامنه‌ای در برابر پروژه صهیونیسم

پروفسور ذوالکفلی م. وادی، محقق برجسته و رئیس فعلی مؤسسه

مطالعات اسلامی دانشگاه فیلیپین از کشور فیلیپین



شهادت رهبر ایران این

شکاف را آشکارتر ساخته

و نشان داده است

که مبارزه و مقاومت

هرگز تا این اندازه دارای

جایگاهی والا نبوده

است. این شهدا،

به ویژه زنان و کودکان،

بیشترین آسیب را

از هژمونی آمریکا و

برتری طلبی اسرائیل

متحمل شده‌اند.

شهادت رهبر ایران این شکاف را آشکارتر ساخته و نشان داده است که مبارزه و مقاومت هرگز تا این اندازه دارای جایگاهی والا نبوده است. این شهدا، به ویژه زنان و کودکان، بیشترین آسیب را از هژمونی آمریکا و برتری طلبی اسرائیل متحمل شده‌اند. این شکاف با انحطاط مداوم جامعه غربی نیز تشدید شده است؛ چنان که در ظهور طبقه موسوم به «اپستین» دیده می‌شود جایی که شکل افراطی باطل برای نابودی اخلاق و عقلانیت انسانی سازمان دهی شده است. حمله به ایران به عنوان بهانه‌ای برای منحرف کردن توجه از «پرونده اپستین» صورت گرفته است، زیرا ایران تنها کشوری است که همچون «استخوانی در گلو» در برابر پروژه اسرائیل بزرگ ایستاده است. طبقه اپستین با شرمساری و رسوایی مواجه شده است، به ویژه در برابر مردی ۸۶ ساله که تنها با عصایی در دست، در برابر معماران هژمونی و برتری طلبی ایستادگی کرد. اکنون که آثار گسترده جنگ در سراسر جهان احساس می‌شود، ضرورت رسیدگی به سختی‌ها و رنج‌های بی‌شمار مردم در کشورهای مختلف بیش از پیش احساس می‌شود. بشریت در آستانه خطری تازه قرار دارد. ما از همین بشریت می‌خواهیم که برای متوقف کردن آن برخیزد.



بازخوانی ابعاد انسانی رهبر شهید انقلاب

پروفسور داتو بهارالدین احمد، استاد ارشد گروه اصول الدین، دین تطبیقی و فلسفه

دانشگاه بین المللی اسلامی مالزی (MUII) از کشور مالزی

تسلیت عمیق خود را به مردم ایران، پیروان مذهب شیعه و مسلمانان جهان در فقدان رهبر بزرگ جمهوری اسلامی ایران، مرحوم شیخ امام سیدعلی خامنه‌ای ابراز می‌دارم. ایشان در ماه مبارک رمضان به شهادت رسید؛ رهبری که در بسیاری از کشورهای متمدن جهان مورد احترام بود. امام متوفی انسانی بود با اخلاق والا، مهربان و رحیم نسبت به زبردستانش، اعم از مردان، زنان و کودکان. مهربانی و رحمت ایشان در چهره روشن، لبخند زیبا و کلام فصیح‌شان متجلی بود. برای اهل ادب، آنان که ارزش‌های عالی معنای زندگی و دانش عمیق را پاس می‌دارند، شخصیت ایشان گنجینه‌ای است که باید گرامی داشت، به آن احترام گذاشت و از آن الگو گرفت. خداوند متعال روح پاک ایشان را در حضور رحمت و کرم خود بپذیرد.

روایت مهمانان خارجی از آیین وداع و تشییع رهبر شهید انقلاب

مهمانان بین المللی: میراث رهبر شهید در مقاومت، وحدت و آینده منطقه ادامه خواهد یافت

مراسم وداع و تشییع رهبر شهید انقلاب اسلامی، علاوه بر حضور گسترده مردم ایران، با حضور هیئت‌های بلندپایه‌ای از نزدیک به ۱۰۰ کشور جهان برگزار خواهد شد؛ هیئت‌هایی متشکل از رؤسای دولت‌ها، رؤسای مجالس، وزیران امور خارجه، شخصیت‌های سیاسی، دینی و نمایندگان ویژه دولت‌ها که برای ادای احترام به رهبر شهید انقلاب در این مراسم حضور یافتند. این حضور گسترده، بار دیگر جایگاه بین‌المللی و تأثیرگذاری اندیشه و شخصیت ایشان را در میان ملت‌ها و جریان‌های مختلف جهان به نمایش گذاشت. خبرنگار مادر حاشیه این مراسم با شماری از مهمانان خارجی درباره ابعاد شخصیتی، سیاسی و دینی رهبر شهید انقلاب، آینده جریان مقاومت پس از شهادت ایشان و تأثیر این رخداد بر تحولات منطقه به گفت‌وگو نشست. آنچه در سخنان این شخصیت‌ها بیش از هر چیز به چشم می‌خورد، تأکید بر استمرار راه رهبر شهید، تقویت جبهه مقاومت، نقش وحدت‌آفرین ایشان در جهان اسلام و تأثیر ماندگار اندیشه‌های وی بر آینده منطقه بود.

خالد القدومی:

رهبر شهید، حامی راهبردی فلسطین و استمرار دهنده آرمان مقاومت

خالد القدومی، نماینده جنبش حماس در ایران، در ابتدای سخنان خود با اشاره به سابقه طولانی ارتباط رهبر شهید انقلاب با مسئله فلسطین گفت ملت فلسطین بیش از چهار دهه است که آیت الله سید علی خامنه‌ای را به عنوان یکی از مهم‌ترین حامیان آرمان فلسطین می‌شناسد؛ شخصیتی که از دوران جوانی حمایت از مظلومان را در صدر دغدغه‌های خود قرار داده بود و فلسطین را مهم‌ترین مسئله جهان اسلام می‌دانست.

وی با بیان اینکه رهبر شهید چه در دوران حضور در مجلس شورای اسلامی و چه در مسئولیت‌های بعدی، همواره در حمایت از مقاومت پیشگام بود، افزود فتواها و مواضع شرعی ایشان در حمایت از فلسطین، مکمل راهی بود که امام خمینی (ره) در دفاع از مقاومت اسلامی پایه‌گذاری کرده بودند. به گفته القدومی، ترجمه آثار فکری و تبیین مفاهیمی همچون دفاع مشروع و اتحاد مسلمانان در برابر دشمن مشترک نیز از دیگر اقدامات اثرگذار ایشان در حمایت از آرمان فلسطین بود.

نماینده حماس تأکید کرد که برای مردم فلسطین، رهبر شهید تنها یک رهبر سیاسی نبود، بلکه برادری بزرگ‌تر و حامی راهبردی مقاومت در عرصه‌های سیاسی، دیپلماتیک، مادی و نظامی به شمار می‌رفت. وی با اشاره به تعبیر رهبر شهید از عملیات «طوفان الاقصی» به عنوان یک «هدیه»، گفت این نگاه بیانگر اهتمام عمیق ایشان به زنده نگه داشتن مسئله فلسطین بود؛ آرمانی که اگر حمایت‌های مستمر ایشان وجود نداشت، خطر به فراموشی سپرده شدن آن بسیار جدی بود.

القدومی در ادامه با اشاره به آینده محور مقاومت پس از شهادت رهبر انقلاب اظهار داشت که در فرهنگ امت اسلامی، «مکتب شهدا» همواره موجب تداوم و تقویت مقاومت شده است. به اعتقاد وی، شهادت رهبر شهید نه تنها خللی در

مسیر مقاومت ایجاد نخواهد کرد، بلکه پیروان این مسیر را در دفاع از آرمان‌های خود ثابت‌قدم‌تر خواهد ساخت. وی همچنین با اشاره به آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای گفت در مراسم شهید یحیی سنوار فرصت دیدار با ایشان را داشته و حضور ایشان را برای نیروهای مقاومت الهام‌بخش توصیف کرد. القذوفی افزود آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای ادامه‌دهنده راه پدر است و همان مسیر حمایت از آزادی فلسطین و مقابله با رژیم صهیونیستی را دنبال خواهد کرد. نماینده حماس درباره آثار منطقه‌ای شهادت رهبر انقلاب نیز گفت منطقه غرب آسیا در حال ورود به مرحله‌ای تازه است؛ مرحله‌ای که در آن، به گفته وی، هژمونی آمریکا و رژیم صهیونیستی نسبت به گذشته تضعیف شده و قدرت‌های مستقل منطقه‌ای در حال ایفای نقش پررنگ‌تری هستند. او همچنین بیداری افکار عمومی جهان، حتی در کشورهای غربی، نسبت به مسئله فلسطین را نشانه تغییر موازنه‌های جهانی دانست و تأکید کرد ایران امروز به دلیل پایبندی به عدالت و استقلال، به یکی از بازیگران اصلی تحولات منطقه تبدیل شده است.

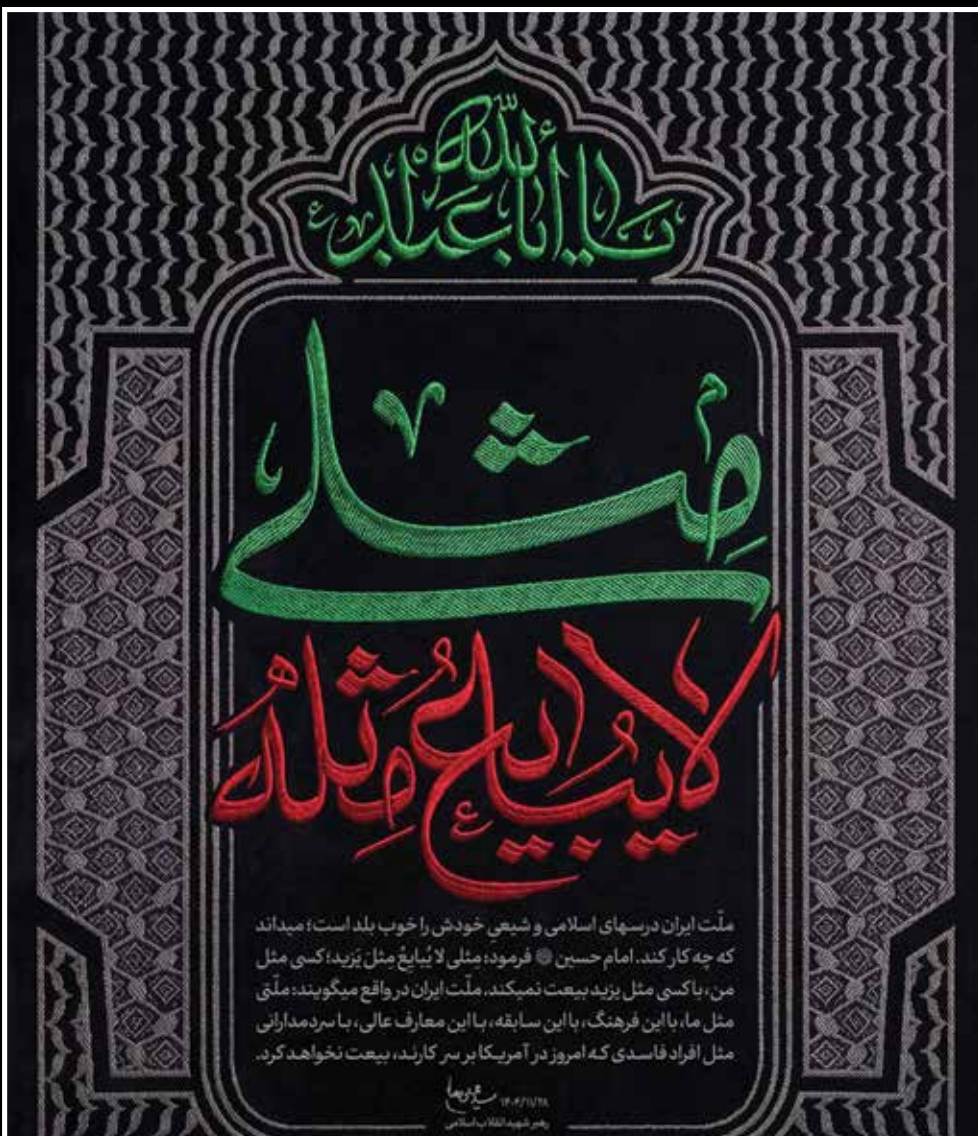
محمد ناصر البختی: خون رهبر شهید، اتمام حجتی برای ملت‌های اسلامی

محمد ناصر البختی، عضو دفتر سیاسی جنبش انصارالله یمن، نیز در گفت‌وگو با خبرنگار ما، شهادت رهبر شهید انقلاب را نقطه عطفی در تاریخ معاصر جهان اسلام توصیف کرد و گفت آمریکا تصویری کرد با شهادت آیت‌الله خامنه‌ای، جمهوری اسلامی و محور مقاومت تضعیف خواهند شد، اما نتیجه دقیقاً برعکس شد. وی اظهار داشت شهادت رهبر شهید موجب تقویت روحیه مقاومت، افزایش همبستگی داخلی و شکل‌گیری وحدتی کم‌سابقه در میان ملت ایران شد و نشان داد که خون شهدا، برخلاف تصور دشمنان، عامل استمرار و تقویت جریان مقاومت است. البختی با بیان اینکه این شهادت حجت را بر امت اسلامی تمام کرد، افزود بسیاری از جوانان مسلمان طی سال‌های گذشته تحت تأثیر تبلیغات دشمن، نسبت به ماهیت واقعی آمریکا و رژیم صهیونیستی دچار تردید شده بودند، اما این رخداد حقیقت را برای آنان آشکار ساخت. وی همچنین با اشاره به شهادت فرماندهان بزرگ مقاومت از جمله سید حسن نصرالله تأکید کرد که از نگاه محور مقاومت، شهادت فرماندهان هرگز موجب عقب‌نشینی نمی‌شود، بلکه اراده ملت‌ها را برای ادامه مسیر تقویت می‌کند.

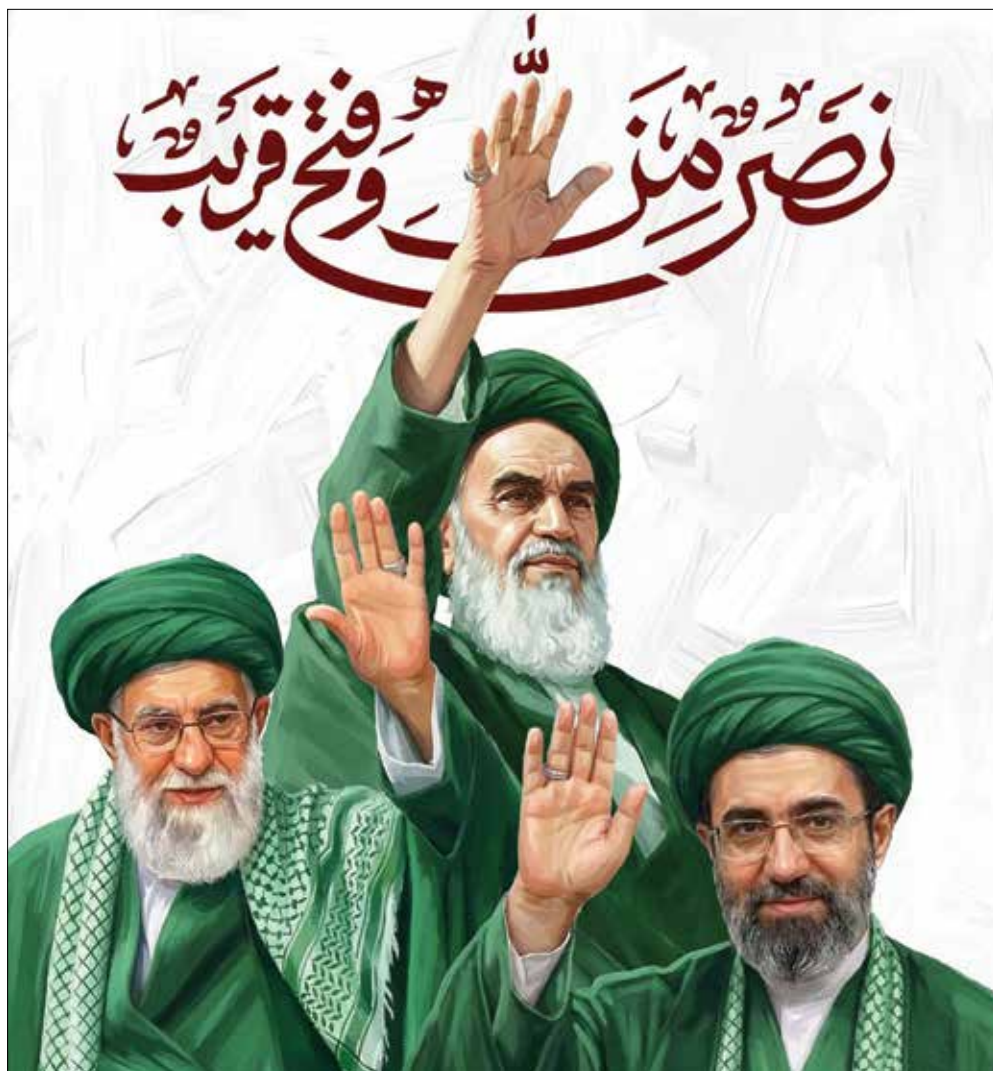
عضو دفتر سیاسی انصارالله در ادامه، رهبر شهید انقلاب را شخصیتی دانست که در سخت‌ترین شرایط، هدایت ایران و محور مقاومت را بر عهده داشت و با مواضع صریح خود در حمایت از فلسطین، مسیر مبارزه با رژیم صهیونیستی را تثبیت کرد. وی این مسیر را به قیام امام حسین علیه السلام تشبیه کرد و گفت همان‌گونه که عاشورا موجب احیای امت اسلامی شد، شهادت رهبر انقلاب نیز موجب ماندگاری این مسیر خواهد شد.

البختی در بخش دیگری از سخنان خود، تلاش آمریکا برای ایجاد اختلاف میان مسلمانان را یادآور شد و گفت سال‌ها تلاش شد با دامن زدن به اختلافات قومی و مذهبی، توجه ملت‌های اسلامی از دشمن اصلی منحرف شود، اما حمایت عملی ایران، یمن، لبنان و عراق از فلسطین نشان داد مسئله فلسطین، مسئله‌ای اسلامی است و ارتباطی با اختلافات قومی یا مذهبی ندارد.

وی همچنین درباره تحولات یمن اظهار داشت رویارویی مستقیم این کشور با آمریکا و رژیم صهیونیستی و شکل‌گیری همکاری نزدیک‌تر میان یمن، ایران، عراق و لبنان موجب تقویت وحدت داخلی یمن شده و به گفته او، این کشور امروز با اطمینان بیشتری مسیر خود را در کنار محور مقاومت ادامه می‌دهد.



نشست‌ها و مقالات علمی



مجموعه مقاله‌های پژوهشگران عرب زبان با محوریت انقلاب، امام خمینی رحمه الله و آیت الله سید علی خامنه‌ای

این مجموعه پژوهشی که در ادامه مورد به مورد آن را خواهید خواند، به بررسی اندیشه‌ها، شخصیت، دیدگاه‌های سیاسی و دینی امام خمینی و تداوم این مسیر در اندیشه‌های آیت الله خامنه‌ای می‌پردازد. محور اصلی پژوهش‌ها مفهوم «نصر و انتصار» (پیروزی و باور به پیروزی) در نگاه اسلامی و انقلابی است و تلاش می‌کند نشان دهد که پیروزی در این دیدگاه تنها به معنای موفقیت نظامی یا سیاسی ظاهری نیست، بلکه مفهومی گسترده‌تر شامل پیروزی معنوی، فرهنگی، اعتقادی و تمدنی دارد.

■ امام خمینی؛ بنیان گذار انقلاب اسلامی و احیای نقش اسلام در جامعه

در مقدمه این مجموعه، امام خمینی به عنوان رهبری معرفی می شود که انقلاب اسلامی ایران را در سال ۱۳۵۹ رهبری کرد و نظام جمهوری اسلامی را پایه گذاری نمود. در این نگاه، او تنها یک رهبر سیاسی نبود، بلکه متفکری اسلامی بود که تلاش داشت اسلام را در تمام عرصه های زندگی، از سیاست و اقتصاد تا اجتماع، دارای نقش فعال بداند. اندیشه های او موجب شکل گیری نوعی بیداری اسلامی و افزایش توجه به نقش دین در جامعه و سیاست شد. همچنین بر وحدت مسلمانان، مقابله با ظلم و حمایت از مسئله فلسطین تأکید داشت.

■ جنگ مفاهیم و جدال پیروزی و شکست در اندیشه تفسیری آیت الله خامنه ای

یکی از پژوهش ها به «جنگ مفاهیم و جدال پیروزی و شکست» در اندیشه تفسیری آیت الله خامنه ای می پردازد. در این دیدگاه، جنگ فقط به میدان نظامی محدود نمی شود، بلکه جنگ نرم و نبرد مفاهیم نیز اهمیت دارد. شکست واقعی زمانی رخ می دهد که یک جامعه از نظر فکری و اعتقادی تسلیم شود. در مقابل، پیروزی می تواند حتی در شرایط سخت و همراه با فداکاری و شهادت نیز تحقق یابد؛ زیرا در نگاه دینی، شهادت و مقاومت نیز بخشی از مسیر پیروزی محسوب می شوند. این پژوهش بر نقش قرآن در شکل دهی به این برداشت از پیروزی تأکید دارد.

■ عرفان و سیاست در اندیشه و سیره امام خمینی

پژوهشی دیگر به بررسی بُعد عرفانی و سیاسی زندگی امام خمینی می پردازد. در این نگاه، ویژگی برجسته امام خمینی جمع میان عرفان و سیاست بود؛ دو حوزه ای که معمولاً جدا از یکدیگر تصور می شوند. عرفان به معنای ارتباط عمیق با خداوند و خودسازی، و سیاست به معنای حضور در جامعه و مقابله با ظلم معرفی می شود. امام خمینی این دو را جدا نمی دانست و معتقد بود دین باید در صحنه اجتماعی حضور داشته باشد. او سیاست را بخشی از مسئولیت دینی می دانست و مبارزه با ظلم را ادامه مسیر دینی معرفی می کرد.

■ جمهوری اسلامی ایران و احیای نقش اسلام در زندگی

در بخش «جمهوری اسلامی ایران و احیای نقش اسلام در زندگی»، نویسنده معتقد است انقلاب اسلامی تلاش کرد اسلام را از حالت صرفاً فردی خارج کرده و به عنوان یک نظام فکری و اجتماعی مطرح کند. این پژوهش به مخالفت هایی اشاره می کند که با



یکی از پژوهش ها به
«جنگ مفاهیم و جدال
پیروزی و شکست» در
اندیشه تفسیری آیت الله
خامنه ای می پردازد. در
این دیدگاه، جنگ فقط
به میدان نظامی محدود
نمی شود، بلکه جنگ
نرم و نبرد مفاهیم نیز
اهمیت دارد.

مفهوم اسلام سیاسی و ولایت فقیه مطرح شده و در مقابل، دیدگاه امام خمینی و آیت الله خامنه‌ای را تلاشی برای ارائه قرآنتی جامع از اسلام معرفی می‌کند؛ قرآنتی که قرآن، عدالت، مقاومت و مقابله با سلطه را از عناصر اصلی خود می‌داند.

■ رؤیت صحیح عقیده نصر و انتصار

پژوهش «رؤیت صحیح عقیده نصر و انتصار» به مفهوم درست پیروزی در اندیشه اسلامی می‌پردازد. طبق این دیدگاه، نباید پیروزی را فقط در نتیجه ظاهری و مادی جست‌وجو کرد. نمونه مهم این موضوع، پیروزی خون بر شمشیر در واقعه عاشورا معرفی می‌شود؛ جایی که با وجود شکست ظاهری، یک پیروزی تاریخی و معنوی شکل گرفت. بنابراین، پیروزی حقیقی زمانی رخ می‌دهد که انسان در مسیر حق حرکت کند و به وظیفه خود عمل نماید. نویسنده بر ایمان، وحدت و توکل به خدا به عنوان عوامل اصلی پیروزی تأکید می‌کند.

■ امت مقاومت و توسعه ابزارهای مقابله

در مقاله «امت مقاومت و توسعه ابزارهای مقابله»، مفهوم امت در نگاه اسلامی بررسی می‌شود. این پژوهش بیان می‌کند که امت تنها یک مجموعه انسانی نیست، بلکه هویتی مشترک بر پایه ارزش‌ها و اهداف است. برای مقابله با چالش‌های جهانی، امت نیازمند ابزارهای فرهنگی، فکری، سیاسی و اجتماعی است. از مهم‌ترین عوامل مقاومت، آگاهی، حفظ هویت فرهنگی، وحدت و توانایی تشخیص تهدیدها معرفی شده است.

■ مقاومت و عقیده پیروزی در اندیشه امام خمینی؛ رویکردی انسان‌شناختی

پژوهشی با رویکرد انسان‌شناختی، مقاومت و عقیده پیروزی را در اندیشه امام خمینی بررسی می‌کند. بر اساس این تحقیق، مقاومت در نگاه امام خمینی تنها یک روش سیاسی یا نظامی نیست، بلکه به یک فرهنگ و سبک زندگی تبدیل می‌شود. مقاومت دارای ابعاد دینی، اجتماعی و روحی است و می‌تواند هویت جمعی جامعه را شکل دهد. در این نگاه، پیروزی نتیجه ارتباط میان ایمان، اراده انسانی و حرکت تاریخی جامعه است.

■ ویژگی‌های امت مقاوم در اندیشه امام خمینی و آیت الله خامنه‌ای

بخش دیگری از مجموعه به ویژگی‌های «امت مقاوم» در دیدگاه امام خمینی و آیت الله خامنه‌ای می‌پردازد. این ویژگی‌ها شامل استقلال خواهی، خوداتکایی، اتحاد، صبر در برابر مشکلات و مقابله با سلطه است. پژوهش تأکید می‌کند که مقاومت فقط در میدان نظامی معنا ندارد، بلکه حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی را نیز شامل می‌شود. نقش رهبری در هدایت حرکت‌های مقاومتی نیز از موضوعات مهم این بخش است.

■ از خمینی تا خامنه‌ای؛ عقیده نصر و انتصار

در پژوهش «از خمینی تا خامنه‌ای؛ عقیده نصر و انتصار»، استمرار یک مسیر فکری بررسی می‌شود. نویسنده معتقد است انقلاب اسلامی بر پایه مقدمات فکری و اعتقادی شکل گرفت و پس از امام خمینی توسط آیت الله خامنه‌ای ادامه یافت. در این دیدگاه، پیروزی نتیجه داشتن مبانی صحیح، رهبری آگاه، مردم همراه و پایبندی به اصول اعتقادی است.

استراتژی پیروزی در سوره فتح و انقلاب اسلامی ایران

همچنین مقاله‌ای درباره «استراتژی پیروزی در سوره فتح و انقلاب اسلامی ایران» تلاش می‌کند میان مفاهیم قرآنی و تجربه انقلاب اسلامی ارتباط برقرار کند. نویسنده عناصر پیروزی در سوره فتح را ایمان، صبر، وحدت، اطاعت از رهبری، برنامه‌ریزی و استفاده از فرصت‌ها می‌داند و این عوامل را در پیروزی انقلاب اسلامی نیز قابل مشاهده معرفی می‌کند.

بصیرت در اندیشه آیت الله خامنه‌ای

در بخش مربوط به مفهوم «بصیرت» در اندیشه آیت الله خامنه‌ای، بصیرت به عنوان توانایی تشخیص حق و باطل در شرایط پیچیده معرفی می‌شود. این مفهوم برای مقابله با فتنه‌ها و جنگ‌های فکری و فرهنگی ضروری دانسته شده است. بصیرت فقط آگاهی ظاهری نیست، بلکه درک عمیق همراه با ایمان و تحلیل درست شرایط است.

نصرو فتح در قرآن؛ از فقه انتظار تا فقه مقابله

در پایان، پژوهش‌هایی درباره رابطه مفاهیم «نصر» و «فتح» در قرآن ارائه شده است. بر اساس این دیدگاه، فتح یکی از جلوه‌های پیروزی است، اما مفهوم نصر گسترده‌تر بوده و شامل یاری الهی، موفقیت معنوی، رشد انسانی و تحقق اهداف الهی می‌شود. همچنین بحث «فقه انتظار و فقه مقابله» مطرح می‌شود که بر اساس آن انتظار ظهور به معنای سکون و بی‌عملی نیست، بلکه باید با مسئولیت‌پذیری، اصلاح اجتماعی و مقابله با ظلم همراه باشد.

جمع بندی

این مجموعه پژوهشی، پیروزی را در اندیشه امام خمینی و آیت الله خامنه‌ای مفهومی چندبعدی معرفی می‌کند؛ پیروزی‌ای که تنها با قدرت مادی سنجیده نمی‌شود، بلکه شامل ایمان، آگاهی، مقاومت، وحدت، عدالت‌خواهی و حرکت در مسیر ارزش‌های دینی است. محور مشترک همه پژوهش‌ها این است که جامعه‌ای که دارای باور، شناخت و اراده باشد، توانایی مقابله با چالش‌ها و ساختن آینده خود را خواهد داشت.

نکته:

مقالات این مجموعه به زبان عربی تدوین شده‌اند و آنچه در این ادامه آمده، ترجمه و خلاصه‌ای فارسی از محتوای این مقالات پژوهشی است.



از خمینی تا خامنه‌ای: بینش صحیح از دکترین پیروزی و ظفر

مقاله ای از علی الزهیری

این پژوهش به بررسی مفهوم «پیروزی و انتصار» از نگاه قرآن کریم و روایات می‌پردازد و تلاش می‌کند معیارهای لازم برای یک رهبری موفق را تبیین کند. نویسنده معتقد است خداوند انسان‌ها را بر اساس عدالت و برابری آفریده و پیامبران را برای حفظ ارزش‌ها، جلوگیری از انحراف و هدایت جوامع فرستاده است. بر اساس نگاه نویسنده، در وجود انسان نیروهای مختلفی مانند عقل، خشم و شهوت وجود دارد. گروهی از انسان‌ها توانسته‌اند نیروی عقل را بر دیگر نیروها حاکم کنند؛ مانند پیامبران، اولیای الهی و صالحان. اما گروهی دیگر در کنترل غرایز خود شکست خورده و در نتیجه به دنبال منافع شخصی، قدرت و سلطه بر دیگران رفته‌اند. این وضعیت باعث شکل‌گیری ظلم، فساد و انحراف در جامعه و حکومت‌ها می‌شود. در برابر این انحراف، روح مقاومت در انسان‌های آزاده شکل می‌گیرد. آنان برای دفاع از ارزش‌های الهی و مقابله با ظلم تلاش می‌کنند و به دلیل غلبه عقل و ایمان بر غرایز، در مسیر الهی حرکت می‌کنند. نویسنده تأکید می‌کند که پیروزی حقیقی هدیه‌ای الهی به بندگان مؤمن است؛ زیرا آنان خدا را یاری می‌کنند و خداوند نیز آنان را یاری خواهد کرد. این معنا با آیه «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر خدا را یاری کنید، او شما را یاری می‌کند و گم‌هایتان را استوار می‌سازد» پیوند داده شده است.

رهبری نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

فصل سوم

مسئله و هدف پژوهش

نویسنده بیان می‌کند که تفاوت میان انسان‌ها و جوامع در مسیر رسیدن به موفقیت، به نوع نگاه و تشخیص مسیر درست بازمی‌گردد. اگر مقدمات صحیح باشند و هدف مقدس و درست انتخاب شود، حتی با وجود مشکلات فراوان امکان رسیدن به هدف وجود دارد؛ اما اگر مبانی اشتباه باشد، نتیجه سرگردانی خواهد بود. نمونه‌ای که مطرح می‌شود، قوم حضرت موسی علیه السلام است که به دلیل نافرمانی از ورود به سرزمین مقدس، گرفتار سرگردانی شدند. هدف اصلی پژوهش، شناخت مقدمات درست برای یک رهبر و بررسی ویژگی‌هایی است که او را قادر می‌سازد جامعه را به سوی پیروزی هدایت کند. نویسنده به دنبال بررسی صفات رهبر موفق، معیارهای تعیین هدف و چگونگی شکل‌گیری یک مسیر صحیح برای رسیدن به پیروزی است.

مفهوم رهبری در قرآن و روایات

این پژوهش ابتدا مفهوم «رهبر» را بررسی می‌کند. در زبان عربی، رهبر کسی است که دیگری را هدایت و راهنمایی می‌کند. در اصطلاح، رهبر فردی است که توانایی تأثیرگذاری بر دیگران، جهت دادن به رفتار آنان و ایجاد انگیزه برای رسیدن به اهداف مشترک را دارد. رهبری تنها فرمان دادن نیست، بلکه توانایی ایجاد ارتباط، هماهنگی و حرکت دادن یک مجموعه به سمت هدف است. از دیدگاه قرآن، هرچند واژه «رهبری» به شکل مستقیم نیامده، اما مفاهیم مرتبط با آن در آیاتی مانند امامت حضرت ابراهیم علیه السلام، خلافت حضرت داود علیه السلام و الگو بودن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مطرح شده است. در فرهنگ اسلامی، رهبر کسی است که مردم را به سوی حق، عدالت و ارزش‌های الهی هدایت می‌کند.



این پژوهش ابتدا مفهوم

«رهبر» را بررسی می‌کند.

در زبان عربی، رهبر

کسی است که دیگری

را هدایت و راهنمایی

می‌کند. در اصطلاح،

رهبر فردی است که

توانایی تأثیرگذاری بر

دیگران، جهت دادن به

رفتار آنان و ایجاد انگیزه

برای رسیدن به اهداف

مشترک را دارد. رهبری

تنها فرمان دادن نیست

ویژگی‌های رهبر از نگاه قرآن

نویسنده با بررسی داستان حضرت یوسف علیه السلام، چند ویژگی مهم برای رهبر موفق بیان می‌کند:

۱. امانت و صداقت: رهبر باید پاک‌دست، صادق و مورد اعتماد مردم باشد. صداقت باعث می‌شود جامعه به او اعتماد کند و او را الگوی خود بدانند.
۲. دانش و توانایی علمی: علم یکی از پایه‌های اصلی رهبری است. رهبر باید شناخت کافی از مسائل داشته باشد تا بتواند تصمیم‌های درست بگیرد.
۳. اخلاص در عمل: رهبر نباید هدف خود را منفعت شخصی قرار دهد، بلکه باید تلاش او برای خدا و خدمت به جامعه باشد.
۴. صبر و تقوا: قرآن بارها بر صبر و تقوا تأکید کرده و این دو ویژگی برای رهبر ضروری دانسته شده‌اند. رهبر باید در برابر مشکلات استقامت داشته باشد.
۵. بخشش و گذشت: رهبر موفق نمی‌تواند با سخت‌گیری دائمی جامعه را اداره کند، بلکه باید توانایی بخشش و اصلاح داشته باشد.

رهبری در روایات

این پژوهش با استناد به روایات، رهبری پیامبر اسلام ﷺ را نمونه‌ای از رهبری موفق معرفی می‌کند. محبت شدید یاران پیامبر به ایشان نتیجه رفتار، اخلاق و هدایت صحیح او دانسته شده است. همچنین در نگاه شیعی، امامان اهل بیت علیهم‌السلام به عنوان هدایت‌کنندگان جامعه معرفی می‌شوند. در ادامه، نویسنده به شخصیت امام خمینی رحمه‌الله اشاره می‌کند و او را نمونه‌ای از رهبری می‌داند که توانست با تکیه بر قرآن، ارزش‌های دینی و روحیه مقاومت، انقلاب اسلامی ایران را به پیروزی برساند. همچنین استمرار این مسیر توسط رهبر بعدی انقلاب مطرح شده است. از آنجایی که زندگی امام خمینی (قدس سره) با قرآن و عترت پیامبر عجین شده بود، بر این رهبر استثنایی واجب بود که جانشینی شایسته برای مسئولیت انقلاب اسلامی تربیت و پرورش دهد. این امر محقق شد؛ ایشان در انتصاب آیت الله خامنه‌ای به عنوان جانشین و نگهبان انقلاب، حق داشتند. او نیز در مقابله با ظلم و ستم ائتلاف آمریکا، اسرائیل و انگلیس و نقشه‌های آنها که با تمام توان در پی تضعیف اقتصاد و قدرت نظامی جمهوری اسلامی ایران بودند، رویکرد خمینی کبیر را ادامه داده‌اند.

بینش رهبر و رسالت او

هر رهبر موفق باید دارای «چشم‌انداز» باشد؛ یعنی تصویری روشن از آینده‌ای که قصد رسیدن به آن را دارد. چشم‌انداز، مسیر حرکت جامعه یا سازمان را مشخص می‌کند و به افراد انگیزه می‌دهد. از نگاه پژوهش، چشم‌انداز جامعه اسلامی در قرآن رسیدن به حاکمیت عدالت و وارث شدن صالحان در زمین است. رهبر باید این هدف را برای جامعه روشن کند و برنامه‌ای برای تحقق آن داشته باشد. رسالت رهبر نیز عبارت است از بیان دلیل وجودی حرکت و مشخص کردن مسئولیت‌ها. بر اساس این دیدگاه، رسالت رهبران انقلاب اسلامی، اصلاح جامعه، حفظ ارزش‌های اسلامی و حرکت در مسیر اهداف دینی معرفی شده است.

ویژگی‌های رهبر موفق

این پژوهش ویژگی‌های زیر را برای رهبر موفق بیان می‌کند:

- داشتن دیدگاه روشن نسبت به آینده؛
- شجاعت در تصمیم‌گیری؛
- صداقت و هماهنگی میان گفتار و عمل؛
- تواضع همراه با قدرت و قاطعیت؛
- توانایی برنامه‌ریزی راهبردی؛
- شناخت نقاط قوت و ضعف جامعه؛
- توانایی ایجاد روحیه همکاری و کار گروهی

نویسنده تأکید می‌کند که رهبر نباید از روش‌هایی مانند اجبار، ترساندن یا فریب برای اداره جامعه استفاده کند؛ زیرا این شیوه‌ها با نگاه قرآنی سازگار نیستند. رهبری مشروع باید بر پایه هدایت، اعتماد، عدالت و ارزش‌های الهی باشد.

تعیین هدف

هدف، مجموعه‌ای از نتایج نهایی است که نهادها، از طریق مدیریت خود، برای دستیابی به آن تلاش می‌کنند. این هدف عبارت است از: (نتیجه‌ای مشخص و قابل اندازه‌گیری که تمام وسایل رسیدن به آن را فراهم می‌کند). هنگامی

که خداوند متعال پیامبران و رسولان را فرستاد و جانشینان و کسانی را که از میان صالحان از آنها پیروی کردند، منصوب کرد، هدفی مطلوب برای دستیابی وجود داشت که همان رستگاری و دستیابی به سعادت واقعی در دنیا و آخرت است. و هر کسی که احساس مسئولیت تبلیغی می کند، باید آنچه پیامبران و جانشینان آورده اند را اجرا کند.

معیارهای تعیین هدف

بخش دیگری از پژوهش به چگونگی انتخاب هدف می پردازد:

هدف باید:

روشن و مشخص باشد؛

تأثیر مثبت در جامعه داشته باشد؛

قابل تحقق باشد؛

واقعی باشد، نه خیال پردازانه.

نویسنده معتقد است اهداف الهی پیامبران، هدایت انسان و رساندن او به سعادت دنیا و آخرت بوده است. بنابراین رهبر دینی نیز باید اهداف خود را در همین مسیر تعریف کند.

مراحل رسیدن به هدف

برای رسیدن به هدف، پژوهش چند مرحله را بیان می کند:

۱. رهبر باید بداند دقیقاً چه چیزی را می خواهد به دست آورد.

۲. باید واقع بین باشد و از تجربه و دانش دیگران استفاده کند.

۳. اهداف باید به تدریج و مرحله به مرحله تحقق پیدا کنند.

۴. باید اولویت ها مشخص شوند و مهم تر بر مهم مقدم شود

۵. اهداف باید ثابت و برنامه ریزی شوند

۶. رهبر باید اعتماد به نفس داشته باشد.

۷. مسیر حرکت باید مانند «قطب نما» مشخص باشد تا جامعه دچار سردرگمی نشود.

اهداف انقلاب اسلامی ایران

نویسنده در این پژوهش اهداف انقلاب اسلامی را شامل تربیت نسل آگاه و مؤمن، رشد علمی و فرهنگی، تقویت مراکز دینی و علمی، مقابله با انحرافات فکری و آماده سازی جامعه برای ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الیوم معرفی می کند.

نتیجه گیری

پژوهش تاکید می کند که پیروزی واقعی زمانی حاصل می شود که رهبر دارای بینش صحیح، ایمان، دانش، برنامه، هدف روشن و ارتباط درست با جامعه باشد. از نگاه نویسنده، رهبری الهی و حرکت بر اساس ارزش های دینی عامل اصلی رسیدن به پیروزی و موفقیت است.



نویسنده در این پژوهش

اهداف انقلاب اسلامی

را شامل تربیت نسل

آگاه و مؤمن، رشد

علمی و فرهنگی، تقویت

مراکز دینی و علمی،

مقابله با انحرافات فکری

و آماده سازی جامعه

برای ظهور امام مهدی پ

معرفی می کند.



اصول امت مقاوم و سازوکارهای آن؛ بررسی موردی قاعده‌ی «وَلَا تَرْكُنُوا»

طالب رحمة الساعدي

این پژوهش با عنوان «اصول امت مقاوم و سازوکارهای آن؛ بررسی موردی قاعده‌ی وَلَا تَرْكُنُوا» به بررسی یکی از اصول مهم در اندیشه‌ی دینی و سیاسی امت مقاوم می‌پردازد؛ یعنی اصل قرآنی «وَلَا تَرْكُنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا» به معنای عدم گرایش، تکیه، وابستگی و اعتماد به کسانی که اهل ظلم هستند. نویسنده بیان می‌کند که امت مقاوم، امتی است که بر پایه‌ی اصولی الهی و ارزش‌هایی استوار شکل می‌گیرد که محدود به یک زمان یا شرایط خاص نیستند، بلکه دارای ابعاد ماندگار و زنده تا پایان تاریخ هستند. چنین امتی در برابر فشارها، مشکلات و دشمنی‌هایی که از سوی جریان‌های ظلم و استکبار ایجاد می‌شود، دچار شکست و تسلیم نمی‌گردد.

رهت نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

فصل سوم

بیان مسأله

نویسنده معتقد است یکی از مهم‌ترین این اصول الهی، قاعده‌ی «وَلَا تَرْكُؤَا» است؛ یعنی مسلمان نباید در برابر ظالمان به گونه‌ای رفتار کند که نتیجه‌ی آن وابستگی، تأثیرپذیری، پذیرش سلطه یا تقویت جایگاه آنان باشد. هدف پژوهش آن است که مفهوم این قاعده، مبانی شرعی آن و کاربردهای عملی آن در زندگی امت اسلامی، به ویژه در مسیر مقاومت، بررسی شود. اهمیت این موضوع از آن جهت است که این قاعده در بسیاری از مباحث فقهی کمتر به صورت مستقل مورد توجه قرار گرفته، در حالی که در زندگی سیاسی، اجتماعی و اعتقادی مسلمانان نقش مهمی دارد. نویسنده پژوهش را بر روش تحلیلی بنا کرده است؛ یعنی با بررسی مفاهیم، ادله‌ی قرآنی و روایی و دیدگاه‌های فقهای تلاش می‌کند ابعاد مختلف این قاعده را روشن کند. ساختار اصلی تحقیق شامل سه بخش است: نخست بررسی واژگان موجود در عنوان قاعده، دوم بررسی دلیل و مبانی شرعی آن، و سوم بیان نمونه‌هایی از کاربرد این اصل در سخنان و دیدگاه‌های امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای.

تبیین اصطلاحات مندرج در قاعده «وَلَا تَرْكُؤَا»

در بخش نخست، نویسنده به بررسی مفهوم «رکون» می‌پردازد. در لغت، رکون به معنای تکیه کردن، اعتماد نمودن، تمایل پیدا کردن و آرام گرفتن نسبت به چیزی یا کسی آمده است. برخی لغت‌شناسان آن را به معنای میل قلبی و گرایش دانسته‌اند و برخی دیگر بر مفهوم اعتماد و اتکا تأکید کرده‌اند. بنابراین، رکون تنها یک علاقه‌ی ساده نیست، بلکه نوعی وابستگی و تکیه است که انسان را در موضع پذیرش و همراهی قرار می‌دهد.

سپس مفهوم «الذین ظلموا» بررسی می‌شود. نویسنده با استفاده از دیدگاه برخی مفسران، بیان می‌کند که منظور از کسانی که ظلم کرده‌اند تنها افراد ستمگر در معنای عرفی نیستند، بلکه کسانی را نیز شامل می‌شود که در برابر دعوت الهی ایستاده‌اند و مسیر حق را نمی‌پذیرند. در این نگاه، ظلم تنها تجاوز به حقوق دیگران نیست، بلکه قرار دادن چیزی در جایگاه نادرست و مخالفت با حقیقت الهی نیز مصداق ظلم است. بر این اساس، مهم‌ترین مصادیق «الذین ظلموا» کسانی هستند که در برابر مسیر حق و ارزش‌های الهی قرار می‌گیرند.

انواع اعتماد به ظالمان:

نویسنده سپس توضیح می‌دهد که اعتماد و تکیه بر ظالمان شکل‌های مختلفی دارد. گاهی این اعتماد در حوزه‌ی دین و اندیشه رخ می‌دهد؛ مانند اینکه انسان معارف و دیدگاه‌های دینی خود را از کسانی دریافت کند که با حقیقت الهی دشمنی



نویسنده معتقد است
یکی از مهم‌ترین این
اصول الهی، قاعده‌ی
«وَلَا تَرْكُؤَا» است؛ یعنی
مسلمان نباید در برابر
ظالمان به گونه‌ای رفتار
کند که نتیجه‌ی آن
وابستگی، تأثیرپذیری،
پذیرش سلطه یا تقویت
جایگاه آنان باشد.

دارند. گاهی نیز در حوزه‌ی اجتماعی و سیاسی است؛ مانند اینکه جامعه‌ی اسلامی اجازه دهد افراد یا جریان‌های ظالم در مدیریت امور عمومی، فرهنگ، ارزش‌ها یا تصمیم‌های اساسی جامعه نفوذ کنند.

مفهوم رکون از دیدگاه فقها

در ادامه، دیدگاه‌های شیعه درباره‌ی مفهوم رکون بررسی می‌شود. نویسندگان نشان می‌دهد که در آثار فقهی، معنای رکون از یک مفهوم محدود مانند علاقه و تمایل به ظالم، به مفهومی گسترده‌تر شامل اعتماد، پذیرش سخن، مراجعه، پیروی، پذیرش ولایت و قرار گرفتن زیر نفوذ ظالمان توسعه یافته است. برخی فقها از این قاعده در مسائل فردی مانند نماز پشت سر فرد فاسق، اعتماد به سخن افراد فاسق یا پذیرش شهادت و داوری آنان استفاده کرده‌اند؛ اما برخی دیگر آن را در مسائل کلان اجتماعی و سیاسی نیز مورد توجه قرار داده‌اند.

از جمله دیدگاه‌های مطرح‌شده، نظر شریف مرتضی است که امامت فرد فاسق را جایز نمی‌داند و استدلال می‌کند که اقتدا به فاسق نوعی رکون و اعتماد به فردی است که شایستگی این جایگاه را ندارد. همچنین محقق حلی و علامه حلی نیز در برخی مسائل فقهی، پذیرش نقش و جایگاه افراد غیر صالح را از مصادیق اعتماد ممنوع دانسته‌اند.

در ادامه، پژوهش به بررسی ادله‌ی شرعی قاعده می‌پردازد. مهم‌ترین دلیل قرآنی، آیه‌ی ۱۱۳ سوره‌ی هود است:

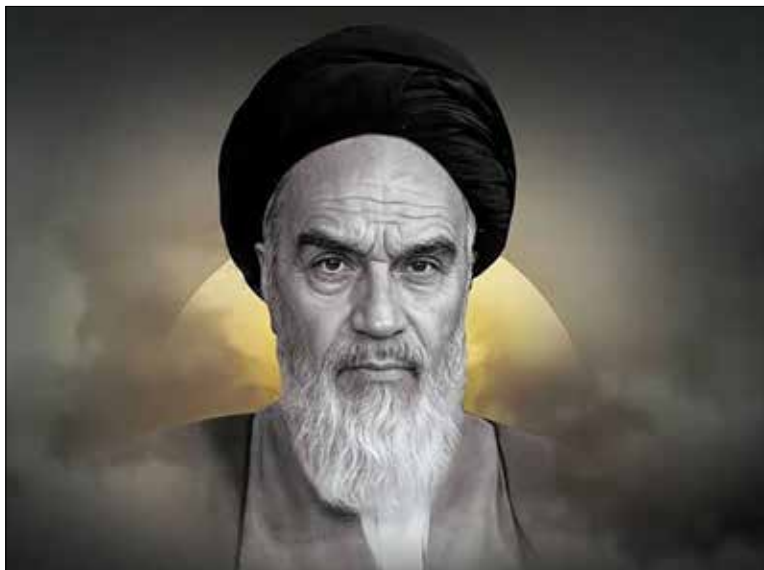
﴿وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَعَتَمَشْكُمْ النَّارُ﴾

نویسندگان این آیه را اساس اصلی قاعده می‌داند و بیان می‌کند که آیه تنها نهی ساده نیست، بلکه همراه با بیان نتیجه‌ی خطرناک آن یعنی گرفتار شدن در آتش آمده است. بنابراین، از نظر نویسندگان، این آیه نشان می‌دهد که تکیه و اعتماد به ظالمان در امور اساسی دین و جامعه امری ممنوع است.

بر اساس تحلیل علامه طباطبائی، نهی در این آیه مربوط به اعتماد به اهل ظلم در امور مانند معارف دینی، اجرای ارزش‌های اسلامی، مدیریت جامعه و حفظ مسیر الهی است. ایشان میان «ولایت» و «رکون» تفاوت می‌گذارد؛ به این معنا که ولایت به معنای نزدیک شدن و قرار گرفتن در معرض تأثیر آنان است، اما رکون مرحله‌ای خاص‌تر است؛ یعنی بنا کردن امور دینی و اجتماعی بر پایه‌ی خواسته‌ها و مسیر ظالمان.

نویسندگان همچنین به آیه‌ی دیگری اشاره می‌کند که می‌فرماید خداوند برای کافران نسبت به مؤمنان راه سلطه قرار نداده است. بر اساس این دیدگاه، هر اقدامی که موجب برتری و سلطه‌ی ظالمان بر جامعه‌ی اسلامی شود، با روح این اصل قرآنی ناسازگار است. از این منظر، قراردادهای روابطی که نتیجه‌ی آن وابستگی و تسلط بیگانگان بر مسلمانان باشد، در چارچوب این بحث مورد نقد قرار می‌گیرد.

در بخش روایات نیز نویسندگان به احادیثی اشاره می‌کند که از مدح ظالمان، همکاری با آنان، پذیرش ولایت آنان و نزدیک شدن به حکومت‌های ظلم نهی کرده‌اند. برخی از این روایات از نظر سندی بررسی شده‌اند و نویسندگان تلاش می‌کند میزان اعتبار آنها را طبق مبانی علم رجال تحلیل کند. نتیجه‌ی کلی پژوهش این است که اصل عدم رکون به ظالمان، تنها بر یک دلیل استوار نیست، بلکه مجموعه‌ای از آیات، روایات و تحلیل‌های فقهی آن را پشتیبانی می‌کنند.



منبع درک قاعده «وَلَا تَرْكُؤُوا»

در بخش دوم پژوهش، منبع درک قاعده مذکور بررسی می شود.

این قاعده را می توان از طریق قرآن و سنت استنباط کرد.

روایت های شریف نیز منبع استناد دیگری برای درک این قاعده هستند.

کاربرد قاعده «وَلَا تَرْكُؤُوا» در سخنان امام خمینی و امام خامنه ای

در بخش سوم پژوهش، نویسنده به بررسی کاربردهای قاعده «وَلَا تَرْكُؤُوا» در

اندیشه و سخنان امام خمینی و آیت الله خامنه ای می پردازد و تلاش می کند نشان

دهد که این اصل قرآنی چگونه در عرصه های مختلف فردی، فرهنگی، اجتماعی و

سیاسی قابل تطبیق است.



در بخش سوم پژوهش،

نویسنده به بررسی

کاربردهای قاعده ای

«وَلَا تَرْكُؤُوا» در اندیشه

و سخنان امام خمینی

و آیت الله خامنه ای

می پردازد و تلاش

می کند نشان دهد

که این اصل قرآنی

چگونه در عرصه های

مختلف فردی، فرهنگی،

اجتماعی و سیاسی

قابل تطبیق است.

دیدگاه امام خمینی

نخست، دیدگاه امام خمینی بررسی می شود. نویسنده بیان می کند که امام خمینی

در مباحث فقهی خود، به ویژه در موضوع امر به معروف و نهی از منکر، به مسئله ای

عدم رکون به ظالمان توجه داشته است. ایشان در بیان شرایط امر به معروف و نهی

از منکر، بر این نکته تأکید می کند که انسان نباید در شرایطی قرار گیرد که نتیجه ای

عمل او تقویت ظلم یا ایجاد زمینه برای گسترش فساد باشد. بنابراین، مبارزه با

ظلم باید همراه با بصیرت، شناخت شرایط و جلوگیری از پیامدهای منفی باشد.

از نگاه امام خمینی، وابستگی فرهنگی و فکری به جریان های مخالف اسلام نیز نوعی

رکون محسوب می شود. زیرا اگر جامعه ای در حوزه ای اندیشه و فرهنگ، ارزش های

خود را از کسانی بگیرد که با مبانی الهی و اسلامی مخالفت دارند، به تدریج استقلال



فکری خود را از دست می‌دهد. بر همین اساس، استقلال فرهنگی یکی از جلوه‌های مهم مقاومت و یکی از نتایج عملی قاعده‌ی «وَلَا تُزْکُّنُوا» است.

دیدگاه امام خامنه‌ای

در ادامه، نویسنده به دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای درباره‌ی این قاعده اشاره می‌کند. ایشان مفهوم رکون را تنها به معنای محبت ساده نمی‌داند، بلکه آن را شامل اعتماد، تکیه، امید بستن و وابستگی به قدرت‌های ظالم می‌داند. بر اساس این دیدگاه، تجربه‌ی ملت‌ها نشان داده است که اعتماد به قدرت‌های استکباری و ظالمانه، نتیجه‌ای جز وابستگی، تضعیف استقلال و از دست دادن توان تصمیم‌گیری مستقل ندارد. یکی از حوزه‌هایی که در سخنان آیت‌الله خامنه‌ای با این قاعده ارتباط داده شده، حوزه‌ی اقتصاد است. نویسنده به مفهوم «اقتصاد مقاومتی» اشاره می‌کند و آن را یکی از نمودهای عملی عدم رکون می‌داند. بر این اساس، اقتصادی که بر توان داخلی، استقلال و کاهش آسیب‌پذیری در برابر فشار دشمنان استوار باشد، با روح قاعده‌ی «وَلَا تُزْکُّنُوا» هماهنگ است؛ زیرا جامعه را از وابستگی اقتصادی به قدرت‌های بیرونی دور می‌کند. در حوزه‌ی فرهنگی نیز نویسنده به سخنان آیت‌الله خامنه‌ای درباره‌ی دانشگاه‌ها، دین و ارزش‌های اسلامی اشاره می‌کند. ایشان بر این باور است که دانشگاه و محیط علمی نباید از مبانی دینی و هویتی خود جدا شود و نباید دیدگاه‌هایی که با تحریف دین یا تضعیف باورهای اسلامی همراه است، بر فضای علمی جامعه



نویسنده تأکید می‌کند

که معنای رکون در

نگاه فقهی گسترده‌تر از

معنای لغوی آن است

و شامل میل، محبت،

اعتماد، پذیرش سخن،

پیروی و وابستگی

می‌شود. همچنین،

این اصل تنها مربوط به

رفتارهای فردی نیست،

بلکه در عرصه‌های کلان

اجتماعی و سیاسی نیز

کاربرد دارد.

مسلط گردد. در این نگاه، پذیرش اندیشه‌هایی که روح دین را تضعیف می‌کنند، می‌تواند نوعی وابستگی فکری و فرهنگی تلقی شود.

نتیجه‌گیری

نویسنده به کاربرد این قاعده در مسائل سیاسی معاصر می‌پردازد و یکی از مصادیق مورد بحث را مسئله‌ی «عادی‌سازی روابط با اسرائیل» یا «تطبیع» معرفی می‌کند. در این مقاله آمده است که تطبیع در اصطلاح سیاسی به معنای ایجاد روابط عادی و کامل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی میان دو طرف است. نویسنده معتقد است که بر اساس مبانی مطرح‌شده در پژوهش، اگر چنین روابطی باعث پذیرش مشروعیت یا تقویت جایگاه یک طرف ظالم شود، می‌تواند در چارچوب مفهوم رکون مورد بررسی قرار گیرد.

در این بخش، نویسنده توضیح می‌دهد که مقاومت از نگاه این پژوهش تنها یک واکنش سیاسی یا نظامی نیست، بلکه یک فرهنگ و نظام ارزشی است که بر استقلال، عدم وابستگی، حفظ هویت دینی و مقابله با سلطه استوار است. امت، مقاوم، امتی است که از اصول خود عقب‌نشینی نمی‌کند و در برابر فشارها، هویت و ارزش‌های خود را حفظ می‌کند.

در ادامه، پژوهش به این نکته می‌پردازد که عدم رکون به ظالم به معنای قطع هر نوع ارتباط یا تعامل با جهان نیست؛ بلکه مسئله‌ی اصلی، وابستگی و پذیرش سلطه است. بر اساس این تحلیل، تعامل زمانی قابل قبول است که موجب از بین رفتن استقلال، تغییر ارزش‌ها یا تقویت ظلم نشود. بنابراین، مرز میان تعامل مشروع و رکون ممنوع، در میزان استقلال و عدم پذیرش سلطه تعریف می‌شود. در پایان، نویسنده نتایج اصلی تحقیق را جمع‌بندی می‌کند. مهم‌ترین نتیجه این است که قاعده‌ی «وَلَا تَرْكُنُوا» یکی از اصول اساسی در شکل‌گیری امت مقاوم به شمار می‌آید. این قاعده بر اساس قرآن و روایات، مسلمانان را از گرایش و تکیه بر ظالمان باز می‌دارد و آنان را به حفظ استقلال، مقاومت و پابندی به ارزش‌های الهی دعوت می‌کند.

نویسنده تأکید می‌کند که معنای رکون در نگاه فقهی گسترده‌تر از معنای لغوی آن است و شامل میل، محبت، اعتماد، پذیرش سخن، پیروی و وابستگی می‌شود. همچنین، این اصل تنها مربوط به رفتارهای فردی نیست، بلکه در عرصه‌های کلان اجتماعی و سیاسی نیز کاربرد دارد.

بر اساس جمع‌بندی پژوهش، امت مقاوم امتی است که با تکیه بر خداوند و اصول الهی حرکت می‌کند و اجازه نمی‌دهد قدرت‌های ظالم مسیر فکری، فرهنگی یا سیاسی آن را تعیین کنند. قاعده‌ی «وَلَا تَرْكُنُوا» در این چارچوب، یک اصل راهبردی برای حفظ هویت و استقلال امت اسلامی معرفی می‌شود.



«جلوه‌های پیروزی در سوره فتح»

الشیخ «ضیاء العقابی»

این پژوهش با عنوان «مظاهر النصر في سورة الفتح» به بررسی مفهوم پیروزی و جلوه‌های مختلف آن در سوره فتح می‌پردازد. نویسنده تلاش می‌کند نشان دهد که مفهوم «فتح» و «نصر» در این سوره تنها به معنای پیروزی نظامی و غلبه ظاهری نیست، بلکه ابعاد گسترده‌تری مانند پیروزی معنوی، گشایش قلب‌ها، پیروزی سیاسی و حتی فتح عرفانی را شامل می‌شود. این سوره از سوره‌های مدنی قرآن است که پس از صلح حدیبیه نازل شد و در شرایطی که برخی مسلمانان آن صلح را نوعی عقب‌نشینی می‌دانستند، خداوند آن را «فتح مبین» معرفی کرد.

رحمت نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

فصل سوم

مقدمه و اهمیت موضوع

سوره فتح از جمله سوره‌هایی است که توجه ویژه‌ای از سوی مفسران و عالمان دینی به خود جلب کرده است؛ زیرا در آن مفهوم نصرت الهی و چگونگی تحقق وعده‌های خداوند برای مؤمنان بیان شده است. این سوره در زمانی نازل شد که پیامبر اسلام ﷺ و مسلمانان پس از ماجرای حدیبیه با احساسات متفاوتی روبه‌رو بودند؛ زیرا آنان قصد ورود به مکه و انجام عمره داشتند، اما مشرکان مانع شدند و در نهایت قراردادی میان مسلمانان و قریش بسته شد. با وجود ظاهر دشوار این پیمان، قرآن آن را پیروزی آشکار معرفی کرد.

هدف اصلی پژوهش، شناخت مفهوم نصر در سوره فتح، تحلیل نشانه‌ها و مظاهر آن و بررسی تأثیر این پیروزی‌ها بر جامعه مؤمنان است. روش تحقیق نیز روش تحلیلی و استنباطی است که با استفاده از تفاسیر معتبر انجام شده است. ساختار پژوهش در سه بخش تنظیم شده است: بخش اول درباره معرفی کلی سوره فتح، بخش دوم درباره معنا‌های مختلف فتح، و بخش سوم درباره جلوه‌های پیروزی در این سوره است.

بخش اول: چارچوب کلی سوره فتح:

سوره فتح به دلیل وجود واژه «فتح» در آغاز سوره، به همین نام شناخته شده است. این سوره در ترتیب مصحف، سوره چهل و هشتم قرآن است و دارای ۲۹ آیه می‌باشد. درباره زمان نزول آن، میان مفسران اتفاق نظر وجود دارد که سوره‌ای مدنی است و پس از واقعه حدیبیه نازل شده است.

سبب نزول سوره به ماجرای حرکت پیامبر ﷺ به سوی مکه برای انجام عمره مربوط می‌شود. پیامبر در خواب دید که همراه مسلمانان وارد مسجد الحرام می‌شوند، طواف می‌کنند و سرهای خود را می‌تراشند.

بر اساس این رؤیا، مسلمانان آماده حرکت شدند، اما قریش مانع ورود آنان به مکه شد. پس از مذاکرات، پیمان حدیبیه میان دو طرف بسته شد. برخی از مسلمانان در ابتدا از مفاد این صلح ناراضی بودند، زیرا انتظار داشتند وارد مکه شوند، اما پیامبر ﷺ بر اساس وعده الهی آن را خیر و پیروزی بزرگ می‌دانست.

در ادامه ماجرای حدیبیه، پژوهش به این نکته اشاره می‌کند که این صلح زمینه‌ای برای گسترش اسلام فراهم کرد. با پایان یافتن جنگ و ایجاد آرامش نسبی، امکان تبلیغ اسلام و ارتباط آزادتر مردم با مسلمانان فراهم شد و تعداد زیادی از افراد به اسلام گرایش پیدا کردند. بنابراین صلح حدیبیه از نگاه قرآن مقدمه‌ای برای پیروزی‌های بزرگ‌تر بود. از فضیلت‌های سوره فتح نیز در منابع روایی یاد شده است. در پژوهش آمده که این سوره مورد علاقه پیامبر ﷺ بوده و نزول آیه «إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا» موجب شادی فراوان ایشان شد؛ زیرا این آیه خبر از گشایشی بزرگ برای آینده مسلمانان می‌داد.



سوره فتح از جمله
سوره‌هایی است که
توجه ویژه‌ای از سوی
مفسران و عالمان دینی
به خود جلب کرده است؛
زیرا در آن مفهوم نصرت
الهی و چگونگی تحقق
وعده‌های خداوند
برای مؤمنان بیان شده
است.



بخش دوم: معانی فتح در سوره فتح

این پژوهش برای واژه «فتح» سه معنای اصلی بیان می‌کند: فتح معنوی، فتح مادی و فتح عرفانی.

فتح معنوی:

۱. فتح قلبی: به گشایش در دل‌ها و فراهم شدن زمینه پذیرش حق اشاره دارد. نویسندگان بیان می‌کنند که یکی از بزرگ‌ترین نتایج صلح حدیبیه، باز شدن راه ارتباط میان مسلمانان و مشرکان بود. پیش از آن، جنگ و دشمنی مانع شناخت اسلام شده بود، اما پس از آرامش ایجاد شده، بسیاری از مردم با تعالیم اسلام آشنا شدند و شمار زیادی ایمان آوردند. در این نگاه، صلح حدیبیه اگرچه پیروزی نظامی نبود، اما پیروزی بزرگی در عرصه دعوت و گسترش دین به شمار می‌رفت. همین گشایش باعث شد زمینه برای فتح مکه فراهم شود. بنابراین فتح حقیقی تنها تصرف سرزمین نیست، بلکه گاهی باز شدن مسیر هدایت انسان هاست.

۲. فتح سیاسی و دیپلماتیک (صلح حدیبیه) پژوهش صلح حدیبیه را نمونه‌ای از فتح سیاسی معرفی می‌کند. دلیل این موضوع آن است که قریش با امضای پیمان، عملاً مسلمانان را به عنوان یک طرف قدرتمند و مستقل پذیرفت. همچنین امنیت بیشتری برای مسلمانان ایجاد شد و آنان فرصت یافتند بدون فشار جنگی، به دعوت و گسترش اسلام بپردازند.

در نگاه ظاهری، برخی مفاد قرارداد برای مسلمانان سنگین به نظر می‌رسید، اما نتیجه تاریخی آن به سود مسلمانان تمام شد. این اتفاق نشان داد که پیروزی همیشه با شکست نظامی دشمن حاصل نمی‌شود؛ گاهی یک تصمیم حکیمانه سیاسی می‌تواند مقدمه پیروزی‌های بزرگ‌تر باشد.

رحمت نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

فصل سوم



در بخش پایانی

پژوهش، نویسنده به

نشانه‌های مختلف

نصرت در سوره فتح

می پردازد. نخستین

جلوه نصرت، تحقق

و عده‌های الهی است.

خداوند در این سوره

وعده می دهد که

مؤمنان را یاری خواهد

کرد و آنان را به پیروزی

خواهد رساند. این

پیروزی نتیجه قدرت

مادی صرف نیست،

بلکه ناشی از نصرت

خداوند است.

۳. فتح مادی: فتح مادی به پیروزی‌های آشکار مانند فتح مکه و پیروزی‌های نظامی اشاره دارد. پژوهش بیان می‌کند که آیه «إنا فتحنا لک فتحاً مبیناً» علاوه بر اشاره به حدیبیه، ارتباطی با فتح مکه نیز دارد. فتح مکه نتیجه مستقیم همان شرایطی بود که پس از صلح حدیبیه ایجاد شد. همچنین فتح خیبر نیز در ادامه این مسیر مورد اشاره قرار گرفته است. پس از حدیبیه، مسلمانان توانستند در شرایطی بهتر به پیروزی‌های دیگری دست پیدا کنند. بنابراین فتح حدیبیه آغاز زنجیره‌ای از موفقیت‌ها بود.

این پژوهش همچنین به مفهوم فتح عرفانی می‌پردازد. در این دیدگاه، فتح تنها مربوط به جهان بیرونی نیست، بلکه انسان باید در درون خود نیز به پیروزی برسد. فتح عرفانی یعنی رهایی انسان از سلطه نفس و خواسته‌های منفی و رسیدن به معرفت و قرب الهی. بر اساس این برداشت، انسان زمانی به فتح حقیقی دست می‌یابد که قلب او از موانع معنوی پاک شود و زمینه دریافت معرفت الهی در او ایجاد گردد. در این مسیر، فتح دارای مراتبی است: نخست گشایش قلب و شناخت، سپس رسیدن به درجات بالاتر معرفت و در نهایت رسیدن به کمال معنوی.

بخش سوم: جلوه‌های نصرت در سوره فتح:

در بخش پایانی پژوهش، نویسنده به نشانه‌های مختلف نصرت در سوره فتح می‌پردازد. نخستین جلوه نصرت، تحقق وعده‌های الهی است. خداوند در این سوره وعده می‌دهد که مؤمنان را یاری خواهد کرد و آنان را به پیروزی خواهد رساند. این پیروزی نتیجه قدرت مادی صرف نیست، بلکه ناشی از نصرت خداوند است.

یکی دیگر از مظاهر نصرت، آرامش و اطمینانی است که خداوند در دل مؤمنان قرار می‌دهد. در ماجرای حدیبیه، بسیاری از مسلمانان به دلیل شرایط موجود نگران بودند، اما خداوند با نزول آیات سوره فتح، آنان را به آینده امیدوار کرد و نشان داد که آنچه در ظاهر شکست به نظر می‌رسد، می‌تواند مقدمه پیروزی باشد.

نتیجه‌گیری:

پژوهش «مظاهر النصرت في سورة الفتح» تأکید می‌کند که مفهوم پیروزی در قرآن گسترده‌تر از برداشت معمولی آن است. پیروزی ممکن است نظامی، سیاسی، اجتماعی یا معنوی باشد.

سوره فتح نمونه‌ای روشن از این حقیقت است که یک حادثه مانند صلح حدیبیه می‌تواند در ظاهر محدود یا دشوار باشد، اما در نگاه الهی مقدمه یک پیروزی بزرگ قرار گیرد. پیام اصلی سوره این است که مؤمنان باید به وعده الهی اعتماد داشته باشند؛ زیرا نصرت خداوند همیشه مطابق ظاهر حوادث نیست. گاهی شکست ظاهری، آغاز پیروزی واقعی است و گاهی بزرگ‌ترین فتح، نه در غلبه بر دشمن بیرونی، بلکه در گشایش قلب و رسیدن انسان به معرفت الهی تحقق پیدا می‌کند.



جمهوری اسلامی ایران و احیای نقش اسلام در زندگی

احمد راسم النفیس

این مقاله به بررسی جایگاه جمهوری اسلامی ایران در احیای نقش اسلام در زندگی معاصر می‌پردازد و در چارچوبی فکری-اعتقادی، به نقد جریان‌های مخالف «اسلام سیاسی» و تبیین دیدگاه مکتب اهل بیت درباره پیوند دین و سیاست می‌پردازد. نویسنده در آغاز با طرح این موضوع که اسلام اصیل محمدی-علوی با هجمه‌ای گسترده برای حذف از عرصه حیات اجتماعی و سیاسی مواجه است، تأکید می‌کند که این تلاش‌ها اگرچه جدید نیستند، اما در قالب‌های نوینی همچون شعار جدایی دین از سیاست یا مخالفت با نفوذ ایران در منطقه بازتولید شده‌اند. از نگاه او، هدف اصلی این جریان‌ها جلوگیری از ایفای نقش فعال اسلام در اداره جهان و محدود کردن آن به حوزه‌ای فردی و عبادی است. در این چارچوب، اصطلاح «اسلام سیاسی» به عنوان ابزاری انعطاف‌پذیر برای تخریب یا هدایت افکار عمومی معرفی می‌شود. نویسنده معتقد است که قدرت‌های غربی چندان به شکل ارائه اسلام توجه ندارند، بلکه میزان تبعیت مسلمانان از اراده خود را معیار قرار می‌دهند. از این رو، برخی جریان‌ها مانند وهابیت را تقویت کرده‌اند، زیرا این جریان‌ها در عم با اهداف آنان همسو بوده‌اند. در مقابل این رویکرد، نویسنده بر دیدگاه مکتب اهل بیت تأکید می‌کند که دین و سیاست را از یکدیگر جدا نمی‌داند. جمهوری اسلامی ایران را نمونه‌ای از این نگرش معرفی می‌کند که به جای تمرکز صرف بر گسترش مذهبی، به توسعه علمی، ساخت داخلی و تعامل فکری با جهان اسلام پرداخته است. در این میان، نقش امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان احیاگران اسلام اصیل برجسته می‌شود؛ کسانی که با ارائه قرائتی جامع از اسلام، تلاش کردند آن را از سطحی‌نگری و تحریف نجات دهند.

رحمت نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

فصل سوم

■ امام خمینی: ترجمان قرآن کریم

بخش مهمی از متن به جایگاه قرآن کریم در مکتب اهل بیت اختصاص دارد. نویسنده با استناد به روایات، قرآن را محور اصلی هدایت می‌داند که در کنار «عترت» معنا و کارکرد واقعی خود را پیدا می‌کند. او بر این نکته تأکید دارد که قرآن تنها یک متن نیست، بلکه برنامه‌ای زنده برای هدایت انسان در همه زمان‌هاست و خطاب‌های آن محدود به گذشته نیست. از این رو، فهم قرآن نیازمند تفسیر پویا و مستمر است. در ادامه، مفهوم «ثقلین» (قرآن و اهل بیت) به عنوان دورکن جدایی‌ناپذیر هدایت مطرح می‌شود. نویسنده با نقل دیدگاه امام خمینی، توضیح می‌دهد که دوری از اهل بیت به طور طبیعی به مهجور شدن قرآن انجامیده است. به باور او، در طول تاریخ، حاکمان و جریان‌های منحرف با کنار زدن مفسران واقعی قرآن، این کتاب را از نقش اصلی خود که هدایت و برپایی عدالت است، دور کرده‌اند و حتی از آن برای توجیه ظلم استفاده کرده‌اند.

در این تحلیل، یکی از مشکلات اس‌اسی جهان اسلام، تبدیل شدن قرآن به متنی تشریفاتی و محدود شدن آن به مراسم‌های خاص دانسته می‌شود، در حالی که این کتاب باید محور زندگی فردی و اجتماعی باشد. همچنین، نویسنده تأکید می‌کند که فهم صحیح قرآن بدون وجود «مفسر حقیقی» ممکن نیست. این مفسر در نگاه شیعه، امام معصوم است و در عصر غیبت، فقها و عالمان ربانی این نقش را تا حدی بر عهده دارند. بحث دیگری که مطرح می‌شود، ضرورت وجود واسطه‌های هدایت میان خدا و انسان است. نویسنده بارد دیدگاه‌هایی که هرگونه واسطه را نفی می‌کنند، توضیح می‌دهد که اگرچه انسان در برابر اعمال خود مسئول مستقیم است، اما در مسیر هدایت، نیازمند پیامبران، امامان و عالمان است. این واسطه‌ها نقش تبیین‌کننده و راهنما دارند و بدون آنان، فهم دین دچار انحراف می‌شود. در همین راستا، نقش علما بسیار حساس و تعینی‌کننده معرفی می‌شود. آنان امانت‌داران دین هستند و اگر به وظیفه خود عمل کنند، می‌توانند جامعه را به سوی صلاح هدایت کنند، اما در صورت انحراف، قادرند جامعه‌ای را به گمراهی بکشانند. از این رو، مسئولیت آنان بسیار سنگین‌تر از افراد عادی است.



در این تحلیل، یکی
از مشکلات اس‌اسی
جهان اسلام، تبدیل
شدن قرآن به متنی
تشریفاتی و محدود
شدن آن به مراسم‌های
خاص دانسته می‌شود،
در حالی که این کتاب
باید محور زندگی فردی
و اجتماعی باشد.

■ دو چیز گرانبها: قرآن و عترت

در وصیت‌نامه‌ای که امام خمینی برای امت اسلامی به یادگار گذاشت، ایشان می‌گویند: «مناسب دیدم اشاره‌ای کوتاه و گذرا به آنچه برای این دو چیز سنگین گذشته است، داشته باشم. شاید عبارت «از هم جدا نمی‌شوند تا در حوض به من برسند» اشاره‌ای باشد به اینکه هر چه بر یکی از این دو - پس از وجود مقدس رسول خدا ﷺ - گذشت، بر دیگری نیز گذشت. و ترک هر یک از آنها، ترک دیگری است، تا اینکه این دو متروک، در حوض به رسول خدا برسند.»

امام خمینی در ادامه تاکید می‌کند که اکنون ببینیم چه بر سر کتاب خدا، این امانت الهی و میراث رسول اسلام ﷺ آمده است. از جمله وقایع واقعاً غم‌انگیزی که پس از شهادت امام علی‌علیه‌السلام آغاز شد و باید برای آن خون گریست، اینکه خودخواهان و پیروان استبداد، قرآن را ابزاری برای ایجاد حکومت‌های مخالف آن قرار دادند و با بهانه‌های مختلف و توطئه‌های از پیش طراحی شده، از مسیر حقیقی آن فاصله گرفتند. آنها با خود قرآن که بزرگترین قانون اساسی برای زندگی معنوی و مادی تا زمان نزول قرآن است، تلاش کردند تا آن را به حاشیه برانند و حکومت عدل الهی را که از اهداف این کتاب مقدس است، باطل کردند و باعث انحراف از دین خدا و کتاب و سنت الهی شدند. تا اینکه کار به جایی رسید که قلم از شرح آن شرم دارد.

❖ قرآن: قانون اساسی برای بشریت:

در ادامه این مقاله به دیدگاه امام خمینی درباره جایگاه قرآن و کارکرد آن در زندگی انسان پرداخته شده است. امام خمینی ﷺ با تاکید بر اینکه قرآن به عنوان یک قانون اساسی برای بشریت عمل می‌کند، تصریح می‌کند که هر چه قرآن بیشتر به حاشیه رانده شود، انحراف و کج‌روی بیشتر می‌شود، تا جایی که قرآن کریم - که از مقام والای توحید الهی به وحی کامل محمدی ﷺ نازل شده تا جهانیان را هدایت کند و نقطه وحدت بخشی برای همه مسلمانان، بلکه برای تمام خانواده بشری باشد، تا آنها را به جایگاه شایسته‌شان برساند، تا این فرزند علم اسماء را از شر شیاطین و طاغوت‌ها رهایی بخشد، تا قسط و عدل را در جهان برقرار کند و حکومت را به دست اولیای معصوم خدا ﷺ بسپارد تا آن را به کسانی که واقعاً برای بشریت مفیدند، برساند - این قرآن خنثی و به حاشیه رانده شده است، گویی هیچ نقشی در هدایت ندارد، کار به جایی رسیده است که قرآن به دست حکومت‌های ستمگر و روحانیون شرور - که از پیروان استبداد بدترند - ابزاری برای ایجاد ظلم و فساد و توجیه ظلم ظالمان و کسانی شده است که از حق خداوند متعال سرپیچی می‌کنند.

از دیدگاه امام خمینی قرآن که باید وسیله اتحاد مسلمانان و بشریت و کتاب زندگی آنها باشد اکنون به دست دشمنان توطئه‌گر و دوستان نادان، هیچ کارکردی جز در گورستان‌ها و مجالس مردگان نداشته و ندارد، وسیله تفرقه و اختلاف شده یا به کلی متروک گشته است و مشاهده می‌کنیم که اگر کسی کلمه‌ای درباره حکومت اسلامی بگوید یا از سیاست سخن بگوید، گویی بزرگترین گناهان را مرتکب شده است.

❖ مفسران حقیقی قرآن و جایگاه آنها در هدایت مردم بر اساس دیدگاه امام خمینی:

نویسنده در ادامه متن با اشاره به لزوم درک حقیقی قرآن از آبشخورهای علمی که به اهل بیت علیهم‌السلام متصل هستند، تاکید می‌کند که بنا بر اعتقاد بنیانگذار انقلاب اسلامی، طرد خاندان پیامبر از عرصه عمومی اسلام منجر به حذف قرآن کریم از جایگاه هدایت و راهنمایی مورد نظرش شده است.

نویسنده در ادامه تاکید می‌کند که کنار گذاشتن قرآن توسط مسلمانان و انحراف آن از مسیر هدایت، یک اتفاق جداگانه نیست، بلکه نتیجه طبیعی طرد ثقل دوم - خاندان پیامبر که خداوند آنها را از هرگونه ناپاکی پاک و منزّه کرده است - از جایگاه رهبری و هدایتی است که توسط وصیت پیامبر تعیین شده و طبق روایت مشهور و نقل شده‌ای که امام خمینی وصیت خود را با آن آغاز کرد، برای امت مسلمان ترسیم شده است. همه این موارد ثمره تلخ جنگ ناعادلانه‌ای بود که دشمنان پیامبر، که دشمنان خاندان پیامبر نیز بودند، با هدف حذف آنها از جایگاه هدایتشان به

رهت نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

فصل سوم



مقاله حاضر در پایان
براین نکته تأکید دارد
که احیای واقعی اسلام
تنها از طریق بازگشت
به قرآن و عترت و پذیرش
نقش هدایت‌گران
ممکن است. جمهوری
اسلامی ایران به عنوان
تلاشی در این مسیر
معرفی می‌شود که با
احیای مفهوم ولایت
فقیه، سعی کرده پیوند
میان دین و سیاست
را برقرار کرده و اسلام را
به عنوان یک نظام جامع
زندگی بازتعریف کند.

راه انداختند.

مردان خدا و اهل بیت قرآن زنده هستند. همانطور که امام خمینی رحمه الله در وصیت نامه خود فرمودند: «ما افتخار می‌کنیم که دعاها و دعاها را بخش که قرآن صاعد نامیده می‌شوند، از امامان ما هستند. ما به مناجات شعبانیه و دعای عرفات حسین بن علی علیه السلام، صحیفه سجادیه (زبور آل محمد) و صحیفه فاطمه، آن کتاب الهام گرفته از جانب خدا برای فاطمه زهرا علیها السلام افتخار می‌کنیم.» مقامی که هدایت نبوی برای دو چیز سنگین - قرآن و اهل بیت - تعیین کرد، مقام رهبری الهی است که مردم را هدایت می‌کند و آنها را از تاریکی به نور می‌برد. این مقامی است که تنها کسانی به آن دست می‌یابند که از خواسته‌های خود دست کشیده و اطاعت پروردگار و مولای خود را برگزیده‌اند.

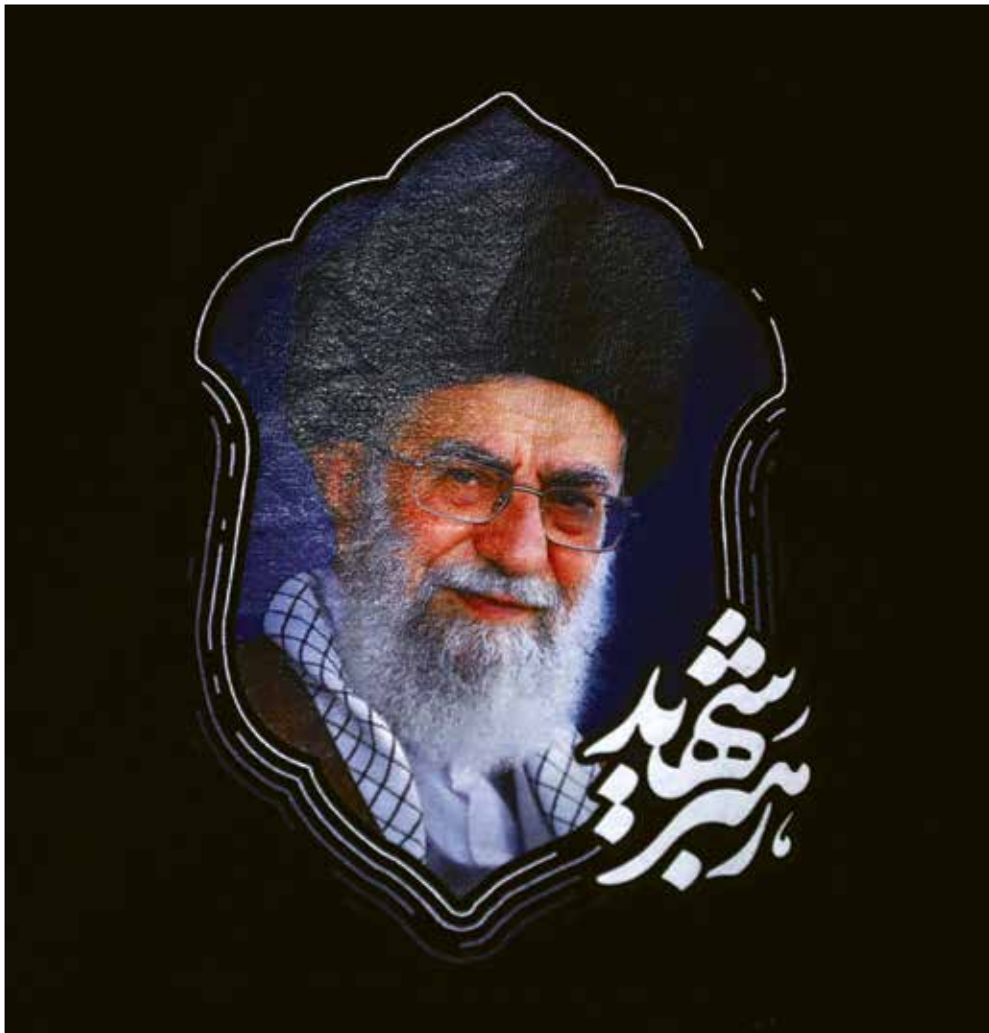
نویسنده همچنین به اختلاف اساسی میان شیعه و دیگر مذاهب درباره مرجع تفسیر دین اشاره می‌کند. در حالی که شیعه بر امامت معصوم تأکید دارد، دیگران ممکن است هر فرد عالم یا سخنور را مرجع بدانند.

این تفاوت، به باور نویسنده، منشأ بسیاری از انحرافات و اختلافات در فهم دین بوده است. در ادامه، به تاریخ صدر اسلام و نزاع بر سر «ولایت» و رهبری اشاره می‌شود. این نزاع، که در حوادثی مانند جنگ‌های جمل، صفین و نهروان نمود یافت، به عنوان نقطه آغاز انحراف از مسیر اصلی معرفی می‌شود. به باور نویسنده، این اختلاف هنوز هم آثار خود را در جهان اسلام حفظ کرده است.

حال آنکه از آنجا که تفاوت در دانش و توانایی‌ها بدیهی است، مسلمانان از همه مذاهب فکری به استثنای یک گروه، (خوارج و اخلاف معاصر آنها) به عملکرد و نقش عالم، فقیه، مفسر و حدیث‌شناس اعتقاد دارند. وجود این لایه واسطه بین خالق و مخلوق، که توانایی‌هایش در کسب دانش و یادگیری متفاوت است، یکی از حقایق بدیهی است که در کتاب خداوند متعال ثابت شده است.

نتیجه

مقاله حاضر در پایان براین نکته تأکید دارد که احیای واقعی اسلام تنها از طریق بازگشت به قرآن و عترت و پذیرش نقش هدایت‌گران ممکن است. جمهوری اسلامی ایران به عنوان تلاشی در این مسیر معرفی می‌شود که با احیای مفهوم ولایت فقیه، سعی کرده پیوند میان دین و سیاست را برقرار کرده و اسلام را به عنوان یک نظام جامع زندگی بازتعریف کند. جمع‌بندی متن نشان می‌دهد که نویسنده اسلام را دینی فراگیر می‌داند که نه تنها به امور فردی، بلکه به ساختارهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی نیز می‌پردازد. از این رو، هرگونه تلاش برای محدود کردن آن به حوزه خصوصی، نوعی تحریف و انحراف محسوب می‌شود. در مقابل، بازگشت به اسلام اصیل و بهره‌گیری از آموزه‌های قرآن و اهل بیت، راهی برای احیای هویت اسلامی و مقابله با سلطه فکری و سیاسی قدرت‌های خارجی معرفی می‌شود.



جنگ مفاهیم و دیالکتیک پیروزی و شکست: رهیافتی به اندیشه تفسیری امام خامنه‌ای

این پژوهش به بررسی مفهوم «جنگ مفاهیم» و نقش آن در شکل دهی برداشت انسان از پیروزی و شکست می‌پردازد و تلاش می‌کند بر اساس دیدگاه‌های تفسیری امام خامنه‌ای، تفاوت نگاه قرآنی به جهاد، شهادت و پیروزی را با نگاه مادی و رایج در نظام‌های قدرت توضیح دهد. نویسنده معتقد است یکی از مهم‌ترین عرصه‌های رویارویی در جهان معاصر، عرصه مفاهیم و اندیشه‌هاست؛ زیرا دشمن تنها از طریق ابزار نظامی و سیاسی تلاش نمی‌کند، بلکه با تغییر مفاهیم و ایجاد برداشت‌های نادرست، می‌کوشد ذهن‌ها و ارزش‌ها را تحت تأثیر قرار دهد.

جهاد نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

فصل سوم

جنگ نرم و جهاد تبیین در دیدگاه امام خامنه ای

بر اساس مقاله، جنگ نرم یا جنگ فرهنگی از خطرناک ترین انواع جنگ هاست؛ زیرا هدف آن تسلط بر ذهن و اراده انسان هاست. هنگامی که دشمن در دستیابی به اهداف خود از طریق فشار نظامی، سیاسی یا اقتصادی ناکام می ماند، به ابزارهای فرهنگی مانند رسانه، هنر، ادبیات، فیلم و تولیدات فکری روی می آورد تا مفاهیم مورد نظر خود را جایگزین کند. در این نگاه، شکست واقعی تنها از دست دادن موقعیت های ظاهری نیست، بلکه زمانی رخ می دهد که یک جامعه از نظر فکری و اعتقادی تسلیم نظام مفهومی دشمن شود.

مقاله تأکید می کند که در نگاه قرآنی، پیروزی و شکست تنها با معیارهای مادی سنجیده نمی شوند. در نگاه مادی ممکن است شهادت یک انسان یا از دست دادن یک رهبر به معنای شکست تلقی شود، اما در منطق دینی، شهادت می تواند خود نوعی پیروزی باشد؛ زیرا ارزش عمل و نتیجه آن تنها به دستاورد فوری و ظاهری محدود نمی شود، بلکه به تأثیر معنوی، تاریخی و الهی آن نیز توجه دارد. از این رو، نویسنده بیان می کند که قرآن دو مفهوم مثبت «نصر» و «شهادت» را در برابر یک مفهوم منفی یعنی «هزیمت و شکست» قرار می دهد.

در ادامه، پژوهش به نقش «جهاد تبیین» می پردازد. بر اساس دیدگاه ارائه شده، مقابله با جنگ مفاهیم تنها با اقدام عملی ممکن نیست، بلکه نیازمند روشن سازی حقیقت ها و تبیین صحیح معارف دینی است. اگر جامعه ای نتواند ارزش ها، اهداف و مبانی خود را به درستی توضیح دهد، دشمن می تواند با تحریف مفاهیم، واقعیت را وارونه نشان دهد. بنابراین جهاد تبیین به عنوان ابزاری برای حفظ آگاهی و جلوگیری از تأثیر جنگ نرم معرفی می شود.

رویکردی تفسیری به جهاد

یکی از محورهای اصلی مقاله، رابطه میان جهاد و پیروزی است. نویسنده با استفاده از دیدگاه تفسیری امام خامنه ای درباره آیات جهاد بیان می کند که پیروزی الهی به معنای کنار گذاشتن مسئولیت انسانی نیست. خداوند وعده یاری داده است، اما تحقق این وعده از مسیر عمل، تلاش، برنامه ریزی و حرکت انسان ها انجام می شود. بنابراین نگاه درست، نه انتظار منفعلانه، بلکه همراهی میان توکل بر خدا و اقدام واقعی است.

در این چارچوب، مقاله به نقد برداشت هایی مانند جبرگرایی یا انتظار بدون عمل می پردازد. بر اساس این دیدگاه، اگر انسان تصور کند که همه امور بدون تلاش او تحقق خواهد یافت، زمینه رکود و ضعف جامعه فراهم می شود. سنت الهی بر این اساس است که تغییر و پیروزی نیازمند حرکت انسان هاست و امداد الهی زمانی در



یکی از محورهای اصلی

مقاله، رابطه میان

جهاد و پیروزی است.

نویسنده با استفاده از

دیدگاه تفسیری امام

خامنه ای درباره آیات

جهاد بیان می کند که

پیروزی الهی به معنای

کنار گذاشتن مسئولیت

انسانی نیست. خداوند

وعده یاری داده است،

اما تحقق این وعده از

مسیر عمل، تلاش،

برنامه ریزی و حرکت

انسان ها انجام می شود.



عرصه واقعیت آشکار می‌شود که انسان وظیفه خود را انجام دهد.

بخش دیگری از پژوهش به مفهوم «شکست درونی» می‌پردازد. طبق تحلیل ارائه شده، نخستین مرحله شکست انسان، شکست در درون خود اوست؛ یعنی زمانی که ترس، وابستگی به دنیا، علاقه افراطی به زندگی، حسادت یا ضعف اراده بر او غلبه کند. جامعه‌ای که از درون شکست بخورد، در برابر دشمن بیرونی نیز توان مقاومت نخواهد داشت. در مقابل، غلبه بر نفس و خواسته‌های نادرست، مقدمه پیروزی‌های بزرگ‌تر است.

این مقاله همچنین مفهوم «عزت» را از نگاه قرآن بررسی می‌کند. بر اساس تفسیر ارائه شده، عزت حقیقی تنها از جانب خداوند است و وابستگی به قدرت‌های مستکبر برای دستیابی به عزت، یک خطای مفهومی است. انسانی که برای کسب قدرت و امنیت به دشمن تکیه کند، در حقیقت از منبع واقعی عزت فاصله گرفته است. بنابراین پیروزی واقعی در نگاه قرآنی، نتیجه ارتباط با خدا و حفظ استقلال فکری و معنوی است.

مفاهیم شهادت و پیروزی

در این قسمت از مقاله به دیدگاه‌های امام خامنه‌ای درباره جهاد و ارتباط با خدا می‌پردازد. حضرت، عمل جهاد را با ارتباط با خداوند متعال و توکل به او مرتبط می‌داند؛ یعنی این ارتباط، شرط لازمی است که نمی‌توان آن را رها کرد. ایشان فرمودند: «در اینجا لازم است به این نکته اشاره شود که دشمنی با دشمنان اگر منجر به مشکلات فراوان و مسائل بی‌شماری شود، در عین حال مایه آرامش و سکون است و برای کسی که با دشمنان دشمنی می‌کند، آسایش فراهم می‌کند، حتی اگر دشمن در نهایت به این فرد مؤمن

رهت نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

فصل سوم

آسیب زیادی برساند، این فرد آسایش و آرامش خواهد یافت». این ارتباط هیچ ارتباطی با نتیجه ندارد، بلکه بیشتر به خود مفهوم جهاد مربوط می شود، زیرا خارج از معادله پیروزی و شهادت است و سخنان ایشان در اینجا به نظر می رسد قرائتی افشاگرانه از آنچه با شهادت گروهی از رهبران مجاهد رخ داده است، باشد؛ تحقق شرط توکل بر خدا، تعادل معادله شهادت در مقابل پیروزی را تضمین می کند، نه شکست در مقابل پیروزی. آرامش و آسودگی خاطر از توکل به خدا و از باور به قضا و قدر الهی حاصل می شود، نه بر اساس معیارهای مادی.

در بخش مربوط به شهادت، نویسنده از قول امام خامنه ای توضیح می دهد که مرگ برای همه انسان ها اتفاق می افتد، اما ارزش آن ها یکسان نیست، تفاوت میان یک مرگ عادی و شهادت در هدف و مسیر آن است. شهادت هنگامی معنا پیدا می کند که انسان آگاهانه در مسیر دفاع از حقیقت و ارزش های الهی جان خود را تقدیم کند. بنابراین شهادت در این منظومه فکری نه نشانه شکست، بلکه دارای ارزش و اثر تاریخی است.

پژوهش سپس به موضوع پیروزی پیامبران می پردازد. از نگاه امام خامنه ای، هدف پیامبران صرفاً پیروزی ظاهری و تشکیل قدرت سیاسی در یک زمان مشخص نبوده است، بلکه هدف اصلی آنان تحقق هدایت انسان و گسترش اندیشه الهی بوده است. بنابراین حتی اگر برخی پیامبران در ظاهر با مشکلات یا شهادت مواجه شدند، در حقیقت در مسیر هدف خود پیروز بودند؛ زیرا اندیشه و پیام آنان باقی ماند و در تاریخ اثر گذاشت.

بر این اساس، مقاله میان دو نوع پیروزی تفاوت می گذارد: پیروزی مادی و پیروزی فکری. ممکن است یک جریان در میدان مادی برای مدتی شکست بخورد، اما اگر توانسته باشد حقیقت، اندیشه و ارزش های خود را حفظ کند، از نگاه مفهومی پیروز است. در مقابل، ممکن است قدرتی از نظر ظاهری موفق باشد، اما اگر از نظر اخلاقی و انسانی سقوط کند، در حقیقت شکست خورده است.

نتیجه گیری

در پایان، نویسنده نتیجه می گیرد که جنگ اصلی، جنگ بر سر مفاهیم است. دشمن تلاش می کند تعریف انسان از پیروزی، شکست، زندگی، مرگ و مقاومت را تغییر دهد. در برابر این تلاش، فهم قرائی از جهاد و شهادت می تواند مانع تحریف مفاهیم شود.

بر اساس این نگاه، پیروزی نهایی وابسته به حفظ ایمان، شناخت درست، عمل مسئولانه، توکل بر خدا و استمرار در مسیر حق است. شکست واقعی زمانی رخ می دهد که انسان از نظر فکری و ارزشی تسلیم شود، نه صرفاً زمانی که در یک میدان مادی با دشواری روبه رو گردد.



از نگاه امام خامنه ای،

هدف پیامبران صرفاً

پیروزی ظاهری و

تشکیل قدرت سیاسی

در یک زمان مشخص

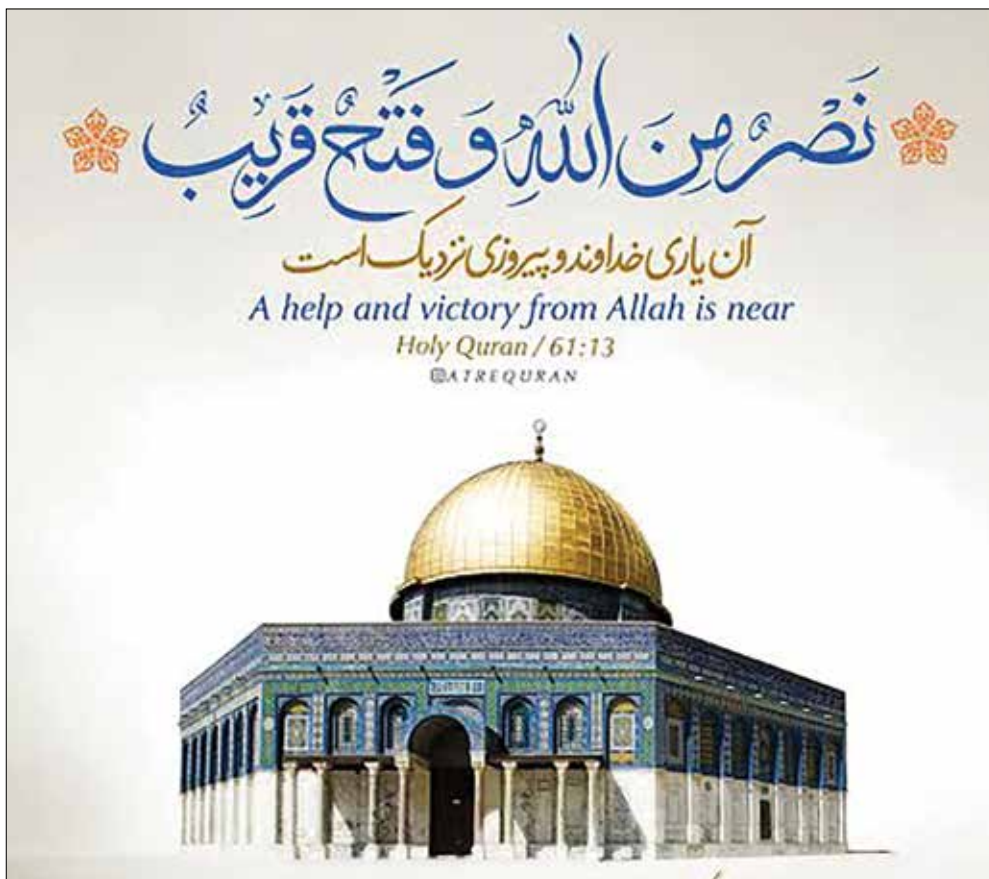
نبوده است، بلکه

هدف اصلی آنان

تحقق هدایت انسان و

گسترش اندیشه الهی

بوده است.



دیدگاه صحیح درباره عقیده نصر و پیروزی

رحمه محمد محفوظ

این مقاله به بررسی مفهوم «نصر» و «انتصار» در اندیشه اسلامی، به ویژه در نگاه قرآن و مکتب اهل بیت علیهم السلام، می پردازد و تلاش می کند دیدگاهی صحیح درباره پیروزی ارائه دهد. نویسنده در این پژوهش تأکید می کند که بسیاری از انسان ها مفهوم پیروزی را تنها در چارچوب شکست دادن دشمن در میدان جنگ، پیروزی سیاسی یا غلبه مادی می بینند، در حالی که در منطق قرآن، پیروزی دارای ابعاد گسترده تر و عمیق تری است. نصر حقیقی، پیروزی حق بر باطل، پیروزی ایمان بر کفر، پیروزی ارزش ها و اصول الهی بر ظلم و فساد است. در آغاز این مقاله بیان می شود که عقیده به پیروزی و یاری الهی، یکی از پایه های مهم اعتقادی در اندیشه اسلامی است. این مفهوم با سنت های الهی در جهان ارتباط دارد؛ یعنی خداوند برای تحقق پیروزی قوانینی قرار داده است و پیروزی صرفاً با آرزو و ادعا حاصل نمی شود، بلکه نیازمند ایمان، عمل، صبر، آمادگی و حرکت در مسیر حق است. از این منظر، خداوند وعده یاری مؤمنان را داده است، اما این وعده در چارچوب سنت های الهی تحقق پیدا می کند.

رهت نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

فصل سوم

دیدگاه قرآن درباره نصر و انتصار

نویسنده در بخش نخست، دیدگاه قرآن درباره نصر و انتصار را بررسی می کند. قرآن مفهوم نصر را تنها به جنگ محدود نمی کند، بلکه چند معنای مهم برای آن بیان می شود:

۱. نصر به معنای غلبه در میدان نبرد است. نمونه آن آیات مربوط به جنگ حنین است که خداوند یادآوری می کند چگونه مؤمنان با وجود کمبود نیرو، به سبب یاری الهی پیروز شدند. در اینجا پیروزی ظاهری و نظامی یکی از مصادیق نصر الهی است.

۲. نصر به معنای یاری مظلوم و اجرای عدالت است. در این معنا، خداوند قانونی قرار داده که حق مظلوم ضایع نماند و امکان مقابله با ظلم فراهم شود.

۳. نصر به معنای پیروزی یک اندیشه و ارزش است. ممکن است گروهی از نظر ظاهری شکست بخورند، اما اگر راه و هدف آنان حق باشد، در حقیقت پیروز هستند؛ زیرا ارزش ها و اصول آنان باقی می ماند.

شروط تحقق پیروزی از نگاه قرآن:

مقاله سپس به شروط تحقق پیروزی از نگاه قرآن می پردازد:

۱. ایمان همراه با عمل صالح است. ایمان تنها یک ادعا نیست، بلکه باید در رفتار انسان، تصمیم ها و عملکرد او آشکار شود. خداوند وعده یاری داده است، اما این یاری برای کسانی است که در مسیر ایمان واقعی حرکت می کنند.

۲. آزمایش و امتحان الهی: نویسنده بیان می کند که پیروزی حقیقی معمولاً پس از گذر از سختی ها و آزمایش ها به دست می آید. انسان ها باید در مسیر حق ثابت قدم بمانند تا شایستگی دریافت یاری الهی را پیدا کنند.

۳. شرط سوم، نقش فعال انسان در تحقق پیروزی است. سنت های الهی برخلاف تصور برخی، جایگزین تلاش انسان نیستند. خداوند تغییر را زمانی ایجاد می کند که انسان ها خود برای تغییر درونی و بیرونی تلاش کنند. بنابراین، اراده الهی و اختیار انسان در تضاد نیستند.

عوامل پیروزی الهی:

در ادامه این مقاله به عوامل پیروزی الهی اشاره شده است:

یکی از این عوامل، آمادگی مادی است. اسلام انسان ها را به آماده سازی نیرو، توانایی و امکانات لازم برای مقابله با دشمن فرا می خواند. توکل به خدا به معنای کنار گذاشتن اسباب مادی نیست، بلکه انسان باید تمام توان خود را به کار گیرد و نتیجه را به خدا بسپارد.



ایمان همراه با عمل
صالح است. ایمان تنها
یک ادعا نیست، بلکه
باید در رفتار انسان،
تصمیم ها و عملکرد او
آشکار شود. خداوند
وعده یاری داده است،
اما این یاری برای کسانی
است که در مسیر ایمان
واقعی حرکت می کنند.



عامل دوم، عامل معنوی است. ایمان، روحیه، صبر و اعتماد به خدای توانمند نیرویی ایجاد کند که حتی برتری عددی و مادی دشمن را بی اثر کند. در نگاه قرآن، مؤمنی که از پشتوانه ایمان برخوردار است، قدرتی فراتر از امکانات ظاهری پیدای کند.

عامل سوم، امداد غیبی الهی است. این امداد می تواند به شکل آرامش قلبی، ترس انداختن در دل دشمن، استواری قدم های مؤمنان و یاری های ناشناخته الهی ظاهر شود. اما این امداد مخصوص کسانی است که با اخلاص و نیت الهی حرکت می کنند.

❖ دیدگاه اهل بیت علیهم السلام درباره نصر و انتصار

در بخش دوم مقاله، دیدگاه اهل بیت علیهم السلام درباره نصر و انتصار بررسی می شود. نویسنده تأکید می کند که در مکتب اهل بیت علیهم السلام، پیروزی محدود به پیروزی نظامی یا سیاسی نیست، بلکه پیروزی حقیقی، پیروزی حق، عدالت و فضیلت بر ظلم و باطل است. در سیره پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، پیروزی های نظامی مانند بدر نتیجه ترکیب عوامل مختلف بود: ایمان، رهبری صحیح، آمادگی و یاری الهی. حتی در مواردی مانند جنگ احد، شکست ظاهری مسلمانان نیز بخشی از سنت امتحان الهی بود تا ضعف ها و نقاط نیازمند اصلاح آشکار

رجعت نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

فصل سوم



در بخش مربوط به

اندیشه مهدوی،

نویسنده بیان می‌کند

که کامل‌ترین شکل

پیروزی در ظهور امام

مهدی پتتحقق می‌یابد؛

پیروزی‌ای که هم جنبه

ظاهری دارد و هم

باطنی. این پیروزی،

شکست ظلم، فساد

و اندیشه‌های باطل و

برقراری عدالت جهانی

است.

شود. سپس مقاله به دیدگاه امام علی علیه السلام درباره پیروزی می‌پردازد. نویسندگان بیان می‌کنند که از نگاه امام علی علیه السلام، پیروزی با فریب، خیانت و روش‌های نادرست به دست نمی‌آید. حق باید با حق پیروز شود. انسان ممکن است از نظر ظاهری قدرت بیشتری نداشته باشد، اما اگر بر اصول درست ایستاده باشد، در حقیقت پیروز است.

مهم‌ترین نمونه این مفهوم، واقعه عاشورا و قیام امام حسین علیه السلام است. نویسندگان توضیح می‌دهند که کر بلا از نظر نظامی شکست ظاهری بود، اما از نظر حقیقت تاریخی و معنوی، بزرگ‌ترین پیروزی به شمار می‌آید. امام حسین علیه السلام و یارانش از نظر جسمانی شهید شدند، اما پیام آنان یعنی مقابله با ظلم، دفاع از عدالت و حفظ دین باقی ماند و در طول تاریخ الهام بخش آزادگان شد. بنابراین، پیروزی خون بر شمشیر به این معناست که ارزش‌ها و حقیقت می‌توانند بر قدرت مادی غلبه کنند. دشمن ممکن است میدان نبرد را ببرد، اما اگر نتواند اندیشه و پیام حق را نابود کند، شکست واقعی خورده است.

این مقاله همچنین نقش حضرت زینب علیها السلام را در تبدیل شکست ظاهری کر بلا به پیروزی حقیقی بیان می‌کند. با خطبه‌ها و روشنگری‌های ایشان، حقیقت واقعه عاشورا آشکار شد و تبلیغات حکومت اموی شکست خورد.

نصر و انتصار از دیدگاه مهدویت

در بخش مربوط به اندیشه مهدوی، نویسندگان بیان می‌کنند که کامل‌ترین شکل پیروزی در ظهور امام مهدی علیه السلام تحقق می‌یابد؛ پیروزی‌ای که هم جنبه ظاهری دارد و هم باطنی. این پیروزی، شکست ظلم، فساد و اندیشه‌های باطل و برقراری عدالت جهانی است. اما رسیدن به چنین پیروزی‌ای نیازمند پیروزی انسان بر نفس خویش است. کسی که می‌خواهد در جبهه حق قرار گیرد، ابتدا باید بر هواهای نفسانی، ضعف‌ها و وابستگی‌های درونی خود غلبه کند. یاران حقیقی حق کسانی هستند که ایمان، یقین، صبر و آمادگی روحی دارند.

در پایان، مقاله به سخنان رهبران معاصر مانند امام خمینی، سید حسن نصرالله و آیت‌الله خامنه‌ای اشاره می‌کند که بر اهمیت مقاومت، صبر و پایداری به حق تأکید دارند. پیام اصلی این دیدگاه‌ها این است که صرفاً حق داشتن کافی نیست؛ انسان باید در مسیر حق ثابت بماند تا وعده پیروزی الهی تحقق یابد. نتیجه نهایی مقاله این است که نصر واقعی یک مفهوم گسترده است. پیروزی فقط شکست دادن دشمن در میدان جنگ نیست، بلکه پیروزی ایمان، عدالت، اخلاق و ارزش‌های الهی است. انسان مؤمن باید بداند که پیروزی نهایی با صبر، ایمان، عمل صالح و اخلاص حاصل می‌شود و بزرگ‌ترین پیروزی، پیروزی انسان بر نفس خویش و قرار گرفتن در مسیر رضایت الهی است.



سنت تمکین در مفهوم قرآنی به عنوان وعده الهی به پیروزی و جلوه‌های آن در امت ایران

شیخ جاسم حمزة مطلق الکرکوشي

این پژوهش به بررسی مفهوم «تمکین» در نگاه قرآن کریم می‌پردازد و آن را به عنوان یکی از سنت‌های الهی و وعده‌های خداوند برای بندگان صبور و مقاوم معرفی می‌کند. بر اساس این دیدگاه، خداوند بندگان خود را با آزمون‌ها، سختی‌ها و بلاهای آزمایش و کسانی که در برابر مشکلات صبر و پایداری می‌کنند، شایستگی دریافت یاری و پیروزی الهی را پیدا می‌کنند. پژوهش با استناد به آیه ۵۵ سوره نور بیان می‌کند که خداوند به مؤمنانی که ایمان و عمل صالح دارند وعده داده است که آنان را در زمین جانشین قرار دهد، دینشان را استوار سازد و ترس آنان را به امنیت تبدیل کند. نویسنده معتقد است همان‌گونه که پیامبران الهی پس از تحمل آزمایش‌ها به پیروزی و جایگاه ویژه رسیدند، نمونه‌هایی از این سنت الهی نیز در تاریخ معاصر مشاهده می‌شود. در این چارچوب، انقلاب اسلامی ایران و مسیر پس از آن به عنوان یکی از نمونه‌های تحقق وعده الهی «تمکین» معرفی شده است؛ زیرا ایران پس از دوره‌ای از فشارها، جنگ، تحریم و مشکلات مختلف، توانسته است در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، امنیتی و علمی پیشرفت کند.

رهبرت نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

فصل سوم



این پژوهش تأکید

می‌کند که بسیاری از

پیامبران الهی پیش

از رسیدن به پیروزی،

دوران سختی و

آزمایش را پشت سر

گذاشتند. یکی از

مهم‌ترین نمونه‌ها،

حضرت یوسف^{علیه السلام} است.

او با وجود خیانت

برادران، بردگی، زندان و

مشکلات فراوان، ایمان

و صبر خود را حفظ کرد

و سرانجام خداوند او را

به جایگاهی بزرگ رساند

و حکومت و قدرت در

اختیارش قرار داد.

مفهوم لغوی و اصطلاحی تمکین

واژه «تمکین» از ریشه «مکن» گرفته شده و در زبان عربی به معنای توانایی، قدرت یافتن، تسلط، جایگاه و استقرار آمده است. در منابع لغوی، تمکین به معنای توانایی تصرف در چیزی، دست یافتن به آن، رسیدن به قدرت و داشتن منزلت بیان شده است. در قرآن کریم واژه تمکین و مشتقات آن چندین بار آمده و معانی مختلفی دارد. این پژوهش هفت کاربرد اصلی آن را بیان می‌کند:

۱. تمکین به معنای پیروزی و غلبه: یعنی خداوند به انسان امکان پیروزی بر دشمن را می‌دهد.
 ۲. تمکین به معنای حکومت و قدرت: مانند داستان ذوالقرنین که خداوند به او قدرت و امکانات گسترده‌ای در زمین عطا کرد.
 ۳. تمکین به معنای مقام و منزلت بالا: مانند حضرت یوسف که پس از سختی‌ها به مقام مهمی در مصر رسید.
 ۴. تمکین به معنای فراهم شدن زمینه‌ها: یعنی خداوند شرایطی را آماده می‌کند تا انسان بتواند به هدف خود برسد.
 ۵. تمکین به معنای بهره‌مندی از امکانات دنیا: یعنی قدرت، ثروت و نعمت‌هایی که خداوند به برخی ملت‌ها داده است.
 ۶. تمکین برای برپایی دین: یعنی امکان اجرای ارزش‌ها و دستورات الهی در جامعه.
 ۷. تمکین به معنای ثبات و استقرار: یعنی قرار گرفتن در جایگاهی محکم و پایدار.
- بر این اساس، تمکین در نگاه قرآنی تنها قدرت ظاهری نیست، بلکه شامل توانایی، ثبات، استقلال، جایگاه اجتماعی و امکان تحقق اهداف الهی در جامعه است.

سنت تمکین در زندگی پیامبران

این پژوهش تأکید می‌کند که بسیاری از پیامبران الهی پیش از رسیدن به پیروزی، دوران سختی و آزمایش را پشت سر گذاشتند. یکی از مهم‌ترین نمونه‌ها، حضرت یوسف^{علیه السلام} است. او با وجود خیانت برادران، بردگی، زندان و مشکلات فراوان، ایمان و صبر خود را حفظ کرد و سرانجام خداوند او را به جایگاهی بزرگ رساند و حکومت و قدرت در اختیارش قرار داد.

همچنین حضرت موسی^{علیه السلام} نمونه دیگری از این سنت است. او در برابر فرعون و ظلم او ایستاد و پس از تحمل فشارها، خداوند او و پیروانش را یاری کرد و فرعون و سپاهش را شکست داد. از دیدگاه پژوهش، سنت الهی این است که حق در نهایت بر باطل پیروز می‌شود، هرچند این پیروزی ممکن است پس از یک دوره طولانی آزمایش و صبر تحقق یابد.

جلوه‌های تمکین به عنوان وعده‌ای برای مردم ایران

پژوهش انقلاب اسلامی ایران را یکی از نمونه‌های تحقق مفهوم تمکین الهی معرفی می‌کند. نویسنده شرایط پیش از انقلاب را شامل فشار سیاسی، وابستگی خارجی و مشکلات اجتماعی می‌داند و معتقد است انقلاب توانست نظامی مستقل بر پایه ارزش‌های اسلامی ایجاد کند. از جمله این جلوه‌ها عبارتند از:

ظهور انقلاب اسلامی ایران به عنوان تجسمی از توانمندسازی الهی؛
پیروزی انقلاب اسلامی ایران، حقیقتاً یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های توانمندسازی الهی برای مؤمنان است، بر اساس فرموده‌ی خداوند متعال: «و اراده کردیم که بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنها را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم.» [قصص: ۵]. این وعده‌ی الهی به مؤمنان مستضعفی است که تحت سلطه‌ی رژیم فاسد پهلوی، عامل غرب که فساد را در سراسر زمین گسترش می‌داد، به شدت رنج می‌بردند.

■ نقش امام خمینی رحمته الله علیه به عنوان رهبر توانمندسازی:

در این نگاه، نقش امام خمینی رحمته الله علیه به عنوان رهبر انقلاب، در بسیج مردم و ایجاد روحیه مقاومت برجسته شده است. انقلاب اسلامی از نظر نویسنده نمونه‌ای از پیروزی گروهی دانسته شده که در شرایط ضعف ظاهری توانست در برابر قدرت‌های بزرگ ایستادگی کند. ولایت فقیه به عنوان جلوه‌ای از تمکین بخش دیگری از پژوهش، ولایت فقیه را در چارچوب اندیشه شیعی به عنوان یکی از مظاهر تمکین الهی معرفی می‌کند. بر اساس این دیدگاه، در دوران غیبت امام معصوم، جامعه نیازمند رهبری دینی برای حفظ شریعت، اجرای عدالت و هدایت جامعه است. نویسنده چند کارکرد برای ولایت فقیه بیان می‌کند:

حفظ دین و جلوگیری از تحریف ارزش‌های دینی؛

تلاش برای اجرای عدالت اجتماعی؛

وحدت بخشی و هدایت جامعه در برابر تهدیدها؛

فراهم کردن امکان اجرای قوانین اسلامی؛

آماده‌سازی زمینه ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

■ ولایت فقیه به عنوان مظهر قدرت الهی

مسئله رهبری در دوران غیبت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) یکی از چالش‌های اساسی پیش روی شیعه دوازده امامی است. در غیاب امام معصوم، ملت چگونه می‌تواند به اجرای قوانین اسلامی و تحقق عدالت در میان اعضای جامعه ادامه دهد؟ از این رو، نظریه ولایت فقیه به عنوان پاسخی فقهی و اعتقادی به این سؤال مطرح شد که به عنوان مظهر قدرت الهی برای ملت ایران در غیاب امام معصوم و به عنوان تضمینی برای ادامه پروژه الهی در زمین تجسم یافت.

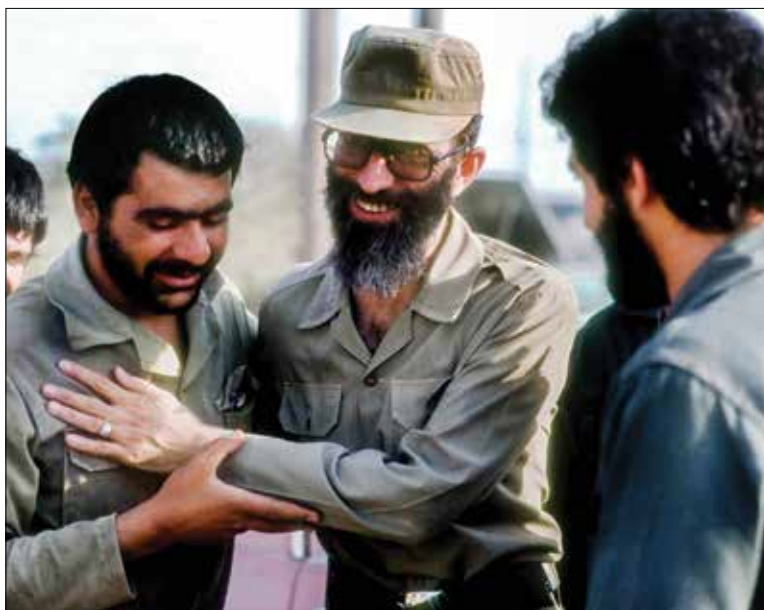
■ مقابله با جنگ تحمیلی رژیم کافر بعثی صدام حسین: تجسم زنده‌ای از توانمندسازی الهی

جنگ ایران و عراق و مفهوم مقاومت پژوهش جنگ ایران و عراق را یکی دیگر از جلوه‌های تمکین الهی معرفی می‌کند.

رهبر نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

فصل سوم



نویسنده معتقد است

فشارهای اقتصادی

با هدف تضعیف ایران

اعمال شد، اما نتیجه

آن حرکت بیشتر به

سمت خودکفایی و

توسعه داخلی بود. از

دیدگاه پژوهش، اقتصاد

مقاومتی، توسعه

فناوری، رشد علمی،

پیشرفت در صنایع

دفاعی، پزشکی، انرژی

و فناوری‌های نوین از

نمونه‌های این مسیر

معرفی شده‌اند.

در این نگاه، مقاومت ایران در برابر جنگی که پس از انقلاب آغاز شد، نمونه‌ای از ایستادگی در برابر فشارهای بزرگ دانسته شده است. نویسنده بیان می‌کند که این جنگ باعث شد ایران از وابستگی نظامی فاصله بگیرد و به سمت توسعه توانایی‌های دفاعی، صنعتی و علمی حرکت کند. همچنین نقش ایمان، فداکاری و روحیه مقاومت مردم را عامل مهمی در ادامه مسیر انقلاب معرفی می‌کند. مقابله با آمریکا و تحریم‌ها را ادامه، پژوهش به تقابل جمهوری اسلامی ایران با آمریکا و تحریم‌های اقتصادی می‌پردازد. نویسنده معتقد است فشارهای اقتصادی با هدف تضعیف ایران اعمال شد، اما نتیجه آن حرکت بیشتر به سمت خودکفایی و توسعه داخلی بود. از دیدگاه پژوهش، اقتصاد مقاومتی، توسعه فناوری، رشد علمی، پیشرفت در صنایع دفاعی، پزشکی، انرژی و فناوری‌های نوین از نمونه‌های این مسیر معرفی شده‌اند.

ایستادگی اسطوره‌ای جمهوری اسلامی در برابر آمریکا و جاه طلبی‌هایش - تجسمی از قدرت الهی مستمر:

امام خمینی، که خداوند روحش را شاد کند، مفهوم «استکبار جهانی» را در گفتمان اسلامی به طور قاطع تثبیت کرد و آن را به عنوان قدرت‌های ستمگری که به دنبال تسلط بر ملت‌ها و استثمار منابع آنها هستند، تعریف کرد و ایالات متحده آمریکا در رأس این استکبار قرار داشت. این امر به وضوح در نامگذاری آمریکا به عنوان «شیطان بزرگ» توسط امام خمینی مشهود است، عنوانی که صرفاً یک شعار نبود، بلکه منعکس‌کننده درک عمیقی از جوهره سیاست آمریکا بود که مبتنی بر سلطه‌گری و تجاوز است.



■ مقاومت اسطوره‌ای در برابر محاصره اقتصادی: توانمندسازی الهی در برابر فشار

یکی از نمونه‌هایی که تداوم این وعده الهی برای توانمندسازی مؤمنان را نشان می‌دهد، مقاومت افسانه‌ای ملت ایران در برابر محاصره اقتصادی نا عادلانه، سخت و طولانی مدتی است که سال‌ها توسط آمریکا و متحدانش اعمال شده است. این مقاومت صرفاً یک چالش اقتصادی نیست، بلکه نبرد اراده‌هاست که توانایی مردمی مؤمن را در تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها و سختی‌ها به کاتالیزورهایی برای رشد و خودکفایی نشان می‌دهد، که کاملاً با مفهوم توانمندسازی الهی برای مستضعفان سازگار است. از همان روزهای اول پیروزی انقلاب، تحریم‌های اقتصادی علیه ایران اعمال شد و این تحریم‌ها در طول سال‌ها تشدید شد و به یک محاصره اقتصادی جامع و بی‌سابقه تبدیل شد.

■ ترس آمریکا و اسرائیل از رویارویی با ایران: نشانه‌ای از قدرت الهی

پس از بررسی چگونگی تجلی قدرت الهی در ظهور انقلاب اسلامی، پایداری آن در طول جنگ تحمیلی و مقاومت آن در برابر محاصره اقتصادی، به نکته‌ای حیاتی می‌رسیم که تمام آنچه گفته شد را در بر می‌گیرد: ترس ایالات متحده و رژیم صهیونیستی (اسرائیل) از رویارویی مستقیم یا اقدام نظامی آشکار علیه جمهوری اسلامی ایران. این ترس که با اختلاف فاحش در قدرت نظامی آشکار در تضاد است، تنها می‌تواند به عنوان نشانه‌ای روشن از تحقق وعده الهی مبنی بر قدرت بخشیدن به مستضعفان تفسیر شود.

رهبر نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

فصل سوم

توسعه و خودکفایی صنعتی و فناوری در ایران، ثمره قدرت الهی

یکی از بخش‌های مهم پژوهش به پیشرفت‌های علمی و صنعتی ایران اختصاص دارد. نویسندگان این پیشرفت‌ها را نتیجه اتکا به توان داخلی و تبدیل فشارها به فرصت می‌دانند. از جمله حوزه‌های مطرح شده: * صنایع دفاعی و ساخت تجهیزات نظامی؛ * فناوری هسته‌ای صلح‌آمیز؛ * صنایع نفت، گاز و پتروشیمی؛ * تولید دارو و فناوری پزشکی؛ * کشاورزی و امنیت غذایی؛ * اقتصاد دانش‌بنیان و فناوری‌های نوین

ظهور ایران به عنوان یک قدرت بزرگ منطقه‌ای و متحدان استراتژیک آن: جلوه‌ای جدید از قدرت الهی

در بخش پایانی، پژوهش افزایش نقش منطقه‌ای ایران و روابط آن با کشورهایمانند چین و روسیه را از دیگر جلوه‌های تمکین معرفی می‌کند. نویسنده معتقد است ایران از یک کشور تحت فشار به بازیگری مهم در معادلات منطقه‌ای و جهانی تبدیل شده است. همچنین عضویت در سازمان‌های بین‌المللی و ایجاد همکاری‌های اقتصادی و امنیتی به عنوان نشانه‌ای از افزایش جایگاه ایران مطرح شده است.

«بیداری اسلامی» در منطقه و نفوذ ایران: جلوه‌ای از قدرت الهی در سطح امت

در این بخش، تاکید شده است که این قدرت به مرزهای جغرافیایی ایران محدود نشده، بلکه نفوذ آن به الهام بخشیدن و برانگیختن آنچه که به عنوان «بیداری اسلامی» شناخته می‌شود، در سراسر جهان اسلام گسترش یافته است. این نفوذ فزاینده، گواه روشنی است بر اینکه وعده الهی برای قدرت بخشیدن به مظلومان، فراتر از افراد و ملت‌ها، کل امت را در بر می‌گیرد، زمانی که بر اساس اصول حقیقت متحد شوند و بابتی عدالتی مقابله کنند.

نتیجه‌گیری

پژوهش در پایان تأکید می‌کند که سنت تمکین در قرآن، بر اساس این برداشت، روندی است که در آن مؤمنان پس از آزمایش و صبر به یاری و قدرت می‌رسند. نویسندگان نمونه‌هایی از پیامبران مانند یوسف و موسی را با تجربه جمهوری اسلامی ایران مقایسه کرده و نتیجه می‌گیرند که مقاومت، ایمان، استقلال‌طلبی و تلاش می‌تواند زمینه تحقق وعده الهی را فراهم کند. از نگاه نویسندگان، تمکین تنها رسیدن به قدرت سیاسی نیست، بلکه مجموعه‌ای از استقلال، پیشرفت، توانایی دفاع از خود و حفظ ارزش‌هاست.



پژوهش در پایان

تأکید می‌کند که سنت

تمکین در قرآن، بر

اساس این برداشت،

روندی است که در آن

مؤمنان پس از آزمایش

و صبر به یاری و قدرت

می‌رسند.



فقه انتظار و فقه مقابله؛ جدال پیروزی در اندیشه امام خمینی و امام خامنه‌ای

ماجدکماش

انقلاب اسلامی ایران نقطه عطفی در اندیشه سیاسی و فقهی معاصر به شمار می‌آید؛ زیرا امام خمینی و پس از او امام خامنه‌ای تلاش کردند مفاهیم اساسی دینی را با توجه به واقعیت‌های امت اسلامی و چالش‌های زمانه بازتعریف کنند. از مهم‌ترین این مفاهیم، «انتظار» و «مواجهه» است. این دو مفهوم در این اندیشه از حالت نظری و صرفاً عبادی خارج شده و به ابزارهایی برای ساخت آگاهی، ایجاد اراده جمعی و مقابله با ظلم و سلطه تبدیل شده‌اند. در این چارچوب، انتظار به معنای کناره‌گیری از جامعه و چشم‌دوختن منفعلانه به آینده نیست، بلکه حالتی از آمادگی روحی و عملی برای تحقق وعده الهی و آماده‌سازی جامعه برای ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشیخ است. در مقابل، فقه مواجهه بیانگر روح مبارزه فعال با ظلم، طغیان و سلطه است و بر حضور آگاهانه در عرصه‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی تأکید دارد. بنابراین، پیروزی در این نگاه حاصل ارتباط میان انتظار و مواجهه است؛ انتظار بُعد ایمانی و اخلاقی را فراهم می‌کند و مواجهه زمینه تغییر واقعی در جامعه را ایجاد می‌کند.

رهت نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

فصل سوم



یکی از مهم ترین آثار این
برداشت، تبدیل انتظار
به عامل حرکت اجتماعی
بود. امام خمینی انتظار
رانیری برای مقابله
بافساد، استبداد و
بی عدالتی می دانست.
از این دیدگاه، فرد منتظر
باید مسئولیت اجتماعی
خود را بپذیرد و برای
اصلاح جامعه تلاش
کند.

مفهوم انتظار در اندیشه اسلامی شیعه

در تفکر شیعی، انتظار به معنای چشم به راه بودن ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الیک به عنوان منجی الهی و برپاکننده عدالت جهانی است. دانشمندان شیعه درباره انتظار دو برداشت اصلی داشته اند: برخی آن را بیشتر به معنای امید و انتظار غیبی دانسته اند و برخی بر ضرورت آمادگی عملی و تلاش برای زمینه سازی ظهور تأکید کرده اند. در این میان، مفهوم «انتظار هدایت شده» مطرح می شود؛ یعنی انتظاری که همراه با حرکت، مسئولیت پذیری، امر به معروف، نهی از منکر، دعوت به حق و تلاش اجتماعی است. در مقابل، انتظار منفعلانه تنها به دنبال نشانه های ظهور است و نقش انسان را در تحقق شرایط تاریخی و اجتماعی نادیده می گیرد. بر اساس این دیدگاه، ظهور تنها به نشانه های بیرونی وابسته نیست، بلکه به عملکرد، رشد و آمادگی انسان ها نیز ارتباط دارد.

فقه انتظار در اندیشه امام خمینی رحمه الله

امام خمینی انتظار را از حالت سکون و بی عملی خارج کرد. او معتقد بود منتظر واقعی کسی نیست که دست روی دست بگذارد، بلکه کسی است که خود را برای تحقق عدالت آماده کند و در برابر ظلم و استکبار بایستد. در اندیشه او، انتظار حقیقی با جهاد، حرکت اجتماعی و تلاش برای ایجاد حکومت اسلامی پیوند دارد. یکی از پایه های این نگاه، نظریه ولایت فقیه است. امام خمینی معتقد بود در دوران غیبت، فقیه جامع الشرایط مسئولیت هدایت جامعه اسلامی را بر عهده دارد و تشکیل حکومت اسلامی وظیفه ای است که نباید تا زمان ظهور به تعویق بیفتد. از نظر او، تعطیل کردن اجرای احکام اسلامی در دوران غیبت قابل قبول نیست. بر همین اساس، انقلاب اسلامی ایران در نگاه امام خمینی نمونه ای عملی از فقه انتظار بود؛ نه صرفاً یک حرکت سیاسی، بلکه تلاشی برای ایجاد جامعه ای مبتنی بر عدالت و آماده سازی زمینه های تحقق آرمان های مهدوی.

بازتاب های فقه انتظار در طرح سیاسی و اجتماعی امام خمینی

یکی از مهم ترین آثار این برداشت، تبدیل انتظار به عامل حرکت اجتماعی بود. امام خمینی انتظار را نیرویی برای مقابله با فساد، استبداد و بی عدالتی می دانست. از این دیدگاه، فرد منتظر باید مسئولیت اجتماعی خود را بپذیرد و برای اصلاح جامعه تلاش کند. همین برداشت باعث شد انتظار از یک مفهوم صرفاً اعتقادی به نیرویی برای تحول اجتماعی تبدیل شود. همچنین تشکیل جمهوری اسلامی در اندیشه امام خمینی تنها یک اقدام سیاسی

نبود، بلکه وظیفه‌ای دینی برای اجرای عدالت و احکام اسلامی در عصر غیبت تلقی می‌شد. او معتقد بود غیبت امام معصوم نباید به معنای تعطیلی مسئولیت‌های اجتماعی مسلمانان باشد. در این دیدگاه، غیبت نه عامل رکود، بلکه انگیزه‌ای برای ساخت انسان و جامعه‌ای صالح است. مبارزه با ظلم، حتی در شرایط سخت و همراه با فداکاری، بخشی از مسیر پیامبران و صالحان معرفی می‌شود.

■ فقه مواجهه در اندیشه امام خمینی

فقه مواجهه در اندیشه امام خمینی صرفاً به معنای مبارزه نظامی نیست، بلکه یک چارچوب فقهی و اجتماعی برای مقابله با ظلم و انحراف است. او تلاش کرد میان اجتهاد دینی و واقعیت‌های سیاسی جامعه ارتباط برقرار کند و فقه را از حوزه نظری صرف به عرصه عمل اجتماعی وارد سازد. مهم‌ترین پایه‌های این فقه عبارت‌اند از:

■ **مقابله با طغیان و ظلم:** ولایت فقیه در این نگاه استمرار هدایت دینی برای برپایی عدالت و جلوگیری از حاکمیت ظلم است.

■ **استقلال و نفی وابستگی:** امام خمینی وابستگی سیاسی و اقتصادی را مانعی برای آزادی امت می‌دانست و بر استقلال تأکید داشت.

■ **دفاع از مستضعفان:** حمایت از ملت‌های مظلوم بخشی از وظیفه دینی و انسانی امت اسلامی معرفی می‌شود.

انقلاب اسلامی ایران نمونه عملی این فقه معرفی شده است؛ زیرا توانست نظام سلطنتی را کنار بزند و ساختاری مبتنی بر جمهوری اسلامی ایجاد کند.

■ فقه انتظار و مواجهه در اندیشه امام خامنه‌ای

در ادامه این مسیر، اندیشه امام خامنه‌ای نیز بر پیوند میان ایمان به آینده موعود و فعالیت اجتماعی تأکید دارد. در این نگاه، انتظار واقعی نه انزوا، بلکه بالاترین سطح آگاهی و مسئولیت است. انسان منتظر باید خود را برای یاری حق آماده کند و جامعه را نیز برای تحقق عدالت آماده سازد. از نظر امام خامنه‌ای، انتظار فرد را به عنصر اصلاح اجتماعی تبدیل می‌کند؛ فردی که با فساد مقابله می‌کند، آگاهی می‌سازد و در برابر انحراف بی تفاوت نیست.

■ فقه مواجهه در اندیشه امام خامنه‌ای

فقه مواجهه در این دیدگاه بر این اصل استوار است که سکوت در برابر ظلم می‌تواند به معنای همراهی با ظالم باشد. قرآن نیز مسلمانان را به دفاع از مظلومان دعوت کرده و مقابله با ظلم را مسئولیتی ایمانی معرفی می‌کند.

کاربردهای این دیدگاه شامل موارد زیر است:

■ انقلاب اسلامی به عنوان نمونه‌ای از مقابله با استبداد داخلی و سلطه خارجی.

■ حمایت از جریان‌های مقاومت به عنوان بخشی از مسئولیت دینی.

■ دفاع از ملت‌های مظلوم و مخالفت با بی تفاوتی در برابر ظلم.

رهت نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

فصل سوم



بازخوانی اندیشه امام
خمینی و امام خامنه ای
در پرتو دیالکتیک
انتظار و فقه مقابله،
یک پروژه فکری جامع را
آشکار می کند که ابعاد
متافیزیکی و آینده را از
واقعیت های واقعی و
سیاسی جدانمی کند،
بلکه هر دورا برای
دستیابی به نصرت الهی
و توانمندسازی ملت به
کار می گیرد.

در این نگاه، فقه مواجهه تنها مربوط به حکومت هانیست، بلکه وظیفه ای برای همه افراد جامعه است و ابعاد اخلاقی، فرهنگی و عملی دارد؛ مانند مقابله فکری با گفتمان تسلیم، افزایش آگاهی و حمایت از مظلومان.

جدال انتظار، مواجهه و پیروزی

در اندیشه امام خامنه ای، پیروزی نتیجه انتظار منفعلانه نیست، بلکه حاصل ترکیب ایمان، صبر، آگاهی و عمل است. وعده الهی به پیروزی، مشروط به انجام وظیفه و حرکت در مسیر حق است.

رابطه میان این سه مفهوم چنین ترسیم می شود:

انتظار حقیقی → آمادگی و مسئولیت پذیری → مواجهه با ظلم → پیروزی الهی
بر اساس این نگاه، پیروزی یک لحظه ناگهانی نیست، بلکه فرآیندی تدریجی و حاصل تلاش مداوم است.

شرایط پیروزی عبارت اند از:

■ **بصیرت:** شناخت درست حق و باطل و تشخیص دشمن و دوست.

■ **صبر و استقامت:** پایداری در مسیر حق در برابر فشارها.

■ **وحدت و آگاهی جمعی:** زیرا پیروزی پروژه ای اجتماعی است، نه فردی.

■ **کار و برنامه ریزی:** زیرا اهداف بزرگ بدون اقدام عملی تحقق نمی یابند.

در این دیدگاه، پیروزی فقط نظامی یا سیاسی نیست، بلکه شامل پیروزی اخلاقی، فرهنگی، اعتقادی و اجتماعی نیز می شود. انقلاب باید پس از پیروزی سیاسی به مرحله تثبیت ارزش ها و مقاومت ادامه دهد.

نتیجه گیری

بازخوانی اندیشه امام خمینی و امام خامنه ای در پرتو دیالکتیک فقه انتظار و فقه مقابله، یک پروژه فکری جامع را آشکار می کند که ابعاد متافیزیکی و آینده را از واقعیت های واقعی و سیاسی جدانمی کند، بلکه هر دورا برای دستیابی به نصرت الهی و توانمندسازی ملت به کار می گیرد. این دو امام، مفهوم جدیدی از انتظار را به عنوان سیستمی از انگیزه و آمادگی معنوی و اجتماعی ارائه دادند و بر اهمیت مقابله به عنوان یک ضرورت عقلانی و مشروع در مواجهه با بی عدالتی، اشغال و سلطه تأکید کردند.

پژوهش نتیجه می گیرد که در اندیشه امام خمینی و امام خامنه ای، انتظار و مواجهه دو مفهوم جدا از هم نیستند، بلکه مکمل یکدیگرند. انتظار، امید و جهت الهی ایجاد می کند و مواجهه، حرکت و تحقق عملی را به وجود می آورد.



مفهوم بصیرت در اندیشه امام خامنه‌ای: بررسی تحلیلی

افنان جعفر عباس

این پژوهش به بررسی مفهوم «بصیرت» در اندیشه اسلامی و به‌طور ویژه در دیدگاه امام سید علی خامنه‌ای می‌پردازد. بصیرت یکی از مفاهیم عمیق قرآنی است که نقش مهمی در ساختن انسان مؤمن، آگاه و توانمند در تشخیص حق از باطل دارد؛ به‌خصوص در زمان‌هایی که جامعه با فتنه‌ها، شبهات، انحرافات فکری و جنگ‌های فرهنگی روبه‌رو می‌شود. این پژوهش تأکید می‌کند که امام خامنه‌ای بصیرت را تنها یک شناخت ذهنی نمی‌داند، بلکه آن را نیروی درونی آگاهانه‌ای معرفی می‌کند که انسان را قادر می‌سازد حقیقت امور را درک کند و در مسیر صحیح ثابت قدم بماند.

رحمت نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

فصل سوم

بیان مسأله

در بخش نخست، مفهوم لغوی و اصطلاحی بصیرت بررسی شده است. از نظر لغوی، واژه بصیرت از ریشه «بصر» گرفته شده و به معنای شناخت، آگاهی، فهم روشن و دیدن حقیقت است. با این حال، میان «بصر» و «بصیرت» تفاوت وجود دارد؛ بصر به دیدن ظاهری با چشم مربوط است، اما بصیرت به مشاهده باطنی، درک قلبی و فهم عمیق حقیقت‌ها دلالت دارد. ممکن است انسانی چشم ظاهری سالم داشته باشد اما از درک حقیقت محروم باشد، در حالی که انسان دارای بصیرت می‌تواند فراتر از ظاهر، واقعیت را تشخیص دهد.

در نگاه اصطلاحی، بصیرت نیرویی درونی است که به انسان اجازه می‌دهد حقیقت اشیا و پشت‌پرده حوادث را درک کند. این نیرو با ایمان، عقل، تجربه، تفکر و پاکی قلب ارتباط دارد. بنابراین بصیرت فقط اطلاعات زیاد یا هوش فردی نیست، بلکه نوعی شناخت همراه با آگاهی و هدایت است.

این پژوهش در ادامه، جایگاه بصیرت در قرآن کریم را بررسی می‌کند. قرآن بصیرت را وسیله هدایت و شناخت مسیر درست معرفی می‌کند. آیه «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ» نشان می‌دهد که دعوت الهی باید بر اساس آگاهی و شناخت باشد، نه تقلید کورکورانه. همچنین در آیه «بَلَىٰ الْإِنْسَانُ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ» بصیرت به معنای شناخت انسان از خویشتن و آگاهی از درون خود مطرح شده است. قرآن همچنین کتاب‌های آسمانی را دارای نقش بصیرت‌بخشی معرفی می‌کند و تأکید دارد که قلب انسان جایگاه اصلی درک حقیقت است.

در روایات اهل بیت علیهم‌السلام، بصیرت جایگاهی بسیار مهم دارد. امام علی علیه‌السلام بصیرت را نتیجه شنیدن، اندیشیدن و دیدن حقیقت می‌داند. امام صادق علیه‌السلام نیز تأکید می‌کند کسی که بدون بصیرت عمل کند مانند کسی است که بدون مسیر حرکت می‌کند؛ هرچه بیشتر حرکت کند، بیشتر از مقصد دور می‌شود. بنابراین عمل صحیح نیازمند شناخت و آگاهی است. در این بخش، حضرت عباس علیه‌السلام به عنوان نمونه‌ای از انسان صاحب بصیرت معرفی می‌شود؛ زیرا در سخت‌ترین شرایط، حقیقت را شناخت و با ایمان و وفاداری در مسیر حق ایستاد.

بخش دوم پژوهش به مفهوم بصیرت در اندیشه امام خاмене‌ای اختصاص دارد. در این دیدگاه، بصیرت یکی از عناصر اصلی در ساخت انسان مؤمن و جامعه آگاه است. امام خاмене‌ای بصیرت را توانایی تشخیص درست، تحلیل حوادث، شناخت دشمن و دوست، شناخت زمان، اولویت‌ها و روش مناسب مقابله با مشکلات می‌داند. از نظر ایشان، بصیرت مانند چراغی است که مسیر انسان را در شرایط تاریک روشن می‌کند و مانند قطب‌نما، جهت حرکت صحیح را نشان می‌دهد. امام خاмене‌ای تأکید می‌کند که بصیرت شرط اساسی موفقیت است؛ زیرا انسان بدون شناخت ممکن است با نیت خوب نیز در مسیر اشتباه قرار گیرد. از نگاه ایشان، بسیاری از انحرافات تاریخی به دلیل نبود بصیرت اتفاق افتاده است؛ بنابراین انسان باید علاوه بر داشتن انگیزه، دارای قدرت تشخیص نیز باشد.

یکی از محورهای مهم پژوهش، نقش بصیرت در مقابله با فتنه‌هاست. بر اساس دیدگاه



بخش دوم پژوهش

به مفهوم بصیرت در

اندیشه امام خاмене‌ای

اختصاص دارد. در این

دیدگاه، بصیرت یکی

از عناصر اصلی در

ساخت انسان مؤمن

و جامعه آگاه است.

امام خاмене‌ای بصیرت

را توانایی تشخیص

درست، تحلیل حوادث،

شناخت دشمن و

دوست، شناخت

زمان، اولویت‌ها و

روش مناسب مقابله با

مشکلات می‌داند.

امام خامنه‌ای، فتنه‌ها مانند مهی هستند که فضای جامعه را تار می‌کنند و انسان برای عبور از آن‌ها نیازمند چراغ بصیرت است. دشمنان تلاش می‌کنند با ایجاد اختلاف، تحریف واقعیت‌ها و ایجاد سردرگمی، جامعه را از مسیر صحیح دور کنند؛ اما بصیرت باعث می‌شود انسان حقیقت را در میان فضای مبهم تشخیص دهد. پژوهش همچنین به نقش بصیرت در مقابله با «جنگ نرم» و رسانه‌های گمراه‌کننده اشاره می‌کند. در این نگاه، جنگ نرم فقط با ابزار نظامی مقابله نمی‌شود، بلکه هدف اصلی آن تغییر افکار، باورها و ارزش‌های جامعه است. بنابراین انسان باید توانایی تحلیل اخبار، شناخت تبلیغات دشمن و تشخیص سخن درست از نادرست را داشته باشد. موضوع دیگر، بصیرت از دیدگاه امام خامنه‌ای تشخیص حق و باطل است. این پژوهش بیان می‌کند که بصیرت انسان را قادر می‌سازد تا بر اساس معیارهای الهی و عقلی قضاوت کند، نه بر اساس تبلیغات، شخصیت‌ها یا فضای عمومی جامعه. معیارهای شناخت حق شامل قرآن، پیامبر، اهل بیت و عالمان آگاه معرفی شده‌اند.

معانی بصیرت در اندیشه امام خامنه‌ای

امام خامنه‌ای بصیرت را اینگونه تعریف می‌کنند: «توانایی درست دیدن که از ذهن، فرهنگ، تربیت، تجربه و دین انسان شکل می‌گیرد.» یا «آگاهی، هوشیاری و ترسیم جهت درست» است که به انسان کمک می‌کند تا مسیر و اهداف درست را به روشنی تعریف کند و تلاش‌ها و انرژی‌ها را در مسیر درست متمرکز سازد. معظم له بصیرت را برای رسیدن به موفقیت کامل ضروری می‌دانند و می‌افزایند: «بصیرت شرط لازم و اساسی موفقیت در هر کاری برای رسیدن به اهداف است.»

اهمیت بصیرت در اندیشه امام خامنه‌ای

بصیرت یکی از مفاهیم محوری در اندیشه سید علی خامنه‌ای است و در دیدگاه ایشان برای ساختن فرد و جامعه از اهمیت بالایی برخوردار است.

۱. بصیرت در مواجهه با فتنه‌ها و انحرافات:

امام خامنه‌ای تأکید می‌کنند که بصیرت، دژ تسخیرناپذیر در برابر فتنه‌ها و انحرافات است و از مهم‌ترین ابزارهای مورد نیاز افراد و جامعه اسلامی برای مقابله با انحرافات فکری، سیاسی و اجتماعی و محافظت از ملت در برابر گمراهی و فریب روش‌های دشمن است.

۲. بصیرت در مواجهه با جنگ نرم و رسانه‌های گمراه‌کننده

امام خامنه‌ای بصیرت را عنصر اساسی در مقابله با جنگ نرم دشمنان می‌دانند، جنگی که خطرناک‌تر از جنگ نظامی است زیرا ذهن و قلب ملت‌ها را هدف قرار می‌دهد. بصیرت به تشخیص شعارهای دروغین از شعارهای واقعی کمک می‌کند و مانع از فریب خوردن از ترندهای دشمن می‌شود.

۳. بصیرت در تشخیص صحیح و دقیق حق و باطل

بصیرت، وسیله اساسی برای تشخیص دقیق واقعیت و تشخیص حق از باطل از طریق تفکر، تأمل و اندیشه است. ایشان فرمودند: «برای رسیدن به بصیرت در وقایع و مسائل، باید چشمان خود را باز کنیم و از کنار وقایع به سادگی عبور نکنیم.» ایشان بر لزوم اتخاذ مواضع صحیح مبتنی بر تفکر، تأمل و ارزیابی دقیق تأکید کردند.

رهبریت نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

■ فصل سوم



جلوه های تاریخی بصیرت در اندیشه امام خامنه ای

در بخش نمونه های تاریخی، پژوهش به شخصیت هایی اشاره می کند که مظهر بصیرت بوده اند. امام علی علیه السلام نمونه انسان بصیر معرفی می شود؛ زیرا در طول زندگی خود با شناخت عمیق از اسلام، در برابر مشکلات ایستادگی کرد. در جنگ صفین، یاران بصیر امام توانستند با وجود شباهت های ظاهری، حقیقت را از باطل تشخیص دهند. امام حسن علیه السلام نیز نمونه ای از بصیرت راهبردی معرفی می شود؛ زیرا صلح ایشان با معاویه نه از روی ضعف، بلکه بر اساس شناخت شرایط و مصلحت بلندمدت اسلام دانسته شده است. همچنین واقعه عاشورا به عنوان مدرسه بصیرت معرفی می شود؛ زیرا امام حسین علیه السلام و یارانش در شرایطی سخت با آگاهی و شناخت، مسیر حق را انتخاب کردند. حضرت عباس علیه السلام نیز به عنوان نمونه کامل بصیرت و وفاداری مطرح شده است. بصیرت او درد امان نامه دشمن و ترجیح همراهی با امام حسین علیه السلام بر نجات شخصی آشکار شد. همچنین امام خمینی به عنوان شخصیتی دارای بصیرت، قاطعیت و قدرت تشخیص معرفی می شود که توانست در برابر فشارها و توطئه ها ایستادگی کند.

نتیجه گیری:

این پژوهش بیان می کند که بصیرت تنها یک آگاهی نظری نیست، بلکه نوری الهی و عاملی برای هدایت، مقاومت و ثبات انسان مؤمن است. در اندیشه امام خامنه ای، بصیرت پایه شخصیت اسلامی، عامل مقابله با فتنه ها، ابزار شناخت دشمن و وسیله ساخت جامعه آگاه محسوب می شود. پژوهش پیشنهاد می کند که مفهوم بصیرت در برنامه های آموزشی، فرهنگی و پژوهشی بیشتر مورد توجه قرار گیرد و برای نسل جوان در قالب های مختلف تبیین شود.



این پژوهش بیان
می کند که بصیرت تنها
یک آگاهی نظری
نیست، بلکه نوری
الهی و عاملی برای
هدایت، مقاومت و ثبات
انسان مؤمن است. در
اندیشه امام خامنه ای،
بصیرت پایه شخصیت
اسلامی، عامل مقابله
با فتنه ها، ابزار شناخت
دشمن و وسیله ساخت
جامعه آگاه محسوب
می شود.



نشست علمی مکتب امام خمینی علیه السلام در اندیشه رهبر شهید انقلاب

عقل قدسی و افق‌های نو؛ گذار از محاسبات ریاضی به تداوم مبنایی در زعامت جدید

نشست علمی مکتب امام خمینی علیه السلام در اندیشه رهبر شهید انقلاب با حضور احمد رهدار عضو هیئت علمی دانشگاه باقرالعلوم به همت پژوهشگاه علوم و معارف انقلاب اسلامی برگزار شد.

دکتر احمد رهدار در این متن با مرزبندی میان «عقل قدسی» و «عقل ریاضی» در مواجهه با تاریخ و سیاست، استدلال می‌کند که تحلیل‌های صرفاً مادی، دانشگاهی و محاسباتی (عقل ریاضی)، در تبیین واقعیت‌های پدیده‌هایی چون تاریخ اسلام، انقلاب اسلامی و جبهه مقاومت به بن بست می‌رسند؛ مگر آنکه ذیل عقل قدسی و باور عمیق به حضور و تدبیر لحظه به لحظه خداوند در متن تاریخ قرار گیرند، چرا که مزیت و امتیاز حکمرانی دینی فراتر رفتن از قواعد متعارف و فرامحاسباتی بودن آن است. عضو هیئت علمی دانشگاه باقرالعلوم در ادامه، این مبنای الهیاتی را به مسئله «انتقال زعامت و انتظارات از رهبری جدید» پیوند می‌زند و تأکید می‌کند که مفهوم «امتداد رهبری» به معنای تکرار فرمی یا بازتولید ویژگی‌های شخصی رهبران گذشته (امام خمینی و امام شهید) نیست؛ بلکه تداوم زعامت در گرو حفظ ریل‌گذاری بنیادین، افق اصیل و مبانی الهیاتی است، در حالی که شیوه‌ها، تاکتیک‌ها و ویژگی‌های فردی رهبر جدید (آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای) متناسب با ظرفیت‌های شخصیتی ایشان و اقتضائات عمل در زمانه خود ظهور خواهد یافت. در ادامه سخنان احمد رهدار عضو هیئت علمی دانشگاه باقرالعلوم را بخوانید:

رهبر نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

فصل سوم

نخستین وصف رهبر دینی؛ الهی بودن

مردم باید در درجه نخست، آقا را به عنوان یک «مرد الهی» تصور کنند و در مرتبه بعد، به عنوان حکیم، فقیه، مدیر و مدبر. اولین ویژگی رهبر عالی در یک جامعه متدین و اسلامی، باید الهی بودن او باشد. عقلانیتی نیز که او به کار می گیرد و نمایان می سازد، باید از جنس «عقل قدسی» باشد؛ عقلی که من آن را در برابر «عقل ریاضی» تبیین می کنم.

محدودیت تحلیل های صرفاً آکادمیک

گاهی در این جلسات، دوستان تحلیل ها و گزارش هایی ارائه می دهند که بر اساس سنجه های دانشگاهی و دانشی، غلط نیستند و کاملاً آکادمیک و صحیح به شمار می روند؛ اما برآیند این تحلیل ها برای فهم حرکت جامعه یا سوق دادن آن به سوی افق های متعالی، در نهایت غلط از آب درمی آید. برای تبیین این مسئله، دو نمونه را مقایسه می کنم:

غدير و قرائت صرفاً تاریخی از اسلام

خداوند ۱۲۴ هزار پیامبر را فرستاد که همگی مأموریتی واحد یعنی بشارت به پیامبر خاتم و فراهم کردن تمهیدات تاریخی برای ظهور او داشتند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز چند ماه پیش از رحلت در غدير، و یک هفته قبل از آن در خطبه ای، مسئله را به اوج رساندند تا پروژه دینی کامل شود. اگر آن اقدام صورت نمی گرفت، حاصل تلاش تمامی پیامبران پیشین از بین می رفت. اما واقعیت تجربی تاریخ چه بود؟ در همان روز رحلت، با واقعه سقیفه مسیر تغییر کرد؛ نبوت و امامت به خلافت و سلطنت تبدیل شد و جانشینان منصوب کنار گذاشته شدند.

در اوج این گزاره های قدسی، فرموده بودند: «حسین منی و انامن حسین»، اما در واقعیت تاریخی، به دختر پیامبر ظلم شد و نوادگانش شهید شدند. هیچ کدام از این دو دسته گزاره های تاریخی غلط نیستند، اما اسلام، صرفاً این روایت تلخ و محدود تاریخی نیست.

اگر بنا بود اسلام با همان وقایع اولیه تعریف شود، باید در نطفه از بین می رفت؛ در حالی که پیش رفت، تمدن ساخت و امروز مدعی هدایت آینده بشر است. پس در کنار واقعیات تاریخی، حقیقت دیگری جاری است.

انقلاب اسلامی و دوشیوه تبیین حوادث

حوادث و اتفاقات جامعه ما نیز همین گونه است. یک تحلیل این است که بگوئیم قیمت کالا بالا رفته یا فلان شاخص اقتصادی تغییر کرده است؛ گزاره هایی که لزوماً



اگر بنا بود اسلام با همان وقایع اولیه تعریف شود، باید در نطفه از بین می رفت؛ در حالی که پیش رفت، تمدن ساخت و امروز مدعی هدایت آینده بشر است. پس در کنار واقعیات تاریخی، حقیقت دیگری جاری است.

غلط نیستند، اما این عقل، «عقل ریاضی» است. در حکمرانی دینی، اگر این عقل ذیل «عقل قدسی» قرار نگیرد، عقلی مسموم خواهد بود که در همان لایه مادی به بن بست می‌رسد.

روایت رهبر انقلاب از دوران جنگ

در دوران دفاع مقدس، فرماندهان نیروی هوایی به امام گزارش دادند که توان عملیاتی هواپیماها بر اساس محاسبات فنی، حداکثر ۳۱ روز دوام می‌آورد. آقا نقل می‌کنند که با شنیدن این گزارش، ته دلشان خالی شد و موضوع را به امام ارائه کردند.

امام پس از شنیدن فرمودند: «خُب، کجای این گزارش شما خدا بود؟ کارتان را بکنید.» آقا تعبیر جالبی دارند: «با فرمایش امام، عقل من قانع نشد؛ اما دل من خاضع شد. یقین داشتم این مرد خدا خطا نمی‌کند.» در نهایت، آن هواپیماها ده‌ها سال بعد همچنان در حال خدمت بودند.

«والبته ما هم خدایی داریم»

نقل است که آقای دکتر درخشان درباره پروژه‌ای مهم در حوزه نفت خدمت امام شهید گزارش داده و تحلیل کرده بودند که در آینده نزدیک، جنگی محوریت نفت خواهیم داشت. پاسخ امام پس از شنیدن گزارش این بود: «والبته ما هم خدایی داریم.» تمام حرف من همین گزاره است.

ضرورت حضور عقل قدسی در عقلانیت اجتماعی

مطالبه ما این است که عقل قدسی در کنار عقل ریاضی، در عقلانیت اجتماعی و سیاسی امت اسلام حضوری پررنگ داشته باشد. ما چنان با عقل ریاضی خو گرفته‌ایم که حتی اگر یک روحانی بدون لباس سخن بگوید، شنونده احساس می‌کند یک استاد دانشگاه در حال صحبت است و جنس استدلال‌ها به «دو دوتا چهارتا» تقلیل یافته است.

مزیت حکمرانی دینی چیست؟

امتیاز ما نسبت به رقبای این است که حکمرانی خود را ذیل سنن قدسی حاکم بر تاریخ تنظیم کرده‌ایم. ما مفروض گرفته‌ایم که خدایی هست؛ خدایی که صرفاً خالق نیست، بلکه در متن تاریخ حضور دارد و آن را تدبیر می‌کند.

خاطره‌ای از سوریه

یکی از مسئولان نقل می‌کرد زمانی که داعش تا ۴۰۰ متری کاخ بشار اسد رسیده بود، رهبر انقلاب در اختتامیه اجلاس بیداری اسلامی بر یک استعاره قرآنی تکیه و آن را شرح دادند. راوی می‌گفت پس از شنیدن آن سخنان، چنان احساس قدرتی کردم که گویی به تنهایی برای مقابله با داعش کفایت می‌کنم.

ما در میانه یک جنگ وجودی هستیم

ما در وسط یک جنگ وجودی قرار داریم. اگر دشمن عقلانیت ما را محاصره کند و مواجهه ما با کفر را به



محاسبات عددی، قیمت دلار و تورم تقلیل دهد، قطعاً صحنه را واگذار خواهیم کرد؛ مگر آنکه این عقل ریاضی به عقل کلان ترقدسی متصل شود.

تجربه لبنان پس از شهادت سید حسن نصرالله

روز بعد از شهادت سید حسن نصرالله در بیروت، جنوب لبنان تخلیه شده بود، فرماندهان و در رأس آنها شهید نصرالله به شهادت رسیده و برخی به دلیل مسائل امنیتی در دسترس نبودند. روی کاغذ و به لحاظ محاسبات اجتماعی، یک بن بست مطلق حاکم بود؛ اما در دل همین بن بست، ارتکاز اجمالی ملت متدین به باورهای الهیاتی در حال حرکت بود. این باور که خدایی هست و فرموده: «إِنَّ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ». همین دستمایه ها جامعه را به حرکت درآورد.



در این جنگ وجودی،

هیچ چیز به اندازه

باورهای الهیاتی

نمی تواند امید و حرکت

خلق کند. از این رو،

شایسته است پیام آقا نیز

مشمول بر این باورها

بوده و به سیره امام

خمینی ارجاع دهد.

الهیات؛ سرچشمه امید و حرکت

در این جنگ وجودی، هیچ چیز به اندازه باورهای الهیاتی نمی تواند امید و حرکت خلق کند. از این رو، شایسته است پیام آقا نیز مشتمل بر این باورها بوده و به سیره امام خمینی ارجاع دهد. امام در محاسبات مادی قدرت، نه پول داشت و نه اسلحه، و می گفت سربازان من در گهواره اند؛ اما در عمل، در میانه دو ابر قدرت آمریکا و شوروی، معادله بازی و صفحه شطرنج جهانی را برهم زد.

وقتی تمام سرمایه تحلیلی ما به محاسبات عرفی محدود شود، در آن صفحه



شطرنج مادی موقعیت برتری نداریم. تنها چیزی که معادله را تغییر می‌دهد، تقریرهای الهیاتی مبتنی بر این باور عمیق است: خدا هست، زنده است و در متن تاریخ حضور دارد. این نقطه آغاز عقلانیت قدسی است.

روح الهیاتی زعامت؛ امتداد در مبنا، تفاوت در ظهور

زعامت دینی باید واجد روحی الهیاتی، امیدآفرین و حرکت آفرین باشد. نکته دیگر این است که بسیاری از تحلیل‌ها شناخت دقیقی از شخصیت امام عزیز (رهبر سوم انقلاب اسلامی) ندارند. بنده نیز توفیق شاگردی ایشان را در قم نداشته‌ام و آنچه مطرح می‌کنم، صرفاً یک برداشت و گمان علمی مبتنی بر تحلیل دهه نخست زعامت امام شهید است.

گمان من این است که امام شهید در دهه اول زعامت خود، هنوز به معنای کامل کلمه «امتداد امام» نشده بود؛ به این معنا که در آن دهه، ما با آیت‌الله خامنه‌ای دهه‌های پایانی عمرشان که همگان در برابر حکمت و تدبیر او خاضع بودند مواجه نبودیم، بلکه با حجت‌الاسلام سیدعلی خامنه‌ای روبه‌رو بودیم که به اقتضای شرایط، در جایگاه رهبری قرار گرفته و قدم در مسیر امامی گذاشته بود که عظمتش جهان را فرا گرفته بود. بر اساس شواهدی که در همایش‌های علمی نیز مطرح کرده‌ام، به نظر من الگوی زعامت دینی-سیاسی



امام شهید ذائقه هنری

ویژه‌ای داشتند، اما

ممکن است رهبر فعلی

انقلاب چنین ذائقه‌ای

نداشته باشد. این امور

بامراجعه به نصوص

دینی، جزو ارکان

حکمرانی دینی به شمار

نمی‌روند.

دهه نخست رهبری امام شهید، بیش از هر چیز امتداد الگوی مرحوم آیت الله سید عبدالحسین لاری و مکتب شیراز بود.

تأثیر طولانی مدت یک الگوی زعامت

ذائقه دینی و سیاسی ملت ایران طی ۳۷ سال با امام شهید شکل گرفته است. امام خمینی علیه السلام تنها ۱۰ سال رهبری جامعه را بر عهده داشتند (اگرچه سیطره معنوی شان به اندازه چند دهه بود)، اما جامعه نزدیک به چهار دهه تحت زعامت الگوی مشخص امام شهید قرار داشته است. از همین رو، احتمالاً مابریخی ویژگی‌های شخصی ایشان را که لزوماً جزو ذاتیات مسئله زعامت دینی نیست، به اصل الگو پیوند زده ایم.

تفاوت در ذائقه هنری

امام شهید ذائقه هنری ویژه‌ای داشتند، اما ممکن است رهبر فعلی انقلاب چنین ذائقه‌ای نداشته باشد. این امور با مراجعه به نصوص دینی، جزو ارکان حکمرانی دینی به شمار نمی‌روند.

تفاوت در دستگاه فقهی

دستگاه استنباط فقهی امام شهید در مقایسه با دیگران، صبغه قرآنی پررنگ‌تری داشت و قرآن پایه‌تر بود. اگر رهبر جدید جامعه اسلامی دقیقاً همین ویژگی را با همان شدت نداشته باشد، نباید تصور شود از مسیر فاصله گرفته است. به بیان دیگر، ادراک عمومی جامعه از سیدمجتبی باید در قامت «آیت الله سیدمجتبی» شکل بگیرد، نه در قالب بازتولید کامل شخصیت امام شهید. اصل امتداد محفوظ است، اما ویژگی‌های شخصی هر فرد متعلق به خود اوست.

انتظار امت از رهبر جدید

سال‌ها پیش در دانشکده‌ای برای تبلیغ حضور داشتیم؛ پیش از من روحانی جوانی بود که مهارت خاصی در وارونه سوار شدن و رکاب زدن روی دوچرخه داشت و دانشجویان انتظار داشتند من نیز چنین توانایی‌هایی داشته باشم؛ در حالی که هنر من از جنس دیگری بود.

در مسئله زعامت نیز امت باید از مجتبی، هنرهای مجتبی را انتظار داشته باشد. ریل، مبنا و افق حرکت همان است؛ اما شیوه‌ها، تاکتیک‌ها و اقتضائات می‌تواند متفاوت باشد. بنابراین، امتداد به معنای تکرار کامل نیست، بلکه به معنای استمرار مسیر و حفظ جهت‌گیری‌های بنیادین، همراه با بروز ویژگی‌های خاص هر شخصیت در مقام عمل است.



نشست علمی عاشورا در منظومه فکری رهبر شهید، امام خامنه‌ای

چهار پژوهشگر در یک نشست علمی تبیین کردند / چرا عاشورا در اندیشه رهبر شهید یک «جریان مستمر تاریخی» است؟

در نشست علمی «عاشورا در منظومه فکری رهبر شهید، امام خامنه‌ای»، چهار استاد و پژوهشگر حوزه تاریخ و اندیشه اسلامی با بررسی ابعاد مختلف آثار و آرای عاشورایی رهبر شهید انقلاب تأکید کردند که ایشان عاشورا را نه یک واقعه محدود تاریخی، بلکه مکتبی تمدن‌ساز، الگویی تکرارپذیر برای همه اعصار و محور تبیین پیوند بعثت، امامت، مقاومت، جهاد تبیین و بیداری امت اسلامی می‌دانستند.

هم‌زمان با فرارسیدن ماه محرم حسینی، نشست علمی. تخصصی با عنوان «عاشورا در منظومه فکری رهبر شهید، امام خامنه‌ای (قدس سره الشریف)» به همت پژوهشگاه علوم و معارف انقلاب اسلامی و با حضور حجت الاسلام دکتر جواد سلیمانی تاریخ‌پژوه و استاد موسسه امام خمینی علیه السلام، دکتر سید محمد حسینی، دانشیار دانشگاه تهران، استاد محمد صادق ابوالحسنی منذر، تاریخ‌پژوه و نویسنده، دکتر مجتبی سلطانی احمدی تاریخ‌پژوه و دانشیار دانشگاه پیام نور برگزار شد.

دکتر مجتبی سلطانی احمدی، تاریخ پژوه و دانشیار دانشگاه پیام نور، در نشست علمی «در امتداد مکتب امام خمینی (ره)؛ عاشورا در منظومه فکری رهبر شهید، امام خامنه‌ای (قدس سره)» که به همت پژوهشگاه علوم و معارف انقلاب اسلامی برگزار شد، با بررسی آثار و اندیشه‌های عاشورایی رهبر شهید انقلاب اسلامی، ایشان را محور اقامه شعائر حسینی و ستون جریان مبارزه با تحریفات عاشورا در دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی توصیف کرد.

وی با اشاره به اهتمام رهبر شهید انقلاب به تبیین نهضت عاشورا از سال‌های پیش از پیروزی انقلاب اسلامی گفت: این توجه نه تنها پس از انقلاب کاهش نیافت، بلکه در قالب مجموعه‌ای از آثار، سخنرانی‌ها و تحلیل‌های راهبردی درباره قیام سیدالشهدا (علیه السلام) گسترش یافت.

آفتاب در مصاف؛ تبیین انقلاب اسلامی به مثابه استمرار عاشورا

به گفته سلطانی احمدی، کتاب «آفتاب در مصاف؛ علل و ابعاد حادثه عاشورا» جامع‌ترین اثر برای شناخت منظومه فکری رهبر شهید درباره عاشورا به شمار می‌رود؛ اثری که مجموعه بیانات ایشان از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۰ را دربر گرفته است.

وی افزود: نخستین مطلب نقل شده در این کتاب مربوط به ۸ آبان ۱۳۵۷ است که رهبر شهید در آن تأکید می‌کنند «انقلاب اسلامی فرصتی برای عاشورایی شدن در اختیار ما قرار داده است» و انقلاب اسلامی را استمرار عاشورا و مبارزات مردم ایران را لبیک به ندای استنصار امام حسین (علیه السلام) معرفی می‌کنند.

دو امام مجاهد و نظریه تجدید حیات انقلاب نبوی

این تاریخ پژوه در ادامه با اشاره به کتاب «دو امام مجاهد» اظهار داشت: این اثر که شامل شش گفتار از رهبر شهید انقلاب درباره مبارزات سیاسی امام حسن (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) است، از مهم‌ترین آثار ایشان در تحلیل فلسفه قیام حسینی محسوب می‌شود.

رهبر شهید در این کتاب سه تفسیر رایج از قیام عاشورا را نقد کرده و نظریه‌ای را مطرح می‌کنند که بر اساس آن، هدف اصلی قیام سیدالشهدا (علیه السلام) «تجدید حیات انقلاب پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم)» بوده است.

به گفته وی، این نگاه ضمن نقد برخی برداشت‌های محدودکننده از عاشورا، مخاطبان را به الگوبرداری از سیره امام حسین (علیه السلام) در مقابله با ظلم و حاکمیت‌های طاغوتی فرا می‌خواند.

خون آورد؛ روایت پیوند عاشورا و نهضت نبوی

سلطانی احمدی همچنین به کتاب «خون آورد» اشاره کرد و گفت: این اثر مشروح نشست



به گفته سلطانی
احمدی، کتاب «آفتاب
در مصاف؛ علل و
ابعاد حادثه عاشورا»
جامع‌ترین اثر برای
شناخت منظومه فکری
رهبر شهید درباره عاشورا
به شمار می‌رود؛ اثری که
مجموعه بیانات ایشان
از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۰ را
دربر گرفته است.

مشترک رهبر شهید انقلاب، شهید مطهری و مرحوم دکتر شریعتی در تاسوعای سال ۱۳۵۵ است. وی افزود: در این گفت‌وگو، رهبر شهید قیام عاشورا را در امتداد نهضت نبوی تبیین می‌کنند. گزارش ساواک از این جلسه نیز نشان دهنده نگرانی رژیم پهلوی از تأثیرگذاری اندیشه‌های این شخصیت‌ها، به‌ویژه رهبر شهید انقلاب، بر قشر دانشجو و روشنفکر است.

▀ اربعین و نقش بی‌بدیل حضرت زینب علیها السلام در تداوم نهضت

وی در ادامه با اشاره به کتاب «جاذبه حسینی» اظهار داشت: رهبر شهید انقلاب در این اثر، اربعین را عامل زنده ماندن نهضت حسینی و «مغناطیس پرجاذبه حسینی» معرفی می‌کنند. سلطانی احمدی افزود: ایشان نقش حضرت زینب کبری علیها السلام را در تداوم نهضت عاشورا برجسته دانسته و معتقدند آن حضرت با بهره‌گیری از هنر، بیان و روایتگری، پیام عاشورا را جاودانه کردند.

▀ چهار گفتار؛ فشرده‌ترین بیان منظومه عاشورایی رهبر شهید

دانشیار دانشگاه پیام نور کتاب «چهار گفتار» را از مهم‌ترین آثار رهبر شهید برای فهم نگاه ایشان به عاشورا دانست و تصریح کرد: این کتاب شامل چهار سخنرانی درباره زمینه‌ها و عوامل شکل‌گیری حادثه عاشورا است و به تعبیر برخی صاحب‌نظران، فشرده‌ترین و روشن‌ترین بیان منظومه فکری رهبر شهید درباره عاشورا در آن قابل مشاهده است. وی خاطر نشان کرد: در این اثر، عاشورا نه صرفاً حادثه‌ای برای سوگواری، بلکه مدرسه‌ای برای شناخت سنت‌های الهی، آسیب‌شناسی جامعه اسلامی و حفظ بیداری امت معرفی می‌شود.

▀ ارتجاع امت؛ مهم‌ترین عامل وقوع عاشورا

وی همچنین به کتاب «۷۲ سخن عاشورایی» اشاره کرد و گفت: یکی از مهم‌ترین مباحث این کتاب، تحلیل رهبر شهید از «ارتجاع فجیع امت» به عنوان عامل اصلی وقوع عاشورا است. به گفته وی، رهبر شهید با استناد به سخنان حضرت زینب کبری علیها السلام، بر ضرورت بررسی روند دگرگونی جامعه اسلامی در نیم‌قرن پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم تأکید می‌کنند و این مسئله را از مهم‌ترین درس‌های عاشورا برای جوامع اسلامی می‌دانند.

▀ عاشورا؛ ضامن بقای اسلام

سلطانی احمدی در ادامه به دفتر دوازدهم مجموعه «رهنامه» پرداخت و افزود: این دفتر به تبیین نهضت عاشورا برای نسل جوان اختصاص دارد و بر این نکته تأکید می‌کند که اساس دین اسلام با عاشورا پیوند خورده و بقای آن نیز مرهون فداکاری سیدالشهدا علیه السلام است. وی ادامه داد: به تعبیر رهبر شهید، اگر قیام امام حسین علیه السلام نبود، ممکن بود بساط اسلام در همان قرون نخستین برچیده شود.

▀ همه ائمه علیهم السلام «هم‌زمان حسین در میدان حسین» هستند

وی در بخش دیگری از سخنان خود به یکی از آسیب‌های رایج در فهم عاشورا اشاره کرد و گفت: در برخی محافل

رهبریت نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

فصل سوم

این تصور وجود دارد که قیام و مبارزه تنها به امام حسین علیه السلام اختصاص داشته و سایر ائمه علیهم السلام چنین مسیری را دنبال نکرده اند.

سلطانی احمدی افزود: رهبر شهید انقلاب به صراحت با این برداشت مخالفت می کنند و همه ائمه معصومین علیهم السلام را «همزمان حسین در میدان حسین» می دانند.

از نگاه ایشان، امام صادق علیه السلام، امام کاظم علیه السلام، امام جواد علیه السلام و امام رضا علیه السلام نیز همان مسیر مبارزه با ظلم و انحراف را در شرایط متفاوت تاریخی دنبال کرده اند و جهاد در سیره اهل بیت علیهم السلام مفهومی فراگیر و مستمر است که تنها به نبرد نظامی محدود نمی شود.

ضرورت مقابله با تحریفات و نقل های غیرمستند عاشورا

این پژوهشگر تاریخ در پایان با اشاره به کتاب «عزاداری و مداحی مطابق فتوای حضرت آیت الله العظمی شهید خامنه ای» اظهار داشت: یکی از مهم ترین تأکيدات رهبر شهید در حوزه عزاداری، ضرورت استناد به منابع معتبر در نقل وقایع عاشورا است.

وی افزود: ایشان معتقد بودند نقل آگاهانه مطالب غیرمستند و تحریف شده، حتی با هدف تحریک احساسات و گریاندن مخاطبان، جایز نیست؛ زیرا چنین رویکردی در بلندمدت موجب تهی شدن عاشورا از محتوای اصیل خود و سست شدن باور نسل جوان نسبت به حقیقت این نهضت می شود.

عاشورا؛ مکتب دائمی بیداری و مسئولیت پذیری

سلطانی احمدی در جمع بندی سخنان خود تأکید کرد: مطالعه مجموعه آثار عاشورایی رهبر شهید انقلاب نشان می دهد که ایشان عاشورا را نه صرفاً یک واقعه تاریخی و حزن آلود، بلکه یک مکتب، یک جهان بینی و الگویی دائمی برای حیات فردی و اجتماعی مسلمانان می دانستند.

وی خاطرنشان کرد: از همین رو، رهبر شهید انقلاب هم در اقامه شعائر حسینی نقش آفرین بودند و هم در مقابله با تحریفات عاشورا؛ تلاشی که موجب شد نهضت حسینی همچنان به عنوان سرچشمه بیداری، مقاومت و مسئولیت پذیری در جامعه اسلامی باقی بماند.

تاریخ پژوه و استاد مؤسسه امام خمینی رحمته الله: عاشورا در منظومه فکری رهبر شهید، یک الگوی تاریخی تکرارپذیر برای همه اعصار است

در ادامه حجت الاسلام دکتر جواد سلیمانی، تاریخ پژوه و استاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله با تبیین رویکرد رهبر انقلاب به نهضت حسینی، اظهار داشت: آثار مربوط به عاشورا را می توان در سه دسته کلی تقسیم کرد؛ دسته نخست آثاری هستند که صرفاً به نقل تاریخ و مقتل عاشورا پرداخته اند، دسته دوم آثاری اند که با رویکرد تحلیلی،



سلطانی احمدی در

ادامه به دفتر دوازدهم

مجموعه «رهنامه»

پرداخت و افزود: این

دفتر به تبیین نهضت

عاشورا برای نسل

جوان اختصاص دارد

و بر این نکته تأکید

می کند که اساس دین

اسلام با عاشورا پیوند

خورده و بقای آن نیز

مرهون فداکاری

سیدالشهدا است.



همچون آثار شهید مرتضی مطهری، به بررسی اهداف و ابعاد نهضت حسینی پرداخته‌اند و دسته سوم، رویکردی است که تاریخ عاشورا را با مسائل و نیازهای زمان حاضر تطبیق می‌دهد.

وی با بیان اینکه رهبر شهید انقلاب اسلامی در زمره معدود اندیشمندانی قرار دارد که توانسته‌اند این رویکرد سوم را به صورت منسجم ارائه کنند، افزود: در این نگاه، عاشورا صرفاً یک حادثه تاریخی نیست، بلکه الگویی زنده و جاری برای شناخت وظیفه انسان مؤمن در شرایط مختلف تاریخی است. این نوع مواجهه با عاشورا، علاوه بر بهره‌گیری از تاریخ، از قرآن، حدیث، تفسیر، فلسفه تاریخ و تحلیل‌های اجتماعی نیز بهره می‌برد.

❖ پیوند عاشورا با بعثت؛ نخستین ویژگی منظومه فکری رهبر انقلاب

سلیمانی با اشاره به ویژگی‌های منظومه فکری رهبر انقلاب درباره عاشورا گفت: نخستین ویژگی این منظومه، پیوند نظام‌مند میان نهضت حسینی و بعثت نبوی است. رهبر انقلاب با تبیینی تاریخی و حدیثی نشان می‌دهند که بقای اسلام در گرو نهضت عاشورا بوده و میان رسالت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و قیام سیدالشهدا عَلَيْهِ السَّلَام یک ارتباط عمیق و مستمر وجود دارد.

❖ هدف قیام؛ اصلاح امت، نه صرفاً حکومت یا شهادت

وی دومین ویژگی این منظومه را تبیین نوآورانه هدف قیام امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام دانست و تصریح کرد: از نگاه رهبر انقلاب، نه تشکیل حکومت به تنهایی هدف قیام بوده و نه شهادت. ایشان معتقدند بسیاری از تحلیل‌ها میان هدف و نتیجه خلط کرده‌اند. شهادت در معارف اسلامی هدف بالذات نیست، بلکه نتیجه انجام یک تکلیف الهی است. هدف اصلی

رهبریت نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

فصل سوم

قیام، اصلاح امت اسلامی و جلوگیری از انحرافی بود که اصل اسلام را تهدید می کرد.

این استاد تاریخ افزود: رهبر انقلاب با استناد به سخنان امام حسین علیه السلام تأکید می کنند که جامعه اسلامی در عصر یزید به نقطه ای رسیده بود که معروف به منکر و منکر به معروف تبدیل شده بود و اصل اسلام در معرض نابودی قرار داشت. از این رو سیدالشهدا علیه السلام برای اصلاح امت، احیای امر به معروف و نهی از منکر و جلوگیری از انحراف بنیادین در جامعه اسلامی قیام کردند.

تفاوت شرایط عصر امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام

سلیمانی با اشاره به تحلیل رهبر انقلاب از تفاوت شرایط امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام اظهار داشت: به اعتقاد ایشان، در زمان امام حسن علیه السلام، افکار عمومی هنوز به ماهیت واقعی بنی امیه پی نبرده بود و معاویه توانایی استحاله و مصادره هرگونه حرکت اعتراضی را داشت. اما در زمان امام حسین علیه السلام، چهره واقعی بنی امیه آشکار شده و خطر انحراف اسلام برای جامعه روشن تر شده بود؛ از همین رو شرایط انجام آن تکلیف الهی فراهم شد.

عاشورا؛ جریانی مستمر در طول تاریخ

وی سومین ویژگی مهم منظومه فکری رهبر انقلاب را اعتقاد به استمرار تاریخ عاشورا دانست و گفت: رهبر انقلاب معتقدند عاشورا یک حادثه منحصر به سال ۶۱ هجری نیست، بلکه شرایط عاشورایی در طول تاریخ قابل تکرار است و هرگاه اساس اسلام در معرض تهدید قرار گیرد، مسلمانان وظیفه دارند همانند سیدالشهدا علیه السلام به تکلیف خود عمل کنند. این نگاه، در نقطه مقابل دیدگاهی قرار دارد که قیام امام حسین علیه السلام را صرفاً یک وظیفه اختصاصی و غیرقابل تکرار می داند.

سلیمانی ادامه داد: رهبر انقلاب تأکید می کنند که جهاد پس از عاشورا پایان نیافت و سایر ائمه علیهم السلام نیز هر یک متناسب با شرایط زمان خود در مسیر مبارزه و زمینه سازی برای احیای اسلام حرکت کردند. از این منظر، عاشورا یک جریان مستمر تاریخی است، نه یک واقعه منفصل و پایان یافته.

بیداری وجدان عمومی؛ مهم ترین دستاورد عاشورا

وی با بیان اینکه رهبر انقلاب مهم ترین درس عاشورا را بیداری وجدان عمومی می دانند، خاطرنشان کرد: از نگاه ایشان، شهادت بن بست نیست، بلکه می تواند زمینه ساز بیداری جامعه و پیروزی های بزرگ تاریخی باشد. قیام امام حسین علیه السلام وجدان جامعه اسلامی را بیدار کرد و موجب شکل گیری جریان تاریخی تشیع به عنوان یک جریان متمایز فکری، اجتماعی و سیاسی شد.

این استاد مؤسسه امام خمینی رحمته الله علیه افزود: رهبر انقلاب معتقدند هرچند ریشه تشیع



سلیمانی با اشاره به
تحلیل رهبر انقلاب
از تفاوت شرایط
امام حسن علیه السلام و امام
حسین علیه السلام اظهار داشت:
به اعتقاد ایشان، در
زمان امام حسن علیه السلام،
افکار عمومی هنوز به
ماهیت واقعی بنی امیه
پی نبرده بود و معاویه
توانایی استحاله و
مصادره هرگونه حرکت
اعتراضی را داشت.

به عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بازمی گردد، اما عاشورا موجب شد این جریان به صورت یک هویت تاریخی مستقل با نظام اعتقادی، ارزشی و سیاسی مشخص در تاریخ اسلام تثبیت شود.

عاشورا و شکل گیری مرجعیت تاریخی اهل بیت علیهم السلام

سلیمانی در ادامه با اشاره به آثار و نتایج قیام عاشورا در منظومه فکری رهبر معظم انقلاب گفت: ایشان معتقدند اگر امام حسین علیه السلام حتی به پیروزی نظامی و تشکیل حکومت نیز دست می یافت، باز هم به دلیل آسیب هایی که در بدنه جامعه اسلامی پدید آمده بود، تحقق کامل اهداف بعثت به سادگی امکان پذیر نبود. آنچه قیام عاشورا انجام داد، برافروختن غیرت دینی در میان امت و احیای وجدان اسلامی جامعه بود؛ امری که به حفظ اسلام در طول تاریخ انجامید. وی با اشاره به برخی شواهد تاریخی افزود: در منابع تاریخی از جمله کتاب «تاریخ الاسلام» اثر شمس الدین ذهبی آمده است که در سال ۱۰۲ هجری، هنگام سرکوب قیام یزید بن مہلب، مردم اشعاری می خواندند که در آن شهادت امام حسین علیه السلام را به منزله قتل دین تلقی می کردند. این نشان می دهد که در ذهن و ضمیر جامعه اسلامی، سیدالشهدا علیه السلام به عنوان مظهر و نماد دین شناخته شده بود. پس از عاشورا نیز مراجعه مردم به اهل بیت علیهم السلام برای دریافت معارف دینی، احکام فقهی و ارزش های اسلامی به شکل چشمگیری افزایش یافت. اگر در آغاز امامت امام سجاد علیه السلام شمار یاران و راویان آن حضرت بسیار محدود بود، در سال های بعد این روند تغییر کرد و در عصر امام صادق علیه السلام، ایشان به بزرگ ترین مرجع علمی و دینی جهان اسلام تبدیل شدند.

این استاد تاریخ اسلام تصریح کرد: به برکت خون سیدالشهدا علیه السلام، جامعه دریافت که اسلام ناب را باید از اهل بیت علیهم السلام فرا گرفت. شکل گیری مکتب جعفری، گسترش مرجعیت علمی اهل بیت، پیدایش جریان های مطالبه گر حق و حتی استفاده عباسیان از شعارهای مرتبط با اهل بیت برای دستیابی به قدرت، همگی نشانه های بیداری وجدان دینی جامعه پس از عاشورا بود.

جایگاه بی بدیل امام حسین علیه السلام در بقای اسلام

سلیمانی در ادامه با اشاره به جایگاه ویژه امام حسین علیه السلام در معارف اسلامی اظهار داشت: رهبر معظم انقلاب با استناد به روایات، ادعیه و آیات قرآن، تصویری شگفت انگیز از جایگاه سیدالشهدا علیه السلام ارائه می کنند. ایشان یادآور می شوند که حتی پیش از ولادت آن حضرت، نام و یاد ایشان در میان پیامبران الهی مطرح بوده و پس از شهادت نیز اهل آسمان و زمین بر مصیبت ایشان گریسته اند. از نگاه رهبر انقلاب، این همه توجه به این دلیل است که بقای اسلام به نهضت حسین بن علی علیه السلام گره خورده است و در حقیقت، زنده ماندن اسلام با زنده ماندن راه و پیام عاشورا معنا پیدا می کند.

حماسه زینبی؛ مکمل و ضامن ماندگاری عاشورا

وی سپس به نقش حضرت زینب علیه السلام در منظومه فکری رهبر انقلاب پرداخت و گفت: از منظر ایشان، حماسه زینبی مکمل حماسه حسینی است. آنچه سبب شد خون بر شمشیر پیروز شود، نه صرفاً حادثه عاشورا، بلکه استمرار آن در قالب جهاد تبیین حضرت زینب علیه السلام بود. اگر این پیام رسانی عظیم صورت نمی گرفت، حادثه عاشورا در حد یک شکست نظامی ظاهری باقی می ماند؛ اما خطبه های روشنگرانه حضرت زینب در کوفه و شام، این واقعه را به یک پیروزی تاریخی و ماندگار تبدیل کرد.

رهبریت نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

فصل سوم

روایت گری زینب علیها السلام و شکست پروژه تحریف

سلیمانی افزود: رهبر انقلاب معتقدند نخستین نقش حضرت زینب علیها السلام، تثبیت این حقیقت بود که بازنده واقعی میدان، سپاه یزید است نه خاندان امام حسین علیه السلام. خطبه تاریخی آن حضرت در کوفه، مردم را با حقیقت عملکرد خود روبه رو کرد و نشان داد که خیانت، پیمان شکنی و فاصله گرفتن از مسیر حق، شکست واقعی است. همچنین آن حضرت در برابر عبیدالله بن زیاد و یزید بن معاویه، با نهایت عزت و اقتدار سخن گفت و اجازه نداد دشمن روایت خود را از حادثه عاشورا بر افکار عمومی تحمیل کند.

«ما رأیت إلا جمیلاً»؛ تفسیر الهی از عاشورا

وی ادامه داد: دومین نقش بزرگ حضرت زینب علیها السلام، ارائه تفسیری الهی و تاریخی از عاشورا بود. هنگامی که دشمن می کوشید این حادثه را نشانه شکست اهل بیت معرفی کند، آن حضرت با جمله تاریخی «ما رأیت إلا جمیلاً» نشان داد که معیار ارزیابی حوادث، پیروزی و شکست ظاهری نیست، بلکه میزان وفاداری به حق و انجام تکلیف الهی است. از این منظر، شهادت، اسارت و رنج های عاشورا نه نشانه شکست، بلکه بخشی از مسیر حفظ اسلام و هدایت امت بود.

دو کفه یک ترازو؛ عاشورا و حماسه زینبی

این استاد مؤسسه امام خمینی رحمه الله خاطر نشان کرد: رهبر انقلاب معتقدند حماسه زینبی ضامن بقای حق در تاریخ شد. نگاه حضرت زینب علیها السلام به عاشورا، نگاه کسی بود که خود را در جبهه پیروز می دید، زیرا هدف اصلی یعنی حفظ اسلام و رسوا کردن جریان باطل محقق شده بود. از همین رو ایشان تأکید می کنند که باید نقش حضرت زینب علیها السلام را در کنار نهضت عاشورا سنجید و انصافاً این دورا دو کفه یک ترازو دانست.

سلیمانی در جمع بندی سخنان خود گفت: یکی از مهم ترین موفقیت های رهبر معظم انقلاب در تحلیل عاشورا این است که امام حسین علیه السلام را به عنوان یک «کنشگر بزرگ تاریخ» معرفی می کنند، نه شخصیتی که صرفاً در برابر حوادث واکنش نشان داده باشد. در این نگاه، سیدالشهدا علیه السلام امامی پیروز، حماسه آفرین و تاریخ ساز است که توانست دین را از خطر نابودی نجات دهد، وجدان امت اسلامی را بیدار کند و مسیر حق را برای قرن های متمادی در تاریخ زنده نگه دارد.

ابوالحسنی منذر: رهبر شهید انقلاب اسلامی منظومه ای کم نظیر از عاشورا پژوهی را بنیان نهاد

محمدصادق ابوالحسنی منذر، تاریخ پژوه و نویسنده نیز در ادامه این نشست با تأکید بر ضرورت بازخوانی و پژوهش نظام مند درباره اندیشه های عاشورایی رهبر معظم انقلاب،



رهبر انقلاب معتقدند

حماسه زینبی ضامن

بقای حق در تاریخ شد.

نگاه حضرت زینب علیها السلام به

عاشورا، نگاه کسی بود

که خود را در جبهه پیروز

می دید، زیرا هدف اصلی

یعنی حفظ اسلام و

رسوا کردن جریان باطل

محقق شده بود. از

همین روایشان تأکید

می کنند که باید نقش

حضرت زینب علیها السلام را در کنار

نهضت عاشورا سنجید



اظهار کرد: منظومه فکری آیت الله خامنه‌ای درباره عاشورا، منظومه‌ای عمیق، چندلایه و دارای ساحت‌های متنوع است که هنوز آن گونه که شایسته است مورد مطالعه و تبیین قرار نگرفته است. وی در ابتدای سخنان خود ضمن گرامیداشت یاد رهبر شهید انقلاب اسلامی، گفت: این نخستین محرمی است که از حضور ظاهری ایشان محروم هستیم؛ رهبری که روحیه عاشورایی در شخصیت و منش او متجلی بود و مباحث عاشورایی‌اش همواره الهام‌بخش جامعه اسلامی و جریان مقاومت به شمار می‌رفت.

عاشورا؛ موتور محرک نهضت‌های ضد استبدادی و ضد استعماری شیعه

ابوالحسنی منذر با اشاره به نقش تاریخی عاشورا در تحولات سیاسی و اجتماعی جهان تشیع تصریح کرد: هرگاه در تاریخ معاصر رهبری در رأس یک نهضت ضد استبدادی یا ضد استعماری قرار گرفته است، می‌توان رگه‌های روشن نگرش عاشورایی را در نوع رهبری و مدیریت او مشاهده کرد. اوج این مسیر در عصر معاصر، امام خمینی ره و میراث‌دار بزرگ ایشان، حضرت آیت الله خامنه‌ای هستند.

وی با اشاره به جنگ‌های ایران و روسیه تزاری، نهضت تحریم تنباکو، مشروطه و دیگر جنبش‌های اسلامی افزود: عاشورا در همه این نهضت‌ها نقش موتور محرک را ایفا کرده است. از روضه خوانی علما در میدان‌های نبرد گرفته تا شعارهای نهضت مشروطه و قیام ثقة الاسلام تبریزی در روز عاشورا، همگی نشان‌دهنده پیوند عمیق میان نهضت حسینی و مبارزات اجتماعی و سیاسی شیعه است.

این تاریخ‌پژوه تأکید کرد: اگر امام خمینی ره را تکمیل‌کننده و احیاگر این مسیر تاریخی بدانیم، رهبر معظم انقلاب در بیش از سه دهه رهبری خود منظومه‌ای عاشورایی را بنیان نهادند که هم میراث گذشته را تبیین کرد و هم آن را به سطحی نواز تکامل رساند.

عاشورا در نگاه رهبر انقلاب؛ راهبردی برای فرهنگ‌سازی، نظام‌سازی و

تمدن سازی

ابوالحسنی منذر با بیان اینکه نباید نگاه مقام معظم رهبری به عاشورا را صرفاً در حد یک پژوهش تاریخی یا کتابخانه ای فروکاست، اظهار داشت: ایشان صرفاً یک عاشورا پژوه نیستند، بلکه معمار جبهه مقاومت، ولی فقیه امت اسلامی، حکیم، فقیه و تحلیلگر عاشورا هستند. وی افزود: در حالی که برخی پژوهشگران عاشورا بیشتر بر عوامل سیاسی یا اقتصادی تأکید می کنند، نگاه رهبر معظم انقلاب علاوه بر این عوامل، ابعاد فرهنگی، قومی، اجتماعی و تمدنی را نیز در بر می گیرد. از این منظر، عاشورا صرفاً یک حادثه تاریخی نیست، بلکه در فرهنگ سازی، نظام سازی، امت سازی و تمدن سازی نقش آفرین است و به یک راهبرد بزرگ برای تحول تاریخ تبدیل می شود.

این پژوهشگر تاریخ با اشاره به تأثیر این نگاه در شکل گیری جبهه مقاومت گفت: شخصیت هایی چون شهید حاج قاسم سلیمانی و شهید سید حسن نصرالله در همین مکتب تربیت شدند؛ مکتبی که محور آن حسین علیه السلام، زینب علیها السلام و منق عاشر است.

تاریخ نقلی؛ نخستین سطح ورود رهبر انقلاب به عاشورا

ابوالحسنی منذر در ادامه سخنان خود نخستین سطح ورود رهبر معظم انقلاب به عاشورا را «تاریخ نقلی» دانست و گفت: مقام معظم رهبری مقید بودند اصل واقعه کربلا را روایت کنند و از فرازهای جان سوز، حماسی و درس آموز آن بهره بگیرند. وی افزود: تفاوت رهبر انقلاب با یک مورخ صرف در این است که ایشان یک مصلح اجتماعی هستند. مورخ به گذشته می نگرد، اما مصلح اجتماعی از قله های تاریخ برای اصلاح امروز جامعه بهره می گیرد. این نویسنده با اشاره به روضه های تاریخی رهبر انقلاب درباره حضرت قاسم علیه السلام و حضرت علی اکبر علیه السلام تصریح کرد: ویژگی مهم این روضه ها آن است که همواره بر منابع معتبر تاریخی استوار هستند. ایشان هنگام نقل مصیبت، منبع را نیز معرفی می کنند و علاوه بر روایت واقعه، به ترجمه و تحلیل دقیق آن می پردازند. وی همچنین تأکید کرد: یکی از مصادیق این رویکرد، حمایت ایشان از اصل واقعه اربعین و توجه به جایگاه تاریخی آن است. هرچند درباره جزئیات تاریخی اربعین دیدگاه های مختلفی وجود دارد، اما رهبر معظم انقلاب بر اهمیت اصل این حادثه و نقش آن در تداوم نهضت حسینی تأکید دارند.

تاریخ تحلیلی؛ از روایت واقعه تاریشه یابی فاجعه عاشورا

ابوالحسنی منذر دومین سطح ورود رهبر انقلاب به عاشورا را «تاریخ تحلیلی» دانست و گفت: در این سطح، ایشان از نقل واقعه عبور می کنند و به تحلیل علل، انگیزه ها، درس ها و عبرت های عاشورا می پردازند. وی با اشاره به خطبه های نماز جمعه سال ۱۳۷۷ اظهار کرد: یکی از مهم ترین پرسش هایی که رهبر انقلاب مطرح می کنند این است که چگونه تنها پنجاه سال پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، نوه همان پیامبر و حجت خدا به دست همان



ابوالحسنی منذر در

ادامه سخنان خود

نخستین سطح ورود

رهبر معظم انقلاب به

عاشورا را «تاریخ نقلی»

دانست و گفت: مقام

معظم رهبری مقید

بودند اصل واقعه کربلا را

روایت کنند و از فرازهای

جان سوز، حماسی

و درس آموز آن بهره

بگیرند.

امتی که مدعی اسلام بودند به شهادت رسید. این پژوهشگر تاریخ افزود: رهبر معظم انقلاب در پاسخ به این پرسش، روند انحراف جامعه اسلامی را از رحلت پیامبر تا عاشورا بررسی می‌کنند و نشان می‌دهند چگونه پایه‌هایی همچون معرفت، عدالت، عبودیت و مودت اهل بیت علیهم‌السلام به تدریج تضعیف شد و جامعه اسلامی از مسیر اصلی خود فاصله گرفت.

تاریخ تطبیقی؛ روشی برای آشکار شدن عظمت عاشورا

ابوالحسنی منذر سومین گونه از عاشوراپژوهی رهبر انقلاب را «تاریخ تطبیقی» معرفی کرد و گفت: در این روش، عاشورا در کنار دیگر قله‌های تاریخ قرار می‌گیرد تا عظمت آن بهتر آشکار شود. وی با اشاره به بیانات رهبر معظم انقلاب درباره مقایسه حضرت زینب علیها‌السلام و آسیه همسر فرعون گفت: آسیه در اوج شکنجه‌های فرعون از خداوند طلب نجات کرد، اما حضرت زینب علیها‌السلام با وجود تحمل مصائبی بسیار سنگین‌تر، در برابر خداوند عرضه داشت: «اللهم تقبل منا هذا القربان». این نوع مقایسه تاریخی، هم برهان عقلانی ارائه می‌دهد و هم مخاطب را از نظر عاطفی درگیر می‌کند.

مقتل‌شناسی و اعتبارسنجی منابع عاشورا

این تاریخ‌پژوه در ادامه به چهارمین محور عاشوراپژوهی رهبر انقلاب، یعنی «مقتل‌شناسی و اعتبارسنجی منابع تاریخی» اشاره کرد و گفت: مقام معظم رهبری در مواجهه با منابع تاریخی، نگاهی محققانه و رجالی دارند. وی افزود: ایشان در استفاده از منابع تاریخی، هم به اعتبار اسناد توجه دارند و هم در مقام استدلال از روش تجمیع شواهد بهره می‌گیرند. در میان منابع عاشورایی نیز کتاب «لهوف» سید بن طاووس جایگاهی ویژه در آثار و بیانات ایشان دارد. ابوالحسنی منذر تصریح کرد: رهبر معظم انقلاب از سید بن طاووس به عنوان فقیهی بزرگ، عارفی موثق و شخصیتی مورد اعتماد یاد می‌کنند و همین مسئله نشان می‌دهد که حتی در هنگام روضه‌خوانی نیز اعتبار منابع تاریخی را مورد توجه قرار می‌دهند.

نظریه پردازی درباره عاشورا و کلان‌روایت «انسان ۲۵۰ ساله»

وی با اشاره به بُعد نظریه‌پردازانه اندیشه رهبر انقلاب گفت: یکی از مهم‌ترین نوآوری‌های ایشان، ارائه کلان‌روایت «امامت» و نظریه «انسان ۲۵۰ ساله» است؛ نظریه‌ای که همه ائمه علیهم‌السلام را در قالب یک حرکت واحد تاریخی برای احیای اسلام ناب نبوی تحلیل می‌کند. ابوالحسنی منذر افزود: بر اساس این نگاه، عاشورا یک حادثه منفصل و محدود به سال ۶۱ هجری نیست، بلکه حلقه‌ای اساسی در زنجیره مبارزه مستمر اهل بیت علیهم‌السلام به شمار می‌آید. از همین منظر، امام صادق علیه‌السلام نیز در همان جبهه‌ای قرار دارد که امام حسین علیه‌السلام در آن مبارزه می‌کند و به تعبیر رهبر انقلاب، از «همرزمان حسین» محسوب می‌شود. وی همچنین به نظریه تفکیک میان «هدف» و «نتیجه» در فلسفه قیام عاشورا اشاره کرد و گفت: رهبر معظم انقلاب معتقدند بسیاری از اختلاف‌نظرها درباره عاشورا ناشی از خلط این دو مفهوم است. هدف امام حسین علیه‌السلام احیای اسلام و انجام تکلیف الهی بود و نباید آن را صرفاً از طریق نتایج ظاهری نهضت تحلیل کرد.

عاشورا؛ منظومه‌ای جامع از عقلانیت، معنویت و حماسه

این پژوهشگر تاریخ در پایان تأکید کرد: یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های منظومه عاشورایی رهبر انقلاب، جامع‌نگری است.

رهبریت نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

فصل سوم

در این نگاه، عاشورا نه صرفاً یک تراژدی تاریخی، نه فقط یک حادثه عاطفی و نه تنها یک حرکت سیاسی است؛ بلکه مجموعه‌ای از ابعاد معرفتی، عرفانی، حماسی، اجتماعی، تمدنی و معنوی را در خود جای داده است. وی با اشاره به آثاری همچون «جلوه‌های معنوی و عرفانی»، «حماسه امام سجاد (ع)» و «جاودانه حسین» گفت: رهبر معظم انقلاب معتقدند برای فهم درست کربلا باید ابتدا به عرفات بازگشت و دعای عرفه سیدالشهدا (ع) را شناخت. بدون فهم عبودیت، معنویت و عرفان اهل بیت (ع)، درک حقیقت عاشورا ممکن نیست. از همین رو، عاشورا در منظومه فکری ایشان، هم حماسه است، هم عرفان، هم سیاست، هم تمدن‌سازی و هم راهبردی برای ساخت آینده امت اسلامی.

حسینی: عاشورا در منظومه فکری رهبر شهید انقلاب، الگوی برای همه تحولات تاریخ است

دکتر سید محمد حسینی، دانشیار دانشگاه تهران، نیز در نشست علمی «در امتداد مکتب امام خمینی (ره)؛ عاشورا در منظومه فکری رهبر شهید، امام خامنه‌ای» که به همت پژوهشگاه علوم و معارف انقلاب اسلامی برگزار شد، با اشاره به جایگاه قیام عاشورا در اندیشه رهبر معظم انقلاب اظهار کرد: امام راحل و رهبر معظم انقلاب، عاشورا و کربلا را نه به عنوان واقعه‌ای محدود در زمان و مکان، بلکه به عنوان یک حقیقت تمدن‌ساز و تاریخ‌ساز معرفی کرده‌اند. آثار و برکات انقلاب اسلامی نیز ریشه در همین فرهنگ حسینی دارد و حتی تحولات آینده جهان نیز متأثر از این مکتب خواهد بود. وی با استناد به روایتی از امام صادق (ع) درباره سوره مبارکه فجر افزود: امام صادق (ع) سوره فجر را «سوره امام حسین (ع)» معرفی می‌کنند. علت این تعبیر نیز آیات پایانی این سوره است که از «نفس مطمئنه» سخن می‌گوید. امام حسین (ع) عالی‌ترین مصداق نفس مطمئنه هستند؛ شخصیتی که هم از خداوند راضی بود و هم خداوند از او رضایت داشت و این حقیقت در سخت‌ترین لحظات عاشورا نیز جلوه‌گر شد. وی با اشاره به حدیث معروف «إن لقتل الحسین حرارة فی قلوب المؤمنین لا تبرد أبداً» تصریح کرد: نزدیک به ۱۴۰۰ سال از واقعه عاشورا می‌گذرد، اما این شعله همچنان زنده است و روزبه‌روز گسترده‌تر می‌شود. این همان حقیقتی است که امام خمینی (ره) با جمله معروف «ما هر چه داریم از محرم و صفر است» تبیین کردند و رهبر معظم انقلاب نیز در طول دهه‌های گذشته ابعاد مختلف آن را برای جامعه اسلامی روشن ساخته‌اند.

نظریه «انسان ۲۵۰ ساله» و تبیین وحدت مسیر ائمه (ع)

وی با اشاره به نظریه «انسان ۲۵۰ ساله» در اندیشه رهبر معظم انقلاب گفت: بر اساس این نگاه، همه ائمه اطهار (ع) یک مسیر واحد را دنبال می‌کردند و تفاوت رفتار آنان ناشی از شرایط و اقتضائات زمانه بوده است. از همین رو اگر هر امام دیگری نیز در شرایط امام حسین (ع) قرار می‌گرفت، همان اقدام را انجام می‌داد.



در این نگاه، عاشورا نه
صرفاً یک تراژدی تاریخی،
نه فقط یک حادثه
عاطفی و نه تنها یک
حرکت سیاسی است؛
بلکه مجموعه‌ای از
ابعاد معرفتی، عرفانی،
حماسی، اجتماعی،
تمدنی و معنوی را در
خود جای داده است.

عاشورا؛ ریشه نهضت اسلامی و قیام ۱۵ خرداد

دانشیار دانشگاه تهران با بیان اینکه قیام ۱۵ خرداد و نهضت اسلامی مردم ایران ریشه در فرهنگ عاشورا داشت، خاطرنشان کرد: سخنرانی تاریخی امام خمینی (ره) در سال ۱۳۴۲ در روز عاشورا انجام شد و قیام ۱۵ خرداد نیز از همین بستر شکل گرفت. در سال‌های مبارزه، محرم و صفر بهترین فرصت برای روشنگری مردم، تبیین جبهه حق و باطل و افشای ماهیت رژیم پهلوی بود. وی همچنین به یکی از سخنرانی‌های رهبر معظم انقلاب در سال ۱۳۵۳ در رفسنجان اشاره کرد و گفت: ایشان در آن سخنرانی تفاوت مرگ و شهادت را بر اساس کلام امام حسین (علیه السلام) تبیین کردند. تأثیرگذاری این سخنان از آن جهت بود که خود گوینده سال‌ها زندان، شکنجه، تبعید و مبارزه را تجربه کرده بود و از نزدیک با سختی‌های مسیر مبارزه آشنا بود.

درس‌ها و عبرت‌های عاشورا در منظومه فکری رهبر انقلاب

حسینی در ادامه با اشاره به درس‌ها و عبرت‌های عاشورا در منظومه فکری رهبر انقلاب اظهار داشت: یکی از مهم‌ترین محورهای مورد تأکید ایشان، نقش خواص، عوامل انحراف جامعه اسلامی، ویژگی‌های جبهه حق و نشانه‌های جبهه باطل است. این مباحث محدود به یک دوره تاریخی نیست و در همه زمان‌ها قابلیت بهره‌برداری دارد. وی افزود: رهبر معظم انقلاب تأکید دارند که اسلام از جان امام حسین (علیه السلام) نیز ارزشمندتر است. امام حسین (علیه السلام) برای حفظ اسلام، جان خود و عزیزترین یارانش را فدا کرد؛ زیرا در آن مقطع تاریخی، اصل اسلام در معرض نابودی قرار گرفته بود. از همین منظر، عاشورا را می‌توان بزرگ‌ترین و پرمعناترین حادثه تاریخ دانست؛ حادثه‌ای که هیچ رخداد دیگری با آن قابل مقایسه نیست.

اربعین؛ نشانه گسترش جهانی پیام عاشورا

دانشیار دانشگاه تهران با اشاره به گسترش جهانی مراسم اربعین خاطرنشان کرد: رهبر معظم انقلاب معتقدند عاشورا با گذشت زمان نه تنها کم‌رنگ نمی‌شود، بلکه هر سال فراگیرتر و اثرگذارتر خواهد شد. اربعین نمونه روشن این حقیقت است و این روند باید به گونه‌ای ادامه یابد که جهان برای ظهور حضرت حجت (عجل الله تعالی فرجه) آماده شده و امام حسین (علیه السلام) را به عنوان پرچمدار آزادی و عدالت خواهی بشناسد.

وی با تأکید بر اینکه عاشورا الگویی برای همه ملت‌های آزاد جهان است، گفت: رهبر شهید انقلاب معتقدند اگر روح قیام، مقاومت و ایستادگی در جامعه احیا شود، بسیاری از مشکلات برطرف خواهد شد. هدف امام حسین (علیه السلام) نیز این بود که قیام ایشان به الگویی برای همه تاریخ تبدیل شود، نه اینکه صرفاً حادثه‌ای مربوط به گذشته تلقی شود.

شهادت و ماندگاری نهضت عاشورا

حسینی با اشاره به نقش شهادت در ماندگاری نهضت عاشورا اظهار داشت: هرچه شهادت‌ها مظلومانه‌تر و فجیع‌تر باشد، اثرگذاری بیشتری در افکار عمومی خواهد داشت. شهادت حضرت علی اصغر (علیه السلام) نمونه بارز این مسئله است که به عنوان سند مظلومیت عاشورا و رسوایی همیشگی جبهه باطل در تاریخ باقی مانده است.

رهبریت نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

فصل سوم

روایت‌گری؛ مکمل جهاد و مقاومت

وی یکی از مهم‌ترین درس‌های عاشورا را مسئله روایت‌گری دانست و افزود: امام سجاد علیه السلام و حضرت زینب علیها السلام علاوه بر اینکه شاهدان واقعه بودند، راویان بزرگ عاشورا نیز محسوب می‌شدند. اگر روایت آنان نبود، چه بسا حقیقت عاشورا در میان تبلیغات بنی‌امیه گم می‌شد. عاشورا به ما می‌آموزد که خون و پیام باید در کنار یکدیگر قرار گیرند و جهاد تبیین مکمل جهاد و مقاومت است. دانشیار دانشگاه تهران ادامه داد: رهبر معظم انقلاب بارها تأکید کرده‌اند که اگر جبهه حق در روایت حقیقت کوتاهی کند، دشمن می‌تواند واقعیت‌ها را وارونه جلوه دهد. همان‌گونه که حضرت زینب علیها السلام با روایت عاشورا، شکست ظاهری را به پیروزی حقیقی جبهه حق تبدیل کرد، امروز نیز رسانه‌ها و فعالان فرهنگی مسئولیت سنگینی در تبیین حقیقت بر عهده دارند.

گریه آتش افروز امام سجاد علیه السلام و ابعاد تمدنی عاشورا

وی با اشاره به تفسیر رهبر انقلاب از گریه‌های امام سجاد علیه السلام گفت: این گریه‌ها صرفاً بیان اندوه نبود، بلکه «گریه‌ای آتش افروز» و حرکت آفرین بود که می‌خواست جامعه را بيدار کند و روحیه قیام و اصلاح‌گری را زنده نگه دارد. از این رو نباید تنها به جنبه‌های عاطفی عاشورا بسنده کرد، بلکه ابعاد حماسی، تمدنی و حرکت آفرین آن نیز باید مورد توجه قرار گیرد.

خروج امام حسین علیه السلام از مکه؛ یک اقدام هوشمندانه رسانه‌ای

حسینی در بخش دیگری از سخنان خود به تحلیل رهبر معظم انقلاب از خروج امام حسین علیه السلام از مکه در روز هشتم ذی‌الحجه اشاره کرد و گفت: ایشان این اقدام را یک حرکت دقیق و حساب شده رسانه‌ای می‌دانند؛ زیرا در زمانی که مسلمانان از سراسر جهان در مکه حضور داشتند، خبر این تصمیم به سرعت در سراسر جهان اسلام منتشر شد و امکان تحریف یا پنهان‌سازی آن از بین رفت.

فرهنگ عاشورا؛ پشتوانه انقلاب اسلامی و زمینه‌ساز ظهور

وی در پایان با اشاره به تأثیر فرهنگ عاشورا بر انقلاب اسلامی، دفاع مقدس و شهدای انقلاب تصریح کرد: فرهنگ ایثار، شهادت و آزادگی که در میان ملت ایران نهادینه شده، ریشه در مکتب امام حسین علیه السلام دارد. همین فرهنگ بود که رزمندگان را در شب‌های عملیات به یاد یاران سیدالشهدا علیه السلام می‌انداخت و امروز نیز الهام‌بخش مسئولان و شخصیت‌های انقلابی است. به برکت مکتب امام خمینی رهبر و رهبر شهید انقلاب، این فرهنگ همچنان زنده است و می‌تواند زمینه‌ساز استمرار انقلاب اسلامی و مقدمه‌ساز ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه باشد.



حسینی در بخش

دیگری از سخنان خود

به تحلیل رهبر معظم

انقلاب از خروج امام

حسین ۶ از مکه در

روز هشتم ذی‌الحجه

اشاره کرد و گفت: ایشان

این اقدام را یک حرکت

دقیق و حساب شده

رسانه‌ای می‌دانند؛ زیرا

در زمانی که مسلمانان

از سراسر جهان در مکه

حضور داشتند، خبر

این تصمیم به سرعت

در سراسر جهان اسلام

منتشر شد و امکان

تحریف یا پنهان‌سازی آن

از بین رفت.



در نشست علمی پژوهشگاه علوم و معارف انقلاب اسلامی بررسی شد

عاشورا در منظومه فکری امام رحمة الله؛ از احیای اسلام تا الگوی مبارزه و مقاومت

نشست علمی «عاشورا در منظومه فکری امام خمینی (قدس سره)؛ در امتداد مکتب حسینی» به همت پژوهشگاه علوم و معارف انقلاب اسلامی برگزار شد. در این نشست، سید مرتضی نبوی، پیشکسوت انقلاب اسلامی و عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام، یحیی فوزی استاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، جواد کامور بخشایش، تاریخ‌پژوه و نویسنده و مجتبی سلطانی احمدی، تاریخ‌پژوه و دانشیار دانشگاه پیام نور با بررسی جایگاه عاشورا در تفکر امام خمینی رحمة الله، نقش این قیام در احیای اسلام، شکل‌گیری انقلاب اسلامی و تداوم گفتمان مقاومت را مورد واکاوی قرار دادند که در ادامه آن را می‌خوانید.



از سال ۱۳۴۲ تاکنون،

در فرهنگ عمومی و

حافظه جمعی جامعه

ایران نوعی پیوند

معنایی میان نهضت

امام خمینی و قیام

عاشورا شکل گرفته و

به تدریج تثبیت شده

است. این پیوند صرفاً

در سطح تحلیل‌های

نخبگانی باقی نمانده،

بلکه بیش از همه در

عرصه فرهنگ آیینی و

مردمی بازنمایی شده

است

سلطانی احمدی: نهضت سیاسی-دینی امام خمینی در افق معنایی عاشورا فهم شده است

سلطانی احمدی اظهار کرد: از سال ۱۳۴۲ تاکنون، در فرهنگ عمومی و حافظه جمعی جامعه ایران نوعی پیوند معنایی میان نهضت امام خمینی و قیام عاشورا شکل گرفته و به تدریج تثبیت شده است. این پیوند صرفاً در سطح تحلیل‌های نخبگانی باقی نمانده، بلکه بیش از همه در عرصه فرهنگ آیینی و مردمی بازنمایی شده است؛ جایی که نوحه‌ها، شعارهای مذهبی، پرده‌نوشته‌ها، شمایل‌ها و دیگر نمادهای عاشورایی، شخصیت و مبارزه امام خمینی را در افق معنایی قیام امام حسین (علیه السلام) تفسیر کرده‌اند.

در این چارچوب، بسیاری از کنش‌های انقلابی و دینی مردم با زبان عاشورا معنا یافته و از همین رهگذر، نهضت امام خمینی در ذهنیت عمومی جامعه به مثابه استمرار الگوی تاریخی ظلم‌ستیزی، شهادت‌طلبی، رهبری دینی و مقاومت حسینی فهم شده است. استمرار این بازنمایی از دهه ۱۳۴۰ تاکنون نشان می‌دهد که عاشورا در فرهنگ شیعی ایران صرفاً یک واقعه تاریخی نیست، بلکه الگویی زنده و فعال برای فهم تحولات اجتماعی و دینی در حافظه تاریخی جامعه به شمار می‌آید.

در واقع، پیوند میان قیام امام خمینی و قیام امام حسین (علیه السلام) را می‌توان نوعی تداوم نمادین در فرهنگ شیعی ایران دانست؛ تداومی که در آن نهضت سیاسی-دینی امام خمینی در افق معنایی عاشورا فهم و بازنمایی شده و از سال ۱۳۴۲ تا امروز در حافظه آیینی، عاطفی و هویتی جامعه ایرانی استمرار یافته است.

تداوم نمادین پیوند قیام امام خمینی و عاشورا در نوحه‌ها از سال ۴۲ تا ۱۴۰۵

وی افزود: این پیوند در حافظه تاریخی مردم ایران را می‌توان در نوحه‌ها و شعارهای دسته‌های عزاداری در ایام محرم نیز مشاهده کرد. برای نمونه، در سال ۱۳۴۲ دسته‌های عزاداری چنین می‌خواندند:

«قم گشته کربلا، هر روز عاشورا

فیضیه قتلگاه، خون جگر علما

واویلا واویلا

خمینی خمینی، خدا نگهدار تو

بمیرد بمیرد دشمن جبار تو».

به گفته او، حتی در نوحه‌های محرم سال ۱۴۰۵ نیز این پیوند همچنان دیده می‌شود. در یکی از این نوحه‌ها آمده است:

«از گوشه‌ی جماران تا خطه‌ی خراسان

باید فقط بگیریم چون ابر در بهاران

کز سنگ ناله خیزد روز وداع یاران
دل‌تنگ قائد خود، دل‌تنگ مقتدا پییم».

سلطانی احمدی ادامه داد: این استمرار آیینی را حتی در فضا‌های فرهنگی نیز می‌توان مشاهده کرد. برای مثال، در مجتمع‌های فرهنگی. مذهبی مانند مجتمع تجاری مهستان، که از مراکز عرضه کالاهای فرهنگی و مذهبی در تهران به شمار می‌آید، بخشی از تولیدات فرهنگی با بهره‌گیری از نمادهای عاشورایی میان امام حسین علیه السلام، شخصیت امام خمینی و انقلاب اسلامی پیوند معنایی برقرار کرده‌اند.

جوهره شخصیتی امام خمینی با بطن زیارت عاشورا پیوندی عمیق داشت.

وی در ادامه به یکی دیگر از ابعاد عاشورا در منظومه فکری امام خمینی اشاره کرد و گفت: تقید عملی ایشان به شعائر و مناسک حسینی در ماه محرم از نکات مهم در این زمینه است. بر اساس خاطرات همراهان امام، ایشان در دهه نخست محرم هر روز زیارت عاشورای معروفه را با صد مرتبه سلام و صد مرتبه لعن قرائت می‌کردند. بنا بر روایت مرحوم آیت‌الله سید عباس خاتم یزدی، امام خمینی معمولاً تا هفتم محرم در نجف بودند و پس از آن به کربلا مشرف می‌شدند و تا سیزدهم محرم در آنجا اقامت داشتند. در همان روزهایی که در نجف حضور داشتند، روزانه دو بار به حرم امیرالمؤمنین علیه السلام مشرف می‌شدند؛ روزها برای قرائت زیارت عاشورا و شب‌ها که از برنامه‌های همیشگی ایشان بود برای خواندن زیارت امین‌الله و زیارت جامعه کبیره.

امام در کربلا نیز با وجود ازدحام جمعیت و شرایط جسمانی، در ایام محرم روزانه دو بار به زیارت حرم سیدالشهدا علیه السلام می‌رفتند. این رفتار، سیره مستمر امام خمینی در طول سیزده سال اقامت ایشان در عراق بود. حتی در نوفل‌لوشاتو نیز، با وجود شتاب روزافزون حوادث انقلاب در ایران، ایشان به قرائت زیارت عاشورا در دهه محرم مقید بودند. در واقع، می‌توان گفت جوهره شخصیتی امام خمینی با بطن زیارت عاشورا پیوندی عمیق داشت.

عاشورا در نگاه امام خمینی الگویی الهام‌بخش برای همه آزادگان جهان است

در منظومه فکری امام خمینی، پیام عاشورا ماهیتی جهانی دارد. در اندیشه ایشان، عاشورا صرفاً یک واقعه شیعی نیست، بلکه الگویی عام برای همه مظلومان و آزادگان جهان به شمار می‌رود. از این منظر، عاشورا الگویی الهام‌بخش برای مبارزه با ظلم و بی‌عدالتی در طول تاریخ است.

نگرش امام به نهضت حسینی بر پایه تفسیری سیاسی و حماسی از واقعه عاشورا شکل گرفته بود؛ تفسیری که توانست در میان توده‌های مردم ایران و حتی در سطح منطقه نیز جریان پیدا کند.

امام خمینی در پیام تاریخی خود در محرم سال ۱۳۵۷، ضمن رد مشروعیّت نظام شاهنشاهی و تأکید بر ضرورت سقوط این حکومت وابسته، از عاشورا به عنوان الگوی مبارزه یاد کردند. ایشان در ابتدای این پیام با عبارت مشهور «با حلول ماه محرم، ماه حماسه و شجاعت و فداکاری آغاز شد؛ ماهی که خون بر شمشیر پیروز شد»، قیام امام حسین علیه السلام را الگویی عینی برای حرکت توده‌ها در هم شکستن هیمنه رژیم پهلوی معرفی کردند.

سید مرتضی نبوی: نهضت امام خمینی علیه السلام امتداد تاریخی عاشورا و تجلی دوباره امر به معروف در عصر معاصر است

رحمت نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

فصل سوم



سید مرتضی نبوی،

پیشکسوت انقلاب

اسلامی و عضو مجمع

تشخیص مصلحت نظام

نیز با اشاره به جایگاه

بی بدیل عاشورا در

تداوم مسیر هدایت

الهی، اظهار داشت:

اگر انسان بخواهد

شکر نعمت‌های بزرگی

همچون اسلام، قرآن،

عاشورا و مکتب انتظار

را به جا آورد، هرگز قادر

نخواهد بود حق این

نعمت‌ها را ادا کند.

سید مرتضی نبوی، پیشکسوت انقلاب اسلامی و عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز با اشاره به جایگاه بی بدیل عاشورا در تداوم مسیر هدایت الهی، اظهار داشت: اگر انسان بخواهد شکر نعمت‌های بزرگی همچون اسلام، قرآن، عاشورا و مکتب انتظار را به جا آورد، هرگز قادر نخواهد بود حق این نعمت‌ها را ادا کند.

عاشورا؛ تضمین بقای اسلام ناب در طول تاریخ

وی افزود: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام بر اساس یک نقشه و راهبرد الهی، مسیر هدایت بشر را به گونه‌ای طراحی کرده‌اند که مکتب حق، عدالت، حقیقت و آزادی خواهی در طول تاریخ باقی بماند و خاموش نشود.

نبوی با اشاره به حدیث شریف «حسین منی و انا من حسین»، تصریح کرد: امروز به خوبی می‌توان دریافت که اگر نهضت عاشورا و قیام امام حسین علیه السلام رخ نداده بود، اسلام در همان دهه‌های نخست دچار تحریف می‌شد. به ویژه زمانی که حکومت به دست بنی‌امیه، معاویه و سپس یزید افتاد و یزید به صراحت اصل وحی و رسالت را انکار می‌کرد و گمان داشت که می‌تواند بساط دین را برچیند.

وی ادامه داد: در چنین شرایطی امام حسین علیه السلام بر اساس مأموریت الهی خود قیام کردند و با فداکاری عظیم عاشورا اجازه ندادند اسلام ناب از بین برود. ایشان آگاهانه به استقبال شهادت رفتند تا مکتب مبتنی بر وحی و قرآن برای همه اعصار باقی بماند و به دست حقیقت‌طلبان و آزادگان جهان برسد.



■ امام خمینی رحمته الله علیه؛ بزرگ‌ترین احیاگر مکتب عاشورا در عصر معاصر

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام با بیان اینکه در طول تاریخ شخصیت‌های بزرگی با الهام از نهضت عاشورا به انجام رسالت خود پرداخته‌اند، خاطرنشان کرد: برجسته‌ترین نمونه این جریان در دوران معاصر، حضرت امام خمینی رحمته الله علیه است که نهضت خود را در امتداد مکتب حسینی و قیام عاشورا پایه‌گذاری کردند. وی در ادامه با اشاره به ریشه‌های عاشورایی انقلاب اسلامی گفت: وقتی تاریخ انقلاب اسلامی را مرور می‌کنیم، مشاهده می‌شود که آغاز این حرکت بزرگ با نهضت ۱۵ خرداد گره خورده است و خود نهضت ۱۵ خرداد نیز ارتباطی مستقیم با فرهنگ عاشورا دارد.

■ حمله به فیضیه؛ آغاز رویارویی آشکار نهضت اسلامی با رژیم پهلوی

نبوی افزود: در دوم فروردین سال ۱۳۴۲، مصادف با سالروز شهادت امام صادق علیه السلام، رژیم پهلوی به مدرسه فیضیه حمله کرد و جمعی از طلاب را به شهادت رساند. این حادثه در حقیقت حمله به تداوم مکتب اهل بیت علیهم السلام بود. حضرت امام خمینی رحمته الله علیه نیز پس از رحلت آیت‌الله العظمی بروجردی، رهبری جریان مبارزه را برعهده گرفتند و به تدریج پرچم مقابله با رژیم را برافراشتند.

این فعال با سابقه انقلاب اسلامی با بیان اینکه رژیم پهلوی پس از رحلت آیت‌الله بروجردی فرصت را برای اجرای برنامه‌های ضد دینی مناسب می‌دید، اظهار داشت: رژیم پهلوی مأموریت داشت برنامه‌هایی را در جهت تضعیف دین و ارزش‌های اسلامی دنبال کند و به همین دلیل پس از رحلت مرجعیت بزرگ شیعه، حملات خود را شدت بخشید.

رهت نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

فصل سوم

سخنرانی عصر عاشورای ۴۲؛ نقطه آغاز نهضت ۱۵ خرداد

وی ادامه داد: هرچند حادثه فیضیه در دوم فروردین رخ داد، اما حضرت امام برای آغاز مرحله جدید مبارزه تا عاشورای سال ۱۳۴۲ صبر کردند. ایشان در عصر عاشورا، سیزدهم خرداد ۱۳۴۲، در مدرسه فیضیه سخنرانی تاریخی خود را ایراد کردند؛ سخنرانی‌ای که عملاً آغازگر مرحله جدید نهضت اسلامی شد.

نبوی تصریح کرد: پس از آن سخنرانی، حضرت امام دستگیر شدند و در پی این اقدام رژیم، قیام تاریخی ۱۵ خرداد شکل گرفت. در این حرکت عظیم، هیئت‌های مذهبی و نیروهای مؤمن و انقلابی، به ویژه هیئت‌های مؤتلفه اسلامی، نقش بسیار مهمی ایفا کردند. وی افزود: براساس شواهد تاریخی، در ساعات اولیه قیام ۱۵ خرداد رژیم پهلوی کاملاً دچار استیصال شده بود و تا حوالی ظهر، فضای عمومی تهران در اختیار مردم انقلابی قرار داشت، اما با ورود گسترده نیروهای نظامی، رژیم توانست موقتاً شرایط را به سود خود تغییر دهد.

نبوی خاطرنشان کرد: البته نهضت متوقف نشد و در قالب جلسات، هیئت‌ها، محافل مذهبی و فعالیت‌های زیرزمینی ادامه یافت تا سرانجام به پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ منتهی شد.

پیوند غدیر، عاشورا و انقلاب اسلامی

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام با تأکید بر نسبت عمیق میان غدیر، عاشورا و انقلاب اسلامی گفت: عاشورا در حقیقت تبلور عملی مسئله امامت است. در غدیر، مسیر هدایت امت مشخص شد و با معرفی امیرالمؤمنین (علیه السلام)، دین به کمال رسید. پس از آن نیز هرگاه اسلام ناب در معرض تهدید قرار گرفته، جریان امامت و ولایت برای حفظ دین وارد میدان شده است.

وی افزود: هنگامی که یزید در صدد برچیدن اساس اسلام برآمد، امام حسین (علیه السلام) قیام کردند و در عصر معاصر نیز زمانی که حضرت امام خمینی (ره) احساس کردند رژیم پهلوی در مسیر مقابله با دین حرکت می‌کند، همان منطق عاشورایی را مبنای اقدام خود قرار دادند.

امر به معروف و نهی از منکر؛ منطق مشترک عاشورا و انقلاب اسلامی

نبوی ادامه داد: امام خمینی (ره) در آن مقطع تاریخی همه علما، مراجع و نیروهای مؤمن را به انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر فراخواندند و معتقد بودند که در چنین شرایطی سکوت جایز نیست و همگان وظیفه دارند برای دفاع از اسلام و ارزش‌های دینی به میدان بیایند.

وی با بیان اینکه حرکت امام خمینی (ره) ادامه همان رسالت تاریخی انبیا و اولیای الهی در



هنگامی که یزید در صدد

برچیدن اساس اسلام

برآمد، امام حسین (ع)

قیام کردند و در عصر

معاصر نیز زمانی که

حضرت امام خمینی (ره)

احساس کردند رژیم

پهلوی در مسیر مقابله

با دین حرکت می‌کند،

همان منطق عاشورایی

را مبنای اقدام خود قرار

دادند.

مقابله با طاغوت بود، اظهار داشت: همه پیامبران الهی مأمور بودند در برابر طاغوت بایستند و جامعه را به سوی توحید هدایت کنند و نهضت امام خمینی علیه السلام نیز در همین چارچوب قابل تحلیل است.

سه طاغوت در منظومه مبارزاتی امام خمینی علیه السلام

پیشکشوت انقلاب اسلامی در پایان با اشاره به نگاه راهبردی بنیانگذار جمهوری اسلامی در مبارزه با نظام سلطه گفت: حضرت امام سه کانون اصلی طاغوت را معرفی می‌کردند؛ نخست رژیم شاهنشاهی به عنوان طاغوت داخلی، دوم رژیم صهیونیستی به عنوان عامل اصلی بسیاری از بحران‌های منطقه و سوم آمریکا به عنوان رأس نظام سلطه جهانی. وی خاطرنشان کرد: نکته قابل توجه این است که امام خمینی علیه السلام در فضای دوقطبی جهان نیز آمریکا را منشأ اصلی بسیاری از ظلم‌ها و نابسامانی‌های بین‌المللی می‌دانستند و بر همین اساس، مبارزه با این سه کانون را در چارچوب نهضتی تعریف کردند که ریشه در فرهنگ عاشورا، مکتب امامت و رسالت تاریخی انبیا و اولیای الهی داشت.

فوزی: عاشورا در اندیشه امام خمینی علیه السلام یک الگوی عام برای کنش سیاسی و اجتماعی است

یحیی فوزی، استاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، نیز با تبیین دو رویکرد اصلی در تحلیل نهضت حسینی، تأکید کرد که امام خمینی علیه السلام عاشورا را صرفاً یک واقعه تاریخی و منحصر به فرد نمی‌دانست، بلکه آن را الگویی فرازمانی و فرامکانی برای مبارزه با ظلم، انحراف و استبداد تلقی می‌کرد.

فوزی در ابتدای سخنان خود با اشاره به جایگاه ممتاز واقعه عاشورا در تاریخ اسلام اظهار داشت: عاشورا اگرچه یک واقعه تاریخی است، اما ویژگی‌هایی دارد که آن را از بسیاری از رخداد‌های مشابه در طول تاریخ متمایز می‌کند. حضور امام معصوم علیه السلام، انسجام و روحیه شهادت‌طلبی یاران سیدالشهدا علیه السلام، مظلومیت شهدای کربلا و تجلی ارزش‌های والای انسانی همچون فداکاری، دفاع از حق، جوانمردی و مبارزه با ظلم، از جمله عواملی است که به این حادثه تاریخی جایگاهی بی‌بدیل بخشیده است.

وی افزود: علاوه بر این، شدت قساوت و جنایتی که در کربلا رخ داد و همچنین ابعاد عاطفی و انسانی این واقعه، موجب شده است که عاشورا همواره در طول تاریخ مورد توجه مسلمانان و آزادگان جهان قرار گیرد و تأثیرگذاری خود را حفظ کند.

دورویکرد در فهم نهضت عاشورا

این استاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با بیان اینکه در تحلیل نهضت عاشورا دو دیدگاه عمده وجود دارد، گفت: یک دیدگاه معتقد است که عاشورا تکلیف ویژه امام حسین علیه السلام بوده و اساساً قابلیت تعمیم به دیگران را ندارد. بر اساس این نگاه، شهادت امام حسین علیه السلام امری مقدور و از اسرار الهی بوده و نمی‌توان آن را به عنوان یک الگوی عملی برای سایر افراد در نظر گرفت.

وی ادامه داد: در این چارچوب، برخی از اندیشمندان معتقدند که هر یک از ائمه علیه السلام مأموریت خاص خود را داشته‌اند و نهضت عاشورا نیز در زمره همان مأموریت‌های ویژه قرار می‌گیرد. بر این اساس، عاشورا بیشتر یک واقعه مقدس برای تکریم و تعظیم است تا الگویی برای کنش سیاسی و اجتماعی.

فوزی در مقابل، به رویکرد دوم اشاره کرد و گفت: دیدگاهی که در اندیشه امام خمینی علیه السلام، شهید مطهری و رهبر معظم

رهت نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

فصل سوم



انقلاب اسلامی مطرح است، عاشورا را یک الگوی عام و قابل تعمیم برای مبارزه می‌داند. در این نگاه، امام حسین علیه السلام بر اساس تحلیل شرایط جامعه و واقعیت‌های زمانه خود اقدام کرد و راهبردهایی را در پیش گرفت که می‌تواند برای همه دوران‌ها الهام‌بخش باشد.

عاشورا؛ الگویی فرازمانی در اندیشه امام خمینی رحمته الله علیه

فوزی با بیان اینکه امام خمینی رحمته الله علیه عاشورا را محدود به یک مقطع تاریخی نمی‌دانست، اظهار داشت: برداشت امام راحل از جمله «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا» این بود که همه زمان‌ها می‌توانند صحنه تقابل حق و باطل باشند و همه سرزمین‌ها ظرفیت تبدیل شدن به کربلا را دارند.

وی افزود: بر همین اساس، امام خمینی رحمته الله علیه نهضت حسینی را الگویی برای مبارزه با ظلم، استبداد و انحراف می‌دانست و معتقد بود مسلمانان در هر عصر و زمانی می‌توانند از این تجربه تاریخی برای اصلاح جامعه بهره بگیرند.

تحلیل امام حسین علیه السلام از انحراف جامعه اسلامی

این استاد دانشگاه با اشاره به زمینه‌های شکل‌گیری قیام عاشورا گفت: امام حسین علیه السلام بر اساس تحلیل خود به این نتیجه رسیده بود که جامعه اسلامی از مسیر اصلی خود منحرف شده است. این انحراف هم در ساختار سیاسی حکومت و هم در محتوای آن قابل مشاهده بود.

وی افزود: از منظر امام حسین علیه السلام، پس از کنار گذاشته شدن الگوی مشروعیت الهی حکومت، مدل‌های دیگری همچون انتخاب‌های قبیله‌ای، شوراها، محدود، استخلاف و



فوزی با بیان اینکه امام

خمینی‌ریا عاشورا را

محدود به یک مقطع

تاریخی نمی‌دانست،

اظهار داشت: برداشت

امام راحل از جمله «کل

یوم عاشورا و کل ارض

کربلا» این بود که همه

زمان‌ها می‌توانند صحنه

تقابل حق و باطل

باشند و همه سرزمین‌ها

ظرفیت تبدیل شدن به

کربلا را دارند.

در نهایت استیلا و وراثت جایگزین شدند. همچنین اصل بیعت آزادانه مردم نیز به تدریج تضعیف شد و جای خود را به اجبار و تحمیل داد.

فوزی ادامه داد: در کنار این تغییرات ساختاری، ارزش‌های محوری حکومت اسلامی نیز دستخوش تحول شده بود؛ عدالت تضعیف شده، تبعیض گسترش یافته، استبداد جایگزین آزادی شده و بسیاری از ارزش‌های دینی به حاشیه رانده شده بودند. امام حسین علیه السلام این وضعیت را انحراف از میراث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌دانست و به همین دلیل احساس تکلیف کرد که برای اصلاح آن اقدام کند.

راهِبرد نخست؛ اعتراض و مقاومت اجتماعی

وی با اشاره به راهبردهای امام حسین علیه السلام در مواجهه با این شرایط اظهار داشت: نخستین راهبرد امام، اعتراض به وضع موجود و ایجاد نوعی مقاومت اجتماعی در برابر انحرافات حاکم بود.

فوزی گفت: در دوران معاویه، امام حسین علیه السلام بارها به نقد عملکرد حکومت پرداخت، اما به دلیل پایبندی به تعهدات ناشی از صلح امام حسن علیه السلام، وارد قیام مسلحانه نشد. حتی در پاسخ به برخی درخواست‌ها برای آغاز قیام نیز با احتیاط برخورد کرد.

وی افزود: پس از روی کار آمدن یزید، شرایط تغییر کرد و امام حسین علیه السلام مرحله جدیدی از مبارزه را آغاز کرد. خروج از مدینه و عزیمت به مکه در همین چارچوب قابل تحلیل است.

تلاش برای آگاهی بخشی و همراه سازی نخبگان

فوزی با بیان اینکه یکی از مهم‌ترین اقدامات امام حسین علیه السلام در مکه آگاهی بخشی اجتماعی بود، اظهار داشت: امام در موسم حج و در اجتماعات مختلف با صحابه، تابعین و نخبگان جامعه دیدار و گفت‌وگو می‌کرد و آنان را نسبت به وضعیت جامعه اسلامی آگاه می‌ساخت.

وی افزود: امام تلاش داشت نخبگان جامعه را از حالت انفعال خارج کرده و آنان را نسبت به مسئولیت تاریخی خود متوجه سازد. این اقدامات در نهایت زمینه ساز شکل‌گیری موج حمایت از امام در کوفه شد.

راهِبرد تشکیل حکومت اسلامی

این استاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با تأکید بر اینکه یکی از اهداف مهم امام حسین علیه السلام تشکیل حکومت اسلامی بود، گفت: برخلاف برخی برداشته‌ها، امام حسین علیه السلام صرفاً برای شهادت حرکت نکرده بود. ایشان در چارچوب وظیفه دینی خود به دنبال تشکیل حکومت حق و بازگرداندن خلافت به مسیر اصلی آن بود. وی افزود: نامه‌های مردم کوفه و گزارش‌های مسلم بن عقیل نیز نشان می‌داد که زمینه اجتماعی لازم برای چنین اقدامی وجود دارد. از این رو امام با امید به حمایت مردم به سمت کوفه حرکت کرد.

تغییر شرایط و آغاز مرحله جدید مبارزه

فوزی ادامه داد: با مواجهه امام با سپاه حرو و سپس استقرار در کربلا، شرایط به تدریج تغییر کرد. امام همچنان از ابزار گفت‌وگو، افغان و آگاهی بخشی استفاده می‌کرد و تلاش داشت نیروهای مقابل را متوجه حقیقت ماجرا کند. وی افزود: سخنرانی‌های متعدد امام در مسیر حرکت و در کربلا، یادآوری جایگاه اهل بیت علیهم السلام، استناد به آموزه‌های



اگر مجموعه رفتارهای

امام حسین را

بررسی کنیم، می توان

راهبردهایی همچون

اعتراض به وضع موجود،

آگاهی بخشی،

همراه سازی نخبگان،

تلاش برای تشکیل

حکومت، گفت وگو،

جذب نیرو، مقاومت و

شهادت آگاهانه را از آن

استخراج کرد.

دینی و تلاش برای ایجاد شکاف در سپاه دشمن، همگی در همین چارچوب قابل ارزیابی است.

شهادت؛ راهبرد نهایی در برابر ذلت

فوزی با بیان اینکه در نهایت امام حسین علیه السلام میان تسلیم و مقاومت مخیر شد، گفت: امام با توجه به تجربه کوفه و سرنوشت مسلم بن عقیل به خوبی می دانست که تسلیم شدن نیز امنیتی برای او ایجاد نخواهد کرد.

وی افزود: از این رو، راهبرد نهایی امام مقاومت و شهادت آگاهانه بود. این تصمیم نه از سر احساسات، بلکه مبتنی بر یک محاسبه عقلانی، شرعی و تاریخی اتخاذ شد.

این استاد دانشگاه تصریح کرد: امام حسین علیه السلام با انتخاب شهادت، زمینه رسوایی حکومت اموی و پیروزی تاریخی جبهه حق را فراهم کرد و پس از آن نیز حضرت زینب علیها السلام و اهل بیت علیهم السلام با تبیین پیام عاشورا، این نهضت را به یک جریان ماندگار در تاریخ تبدیل کردند.

عاشورا؛ مدرسه ای برای همه دوران ها

فوزی در پایان خاطرنشان کرد: اگر مجموعه رفتارهای امام حسین علیه السلام را بررسی کنیم، می توان راهبردهایی همچون اعتراض به وضع موجود، آگاهی بخشی، همراه سازی نخبگان، تلاش برای تشکیل حکومت، گفت وگو، جذب نیرو، مقاومت و شهادت آگاهانه را از آن استخراج کرد.

وی تأکید کرد: از نگاه امام خمینی رهبر، این راهبردها محدود به یک دوره تاریخی نیستند، بلکه به دلیل عقلانی و شرعی بودن، قابلیت الگوبرداری در همه زمان ها و مکان ها را دارند و می توانند مبنایی برای کنش سیاسی و اجتماعی مسلمانان در مواجهه با ظلم و انحراف باشند.

جواد کامور بخشایش: انقلاب اسلامی امتداد نمادین نهضت عاشورا است

جواد کامور بخشایش، تاریخ پژوه و نویسنده، نیز در این نشست اظهار داشت: منظومه فکری امام خمینی رهبر در حوزه عاشورا بسیار گسترده است و در قالب یکی دو جلسه قابل بررسی نیست و نیازمند پژوهش های عمیق دانشگاهی است.

وی با بیان اینکه عاشورا صرفاً یک حادثه تاریخی نیست، افزود: عاشورا یک مکتب الهام بخش و انسان ساز است که هدف اصلی آن ساخت انسان و هدایت او به سمت خودشناسی و انتخاب مسیر حق است.

ابعاد گسترده فلسفه عاشورا و ضرورت نگاه نمادشناسانه



این تاریخ پژوه تصریح کرد: درباره فلسفه و ابعاد عاشورا صدها اثر علمی و پژوهشی نوشته شده و می توان از منظرهای فقهی، سیاسی، اجتماعی و عاطفی به آن پرداخت، اما در این میان، رویکرد نمادشناسی اهمیت ویژه ای دارد. وی ادامه داد: برای فهم نسبت عاشورا و اندیشه امام خمینی علیه السلام باید از کلیات عبور کرد و به لایه های نمادین این منظومه فکری توجه کرد.

■ انقلاب اسلامی؛ امتداد تاریخی عاشورا

کامور بخشایش با اشاره به نسبت عاشورا و انقلاب اسلامی گفت: نهضت امام خمینی علیه السلام را می توان امتداد تاریخی و نمادین عاشورا دانست؛ به گونه ای که عاشورا در یک نیم روز رخ داد اما انقلاب اسلامی در یک بازه پانزده ساله به پیروزی رسید، در حالی که هر دو در مسیر احیای اسلام و انسان سازی حرکت کرده اند. وی با بیان اینکه نوع پیروزی در عاشورا و انقلاب اسلامی متفاوت است، افزود: عاشورا اسلام را در طول تاریخ زنده نگه داشت و انقلاب اسلامی در عصر جدید این حقیقت را در قالبی نوین استمرار بخشید.

■ نقش روایت در تداوم عاشورا و انقلاب اسلامی

این نویسنده و تاریخ پژوه با تأکید بر اهمیت «روایت» اظهار داشت: یکی از مهم ترین عوامل ماندگاری عاشورا، روایت حضرت زینب علیها السلام و امام سجاد علیه السلام بود و اگر این روایت گری نبود، واقعه عاشورا با این شدت در تاریخ باقی نمی ماند. وی افزود: انقلاب اسلامی نیز از همین منطق روایت تأثیر گرفته است و امام خمینی علیه السلام با بهره گیری از ظرفیت خطبا، واعظان، مداحان و شبکه روحانیت، پیام انقلاب را به سراسر کشور منتقل کردند.

رهت نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

فصل سوم

کلیدواژه‌های عاشورایی در اندیشه امام خمینی

کامور بخشایش با اشاره به مفاهیم محوری این منظومه فکری گفت: «قیام لله»، «یوم الله»، «یزید زمانه» و «طاغوت» از مهم‌ترین کلیدواژه‌هایی هستند که در اندیشه امام خمینی ریشه در فرهنگ عاشورا دارند. وی با بیان اینکه امام رژیم پهلوی را مصداق طاغوت معرفی می‌کردند، تصریح کرد: در منطق امام، مبارزه با ظلم ادامه طبیعی قیام امام حسین است و همین نگاه زمینه ساز بسیج عمومی مردم در جریان انقلاب شد.

نمادهای عاشورایی در انقلاب اسلامی و دفاع مقدس

این تاریخ‌پژوه با اشاره به جلوه‌های نمادین عاشورا در انقلاب اسلامی گفت: مفاهیمی مانند کفن پوشی در قیام ورامین و بسیاری از نمادهای دوران انقلاب و دفاع مقدس متأثر از فرهنگ عاشورا هستند. وی افزود: فرهنگ جبهه‌ها و دفاع مقدس نیز به شدت عاشورایی بود و بسیاری از شعارها و نمادها بر همین اساس شکل گرفت.

عاشورا؛ روز تولد دوباره اسلام

کامور بخشایش با نقل دیدگاه امام خمینی اظهار داشت: امام، عاشورا را صرفاً روز سوگ نمی‌دانستند بلکه آن را «روز تولد جدید اسلام و مسلمانان» معرفی می‌کردند. وی افزود: در نگاه امام، عاشورا نقطه آغاز احیای دوباره اسلام و بازگشت امت به مسیر حقیقی دین است.



کامور بخشایش با نقل

دیدگاه امام خمینی ربال

اظهار داشت: امام،

عاشورا را صرفاً روز سوگ

نمی‌دانستند بلکه آن

را «روز تولد جدید اسلام

و مسلمانان» معرفی

می‌کردند.

وی افزود: در نگاه امام،

عاشورا نقطه آغاز احیای

دوباره اسلام و بازگشت

امت به مسیر حقیقی

دین است.

روضه؛ نهاد فرهنگی و تربیتی در منظومه فکری امام

این نویسنده و تاریخ‌پژوه با اشاره به جایگاه مجالس روضه گفت: روضه در اندیشه امام خمینی صرفاً آیین عزاداری نیست، بلکه نهادی فرهنگی و تربیتی برای انسان‌سازی و آگاهی بخشی اجتماعی است. وی ادامه داد: مجالس روضه نقش مهمی در انتقال فرهنگ عاشورا و تداوم آن در بستر جامعه داشته‌اند.

شبکه پیام‌رسانی انقلاب؛ امتداد منطق انتقال پیام عاشورا

کامور بخشایش در پایان با اشاره به سازوکار پیام‌رسانی انقلاب اسلامی اظهار داشت: در دوران فقدان رسانه‌های مدرن، امام خمینی با بهره‌گیری از شبکه روحانیت و ابزارهای سنتی ارتباطی، پیام انقلاب را به سراسر کشور منتقل کردند. وی افزود: این شبکه پیام‌رسانی در امتداد همان منطق تاریخی انتقال پیام عاشورا توسط اهل بیت قابل تحلیل است و نقش مهمی در گسترش و تثبیت انقلاب اسلامی داشته است.



گفتاری از مهدی جمشیدی در نقد روایت‌های سکولار و مادی از تشییع شهدای خدمت؛

تشییع «رهبر شهید»؛ برآمدن عقل سرخ در غیاب روایت آوینی

در یک نشست علمی با عنوان «سویه‌های نظری و معرفتی روایت‌پردازی از مراسم تشییع پیکر مطهر رهبر شهید» که به همت پژوهشگاه علوم و معارف انقلاب اسلامی برگزار شد، دکتر مهدی جمشیدی، عضو هیئت علمی گروه فرهنگ پژوهی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، در ارائه‌ای با عنوان «چگونگی روایت معرفتی از تشییع رهبر شهید (صورت‌بندی در چارچوب مفاهیم رهبر شهید)» سخنرانی کرد که در ادامه مشروح آن را می‌خوانید:

روایت اشراقی به سبک آوینی و مظلومیت ولی

خیلی حرف در این قصه نهفته است؛ ببینید رهبر معظم انقلاب در قصه کرونا یادتان هست چه فرمودند؟ گفتند: «کاش کسی مثل آوینی بود که این نهضت کمک‌های مؤمنانه را روایت می‌کرد». امروز هم اگر ایشان بودند همین را می‌گفتند؛ می‌گفتند کاش کسی مثل آوینی بود... یکی از مظلومیت‌های بزرگ رهبری این است که کسی مثل آوینی را نداشتند که این حوادث عظیم را روایت کند.

حال اگر بخواهم چگونگی روایت معرفتی تشییع رهبر شهید را جمع‌بندی کنم، مقصود ما، صورت‌بندی در چارچوب مفاهیم «رهبر شهید» با تکیه بر خودگفته‌ها و اندیشه‌های خود ایشان در دهه‌های گذشته است. برای ورود به این عرصه، انسان به مفاهیم حساس، برانگیزاننده و زنده نیاز دارد. با عقل اشراقی باید به سراغ این واقعیت قدسی رفت، نه با عقل مادی و پوزیتیویستی. باید به همان سنتی رجوع کرد که آوینی با وام‌گیری از حافظ گفت: «تو خود حجاب خودی حافظ از میان برخیز». مقصود آوینی از این سخن چه بود؟ منظور این نیست که او با خلع و تهی‌شدگی محض رفت؛ نه، او با نفسی مذهب و قدسی گام برداشت. او کسی بود که شب‌ها بیدار می‌ماند، مجاهدت نفس می‌کرد و متونی را نوشت که خود رهبر شهید درباره آن‌ها فرمودند: «این متون شاهکار ادبی است». ما امروز برای روایت تشییع، به چنین نفس مذهب و چنین عقل اشراقی و آوینی‌گونه‌ای نیاز داریم.

در این راستا، پنج مقوله یا منظر وجود دارد که من مفاهیم رهبر انقلاب را ذیل آن‌ها دسته‌بندی و اشاره می‌کنم؛ این مقولات پنج‌گانه عبارتند از:

۱. مقوله اسطوره (قهرمان و مرد بزرگ تاریخی)
۲. مقوله جبهه حق (خودی‌ها یا جنود الهی)
۳. مقوله موقعیت (زمینه یا بافت تاریخی)
۴. مقوله جبهه باطل (دیگری و جنود شیطان)
۵. مقوله افق و چشم‌انداز (امید و فرجام)



او «ولّی» بود، امام بود،
نایب امام بود. زاویه نگاه
اصلی این است: رهبر
شیعیان جهان. شهادت
او عظیم است. رهبر
شهید در گذشته میان
علت شهادت حاج قاسم
و عظمت آن پیوند برقرار
کرده و از تعبیر «شهادت
عظیم» استفاده کرده
بودند

مقوله اول: اسطوره (قهرمان و مرد بزرگ تاریخی)

در باب اسطوره، قهرمان یا مرد بزرگ تاریخی، دو نکته اساسی وجود دارد که دقیقاً در گفتارهای رهبر شهید نیز مشهود بود و من اکنون از همان زاویه بحث می‌کنم:
نکته اول؛ او «ولّی» بود، امام بود، نایب امام بود. زاویه نگاه اصلی این است: رهبر شیعیان جهان. شهادت او عظیم است. رهبر شهید در گذشته میان علت شهادت حاج قاسم و عظمت آن پیوند برقرار کرده و از تعبیر «شهادت عظیم» استفاده کرده بودند؛ حال برای شهادت خود ایشان دیگر اصلاً چه تعبیری باید به کار برد! مرحوم دکتر شریعتی سخنرانی زیبایی دارد به نام «علی، حقیقتی بر گونه اساطیر»؛ مفادش این است که همه اسطوره

بافتند، اما ما اسطوره را در واقعیت دیدیم و یافتیم؛ بقیه ساختند، ما یافتیم. این واقعیت، اسطوره و افسانه نبود، بلکه عین حقیقت بود. ایشان نشان داد که می‌شود بر کرسی سیاست نشست اما مذهب بود و آلوده نشد. در آلوده‌ترین عالم که عالم سیاست مادی و مدرن است، آلوده نشد؛ چنان که آیت‌الله حسن زاده آملی فرمودند غبار بر عبای ایشان ننشسته است، چه رسد به دلش. غبار چرک و کثافت دنیا بر دامن او نبود؛ او یک ولی الهی بود. نکته دوم؛ مقاومت، مشیت گره‌کرده، عدم بیعت و شهادت است. این‌ها مفاهیم و عبارت آخرای یکدیگرند: مقاومت، مشیت گره‌کرده، عدم بیعت و شهادت. پس نکته اول درباره خود رهبر شهید این است که او ولی الله است و ولایتش امتداد ولایت رسول الله ﷺ است؛ و نکته دوم اینکه او شهید شد و رحلت نکرد. مسئله، مسئله مقاومت و مشیت گره‌کرده است؛ یعنی همان قیام و به پا خاستن. رهبر شهید می‌گفتند ما از اول که نزد امام خمینی بودیم تا آخر، ایشان یک آیه را بیشتر از همه آیات می‌خواندند؛ کدام آیه؟ «قُلْ إِنَّمَا أُعْطِیْتُ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا إِلَیْهِ مَثْنًی وَفُرَادًی». خمینی مرد حکمت عملی حسینی بود و این ویژگی در نایب او نیز جاری بود؛ چنان که رهبر سوم انقلاب در بیانیه‌شان تعبیر «مجاهد عظیم الشان، مصلح و مجاهد» را به کار بردند. او نه فقط یک متفکر سیاست، بلکه مصلح و مجاهد بود. در عالم تجدد، سیاست یعنی عمل‌گرایی، لابی‌گری، بده‌بستان، طلب قدرت و نفی نفع؛ در آن نگاه، مجاهدت و سیاست اجتماع نقیضین است، اما در اینجا این دو با هم یکی شدند. او ایستاد و شهید شد؛ چون ایستاد شهید شد، چون ایستاد شهید شد. مشیت گره‌کرده، عدم بیعت و شهادت؛ ما بیعت نمی‌کنیم.

■ مقوله دوم: جبهه حق (خودی‌ها یا جنود الهی)

در مورد جبهه حق یا همان خودی‌ها و جنود الهی، دو فقره و محور اساسی مطرح است: اول؛ بعثت الهی مردم. این میلیون‌ها نفری که به تشیع می‌آیند، همان‌هایی هستند که در اجتماعات مؤمنانه حضور داشتند؛ این‌ها همگی مبعوثین به اراده الهی و تصرف الهی در نفوس و قلوب هستند. این همان باطن دینی جامعه است. در مورد شهید سلیمانی، رهبر شهید فرموده بودند: «من به نظر سنجی‌ها اعتنا نمی‌کنم، حقیقت و باطن جامعه ایران را باید در زیر تابوت شهید سلیمانی دید.» باید با عقل اشراقی و عقل سرخ به زیر این تابوت رفت و حقیقت مردم را دید. این بعثت الهی مردم نشان می‌دهد که این تاریخ، خدایی دارد؛ لذا مردمان مبعوثش هم خدایی دارند. رهبر شهید می‌گفتند امام بارها به من فرمودند: «فلانی، من دست غیبی را در تقدیر این انقلاب می‌بینم.» نگاه ما مثل تحلیل‌های سکولار نیست که حوادث را مادی‌بندی می‌کند؛ این بعثت مردم وجهی کاملاً قدسی دارد. ببینید، رهبری در این سال‌ها هر پیامی که دادند، در انتهایش به امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه الشرف ارجاع داشت؛ اما در مقابل، فلان دولت بیانیه‌ای می‌دهد که حتی لفظ اسلام هم در آن نیست و تعبیر «دفاع میهنی و دفاع از خاک» را به کار می‌برد؛ هر کشوری به خاکش حمله شود دفاع می‌کند؛ این چه ربطی به آن افق الهی و امام زمان دارد؟ سکولاریسم رسمی یعنی همین!

دوم؛ موج نو بیداری اسلامی و وحدت ساحات. این همان چیزی است که رهبر شهید از آن به عنوان «عمق راهبردی در منطقه» یاد می‌کردند. رهبر سوم انقلاب نیز همه‌جا تعبیر «امت» را در کنار ملت به کار می‌برد؛ چرا که این حرکت یک عقبه منطقه‌ای وسیع دارد. دل‌ها برانگیخته شده است؛ چنان که دیدید در این نبردها زنان کشمیری طلاهایشان را دادند، عراقی‌ها چه کردند و لبنانی‌ها که اصلاً از ما بیشتر شهید دادند. این جان‌فشانی برای چیست؟ در کدام تاریخ عالم تجدد چنین نظیری سراغ دارید؟ در آنجا اتحادیه‌های اقتصادی و سیاسی را بر اساس منافع مادی و موازنه قدرت تشکیل می‌دهند؛ اما در اینجا چه پیوندی حاکم است؟ این یک پیوند قدسی است.



به این نکته با عقل
آوینی گونه دقت کنید؛
رهبری از یک مقطع
تاریخی به بعد، چفیه
برگردن مبارکشان
انداختند. من یادم
هست و آن سخنرانی
رازنده می دیدم؛
اردیبهشت سال
۱۳۷۹ در مصالای امام
خمینی ریال، ایشان آن
جمله تاریخی را فرمودند
که: «اگر دشمن
زیاد فشار بیاورد، اینجا
دیگر حادثه صلح امام
حسن علیه السلام اتفاق نخواهد
افتاد، بلکه حادثه
کربلا رخ خواهد داد.»
نمادشناسی این چفیه
چیست؟

پس در جبهه حق، یکی بعثت مردم مطرح است (یعنی جامعه برآمدنی قدسی در متن تاریخ دارد) و دیگری وحدت ساحات (یعنی مسئله فقط ملی نیست، بلکه امتی است). جغرافیا، مرزهای سیاسی، قومیت و نژاد را باید کنار گذاشت؛ تعابیری مثل دفاع صرفاً میهنی خزعبلات است؛ امت اسلامی ایستاده است و این ها همگی ساحات های «تاریخ محمدی» هستند. امام خمینی می فرمودند: «ما ایران و لبنان نداریم.»

مقوله سوم: موقعیت (زمینه یا بافت تاریخی و نمادشناسی آوینی گونه)

در تبیین موقعیت، زمینه یا بافت، دو عنصر بنیادین وجود دارد که هم در فرمایشات رهبر شهید بود و هم در سیره امام؛ و من هیچ دوگانگی در این مسیر نمی بینم: عنصر اول؛ عالم، عالم انقلاب اسلامی است. یعنی ما در یک عهد تاریخی قدسی زیست می کنیم؛ همان چیزی که شهید آوینی به آن «تاریخ حیات معنوی» می گفت. این عالم، عالمی ملکوتی است و این اتفاقات در یک کلیت تاریخی رخ می دهد که باید آن کلیت را به صحنه آورد. ما ذیل این کلیت هستیم. این انقلاب یک «عالم» به وجود آورده است، نه فقط یک نظام سیاسی ساده. عالم ایرانی-اسلامی، یک عالم تاریخی متفاوت است که در نقطه مقابل عالم تجدد قرار دارد. رهبر شهید سال ها پیش در مشهد فرمودند — و تعبیر «تقی زاده های جدید» را به کار بردند — که: «ما دیگر ذیل تاریخ غرب نیستیم.» این یعنی عالم تازه ای متولد شده است و این کنش های مردم و اتفاقات عظیمی که می افتد، همگی ثمرات، برکات و حسنات این عالم تاریخی جدید است.

عنصر دوم؛ این تاریخ، یک تاریخ عاشورایی است. فرزند کدام تاریخ است و از کدام تاریخ برآمده؟ تاریخ دفاع مقدس؛ همان که رهبر شهید می گفت یک تابلویی است از رشادت و حماسه و دلآوری که هرچه جلوتر بروی تمام نمی شود و می فرمود پنجاه سال هم در مورد آن تأمل و تدبر کنید، باز جا دارد.

به این نکته با عقل آوینی گونه دقت کنید؛ رهبری از یک مقطع تاریخی به بعد، چفیه بر گردن مبارکشان انداختند. من یادم هست و آن سخنرانی رازنده می دیدم؛ اردیبهشت سال ۱۳۷۹ در مصالای امام خمینی علیه السلام، ایشان آن جمله تاریخی را فرمودند که: «اگر دشمن زیاد فشار بیاورد، اینجا دیگر حادثه صلح امام حسن علیه السلام اتفاق نخواهد افتاد، بلکه حادثه کربلا رخ خواهد داد.» نمادشناسی این چفیه چیست؟ من اگر امروز جای آوینی بودم و می خواستم این موقعیت را روایت کنم، می گفتم: از این رهبری دو چیز به جا مانده و نمادین شده است؛ یک عمامه سیاه و یک چفیه سفید. عمامه سیاه یادگار تاریخ پیشاانقلاب و تاریخ قدسی تشیع است، و این چفیه سفید یادگار تاریخ پساانقلاب و دوران دفاع مقدس است. این چفیه معنا دارد؛ این رهبری که چفیه می اندازد، پیش تر اعلام کرده که «من بیعت نمی کنم». کسی که اهل سازش، توافق مادی و مذاکره [به معنای تسلیم] باشد که چفیه بر گردن نمی اندازد! او از همان دوران جوانی و به ویژه از

اردیبهشت ۷۹ با این نماد نشان داد که این تاریخ، عاشورایی است و از همان زمان به دنبال شهادت بوده است. امام خمینی علیه السلام فرمودند: «اگر ایران را صد بار با خاک یکسان کنند و دوباره آن را بسازید، می‌ارزد که این راه را ادامه بدهید.» حالا یک عده می‌گویند زیرساخت‌ها را می‌زنند؛ احمق‌ها! این حرف تندروی فلان آیت‌الله نبوده، این نص فرمایش امام در صحیفه است؛ یعنی عقب‌نشینی نکنید و بایستید. متأسفانه ما امروز به جایی رسیده‌ایم که حتی صحیفه امام را هم درست نمی‌خوانیم و اگر به خودمان واگذار شود، تا چند ماه دیگر بعضی از این حرف‌های اصیل کلاً بایکوت می‌شود؛ و علتش خود ما هستیم.

مقوله چهارم: جبهه باطل (دیگری و جنود شیطان)

در مقوله جبهه باطل، دیگری و جنود شیطان، سه مطلب محوری بر اساس منظومه فکری رهبر شهید وجود دارد که باید در روایتگری آوینی‌گونه ما برجسته شود. آوینی می‌گفت: «او خود را در برابر احیای حیات باطنی بشر مکلف می‌دانست»؛ کسی خود را مکلف می‌دانست که سرانجام با خون خودش آن حیات باطنی را احیا کرد. در تقابل با این احیاگری، سه محور در جبهه باطل وجود دارد:

اول؛ ذات استکباری دشمن. واژگانی چون استکبار غرب، فرعون، یزید، سیاست وحشی غرب، شیطان بزرگ و غده سرطانی، تعبیر اصیل امام هستند. وقتی ذهن شما با این واژه‌ها مأنوس باشد، واقعیت را به گونه‌ای روایت می‌کنید که ذیل این مفاهیم قرار گیرد. رهبری برای چه مفهوم «فرعون» را در تبیین جبهه مقابل مطرح کردند؟ برای اینکه این «دیگری» و جنود شیطان را دقیق بشناسیم. این‌ها ناسازگاری ذاتی با ما دارند؛ همان‌طور که رهبر شهید بر این «ناسازگاری ذاتی» تأکید داشتند. حالا فلان شخص دیشب در تلویزیون مزخرفاتی می‌گوید که صدرصد ضد فرمایشات صریح رهبری است! من ایشان را به مناظره دعوت کرده‌ام و رهايش نمی‌کنم. بیانی که ولی فقیه می‌گوید ممنوع است و در بیانیه گام دوم صراحتاً آورده که بن بست محض است و جز ضرر چیزی ندارد، چگونه برخی می‌خواهند آن را حلال جلوه دهند؟

دوم؛ راهبرد سلطه، تسلیم و بلعیدن. دشمن به دنبال سوء تفاهم نیست که با گفت و گو حل شود؛ دشمن هدفش بلعیدن ایران و تسلیم محض این ملت است. رهبر شهید همین‌اواخر دوباره تأکید کردند که دشمن به دنبال بلعیدن ایران است. پس مسئله اصلاً یک مسئله غیرتی، ناموسی و فراتر از بحث‌های معمول است؛ مسئله، تن ندادن به جایگاه «گاو شیرده» است. در این تقابل دو حالت بیشتر وجود ندارد: یا جمهوری اسلامی کلاً نباشد، یا به تعبیر رهبر شهید، جمهوری اسلامی تقلبی باشد که حیثاً معممی هم در رأسش باشد اما تهی از سیرت واقعی! ما باید در روایتمان این بعد دشمن را برجسته کنیم.

سوم؛ انتقام سخت و خون‌خواهی. شعار مردم و منطق روایت ما باید قصاص و «خون در برابر خون» باشد؛ چرا که اگر از این خون بگذریم، زنجیره ترور دشمن تداوم پیدا خواهد کرد و شیعه بی حرمت خواهد شد. تاریخ پس از امام حسین علیه السلام اگر مظلوم و فقیر بود، دست کم مختار را داشت؛ مگر می‌شود انقلاب اسلامی مختار نداشته باشد؟ انتقام سخت یعنی ما هیچ خط قرمزی برای تنبیه متجاوز نداریم. چرا بعد از این استوانه‌ها نفس بکشیم اگر غیرت نداشته باشیم؟ همان‌طور که استاد رحیم پور از قدیم می‌گفت، گاهی مسئولین انقلاب را به سمت دیگری می‌برند اما این مردم هستند که با غیرتشان آن را حفظ می‌کنند. عده‌ای می‌گویند تعبیر انتقام سخت را نگویند؛ اما در همین جاست که رهبر سوم فرمودند: «من و مردم پایش می‌کنیم.» عقل قدسی مبعوث شده دچار اختلال محاسباتی نمی‌شود، هر چند ممکن است دیپلماسی و سیاست مادی دچار اختلال محاسباتی شوند.

مقوله پنجم: افق و چشم انداز (امید، فرجام و تمدن موعود)

در مقوله پنجم که افق، چشم انداز، امید و فرجام است، سه خانواده مفهومی وجود دارد که نشان می دهد در پس این شهادت ها، ابرقدرتی نهایی ایران نهفته است. آوینی جمله ای دارد که افق را روشن می کند؛ می گوید: «از این پس همه تحولات تاریخی در کره زمین در جهت تشکیل امت است». این همان افق ماست:

اول؛ پیچ تاریخی و تحول جهانی (شرقی شدن قدرت). ما در یک پیچ تاریخی واقعی قرار داریم؛ جایی که هژمونی آمریکا بر باد رفته است. رهبری ایستادند و صراحتاً فرمودند: «اگر مقاومت کنید، فتح قله را خواهید دید»؛ ایشان هرگز نفرمودند اگر مذاکره [و سازش] کنید فتح قله را می بینید! حالا فلان عضو مجمع یا دفتر می آید و می گوید ما می توانیم بازی برد-برد راه بیندازیم؛ این حرف ها چیست؟ دنیا در حال تغییر است و یک تحول عظیم تمدنی در پیش است؛ اصلاً نباید آن را کوچک انگاشت. وقتی تاریخ فشرده می شود، نقل و انتقالات تاریخی بزرگ رخ می دهد؛ کاری که در حالت عادی ۲۰۰ سال زمان می خواست، به اذن خدا سریع رخ می دهد، همان طور که پیامبر اسلام ﷺ تحولی را که ۴۰۰ سال زمان نیاز داشت، در ۲۳ سال محقق ساخت.

دوم؛ زوال صهیونیسم و افول تفوق آمریکا. این امر، عبارت آخری همان شرقی شدن قدرت و برافتادن غرب است. مرحوم آیت الله بهاء الدینی فرموده بودند: «ما آینده ای برای آمریکا نمی بینیم». آینده آمریکا رو به پایان است؛ البته به شرطی که ما بایستیم، به دشمن تنفس مصنوعی ندهیم، دلار را نگه نداریم و بخش سیاسی مسئولین به آن ها کمک نرسانند. تشیع رهبر شهید را نباید صرفاً یک سوگ و فقدان روایت کرد؛ این رویداد اصالتاً یک حماسه حسینی، مزده دهنده برآمدن تاریخی جدید و افول جبهه باطل است.

سوم؛ ابرقدرتی ایران و تحقق تمدن اسلامی. این همان تاریخ تمهیدی انقلاب است که حتی اندیشمندان غربی هم امروز به این ابرقدرتی اعتراف می کنند. رهبری بارها و بارها به این افق اشاره کردند. ما گاهی فکر می کردیم این ها صرفاً شعار یا تعارف است؛ اما ایشان می فرمودند: «شاید ما نباشیم و نبینیم، اما شما حتماً خواهید دید روزی را که ملت ایران به آنچه شایسته آن است خواهد رسید». این یعنی شما مادر و مهد تمدن اسلامی خواهید شد؛ البته این وعده مشروط به مقاومت است و مطلق نیست. ایشان در آخرین سخنرانی خود، در بند پیش از پایانی، مفصلاً درباره تناقض های درونی آمریکا صحبت کردند. در داخل کشور عده ای می گویند نمی شود و باید کنار آمد؛ اما منطق رهبری این است که «می شود» و همه چیز بستگی به اراده و استقامت شما دارد. در پس این شهادت عظیم، افق ابرقدرتی ایران نهفته است. و صلی الله علی محمد و آله الطاهین.



اول؛ پیچ تاریخی و تحول جهانی (شرقی شدن قدرت). مادر یک پیچ تاریخی واقعی قرار داریم؛ جایی که هژمونی آمریکا بر باد رفته است. رهبری ایستادند و صراحتاً فرمودند: «اگر مقاومت کنید، فتح قله را خواهید دید»



دکتر سیدرضا نقیب السادات در نشست «سویه‌های نظری و معرفتی روایت‌پردازی از تشیع پیکر رهبر شهید» تشریح کرد

تشیع، رسانه‌ای زنده برای بازتولید معنای شهادت و هویت شیعی

در یک نشست علمی با عنوان «سویه‌های نظری و معرفتی روایت‌پردازی از مراسم تشیع پیکر مطهر رهبر شهید» که به همت پژوهشگاه علوم و معارف انقلاب اسلامی برگزار شد، دکتر سیدرضا نقیب السادات، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی در ارائه‌ای با عنوان شهید در مکتب تشیع؛ در چارچوب ارتباطات آیینی سخنرانی کرد که در ادامه مشروح آن را می‌خوانید:

مقدمه و مفهوم شناسی شهادت در فرهنگ شیعی

بنده سعی می‌کنم ابتدا یک مفهوم شناسی از موضوع داشته باشم و سپس به سراغ آن سویه‌های معرفتی بروم که محور اصلی بحث من است. ببینید، شهید در مکتب تشیع یا در فرهنگ شیعی، صرفاً یک واقعه زیستی که با پایان عمر فرد خاتمه پیدا کند، نیست؛ بلکه یک رخداده معنایی، هویتی و ارتباطی است.

من قریب به چهار ماه است که درگیر نظریه پردازی در این موضوع هستم و روی آن کار می‌کنم. وقتی دوستان موضوع را با من مطرح کردند، عرض کردم که این کار در حد یک پژوهش جامع است، اما به قول معروف، در قالب یک مقاله نیز قابل ارائه است. بنابراین، در بستر نظام اعتقادی شیعی، شهادت یک رخداده معنایی، هویتی و ارتباطی است. با این نگاه، شهادت نه تنها حامل یک معناست، بلکه یک رویداد یا روایت تاریخی نیز هست که حافظه جامعه دینی به طور مستمر آن را بازتولید می‌کند. از این رو، من می‌خواهم به مفهوم شهادت به عنوان یک «کنش ارتباطی نمادین» نگاه کنم؛ مفهومی که فراتر از زمان و مکان حرکت می‌کند و این واقعه در جریان تاریخ بازتولید می‌شود.

ویژگی‌های اساسی شهید در اندیشه شیعی

در اندیشه شیعی، مفهوم شهادت یک پیوند عمیق با نهضت امام حسین علیه السلام و واقعه عاشورا به عنوان مهم‌ترین الگوی معنایی شهادت دارد. اکنون نیز در ماه محرم هستیم؛ دهه اول محرم تازه تمام شده و در دهه دوم قرار داریم. عاشورا به عنوان مهم‌ترین الگویی که معنای شهادت را در تشیع شکل می‌دهد، با مفاهیمی مثل فداکاری، ایثار، حق طلبی، عدالت خواهی و نظایر آن همراه و قابل فهم می‌شود. از این منظر، وقتی می‌گوییم «شهید»، این مفهوم دارای چند ویژگی اساسی است که آن‌ها را عرض می‌کنم:

اول؛ شهید، شاهد حقیقت است:

اولین ویژگی این است که شهید از ماده «شَهِدَ» به معنی حضور و گواهی دادن گرفته شده است. بنابراین، شهادت تنها کشته شدن در راه خدا نیست، بلکه گواه و شاهدهی بزرگ حقیقت است که رخ داده یا اتفاق افتاده است.

دوم؛ حامل پیام بودن و آگاهی اجتماعی:

شهادت در تشیع پایان پیام نیست، بلکه آغاز پیام است. به تعبیر مشهور، خون شهید زمانی اثرگذار می‌شود که تبدیل به مفهومی به نام «آگاهی اجتماعی» شود؛ بنابراین شهادت مساوی با آگاهی اجتماعی است. ما می‌خواهیم این را به شهادت امام شهیدمان متصل کنیم و بگوییم این یک نوع آگاهی اجتماعی است. حضرت آقا با وجود تمام آن برجسب‌هایی که به ایشان می‌زدند—که ایشان پنهان شده، در سنگر است و حفاظت خیلی قوی دارد—با شهادت خودشان ثابت کردند و جامعه ایرانی را به این آگاهی و شعور اجتماعی رساندند که رهبر انقلاب همیشه جلوتر از همه ملت بوده و این در جریان این چند



در اندیشه شیعی،

مفهوم شهادت یک

پیوند عمیق با نهضت

امام حسین علیه السلام و واقعه

عاشورا به عنوان

مهم‌ترین الگوی

معنایی شهادت دارد.

اکنون نیز در ماه محرم

هستیم؛ دهه اول محرم

تازه تمام شده و در دهه

دوم قرار داریم.

دهه اثبات شد.

■ سوم؛ عنصر هویت سازی:

بخش مهمی از هویت تاریخی و فرهنگی ما از طریق مفهوم شهید دارد بازتولید می شود؛ پس شهادت یک عنصر هویت ساز است.

■ چهارم؛ سرمایه نمادین جامعه دینی:

از آنجا که مفهوم شهید در بستر نظام تفکر شیعی و دین اسلام بازتولید می شود، مفاهیمی مثل ایثار، عدالت و مقاومت، کارکردی فراتر از یک فرد تاریخی پیدا می کنند و ما به این مفهوم به عنوان یک سرمایه نگاه می کنیم.

■ شهادت به مثابه یک پدیده ارتباطی

در کنار این چهار ویژگی، من به عنوان معلم و دانشجوی ارتباطات و کسی که سال ها است کار رسانه ای می کند، یک نگاه ارتباطی هم به این موضوع دارم؛ یعنی نگاه به شهادت به مثابه یک پدیده ارتباطی. از منظر مطالعات ارتباطی، می توان شهادت را یک «متن فرهنگی» دید که معانی متعددی را در خود دارد. در این رویکرد، خود شهید مساوی با پیام است؛ یعنی شهید در بستر نظام ارتباطی، خودش پیام است. شهادت نیز که فعلی برخاسته از شهید است، یک کنش ارتباطی محسوب می شود.

در این میان، آیین ها و یادبودها، فرآیند بازتولید معنا هستند. همین که ما در ماه محرم عزاداری می کنیم، یادبود می گیریم، موکب می زنیم و مراسم برگزار می کنیم، در حال بازتولید معنای شهادت امام حسین علیه السلام و نهضت عاشورا هستیم. ما می خواهیم بگوییم بعد از شهادت حضرت آقا، ما این فرآیند بازتولید معنا را باید به عنوان یک آگاهی بخشی اجتماعی مستمر داشته باشیم؛ دقیقاً مثل اتفاقی که در چهاردهم خرداد برای شهادت حضرت امام خمینی رحمه الله داریم و سال ها است آن را برگزار می کنیم، چرا که این آگاهی بخشی، شعور اجتماعی تولید می کند. در نهایت، جامعه مؤمنان، شیعیان و مردم ایران، مخاطبان و مفسران این پیام می شوند. پس ما با یک نظام ارتباطی چهارعنصری مواجهیم: شهید، شهادت، آیین ها و یادبودها، و جامعه مؤمنان. اکثر دوستان حاضر در خبرگزاری آنا نیز رسانه ای هستند و بر پدیده های ارتباطی تسلط دارند.

■ نظریه ارتباطات آیینی و کارکردهای آن

نکته بعدی که محور بحث اول و جمع بندی من است، مفهوم شهید در چارچوب «ارتباطات آیینی» است. در نظریه ارتباطات آیینی که توسط شخصی به نام جیمز کری (James Carey) مطرح شده، آمده است که ارتباطات صرفاً انتقال اطلاعات نیست. ما از ارتباط تعاریف متعددی داریم؛ «ارتباط» شکل مفرد است و «ارتباطات» شکل جمع. بعضی ها می گویند ارتباط همان انتقال پیام و معناست و ارتباطات یعنی تجهیزات، فرآیندها و سازه هایی که اطلاعات را منتقل می کنند. جیمز کری می گوید ارتباطات صرفاً انتقال اطلاعات نیست، بلکه فرآیندی برای حفظ و بازآفرینی فرهنگ است. او اولین کسی است که در حوزه ارتباطات آیینی کار کرده است.

البته مفهوم ارتباطات آیینی در ایران با «ارتباطات دینی» گره می خورد که شاید مفهوم مناسب تری باشد. هر دینی، مثل مسیحیت، ارتباطات دینی خود را دارد؛ اما مفهوم نزدیک تر برای ما، «ارتباطات اسلامی» و به نوعی «ارتباطات شیعی» است که در قسمت دوم عرایض خواهم گفت چطور داریم یک دستگاه فکری و نظام تئوری پردازی را برای آن طراحی می کنیم؛ چون تا الآن نبوده و از این به بعد قراره از این واقعه مهم تاریخی استفاده کنیم.

رهبریت نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

فصل سوم ■



بر اساس دیدگاه ارتباطات آیینی، آیین‌ها—از جمله آیین تشییع پیکر—چند کارکرد اساسی دارند:

■ **بازتولید باورهای مشترک:** مادر فرآیند تشییع به یک نوع حجاب اجتماعی و اشتراک باوری و فکری می‌رسیم.

■ **انتقال حافظه جمعی:** این واقع‌به عنوان یک رویداد بسیار بااهمیت جهانی، بین‌المللی، منطقه‌ای و قطعاً ملی، در حافظه جامعه ایرانی باقی می‌ماند.

■ **تثبیت هویت فرهنگی:** آیینی که تحت عنوان آیین تشییع برگزار می‌کنیم، به نوعی تثبیت‌کننده هویت فرهنگی ماست.

خود تشییع شهید به مثابه یک «آیین ارتباطی» تلقی می‌شود که کارکردهای زیر را دارد:

■ **کارکرد معنا بخشی:** شهادت را تفسیر و معناگذاری می‌کند.

■ **کارکرد هویت سازی:** شرکت‌کنندگان در مراسم تشییع، خود را عضو یک مکتب و نظام فکری می‌بینند.

■ **کارکرد حافظه جمعی:** ما را از سطح تجربه فردی به سطح حافظه جمعی و همدلی (Empathy) با مردم می‌رساند. گاهی آدم در شرایط جمعی تحت تأثیر قرار می‌گیرد و کنش‌های خاصی از او سر می‌زند (که البته ما انواع جمع مثل انبوه خلق، توده و اجتماع داریم). از این طریق احساس وحدت می‌کنیم و وارد این چارچوب می‌شویم.

■ **کارکرد انتقال ارزش‌ها:** ارزش‌هایی را که مفهوم شهادت نمایندگی می‌کند، به نسل‌های بعدی منتقل می‌سازد.

من بر این اساس مدلی طراحی کرده‌ام (که شاید به خاطر ضعیف بودن پروژکشن خیلی



می‌توان شهادت را یک

«متن فرهنگی» دید

که معانی متعددی را

در خود دارد. در این

رویکرد، خود شهید

مساوی با پیام است؛

یعنی شهید در بستر

نظام ارتباطی، خودش

پیام است. شهادت

نیز که فعلی برخاسته

از شهید است، یک

کنش ارتباطی محسوب

می‌شود.



قابل رؤیت نباشد): شهادت منجر به تولید معنا می‌شود -> تولید معنا به آیین تشییع -> آیین تشییع به ارتباطات آیینی -> ارتباطات آیینی به حافظه جمعی -> حافظه جمعی به هویت دینی -> هویت دینی به انسجام اجتماعی -> و در نهایت به تداوم فرهنگ شیعی ختم می‌شود. این چرخه‌ای است که از طریق آن هویت خود را حفظ می‌کنیم. در جمع‌بندی بخش اول باید بگوییم ما شهادت را یک نماد ارتباطی می‌بینیم که از طریق آیین‌ها، روایت‌ها، مناسک و حافظه جمعی، مفاهیم دینی را بازتولید می‌کند. در ادبیات مطالعات آیینی، تشییع معمولاً به «مناسک گذار» یا «مناسک سوگواری» تعبیر می‌شود. حالا باید ببینیم با این کارکردها، چه سویه‌هایی را باید برای این آیین در نظر بگیریم.

سویه‌های معرفتی، آیینی و ارتباطی تشییع رهبر

در بخش دوم عرایضم، به سویه‌های معرفتی، آیینی و ارتباطی تشییع پیکر امام شهیدمان می‌پردازم. نمی‌خواهم خیلی وارد تئوری‌های پیچیده شوم، فقط برای اینکه ابعاد این اتفاق روشن شود، آن‌ها را دسته‌بندی کرده‌ام. ما باید یک نگاه «پدیدارشناسانه» به موضوع داشته باشیم؛ نه به این معنی که فقط بگوییم این پدیده چیست و چه ویژگی‌هایی دارد، بلکه مهم‌ترین حرف من این است: تشییع به مثابه یک رسانه است. خود این آیین صرفاً مراسم و مناسک نیست، بلکه یک رسانه زنده است که در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی پیام تولید می‌کند. خود این جمعیتی که می‌آید، رسانه است. پوشش این جمعیت عظیم خودش پیام است؛ نشان دادن این مردم بسیار مهم است، مثل راهپیمایی ۲۲ بهمن یا راهپیمایی اربعین که دوربین‌های بین‌المللی روی آن زوم می‌کنند تا

رحمت نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

فصل سوم

قدرت را نشان دهند. پس جمعیت مساوی است با قدرت، رسانه و انتقال پیام. شعارهایی که داده می شود، نظام رمزگان ما هستند. حتی اشکی که مردم می ریزند و عزاداری می کنند، یک زبان ارتباطی است. خود مسیر تشییع نیز شبکه انتقال معناست. من در ابتدا این ابعاد را در ۶ سویه نظری و معرفتی تقسیم بندی کردم (که البته اکنون بعد از چهار ماه کار پژوهشی، این مدل توسعه یافته و به ۲۰ بعد با مولفه های گوناگون رسیده است که مبنای کار این پژوهشگاه خواهد بود). آن ۶ سویه اولیه عبارتند از:

■ بعد آیینی:

فقط جابجایی پیکر نیست؛ بلکه پاسخ به این سوالات است که چه مناسکی، در چه بازه زمانی و با چه نمادهایی انجام می شود و نقش آفرینان اصلی چه کسانی هستند؟ حتی برنامه ریزی برای دعوت و حضور مهمانان خارجی و دیدارهایشان در این بعد آیینی قرار می گیرد.

■ بعد ارتباطی:

این تشییع یک رویداد عظیم ارتباطی است و تمام دوربین های جهان معطوف به آن خواهد بود؛ به خصوص با تعرض مجددی که آمریکا در یکی دو روز گذشته انجام داده است. این ارتباط فقط رسانه ای نیست، بلکه مکانیزم های ارتباطات میان فردی نیز فعال است. علت اینکه تشییع در کشور دیگری مثل عراق هم اتفاق می افتد، جمعیت بزرگی است که پیام را گرفته و دارند آن را منتقل می کنند؛ چراکه جمعیت زیادی از پاکستان و افغانستان نیز وارد شده و شرکت می کنند. در این نظام، بدن شهید پیام است، پرچم ایران پیام است، اشک، سکوت و شعار همگی پیام هستند.

■ بعد عاطفی:

جامعه ایرانی و کشورهای همسایه ما جامعه ای عاطفی هستند؛ چراکه در مکتب شیعه، عاطفه اصالت و کشش دارد. غم برخاسته از واقعه کربلا و شهادت امام حسین (علیه السلام) از طریق عزاداری بازتولید می شود و همدلی شکل می گیرد. در مفهوم رسانه ای همدلی (Empathy) یا تفکر تحویل گرایانه، شما باید خودتان را جای دیگری بگذارید تا درک کنید چه مصیبت عظیمی رخ داده است؛ رهبر عزیز و شهید ما همراه با خانواده و فرزند کوچکش که بی گناه بود، با دامنشی آن دولت های متجاوز به شهادت رسیدند. این احساس مشترک و همدلی وقتی وسیع می شود، قدرت بالایی پیدا می کند؛ نمونه اش را در روزهای اول انتشار خبر شهادت حضرت آقا در پاکستان دیدیم که جمعیت عظیم برخاستند و سفارتخانه های آن کشورهای متجاوز تخریب شد.

■ بعد معرفتی:

شاید مهم ترین بخش، بعد معرفتی باشد. سوال این نیست که مردم چه می کنند (عزاداری می کنند)، بلکه سوال این است که مردم از این مراسم چه حقیقتی را دریافت می کنند و چه نوع معرفتی تولید می شود؟ دلیل تأخیر در تشییع پیکر مقام معظم رهبری نیز همین بود؛ چراکه ما به دنبال تولید معرفتی هستیم که منجر به آگاهی اجتماعی و تداوم بازتولید معنا



جامعه ایرانی و

کشورهای همسایه

ما جامعه ای عاطفی

هستند؛ چراکه در

مکتب شیعه، عاطفه

اصالت و کشش دارد. غم

برخاسته از واقعه کربلا و

شهادت امام حسین (ع) از

طریق عزاداری بازتولید

می شود و همدلی

شکل می گیرد.

در جریان تاریخ شود. در واقع بازتفسیر شهادت، بازتفسیر ولایت و بازخوانی تاریخ در حال رخ دادن است.

■ بعد هویتی:

در تشییع که یک مقوله اجتماعی است، هویت فردی در هویت جمعی حل می شود؛ ما دیگر فرد نیستیم، یک ملتیم. مردم در اینجا فقط عزادار نیستند، بلکه خود را عضو یک «امت» احساس می کنند. این اتفاق در نهایت به شکل دهی یک نظام تمدنی منجر می شود.

■ بعد تمدنی:

این نکته آخر کمتر دیده شده است. تشییع فقط یک مراسم داخلی نیست، بلکه پیام تمدنی دارد؛ پیامی که از ۱۴۰۰ و خورده ای سال پیش شکل گرفته و فرهنگ مقاومت را بازتولید می کند که نمود آن را در جبهه محمدی و کشورهای دیگر می بینیم.

■ تشریح ماتریس و لایه های پژوهش

من این سویه ها را توسعه دادم و در قالب یک ماتریس در آوردم. این ماتریس شامل پرسش بنیادی، توصیف پدیده، مصادیق در آیین تشییع، نظریه های مرتبط و ظرفیت نظریه پردازی است؛ چرا که این واقعه تازه شکل گرفته و باید روی آن نظریه پردازی شود. (البته اینجا تجهیزات و پروچکشن سالن کنفرانس خبرگزاری یاری نمی کند و متأسفانه غش کرده است! هرچند سالن هوشمند است اما انتظار می رفت تجهیزات رسانه ای یک نهاد ارتباطی قوی تر باشد. به هر حال من فایل را در اختیار دوستان قرار می دهم).

من این جدول را تبدیل به چند لایه کردم؛ لایه های بنیادی، لایه های طبیعی، و سویه های کارکردی و راهبردی که این ۲۰ حوزه را به هم متصل و طبقه بندی می کند. اکنون یک نقشه بزرگ مثل پازل در اتاق کارم دارم که چهار ماه است لایه های آن را کنار هم می گذارم تا مشخص شود این اتفاق مهم تاریخی چه چارچوبی را رقم می زند. سوابق من به عنوان خبرنگار و روزنامه نگار در زمان ارتحال حضرت امام علیه السلام نیز در این مدل سازی بسیار به من کمک کرد. این ماتریس، نقشه جامع یک پژوهش است که هر کدام از عناوین آن می تواند یک پروژه تحقیقاتی برای تیم های پژوهشی باشد.

این سویه ها در رأس هرم به «تمدن سازی» منجر می شوند که برگرفته از حکمرانی، آینده سازی، کارکردهای اجتماعی و ارتباطی، ساختار آیین، نظام معنا و در نهایت مبانی معرفتی و الهیاتی شیعه است. این مدل به ما می گوید که پیامدهای تمدنی بر کارکردها، کارکردها بر ساختار، و همه این ها بر مبانی معرفتی و آیینی استوارند و ما به تولید معنا، نظریه و معرفت مبتنی بر آیین تشییع دست پیدا می کنیم.

در حوزه رسانه و در چارچوب ارتباطات آیینی، فرآیندهای بازتولید معنا شامل این موارد است:

■ فرآیند روایت سازی: که کار رسانه هاست.

■ فرآیند نماد سازی: که مردم در کنار رسانه ها به آن شکل می دهند.

■ فرآیند عاطفه سازی

■ فرآیند هویت سازی

■ فرآیند مشروعیت سازی (مشروعیت بخشی)

■ فرآیند حافظه سازی

من اسم این محصول را «مدل چرخه ارتباطات آیینی شیعه» گذاشته ام و هدفم از این کار، ساختن یک دستگاه فکری است؛ چرا که چند ماه است داریم روی حوزه جنگ رمضان و بحث شهادت رهبر عزیزمان کار می کنیم.



درافق تابناک
اندیشه اسلامی،
گاه طلّیعه دارانی رخ
می نمایند که منظومه
فکری آنان در قفس
تنگ یک دانش واحد
محبوس نمی ماند،
بلکه مرزهای معهود
معارف را درهم شکسته
و اقالیم متکثر معرفت
را در پیوندی وثیق به
یکدیگر گره می زنند.
فقیه شهید امام
خامنه ای (قدس سره)
بی گمان از زمره همین
نوادرایام است

سرفصل های مهم روش فقهی رهبر شهید امام خامنه ای

احمد مبلّغی، عضو مجلس خبرگان رهبری

متن پیشرو، گزارشی است از مقاله ای به قلم احمد مبلّغی (عضو مجلس خبرگان رهبری) با موضوع سرفصل های مهم روش فقهی رهبر شهید امام خامنه ای (قدس سره) که بدون تفسیر شخصی و صرفاً بر اساس ساختار و محتوای خود مقاله تنظیم شده است.

مقدمه: طلّیعه دار معارف و هندسه تفکر روش شناختی

درافق تابناک اندیشه اسلامی، گاه طلّیعه دارانی رخ می نمایند که منظومه فکری آنان در قفس تنگ یک دانش واحد محبوس نمی ماند، بلکه مرزهای معهود معارف را درهم شکسته و اقالیم متکثر معرفت را در پیوندی وثیق به یکدیگر گره می زنند. فقیه شهید امام خامنه ای (قدس سره) بی گمان از زمره همین نوادرایام است؛ شخصیتی ژرف کاو که دوشادوش زعامت امت، گستره دانش او پهنه های فراخ اندیشه های جامعه شناختی، بدایع و لطایف ادبی، کاوش های تمدن پژوهانه، معارف ژرف دینی، اشراقات تفسیری و براهین متین کلامی را درنور دیده و به تسخیر خویش درآورده بود.

در میان این اضلاع تو در تو و ساحت‌های شگفت‌انگیز، آنچه به مثابه ستون فقرات، پیکره این اندیشه سترگ را برپا می‌دارد و شاکله اصیل این هندسه معرفتی را قوام می‌بخشد، دستگاه متدولوژیک و روش‌شناختی ایشان در علوم اسلامی و به طور خاص در اقلیم فقه است. راز شکوه و اصالت درنگ در روش‌شناسی یک مجتهد در این حقیقت نهفته است که توقف در روبنای فتوا، تنها نظاره‌ای انفعالی بر ثمرات نشسته بر شاخسار یک شجره است؛ اما واکاوی روش و کالبدشکافی مسیر استنباط، سفری شگرف به ژرفای ریشه‌ها و حضور در کارگاهی است که در آن، ادراک نصوص در کوره عقل اصولی به غلیان درآمده و در تلاقی با تجارب متراکم فقه‌ای، بستر عرف اجتماعی و صلابت سیره عقلایی، چنان چکش‌کاری و صیقل می‌پذیرد تا سرانجام به گوهر ناب و تراش خورده استنباط احکام مبدل گردد. دستگاه اجتهادی این فقیه فرزانه، منظومه‌ای پویا و زاینده است که در مواجهه با موضوعات اجتماعی، الگویی حاوی نوآوری و دقت‌های الهام‌بخش را به ساحت اجتهاد عرضه می‌دارد.

تحدید مرزهای روش و روش‌شناسی فقهی

نویسنده در ابتدای مقاله به ترسیم مرزهای مفهومی میان «روش» (منهج) و «روش‌شناسی» می‌پردازد. در معرفت‌شناسی، «روش» همان بستر هموار و اسلوب و مرکب راهواری است که اندیشه‌ورز برای تکوین ایده یا سامان بخشی به کاوش خود پای در آن می‌گذارد. در ساحت فقه، «منهج فقهی» جریان زنده و تپنده‌ای است که در میانه کوره عملیات اجتهادی رخ می‌دهد و فقیه در آن به صورت ناخودآگاه و ارتکازی با موضوع، نصوص و اقوال دست و پنجه نرم می‌کند تا فتوا را متولد سازد.

اما «روش‌شناسی فقهی»، گذر از ناخودآگاه متن به ساحت خودآگاهی روش است. روش‌شناسی عرصه زایش حکم نیست، بلکه درنگی تأمل برانگیز و اشرافی از فراز بر مسیر پیموده شده است که با رویکردی توصیفی یا نقادانه، به واسازی و واکاوی متدولوژی و منطق پنهان یک فقیه یا مکتب فقهی می‌پردازد و ارکان اجتهاد را با دقتی میکروسکوپی تحلیل می‌کند. هدف این جستار نیز ردیف کردن فتاوا نیست، بلکه حضور در کارگاه ذهن وقاد این فقیه و تماشای ابزارهای معماری فقهی ایشان است.

۱. تجمیع قرائن در ساحت استنباط

بر اساس محتوای مقاله، در طریق تضافر قرائن، هیچ نشانه‌ای به تنهایی بار کشف مراد شارع را به دوش نمی‌کشد، بلکه انکشاف زمانی رخ می‌دهد که قرائن پراکنده در یک همسرایی روشمند به نطق آیند. تجمیع قرائن تجلی روح احاطه‌جویی مجتهد است تا هیچ نشانه‌ای از سپهر نگاه او پنهان نماند. نویسنده برای این ویژگی دو نمونه از درس‌های فقیه مبنا قرار داده است:

نمونه اول (فقه خانواده - اولویت مادر):

در بررسی اولویت مادر در پاره‌ای از احکام که نام مادر در آن‌ها تصریح نشده، حکم از تعاضد و هم‌افزایی منظومه‌ای از شواهد، مناسبات حکم و موضوع، ارتکازات عرفی، واقعیات تکوینی و قرائن خارجی به دست می‌آید. فقیه در متن نقل شده بیان می‌دارد که مادر به حسب طبیعت قضایا، زحمت جسمانی و تربیتی روحی بیشتری در اوایل کودکی در مقایسه با پدر متحمل می‌شود و تأثیرپذیری کودک در این دوران چند برابر است؛ لذا از مناسبات و قرائن فهمیده می‌شود که مادر ملحق به پدر و حتی اولای از اوست.

رجعت نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

فصل سوم



نمونه دوم (فقه مناسبات اجتماعی - مبحث غیبت):

مسئله این است که آیا ذمه غیبت کننده با استغفار بری می شود یا استحلال (طلب حلیت) نیز شرط است؟ با دو دسته نص مواجهیم که هر کدام به لسان «اطلاق مقامی» (سکوت در مقام بیان) وجوب دیگری را طرد می کنند و تعارض رخ می دهد. فقیه با تجمیع قرائن و روایات دیگر، واژه مبهم «امر آخر» در یکی از نصوص را تفسیر کرده و شاهکار اجتهادی او در علاج تعارض این است که حریر اطلاق مقامی هر طایفه را با تیغ تیز دلیل لفظی و منطوق صریح طایفه دیگر تقیید می زند. ثمره این تقیید متقابل، تولد یک حکم مرکب است؛ واجب است مکلف هم استحلال کند و هم استغفار تا عقل حکم به برائت ذمه نماید.



یکی دیگر از جلوه های

احاطه یابی در روش

فقهی ایشان، این است

که ذهن به اصل دلالت

بسند نه کرده، بلکه

لایه های مختلف دلالت

(مدلول لفظی، اطلاق

لفظی و اطلاق مقامی)

را از یکدیگر تفکیک

می کند

۲. تفکیک لایه های دلالت

یکی دیگر از جلوه های احاطه یابی در روش فقهی ایشان، این است که ذهن به اصل دلالت بسند نه کرده، بلکه لایه های مختلف دلالت (مدلول لفظی، اطلاق لفظی و اطلاق مقامی) را از یکدیگر تفکیک می کند و جایگاه مستقلی برای هر کدام قائل می شود. فقیه پیش از ورود به حل مسئله و داوری درباره تعارض، نقشه کامل میدان دلالت را ترسیم می کند. به عنوان نمونه، ایشان در بررسی دو طایفه از روایات، ابتدا روشن می سازد که آن ها از حیث مضمون و معنا با هم تعارضی ندارند، اما از جهت دیگر یعنی «با اطلاق مقامی» با یکدیگر تعارض پیدا می کنند. این تفکیک دقیق لایه ها، راه حل تعارض را در اختیار فقیه قرار می دهد.

۳. اصطیاد قواعد فقهی و عبور از ظواهر پراکنده

فقیهان ژرف اندیش روایات را جزیره های دور افتاده نمی بینند، بلکه از کالبد الفاظ عبور

می‌کنند تا روح واحد دمیده شده در نصوص را اصطیاد کنند. در اندیشه این فقیه، اصطیاد قاعده گاه از طریق تجمیع روایات پراکنده و گاه با تنقیح مناط تجلی می‌یابد. مقاله دو الگواز این شیوه را بیان می‌کند:

الگوی اول (تحلیل گفتمانی واژه لهو):

فقیه با رصد کردن پدیده لهو در پهنه آیات قرآن دریافت که گاه تجارت و گاه اصل حیات دنیا «لهو» نامیده شده اما حرام نگردیده‌اند. از تقاطع این گزاره‌ها، ایشان یک قاعده طلایی را اصطیاد می‌کند: مطلق لهو و سرگرمی در شریعت حرام نیست، بلکه مدار حرمت تنها بر محور «لهو مضل» (سرگرمی گمراه کننده) می‌چرخد.

الگوی دوم (جواز استماع تظلم مظلوم):

فقیه از جواز یک رفتار، قاعده‌ای پنهان و متلازم را شکار می‌کند. در متن صریح ایشان آمده است که وقتی تظلم مظلوم و ذکر عیب ظالم (برای تسلی قلب یا جلب نصرت دیگران) جایز شد، به «دالالت اقتضاء» شنیدن آن هم باید برای شنونده جایز باشد، وگرنه اجازه فریاد به مظلوم لغو و نقض غرض خواهد بود؛ لذا عرف بین جواز تظلم و جواز استماع، تلازم می‌فهمد. نویسنده مقاله این فرآیند را یک استنتاج چند قاعده‌ای می‌داند که در آن غایت‌نگری (کشف هدف حکم)، قاعده نفی لغویت (پرهیز از عبث بودن قانون شارع)، دالالت اقتضاء و در نهایت دالالت التزامی (کشف تلازم عرفی) مانند ریشه، تنه و میوه یک درخت به هم پیوند خورده‌اند.

۴. جایگاه‌شناسی مفهومی

در ساحت اجتهاد، رویکرد رایج «مفهوم‌شناسی» (شناسایی ریشه‌های لغوی و ترسیم حدود معنایی واژه در حصار لغت نامه‌ها) است که پوسته و ظاهر معرفت است. اما فراسوی آن، افق «جایگاه‌شناسی وجودی مفهوم» قرار دارد؛ یعنی درک جایگاه وجودی یک واژه در منظومه تشریع و سنجش نسبت آن با مفاهیم پیرامونی که البته بر عبور دقیق از مرحله مفهوم‌شناسی استوار است. نقطه درخشان این شیوه در تحلیل فقیه از ماهیت «صلاة احتیاط» آشکار می‌شود. ایشان مرز میان «جزء» و «متمم» را ترسیم می‌کند و استدلال خود را «قاطع الکلام» می‌نامد. در روایات، نماز احتیاط جزو صلوات یومیه شمرده نشده بلکه «متمم» آن است و متمم با جزء فرق دارد (کامل کننده نماز ناقص است نه جزء آن). میوه این نگاه در مقام عمل این است که چون صلاة احتیاط جزء صلوات یومیه نیست، تحت شمول ادله مشروعیت جماعت قرار نمی‌گیرد و در حالت شک نمی‌توان به آن اقتدا کرد.

۵. تفکیک‌گرایی نسبت به آثار شرعی موضوع

این رویکرد شامل مرزبندی دقیق میان پیامدهای یک موضوع است؛ به طوری که فروپاشی و سقوط یک اثر شرعی، هرگز به معنای تسری این زوال به دیگر آثار مترتب بر آن موضوع نیست. این تفکیک از خلط مباحث و تعمیم‌های ناروا جلوگیری می‌کند.

تجلی این بحث در مبحث غیبت و پرده‌داری شخص عاصی (متجاهر به فسق) است. فقیه می‌پذیرد که هرگاه کسی حریم خود را بشکند و گناهی را عیان سازد، حرمت غیبت نسبت به همان گناه مکشوف از بین می‌رود. با این حال، این سقوط موضعی اثر شرعی، هرگز مجوزی برای نقض کامل حریم شخص، تجسس، کنجکاوی و پرده‌برداری از دیگر عیوب مستور و پنهان او صادر نمی‌کند و دیگر حریم‌های شرعی به قوت خود باقی هستند.

رهنورد

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

فصل سوم

۶. حساسیت نسبت به تنقیح مبانی

از استوانه‌های متین در هندسه استنباطی این فقیه، تبیین دقیق مبانی، حساسیت سترگ نسبت به تنقیح آن و پاسداری مرزدارانه از ثغور نظریه‌ها برای جلوگیری از لغزشگاه‌های فهم است. یک نمونه بارز آن، مواجهه فقیه با نظریه «خطابات قانونیه» امام خمینی است. ایشان معتقد است نحوه تقریر و تبیین برخی از اهل فن از این نظریه نشان می‌دهد که مغزا و لب‌الباب فرمایش صاحب نظریه درست فهمیده نشده و در محاق کج‌تابی رفته است. بر همین مدار، ایشان سالکان طریق استنباط را توصیه می‌کند که از غبار تقریرات ثانویه عبور کنند و برای دریافت عمق مراد، بی‌هیچ حجابی به اصل نوشته‌ها و مکتوبات یا تقریرات خود امام خمینی مراجعه کنند تا عیار فهم با متن اصیل سنجیده شود.

۷. سیاق‌گرایی در نص

در این مکتب روش‌شناختی، میان «سیاق ارزش‌گذاری» و «سیاق حکم‌گذاری» خندقی عمیق وجود دارد؛ یعنی هر نكوهش و مذمتی در متن آیه لزوماً به معنای تحریم فقهی و زایش یک حکم الزامی نیست. مجتهد ابتدا بررسی می‌کند که آیه در مقام تهذیب اخلاق است، یا توصیف واقعیت یا تشریع حکم تکلیفی. به عنوان نمونه، فقیه در هندسه تفسیری خود پیرامون آیه شریفه (وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مُكَاءً وَتَصْدِيَةً) تبیین می‌کند که این آیه در مقام تشریع و تقنین حکمی استقلالی پیرامون ممنوعیت افعالی مثل سوت و کف زدن نیست. بلکه قلمرو آیه، ترسیم سیمای میان‌تهی مشرکان، تقبیح سرزنش یک روحیه منحط و پرده‌برداری از یک سقوط ژرف معنوی است که در آن مشرکان حریم امن الهی را به منجلاب هیاهو و ابتذال تنزل داده‌اند. تقابل آیه، صف‌آرایی قرب در برابر ابتذال است و لحن آن زبان نکوهش اخلاقی است، نه لسان تحریم فقهی یک عمل فیزیکی.

۸. استکشاف اهتمام شارع

در دستگاه اجتهادی فقیه، بارگاه دلالت به الفاظ محدود نمی‌شود؛ بلکه گاه حقیقت احکام در طنین کلام، انباشتگی نصوص و فضای حاکم بر تشریع تجلی می‌یابد و فقیه نبض شریعت و میزان تپش اراده شارع را ردیابی می‌کند. گاهی لحن مقنن حکیم چنان شدید است یا تراکم و تضافر روایات در یک ساحت به قدری موج می‌زند که صلابت لحن و انبوهی نصوص، خود به تنهایی بار دلالت قطعی را بر دوش می‌کشند و مجتهد دیگر در انتظار سررسیدن عموم یا اطلاق لفظی نمی‌ماند. در این دستگاه تحلیلی، کشف اهتمام شارع یک گزینه مستقله و قاهره است. ثمره اصولی این اهتمام مضاعف آن است که در آوردگاه شک، جایی برای اجرای اصول تأمین‌دهنده و عذرتراش مانند «اصالت حلیت» و «اصالت برائت» باقی نمی‌ماند؛ زیرا صیانت از دغدغه‌های کلان و اهتمامات ویژه شریعت بر اجرای صورتی قواعد ظاهری و رهایی مکلف ارجحیت تام دارد.



در دستگاه اجتهادی

فقیه، بارگاه دلالت به

الفاظ محدود نمی‌شود؛

بلکه گاه حقیقت

احکام در طنین کلام،

انباشتگی نصوص و

فضای حاکم بر تشریع

تجلی می‌یابد و فقیه

نبض شریعت و میزان

تپش اراده شارع را ردیابی

می‌کند.



گزارشی از مقاله «تبیین نظام‌مند دین و نوآوری‌های تفسیری قائد شهید علیه السلام در کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن»

دکتر نجف لک‌زایی، رئیس پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، در مقاله‌ای با عنوان «تبیین نظام‌مند دین و نوآوری‌های تفسیری قائد شهید (قدس الله نفسه الزکیه) در کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن» به واکاوی مهم‌ترین نوآوری‌های کتاب «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن» پرداخته است. وی در این مقاله نشان می‌دهد که این اثر تنها یک تفسیر قرآن نیست، بلکه منظومه‌ای فکری برای فهم جامع اسلام، نظام‌سازی، حکمرانی و تمدن‌سازی به شمار می‌آید. در ادامه گزارشی از این مقاله را می‌خوانید.

رهت نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

فصل سوم

اسلام؛ یک مکتب جامع برای اداره جامعه

نویسنده در ابتدای مقاله، کتاب «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن» را حاصل جلسات تفسیر قرآن در ماه رمضان سال ۱۳۵۳ در مسجد امام حسن مجتبی (ع) مشهد معرفی می کند و معتقد است این اثر پاسخی به خلأ موجود در معرفی اسلام به عنوان یک مکتب اجتماعی و تمدنی بوده است. به نوشته وی، در دوره ای که مکاتب مادی مانند مارکسیسم و لیبرالیسم با ارائه الگوهای منسجم برای اداره جامعه میدان دار بودند، بسیاری از برداشت های رایج از اسلام به احکام فردی محدود شده بود. نویسنده کتاب تلاش کرده است این نگاه را تغییر دهد و اسلام را به عنوان آیینی جامع برای سامان دهی زندگی فردی و اجتماعی معرفی کند.

بازگشت به قرآن؛ مبنای فهم نظام مند دین

دکتر لک زایی یکی از مهم ترین ویژگی های این کتاب را تکیه بر قرآن کریم و روایات معتبر اهل بیت (ع) می داند. به اعتقاد او، نویسنده بر این باور است که دین باید از منابع اصیل استخراج شود، نه از برداشت های سلیقه ای و پراکنده. به گفته وی، این رویکرد زمینه فهمی منظومه ای از اسلام را فراهم می کند؛ فهمی که امکان استخراج نظام های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی اسلام را در اختیار پژوهشگران قرار می دهد.

آغاز دین شناسی از ایمان، نه مباحث انتزاعی

یکی از نوآوری های اصلی کتاب، تغییر نقطه آغاز مباحث اعتقادی است. نویسنده مقاله توضیح می دهد که برخلاف بسیاری از کتاب های کلامی که با اثبات فلسفی خدا آغاز می شوند، در این اثر «ایمان» محور اصلی قرار گرفته است. به باور وی، ایمان در این کتاب صرفاً یک باور ذهنی نیست، بلکه نیروی محرک انسان برای حرکت در مسیر زندگی فردی و اجتماعی است. چنین ایمانی باید آگاهانه، متعهدانه و عمل آفرین باشد و نتیجه طبیعی آن، عمل صالح و مسئولیت پذیری اجتماعی است.

ولایت؛ محور انسجام جامعه اسلامی

دکتر لک زایی در ادامه، ولایت را مهم ترین حلقه اتصال میان توحید و زندگی اجتماعی معرفی می کند. به نوشته او، در این کتاب ولایت دارای دو بعد است؛ ولایت طولی که رابطه انسان با خدا، پیامبر (ص) و ائمه (ع) و در عصر غیبت با فقیه جامع الشرایط را تبیین می کند و ولایت عرضی که بر پیوند مؤمنان با یکدیگر و شکل گیری امت واحده تأکید دارد. وی می افزاید که این شبکه ولایی بر سه پایه محبت، نصرت و سرپرستی استوار است و زمینه انسجام و مقاومت جامعه اسلامی را فراهم می کند.

بازتعریف مفاهیم بنیادین قرآن

نویسنده مقاله معتقد است یکی از مهم ترین نوآوری های کتاب، بازخوانی مفاهیم اساسی



نویسنده در ابتدای
مقاله، کتاب «طرح کلی
اندیشه اسلامی در
قرآن» را حاصل جلسات
تفسیر قرآن در ماه
رمضان سال ۱۳۵۳
در مسجد امام حسن
مجتبی (ع) مشهد معرفی
می کند و معتقد است
این اثر پاسخی به خلأ
موجود در معرفی اسلام
به عنوان یک مکتب
اجتماعی و تمدنی بوده
است.

قرآن با رویکردی اجتماعی و راهبردی است. به گفته او، تقوا در این اثر تنها به معنای پرهیزکاری فردی نیست، بلکه به معنای حضور هوشمندانه در میدان مبارزه با باطل تفسیر می‌شود. همچنین انفاق صرفاً کمک مالی نیست، بلکه هزینه‌کرد هدفمند امکانات برای رفع نیازهای اساسی جامعه است. امنیت نیز نتیجه ایمان و دوری از ظلم معرفی می‌شود و صرفاً به معنای امنیت نظامی نیست.

■ نگاه سیستمی به قرآن و روایات

دکتر لک‌زایی تأکید می‌کند که نویسنده کتاب در فهم روایات نیز نگاهی سیستمی دارد. او با اشاره به روایتی از کتاب کافی درباره پیروی از حاکم جائر، توضیح می‌دهد که در این نگاه، دین صرفاً مجموعه‌ای از اعمال فردی نیست، بلکه انسان در متن جریان‌های اجتماعی تعریف می‌شود. بنابراین اگر جامعه در مسیر ظلم حرکت کند، تقوای فردی به تنهایی ضامن رستگاری نخواهد بود.

■ حکمرانی اسلامی بر پایه ولایت و مسئولیت

در بخش دیگری از مقاله، ظرفیت‌های حکمرانی کتاب بررسی شده است. نویسنده توضیح می‌دهد که در این منظومه فکری، ولایت تنها یک اصل اعتقادی نیست، بلکه مبنای اداره جامعه است. رهبر جامعه مسیر حرکت را ترسیم می‌کند و امت مؤمن با ایمان، عمل صالح و مسئولیت‌پذیری اجتماعی در تحقق اهداف جامعه اسلامی نقش‌آفرینی می‌کند.

■ الگوی گذار از وضع موجود به وضع مطلوب

به اعتقاد دکتر لک‌زایی، کتاب «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن» الگویی روشن برای تحول اجتماعی ارائه می‌دهد. در این الگو، ابتدا وضعیت موجود شناسایی می‌شود، سپس وضعیت مطلوب ترسیم می‌شود و در نهایت با تکیه بر ایمان، رهبری الهی و مشارکت امت، مسیر رسیدن به آن طراحی می‌شود. نویسنده مقاله این منطق را یکی از پایه‌های نظری انقلاب اسلامی معرفی می‌کند.

■ منطق اولویت‌گذاری در سیاست‌گذاری

یکی دیگر از بخش‌های مهم مقاله، تبیین منطق اولویت‌ها در مدیریت و سیاست‌گذاری است. دکتر لک‌زایی می‌نویسد که از نگاه نویسنده کتاب، صرف درست بودن یک اقدام کافی نیست، بلکه باید میان امور «درست»، «لازم»، «فوری» و «حیاتی» تمایز قائل شد. به اعتقاد وی، این شیوه می‌تواند مبنای تصمیم‌گیری دستگاه‌های اجرایی، فرهنگی و تقنینی قرار گیرد و از اتلاف منابع جلوگیری کند.

■ امت‌سازی و تربیت انسان راهبردی

نویسنده مقاله یکی از مهم‌ترین ابعاد کتاب را توجه هم‌زمان به نقش رهبری و نقش مردم می‌داند. به گفته او، در این نگاه مردم تنها مخاطب حکومت نیستند، بلکه کنشگران اصلی تحقق دین در جامعه‌اند. انسان مطلوب قرآن، انسانی آینده‌نگر، مسئولیت‌پذیر و آماده حضور در میدان حل مسائل جامعه است. وی با اشاره به واقعه عاشورا، تأکید می‌کند که حتی حضور امام معصوم نیز بدون همراهی امت به نتیجه مطلوب نمی‌رسد و تحقق اهداف الهی نیازمند پیوند دائمی میان رهبری و مردم است.

رجعت نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

فصل سوم



نویسنده مقاله یکی

دیگر از محورهای

کتاب را آسیب شناسی

وضعیت مسلمانان

می داند.

به نوشته وی، کتاب

ریشه بسیاری از

مشکلات جهان اسلام را

در فاصله گرفتن میان

ایمان و عمل جست و جو

می کند. از این منظر،

صرف ادعای دینداری

یا انجام عبادات فردی

برای تحقق جامعه

اسلامی کافی نیست

و دین زمانی اثرگذار

خواهد بود که در عرصه

مسئولیت اجتماعی

و مبارزه با ظلم حضور

داشته باشد.

مقایسه اسلام با مکاتب رقیب

دکتر لک زایی در ادامه، رویکرد تطبیقی کتاب را بررسی می کند و می نویسد که نویسنده با شناخت دقیق جریان هایی مانند مارکسیسم، لیبرالیسم و نظام های سلطنتی، تلاش کرده است زبان سیاسی اسلام را احیا کند. به اعتقاد او، این مقایسه ها نشان می دهد که قرآن کریم ظرفیت ارائه نظریه دولت، امنیت، قدرت و اداره جامعه را دارد و می تواند پاسخگوی نیازهای دنیای معاصر باشد.

آسیب شناسی جهان اسلام

نویسنده مقاله یکی دیگر از محورهای کتاب را آسیب شناسی وضعیت مسلمانان می داند. به نوشته وی، کتاب ریشه بسیاری از مشکلات جهان اسلام را در فاصله گرفتن میان ایمان و عمل جست و جو می کند. از این منظر، صرف ادعای دینداری یا انجام عبادات فردی برای تحقق جامعه اسلامی کافی نیست و دین زمانی اثرگذار خواهد بود که در عرصه مسئولیت اجتماعی و مبارزه با ظلم حضور داشته باشد.

کتابی فراتر از یک تفسیر قرآن

دکتر لک زایی در بخش پایانی مقاله تأکید می کند که «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن» اثری چندرشته ای است که مباحث تفسیر، کلام، جامعه شناسی، سیاست، مدیریت، اخلاق، روان شناسی و حکمرانی را در کنار یکدیگر قرار داده است. به اعتقاد وی، این اثر میان حکمت نظری و حکمت عملی پیوند برقرار کرده و الگویی برای فهم نظام مند دین، تربیت انسان راهبردی، اداره جامعه و حرکت به سوی تمدن نوین اسلامی ارائه می دهد. از نگاه نویسنده، این کتاب همچنان یکی از مهم ترین منابع برای پژوهشگران حوزه اندیشه اسلامی، حکمرانی دینی و نظام سازی به شمار می رود.



گزارشی از مقاله «بایدها و نبایدهای استفاده از شبکه‌های مجازی از دیدگاه امام شهید حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای»

کمال اکبری در مقاله‌ای با عنوان «بایدها و نبایدهای استفاده از شبکه‌های مجازی از دیدگاه امام شهید حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای» تلاش کرده است منظومه فکری رهبر شهید انقلاب اسلامی درباره فضای مجازی را بازخوانی و مهم‌ترین اصول، الزامات و آسیب‌های حضور در این فضا را تبیین کند. نویسنده با مرور مجموعه‌ای از بیانات و رهنمودهای آیت‌الله خامنه‌ای، نشان می‌دهد که از منظر ایشان، فضای مجازی نه پدیده‌ای ذاتاً مثبت و نه ذاتاً منفی است، بلکه ارزش و کارکرد آن به نحوه استفاده، میزان آگاهی کاربران و کیفیت حکمرانی بر این فضا وابسته است. در ادامه گزارشی از این مقاله را می‌خوانید.

فضای مجازی؛ یکی از مهم ترین میدان های تحولات معاصر

نویسنده در ابتدای مقاله، فضای مجازی را یکی از مهم ترین پدیده های قرن بیست و یکم معرفی می کند که همه عرصه های زندگی انسان را تحت تأثیر قرار داده است. به اعتقاد وی، شبکه های اجتماعی امروز تنها ابزار ارتباط و انتقال اطلاعات نیستند، بلکه به بستری برای شکل دهی افکار عمومی، تغییر سبک زندگی، اثرگذاری بر فرهنگ، اقتصاد، سیاست و حتی امنیت کشورها تبدیل شده اند. به نوشته اکبری، همین گستردگی آثار و پیامدها سبب شده است که بهره گیری از این فناوری نیازمند چارچوب های اخلاقی، فرهنگی و هنجاری باشد تا ضمن استفاده از فرصت های فراوان آن، از آسیب های احتمالی نیز جلوگیری شود.

نگاه راهبردی به فضای مجازی

نویسنده تأکید می کند که در اندیشه آیت الله خامنه ای، فضای مجازی یک موضوع صرفاً فنی یا رسانه ای نیست، بلکه مسئله ای راهبردی و تمدنی است. به گفته وی، رهبر شهید انقلاب اسلامی همواره تأکید کرده اند که نباید با نگاه افراطی یا تفریطی به فضای مجازی نگریست. نه می توان آن را کاملاً تهدید دانست و نه باید بدون هیچ ملاحظه ای آن را فرصتی مطلق تلقی کرد. آنچه اهمیت دارد، نحوه مدیریت، میزان آگاهی کاربران و نوع استفاده از این ظرفیت گسترده است.

نویسنده معتقد است در این نگاه، فضای مجازی می تواند ابزاری برای توسعه علمی، گسترش معارف اسلامی، افزایش آگاهی عمومی، ارتقای سرمایه اجتماعی و تحقق جهاد تبیین باشد و در مقابل، اگر بدون مدیریت رها شود، به بستری برای نفوذ فرهنگی، جنگ شناختی، تحریف واقعیت ها و تضعیف هویت دینی تبدیل خواهد شد.

شبکه های اجتماعی؛ یکی از ابزارهای قدرت نرم

در بخش دیگری از مقاله، جایگاه شبکه های اجتماعی در اندیشه رهبر شهید بررسی شده است.

اکبری می نویسد که آیت الله خامنه ای شبکه های مجازی را بخشی از قدرت نرم کشورها می داند؛ ابزاری که می تواند در شکل دهی افکار عمومی، انتقال فرهنگ، آموزش، اقتصاد و امنیت ملی نقش آفرین باشد.

به اعتقاد نویسنده، از همین رو رهبر انقلاب نسبت به پذیرش بی قید و شرط پیام ها و محتواهای تولید شده توسط رسانه های وابسته به قدرت های سلطه گر هشدار داده اند. از نگاه ایشان، بسیاری از این رسانه ها صرفاً نقش اطلاع رسانی ندارند، بلکه در چارچوب پروژه های فرهنگی و سیاسی، برای تغییر نگرش ها و اثرگذاری بر نسل جوان فعالیت می کنند.



نویسنده تأکید می کند

که در اندیشه آیت الله

خامنه ای، فضای

مجازی یک موضوع

صرفاً فنی یا رسانه ای

نیست، بلکه مسئله ای

راهبردی و تمدنی است.

به گفته وی، رهبر شهید

انقلاب اسلامی همواره

تأکید کرده اند که

نباید با نگاه افراطی یا

تفریطی به فضای مجازی

نگریست.

❖ فرصت‌های فضای مجازی برای جامعه اسلامی

نویسنده در ادامه به ظرفیت‌های مثبت فضای مجازی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای می‌پردازد. به نوشته وی، رهبر شهید این فضا را فرصتی ارزشمند برای نشر معارف اسلامی، تبیین حقایق، توسعه ارتباطات علمی، تبادل تجربه، گسترش فعالیت‌های فرهنگی و افزایش مشارکت اجتماعی می‌داند. بر همین اساس، حضور فعال نیروهای فرهنگی، دانشگاہیان، نخبگان و جوانان در فضای مجازی، از منظر ایشان ضرورتی انکارناپذیر است؛ زیرا اگر نیروهای مؤمن و متخصص در این میدان نقش آفرینی نکنند، این عرصه در اختیار جریان‌های معارض و رسانه‌های بیگانه قرار خواهد گرفت.

❖ استفاده آگاهانه؛ نخستین اصل حضور در فضای مجازی

نویسنده مقاله، نخستین «باید» استفاده از شبکه‌های اجتماعی را آگاهی و مسئولیت‌پذیری معرفی می‌کند. به گفته وی، در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای کاربران نباید مخاطبانی منفعل باشند، بلکه لازم است قدرت تحلیل، تفکر انتقادی و سواد رسانه‌ای خود را افزایش دهند. اکبری توضیح می‌دهد که فضای مجازی محل انتشار هم‌زمان حقیقت و دروغ، اطلاعات صحیح و نادرست و پیام‌های سازنده و مخرب است؛ از این رو کاربران باید پیش از پذیرش یا انتشار هر محتوا، نسبت به اعتبار آن اطمینان حاصل کنند و با بصیرت رسانه‌ای در این فضا حضور داشته باشند.

❖ تولید محتوای فاخر؛ از مصرف‌کنندگی تا کنشگری

یکی دیگر از محورهای اصلی مقاله، ضرورت تولید محتوا است. نویسنده می‌گوید آیت‌الله خامنه‌ای معتقدند فضای مجازی نباید صرفاً محل مصرف اطلاعات باشد، بلکه هر کاربر می‌تواند در جایگاه یک رسانه، به تولید دانش، انتقال تجربه، پاسخ به شبهات و گسترش معارف اسلامی بپردازد. به اعتقاد نویسنده، رهبر شهید تولید محتوای مستند، امیدآفرین، اخلاق‌محور و مبتنی بر حقیقت را یکی از مهم‌ترین راهکارهای مقابله با جنگ نرم و جریان تحریف می‌داند.

❖ اخلاق رسانه‌ای؛ اصل جدایی‌ناپذیر فعالیت مجازی

در بخش دیگری از مقاله، اخلاق رسانه‌ای به عنوان یکی از ارکان اصلی استفاده از شبکه‌های اجتماعی معرفی شده است. اکبری می‌نویسد که از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، فضای مجازی از نظر اخلاقی تفاوتی با فضای واقعی ندارد و همه ارزش‌های اسلامی در این فضا نیز باید رعایت شود. صداقت، امانت‌داری، احترام به شخصیت افراد، پرهیز از توهین، افترا، تمسخر، هتک حرمت و رعایت حقوق دیگران، از مهم‌ترین اصول اخلاقی مورد تأکید ایشان است.

❖ جهاد تبیین؛ مهم‌ترین مأموریت در فضای مجازی

نویسنده، جهاد تبیین را یکی از کلیدی‌ترین مفاهیم مورد تأکید رهبر شهید در سال‌های اخیر می‌داند. به نوشته وی، آیت‌الله خامنه‌ای فضای مجازی را مهم‌ترین عرصه برای روشنگری، پاسخ‌گویی به شبهات، مقابله با شایعات و جلوگیری از تحریف واقعیت‌ها معرفی کرده‌اند.

بر همین اساس، حضور فعال نیروهای متخصص، متعهد و آگاه در این میدان، از نگاه ایشان ضرورتی فرهنگی و اجتماعی است و غفلت از آن، زمینه گسترش روایت‌های نادرست و سلطه رسانه‌ای دشمن را فراهم می‌کند.

حفظ هویت اسلامی. ایرانی

در ادامه مقاله، حفظ هویت فرهنگی یکی دیگر از بایدهای حضور در فضای مجازی معرفی شده است.

نویسنده توضیح می‌دهد که از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، یکی از اهداف جنگ نرم، تغییر سبک زندگی و تضعیف هویت اسلامی و ملی ملت هاست. از همین رو، کاربران باید از ظرفیت شبکه‌های اجتماعی برای معرفی فرهنگ اسلامی، تقویت هویت ایرانی، ترویج سبک زندگی اسلامی و انتقال میراث فرهنگی استفاده کنند و تولید محتوای بومی را در اولویت قرار دهند.

استقلال در فضای مجازی

اکبری یکی دیگر از محورهای اندیشه رهبر شهید را استقلال فناوری و رسانه‌ای می‌داند. به نوشته وی، آیت‌الله خامنه‌ای وابستگی کامل به زیرساخت‌ها و سکوها خارجی را با امنیت فرهنگی و اطلاعاتی کشور ناسازگار می‌داند و بر توسعه شبکه‌های بومی، حمایت از فناوری داخلی و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های ملی تأکید کرده‌اند. نویسنده این موضوع را صرفاً یک مسئله فنی نمی‌داند، بلکه آن را بخشی از استقلال فرهنگی، اقتصادی و سیاسی کشور ارزیابی می‌کند.

اعتماد بی ضابطه به رسانه‌های بیگانه؛ نخستین آسیب

در بخش دوم مقاله، نویسنده مهم‌ترین «نبایدها» را بررسی می‌کند. نخستین هشدار آیت‌الله خامنه‌ای، اعتماد بدون تحلیل به رسانه‌های خارجی و شبکه‌های وابسته به قدرت‌های سلطه‌گر است. اکبری می‌نویسد که از دیدگاه رهبر شهید، بسیاری از این رسانه‌ها با اهداف سیاسی، فرهنگی و روانی فعالیت می‌کنند و تلاش دارند افکار عمومی را در جهت منافع خود هدایت کنند؛ از این رو کاربران باید همواره منشأ اخبار و اهداف تولیدکنندگان محتوا را مورد بررسی قرار دهند.

شایعات و اخبار جعلی؛ ابزار جنگ شناختی

نویسنده، انتشار اخبار کذب و شایعات را از دیگر آسیب‌های مهم فضای مجازی معرفی می‌کند. به اعتقاد وی، رهبر شهید این پدیده را یکی از ابزارهای جنگ روانی و جنگ شناختی می‌داند که می‌تواند اعتماد عمومی را کاهش داده و جامعه را دچار اضطراب و اختلاف کند.



در بخش دوم مقاله،

نویسنده مهم‌ترین

«نبایدها» را بررسی

می‌کند.

نخستین هشدار

آیت‌الله خامنه‌ای،

اعتماد بدون تحلیل

به رسانه‌های خارجی

و شبکه‌های وابسته

به قدرت‌های سلطه‌گر

است.



از همین رو، کاربران نباید بدون اطمینان از صحت اخبار، آنها را بازنشر کنند و باید نسبت به آثار اجتماعی محتوایی که منتشر می‌کنند، احساس مسئولیت داشته باشند.

مقابله با فساد اخلاقی و ابتدال فرهنگی

اکبری در ادامه می‌نویسد که یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های آیت‌الله خامنه‌ای، گسترش محتوای غیراخلاقی و تغییر سبک زندگی اسلامی در فضای مجازی است. به گفته وی، رهبر شهید معتقدند جریان سلطه با استفاده از شبکه‌های اجتماعی تلاش می‌کند فرهنگ مصرف‌گرایی، فردگرایی، ابتدال و تضعیف بنیان خانواده را ترویج کند. بر همین اساس، حفظ عفت عمومی، پاسداری از ارزش‌های اخلاقی و پرهیز از تولید یا انتشار محتوای ناسازگار با فرهنگ اسلامی، از مهم‌ترین مسئولیت‌های کاربران محسوب می‌شود.

احترام به کرامت انسان‌ها

نویسنده همچنین به موضوع حفظ کرامت انسان‌ها در فضای مجازی اشاره می‌کند. از نگاه آیت‌الله خامنه‌ای، توهین، تخریب شخصیت، تهمت، افتراء، تمسخر و نقض حریم خصوصی افراد، مغایر با اخلاق اسلامی است و هیچ تفاوتی میان فضای واقعی و مجازی در این زمینه وجود ندارد. به اعتقاد نویسنده، رعایت حقوق دیگران و احترام به آبرو و حیثیت افراد، یکی از مهم‌ترین الزامات اخلاق رسانه‌ای است.

جنگ نرم و ضرورت هوشیاری فرهنگی

در بخش دیگری از مقاله، مفهوم جنگ نرم به عنوان یکی از ارکان اندیشه رهبر شهید درباره فضای مجازی بررسی شده است.

اکبری می نویسد که از دیدگاه آیت الله خامنه ای، فضای مجازی امروز میدان اصلی تقابل فرهنگی و رسانه ای است و دشمنان تلاش می کنند از این طریق باورها، ارزش ها و هویت ملت ها را تغییر دهند. به همین دلیل، افزایش بصیرت، ارتقای سواد رسانه ای و حضور فعال نیروهای فرهنگی در این میدان، ضرورتی اجتناب ناپذیر است.

وابستگی فناورانه؛ تهدیدی برای استقلال کشور

نویسنده در ادامه، وابستگی کامل به زیرساخت های خارجی را یکی دیگر از آسیب های مهم فضای مجازی می داند.

وی با استناد به دیدگاه های آیت الله خامنه ای می نویسد که استقلال فضای مجازی، بخشی از اقتدار ملی است و توسعه شبکه های بومی، تقویت امنیت اطلاعات، حمایت از شرکت های داخلی و کاهش وابستگی به سکوهای خارجی، از الزامات این استقلال محسوب می شود.

جمع بندی

کمال اکبری در پایان مقاله نتیجه می گیرد که منظومه فکری آیت الله خامنه ای درباره فضای مجازی، برنگاهی واقع بینانه، فعال و تمدنی استوار است. در این نگاه، فضای مجازی می تواند به فرصتی برای رشد علمی، فرهنگی، اجتماعی و تقویت قدرت نرم کشور تبدیل شود، مشروط بر آنکه استفاده از آن بر پایه آگاهی، اخلاق، مسئولیت پذیری و حکمرانی صحیح صورت گیرد.

به باور نویسنده، مهم ترین بایدهای این منظومه فکری عبارت اند از ارتقای سواد رسانه ای، حضور آگاهانه، تولید محتوای فاخر، رعایت اخلاق اسلامی، تحقق جهاد تبیین، حفظ هویت اسلامی. ایرانی و حمایت از فناوری های بومی. در مقابل، اعتماد بی ضابطه به رسانه های بیگانه، انتشار شایعات، اشاعه محتوای غیر اخلاقی، هتک حرمت افراد، غفلت از جنگ نرم و وابستگی به زیرساخت های خارجی، مهم ترین آسیب هایی هستند که رهبر شهید نسبت به آنها هشدار داده اند.

نویسنده در پایان تأکید می کند که برآیند این دیدگاه ها، ارائه الگویی برای استفاده مسئولانه از فضای مجازی است؛ الگویی که بر سه محور «بصیرت و سواد رسانه ای»، «اخلاق و مسئولیت پذیری» و «استقلال و اقتدار در فضای مجازی» استوار است و می تواند زمینه ساز شکل گیری فضایی سالم، امن و کارآمد در مسیر پیشرفت فرهنگی و تمدنی جامعه اسلامی باشد.



گزارشی از مقاله «بعثت زنان در جنگ تحمیلی سوم»

بعثت زنان؛ از حضور در خیابان تا استمرار مسیر تمدن سازی

مهدیه محمدی عراقی، دکتری حقوق خصوصی و پژوهشگر پژوهشگاه علوم و

معارف انقلاب اسلامی

مقاله «بعثت زنان در جنگ تحمیلی سوم» با رویکردی تمدنی، به بررسی جایگاه زنان در تحولات پس از شهادت رهبر شهید انقلاب می پردازد و تلاش می کند نقش زنان را در استمرار انقلاب اسلامی و حرکت به سوی تمدن نوین اسلامی تبیین کند. نویسنده با تکیه بر منظومه فکری رهبر شهید، حضور زنان در صحنه های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را نه یک واکنش مقطعی، بلکه نتیجه سال ها تربیت فکری و گفتمانی در مکتب انقلاب اسلامی می داند.

به اعتقاد نویسنده، دشمنان جمهوری اسلامی تصور می کردند شهادت رهبر انقلاب موجب فروپاشی انسجام اجتماعی خواهد شد، اما حضور گسترده مردم و به ویژه زنان در مراسم تشییع و میدان های اجتماعی، معادلات آنان را برهم زد و نشان داد که شهادت رهبر، آغاز مرحله ای تازه از خیزش مردمی و «بعثت مردم» است؛ بعثتی که زنان در آن نقشی محوری و تعیین کننده ایفا کردند.

تمدن نوین اسلامی بدون نقش آفرینی زنان شکل نمی گیرد

نویسنده در آغاز مقاله، تحقق تمدن نوین اسلامی را آرمان نهایی انقلاب اسلامی معرفی می کند و با استناد به بیانیه گام دوم انقلاب، تأکید دارد که تحقق این هدف، بدون حضور فعال همه ظرفیت های جامعه، به ویژه زنان، ممکن نیست. به باور وی، زنان تنها نیمی از جمعیت جامعه نیستند، بلکه محور خانواده، انسان ساز و جامعه ساز به شمار می روند. از همین رو، نقش آنان در فرآیند تمدن سازی صرفاً محدود به خانواده نیست، بلکه در عرصه های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و حتی میدان های جهاد نیز امتداد پیدا می کند. مقاله تأکید می کند که انقلاب اسلامی با فراهم کردن زمینه حضور زنان در عرصه های مختلف، ظرفیت های جدیدی را برای ایفای نقش آنان ایجاد کرد و رهبر شهید نیز همواره این ظرفیت را یکی از مهم ترین سرمایه های تمدنی جمهوری اسلامی می دانستند.

تشییع رهبر شهید؛ جلوه ای از بعثت مردم و زنان

یکی از محورهای اصلی مقاله، تحلیل مراسم تشییع رهبر شهید است. نویسنده این مراسم را صرفاً یک آیین سوگواری نمی داند، بلکه آن را «بیانیه ای تاریخی» و نمادی از شکل گیری نظم سیاسی جدید معرفی می کند. به اعتقاد وی، شعار «باید برخاست» و حضور گسترده مردم، به ویژه زنان، نشان داد که شهادت رهبر نه موجب توقف انقلاب، بلکه زمینه ساز شکل گیری مرحله ای تازه از حرکت اجتماعی شده است.

در این نگاه، زنان با حضور فعال خود در خیابان ها و مراسم تشییع، پیام روشنی به افکار عمومی جهان مخابره کردند؛ پیامی که از استمرار مسیر انقلاب، حفظ انسجام ملی و آمادگی جامعه برای ادامه راه حکایت دارد.

جهاد اجتماعی؛ مسئولیتی مشترک برای زنان و مردان

بخش مهمی از مقاله به تبیین جایگاه زنان در مسئولیت های اجتماعی اختصاص دارد.

نویسنده با استناد به آیات قرآن و بیانات رهبر شهید، معتقد است که مسئولیت های اجتماعی و جهادی، اختصاصی به مردان ندارد و زنان نیز همانند مردان در قبال حفظ جامعه اسلامی، مقابله با تهدیدها و پیشبرد اهداف انقلاب مسئول هستند.

از نگاه مقاله، رهبر شهید همواره زنان را به حضور فعال در عرصه های اجتماعی،



یکی از محورهای اصلی

مقاله، تحلیل مراسم

تشییع رهبر شهید است.

نویسنده این مراسم را

صرفاً یک آیین سوگواری

نمی داند، بلکه آن را

«بیانیه ای تاریخی» و

نمادی از شکل گیری

نظم سیاسی جدید

معرفی می کند.



شناخت مسائل کشور، آگاهی سیاسی، شناخت دشمن و مشارکت در دفاع از منافع امت اسلامی فراخوانده‌اند. بر همین اساس، مشارکت زنان در صحنه‌های اجتماعی، نه امری تشریفاتی، بلکه تکلیفی دینی و تمدنی تلقی می‌شود.

■ زنان؛ تربیت‌یافتگان مکتب رهبر شهید

نویسنده یکی از مهم‌ترین دلایل حضور گسترده زنان در تحولات اخیر را تربیت فکری آنان در مکتب رهبر شهید می‌داند.

به اعتقاد وی، زنانی که سال‌ها با آموزه‌های رهبر انقلاب رشد کرده‌اند، در بزنگاه‌های تاریخی توانستند آنچه را آموخته بودند، در میدان عمل به نمایش بگذارند.

رحمت نور

به مناسبت بدرقه
امام مجاهد شهید

فصل سوم



مقاله تأکید می کند که
زنان می توانند علاوه بر
نقش آفرینی در خانواده،
در عرصه های فرهنگی،
سیاسی، اقتصادی و
اجتماعی نیز حضوری
اثربخش داشته باشند.
نویسنده معتقد است
پیشگامی زنان در جنگ
تحمیلی سوم و حضور
آنان برای حفظ آرامش
اجتماعی و جلوگیری از
آشوب، نمونه ای عینی از
همان آموزه هایی است
که رهبر شهید سال ها بر
آن تأکید کرده بودند.

مقاله تأکید می کند که این حضور ناگهانی و اتفاقی نبود، بلکه نتیجه سال ها آگاهی بخشی، تربیت فرهنگی و تأکید بر مسئولیت اجتماعی زنان بود.

از این منظر، زنان به خوبی دریافتند که شهادت رهبر، پایان راه نیست، بلکه مسئولیتی سنگین تر برای ادامه مسیر انقلاب بر دوش آنان قرار داده است.

عرصه های تمدن سازی زنان

در ادامه، مقاله مهم ترین عرصه های نقش آفرینی زنان در مسیر تمدن سازی را برمی شمارد.

نخستین عرصه، جهاد تبیین است. نویسندگان با اشاره به الگوهایی همچون حضرت زهرا علیها السلام و حضرت زینب علیها السلام، تبیین حقیقت و مقابله با تحریف را از مهم ترین مسئولیت های زنان می داند.

به باور وی، زنان در جریان تحولات اخیر، با حضور فعال در عرصه روایت و روشنگری، مانع غلبه روایت دشمن شدند و در نبرد رسانه ای نقش مهمی ایفا کردند.

مشارکت اجتماعی؛ از خانواده تا خیابان

دومین عرصه، مشارکت اجتماعی زنان است.

مقاله تأکید می کند که زنان می توانند علاوه بر نقش آفرینی در خانواده، در عرصه های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نیز حضوری اثربخش داشته باشند. نویسنده معتقد است پیشگامی زنان در جنگ تحمیلی سوم و حضور آنان برای حفظ آرامش اجتماعی و جلوگیری از آشوب، نمونه ای عینی از همان آموزه هایی است که رهبر شهید سال ها بر آن تأکید کرده بودند. به باور وی، نسل جدید اکنون بهتر از گذشته معنای سخن رهبر شهید را درک می کند که «اگر زنان در حرکت اجتماعی یک ملت حضور نداشته باشند، آن حرکت به مقصد نخواهد رسید».

تربیت نسل؛ مهم ترین جهاد زنان

سومین عرصه تمدن سازی، تربیت نسل آینده معرفی می شود.

نویسنده تأکید دارد که از نگاه رهبر شهید، نقش مادری همچنان بنیادی ترین مسئولیت زنان است و تربیت انسان های مؤمن، آگاه و مسئول، مهم ترین پایه تمدن نوین اسلامی به شمار می رود.

در این نگاه، مادر تنها پرورش دهنده فرزند نیست، بلکه سازنده هویت ملی، دینی و تمدنی نسل آینده است.

الگوهای تاریخی زنان مجاهد

مقاله سپس به معرفی الگوهای زن مسلمان در اندیشه رهبر شهید می پردازد.

حضرت زهرا علیها السلام، حضرت زینب علیها السلام، حضرت معصومه علیها السلام و همچنین برخی زنان مجاهد معاصر همچون شهیده بنت الهدی صدر، به عنوان نمونه‌های برجسته مشارکت اجتماعی زنان معرفی شده‌اند. به اعتقاد نویسنده، این الگوها نشان می‌دهند که زن مسلمان می‌تواند در عین حفظ جایگاه خانوادگی، در مهم‌ترین میدان‌های اجتماعی و تاریخی نیز نقش آفرین باشد.

❖ ولایت اجتماعی زنان؛ فراتر از مسئولیت‌های مدیریتی

یکی از مباحث مهم مقاله، مفهوم «ولایت اجتماعی زنان» است. نویسنده با استناد به پیام رهبر شهید به کنگره هفت هزار زن شهید، معتقد است ولایت اجتماعی تنها به حضور در مناصب مدیریتی محدود نمی‌شود. از نگاه وی، هر زن می‌تواند متناسب با توانایی‌ها، مسئولیت‌ها و شرایط خود، در تحقق ولایت اجتماعی نقش داشته باشد؛ خواه از طریق تربیت نسل، خواه فعالیت فرهنگی، جهاد تبیین، مشارکت اجتماعی یا حضور در بزنگاه‌های تاریخی. بر همین اساس، حضور زنان در خیابان‌ها و مراسم تشییع رهبر شهید، یکی از مهم‌ترین جلوه‌های عملی ولایت اجتماعی آنان معرفی می‌شود.

❖ بعثت زنان؛ پیام مقاومت به جهان

در بخش پایانی، مقاله مفهوم «بعثت زنان» را تشریح می‌کند. نویسنده معتقد است مهم‌ترین ویژگی زنان در این مقطع تاریخی، تاب‌آوری، امیدآفرینی و حفظ روحیه جامعه بود. به باور وی، اگر زنان در شرایط بحرانی نتوانسته بودند آرامش خانواده‌ها را حفظ کنند و با حضور خود امید را به جامعه بازگردانند، عبور از بحران دشوارتر می‌شد. مقاله تأکید می‌کند که حضور گسترده زنان در خیابان‌ها و مراسم تشییع، تصویر متفاوتی از زن مسلمان به جهان ارائه کرد؛ تصویری که با روایت‌های رسانه‌های معارض تفاوت اساسی داشت و نشان داد زنان ایرانی، با حفظ هویت دینی، می‌توانند در مهم‌ترین میدان‌های اجتماعی نیز حضوری فعال، مسئولانه و اثرگذار داشته باشند.

❖ نتیجه‌گیری؛ زنان، ستون‌های استمرار مسیر انقلاب

نویسنده در پایان نتیجه می‌گیرد که مراسم تشییع رهبر شهید، تنها یک مراسم سوگواری نبود، بلکه نمایش انسجام ملی و آغاز مرحله‌ای تازه از حرکت تمدنی مردم ایران محسوب می‌شد. در این میان، زنان با تکیه بر الگوی سوم زن مسلمان، نقش تعیین‌کننده‌ای در استمرار این مسیر ایفا کردند و نشان دادند که جهاد فرهنگی، اجتماعی و تمدنی آنان، در متن پروژه تمدن نوین اسلامی قرار دارد. از نگاه مقاله، شهادت رهبر شهید نه پایان راه، بلکه نقطه آغاز خیزشی تازه بود؛ خیزشی که زنان در آن، با حضور آگاهانه، مسئولانه و اثرگذار خود، یکی از مهم‌ترین ارکان تداوم انقلاب و حرکت به سوی تمدن نوین اسلامی به شمار می‌آیند.

